اطلاع ۔ اس مطبع میں ہر علم و فن کی کتب کا ذخیرہ سلسلہ وار فروخت کے لیے موجود ہے جسکی فہرست مطول ہر ایک شائق کو چھاپہ خانہ سے مل سکتی ہے جسکے معاینہ و ملاحظہ سے شائقان اصلی حالات کتب کے معلوم فرما سکتے ہیں قیمت بھی ارزان ہے اس کتاب کے ٹیٹل پیج کے تین صفحہ جو سادہ ہیں انمیں بعض کتب علم فقہ وغیرہ فارسی و اردو مذہب امامیہ کی درج کرتے ہیں تاکہ جس فن کی یہ کتاب ہے اُس فن کی اور بھی کتب موجودہ کارخانہ سے قدر دانون کو آگاہی کا ذریعہ حاصل ہو

کتب فارسی و اُردو مذہب امامیہ

حیات القلوب جلد اول ۔ یہ ایک کتاب نوادر روزگار سے ہے کہ سواے کتبخانۂ امرا و علما کے جسکا میسر آنا دشوار تھا حالات و قصص انبیا میں بروایات صحیحہ مذہب اثنا عشریہ تصنیف عالم ربانی ملا محمد باقر بن محمد تقی المجلسی الاصفہانی کہ جو تین جلدیں ہے منجملہ اسکے اس جلد میں احوال حضرت آدم علے نبینا و علیہ السلام سے تا حضرت عیسیٰ علیہ السلام مع قصص حضرت دانیال و حضرت یونسؑ و اصحاب کہف و اصحاب اخدود و حضرت جرجیس و اخبار دیگر پیغمبران بنی اسرائیل و بعضے بادشاہان اہل زمین تا قصہ ہاروت و ماروت بشرح و مفصل ہے چھپ کر تیار ہے ۔

جلد ثانی ۔ کہ منجملہ نوادر کتب کے ہے نہایت مبسوط و طولانی مختص بر احوال سعادت اشتمال جناب سرور کائنات حضرت محمد مصطفےٰ صلے اللہ علیہ و آلہ از ظہور ولادت و بعثت و جملہ معجزات و غزوات و سائر واقعات و عجائبات و غرائبات تا فضائل بعضے از اصحاب کرام ذوی الاحترام ۔

جلد ثالث ۔ بیان امامت و اثبات امامت ائمہ اثنا عشر صلوات اللہ علیہم بہ براہین و نص قرآنی و احادیث سرور و جہانی ۔

زاد المعاد ۔ محشے و مترجم یہ کتاب مذہب امامیہ کی اعمال اور وظائف میں اور اوراد سے ہے پورے سال یعنے بارہ مہینوں کے اعمال نہایت مبسوط اسمیں موجود ہیں تصنیف جناب ملا آخوند محمد باقر مجلسی علیہ الرحمۃ بتصحیح علماے مذہب امامیہ کاغذ سفید پر خوشخط مع حاشیہ عمدہ و نایاب چھپی ہے

بشارۃ الاسلام فی احکام الصیام ۔ یہ کتاب مستطاب فیض انتساب بزبان فارسی تصنیفات عالم علوم جلی و خفی حجۃ الاسلام مجتہد العصر و الزمان جناب مفتی مولوی سید محمد عباس صاحب لکھنوی سے ہے ۔ اس کتاب لاجواب میں روزہ دارون کے ثواب اور روزے کے آداب نہایت مبسوط اور مفصل تحریر فرمائے ہیں اور روزہ خورون کی شقاوت اور خباثت کو کس خوبصورتی سے بیان فرمایا ہے جسکے پڑھنے سے ماہ رمضان المبارک کی عظمت و جلالت اور روزہ دارون کی قدر و منزلت صاف صاف معلوم ہو جاتی ہے احادیث صحیحہ سے جناب مصنف نے ہر فقرہ کا ثبوت دیا ہے اور دلائل عقلی و نقلی و نصوص قرآنی سے صوم اور صائم کی عظمت ظاہر فرمائی ہے

فهرست ابواب و فصول حلیة المتقین که مشتمل است بر چهارده باب و خاتمه و هر بابی متضمن است بدوازده فصل

اللهم حلنا بحلیة المتقین و زینة العابدین
ہزاران ہزار شکر ایزد و منان خلاق انس و جان کہ درین زمان میمنت نشان کتاب لاجواب مشتمل بر مکارم اخلاق و محاسن آداب
اعنی
حلیة المتقین
از تالیفات
قبلہ ارباب یقین و قدوۂ المحدثین زین السالکین مولانا محمد باقر مجلسی علیہ الرحمہ بنگرانی تصحیح و نظر ثانی عبد نبی مدعو بجانی محمد علی مدرس مدرسہ ایمانی
در مطبع نامی گرامی منشی نول کشور بمقام لکھنؤ لباس طبع پوشید

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی حلّی انبیائه المرسلین باحسن حلیة المتقین وبعث نخبة اصفیائه
محمداً صلّی الله علیه وآله لتتمیم مکارم اخلاق المومنین واکمل فی اوصیائه المنتجبین
افضل خصال النبیّین فصلوات الله علیه وعلیهم عدد انفاس المسبّحین من
الملائکة والناس اجمعین ولعنة الله علی اعدائهم ملأ السموات والارضین

اما بعد چنین گوید تراب اقدام مومنین وخادم طلبهٔ علوم ائمهٔ طاهرین محمد باقر بن محمد تقی حشرهما الله مع موالیهما الطاهرین
صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین که چون عمدهٔ امتیاز بنی نوع انسان از سایر انواع حیوان بتخلق اخلاق حسنه
وتزین بآداب مستحسنه است وبمقتضای حدیث شریف نبوی صلی الله علیه وآله بعثت لاتمم مکارم الاخلاق تمامی آداب
پسندیده واخلاق حمیده در شرع انور ودین اظهر آنحضرت ظاهر ومبین گردید وچون مختصری از مکارم اخلاق
در کتاب عین الحیوة بیان شده بود وجمعی از سالکان مسالک سعادت وناهجان مناهج متابعت اهلبیت
رسالت صلی الله علیه وآله ازین ذرهٔ حقیر التماس نمودند که رساله در بیان محاسن آداب که از طریق ائمهٔ طاهرین
صلوات الله علیهم اجمعین باسانید معتبره باین قلیل البضاعه رسیده باشد بر وجه اختصار تحریر نماید
وبجهت عموم نفع نسبت باهل این دیار مضامین اخبار را در لباس لغت فارسی قریب الفهم بجلوه درآورد لهذا

با ضیق مجال وکثرت اشتغال رعایت حقوق اخوت ایمانی لازم دانسته و بمقتضای حدیث الدال علی الخیر کفاعله امیدوار گردیده اجابت ملتمس ایشان نمود و بر چهارده باب و خاتمه مرتب گردانید باب اول در آداب لباس باب دوم در آداب حلی و زیور پوشیدن و سرمه کشیدن و در آئینه نظر کردن و خضاب کردن باب سوم در آداب خوردن و آشامیدن باب چهارم در فضیلت تزویج و آداب مجامعت و معاشرت زنان و کیفیت تربیت فرزندان و معاشرت ایشان باب پنجم در آداب مسواک کردن و ناخن و شارب گرفتن و سر تراشیدن و شانه کردن و امثال اینها باب ششم در آداب بوی خوش کردن و گل خوشبو بوئیدن و روغن مالیدن باب هفتم در آداب حمام رفتن و دارو کشیدن و امثال آن باب هشتم در آداب خواب رفتن و بیدار شدن و بیت الخلا رفتن باب نهم در آداب حجامت و تنقیه و ذکر بعضی از ادعیه و احراز و خواص بعض از ادویه و معالجه بعضی از امراض باب دهم در آداب ملاقات و معاشرت مومنان و حقوق اصناف ایشان باب یازدهم در آداب مجالس و سلام و عطسه و مصافحه و معانقه و امثال اینها باب دوازدهم در آداب خانه داخل شدن و بیرون رفتن باب سیزدهم در آداب سوار شدن و راه رفتن و بازار رفتن و تجارت و زراعت نمودن و چارپایان نگاهداشتن باب چهاردهم در آداب سفر خاتمه در بیان بعضی از فوائد متفرقه و هر یک از این ابواب را بر دوازده فصل مشتمل ساخت و بکتاب حلیۃ المتقین مسمی گردانید مامول از ناظران درین رساله شافیه و عاملان باین عجاله وافیه آنکه این مجرم خطاپیشه را بدعای مغفرت و استدعای رحمت یاد نمایند و خطاهای لفظی و معنوی این معترف بعجز و قصور را مواخذه ننمایند واللہ الموفق والمعین

باب اول در بیان آداب جامه و کفش پوشیدن فصل اول در فضیلت تجمل و زینت کردن بدانکه موافق احادیث معتبره بسیار زینت کردن و جامهای پاکیزه و فاخره پوشیدن هرگاه که از حلال بهم رسد و مناسب حال او باشد سنت ست و موجب خوشنودی پروردگار است و اگر از حلال بهم نرسد بهرچه میسر شود باید قناعت نماید و تحصیل زیادتی های لباس را مانع عبادت الہی نگرداند و اگر حق تعالی روزی او فراخ گرداند در خور آن بخورد و بپوشد و صرف نماید و به برادران مومن بدهد و اگر روزی بر او تنگ شود قناعت نماید و بحرام و شبهه خود را آلوده نکند چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام منقول ست که هرگاه خدای تعالی نعمتی به بنده کرامت فرماید و اثر آن نعمت بر وظاهر شود او را دوست خدا نامند و یاد کننده نعمت پروردگار خود خواهد بود و اگر بر وظاهر نشود او را دشمن خدا نامند و تکذیب کننده نعمت پروردگار خود خواهد بود و در حدیث دیگر از آنحضرت صلی اللہ علیہ و آلہ منقول ست که هرگاه حق تعالی به بنده نعمتی

کرامت فرماید دوست میدارد که اثر آن نعمت بر او ظاهر گردد و به بیند و از حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه منقول
است که باید از برای برادر مومن خود زینت کند چنانچه برای بیگانه زینت میکند که خواهد شما را
به نیکوترین هیئتی به بیند و بسند معتبر منقول ست که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در تابستان بر
روی حصیر می نشستند و در زمستان بر روی پلاس و در خانه جامهای گنده میپوشیدند و چون بیرون
می آمدند برای مردم زینت میکردند و از حضرت صادق علیه السلام منقول ست که حق تعالی زینت
و اظهار نعمت را دوست میدارد و ترک زینت و اظهار بدحالی را دشمن میدارد و دوست میدارد که اثر نعمت خود
را در بنده خود به بیند باینکه جامه خود را پاکیزه کند و خود را خوشبو دارد و خانه خود را نیکو دارد و ساحتهای
خانه را برو بد حتی آنکه چراغ پیش از فرو رفتن آفتاب روشن کردن فقر را زائل میکند و روزی را زیاده
میکند و از حضرت امیرالمومنین علیه السلام منقول ست که حق تعالی جمعی را خلق کرده است که برای
شفقت بر ایشان دنیا را تنگ کرده است بر ایشان و محبت دنیا را از دل ایشان برداشته است پس
بسوی آخرت که حق تعالی ایشان را بسوی آن خوانده است راغب گردیده اند و بر تنگی معاش و مکروهات دنیا
صبر میکنند و مشتاقند بآنچه نزد خداست از کرامت ابدی و جان خود را در رضای خدا در باخته اند و آخر کار ایشان
شهادت است پس چون بنشاء آخرت در روند حق تعالی از ایشان خوشنود باشد و میدانند که مرگ راهی ست
که همه را در پیش است پس توشه برای آخرت خود اندوخته اند و طلا و نقره جمع نکرده اند و جامهای گنده میپوشند
و بقوت ضروری قناعت مینمایند و زیادتی را در راه خدا میدهند که توشه آخرت ایشان باشد و از برای
خدا با نیکان دوستی و از برای خدا با بدان دشمنی مینمایند ایشانند چراغهای راه هدایت و ایشانند
متنعم بنعیم آخرت و یوسف بن ابراهیم گوید که بخدمت حضرت ابی عبدالله علیه السلام رفتم و جامهای
خز پوشیده بودم پرسیدم که چه میفرمائید در جامه خز فرمود باکی نیست بدرستیکه چون حضرت امام
حسین صلوات الله علیه شهید شد جامه خز پوشیده بود و چون حضرت امیرالمومنین علیه السلام عبدالله
بن عباس را فرستاد که با خوارج نهروان سخن گوید بهترین جامهای خود را پوشید و به بهترین بوهای
خوش خود را خوشبو کرد و بر بهترین اسپان سوار شد و در برابر ایشان رفت گفتند تو از بهترین
مردمی چرا لباس جباران را پوشیده و بر اسپان ایشان سوار شده عبدالله بن عباس این آیه کریمه را خواند قُل
مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللّٰهِ الَّتِيْ أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ یعنی بگو

ای محمد که حرام کرده است زینتی که حق تعالی برای بندگان خود بیرون آورده است و روزیهای طیب و نیکو را
پس حضرت فرمود که جامهای نفیس بپوش و زینت کن خود را که خدا زیباست و نیکو را دوست میدارد اما
باید که از حلال باشد و در حدیث معتبر وارد شده است که سفیان ثوری که از مشایخ صوفیه است
بمسجد الحرام آمد دید که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نشسته و جامهای پر قیمت نیکو پوشیده
است گفت والله بروم و او را برین جامه سرزنش کنم پس نزدیک آمد و گفت ای پسر رسول خدا صلی الله
علیه و آله پیغمبر چنین جامها نپوشیده و هیچ یک از پدرانت چنان جامه نپوشیده اند حضرت فرمودند که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله در زمانی بودند که روزی بر مردم تنگ بود امروز بر مردم روزی فراخ
است سزاوارترین مردم بصرف کردن نعمتهای خدا نیکانند پس این آیه خواندند که گذشت و فرمودند
که ما سزاوارترین مردمیم به تصرف کردن در آنچه خدا عطا کرده است ای ثوری این جامه را که می بینی
برای مردم پوشیده ام پس دامن جامه را بالا کردند و بازنمودند جامه کنده که در زیر پوشیده بودند و
فرمودند که این جامه کنده را برای خود پوشیده ام و این جامه نیکو را برای مردم پس دست زدند و جامه
بالای سفیان را دور کردند و در زیر جامه کنده جامه نازکی پوشیده بود فرمودند که جامه پائین را برای
لذت نفس خود پوشیده و جامه بالا را برای فریب دادن مردم پوشیده و در حدیث معتبر از عبدالله
بن هلال منقولست که گفت عرض کردم بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام که چه بسیار خوش می آید
مردم را احوال کسیکه طعامهای بدمزه و ناگوار میخورد و جامهای کنده میپوشد و اظهار شکستگی
و خشوع مینماید فرمود که نمیدانی که حضرت یوسف پیغمبر و پیغمبرزاده بود و قباهای دیبا و طلا باف
میپوشید در مجالس آل فرعون می نشست و حکم در میان مردم میکرد و مردم را با لباس او کاری
نبود و از و عدالت در حکم میخواستند امام میباید که آنچه گوید راست گوید و هرگاه وعده کند وفا کند و حکم
بعدالت کند خدای تعالی حلال بر کسی حرام نکرده است و اندک و بسیار حرام را حرام کرده است پس خواندند
این آیه را قل من حرم زینة الله الخ و بسیار از اخبار مناسب این فصل را در کتاب عین الحیوة ایراد کردم

فصل دوم در بیان جامهائی که حرام است پوشیدن آنها بدانکه مردان را جامه حریر محض پوشیدن
و جامهای طلاباف پوشیدن حرام است و احوط آنست که عرقچین و کیسه و چیزهائی که عورت را بآنها
نتوان پوشید هم از حریر نباشد و باز احوط آنست که آستر جامه مانند قبا و غیره هم حریر نباشد و بهتر

آنست که چیزی دیگر با ابریشم مخلوط کنند یا پشم یا ریسمان یا کتان باشد و اولی آنست که لا اقل ده یک
یا زیاده باشد و اگر مجموع تار یا مجموع پود غیر حریر باشد بهتر خواهد بود و باید که پوست حیوان مرده
نباشد هرچند که دباغت کرده باشند بنابر اشهر بین الاصحاب و پوست حیوانی چند که قابل تذکیه نیست نباشد
و در نماز باید که پوست و پشم و مو و شاخ و دندان و سایر اجزای حیوانات که گوشت شان حرام است
نباشد و در سمور و سنجاب و خز که الحال معروفست خلافست و احوط اجتناب است اگرچه اظهر در سنجاب
و خز آنست که نماز در اینها جائز است و بهتر آنست که با جامه که در زیر آن جامها یا در بالای آنها پوشیده باشند
نماز نکنند مبادا که موئی چسپیده باشد و بهتر آنست که ولی اطفال غیر بالغ را نیز منع نماید از پوشیدن طلا
و حریر و بسند معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
فرمودند یا علی انگشتری طلا در دست مکن که آن زینت تست در بهشت و جامه حریر مپوش که آن پوشش
تست در بهشت و در حدیث دیگر فرمود که جامه حریر مپوش که حق تعالی بسبب این در روز قیامت پوست
را بآتش دوزخ میسوزاند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که آیا جائز است مرد را که اهل
خود را بطلا زینت کند گفت بلی زنان و کنیزان را اما پسران را نه و در حدیث دیگر وارد شده است که
آنحضرت فرمود که پدرم امام محمد باقر علیه السلام فرزندان و زنان خود را بزیور طلا و نقره زینت میفرمود
و باکی نیست [illegible] که مراد از فرزندان دختران باشند و احتمال دارد که شامل پسران نابالغ
هم باشد و احوط اجتناب است فصل سوم در پوشیدن پنبه و کتان و پشم و بهترین جامها جامه ایست
که از پنبه بافته باشند و بعد از آن کتانست و جامه پشمینه را همیشه پوشیدن و لباس خود قرار دادن کراهت
دارد اما گاهی برای قناعت یا دفع سرما پوشیدن بد نیست چنانچه بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقولست که بپوشید جامه پنبه که آن پوشش رسول خداست صلی الله علیه و آله
و پوشش ما اهلبیت است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله جامه مو و پشم نمی پوشیدند مگر از
برای علتی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نباید پوشید جامه
پشم و مو مگر از برای عذری و در روایت دیگر از حسین بن کثیر منقولست که حضرت صادق علیه السلام
را دید که پیراهن کهنه پوشیده و جامه پشمینه بر بالای آن پوشیده گفت فدای تو شوم مردم کراهت دارند
از پوشیدن جامه پشمینه حضرت فرمود که پدرم میپوشید و حضرت امام زین العابدین علیه السلام

نیز میپوشیدند و هرگاه بنماز می ایستادند گنده ترین جامها میپوشیدند و ما نیز چنین میکنیم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول ست که فرمود پنج چیز است که تا مردن ترک نمیکنم بر روے زمین با غلامان چیز خوردن و بر الاغ بی جل سوار شدن و بز را بدست خود دوشیدن و سلام بر اطفال کردن و جامه پشمینه پوشیدن و وجه جمع میان این احادیث آنست که اگر پوشیدن شال را زی خود قرار دهند و بآن ممتاز شوند از دیگران مذموم است اما اگر گاهی برای قناعت یا شکستگی یا رفع سرما بپوشند قصوری ندارد و مؤید این معنی است آنچه در حدیث ابوذر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که در آخر زمان گروهی بهم رسند که جامه پشمینه در تابستان و زمستان بپوشند و گمان کنند که ایشان را باین سبب بر دیگران فضیلتی و زیادتی هست آنجماعت را لعنت کنند ملائکه آسمانها و زمینها و از حضرت امیر المومنین صلی الله علیه و آله منقول ست که کتان از پوشش پیغمبران ست و از حضرت صادق علیه السلام منقول ست که پوشیدن کتان بدن را فربه میکند و در حدیث دیگر منقول ست که حضرت علی بن الحسین علیهما السلام جامه خز را بهزار درهم یا پانصد درهم میخریدند و در زمستان میپوشیدند و چون زمستان میگذشت میفروختند و قیمتش را تصدق میفرمودند فصل چهارم در بیان رنگهاے که در جامه سنت است یا مکروه هست بهترین رنگها در جامه سفید است و بعد از آن زرد و بعد از آن سبز و بعد از آن سرخ نیم رنگ و کبود و عدسی و مکروه هست سرخ تیره خصوصاً در نماز و پوشیدن جامه سیاه کراهت شدید دارد در همه حال مگر در عمامه و عبا و موزه و اگر عمامه و عبا هم سیاه نباشد بهتر است و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول ست که بپوشید جامه سفید که آن نیکوترین و پاکیزه ترین رنگهاست و مرده های خود را در آن کفن کنید و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله در اکثر اوقات جامه سفید میپوشیدند و حفص موذن روایت کرده است که دیدم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را که در میان قبر و منبر نماز میکردند و جامه زردی برنگ سلخ پوشیده بودند و در حدیث حسن از زراره منقول ست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام بیرون آمد و جبه خز زرد و عمامه خز زرد و ردای خز زرد پوشیده بود و در حدیث معتبر منقول ست که حکم بن عتیبه بخدمت امام محمد باقر علیه السلام رفت دید که جامه سرخ تیره که بگل کافشه رنگ کرده بودند پوشیده است حضرت فرمود که درین جامه

چه میگوئی حکم گفت که چه گوییم در چیزی که شما پوشیده باشید اما جوانان شوخ که در میان ما این جامه را میپوشند
ما ایشان را عیب میکنیم حضرت فرمود که زینت خدا را که حرام کرده است بعد از آن فرمود که باین سبب
این جامه را پوشیده ام که تازه داماد بوده ام و در حدیث حسن از حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که جامهٔ سرخ تیره پوشیدن کراهت دارد مگر برای داماد
و در حدیث معتبر از یونس منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام را دیدم که لباسهای کبود
پوشیده بودند و از حسن زیات منقول است که دیدم حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه را که
جامهٔ برنگ گل سرخ پوشیده بودند و محمد بن علی روایت کرده است که حضرت امام موسی علیه السلام
را دیدم که جامهٔ عدسی پوشیده بودند و از ابی العلا منقول است که حضرت صادق علیه السلام را دیدم
در حال احرام برد یمانی سبزی پوشیده بودند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که جبرئیل در روز
آخر ماه مبارک رمضان بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد بعد از نماز عصر چون
بر آسمان رفت حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه صلوات الله علیها را طلب نمود و
فرمود که شوهر خود علی را بطلب پس چون حاضر شد حضرت رسول امیر المؤمنین علیه السلام را در جانب
راست نشانید و دستش را گرفته بر دامن خود گذاشتند و حضرت فاطمه علیها السلام را در جانب چپ
نشانید و دستش را گرفت و بر دامن خود گذاشت پس فرمود که میخواهید شما را خبر دهم بانچه جبرئیل
مرا بآن خبر داده گفتند بلی یا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که جبرئیل علیه السلام گفت که در قیامت
من در جانب راست عرش خواهم بود و حق تعالی دو جامه بمن خواهد پوشانید یکی سبز و دیگری سرخ برنگ گل
و تو یا علی در جانب راست من باشی و دو جامه چنین در تو بپوشانند پس راوی عرض کرد که مردم
رنگ سرخ چنین را مکروه میدانند حضرت فرمود که چون حق تعالی حضرت عیسی علی نبینا و علیه السلام
را باسمان برد دو جامه چنین بر او پوشانید و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقول است که مپوشید جامهٔ سیاه که آن
پوشش فرعون است و در حدیث معتبر منقول است که شخصی از حضرت صادق پرسید که در کلاه سیاه نماز بکنم فرمود که نماز
در آن مکن که لباس اهل جهنم است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که مکروه است سیاه مگر در سه چیز در
موزه و عمامه و عبا فصل پنجم در بعضی آداب جامه پوشیدن بدانکه جامه های دراز پوشیدن و دامن
جامه را دراز کردن و جامه را از روی تکبر بر خاک کشیدن مکروه و مذموم است و از حضرت امام جعفر

صادق علیه السلام منقول است که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه رفت ببازار و سه جامه برای خود خرید بیک اشرفی پیراهنی تا نزدیک به بند پا و لنگی تا نیمه ساق و ردائی از پیش تا پستان و از عقب تا پائین تر از کمر پس دست بآسمان برداشت و پیوسته حمد الهی مینمود بر این نعمت تا بخانه بازگشت و حضرت صادق علیه السلام فرمود که جامه آنچه از غوزک پا میگذرد در آتش جهنم است و از امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که حق تعالی به پیغمبرش فرمود که وَثِیَابَکَ فَطَهِّرْ که ترجمه لفظش آنست که جامهای خود را پس پاک گردان حضرت فرمود که جامهای آنحضرت پاک بود ولیکن مراد الهی آنست که جامه را کوتاه کن که آلوده نشود و در روایت دیگر آنست که بردار که بر زمین کشیده نشود و در روایت حسن از حضرت امام محمد باقر منقول است که حضرت رسول شخصی را وصیت فرمود که زنهار پیراهن و ازار خود را بلند میاور که این از تکبر است و خدا تکبر را دوست نمیدارد و در حدیث معتبر منقول است که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه چون پیراهن می پوشیدند آستین را میکشیدند آنچه از سر انگشتان میگذشت میبریدند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله بابوذر فرمودند که هر که از روی تکبر جامه اش را بر زمین کشد حق تعالی در روز قیامت نظر رحمت باو نفرماید و ازار مرد تا نصف ساق است و تا بند پا هم جائز است و زیاده در آتش است

فصل ششم در پوشیدن لباسی که مخصوص زنان یا کافران باشد

حرام است مردان را پوشیدن لباسی که مخصوص زنان باشد مانند لچک و تنه و مقنعه و چیزهای دیگر حرام است زنان را پوشیدن لباسی که مخصوص مردان باشد مانند کلاه و قبا و عمامه و هیچ یک را جائز نیست پوشیدن لباسهای مخصوص کافران باشد مانند زنار و کلاههای فرنگی و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که جائز نیست زنان را که شبیه بمردان شوند زیرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله لعنت کرد مردانی را که شبیه بزنان شوند و لعنت کرد زنانی را که شبیه بمردان شوند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که خدای عز و جل وحی فرمود به پیغمبری از پیغمبران که بگو بمؤمنان که نپوشند جامهای دشمنان مرا و نخورند طعامهای دشمنان مرا و بمسلک دشمنان من سلوک ننمایند که ایشان نیز مانند آنها دشمنان من خواهند بود

فصل هفتم در آداب عمامه بستن

عمامه بستن سنت است و با عمامه تحت الحنک بستن سنت است و یکطرف عمامه را از پیش و دیگری را از عقب انداختن بر دوش سادات مدینه منوره سنت است و شیخ شهید علیه الرحمه گفته است که عمامه

دیتا و پیچیدن سنت است و از رسول صلی الله علیه و آله منقول است که عمامه تاج عربان است هرگاه
که عمامه را برداران کنند خدا عزت شان را برطرف میکند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقول است که هرکه عمامه بپیچد بر سر و تحت الحنک نه بندد و بادردی برسد که دوا نداشته
باشد پس ملامت نکند مگر خود را و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم عمامه بستند و یک طرف عمامه را بطرف پیش انداختند و دیگری را بعقب و حضرت جبرئیل
علیه السلام نیز چنین کردند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که ملائکه در روز بدر
عمامهای سفید بر سر داشتند و علاقه ها انداخته بودند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر سر حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه
عمامه بدست مبارک خود پیچیدند و یکسر عمامه را از پیش در آویختند و طرف دیگر را بقدر چهار انگشت
کوتاه تر از عقب سر آویختند پس فرمودند برو رفت فرمودند بیا آمد انگاه فرمودند که چنین است و الله
تاجهای ملائکه و در فقه رضوی علیه السلام مذکور است که هرگاه عمامه بر سر گذاری این دعا بخوان
بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ ارْفَعْ ذِكْرِي وَاَعْلِ شَانِي وَاَعِزَّنِي بِعِزَّتِكَ وَاَكْرِمْنِي بِكَرَمِكَ
بَيْنَ يَدَيْكَ وَبَيْنَ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ تَوِّجْنِي بِتَاجِ الْكَرَامَةِ وَالْعِزِّ وَالْقَبُولِ
و در مکارم الاخلاق از کتاب نجات نقل کرده است که این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِي
بِسِيمَاءِ الْاِيمَانِ وَتَوِّجْنِي بِتَاجِ الْكَرَامَةِ وَقَلِّدْنِي حَبْلَ الْاِسْلَامِ وَلَا
تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْاِيمَانِ مِنْ عُنُقِي و گفته است که باید که عمامه را ایستاده بپیچد و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله چند قسم کلاه داشتند که بر سر میگذاشتند و در کلاههای دراز که برطله
میگویند وارد شده است که پوشیدن آنها زی یهود است و علما گفته اند که مکروه است و از
بعضی احادیث ظاهر میشود که پائین کلاه را شکستن و برگردانیدن مکروه است و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هرگاه کلاههای ترک دار در میان امت من بسیار
شود زنا کردن در میان ایشان شایع شود و کلاه ترکدار ظاهرا مانند قادوق و کلاه بکتاشی
و امثال آن باشد فصل هشتم در آداب زیر جامه پوشیدن از حضرت ابی عبد الله صلوات الله علیه
منقول است که حق تعالی وحی فرمود بحضرت ابراهیم علیه السلام که زمین بمن شکایت میکند

از دیدن عورت تو پس میان عورت خود و زمین حجابی قرار ده پس زیر جامه تا زانو بعمل آورد
و بپوشید و از جامع بزنطی روایت شده است که هر که زیر جامه را ایستاده بپوشد تا سه روز حاجتش
بر آورده نشود و در فقه رضوی مذکور است که زیر جامه را نشسته بپوش و ایستاده مپوش که
موجب هلاکت و در روایت غم و الم میشود و در وقت پوشیدن این دعا بخواند بسم الله اللهم استر
عورتی و لا تهتکنی فی عرصات القیمة و اعفف فرجی و لا تخلع عنی زینة
الایمان و در مکارم الاخلاق از کتاب نجات نقل کرده است که این دعا بخواند اللهم استر عورتی
و آمن روعتی و اعفف فرجی و لا تجعل للشیطان فی ذلک نصیبا
و لا له الی ذلک وصولا فیصنع لی المکائد و یهیجنی لارتکاب محارمک
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که پیغمبران علیهم السلام پیراهن را پیش از
زیر جامه می‌پوشیدند و در روایت دیگر وارد شده است که ایستاده رو بقبله و رو بآدم مپوش
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که زیر جامه را ایستاده پوشیدن مورث
اندوه است فصل ششم در آداب جامه نو بریدن و پوشیدن بسند صحیح از حضرت امام محمد
باقر علیه السلام منقول است که چون کسی جامه نو بپوشد این دعا بخواند اللهم اجعله
ثوب یمن و تقی و برکة اللهم ارزقنی فیه حسن عبادتک و عملا
بطاعتک و اداء شکر نعمتک الحمد لله الذی کسانی ما اواری
به عورتی و اتجمل به فی الناس و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا را تعلیم من نمود که در وقت پوشیدن
جامه نو بخوانم الحمد لله الذی کسانی من اللباس ما اتجمل به فی الناس
اللهم اجعلها ثیاب برکة اسعی فیها لمرضاتک و اعمر فیها مساجدک
پس فرمود که یا علی هر که این دعا را بخواند چون جامه را بپوشد آمرزیده شود و در حدیث دیگر
از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که سزاوار است که کسی که جامه نو پوشد دست
بر آن بمالد و بگوید الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی و اتجمل به
فی الناس و اتزین به بینهم و از حضرت ابی عبد الله صلوات الله علیه منقول است

ہر کہ آبی در ظرف نو بکند و سی و دو مرتبہ سورہ انّا انزلناہ بر آن بخواند و بر جامہ نو بپاشد در ہنگام پوشیدن پیوستہ در فراخی روزی باشد تا تاری از آن جامہ باقی باشد و در حدیث دیگر از آنحضرت مرویست کہ چون جامہ نو بپوشی بگو لا الہ الا اللہ محمد رسول اللہ تا از آفتہا نجات یابی و چیزیرا کہ دوست داری بسیار او را یاد کن کہ آنرا در ہم میشکند و چون بکسی کاری داشتہ باشی در غائبانہ او را دشنام مدہ کہ در دل او اثر میکند و بسند معتبر منقول ست کہ حضرت علی بن موسی الرضا علیہ السلام چون جامہ نو میپوشیدند جامہ را در جانب راست میگذاشتند و چون رخت نو میپوشیدند قدح آبی میطلبیدند و سورہ قل ہو اللہ احد و آیۃ الکرسی و قل یا ایہا الکافرون ہر یک را دہ نوبت در آن میخواندند و آب آنرا بر جامہ میپاشیدند و میفرمودند کہ ہر کہ چنین کند پیوستہ در فراخی روزی باشد مادامیکہ تاری از آن جامہ باقیست و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین علیہ السلام منقول ست کہ چون خدای تعالی جامہ نو بکسی عطا فرماید و بپوشد باید کہ وضو بسازد و دو رکعت نماز بگذارد و در ہر رکعت سورہ حمد و آیۃ الکرسی و قل ہو اللہ احد و انا انزلناہ فی لیلۃ القدر بخواند پس حمد کند خداوندیرا کہ عورت او را پوشانید و در میان مردم او را زینت ساختہ و بسیار بگوید لا حول و لا قوۃ الا باللہ العلی العظیم پس اگر چنین کند در آن جامہ معصیت خدا نکند و بعدد ہر تاری کہ در آن جامہ ہست ملکی خدا را بپاکی یاد کند و برای او استغفار کند و برو ترحم کند و بسند معتبر از حضرت صادق علیہ السلام منقول ست کہ ہر کہ جامہ نو بر دو آب در ظرفی کند و سی و شش مرتبہ سورہ انا انزلناہ را بخواند و ہر گاہ کہ بآیہ تنزل الملائکۃ برسد اندکی از آب نرم بر جامہ بپاشد پس دو رکعت نماز بکند و دعا کند و بگوید الحمد للہ الذی رزقنی ما اتجمل بہ فی الناس و اواری بہ عورتی و اصلی فیہ لربی و خدا را شکر کند پیوستہ در فراخی نعمت باشد تا آنکہ جامہ کہنہ شود فصل دوم در سائر آداب جامہ پوشیدن و کندن از حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ منقول ست کہ نہی فرمود از عریان شدن در شب و روز و حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ منقول است کہ ہر گاہ مرد عریان شود شیطان بسوی او نظر میکند و طمع میکند در آنکہ او را بمعصیت در آورد و فرمود کہ سزاوار نیست مرد را کہ جامہ خود را از ران خود دور کند در وقتیکہ در میان جماعتی نشستہ باشد و فرمود کہ چون جامہ خود را از بدن بیرون آورید بسم اللہ بگوئید تا جنیان نپوشند

واگر نگویند جنیان آن جامه را میپوشند تا صبح و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول
است که سزاوار نیست زن مسلمان را که روپاک و پیراهنی بپوشد که تن نما باشد و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقول ست که عرض مقنعهٔ حضرت فاطمه صلوات الله علیها آنقدر
بود که تا نصف بازوی آنحضرت میرسید و همه زنان را باید که چنین کنند و از حضرت صادق
علیه السلام بسند معتبر منقول ست که ادنای اسراف آنست که جامهٔ اندرون و بیرون
یکی باشد و در حدیث دیگر منقول است که اسحق بن عمار از آن حضرت پرسید که میتواند بود
که مومن ده پیراهن داشته باشد فرمود که بلی گفت که بیست پیراهن فرمود که بلی این اسراف نیست
اسراف آنست که جامهٔ که باید برای زینت نگاهداشت بعوض جامهٔ که در وقت دیگر پوشند بپوشی
و در روایت دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام سوال کردند که کسیکه ده پیراهن داشته باشد
اسراف است فرمود که نه بلکه از برای محافظت جامه این بهتر است بلکه اسراف آنست که جامهٔ
نگاهداشتنی را در جاهای کثیف باشد بپوشی و از حضرت باقر ع منقول است که کوتاه کردن
جامه راحت جامه است و بیشتر باقی میماند و فرمودند که جامهٔ پاکیزه پوشیدن دشمن را منکوب میکند
و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول ست که شستن جامه اندوه و غم را برطرف میکند
و موجب قبول نماز میگردد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که جامهٔ پوشد باید که پاکیزه
باشد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است که شش چیز است که از
اخلاق قوم لوط است کمان گلوله انداختن و سنگ ریزه انداختن بیکدیگر و فندران خاییدن و گره
در راهها و جامه بر زمین کشیدن از روی تکبر و بندهای قبا و پیراهن را گشودن و بسند معتبر منقول ست
که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و دید که گریبان جامه را چینه کرده اند آن شخص
متعجب نظر میکرد حضرت فرمود که چرا چنین نظر میکنی گفت که از چینهٔ جامه تعجب میکنم کتابی در پیش
حضرت گذاشته بود فرمود که بخوان در آنجا نوشته بود که ایمان ندارد کسیکه حیا ندارد و مال نیست کسی را که معیشت
خود را باندازه نمیکند و جامهٔ نو نیست کسی را که جامهٔ کهنه ندارد و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که آنقدر
چینه بر جامهٔ خود زدم که شرم کردم از آن کسیکه برآن چینه میزد و از حضرت صادق علیه السلام منقول ست که هر که
گریبان جامه را چینه زند و کفش را چینه زند و چیزیکه برای خانه خود خرد خود بردارد و بجا شد برد از تکبر بری

گرد و فصل یازدهم در رنگ نعلین و موزه و کفش و چگونگی آنها بهترین رنگها در نعل و کفش
رنگ زرد است و بعد از آن سفید و بهترین رنگها در موزه و چکمه رنگ سیاه است و در
سفر سرخ خوبست و در حضر کراهت دارد و در نعل سنت است که پیش و عقبش بلند
باشد و میانش تهی باشد و همه اش بزمین نچسپد و غیر این مکروه است و ظاهرا کفش نیز
این حکم داشته باشد که کفش سرپائی مکروه است و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه منقول ست که کفش نیکو پوشیدن بدن را از بلاها نگاه میدارد و معین ست بر تمامی
نماز و وضو و در حدیث دیگر فرمود که هر که خواهد عمرش دراز شود چاشت بامداد بخورد و کفش نیکو
بپوشد و رداء و بالاپوش را سبک کند و با زنان بسیار جماع نکند و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که اول کسیکه نعلین پوشید حضرت ابراهیم علیه السلام بود و در حدیث معتبر از آنحضرت
منقول ست که نعلین هموار پوشیدن که همه اش بزمین برسد پوشش یهود است و بر مذمت
این قسم نعلین احادیث بسیار وارد شده است و در احادیث معتبره وارد شده است
که نعل سیاه مپوشید که چشم را ضعیف میکند و ذکر را سست میکند و مورث
اندوه و غم است و بر تو باد بنعل زرد که چشم را جلا میدهد و ذکر را سخت میکند و غم را برطرف میکند
که پوشش پیغمبران ست و در حدیث دیگر وارد شده است که پوشیدن نعل سیاه موجب خیلا
و تکبر است و هر که بپوشد در قیامت با جباران محشور شود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول
است که هر که نعل زرد را بپوشد تا آنرا پوشیده باشد در سرور و شادی باشد زیرا که حق تعالی در
وصف بقرۀ بنی اسرائیل میفرماید که صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ یعنی زرد بسیار
زردیکه شاد گرداند نظر کننده گانرا و بسند معتبر از سدیر صراف منقول است که بخدمت حضرت
امام جعفر علیه السلام رفتم و نعل سفید پوشیده بودم فرمود که آیا دانسته این نعل را پوشیدی پس
فرمود که هر که داخل بازار شود و نعل سفیدی بخرد و کهنه نکند آنرا مگر آنکه کسب کند مالی را از جائیکه
گمان نداشته باشد راوی گوید که سدیر مرا خبر داد که هنوز آن نعل کهنه نشده بود که صد
اشرفی از جائی بدستم آمد که گمان نداشتم و در حدیث دیگر وارد شده است که هر که نعل زرد
یا سفید بپوشد او را مال و فرزندان بهم رسد و هر که نعل سیاه بپوشد هیچیک را نیابد و در

حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که موزه پوشیدن نور چشم را زیاد میکند و در روایت دیگر فرمود که مداومت پوشیدن موزه امان است از مرض سل و از مرگ بد و داود رقی روایت میکند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را دیدم در سفر که موزهٔ سرخ پوشیده بودند پرسیدم که این موزهٔ سرخ چیست فرمود که این را برای سفر گرفته ام و از برای گل و باران خوب است اما در حضر هیچ رنگ بهتر از سیاه نیست

فصل دوازدهم در آداب پوشیدن نعل و موزه و کفش

بسندهای معتبر از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام منقول است که چون نعل بپوشی ابتدا بپای راست بکن و در وقت کندن ابتدا بپای چپ کن و فرمودند که هر که با یکپای کفش براه رود یعنی یک پا در کفش باشد و دیگری برهنه شیطان بر و دست یابد و دیوانه شود و از عبد الرحمن بن کثیر منقول است که گفت در خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام براهی میرفتم بند نعل آنحضرت گسیخت من بند دیگر از آستین خود بدر آوردم و نعل را باصلاح آوردم حضرت دست بر دوش من انداخته بودند پس فرمود که هر که مومنی را بردارد برای اصلاح نعل او چون در قیامت از قبر بیرون آید حق تعالی او را بر ناقه گرم روی سوار کند تا در بهشت را بکوبد و از یعقوب سراج منقول است که براهی در خدمت آنحضرت میرفتم بند نعل آنحضرت پاره شد حضرت پای برهنه روانه شدند عبد الله بن یعقوب بند نعل خود را گشود و بنزد آنحضرت آورد قبول نفرمود و گفت که صاحب مصیبت اولی تر است که بر آن صبر نماید و عبد الرحمن بن ابی عبد الله روایت کرده است که در خدمت آنحضرت بدیدن شخصی رفتیم چون داخل شدیم نعلها از پا بیرون آوردند و فرمودند که نعلها را از پا بیرون کنید که کندن نعل راحت قدم است و منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از راه رفتن با یکپای نعل و از ایستاده پوشیدن نعل و دور نیست که کراهت ایستاده پوشیدن مخصوص نعلی باشد که بندهایش را باید بست و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که سه چیز است که هر که کند بیم آن هست که دیوانه شود غائط کردن در میان قبرها و با یک موزه راه رفتن و در خانه تنها خوابیدن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که مداومت نمودن بر پوشیدن موزه امان است از خوره و در فقه الرضا علیه السلام مذکور است که چون خواهی موزه و کفش بپوشی ابتدا بپای راست بکن و بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ وَطِّئْ قَدَمَيَّ

فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ وَثَبِّتْهُمَا عَلَی الْاِیْمَانِ وَلَا تُزِلَّهُمَا یَوْمَ تَزِلُّ الْاَقْدَامُ اَللّٰهُمَّ وَقِنِیْ مِنْ جَمِیْعِ الْآفَاتِ وَالْعَاهَاتِ وَمِنَ الْاَذٰی و چون بکنی بگو اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنِّیْ کُلَّ غَمٍّ وَهَمٍّ وَلَا تَنْزِعْ عَنِّیْ حُلَّةَ الْاِیْمَانِ و در مکارم الاخلاق از کتاب نجات نقل نموده که موزه و نعل را نشسته بپوش و در وقت پوشیدن بگو بِسْمِ اللهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَوَطِّئْ قَدَمَیَّ فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ وَثَبِّتْهُمَا عَلَی الصِّرَاطِ یَوْمَ تَزِلُّ فِیْهِ الْاَقْدَامُ و در وقت کندن ایستاده بکن و بگو بِسْمِ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ رَزَقَنِیْ مَا اَقِیْ بِهٖ قَدَمَیَّ مِنَ الْاَذٰی اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْهُمَا عَلٰی صِرَاطِكَ وَلَا تُزِلَّهُمَا عَنْ صِرَاطِكَ السَّوِیِّ

باب دوم در آداب حلی و زیور پوشیدن مردان و زنان و سرمه کشیدن و در آئینه نظر کردن و خضاب کردن فصل اول در فضیلت انگشتری بدست کردن و آداب آن سنت موکد است مردان را و زنان را انگشتر در دست راست کردن در بعضی از احادیث تجویز فرمودند که در دست چپ بکنند اما اگر نقش شریفی یا نگین شریفی داشته باشد باید که در وقت استنجا بیرون آورد و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که اگر خواهی انگشتر را بدست راست کن و اگر خواهی بدست چپ و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول ست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله انگشتر در دست راست میکردند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در دست راست میکردند انگشتر را و از سلمان فارسی رضی الله عنه مرویست که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که یا علی انگشتر در دست راست بکن تا از مقربان باشی فرمود که یا رسول الله کدامند مقربان فرمودند که جبرئیل و میکائیل پرسیدند که چه انگشتر در دست کنم فرمود که عقیق سرخ بدرستیکه آن اقرار کرده برای خدا بیگانگی و برای من به پیغمبری و برای تو یا علی بآنکه وصی منی و برای فرزندان تو بامامت و برای دوستان تو به بهشت و برای شیعیان فرزندان تو بجنت الفردوس و در حدیث معتبر منقول ست که از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام سوال کردند که بچه علت حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله انگشتر در دست راست میکردند فرمودند زیرا که آنحضرت پیشوای اصحاب یمین است که در قیامت نامه های شان را بدست راست میدهند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله در دست راست میکردند انگشتر را و این علامتیست

بهای شیعیان اگر باین علامت ایشان را بشناسید و محافظت کردن بر وقت فضیلت نماز
پنجگانه و دادن زکوة و قسمت کردن مال خود را با برادران مومن خود و امر بنیکیها کردن و نهی
از بدیها کردن و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است که حضرت جبرئیل علیه السلام
بحضرت رسول صلی الله علیه و آله گفت که هر که انگشتر را در دست راست کند و عقیقش [illegible]
سنت او باشد و بر علیهم [illegible] در قیامت با که تحیر باشد و دستش را بگیرم [illegible] با امیر المومنین علیه السلام
بسپارم و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از سنت پیغمبران است انگشتر
در دست راست کردن و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که هر که انگشتری
در دست چپ داشته باشد که نام خدا در و باشد باید که در وقت استنجا بدر آورد
و در دست دیگر کند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منع فرمود از انگشتر کردن در انگشت شهادت و انگشت میان و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که انگشتر را به بند پائین انگشت برساند و در روایتی وارد
شده است که انگشتر را بسر انگشتان کردن عمل قوم لوط است و در فقه الرضا علیه السلام
مذکور است که در وقت انگشتر در دست کردن بگو اَللّٰهُمَّ سَمِّنِی بِسِیمَاءِ الْإِیمَانِ وَ اخْتِمْ
لِی بِخَیْرٍ وَ اجْعَلْ عَاقِبَتِی إِلَى مَغْفِرَةٍ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِیزُ الْأَكْرَمُ و ابن طاوس رحمه الله
روایت کرده است که این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ سَمِّنِی بِسِیمَاءِ الْإِیمَانِ وَ تَوِّجْنِی بِتَاجِ
الْكَرَامَةِ وَ قَلِّدْنِی حَبْلَ الْإِسْلَامِ وَ لَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْإِیمَانِ مِنْ عُنُقِی

فصل دوم در بیان آنچه انگشتر از آن سازند سنت است که انگشتر از نقره باشد
و مردان را انگشتر طلا در دست کردن حرام است و انگشتر آهن و فولاد و برنج مردان را
و زنان را مکروه است چنانچه منقول است از حضرت صادق علیه السلام بسند معتبر که انگشتر
رسول صلی الله علیه و آله از نقره بود و در چندین حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که یا علی انگشتر طلا در دست مکن
که آن زینت تست در آخرت و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است که
انگشتر غیر نقره در دست مکنید بدرستیکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که پاک نیست

دستیکه دران انگشتر آهن باشد و در حدیث دیگر فرمود که پاک نکند خدا دستی را که در آن انگشتری آهن
باشد و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که نماز نکند مرد در
انگشتر آهن و نهی فرمود از انگشتر برنج در دست کردن و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که انگشتر حضرت رسول صلی الله علیه و آله از نقره بود و نگین نداشت و بر آن نقش نموده بودند محمد
رسول الله فصل سوم در فضیلت عقیق منقول است که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و آله
چهار انگشتر در دست میکردند انگشتر یاقوت برای شرافت و زینتش و فیروزه برای نصرت و یاریش
و حدید چینی برای قوت و عقیق برای حرز و دفع دشمنان و بلاها و در حدیث صحیح از حضرت علی
بن موسی الرضا علیه السلام مرویست که عقیق فقر و درویشی را برطرف میکند و در دست کردن
عقیق نفاق را زائل میکند و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقول است که هر که قرعه با نگین عقیق بزند
بهرهٔ او تمامتر بیرون می آید و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
که انگشتر عقیق در انگشت کنید که مبارک است و هر که انگشتر عقیق در دست داشته باشد امید هست
که عاقبتش مقرون بخیر و نیکی باشد و از ربیعة الرای منقول است که در دست حضرت امام زین العابدین
علیه السلام انگشتر عقیق دیدم پرسیدم که اینچه نگین است فرمود که عقیق رومی است و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که انگشتر عقیق در دست داشته باشد حاجاتش بر آورده است
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که انگشتر عقیق موجب ایمنی است در سفر و در حدیث
دیگر از آنحضرت منقول است که هر که انگشتری بگیرد و نگینش عقیق باشد پریشان نشود و عاقبت کارش
البته نیکو باشد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که حاکم آدم پی شخصی فرستاده بود بسبب جرمی
حضرت صادق علیه السلام فرمود که انگشتر عقیقی باو برسانید چنان کردند مکروهی باو نرسید و در
حدیث دیگر منقول است که شخصی به نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و شکایت کرد که دزد
در راه بمن رسید و اموال مرا برد حضرت فرمود که چرا انگشتر عقیق در دست نداشتی که آن از هر بدی
نگاه میدارد آدمی را و بسند معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که انگشتر عقیق در دست کنید
که مادام که آدمی آن انگشتر را با خود دارد اندوهی باو نمیرسد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که انگشتر
عقیق در دست کنید که آن اول کوهی است که اقرار کرده است برای خدا بیگانگی و برای پیغمبر

به پیغمبری و از برای تو یا علی با مامت و در حدیث معتبر منقول است از بشیر دهّان که عرض کردم که
کدام یک از نگینها بر انگشتر خود بنشانم فرمود که چرا غافلی از عقیق سرخ و عقیق زرد و عقیق سفید
که اینها سه کوهند در بهشت اما کوه عقیق سرخ پس مشرف است بر خانهٔ حضرت رسول صلی الله علیه
و آله اما کوه عقیق زرد پس مشرف است بر خانهٔ حضرت فاطمه صلوات الله علیها اما کوه عقیق سفید پس
مشرف است بر خانهٔ امیر المؤمنین علیه السلام و همه یک خانه است و از زیر هر کوهی نهری جاریست
از برف سردتر و از عسل شیرین‌تر و از شیر سفیدتر و نمیخورند از آن نهرها مگر آل محمّد و شیعیان ایشان و هر
سه نهر از کوثر می آید و بیکجا میریزد و این هر سه کوه تسبیح و تقدیس و تمجید الهی میکنند و از برای محبان
آل محمّد طلب آمرزش میکنند پس هر که از شیعیان آل محمّد یکی از این عقیقها را در دست داشته
باشد نبیند مگر خیر و نیکی و فراخی روزی و سلامتی از جمیع بلاها و امان یابد از شر پادشاه ظالم و از
هر چه آدمی از آن میترسد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی را برابر حضرت امام محمد باقر علیه السلام
گذرانیدند که تازیانهٔ بسیار بر او زده بودند حضرت فرمود که انگشتر عقیق او کجا است اگر با او میبود تازیانه
هرگز نمیخورد و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دستی بسوی آسمان بدعا
بلند نمیشود که خدا دوست‌تر دارد از دستی که در آن انگشتر عقیق بوده باشد و در حدیث معتبر از حضرت امام حسین
صلوات الله علیه منقول است که چون حضرت موسی علیه السلام بر کوه طور با حق سبحانه تعالی
مناجات کرد و نظر کرد حق تعالی از نور روی او عقیق را آفرید پس فرمود که قسم خوردم بذات
مقدس خود که عذاب نکنم بآتش جهنم دستی را که انگشتر عقیق در آن باشد اگر اعتقاد ولایت علی
بن ابیطالب علیه السلام داشته باشد و در حدیث دیگر منقول است که جبرئیل علیه السلام نازل
شد بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و گفت یا محمّد پروردگار سلام میرساند و میگوید که انگشتر را
بدست راست بکن و نگینش را از عقیق بکن و بگو بعلی بن ابیطالب پسر عمت که انگشتر در دست
راست بکند و نگینش را عقیق بکند حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پرسید که یا رسول الله عقیق
کدام است فرمود کوهی است در یمن که برای خدا اقرار کرده است بیگانگی و برای من به پیغمبری
و برای تو و اولاد تو بامامت و برای شیعیان تو به بهشت و برای دشمنان تو بجهنم و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقول است که نماز کسیکه انگشتر عقیق در دست داشته باشد برابر نماز چهل نماز عقیق (?) غیر

عقیق در دست داشته باشد بکمال درجه ثواب دارد و سلیمان اعمش روایت کند که در خدمت حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام بودم در خانه منصور عباسی پس شخصی را بیرون آوردند که تازیانه خورده بود
حضرت فرمود که ای سلیمان ببین که انگشترش چه نگین دارد گفتم یا ابن رسول الله عقیق نیست
فرمود که ای سلیمان اگر عقیق میبود تازیانه نمیخورد گفتم یا ابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که ای
سلیمان انگشتر عقیق امان می بخشد از دست بریدن گفتم دیگر بفرما فرمود که ای سلیمان امان می
بخشد از خوره گفتم دیگر بفرما فرمود که ای سلیمان خدای عزوجل دوست میدارد که بلند کند بدعا
بسوی او دستی را که در آن نگین عقیق باشد گفتم دیگر بفرما فرمود که عجب دارم از دستی که در آن نگین
عقیق باشد چگونه خالی میماند از دینار و درهم گفتم یا ابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که نگاه دارنده
آدمی است از هر بلائی گفتم یا ابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که ایمن میگرداند از فقر گفتم یا ابن رسول الله
روایت کنم این حدیث را از جد بحسین بن علی از پدرش امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما فرمود
بلی و در روایت دیگر منقول است که دو رکعت نماز که با انگشتر عقیق باشد بهتر است از هزار
رکعت که بی آن باشد فصل چهارم در فضیلت یاقوت و زبرجد و زمرد در سه حدیث معتبر
از حضرت علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه منقول است که انگشتر یاقوت در دست کنید
که پریشانی را زائل میگرداند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که سنت است
انگشتر یاقوت و زمرد داشتن و از حضرت امام موسی صلوات الله علیه منقول است که انگشتر
زمرد در دست کردن موجب آسانیست که در آن هیچ دشواری نباشد و در حدیث دیگر از
حضرت امام رضا علیه السلام همین مضمون وارد شده است اما بلفظ زبرجد و فرمود که انگشتر زمرد در
دست داشتن [illegible] میکند و فرمود که هرکه انگشتر یاقوت زرد در دست کند
فقیر نشود فصل پنجم در فضیلت فیروزه و جزع یمانی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که هر که انگشتر فیروزه در دست کند دستش فقیر نشود و از حسن بن علی
بن حمزه منقول است که بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام رفتم در انگشت
آنحضرت انگشتری دیدم که نگینش فیروزه و نقشش اَللهُ اَلْمَلِکُ بود و من نظر بسیار میکردم
در آن انگشتر فرمود که چه نظر میکنی گفتم که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام انگشتر فیروزه [illegible]

است که نقش الله الملک بود فرمودند که آنرا می شناسی گفتم نه فرمود که همان انگشتر است و این سنگی است
که جبرئیل برای رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به آورده است از بهشت و آنحضرت بحضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام داد تا بما رسید و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که انگشتر جزع یمانی
در دست کنید که رد میکند مکر متمردان شیاطین را و از حضرت امام رضا منقول است که حضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام فرمود که روزی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بیرون آمدند و انگشتر جزع یمانی در دست
کرده بودند و با ما نماز کردند چون از نماز فارغ شدند انگشتر را بمن دادند و فرمودند که این انگشتر را در دست
راست خود کن و با آن نماز کن که نماز در جزع یمانی برابر هفتاد نماز است و تسبیح و استغفار میگوید و ثوابش
برای صاحبش نوشته میشود و علی بن محمد صیمری گفت که دختر جعفر بن محمود را خواستم و او را بسیار دوست
میداشتم و از و فرزندان بوجود نمی آمد رفتم بخدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام و این مطلب عرض
نمودم پس حضرت تبسم کردند و فرمودند که بگیر انگشتری که نگینش فیروزه باشد و بران نقش کن این آیه را رب
لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین چنان کردم یکسال نگذشت که از ان زن پسری بوجود آمد
و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که خداوند عالمیان میفرماید که من شرم میکنم
از دستیکه بسوی من بلند شود بدعا و در ان دست انگشتر فیروزه باشد پس آنرا ناامید برگردانم

فصل ششم

در فضیلت در نجف و بلور و حدید صینی و سایر نگینها بسند معتبر از مفضل بن عمر منقول است که گفت روزی
بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفتم و انگشتر در نجف در دست داشتم فرمود که ای مفضل این نگین
سیرگاه دیدهای مردان مومن و زنان مومنه است یا دور گردانیده دریا است از دیدهای ایشان و من
دوست میدارم برای هر مومن که پنج انگشتر در دست داشته باشد یاقوت و آن فاخرترین همه است و عقیق
و آن خالص تر است برای خدا و برای ما اهلبیت و فیروزه و آن چشم را قوت میدهد و سینه را گشایش
میدهد و قوت دل را زیاده میکند و چون پی کاری رود و آنرا در دست کند پس چون برگردد حاجتش
برآورده شده باشد و حدید صینی و آنرا دوست نمیدارم که همیشه در دست داشته باشد ولیکن دوست میدارم
در دست کردن آن را در وقتیکه بمدین کسی رود که از و ترسد از اهل شر برای آنکه شر او ساکن شود و
و حدید صینی شیاطین را دور میکند باین سبب دوست میدارم که داشته باشد و پنجم آن در نجف اشرف است
خدا تعالی ظاهر میسازد و بدستیکه هر که آنرا در دست کند بهر نظر کردنی بآن خدا تعالی زیارت حجی یا عمره

در نامهٔ عمل او بنویسد که ثوابش ثواب پیغمبران و صالحان باشد و اگر خدا رحم نمیکرد بر شیعیان ما هر آینه هر نگینی
ازان بقیمت بسیار میرسید ولیکن خدا ارزان کرده است برای ایشان که توانگران و فقیران ایشان
توانند در دست کرد ابو طاهر میگوید این حدیث را بحضرت امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم فرمود
که این حدیث جدم حضرت صادق علیه السلام است گفتم شما هیچ چیز را بر عقیق سرخ اختیار نمیفرمایید فرمود
بلی برای فضیلت بسیاری که دران وارد شده است بسندیکه پدرم خبر داد مرا که اول کسیکه انگشتر عقیق در دست
کرد حضرت آدم علیه السلام بود دید که بر ساق عرش نوشته است أَنَا اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي مُحَمَّدٌ
صَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي أَيَّدْتُهُ بِأَخِيهِ عَلِيٍّ وَنَصَرْتُهُ بِهِ تا آخر نامهای پنجگانه آل عبا پس چون حضرت آدم
از آن درخت میوه تناول نمود و بر زمین متوسل شد بسوی خدا باین نامهای مبارک و برکت این نامها خدا
توبه اش را قبول نمود پس حضرت آدم انگشتری از نقره ساخت و نگینش از عقیق سرخ کرد و این نامهای
پنجگانه را بر او نقش کرد و آن انگشتر را در دست راست خود کرد پس این سنتی شد که پرهیزگاران از فرزندانش
همه سنت او عمل نمودند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که نیکو نگینی است بلور و از
حسین بن عبدالله مرویست که سوال کرد از حضرت امام علی نقی صلوات الله وسلامه علیه و آله که آیا
خوب است انگشتر کردن سنگریزه که از چاه زمزم بیرون آورند فرمود بلی اما چون خواهد که استنجا کند
از دست بیرون آرد یعنی اگر در دست چپ باشد فصل هفتم در بیان آنچه سزاوار است که در نگین نقش
کنند حسین بن خالد بخدمت حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا عرض کرد که جایز است شخصی
استنجا کند و در دستش انگشتری باشد که نقش نگینش لا اله الا الله باشد حضرت فرمود خوب نمیدانم این را
از برای او گفت بگو رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و پدران شما با انگشتر استنجا نمیکردند فرمود بلی
ولیکن ایشان انگشتر را در دست راست میکرده اند پس از خدا بترسید و افترا بر ایشان نبندید پس فرمود
که نقش نگین حضرت آدم علیه السلام لا اله الا الله محمد رسول الله بود و با خود از بهشت آورده بود و
حضرت نوح علیه السلام چون بکشتی سوار شد حقتعالی باو وحی فرستاد که ای نوح چون از غرق شدن
بترسی هزار مرتبه لا اله الا الله بگو پس دعا کن تا من ترا و مومنان را از غرق نجات دهم پس چون کشتی براه افتاد باد تندی
وزید و حضرت نوح از غرق شدن ترسید و او را مجال آن نشد که هزار مرتبه لا اله الا الله بگوید بزبان
سریانی گفت هیهلیا الفا الفا یا ماریا اتقن پس طوفان بند شد کشتی براه افتاد پس حضرت نوح فرمود

تختی که خدا مرا بآن نجات بخشید سزاوار است که همیشه با من باشد و بانگشتر خود ترجمه آن را بعربی نقش کرد
لا اله الا الله الف مرة یا رب اصلحنی و حضرت ابراهیم علیه السلام را چون در کفه منجنیق گذاشتند
که در آتش اندازند حضرت جبرئیل بخشم آمد حق تعالی باو وحی کرد که چه چیز باعث غضب تو گردیده است
گفت پروردگارا خلیل تست و در این وقت هیچکس نیست که ترا بیگانگی پرستد بغیر از او و دشمن خود و دشمن
او را بر او مسلط گردانیدی پس خداوند عالم باو وحی فرستاد که ساکت باش کسی تعجیل در امور میکند که
چون تو بنده عاجزی باشد که ترسد از دستش بدر رود و لیکن آن بنده من است هرگاه خواهم او را بگیرم
پس جبرئیل خاطرش مطمئن شد و بجانب ابراهیم علیه السلام ملتفت شد و گفت آیا ترا حاجتی و کاری
هست در این وقت فرمود هست اما بتو نه پس حق تعالی انگشتری باو فرستاد که در آن شش حرف نقش شده بود
لا اله الا الله محمد رسول الله لا حول و لا قوة الا بالله فوضت امری الی الله اسندت ظهری الی الله
حسبی الله پس خدا وحی نمود که این انگشتر را در دست کن که آتش را بر تو سرد و سلامت میگردانم
و نقش نگین حضرت موسی علیه السلام دو حرف بود که از توریت بیرون آورده بود اصبر تؤجر
اصدق تنج یعنی صبر کن تا مزد یابی راست گو تا نجات یابی و نقش نگین حضرت سلیمان این بود
سبحان من الجم الجن بکلماته و نقش نگین حضرت عیسی علیه السلام این دو حرف بود که از انجیل
بر آورده بود طوبی لعبد ذکر الله من اجله و ویل لعبد نسی الله من اجله یعنی خوشا حال بنده
که خدا یاد کرده شود بسبب او و وای بر بنده که خدا فراموش شود از خاطرها بسبب او و نقش نگین حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم این بود لا اله الا الله محمد رسول الله و نقش نگین حضرت امام
حسن علیه السلام العزة لله بود و نقش نگین حضرت امام حسین علیه السلام ان الله بالغ امره
بود و حضرت علی بن الحسین انگشتری پدر بزرگوار خود در دست میکردند و حضرت امام باقر علیه السلام
نیز انگشتر حضرت امام حسین علیه السلام را در دست میکردند و نقش نگین حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام الله ولیی و عصمتی من خلقه بود و نقش نگین حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
حسبی الله بود و حضرت امام رضا علیه السلام دست دراز کردند و نمودند انگشتر پدر خود را که در دست
داشتند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که نقش نگین حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم محمد رسول الله بود و نقش نگین حضرت امیر المومنین علیه السلام الله

الملک بود و نقش نگین حضرت امام محمد باقر علیه السلام العزة لله بود و در حدیث معتبر منقول است که از حضرت
پرسیدند که آیا کراهت دارد که کسی در نگین غیر نام خود و پدر خود چیزی نقش کند حضرت فرمود که نقش
انگشتر من الله خالق کل شیء است و نقش نگین انگشتر پدرم العزة لله بود و نقش انگشتر حضرت امام زین العابدین
علیه السلام الحمد لله العلی بود و نقش انگشتر امام حسن و امام حسین علیهما السلام حسبی الله بود و نقش نگین
امیر المؤمنین علیه السلام الله الملک بود و در روایت معتبر دیگر منقول است که نقش نگین حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام این کلمات بود اللهم انت ثقتی فقنی شر خلقک و در حدیث صحیح دیگر از حضرت
امام رضا علیه التحیة و الثنا منقول است که نقش نگین حضرت امام جعفر صادق علیه السلام انت ثقتی
فاعصمنی من الناس بود و نقش نگین حضرت امام موسی کاظم علیه السلام حسبی الله بود و در زیرش شکل گلی بود
و در بالاش هلالی نقش کرده بود و در حدیث صحیح دیگر منقول است که نقش نگین حضرت امام رضا
علیه السلام ما شاء الله لا قوة الا بالله بود و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام رضا منقول است که نقش
نگین حضرت امام زین العابدین علیه السلام این بود خزی و شقی قاتل حسین بن علی و عبد الله بن سنان
میگوید که حضرت صادق علیه السلام انگشتری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بمن نمود نگین
سیاهی داشت و در دو سطر نوشته بود محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و در حدیث معتبر منقول است که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از آنکه صورت چیزی از حیوانات بر انگشتر نقش کنند
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عقل مرد را در سه چیز امتحان میتوان کرد در درازی
ریش و نقش انگشتر و کنیتش و در حدیث دیگر منقول است فرمود هر که نقش کند بر انگشترش ما شاء الله لا قوة الا بالله
استغفر الله ایمن شود از فقر شدید و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که نقش نگین حضرت
امام محمد باقر علیه السلام این بود که ظنی بالله حسن و بالنبی المؤتمن و بالوصی ذی المنن و
بالحسن و الحسین و در روایت دیگر از امام محمد باقر علیه السلام منقول است که انگشتر حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام از نقره بود و نقش نگینش نعم القادر الله بود و در بعضی روایات وارد است
که نقش نگین حضرت امیر المؤمنین علیه السلام الملک لله بود و در روایات دیگر آنکه انگشتری داشتند
از حدید چینی سفید و صاف و این کلمات را در آن نقش فرموده بودند در هفت سطر و در جنگها می‌بستند
در دست میکردند و کلمات اینست اعددت لکل هول لا اله الا الله و لکل کرب لا حول

ولا قوة الا بالله ولکل مصیبة نازلة حسبی الله ولکل ذنب کبیر استغفر الله
ولکل هم و غم فارج ما شاء الله لکل نعمة متجدد الحمد لله ما لعلی بن ابیطالب
من انعم الله من الله واز حضرت اسماعیل بن موسی منقول ست که انگشتر حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام نقش از نقره بود و بران این نقش بود یا ثقتی قنی شر جمیع خلقک واز حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقول است که هرکه در انگشتر خود آیهٔ از قرآن نقش کند آمرزیده شود وابن طاوس
علیه الرحمه بروایت قاسم بن علی روایت کرده از صافی خادم حضرت امام علی نقی صلوات الله
علیه وآله که رخصت طلبیدم از آنحضرت که بزیارت جدش امام رضا علیه السلام بروم فرمود باید که باخود
انگشتری داشته باشی که نگینش عقیق زرد باشد نقش نگین ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله
باشد و بر روی دیگر نگین محمد و علی نقش کرده باشد چون این انگشتر را باخود داشته باشی امان یابی از دشنهٔ
راه زنان و برای سلامتی تو تمامتر است و دین ترا حفظ کننده تر است خادم گوید بیرون آمدم وانگشتر
که حضرت فرموده بود بهم رسانیدم وبرگشتم که وداع کنم چون وداع کردم و دور شدم فرمود که مرا برگردانند
چون برگشتم فرمود ای صافی گفتم لبیک ای آقای من فرمود باید که انگشتری فیروزه هم باخود داری که میان
طوس و نیشاپور شیری برخواهد خورد بتو و قافله را منع خواهد کرد از رفتن و تو پیش برو و این انگشتر را بشیر بنما
وبگو که مولای من میگوید که دور شو از راه باید که بر یک طرف نگین فیروزه الله الملک نقش کنی و بر طرف
دیگر الملک لله الواحد القهار زیرا که نقش انگشتر حضرت امیرالمومنین علیه السلام الله الملک بود
چون خلافت بآنحضرت برگشت الملک لله الواحد القهار نقش کرد و نگینش فیروزه بود و چون
چنین بکنی امان می بخشد از حیوانات درنده و باعث ظفر و غلبه میشود در جنگها خادم گفت رفتم بسفر
وبخدا سوگند در همان مکان که حضرت فرموده بود شیری بسر راه آمد آنچه فرموده بود بعمل آوردم شیر
برگشت و چون از زیارت برگشتم آنچه گذشته بود بخدمت آنحضرت عرض کردم فرمود که یک چیز ماند که
نقل نکردی اگر خواهی من نقل کنم گفتم ای آقای من شاید که فراموش کرده باشم فرمود شبی در طوس
نزدیک روضهٔ امام رضا علیه السلام خوابیده بودی گروهی از جنیان بزیارت قبر میرفتند آن نگین را
در دست تو دیدند و نقش آنرا خواندند پس آنرا از دست تو برآوردند و بردند بنزد بیماری که داشتند
و آن انگشتر را در آبی شستند و آنرا به بیمار دادند بیمارشان صحت یافت پس انگشتر را برگردانیدند و تو

در دست راست کرده بودی و ایشان در دست چپ کردند چون بیدار شدی بسیار تعجب کردی و چون نظر کردی
نفیسی در بالین خود یاقوتی یافتی آن را برداشتی و در آن حال همراه تست ببازار ببر آن را بهفتاد اشرفی خواهی
فروخت و این یاقوت هدیه آن جنیان است که برای تو آورده بودند خادم گفت که یاقوت را بردم ببازار
و بهفتاد اشرفی فروختم و ایضا سید ابن طاوس روایت کرده است که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
آمد و گفت که من میترسم از حاکم شهر جزیره و میترسم که دشمنان او را با من بخشم آورند و ایمن نیستم از آن که مرا بکشند
حضرت فرمود که انگشتری بساز که نگین آن حدید چینی باشد و بر روی نگین سه سطر نقش کن سطر اول أَعُوذُ
بِجَلَالِ اللّٰهِ و سطر دوم أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ و سطر سوم أَعُوذُ بِرَسُولِ اللّٰهِ و در زیر نگین دو سطر
نقش کن سطر اول آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَكُتُبِهِ و سطر دوم وَأَثِقُ بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِ و در دور نگین نقش کن
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ مُخْلِصًا و این صورت نگین است

أشهد ...
أَعُوذُ بِجَلَالِ اللّٰهِ
أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ
أَعُوذُ بِرَسُولِ اللّٰهِ

در دست کن این انگشتر را در هر حاجتی که بر تو دشوار شود و هر وقتی که از آزار احدی از مردم بترسی بدرستیکه حاجتهایت برآورده شود
و در نهایت ایمنی باش و زنی که زائیدن بر او دشوار شود
بر او ببندند که بمشیت الهی بزودی وضع حمل او میشود و هم چنین دفع میکند اثر چشم بد را و حذر کن که بجای
چرکی با آن نگین برسد یا خود بحمام و بیت الخلا مبر و خوب محافظت نما آن را که از اسرار خداست و شما
شیعیان که از دشمنان خود میترسید باید که برابر جان خود این انگشتر را داشته باشید و از دشمنان پنهان دارید
و تسلیم مکنید مگر بکسی که اعتماد بر او داشته باشید آن مرد می‌گوید که من تجربه کردم و اثرش یافتم و از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که صبح کند و در دستش انگشتری عقیق باشد که در انگشت دست
راست کرده باشد پیش از آنکه نظرش بر کسی بیفتد نگین آن را بجانب کف دست بگرداند و بآن نظر کند
و سوره انا انزلناه فی لیلة القدر تا آخر بخواند پس بگوید آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَكَفَرْتُ
بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَآمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ وَأَوَّلِهِمْ
وَآخِرِهِمْ چون چنین کند خداوند عالمیان او را نگاه دارد در آن روز از شر آنچه از آسمان نازل میشود
و آنچه بالا میرود بسوی آسمان و آنچه در زمین فرو میرود و آنچه بیرون می‌آید از زمین و در حرز و حمایت
دوستان خدا باشد تا شام و در حدیث دیگر منقول است که هر که انگشتری از عقیق بسازد و در نگین آن

نقش کرده باشد محمّدٌ نبیُّ اللهِ عَلیٌّ وَلیُّ اللهِ خدا او را از مرگ بد نگاهدارد و غیر دیگر درین حق ٭

فصل هشتم در زیور طلا و نقره پوشیدن و بزنان و اطفال پوشانیدن در حدیث صحیح منقول است
که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که آیا جائز است پسران نابالغ را زیور طلا پوشانیدن
فرمود که حضرت امام زین العابدین علیه السلام زینت میفرمود زنان و اطفال خود را بزیور طلا و نقره و در
حدیث صحیح دیگر از آنحضرت پرسیدند درین باب فرمود که پدرم امام محمد باقر علیه السلام زنان و فرزندان
خود را از زیور طلا و نقره می پوشانیدند و در حدیث صحیح دیگر پرسیدند از آنحضرت از زیور کردن زنان بطلا
و نقره فرمودند باکی نیست و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که سر غلاف شمشیر حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله وسلم و دسته اش از نقره بود و در میان حلقه های نقره داشت و زره آنحضرت سه حلقه نقره
در پیش و دو حلقه نقره در عقب داشت و از حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا منقول است که ذوالفقار
که جبرئیل علیه السلام برای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از آسمان آورد زیورش از نقره بود و در
حدیث حسن از آنحضرت منقول است که باکی نیست از زیور کردن شمشیر بطلا و نقره و در حدیث دیگر
فرمود که زیور شمشیر حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم تمام از نقره بود و دسته شمشیر و دنبه اش و در
حدیث معتبر دیگر فرمود که باکی نیست بزینت کردن قرآنها و شمشیرها بطلا و نقره و بسند موثق دیگر از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که همیشه زنان زیور می پوشیدند و در حدیث معتبر دیگر
از فضیل بن یسار منقول است که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم از کرسی که در آن طلا
باشد آیا میتوان بر آن نشست یا نه حضرت فرمود که اگر طلا باشد نه و اگر آب طلا بآن مالیده باشند باکی نیست
و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که سزاوار نیست که زن خود را معطل بگذارد و زینت نکند اگرچه
گردن بندی باشد که در گردن ببندد و سزاوار نیست که دستش از خضاب خالی باشد اگرچه بمالیدن
حنا باشد هرچند سالدار باشد و در روایت معتبر وارد شده است که جائز نیست که زنان دندانها بطلا ٭
بیکدیگر ببندند بدانکه در باب زیور طلا احوط و اولی آنست که مردان اجتناب نمایند اگرچه در شمشیر
و مصحف باشد **فصل نهم** در آداب سرمه کشیدن در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم سرمه سنگ بچشم می کشیدند در وقت خواب طاق طاق و در
حدیث معتبر از حسن بن جهم منقول است که گفت حضرت امام رضا علیه السلام میلی از آن بمن نمود و در

و سرمه‌دانی از استخوان و فرمودند که اینها از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بود بدین میل سرمه بکش
پس سرمه کشیدیم و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سرمه کشیدن در شب چشم را نفع میرساند
و در روز زینت است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که سرمه سنگ
در دیده کشیدن دهان را خوشبو میکند و مژگان را محکم میکند و بسند موثق از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که سرمه کشیدن دهان را شیرین میکند و در حدیث دیگر فرمود که سرمه کشیدن موی مژگان را میرویاند و بینائی را
تند میکند و اعانت میکند بر طول دادن سجود و در حدیث دیگر فرمود که سرمه کشیدن موی مژگان را میرویاند
و چشم را جلا میدهد و آب ریختن چشم را زائل میکند و در روایت دیگر فرمود که سرمه کشیدن قوت جماع را زیاده
میکند و فرمود که هر که شب سرمه سنگ که مشک نداشته باشد در دیده کشد چشمش هرگز آب سیاه نیاورد
و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که هر که سرمه کشد باید طاق بکشد و اگر
چنین نکند باکی نیست و در حدیث صحیح دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
پیش از خواب سرمه می‌کشیدند چهار میل در دیده راست و سه میل در چشم چپ و در حدیث دیگر معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقول است که چهار چیز است که دیده را نورانی میکند نظر کردن در روی
نیکو و در آب جاری و در سبزه زار و سرمه کشیدن در وقت خواب و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقول است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که سرمه کشد و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که سرمه کشیدن در وقت خواب امان می‌بخشد از آب آوردن چشم و از حضرت امام رضا علیه التحیة
و الثناء منقول است که هر کرا ضعف در باصره بهم رسد هفت میل از سرمه سنگ در وقت خواب در چشم
کشد چهار در چشم راست و سه در چشم چپ و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم در هر چشم سه میل سرمه می‌کشیدند در وقت خوابیدن و در روایت دیگر وارد شده
است که سه میل در چشم راست و دو میل در چشم چپ می‌کشیدند و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که بر شما باد بسواک کردن که چشم را جلا میدهد و بر شما باد بسرمه کشیدن که دهان را خوشبو میکند زیرا که چون
آدمی سواک میکند بلغم نازل می‌شود از چشم و جلا میدهد و چون سرمه میکشد بلغم از چشم بر طرف میشود
و بدهان نازل میشود و دهان خوشبو میشود و در فقه الرضا مذکور است که چون اراده نمائی که سرمه بکشی
میل را بدست راست بگیر و در سرمه دان بزن و بگو بسم الله و چون میل در چشم کشی بگو اللهم نور

بَصَرِي وَاجْعَلْ فِيهِ نُوراً أُبْصِرُ بِهِ حَقَّكَ وَاهْدِنِي إِلَى طَرِيقِ الْحَقِّ وَأَرْشِدْنِي إِلَى سَبِيلِ
الرَّشَادِ اللَّهُمَّ نَوِّرْ عَلَيَّ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي و در مکارم الاخلاق روایت کرده است که این دعا بخواند
در وقت سرمه کشیدن اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ
فِي عَمَلِي وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِي فصل

نهم در آداب نظر در آینه کردن بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که خداوند عالمیان واجب میگرداند بهشت را از برای جوانی که بسیار
نظر در آینه کند و حمد بسیار گوید بر اینکه خدا او را بصورت نیکو آفریده و او را بصورت بد نگردانیده است و در
بعضی روایات مذکور است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نظر میکردند در آینه و دست
مبارک و ریش را شانه میکردند و از برای اصحاب خود و زنان خود خود را میساختند و میفرمودند که
خدا می‌پسندد و دوست میدارد از بنده اش که چون بنزد برادران مؤمن برود از برای ایشان زینت
کند و خود را بسازد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که چون کسی نظر
در آینه کند باید بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي فَأَحْسَنَ خَلْقِي وَصَوَّرَنِي فَأَحْسَنَ صُورَتِي وَزَانَ
مِنِّي مَا شَانَ مِنْ غَيْرِي وَأَكْرَمَنِي بِالْإِسْلَامِ و در فقه الرضا و غیر آن مذکور است که چون خواهی
در آینه نظر کنی آینه را بدست چپ بگیر و بگو بِسْمِ اللَّهِ پس چون در آن نظر کنی دست راست را
بر سر بگذار و بر رو بکش و ریش خود را بدست بگیر و در آینه نظر کن و بگو الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَنِي بَشَراً سَوِيّاً وَزَانَنِي وَلَمْ يَشِنِّي وَفَضَّلَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِهِ وَمَنَّ عَلَيَّ بِالْإِسْلَامِ
وَرَضِيَهُ لِي دِيناً پس آینه از دست بگذار و بگو اللَّهُمَّ لَا تُغَيِّرْ مَا بِنَا مِنْ نِعَمِكَ وَاجْعَلْنَا
لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ و در روایت دیگر وارد شده است که آینه
بدست چپ بگیری و چون روی خود را در آینه ببینی بگو الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْسَنَ وَأَكْمَلَ
خَلْقِي وَحَسَّنَ خُلُقِي وَخَلَقَنِي خَلْقاً سَوِيّاً وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّاراً شَقِيّاً الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
زَانَ مِنِّي مَا شَانَ مِنْ غَيْرِي اللَّهُمَّ كَمَا أَحْسَنْتَ خَلْقِي فَصَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَسِّنْ خُلُقِي وَتَمِّمْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ

وَزَیِّنِّی فِی عُیُونِ خَلْقِکَ وَجَمِّلْنِی فِی عُیُونِ بَرِیَّتِکَ وَارْزُقْنِی الْقَبُولَ وَالْمَهَابَةَ وَالرَّأْفَةَ
وَالرَّحْمَةَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ و در روایت دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی چون در آئینه نظر کنی بگو اَللّٰهُمَّ کَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِی فَحَسِّنْ
خُلُقِی وَرِزْقِی **فصل یازدهم** در فضیلت خضاب کردن مردان و زنان بدانکه مردان را خضاب
موی سر و ریش سنت مؤکده است و زنان را خضاب موی سر و دست و پا سنت مؤکده است و مردان را
خضاب دست و پا کراهت دارد مگر اندک رنگی و بعد از نوره که بر جمیع بدن سنت است حنا مالیدن
آنقدر از آن بر دست بمالند که رنگ ناخن بسرخی مایل شود چنانچه بسندهای معتبر از حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که چهار چیز است که از سنتهای پیغمبران است بوی خوش کردن
و نزدیکی زنان و مسواک کردن و خضاب کردن بحنا و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که یک
درهم که در خضاب خرج شود بهتر است از هزار درهم که در راه خدا صرف شود و در آن چهارده خصلت
هست باد را از گوشها دور میکند و غبار را از چشم جلا میدهد و بینی را نرم میکند و دهان را خوشبو میکند
و بن دندانها را محکم میکند و گند زیر بغل را دفع میکند و کم میکند وسوسه شیطان را و ملائکه بسبب آن
شاد میشوند و سبب خوشحال مؤمنان و خشم کافران میشود و زینت است و بوی خوش است و موجب
خلاصی از عذاب قبر میشود و نکیر و منکر شرم میکنند از آن و در حدیث دیگر فرمود که موی سفید
خود را رنگ کنید و شبیه مشوید بیهودان و حسن بن جهم گفت که بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام
رفتم دیدم که آنحضرت خضاب ریش برنگ سیاه کرده بودند پس فرمود که خضاب کردن ثواب
عظیم است و خود را ساختن موجب عفت زنان است و بعضی از زنان دست از عفت
برداشتند بسبب آنکه شوهران ایشان خود را برای ایشان نمیآراستند و شخصی عرض کرد که بما رسیده
است که حنا موی سفید را زیاده میکند حضرت فرمود که موی سفید خود زیاده میشود بی حنا و در
حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و حضرت
نظر کرد که موی سفید در ریش او بهم رسیده است فرمود که این موی سفید نور است پس فرمود
که هر که در اسلام یک موی سفید در ریش او بهم رسد از برای او نوری باشد در قیامت پس آن
شخص بحنا خضاب کرد و نزد آنحضرت آمد چون آنحضرت او را دیدند فرمودند که هم نور است

وهم اسلام پس رفت و خضاب سیاه کرد و آمد پس آنحضرت فرمود که نور است و اسلام است و ایمان است و محبوب میگرداند بسوی زنان و خوف و بیم می افکند در دل کافران و در حدیث معتبر منقول است که گروهی بخدمت حضرت امام حسین علیه السلام آمدند و دیدند که آنحضرت بسیاهی خضاب کرده است درین باب از آنحضرت سؤال کردند دست بریش گذاشته فرمودند که امر کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در یکی از جنگها که مسلمانان بسیاهی خضاب کنند تا باعث غلبه ایشان شود بر کافران و در حدیث حسن منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که خضاب سر و ریش آیا سنت است فرمود که بلی حضرت امیر المومنین علیه السلام برای آن خضاب نمیفرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرموده بود که یا علی موی ریش تو از خون سر تو خضاب خواهد شد انتظار آن خضاب می کشید و حضرت امام حسین علیه السلام و حضرت امام باقر علیه السلام هر دو خضاب میکردند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که من برای آن خضاب نمیکنم که صاحب تعزیه ام در مصیبت وفات حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم و در احادیث بسیار منقول است که حضرت رسول خضاب میفرمودند و در حدیث معتبر منقول است که حضرت صادق علیه السلام نظر کردند بمردی که از حمام بیرون آمده بود و دست هایش حنا بسته بود حضرت فرمودند که آیا ترا خوش می آید که خدا ترا چنین خلق کند گفت نه والله ولیکن بما خبر رسیده است که هر که داخل حمام شود باید که اثر حمام بر وی دیده شود یعنی حنا حضرت فرمود غلط فهمیده بلکه مراد آنست که چون بسلامت از حمام بدر آید بشکر این نعمت دو رکعت نماز بگذارد و در حدیث حسن منقول است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند که از جمله علامات بدی که در آخر الزمان ظاهر شود آنست که آثار زنان در مردان عیاشی ظاهر شود و مردان خضاب کنند و خود را مثال کنی کنند بروش زنان و ظاهر آنست که مراد خضاب دست و پا باشد زیرا که خضاب سر و ریش سنت است و از علامات مردان است و در حدیث معتبر منقول است از آنحضرت که باکی نیست که در حمام خلوق بر دست و پا مالد جهت ترکهائی که در دست و پا بهم رسد از بابت دوا اما خوشم نمی آید که همیشه این کار کنند و خلوق بوئی خوشی بوده است که زعفران داشته است و رنگ از آن در بدن میماند است و در حدیث دیگر از ابی الصباح منقول است که گفت اثر حنا در دست حضرت امام محمد باقر علیه السلام دیدم یعنی اثر ضعیفی که از حنا مالیدن بعد از دو روز میماند چنانچه بعد ازین مذکور خواهد شد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سزاوار نیست زن را که دستش را از خضاب خالی بگذارد اگرچه بمالیدن

حنا باشد هرچند پیر باشد و فرمود که امر کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زنان شوهردار و بی شوهر را بخضاب کردن اما شوهردار برای شوهرش و اما غیر شوهردار برای آنکه دستش بدست مردان نماند

فصل دوازدهم در کیفیت خضاب و احکام آن در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که باکی نیست در خضاب کردن بوسمه برای مرد پیر و در حدیث صحیح موثق از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که فرمود خضاب کردن بوسمه دندانهای مرد را سست کرده درهم شکست و در چندین حدیث معتبر وارد شده است که چون حضرت امام حسین علیه السلام شهید شد خضاب بوسمه در ریش مبارک آنحضرت بود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که خضاب کردن بوسمه موجب انس زنان است و مهابتی ازان در دل کافران بهم میرسد و در حدیث حسن از آنحضرت منقول است که خضاب کردن بحنا ابرو را زیاده میکند و سفیدی مو را هم زیاده میکند و در حدیث صحیح و حسن منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام خضاب بحنا میفرمودند خضاب سرخ رنگین و در حدیث دیگر فرمود که خضاب بحنا بوی بد را برطرف میکند و آبرو را میافزاید و بوها را خوشبو میکند و فرزندان را خوش رو میگرداند و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که هرگاه زنی را علت حیضش طول شده باشد بحنا خضاب بکند تا حیضش برگردد و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام حسین علیه السلام و حضرت امام محمد باقر علیه السلام خضاب بحنا و وسمه باهم میکردند و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که بهترین خضابها نزد حقتعالی رنگ سیاه است و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم رخصت فرمود زنان را که سر خود را بسیاهی خضاب کنند بدانکه مشهور میان علما آنست که جنب را خضاب کردن مکروه است و همچنین مکروه است در حالی که خضاب بسته باشد جنب شدن و از بعضی اخبار معتبره ظاهر میشود که چون حنا رنگ خود را داده باشد بعد از ان جنب شدن باکی نیست و همچنین مکروه است زن حائض را خضاب کردن

باب سوم در آداب خوردن و آشامیدن

فصل اول در بیان ظرفهائیکه در خوردن و آشامیدن و سائر استعمالات توان استعمال نمود و آنچه ازان نهی شده است جائز نیست خوردن و آشامیدن از ظرف طلا و نقره و در استعمال غیر اکل و شرب خلاف است و احوط اجتناب است و همچنین در نگاهداشتن برای زینت احوط اجتناب است و بعضی گفته اند طعامی را که در ظرف طلا و نقره کنند حرام میشود اگرچه طعام را

در جائی دیگر کنند و اگر چه دلیلی ندارد و امّا احوط اجتناب است و جمعی باطل میدانند وضوی را که از ظرف طلا و نقره و بساز ند و باشند سرمه دان و غیر چه و سر قلیان و قندیلها که هر دو طرفش گشوده باشد که در مشاهد مشرفه میآویزند و ظرف مصحف و دعا و آئینه را بنقره و طلا گرفتن بلکه چوب و نی را بنقره گرفتن خلافست و احوط در همه اجتناب است اگر چه حرمت اینها بر فقیر ثابت نیست و در نعلکی قلیان که از نقره و طلا باشد احتیاط بیشتر باید کرد و مکروه است از ظرف نقره کوب و طلا کوب چیز خوردن و آشامیدن و اگر بخورد بهتر آنست که دهن را بموضع طلا و نقره نرساند و اشهر میان علما آنست که جایز نیست استعمال پوست مگر پوست حیوانی که در حال حیات پاک باشد و آنرا بعنوان شروع کشته باشند یا از دست مسلمانی گرفته باشند و حرام است استعمال پوست حیوان مرده و همچنین پوستی که یافته باشند اگر چه گمان باشد که از دست مسلمانی افتاده است مثل کفش در مسجد مسلمانان بعضی گفته اند که جائز است استعمال میته در عملی که مشروط بطهارت نباشد مثل آب به زراعت و حیوانات دادن و امثال اینها و این قول قویست و احوط اجتناب است و همچنین بعضی جایز داشته اند استعمال پوستی که ظن بهم رسد که آنرا مسلمانی کشته است یا از دست مسلمان افتاده است و خالی از قوتی نیست و احوط اجتناب است و پوست حیوان طاهری که گوشت آنرا نخورند و قابل تزکیه باشد استعمال میتوان کرد امّا پیش از دباغی کردن مکروه است استعمال آن و ظرفی که در آن شراب کرده باشند هر چه نجاست در آن نفوذ نکند مثل شیشه و مس شستن پاک میشود و همچنین هر چه کاشی داشته باشد و منفذی نداشته باشد که شراب در جرم آن جا کند و در مثل سبو و کدو و خم بی کاشی و امثال اینها خلافست و اشهر آنست که بآب شستن پاک میشود خصوصاً وقتیکه آنقدر در آب بگذارند که آب در آن نفوذ کند و اثر شراب در آن نماند و احوط اجتناب است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که در دنیا از ظرف طلا و نقره آب خورد در آخرت از ظرف طلا و نقره در بهشت محروم می شود و بسند معتبر منقول است که محمد بن اسمعیل بن بزیع از حضرت امام رضا علیه السلام سوال کرد از ظرف طلا و نقره حضرت اینها را کراهت کردند گفت بما روایت رسیده است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام آئینه داشتند که بنقره گرفته بودند حضرت تبسم نمودند فرمودند الحمد لله همین حلقه داشت از نقره و آن آئینه اسمعیل نبوده فرمود که برادرم عباس را چون ختنه

کردند برای او چوبی ساخته بودند و آنرا بنقره گرفته بودند که قبضه نقره اش بقدر یک بده درهم بود که سه صد دینار عجمی باشد حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که آنرا شکستند و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که ظروف طلا و نقره متاع جماعتی است که یقین باخرت ندارند و در حدیث دیگر از عمر ابن ابی المقدام منقول است که ظرفی آوردند نزد امام جعفر صادق علیه السلام که آب بخورند پاره از نقره بر آن چسپانیده بودند دیدم که حضرت بدندان خود آنرا از آن ظرف میکندند و در حدیث موثق از آنحضرت منقول است که مکروه است آب خوردن از ظروف که نقره کوب یا بعضی از آن نقره باشد و روغن مالیدن از روغن دان چنین و شانه کردن از شانه دان چنین مکروه است و در حدیث معتبر از آنحضرت منقول است که کراهیت دارد خوردن چیزی که در سفالیکه از مصر می آورند پخته باشند و در روایت موثق از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که طعام مخورید در ظرفهای سفالی که از مصر میآورند و از ربیع بن عبد منقول است که بخدمت حضرت امام محمد تقی علیه السلام آمدم دیدم که حضرت طعام میخوردند در میان کاسه سیاهی که در میان آن برنگ زرد سوره قل هو الله احد نقش کرده بودند فصل دوم در تجویز خوردن طعامهای لذیذ و مذمت حرص و افراط در آن بدان که از احادیث اهلبیت علیهم السلام ظاهر میشود که طعامهای لذیذ خوردن و بمردم خورانیدن و تکلف در خوبی و پاکیزگی آنها خوب است و طعامهای لذیذ را بر خود حرام کردن خوب نیست اما باید که از حلال باشد و آنقدر نخورد که او را از عبادت الهی باز دارد و مانند حیوانات پیوسته همتش مصروف خوردن و آشامیدن نباشد بلکه باید که منظور و مقصود او از خوردن و آشامیدن تحصیل قوت عبادت باشد و باید که آنقدر صرف کند که نسبت بحال او اسراف نباشد که خدا مسرفانرا دوست نمیدارد و بسند معتبر منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بسیار بود که نانهاد فرنی نفیس و حلواهای لذیذ بمردم میخورانیدند و میفرمودند که هرگاه خدا بر ما توسعه میدهد ما نیز توسعه میکنیم و هرگاه خدا بر ما تنگ میگیرد ما نیز تنگ میگیریم و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که سه چیز است که حقتعالی مومن را در قیامت بانها حساب نکند طعامی که بخورد و جامه که بپوشد و زن صالحه که یاور او باشد و فرج او را از حرام نگاهدارد و ابو خالد کابلی میگوید که بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام رفتم حضرت چاشت طلبیدند من خوردم با آنحضرت هرگز نیکوتر و پاکیزه تر طعامی از آن نخورده بودم پس فرمود

که چگونه دیدی طعام ما را گفتم فدایت شوم هرگز باین خوبی طعام نخورده بودم ولیکن بیادم آمد آن آیه که
در کتاب خدا است ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ که ترجمه اش اینست که البته سوال کرده خواهد شد
در روز قیامت از نعمت الهی حضرت فرمود که مراد از نعیم درین آیه مذهب تشیع و ولایت اهلبیت
علیهم السلام است که در روز قیامت از شما سوال خواهند کرد و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که حقتعالی از آن کریم تر است که سوال کند از مومن از خوردنی و آشامیدنی که در دنیا
برو حلال کرده باشد و بسند حسن از آنحضرت منقول است که طعام بعمل بیاور و نیکو بعمل بیاور و اصحاب
خود را بیاور و با ایشان بخور و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که با سیری چیزی خوردن
مورث پیسی است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که سه چیز است که خدا دشمن
میدارد صاحب آنها را خواب کردن بدون بیداری شب و خنده کردن در غیر محل تعجب و خوردن
طعام در هنگام سیری و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که مومن در یک شکم
چیزی میخورد و کافر در هفت شکم چیزی میخورد یعنی بسیار میخورد و در حدیث دیگر منقول است که ابوجحیفه
بخدمت آنحضرت آمد و آروغ میزد از سیری حضرت فرمود که آروغ خود را منع کن که هر که در دنیا سیرتر
است در قیامت گرسنه تر است پس ابوجحیفه بعد از آن طعام سیر نخورد تا از دنیا رفت و در حدیث
دیگر فرمود که هیچ چیز را خدا دشمن نمیدارد مانند شکم پر از طعام و از حضرت امیر المومنین علیه السلام
منقول است که حضرت عیسی علیه السلام بشهری رسید که مردی و زنی فریاد میکردند و با یکدیگر نزاع
داشتند از سبب آن پرسید مرد گفت که این زن زن من است و صالحه است و عیبی ندارد اما
من او را دوست نمیدارم و میخواهم از و جدائی اختیار کنم فرمود که بهمه حال سبب این کراهیت را بگو
چیست گفت که رویش کهنه و بی طراوت شده است بی آنکه پیر شده باشد حضرت عیسی علیه السلام بآن
زن فرمود میخواهی که آب رویت برگردد و تازه شود گفت بلی فرمود طعام که میخوری سیر مخور زیرا که
طعام زیاده در معده که بجوش آید آب رو را میبرد آن زن چنین کرد رویش بحالت طراوت برگشت
و محبوب شوهر شد و از حضرت امام موسی کاظم منقول است که اگر مردم میانه رو باشند در طعام
خوردن پیوسته بدن ایشان صحیح باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است
که پنج خصلت است که مورث برص و پیسی است نوره کشیدن در روز جمعه و چهارشنبه و وضو

وغسل کردن بآبی که در آفتاب گرم شده باشد و در حالت جنابت چیزی خوردن و در حال حیض
با زن جماع کردن و در وقت سیری چیزی خوردن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
که آدمی را ناچار است از طعامی که بدان قوت بیابد و هرگاه طعامی خورد باید که یک حصه شکم برای
طعام قرار دهد و یک حصه برای آب و یک حصه برای نفس زدن و سعی نکند در فربه کردن خود چنانچه
حیوانات برای کشتن فربه میکنند و فرمود که هرگاه شکم سیر شد باعث طغیان و فساد میشود و فرمود که
هر دردی و بیماری از بسیار خوردن بهم میرسد بغیر از تپ که آن گاه هست که بناگاه میرسد و در حدیث
دیگر منقول است که حضرت عیسی علیه السلام فرمود که ای بنی اسرائیل تا گرسنه نشوید چیزی نخورید و هرگاه
که گرسنه شوید بخورید و سیر نخورید زیرا که چون سیر شدید گردنهای شما گنده میشود و پهلوهای شما فربه می شود و پروردگار
خود را فراموش میکنید و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که کفران نعمت الهی
است اینکه کسی گوید که فلان طعام را خوردم و مرا آزار داد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقول است که روزی شیر و عسل نزد آنحضرت آوردند که تناول نمودند و بر زمین گذاشتند گفتند
یا رسول الله آیا حرام میکنی خوردن این را فرمودند نه اما تواضع و شکستگی میکنم برای خدا و پالوده بسیار
طیب و خوشبو نزد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آوردند انگشتی با آن فرو بردند و بدهان گذاشتند
فرمودند که حرام نیست اما نمیخواهم خود را عادت فرمایم بچیزی که عادت نکرده ام و در حدیث دیگر وارد
است فرمود که چیزی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نخورده است نمیخواهم بخورم و در حدیث دیگر
از آنحضرت منقول است که همیشه این امت با خیر و نعمت باشند مادام که لباس عجمان را نپوشند و
طعامهای عجمان را نخورند پس چون چنین کنند خدا ایشان را ذلیل و خوار گرداند و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقول است که نیکو نان خورشیست سرکه و همین بس است در اسراف که نعمتی را که نزد او
بیاورند دشمن دارد و نخورد فصل سوم در بیان بعضی از آداب و اوقات طعام خوردن سنت است
که چاشت بامداد بخورد و در میان روز دیگر چیزی نخورد و بعد از نماز خفتن بار دیگر طعام بخورد و لقمه
کوچک بردارد و نیکو بخاید و نظر بر روی مردم نکند و طعام بسیار گرم نخورد و در طعام گرم ندمد
بلکه بگذارد تا سرد شود و بعد از آن بخورد و نان را بکارد نبرد و کاسه را پاک کند و بکمتر از سه انگشت
چیزی نخورد و از پیش خود بخورد و دست در پیش دیگران دراز نکند و کاسه و انگشتان را بلیسد و در حالت

جنابت مکروه است طعام و آب خوردن و اگر وضو بسازد یا دست بشوید و مضمضه و استنشاق کند یا دست
و رو را بشوید و مضمضه بکند یا دستها را بشوید کراهتش ضعیف میشود و در حدیث دیگر وارد است که اگر چیزی میخورد در حال
جنابت بی آنکه اینها را بعمل آورد بیم آنست که پیس شود و در حدیث معتبر منقول است که پسر برادر
شهاب بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از دردها و امتلا و فساد معده
حضرت فرمود که چاشت و شام بخور و در میان چیزی مخور زیرا که خداوند عالمیان در وصف طعام
اهل بهشت میفرماید لَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ترجمه اش اینست که مهیا است برای بهشت
روزی ایشان در بهشت در بامداد و پسین خفتن و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام
منقول است که طعام خوردن پیغمبران آخر روز یا بعد از نماز خفتن است پس ترک مکنید
که ترکش موجب خرابی بدن است و در حدیث دیگر منقول است که ترک طعام خوردن طرف
شب آدمی را پیر میکند و فرمود که چون آدمی پیر شود باید که در شب پیش از خواب البته چیزی بخورد
که بهتر بخواب میرود و دهانش خوشبو میشود و خلقش نیکو میشود و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است
که چیزی خوردن شب را ترک مکنید اگرچه پارهٔ نان خشکی باشد که باعث قوت جماع است و از
حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که ترک کند طعام خوردن را در شب شنبه و یکشنبه
پیهم از و قوتی برطرف شود که تا چهل روز با و برنگردد و فرمود که طعام شب نافع تر از طعام روز است
و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که در بدن آدمی رگی هست که آن عشا نام دارد هر که در طرف
شب چیزی نخورد آن رگ او را نفرین میکند تا صبح میگوید که خدا ترا گرسنه بدارد چنانکه مرا
گرسنه داشتی و خدا ترا تشنه بدارد چنانچه مرا تشنه داشتی پس البته ترک مکنید عشا را اگرچه لقمهٔ نان
یا دم آبی باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که سزاوار نیست که مومن
از خانه بیرون رود تا آنکه چاشت بخورد که باعث زیادتی عزت اوست و در حدیث دیگر فرمود
که اگر خواهی پی حاجتی بروی نان با نمک بخور که بیشتر باعث عزت تست و حاجت زودتر برمی آید
و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که طعام گرم را بگذارید تا سرد شود بدرستیکه طعام
نزدیک رسول صلی الله علیه و آله و سلم آوردند فرمودند که بگذارید تا سرد شود که خدا آتش را طعام
نگردانیده است و برکت در طعام سرد است و از حضرت امام رضا علیه التحیة و الثنا منقول است

که طعام گرم برکت ندارد و شیطان دران بهره دارد و در حدیث موثق از سلیمان بن خالد منقول است که گفت حاضر شدم شب بر سفرهٔ امام جعفر صادق علیه السلام در تابستان خوانی آوردند که در ان نانی بود و کاسه آوردند که در آن ثرید و گوشت بود پس دست دران گذاشتند و بر داشتند و فرمود که امان مطلبیم بخدا از آتش دوزخ تاب این گرمی ندارم و صبر بران نمیتوانم کرد چگونه تاب آورم و صبر کنم بر آتش جهنم این را مکرر فرمودند تا طعام سرد شد چنانکه میتوانست خورد پس تناول فرمود و ما هم خوردیم و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که نهی فرمود از دمیدن در خوردنی و آشامیدنی و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مکروه است دمیدن در کرمها و افسونها و در طعام و در موضع سجده و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقول است که اگر از برای سرد کردن بد مقصود ندارد و محل بر ضرورت و حالت استعجال میتوان کرد و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که مخورید از بالای ثرید و از پهلوهایش بخورید که برکت در بالای طعام است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که هرگاه یکی از شما طعام خورد باید که از پیش خود بخورد و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت کاسه طعام را می لیسیدند و میفرمودند که هرگاه کاسه را بلیسند چنانست که مثل آن طعام را تصدق کرده باشند و منقول است که حضرت امیر المومنین علیه السلام بتمام انگشتان طعام تناول میفرمودند و میگفتند که هرگاه که کاسهٔ طعام را بلیسد ملائکه بر و صلوات میفرستند و دعا کنند برای او بفراخی روزی او و حسنات مضاعف برای او مینویسند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که در وقت طعام خوردن دو زانو بروش بندگان می نشستند و دست بر زمین میگذاشتند و بسه انگشت چیزی تناول مینمودند و میفرمودند که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم چنین طعام تناول میفرمودند نه بروش متکبران و جباران که بدو انگشت چیزی میخورند و بسند معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که هرگاه کسی طعام خورد دعا انگشتان خود را بمکد و بلیسد خداوند عالمیان فرماید که خدا برکت دهد ترا و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آنحضرت کراهت داشتند این که دست را بدستمال پاک کنند در وقتیکه چیزی از طعام دران باشد یا آنکه خود می مکیدند یا طفلی که در پهلوی آنحضرت میبود میدادند که می مکید بر انگشت طعام

و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است کسی که خواهد که طعام او را ضرر نرساند تا گرسنه نشود دست از طعام پاک نشوید و معده پاک نشود چیزی نخورد و چون خواهد بخورد بسم الله بگوید و نیکو بخاید و دست از طعام وقتی بکشد که هنوز خواهش طعام داشته باشد و بسند معتبر منقول است از حضرت علی بن الحسین علیه السلام که استخوانها را پاک مکنید که جنیان را در آن بهره است و چون پاک کنید ایشان از خانه شما میبرند چیزی که بهتر از آن باشد و بسند معتبر از حضرت امام حسین علیه السلام منقول است که در خوردن دوازده خصلت است که بر هر مسلمان واجب است که بداند چهار از آن فرض است و چهار دیگر سنت و چهار دیگر تادیب است اما فرض آنست که منعم خود را بشناسد و داند که نعمت از جانب پروردگار است و راضی باشد بآنچه خدا باو عطا کرده است و بسم الله بگوید و خدا را شکر کند و اما سنت پس دست شستن پیش از طعام خوردن و بر جانب چپ نشستن و بسه انگشت چیزی خوردن و انگشتان را لیسیدن و اما تادیب پس از پیش خود خوردن و لقمه را کوچک برداشتن و بسیار خائیدن و در روی مردم کم نگاه کردن و در حدیث معتبر منقول است که حضرت امیر المومنین علیه السلام بحضرت امام حسین علیه السلام فرمود که میخواهی ترا تعلیم نمایم چهار چیز اگر بجا آوری از طبابت طبیبان مستغنی شوی گفت بلی یا امیر المومنین فرمود که منشین بر طعام مگر وقتیکه گرسنه باشی و برمخیز از طعام مگر وقتیکه خواهش داشته باشی و نرم بخائی و هرگاه که خواهی که بخوابی به بیت الخلا برو و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که وقتیکه طعام میخوردند بسم الله میگفتند و از پیش دیگری چیزی بر نمیداشتند و پیش از مهمانان شروع بطعام میکردند و با انگشت ابهام و انگشت شهادت بعد از آن با انگشت میانین طعام میخوردند و گاهی انگشت چهارم هم ضم میکردند و گاهی بتمام انگشتان میخوردند و هرگز بدو انگشت چیزی نمیخوردند و میفرمودند که این خوردن شیطان است **فصل چهارم** در سائر آداب طعام خوردن سنت است که بدست راست چیزی بخورد و دو زانو بنشیند و خوابیده چیزی نخورد اما اگر بدست چپ تکیه کند باکی نیست و چهار زانو نشستن مکروه است و اگر پا را بر روی زانو بگذارد بدتر است و تنها خوردن مکروه است و با خدمتکاران و غلامان چیزی خوردن و بر روی زمین چیزی خوردن سنت است و مشهور آنست که در وقت راه رفتن چیزی خوردن مکروه است و پیش از طعام و بعد از طعام دست شستن سنت است و در دست شستن پیش از طعام سنت است که دست را بدستمال خشک نکند و اول صاحب خانه دست بشوید و بعد از او هر که در جانب

راست او بست و بترتیب بشویند تا آخر مجلس و در شستن بعد از طعام از جانب چپ صاحب خانه
ابتدا کند و خود آخر همه بشوید و سنت است که همه در یک طشت بشویند و آب را بریزند و بر سر خوانی که شراب
در آن خورند چیزی خوردن حرام است و بعضی گفته اند هر حرامی که خورند یا کنند در آن مجلس چیزی خوردن
حرام است حتی بر سر سفرهٔ جماعتی که غیبت مسلمانان کنند بحرام و سنت است که در اول و آخر طعام
نمک بخورند و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم لعنت فرمود کسی را که توشهٔ خود را تنها بخورد و کسیکه در سفر تنها برود و کسیکه
در خانه تنها بخوابد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که چون در طعام چهار چیز جمع شود آن تمام
است هرگاه از حلال باشد بسیار دست در آن دراز شود و نام خدا در اولش گرفته شود و در آخرش
حمد الهی بگویند و در حدیث صحیح منقول است که چون خوان طعام نزد حضرت امام رضا علیه السلام حاضر
میشد کاسه میطلبید و از طعامهائیکه لذیذتر بود از هر طعامی قدری بر میگرفتند و در آن کاسه میگذاشتند و میفرمود
که بمساکین و درویشان بدهند و در احادیث معتبره از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حضرت
یعقوب علیه السلام بمفارقت فرزند برای آن مبتلا شد که روزی گوسفند فربهی کشت و بریان نمود
و مرد صالحی روزه دار در نزدیک خانهٔ او بود بوی آنرا شنید و غافل شدند که باو بخورانند پس جبرئیل
علیه السلام در همان شب آمد و گفت مهیای بلا باش از جانب خدا تعالی و در همان شب حضرت
یوسف علیه السلام آنخواب را دید پس بعد از آن حضرت یعقوب علیه السلام در وقت چاشت
میفرمود که ندا میکردند تا یک فرسخ راه که هر که چاشت میخواهد بطعام حضرت یعقوب علیه السلام
حاضر شود و در شب نیز چنین ندا میکردند و در حدیث دیگر منقول است که چون خوان طعام حاضر
شود هر سائلی که بیاید رد مکنید و بسند صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که ملعون است کسیکه بنشیند
بر سر خوانیکه در آن شراب خورند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد پس نخورد
چیزی بر سر سفره که در آن شراب خورند و در فقه امام رضا علیه السلام منقول است که مخور طعام بر خوانی که بعد از فارغ شدن تو بر سر آن
شراب خورند و در چندین حدیث وارد شده است که چیزی در حالت جنابت خوردن سبب فقر و بی چیزی میشود و در احادیث بسیار
وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از خوردن و آشامیدن بدست چپ مگر آنکه مضطر باشد
چون دست راستش علتی باشد و بسندهای معتبر منقول است از حضرت صادق علیه السلام که حضرت رسول

صلی اللہ علیہ وآلہ هرگز تکیه کرده بر پهلوی راست و بر پهلوی چپ چیزی تناول نفرمود تا از دنیا رحلت نمود و بروش بندگان می نشست و بروش بندگان چیزی میخورد و از جهت تواضع و فروتنی نزد پروردگار خود و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که تکیه کرده و خوابیده چیزی نخورند و در حدیث حسن منقول است که روزی عباد بصری که از مشایخ صوفیه و علمای عامه است در خدمت حضرت صادق علیه السلام نشسته بود و حضرت طعام تناول میفرمود و دست چپ خود را بر زمین گذاشته بود عباد گفت مگر نمیدانی که حضرت پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نهی فرموده است از تکیه بر دست کردن در وقت طعام خوردن حضرت لحظه دست برداشتند باز بر زمین گذاشتند دست را باز عباد اعاده آن سخن کرد تا سه مرتبه پس حضرت فرمود که والله که حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ هرگز از این نهی نفرمود و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که هرگاه بخوردن طعام نشینید بروش بندگان و بزانو نشینید و یک پا را بر روی پای دیگر بگذارید و چهار زانو منشینید که این نشستن را و صاحبش را خدا دشمن میدارد و ظاهر این حدیث آنست که چهار زانو که نهی واقع شده است آنست که بروش جباران یک پای را بر بالای ران بگذارد و در حدیث است که حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم چون بر سر خوان می نشستند از پیش خود طعام میخوردند و بروشیکه در تشهد نماز می نشستند بهمان روش می نشستند و زانوی راست را بر بالای زانوی چپ و پای راست را بر شکم پای چپ میگذاشتند و میفرمودند که من بنده ام بروش بندگان می نشینم بروش بندگان میخورم و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مکروه است آدمی را که با دست چپ چیزی بخورد یا بیاشامد یا چیزی با آن بردارد و حال آنکه تواند از دست راست برداشتن و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که باکی نیست در حال راه رفتن چیزی خوردن و در حدیث دیگر فرمود که روزی حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم پیش از نماز صبح بیرون آمدند و پاره نانی در دست داشتند که در میان شیر فرو برده بودند و میخوردند و بنماز می آمدند و بلال اقامت نماز میگفت پس با مردم نماز کردند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مخور چیزی در حالت راه رفتن مگر آنکه مضطر باشی و در حدیث معتبر بسیار از حضرت امیر المومنین و ائمه طاهرین علیه السلام منقول است که هر که خواهد که خیر خانه او بسیار شود

دست را پیش از طعام خوردن بشوید و فرمودند که دست شستن پیش از طعام و بعد از طعام فقر
زائل میکند و روزی را زیاده میکند و چرک را از جامه دور میکند و چشم را جلا میدهد و دردها را از بدن
دور میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دستها را همه در یکظرف بشوئید که اخلاق شما
نیکو شود و در حدیث معتبر از آنحضرت منقول است که در دست شستن پیش از طعام اوّل صاحب خانه
بشوید که دیگرانرا دشوار نباشد دست شستن و چون از طعام فارغ شوند ابتدا از کسی کنند که در جانب
راست درگاه نشسته است و در روایت دیگر آنست که دست پیش از طعام اوّل صاحب خانه
بشوید و بعد از آن هرکه در جانب راست او نشسته است و در شستن بعد از طعام ابتدا بدست چپ
صاحب خانه میکند و خود آخر همه دست می شوید زیرا که او اولی است با آنکه صبر کند بر آلودگی دست
و در حدیث حسن از مرازم منقول است که دیدم حضرت موسی علیه السلام را که چون دست را
پیش از طعام می شستند دست را بدستمال پاک نمیکردند و بعد از طعام دست را که می شستند
بدستمال پاک میکردند و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که دست را
که برای طعام خوردن بشوئی دست را بدستمال پاک مکن زیرا که تا تری در دست هست برکت در طعام
هست و فرمود که بعد از دست شستن دست را بر رو مالیدن کلف را از رو برطرف میکند
و روزی را زیاده میکند و از مفضل بن عمر منقول است که شکایت کردم بآنحضرت از آزار چشم
حضرت فرمود که چون بعد از طعام دست بشوئی دستها را بر ابروها بمال و سه نوبت بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ الْمُنْعِمِ الْمُفْضِلِ مفضل گوید که چنین کردم هرگز آزار چشم ندیدم و از حضرت
امام رضا علیه السلام منقول است که چون حضرت رسول صلّی اللّٰه علیه و آله وسلّم بعد از طعام
دست می شستند آب در دهان میکردند و مضمضه میفرمودند و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که در اشنان که بآن دست میشوئید سعد داخل کنید که دهانرا خوشبو میکند و بر قوت جماع می افزاید
و منقول است که چون حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا باشنان دست می شستند اشنانرا
در دهان میکردند و میخائیدند و می انداختند و منقول است که حضرت امام محمد تقی علیه السلام
بعد از آنکه چاشت تناول فرمودند و دست شستند دستها را بر سر و رو مالیدند پیش از آنکه بدستمال
پاک کنند و فرمودند اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِیْ مِمَّنْ لَا یَرْهَقُ وَجْهَهُ قَتَرٌ وَّلَا ذِلَّةٌ و در روایت

دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که چون دست را بعد از طعام بشوئی بر رو و دیده ها بمال
پیش از آنکه بدستمال پاک کنی و بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ الزِّیْنَةَ وَالْمَحَبَّةَ وَاَعُوْذُبِكَ مِنَ الْمَقْتِ
وَالْبُغْضَةِ و از حضرت امام رضا منقول است که هر که دستش پاکیزه باشد باکی نیست که طعام بخورد و بعد از
آنکه دستش بشوید و از فضل بن یونس منقول است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بمنزل من آمدند
و چون طعام حاضر شد دستمال آوردم که در دامن ایشان بیندازم قبول نفرمودند و فرمودند که این طریقه
عجمانست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون بعد از طعام دست بشوئی با آن تری که
در دست باشد دیده های خود را مسح کن که این امان است از درد چشم و در روایت دیگر منقول است
که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم از دست شستن بعد از طعام فارغ می شدند دست را
بر روی می کشیدند و این دعا میخواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ هَدَانَا وَاَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَکُلَّ بَلَاءٍ صَالِحٍ
اَوْلَانَا و در حدیث موثق منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام
فرمودند که یا علی در اول و آخر طعام نمک بخور که هر که در طعام افتتاح و اختتام بنمک کند خدا دفع کند
از و هفتاد نوع از انواع بلا را که آسان تر آن خوره باشد و در روایت حسن دیگر که عافیت یابد از
هفتاد و دو نوع از انواع بلا که از جمله آنها دیوانگی و خوره و پیسی است و در روایت حسن دیگر از درد گلو و درد
دندان و درد شکم و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در نمک شفا از هفتاد
نوع از انواع درد است و اگر مردم بدانند که چه نفعها در نمک هست مداوا نکنند مگر با آن و فرمود که خدای
تعالی وحی نمود بموسی علیه السلام که امر کن قوم خود را که افتتاح و اختتام بنمک بکنند و اگر نکنند
و ببلائی مبتلا شوند ملامت نکنند مگر خود را و در روایت دیگر از آنحضرت منقول است که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم را در اثنای نماز عقربی گزید حضرت نعل بر آورده او را کشت و چون فارغ شد حضرت فرمود
که لعنت خدا بر تو نه نیکوکار را میگذاری و نه بدکار را مگر آنکه آزار میرسانی پس نمک پاره طلبید و بر موضع
عقرب گزیده مالید و فرمود که اگر مردم منفعتهای نمک را بدانند محتاج بتریاک فاروق و غیر آن
نشوند و در بعضی روایت معتبره وارد است که ابتدا بسرکه نیز خوبست و نقل از یاده میکنند و در روایت
دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که با ابتدا بنمک و اختتام بسرکه میکنیم و در روایت
دیگر از آنحضرت منقول است که هر که نمک بپاشد بر اول لقمه که میخورد رو به توانگری آورد و در حدیث

دیگر منقول است که آنحضرت فرمود که من روزی به مجلس سفاح که یکی از خلفای بنی عباس بود
رفتم در وقتیکه سفره اش گسترده بود پس دست مرا گرفت و بنزد خود کشید و پای من در کنار سفره
واقع شده پس آنقدر غمگین شدم که خدا داند زیرا که این کفران نعمت است و در روایت دیگر از آن
حضرت منقول است که طول دهید بر سفره نشستن که این ساعتی است که از عمر شما حساب نمیشود و در
حدیث معتبر منقول است از یاسر خادم حضرت امام رضا علیه السلام که چون آنحضرت بر سفره می نشستند
هیچ کوچک و بزرگ را نمیگذاشتند مگر آنکه بر سفره می طلبیدند حتی مهتر و حجام را و از ابراهیم بن عباس
مرویست که آنحضرت چون خلوت میشد و سفره میآوردند غلامان خود را همه بر سر خوان می طلبیدند
حتی دربانان و خدمتگاران و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که چون طعام
خورید نعل و کفش را از پا بیرون کنید که سنت نیکوست و بیشتر راحت می یابد پاهای شما و در اخبار معتبر
وارد شده است که یک امتیاز انسان از حیوانات دیگر اینست که بدست چیزی میتواند خورد پس باید
که بدست چیزی بخورد و باسانید معتبره منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چون با جماعتی
چیزی میخوردند یعنی مهمانان پیش از همه دست دراز میکردند و بعد از همه دست میکشیدند برای آنکه
ایشان بیشتر چیزی بخورند و منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بر خوان هرگز
نمیخوردند بلکه بر سفره میخوردند و از فحوای اخبار چنین معلوم میشود که در آنزمان خوانها را پایه دار و بلند
میساختند از روی تکبر که برای طعام خوردن خم نباید شد والله اعلم و در حدیث موثق منقول است
از سماعة بن مهران که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم که وقت نماز میشود و طعام رسیده است
بکدام یک ابتدا کنم فرمود که اگر اول وقت نماز باشد اول طعام بخورید و اگر پاره گذشته باشد و بیم آن
باشد که از طعام خوردن وقت فضیلت بدر رود ابتدا بنماز کنید **فصل پنجم** در بیان دعاهای
وقت طعام خوردن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که چون خوان را میگذارند چهار
هزار ملک بر دور آن احاطه می کنند اگر بنده بسم الله گفت ملائکه میگویند که خدا برکت فرستد بر شما و در طعام شما
پس با شیطان میگویند که بیرون رو ای فاسق که ترا بر ایشان تسلطی نیست و بعد از فارغ شدن طعام
اگر گفتند الحمد لله ملائکه میگویند که ایشان جماعتی اند که نعمت داده خدا با ایشان پس ادا کردند شکر پروردگار
خود را و اگر بسم الله نگفتند در اول ملائکه با شیطان میگویند که بیا ای فاسق و با ایشان طعام بخور

واگر خوان را بردارند و ایشان حمد الهی کنند ملائکه بگویند که ایشان گروهی بودند که خدا با ایشان نعمت داد و ایشان پروردگار خود را فراموش کردند و در حدیث معتبر از ابی عبدالله علیه السلام منقول است که چون خوان بگذارید بگوئید بِسْمِ اللّٰهِ و چون شروع بخوردن کنید بگوئید بِسْمِ اللّٰهِ عَلٰی اَوَّلِهٖ وَاٰخِرِهٖ و چون خوان را بردارید بگوئید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است که هر که نام خدا را در اول طعام برد و حمد خدا را در آخر طعام بگوید هرگز از آن طعام از و سوال نه کنند و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه مسلمانی خواهد که طعام بخورد چون لقمه بردارد و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ پیش از آنکه لقمه بدهانش برسد خدا گناهانش را بیامرزد و در حدیث دیگر منقول است که چون سفره نزد حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم می گستردند این دعا را میخواندند سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ مَا اَحْسَنَ مَا تَبْتَلِیْنَا سُبْحَانَكَ مَا اَكْثَرَ مَا تُعْطِیْنَا سُبْحَانَكَ مَا اَكْثَرَ مَا تُعَافِیْنَا اَللّٰهُمَّ اَوْسِعْ عَلَیْنَا وَعَلٰی فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِیْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ و در روایت معتبر دیگر منقول است که چون طعام نزد حضرت امام زین العابدین علیه السلام میگذاشتند این دعا میخواندند اَللّٰهُمَّ هٰذَا مِنْكَ وَمِنْ فَضْلِكَ وَعَطَائِكَ فَبَارِكْ لَنَا فِیْهِ وَسَوِّغْنَاهُ وَارْزُقْنَا خَلَفًا اِذَا اَكَلْنَاهُ وَرُبَّ مُحْتَاجٍ اِلَیْهِ رَزَقْتَ فَاَحْسَنْتَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الشّٰاكِرِیْنَ و چون خوان بر میداشتند این دعا میخواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ حَمَلَنَا فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقَنَا مِنَ الطَّیِّبَاتِ وَفَضَّلَنَا عَلٰی كَثِیْرٍ مِّنْ خَلْقِهٖ وَمِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِیْلًا و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نام خدا را بر طعام ببرید و چون فارغ شوید بگوئید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ یُطْعِمُ وَلَا یُطْعَمُ و در حدیث دیگر منقول است که چون خوان را بر میداشتند حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم این دعا میخواندند اَللّٰهُمَّ اَكْثَرْتَ وَاَطْیَبْتَ وَبَارَكْتَ فَاَشْبَعْتَ وَاَرْوَیْتَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ یُطْعِمُ وَلَا یُطْعَمُ و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که فرمود پدرم بعد از طعام این دعا میخواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَشْبَعَنَا فِیْ جَائِعِیْنَ وَاَرْوَانَا فِیْ ظَامِئِیْنَ وَاٰوَانَا فِیْ ضَاحِیْنَ وَحَمَلَنَا فِیْ رَاجِلِیْنَ وَاٰمَنَنَا فِیْ خَائِفِیْنَ وَاَخْدَمَنَا فِیْ عَانِیْنَ و در حدیث صحیح از زراره منقول است که با حضرت صادق علیه السلام طعام میخوردم بسیار شنیدم که میگفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ

جَعَلَنِیْ اَشْقِیَاءَ و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که روزی حضرت امیر المومنین علیه السلام میفرمود که من ضامنم از برای کسیکه بسم الله در طعام بگوید که از آزارش نکند ابن کوا گفت که یا امیر المومنین علیه السلام شب طعام خوردم و بسم الله گفتم و آزار کشیدم حضرت فرمود شاید چند رنگ طعام خورده باشی و بر بعضی بسم الله گفته باشی و بر بعضی نگفته باشی ای احمق و در حدیث صحیح منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام عرض کرد که از طعام آزار میکشم فرمود که مگر بسم الله نمیگوئی گفت میگویم و باز آزار میکشم فرمود که هرگاه سخن میگوئی باز بسم الله میگوئی گفت نه فرمود که باین سبب آزار میکشی هرگاه که از سخن فارغ میشوی و عود بخوردن میکنی بسم الله بگو و در حدیث صحیح دیگر منقول است از آنحضرت که هرگاه چند ظرف باشد بر هر ظرفی یک بسم الله بگو راوی گفت اگر فراموش کنم چه کنم فرمود که بگو بِسْمِ اللّٰهِ عَلٰی اَوَّلِهٖ وَاٰخِرِهٖ و در حدیث معتبر دیگر منقول است که آنحضرت بعد از طعام این دعا میخواندند اَللّٰهُمَّ هٰذَا مِنْكَ وَمُحَمَّدٍ رَسُوْلِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که خدا را یاد کنید در هنگام طعام خوردن و حرف بسیار نگوئید که آن طعام و نعمت روزی خدا است و بر شما واجب است که در وقت صرف کردن آن شکر خدا و یاد خدا و حمد خدا کنید و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون ملائکه نزد حضرت ابراهیم علیه السلام آمدند و گوساله بریانی برائی ایشان آورد و گفت بخورید گفت نمیخوریم تا نگوئی که قیمت این نعمت چیست حضرت ابراهیم فرمود که چون شروع بخوردن کنید بگوئید بسم الله و چون فارغ شوید بگوئید الحمد لله حضرت جبرئیل رو کرد بسوئی سه ملک دیگر و گفت لازم است و سزاوار که حق تعالی اچنین شخصی را خلیل خود گرداند بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که طعام خورندهٔ شکر کننده بهتر است از روزه دار خاموش و در حدیث دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام بسماعه فرمود کهای سماعه بخور و حمد خدا الکن و مخور که خاموش باشی و منقول است بسند صحیح از حضرت علی بن الحسین علیه السلام که بعد از طعام این دعا میخواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَکَفَانَا وَاَیَّدَنَا وَاٰوَانَا وَاَنْعَمَ عَلَیْنَا وَاَفْضَلَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ یُطْعِمُ وَلَا یُطْعَمُ و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که فرمود که هرگز از امتلای طعام آزار نکشیدم

زیرا که هیچ لقمه بدهان نبردم مگر آنکه نام خدا بران گفتم و در حدیث معتبر دیگر منقول است که آنحضرت فرمود
که من ضامنم که هر که این کلمات گوید هیچ طعام او را آزار نکند اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ خَیْرِ
الْاَسْمَآءِ مِلْاَءِ الْاَرْضِ وَالسَّمَآءِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الَّذِیْ لَا یَضُرُّ مَعَہٗ دَآءٌ و در روایت دیگر
منقول است که شخصی از ضعف معده بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد حضرت فرمود چون از
طعام فارغ میشوی دست بر شکم بمال و بگو اَللّٰهُمَّ هَنِّئْهُ اَللّٰهُمَّ سَوِّغْنِیْهِ اَللّٰهُمَّ اَمْرِئْنِیْهِ
و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که چون خوان حاضر شود یکی از حاضران بسم الله گوید از دیگران
مجزی است فصل ششم در آداب بعد از طعام در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست
که هرگاه چیزی خوردی بر پشت بخواب و پای راست بر پای چپ گذار و در حدیث معتبر از حضرت
امیر المومنین علیه السلام منقول است که بخورید آنچه از خوان بر زمین افتد که خوردن آن شفای هر درد
است بامر الهی برای کسیکه بآن طلب شفا نماید و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت
صادق علیه السلام شکایت کرد از درد تهیگاه فرمود که بر تو باد آنچه در خوان بر زمین می افتد
بخور پس چند کسی که صاحب این درد بودند بآن عمل نمودند زائل شد درد ایشان و در حدیث دیگر
معویه بن وهب گوید که در خدمت آنحضرت طعام خوردیم چون خوان را برداشتند برچیدند آنچه
از خوان افتاده بود و تناول می فرمودند بعد از آن فرمودند که خوردن این فقر و درویشی را برطرف
میکند و فرزندان را زیاده میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هرکه پارهٔ نانی بیابد و بردارد و بخورد
یک حسنه از برائی او نوشته میشود و هرکه پارهٔ نانی از میان جائی کثیفی یا نجسی بیابد پس بردارد و بشوید
آنرا و بخورد برائی او هفتاد حسنه بوده باشد و در حدیث معتبر دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم روزی بخانه عائشه آمدند پارهٔ نانی دیدند که بر زمین افتاده است برداشتند و تناول
فرمودند و فرمودند که ای عائشه گرامی بدار نعمتهائی خدا را بر خود که نعمت الهی از جماعتی که گریخته است
دیگر بسوئی ایشان برنمیگردد و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هرکه
در خانه طعامی بخورد و از آن طعام چیزی بیفتد آنرا بردارد و بخورد و اگر در صحرا باشد برائی مرغان
و حیوانات بگذارد و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که اگر در صحرا باشد بردارد اگر
همه یکران گوسفند باشد و از عبد الله ارجانی منقولست که گفت در خدمت حضرت صادق علیه السلام

بودم دیدم که بعد از طعام میگردد و آنچه بر زمین افتاده بر میدارد حتی کنجد و امثال آنرا گفتم فدای تو شوم
اینها را هم بر می‌چینید فرمودند که اینها روزی تست مگذار از برای دیگری که اینها شفا است از همه دردی
و در حدیث دیگر منقول است که خوردن آن فقر را برطرف میکند از خورنده آن و فرزندان و فرزندزادگانش
او تا فرزندان هفتم و در روایت دیگر هر که بخورد خدا نگاه دارد او را از دیوانگی و خوره و پیسی و از زرداب
و حماقت و در حدیث دیگر منقول است که هر که پاره نانی یا خرمائی بیند که بر زمین افتاده است
پس بردارد و پاک کند و بخورد و در شکمش قرار نگیرد مگر آنکه بهشت برو واجب شود و بسندهای معتبر
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که آنچه از خوان و سفره میریزد مهر حور العین
است و بسندهای معتبر دیگر منقول است که روزی حضرت امام حسین علیه السلام داخل بیت الخلا
شدند لقمه نانی دیدند که افتاده است برداشتند و بغلامی از غلامان خود دادند و فرمودند که
هرگاه بیرون آیم این را بمن ده پس چون بیرون آمدند پرسیدند چه شد لقمه نان گفت خوردم فرمودند
که ترا آزاد کردم از برای خدا شخصی پرسید از سبب آزاد کردن غلام حضرت فرمود که از جدم
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که هر که لقمه نانی بیابد و او را پاک کند یا بشوید پس او را
بخورد و در شکمش قرار نگیرد مگر آنکه خدا او را از آتش جهنم آزاد گرداند و من نمیخواهم که در بندگی نگاه دارم
کسی را که خدا از آتش جهنم آزاد گردانیده است و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که نیم خورده مؤمن شفای هفتاد درد است و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت فرمود
که من انگشتان خود را بعد از طعام آنقدر میلیسم که خادم من گمان میکند که این از حرص است و
همچنین نیست بدرستیکه حقتعالی نعمت فراوان عطا فرمود بر اهل ثرثار بحدیکه از مغز گندم نان نقی میپختند
و با آن استنجا میکردند و بر مقعد اطفال خود میمالیدند تا آنکه کوه عظیمی از آن نانها جمع شد روزی مرد
صالحی گذشت و دید که زنی از آن نانها نجاست از طفل خود پاک میکند گفت که از خدا بترسید و نعمت
خدا را از خود برمگردانید آن زن گفت که ما را از گرسنگی میترسانی تا این نهر جاریست از گرسنگی
نمیترسیم پس حقتعالی بر ایشان غضب کرد و باران آسمان و گیاه زمین را بر ایشان باز داشت
تا آنکه محتاج شدند بآن نانها که استنجا کرده بودند و بترازو در میان خود قسمت میکردند و بسند
معتبر از یاسر و نادر خادمان حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که آنحضرت می فرمودند

بخادمان خود که اگر من بالای سر شما بایستم در وقت طعام خوردن باید که برمخیزید تا فارغ شوید و بسیار بودی که یکی از ما را می طلبیدند می گفتند که چیزی میخورند میفرمودند که بگذارند تا فارغ شوند و در وقت طعام خوردن ما را خدمت نمیفرمودند

فصل هفتم در فضیلت نان و سویق و گوشت و روغن و سائر

آنچه از حیوان حاصل میشود و سرکه و شیرینیها بروایت معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است گرامی دارید نان را که کار کرده اند در و ملائکه از ما بین عرش تا زمین و بسیاری از اهل زمین تا آنکه برای شما بعمل آمده است بعد از آن فرمود که روزی حضرت دانیال نزد کشتی بانی آمد و گرده نانی باو داد که مرا از آب بگذران کشتی بان نان را انداخت و گفت که این نان را چه کنم بیش ازین نان در زیر پای مردم افتاده است و پابران میمالیدند پس دانیال دست بسوی آسمان بلند کرد و گفت پروردگارا نان را گرامی دار بتحقیق که دیدی که این بنده چه کرد با نان و چه گفت پس خداوند عالمیان وحی نمود بآسمان که باران مبار بر ایشان و وحی نمود برای زمین که گیاه مرویان برای ایشان تا آنکه کار ایشان بجائی رسید که از گرسنگی یکدیگر را می خوردند پس دو زن که هر یکی فرزندی داشتند روزی بدیگری گفت که بیا که من و تو امروز فرزند خود بخوریم و فردا فرزند ترا بخوریم پس چون نوبت بفرزند زن دیگر رسید ابا کرد از خوردن فرزند و نزاع کردند و قصه نزد حضرت دانیال آوردند حضرت فرمود که کار باینجا رسیده است گفتند بلی و بدتر پس دست بآسمان برداشت و گفت پروردگارا عود کن بر ما بفضل خود و رحمت خود و عقاب مکن اطفال و بیگناهان را بر گناه کشتیبان پس حقتعالی وحی کرد بآسمان که باران ببارد و بر زمین حکم رسید که برویان برای خلقم آنچه در هنیمدت از ایشان فوت شده است بدرستیکه من رحم کردم بر ایشان بطفل صغیر و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نان را در زیر کاسه مگذارید و در حدیث دیگر فرمود که نان را گرامی دارید گفتند گرامی داشتن نان کدام است فرمود که چون نان حاضر شود بخورید و انتظار چیزی دیگر نکشید و از حضرت رسول صلی الله مرویست که نان را بوسه کنید بروش بندگان که نان مبارک است و بآن نماز می کنید و روزه میدارید و حج خانهٔ پروردگار خود می کنید و در روایت دیگر فرمود که خداوندا برکت بده از برای ما در نان و در میان ما و نان جدائی میفگن که اگر نان نباشد ما نماز نمی کنیم و روزه نمیداریم و فرائض خدا را ادا نمیتوانیم کرد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که چون نان

وگوشت حاضر شود ابتدا بنان کنید و در خنه گرسنگی را بنان بشکنید پس گوشت بخورید و بسند صحیح از حضرت
امام رضا علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که گردهای نانرا کوچک
کنید که با هر گرده برکت است و در چند حدیث دیگر معتبر منقول است که نانرا بروش عجمان بکارد مبرید
ولیکن بدست بشکنید و در بعضی روایات وارد شده است که اگر نانخورش نباشد نانرا بکارد میتوان
برید و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که فضیلت نان جو بر نان گندم بسیار است
مانند فضیلت ما اهل بیت بر سایر مردم و هیچ پیغمبری نیست مگر آنکه دعا کرده است برای خورندهٔ نان جو
یا حسن جو و برکت فرستاده است بر او و داخل هیچ شکمی نمیشود مگر آنکه هر دردی که در آن است بیرون میکند
و نان و طعام جو قوت پیغمبران و طعام نیکوکاران است و حقتعالی نگردانیده است قوت پیغمبران را مگر در نان جو
فرمود که داخل شکم صاحب مرض سل نمیشود چیزی که نافع تر از نان برنج باشد و در حدیث دیگر از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که برای صاحب اسهال نان برنج نیکو است و همچنین
برای صاحب سل و درد و ورم الزیادن و درمیکند و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که پیوسته
خوراک حضرت رسول صلی الله و آله و سلم نان جو بود تا از دنیا مفارقت کردند و در حدیث صحیح از حضرت
امام رضا علیه السلام منقول است که نیکو خوراکیست سویق یعنی آرد بو داده گرسنه را سیر میکند و طعام را
هضم میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سویق بوحی الهی ساخته شده است گوشت را
میرویاند و استخوانرا محکم میکند و خوراک پیغمبران است و فائده دست خشک سی را از آن زائل میکند و بازیت
خوردن گوشت را میرویاند و استخوانرا سخت میکند و زهره را پاک میکند و قوت جماع را زیاده میکند و اگر کسی سویق خورده
شود بلغم و صفرا را دفع میکند و در حدیث دیگر فرمود سویق ناشتا و نوع بلا را دفع میکند و هر که چهل صباح بخورد
کتفین او پر میشود از قوت و در حدیث دیگر فرمود که سویق عدس تشنگی را زائل میکند و معده را قوت
میدهد و صفرا را فرو می نشاند و معده را پاک میکند و شفای هفتاد درد است و سیجان خون و حرارت را
برطرف میکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که زنی که خون حیضش بند نشود
با دو سویق خورانند که تا بند شود و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
که بهترین نانخورشها در دنیا و آخرت گوشت است مگر نشنیده که حقتعالی در وصف بهشت میفرماید
وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ یعنی بخورید گوشت مرغ از آنچه خواهش داشته باشید آنرا و در حدیث معتبر

منقول است که عبد الاعلی و سمیع با آنحضرت عرض کردند که نزد ما روایت می‌کنند از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم که خدا دشمن میدارد خانهٔ پر گوشت را فرمود که راست میگویند اما آن معنی ندارد که ایشان
فهمیده اند بلکه معنیش آنست که خدا دشمن میدارد خانه که گوشت مردم در آنجا بخورند بغیبت و در حدیث
دیگر از آنحضرت منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم گوشت بسیار میخوردند و دوست
میداشتند و فرمود که پدرم گوشت را بسیار دوست میداشت و روزیکه فوت شد سی درهم برای
خریدن گوشت جدا کرده بود و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که ما گروه قریش گوشت را
دوست میداریم و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که گوشت خوردن در بدن
گوشت میرویاند و کسیکه چهل روز گوشت نخورد بد خلق میشود و هر که بد خلق شود اذان در گوشش بگویید
و فرمود که هر که چهل روز بگذرد و گوشت نخورد توکل بر خدا کند و قرض کند و بخورد که قرضش ادا می شود
و در حدیث صحیح منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام آمد و عرض کرد که اهل بیت ما
گوشت گوسفند نمیخورند و میگویند که سودا را حرکت میدهد و درد سر و دردهای دیگر بهم میرسد
حضرت فرمود که اگر خدای عز و جل گوشتی بهتر از گوشت گوسفند میدانست فدای اسماعیل ع را گوسفند
قرار میکرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که بنی اسرائیل بحضرت موسی علیه السلام
شکایت کردند از پیسی که در میان ایشان بسیار شده بود حقتعالی وحی نمود بحضرت موسی علیه السلام
که امر کن ایشانرا که گوشت گاو را با چغندر بخورند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مرق
گوشت گاو پیسی را زائل میکند و فرمود که شیر گاو دواست و روغن گاو شفاست و گوشت گاو
درد است و در چندین حدیث معتبر منقول است که هر که یک لقمه چربی گوشت بخورد بقدر آن درد
از بدنش بیرون رود و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که اردک گاومیش مرغانست چون
لجن میخورد و مرغ خانگی خوک مرغان است زیرا که فضلهٔ آدمی میخورد و دراج حبشی مرغان است چرا نمیخوری
کبوتر بچه را که تازه بپرواز آمده باشند و زنگی برزیادتی قوت پاکیزه خود ایشانرا تربیت کرده باشند و در
احادیث معتبر وارد شده است که هر که خواهد که خشم او کم شود و اندوهش زائل گردد گوشت دراج
بخورد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که گوشت کبک ساقها را قوی میگرداند
و تب را دور میکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که گوشت اسفرود

مبارک است و پدرم آنرا دوست میداشت و میفرمود کہ برائی صاحب یرقان بریان کنید وبادو بخورانید و از حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام منقولست کہ گوشت آہو بره را خوردن باکی نیست و از برای دفع بواسیر و دفع درد پشت نافع است و اعانت میکند بر بسیاری جماع و از حضرت امام رضا علیہ السلام سؤال کردند از گوشت گورخر فرمود کہ چون وحشی است خوردنش جائز است اما نخوردنش بہتر است و از حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام منقول است کہ باکی نیست در خوردن گوشت و شیر و روغن گاومیش و در حدیث حسن منقول است کہ حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم نہی فرمود از خوردن گوشت خام و فرمود کہ این خوردن حیوانات درندہ است بلکہ باید خورد تا آنکہ آتش یا آفتاب آنرا تغییر دہد و در حدیث صحیح منقول است کہ از حضرت صادق علیہ السلام پرسیدند از خوردن گوشت خام فرمود کہ طعام درندگان است و در احادیث بسیار منع وارد شدہ است کہ از گوشت قدید کہ در سایہ خشک کردہ باشند و در حدیث دیگر وارد شدہ است کہ درد بار ا بحرکت میآورد و معدہ را سست میکند و در بعضی احادیث تجویز خوردنش ہم وارد شدہ است و از حضرت صادق علیہ السلام منقول است کہ سہ چیز است کہ بدن را خراب میکند و بسیار باشد کہ آدمی را بکشد خوردن گوشت قدید بو کردہ و با امتلائی معدہ بحمام رفتن و جماع با زنان پیر کردن و بروایت دیگر با امتلا مجامعت با زنان کردن و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است کہ سہ چیز است کہ خوردنی نیستند و بدن را فربہ میکنند و سہ چیز است کہ خوردنی اند و بدن را لاغر میکنند و دو چیز است کہ بہمہ چیز نفع میرسانند و بہیچ چیز ضرر نمیرسانند و دو چیز است کہ بہمہ جہت ضرر میرسانند و بہیچ جہت نفع نمیرسانند اما آنہا کہ خوردنی نیستند و فربہ میکنند پیراہن کتان پوشیدن و بوی خوش کردن و نورہ کشیدن و اما آنہا کہ خوردنی اند و لاغر میکنند گوشت خشک و پنیر و شگوفہ خرما و اما آن دو چیز کہ بہمہ جہت نفع میرسانند آب نیم گرم و انار و اما آن دو چیز کہ بہمہ جہت ضرر میرسانند گوشت خشک کردہ و پنیر و در احادیث بسیار وارد شدہ است کہ حضرت رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم گوشت دست و کتف گوسفند را دوست میداشتند و از گوشت ران گوسفند کراہیت میداشتند برائی آنکہ بمحل بول نزدیک است و بچندین سند منقول است کہ حضرت آدم علیہ السلام گوسفندی قربانی کرد برائی پیغمبران از فرزندان خود و برائی ہر پیغمبری عضوی نام برد و از انجملہ برائی پیغمبر آخر الزمان دست گوسفند را نام برد و باین سبب آنحضرت آنرا دوست میداشت و بر ہمہ اعضای گوسفند تفضیل میداد و در حدیث

حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که گوشتی که با شیر بپزند مرقیست که مخصوص پیغمبران است
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که هرگاه ضعف بر مسلمانی مستولی شود گوشت را با شیر بپزد و بخورد و
و در حدیث دیگر منقول است که یکی از پیغمبران بحقتعالی شکایت کرد از ضعف و سستی بدن وحی باو رسید که گوشت با شیر طبخ کن
و بخور که بدن را قوت میدهد و در روایت معتبر دیگر منقول است که محبوب ترین طعامها نزد حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم آش انار بود و بسند صحیح منقول است که حضرت صادق علیه السلام زبیبیه
دوست میداشتند و آن آش باقلیه بوده است که مویز در آن میکردند و احادیث بسیار در مدح مرق
گوشت که نان در آن ترید میکردند وارد شده است و احادیث بسیار در مدح کباب منقول است که
ضعف را زائل میکند و رنگ را سرخ میکند و تپ را دور میکند و در حدیث معتبر منقول است که اصبغ
بن نباته گفت روزی بخدمت امیر المؤمنین علیه السلام رفتم و در پیش آنحضرت گوشت بریانی گذاشته بودند
فرمود که نزدیک بیا و بخور گفتم یا امیر المؤمنین علیه السلام مرا ضرر میکند فرمود که نزدیک بیا که دعائی ترا
تعلیم میکنم که چون آن دعا را بخوانی هیچ چیز ترا ضرر نرساند بگو بِسْمِ اللّٰهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ مِلْاءَ الْأَرْضِ
وَالسَّمَاءِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ وَلَا دَاءٌ و مدح کله نیز در حدیث وارد
شده است که محل ترکیب است و بچراگاه از همه عضوها نزدیکتر است و از کثافات دورتر و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقول است که بر شما باد بخوردن هریسه که تا چهل روز قوت عبادت میدهد و از جمله مائده ایست که خداوند عالمیان
بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نازل گردانید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که پیغمبری
از پیغمبران شکایت کرد بحق تعالی از ضعف و کمی قوت جماع حقتعالی او را امر فرمود بخوردن هریسه و در
حدیث دیگر از آنحضرت علیه السلام منقول است که خداوند عالمیان هدیه فرستاد برای پیغمبرش هریسه از
هریسه های بهشت که دانه اش در باغهای بهشت روئیده بود و حوران بهشت بدست خود بعمل آورده بودند
پس چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم تناول فرمودند قوت چهل مرد بر قوت آنحضرت افزود
و این چیزیست که خدا میخواست که پیغمبرش را باین خوشحال گرداند و مدح مثلثه وارد شده است و آن طعامی
بوده است که یک قفیز برنج و یک قفیز نخود و یک قفیز باقلا میکوفتند و میپختند و میخوردند و گاهی بعوض باقلا دانه دیگر میکردند
و مدح تلبین نیز وارد شده است و آن حلوائی روانی بوده است که از آرد و شیر و عسل بعمل میآوردند و از
یاسر بن ابی حمزه منقول است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روزی مرا طلبید در خدمت آنحضرت

طعام خوردم و حلوائی بسیار آورده بودند گفتم چه بسیار است حلوا فرمود که ما و شیعیان ما از شیرینی
خلق شده ایم پس دوست میداریم حلوا را و از عبد الاعلی منقول است که روزی در خدمت حضرت صادق
علیه السلام طعام خوردم مرغی آوردند که میانش را از روغن و خرما پر کرده بودند و در حدیث موثق
منقول از یونس بن یعقوب است که او گفت ما در مدینه بودیم که حضرت صادق علیه السلام نزد ما کسی
فرستاد که برای ما پالوده بسازید و کم بفرستید ما کاسهٔ کوچک بخدمت آنحضرت فرستادیم و در حدیث
دیگر از آنحضرت علیه السلام منقول است که هر که در شب ماهی بخورد و بعد از آن خرما یا عسل نخورد تا صبح
در بدن او رگ فالج متحرک شود و فرمود که حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم چون ماهی
تناول می‌نمودند می‌گفتند اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيْهِ وَاَبْدِلْنَا خَيْرًا مِنْهُ یعنی بارخدایا برکت ده برای
ما در این و بعوض این بهتر ازین عطا کن ما را و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقول است که بر شما باد
بخوردن ماهی که اگر بی نان بخورید کافی است و اگر با نان بخورید گوارا است و از حضرت امیر المومنین
علیه السلام منقول است که مداومت منمائید بر خوردن ماهی که بدن را میکاهاند و در روایت دیگر
منقول است که ماهی تازه پیه چشم را میگدازد و در حدیث صحیح وارد است که شخصی بخدمت حضرت
امام حسن عسکری علیه السلام نوشت که هرگاه حجامت میکنم صفرا بهیجان میآید و اگر نمیکنم خون آزار
میکند حضرت جواب نوشتند که حجامت بکن و بعد از آن ماهی تازه که با آب نمک کباب کرده باشند
بخور پس آنمرد چنین کرد همیشه در عافیت بود و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که زردهٔ تخم مرغ سبک است خواهش گوشت را زائل میکند و سفیدهٔ گوشت ندارد و شخصی بخدمت
حضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد از کمی فرزند فرمود که استغفار بکن و تخم مرغ با پیاز بخور
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که پیغمبری بخدا تعالی شکایت کرد از کمی نسل او
وحی رسید که تخم با گوشت بخورد و در حدیث دیگر فرمود که زردهٔ تخم سبک است و سفیدهٔ آن سنگین است
و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که بسیار خوردن تخم مرغ زیاده میکند فرزندان را
و احادیث دیگر در مدح سرکه و زیت وارد شده است که خوراک پیغمبران است و ائمه علیهم السلام تناول
میفرمودند و در مدح سرکه احادیث معتبر وارد شده است که منقول است که بهترین نانخورشها نزد
حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم سرکه بود و میفرمودند که خانهٔ که سرکه در آن باشد بی نانخورش نیست

و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که نیکو نانخورشی است سرکه صفرا را فرو می نشاند و دل را زنده
میکند و از حضرت صادق علیه السلام بطریق معتبر منقول است که سرکه که از شراب بعمل آورده باشند
کرم معده را میکشد و بن دندانرا محکم میکند و عقل را قوی میکند و شهوت زنا را قطع میکند و فرمود که بنی اسرائیل
در اول و آخر طعام سرکه میخوردند و ما در اول طعام نمک و در آخر طعام سرکه میخوریم و در احادیث بسیار
مدح خوردن روغن زیت و برخود مالیدن آن وارد شده است و منقول است که نانخورش
پیغمبران و برگزیدگانست و مدح میوهٔ زیتون نیز بسیار وارد شده است و منقول است که دفع باد ها
میکند و بچندین سند از ائمه طاهرین علیهم السلام منقول است که مردم طلب شفا نموده اند بچیزی مانند
عسل و آن شفای هر درد است و خوردن عسل و تلاوت قرآن و خائیدن کندر بلغم را میگدازد و در
مدح شکر احادیث بسیار وارد شده است و مراد از آن یا نبات است یا قند یا از قبیل نقل چیزی که
از شکر می ساخته اند و منقول است که حضرت موسی علیه السلام در وقت خواب تناول می فرمودند
و منقول است که بهمه جهت نافع است و دفع بلغم میکند و در روایتی وارد شده است که اگر کسی هزار درم داشته باشد
و بغیر آن چیزی نداشته باشد و همه را شکر بخرد مسرف نخواهد بود و در مدح روغن خصوصاً روغن گاو
احادیث بسیار وارد شده است و از برای پیران که پنجاه سال یا زیاده داشته باشند منع از خوردن
روغن وارد شده است و منقول است که روغن گاو شفا است و در حدیث معتبر وارد شده است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم هرچه میخوردند و میآشامیدند می گفتند اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ
وَاَبْدِلْنَا خَيْراً مِنْهُ یعنی خداوندا برکت ده برای ما درین که خوردیم و بعوض آن بهتر از آن بما عطا کن
و چون شیر تناول میکردند میفرمودند اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَزِدْنَا مِنْهُ یعنی خداوندا برکت ده ما را
درین که آشامیدیم و ازین بیشتر بما عطا کن و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که شیر یک
گوسفند سیاه بهتر است از شیر دو گوسفند سرخ و شیر یک گاو سرخ بهتر است از شیر دو گاو سیاه
و منقول است که شیر خوراک پیغمبران است و شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد
که شیر خوردم و آزار کشیدم حضرت فرمود که شیر آزار نمی کند ولیکن با چیز دیگر خورده و آزار کشیده از آن شده
و شخصی بآنحضرت شکایت نمود از ضعف بدن حضرت فرمود که شیر بخور که گوشت را میرویاند و استخوانرا
محکم میکند و حضرت امام موسی کاظم فرمود که هرکه آب پشتش متغیر شود یعنی فرزند از و حاصل نشود شیر

با عسل بخورد و بسند موثق کالصحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که شیرهای گاو بخورید که آن از همه
درختی میخورد و خاصیت هر گیاه در شیر او هست و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که شیر گاو دوا است
و در حدیث دیگر منقول است که برای فساد معده نافع است و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود
که بول شتر نافع تر است از شیر او و حقتعالی در شیر شتر شفا قرار داده است و در روایت دیگر منقول است
که شیر شتر شفای همه دردها است و در روایتی چند مدح شیر الاغ و خاصیت آن وارد شده است و در حدیث
معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقول است که هر که خواهد است باو ضرر نرساند آب پنیر
بخورد و حضرت امام باقر علیه السلام فرمود که دوست میدارم پنیر را و در روایتی وارد شده است که
در طرف چاشت مضر است و در طرف شام نافع و موجب تولد فرزند میشود و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقول است که خوردن مغز گردکان در تابستان حرارت اندرون را بحرکت می آورد و دملها
در بدن احداث میکند و در زمستان گرده ها را گرم میکند و سرما را دفع میکند و در چند روایت وارد شده
که پنیر و مغز گردکان را چون باهم بخوری دوا است و هر یک را که تنها بخوری درد است

فصل ششم

در فوائد حبوب و سبزیها و میوه ها و سائر ماکولات و غیره از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
که نیکو طعامی است برنج روده ها را میگشاید و بواسیر را قطع میکند و در چند روایت وارد شده است
که بیماران خود را برنج دوا میکنیم و در حدیث موثق منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر
علیه السلام آمد و از درد شکم شکایت نمود حضرت فرمود که برنج را بشو و در سایه خشک کن و اندکی بریان کن
و نرم بکوب و هر صبح یک کف بخور و در روایت دیگر منقول است که آنحضرت را درد شکم بود فرمود
که برنج را با سماق بپزند و چون تناول نمود برطرف شد و در حدیث معتبر منقول است که حضرت امام
رضا علیه السلام نخود بریان کرده پیش از طعام و بعد از طعام تناول میفرمودند و در روایت دیگر از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هفتاد پیغمبر بر آن برکت فرستاده است و در
روایت معتبر بسیار وارد شده است که خوردن عدس دل را نرم میکند و آب دیده را جاری میکند و در
روایت معتبر منقول است که خوردن باقلا ساق پا را پر مغز میکند و دماغ را زیاده میکند و تولید خون
زیاد میکند و در روایت دیگر مرویست که باقلا با پوست بخورید که معده را دباغی میکند و منقول است
که خوردن لوبیا بادهای اندرونی را دفع میکند و منقول است که شخصی بخدمت امام موسی کاظم علیه السلام

شکایت کرد از بهق فرمود که ماش در طعام خود داخل کن و در حدیث معتبر منقول است که اگر چند
طعام نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله می آوردند که در میان آنها خرما بود ابتدا بخوردن خرما
می نمود و حضرت علی بن الحسین علیه السلام دوست میداشت کسی را که خرما را دوست میداشت بجهت آنکه
حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم خرما را دوست میداشت و از سلیمان جعفری منقول است
که رفتم بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام و نزد آنحضرت خرمائی برنی گذاشته بودند و آنحضرت
باهتمام از روی خواهش میخوردند فرمود که ای سلیمان نزدیک بیا و بخور پس گفتم فدایتو شوم
بسیار بجد تناول می نمائی فرمود که بلی دوست میدارم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
و حضرت امیر المومنین علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهم السلام و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق
علیهم السلام و پدرم همگی خرما را دوست میداشتند و من دوست میدارم و شیعیان ما دوست میدارند
زیرا که از طینت ما خلق شده اند و دشمنان ما شراب را دوست میدارند زیرا که ایشان از آتش
خلق شده اند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که هر روز هفت دانه خرمائی عجوه
که خرمائی اطراف مدینه است بخورد ناشتا هیچ زهری و هیچ سحری و شیطانی با و ضرر نرساند و در
حدیث دیگر فرمود که هر که هفت دانه عجوه در هنگام خواب بخورد کرمهای شکمش را میکشد و در احادیث
معتبره منقول است که پنج میوه است که از بهشت آمده است انار املیسی و سیب شامی و به و انگور رازقی
و رطب مشان و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کراهیت دارد
پوست میوه را کندن و در حدیث دیگر فرمود که بر روئی هر میوه زهری است پس چون بیاورند
برائی شما آب فرو بریده بخورید و در حدیث صحیح دیگر منقول است که از حضرت موسی بن جعفر
علیهما السلام پرسیدند از انجیر و خرما و سائر میوه ها دو دانه خوردن باهم چون است فرمود که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله نهی فرموده از این پس اگر تنها باشی بهر روش که خواهی بخور و اگر با جمعی از مسلمانان
خوری چنین مکن و یک دانه یک دانه بخور و در حدیث دیگر فرمود که اگر خواهی دو تا دو تا بخوری
رفیق خود را اعلام کن و از و رخصت بگیر و بخور و در روایت معتبر منقول است که روزی امام رضا
علیه السلام دیدند که غلامان میوه را نیم خورده می اندازند فرمود که سبحان الله اگر شما مستغنی شده اید
دیگران مستغنی نیستند بکسی که محتاج باشند بخورانید و در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام

منقول است که دو چیز است که بد وست میباید خورد انگور و انار و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که سه چیز است که ضرر نمیرساند انگور رازقی و نیشکر و سیب و در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون نوح علیه السلام از کشتی فرود آمد از دیدن استخوان مرده یا غم عظیم او را عارض شد پس حق تعالی باو وحی کرد که انگور سیاه بخور تا غمت از دل زائل شود و در حدیث دیگر فرمود که پیغمبری از پیغمبران بخدا شکایت نمود از اندوه و غم باو وحی رسید که انگور بخور و در حدیث حسن منقول است که حضرت علی بن الحسین علیهما السلام انگور را بسیار دوست میداشتند روزی روزه بودند چون وقت افطار شد ام ولد آنحضرت خوشه انگوری نزدیک آنحضرت گذاشت پس سائلی رسید حضرت آن انگور را بسائل دادند پس ام ولد پنهانی رفت و آن انگور را از سائل خریده نزد حضرت گذاشت پس سائل دیگر رسید باز حضرت آنرا بسائلی دادند باز کنیز رفت و خرید و آورد تا چهار مرتبه پس در مرتبه چهارم تناول فرمود و منقول است که ابو عکاشه بخدمت حضرت محمد باقر علیه السلام آمد انگوری نزد او گذاشتند حضرت فرمود که مرد پیر و طفل خورد یک دانه یکدانه میخورد و کسیکه میترسد که سیر نشود سه دانه و چهار دانه میخورد و تو دو دو دانه میخور که مستحب است ؛ و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که بیست و یک دانه مویز سرخ ناشتا خوردن جمیع مرضها را دفع میکند مگر مرض مرگ را و بسند از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مویز طائف عصبهای بدن را محکم میکند و کلال و ماندگی را میبرد و نفس را خوشحال میکند و در حدیث معتبر از آنحضرت منقول است که میوه صد و بیست قسم است و بهتر از همه انار است و فرمود که بر شما باد بخوردن انار که گرسنه را سیر میکند و سیر را هضم طعام میکند و فرمود که هیچ میوه نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم محبوب‌تر از انار نبود و نمیخواست که کسی با او در خوردن شریک باشد و در احادیث معتبر بسیار وارد شده که در هر اناری یک دانه از بهشت در هست و چون کافر میخورد ملکی میآید و آن دانه را برمیدارد که او نخورد باین سبب مستحب است که یک انار را تنها تمام بخورند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر مؤمنی که یک انار تنها بخورد خدا شیطانرا از روشنی دل او تا چهل روز دور گرداند و هر مؤمن که دو انار تمام تنها بخورد خدا شیطانرا از روشنی دل او صد روز دور گرداند و هر مؤمن که سه انار تمام تنها بخورد خدا شیطانرا از روشنی دل او یکسال

دور گرداند و هر که یک سال شیطان از او دور شود گناه نمیکند و هر که گناه نمیکند داخل بهشت میشود
و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که بر شما باد بخوردن انار شیرین که هیچ حبه از آن در معدهٔ مؤمن
نمی افتد مگر آنکه دردی را برطرف میکند و وسوسهٔ شیطان از او برطرف شود و در حدیث حسن منقول است
که هر که یک انار ناشتا بخورد دلش تا چهل روز روشن باشد و در حدیث دیگر حسن فرمود که انار را با پیه‌اش
بخورید که معده را دباغی میکند و شعور را می‌افزاید و فرمود که انار ترش و شیرین شایسته‌تر است در شکم
و از حضرت موسی کاظم علیه السلام منقول است که هر که روز جمعه یک انار ناشتا بخورد تا چهل روز دلش را روشن
میکند و اگر دو تا بخورد ناشتا تا هشتاد روز و اگر سه تا بخورد تا صد و بیست روز وسوسهٔ شیطان از او دور گرداند
و هر که وسوسهٔ شیطان از او دور گردد معصیت خدا نکند و هر که معصیت خدا نکند داخل بهشت شود و
و در حدیث دیگر فرمود که دود چوب درخت انار حشرات و گزنده‌های زمین را برمی‌اندازد و بسند
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سیب معده را جلا میدهد و حضرت امام موسی
علیه السلام فرمود که سیب خوردن نافع است برای هر زهر و سحر و استیلای اجنه و غلبهٔ بلغم و هیچ چیز
منفعتش بهتر از آن نیست و در حدیث معتبر وارد شده است که خوردن سیب دفع تب و رعاف
و طاعون میکند و در روایت معتبر وارد شده که سویق سیب خشک نیز قطع رعاف میکند و فرمود
که هیچ دوائی برای دفع زهرها بهتر از سویق سیب نیست و فرمود که اگر مردم بدانند که چه نفعها
در سیب هست هر آینه بیماران خود را دوا نکنند مگر بسیب و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است
که بخورید سیب که دباغی میکند معده را و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است
که خوردن به دل ضعیف را قوی میگرداند و معده را پاک میکند و دل را زیرک میکند و مرد ترسان را
شجاع میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که رنگ را صاف میکند و فرزند را نیکو
میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که به ناشتا بخورد آب منی او پاکیزه شود و فرزندش
وجیه می شود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که به بخورد حق تعالی حکمت را بر زبان او
گویا کند تا چهل صباح و فرمود که خدا هیچ پیغمبری را نفرستاده است مگر آنکه بوی به با او بوده و فرمود
که به غم و اندوه را میبرد چنانچه دست عرق جبین را میبرد و در حدیث حسن از حضرت امام رضا علیه السلام
منقول است که انجیر گند دهان را زائل میکند و استخوان را محکم میکند و مو را میرویاند و درد را میبرد و با آن

بدوائی دیگر حاجت نیست شبیه ترین میوه ها است بمیوه های بهشت و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که بخورید امرود را که جلا میدهد دل را و درد های اندرون را ساکن میکند بامر الهی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که امرود دباغی میکند معده را و قوت میدهد معده را و با سیری خوردن نافع تر است از ناشتا خوردن و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که خوردن انجیر شده ها را نرم میکند برای باد های قولنج نافع است و در روز بخورید و بسیار بخورید و در شب بخورید بسیار مخورید و منقول است که دفع بواسیر و نقرس میکند و قوت امجامعت را می افزاید و از زیاد قندی منقول است که گفت رفتم بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و دیدم نزد آنحضرت ظرف آبی گذاشته اند و در میان آن آلوئی باد کشیده پس فرمود که حرارتی برمن غالب شده بود و آلوی تازه حرارت را فرو می نشاند صفرا را ساکن میکرداند و آلوی خشک خون را ساکن میکند و درد های کهنه را از بدن برطرف میکند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از شخصی سؤال نمودند که اطبائی شما چه میگویند در باب ترنج گفت میگویند که پیش از طعام بخور فرمود که من میگویم بعد از طعام بخورید و در حدیث دیگر فرمود که بخورید ترنج را که آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم میخوردند آنرا و فرمود که نان خشک هضم میکند ترنج را و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خوش می آمد نگاه کردن بسوی ترنج سبز و سیب سرخ بدانکه عرب لیمو و نارنج را هم ترنج میگویند و در بعض احادیث مع موز وارد شده است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سنجد مغز نش گوشت را میرویاند و پوستش پوست را میرویاند و استخوانش استخوان را میرویاند و خوردن سنجد گرده ها را نرم میکند و معده را دباغی میکند و امان میدهد از بواسیر و تقطیر بول و ساق پا را قوت میدهد و رگ شدره را قطع میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بخورید خربزه را که در آن ده خصلت است بدردی و فسادی در آن نیست و خوردنی است و آشامیدنی است و میوه است و گل است و اشنانست که دهان را پاک میکند و نان خورش است و قوت جماع را زیاده میکند و مثانه را میشوید و ادرار بول میکند و ریگ مثانه را دفع میکند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که خربزه خوردن بناشتا مورث فالج است و حضرت رسول صلی الله علیه

و آله و سلّم با خربوزه میل میفرمودند و دوست میداشتند و گاه گاهی شکر و قند با خربوزه میخوردند و بسند
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم
میوهٔ تازه میدیدند میبوسیدند و بر دو دیده میمالیدند و بیگذاشتند و میگفتند اللّهمّ کما اریتنا
اوّلها فی عافیة فارنا آخرها فی عافیة یعنی خداوندا چنانچه نمودی بما اوّلش را در عافیت پس بنما
بما آخرش را در عافیت و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلّم منقول است
که هر که میوه بخورد و اوّل بسم الله بگوید باو ضرر نرساند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگز خوانی
نزد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نمی آوردند مگر آنکه سبزی در آن بود و فرمود که دلهای مؤمنان
سبز است و سبزی مائل است و فرمود که هر که شب بخوابد و هفت برگ کاسنی در معدهٔ او باشد
در آن شب از قولنج ایمن باشد و فرمود که کسی که خواهد که مال و فرزندش زیاد شود بسیار بخورد برگ
کاسنی را و در حدیث دیگر فرمود که نیکو سبزیست کاسنی و هیچ برگی نیست از آن مگر آنکه قطرهٔ آبی
از بهشت بر روی آن هست پس در وقت خوردن حرکت مدهید که قطرهٔ آبش بریزد و فرمود
که کاسنی بهترین سبزیهاست و فرزند را بسیار نیکو میکند و پسر میآورد و فرمود که فضیلت آن بر سائر
سبزیها مانند فضیلت ماست بر جمیع خلایق و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که خوردن کاسنی
شفای همه دردهاست و هیچ دردی در اندرون فرزند آدم نیست مگر آنکه کاسنی آنرا از بیخ میکند
شخصی را تب عارض شد و صداع داشت حضرت فرمود که کاسنی را بکوبید و بر کاغذی پهن کنید
و روغن بنفشه بر آن بریزید و بر پیشانیش بچسبانید که تب و صداع را برطرف میکند و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که کاسنی سبزی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم است و بادروج سبزی
امیر المؤمنین علیه السلام است و برگ خرفه سبزی حضرت فاطمه علیها السلام است و احادیث
بسیار در تعریف بادروج مرویست و آنکه باید که در اوّل طعام خورده شود که معده را میگشاید
و اشتهای طعام را زیاد میکند و سل را می برد و آدمی را خوشبو میکند و امانست از خوره و جذام
و چون داخل معده شد همه دردها را زائل میکند و در روایت معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام
منقول است که شخصی را علت سپرز عارض شده بود فرمود که سه روز با تره بخورانند چنان کردند
بصحت مبدّل گشت و از حضرت صادق علیه السلام روایت است که بخورید تره را که در آن چهار خصلت است

کند دهان را بطرف میکند و باد را دفع میکند و بواسیر را قطع میکند و هر که مداومت نماید بران از خوره
ایمن است و منقول است که حضرت امیر المومنین علیه السلام تره را با نمک سائیده تناول میکردند
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم فرمود که بر شما باد بخوردن کرفس که خوراک حضرت الیاس و الیسع و یوشع بن نون است و از
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام مرویست که خوردن سیب و گشنیز مورث فراموشی است و از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که بر روی زمین سبزی شریف تر و نافع تر از برگ
خرفه نیست و آن سبزی حضرت فاطمه علیها السلام است و در حدیث دیگر فرمود که بر شما باد بخوردن
کاهو که خون را صاف میکند و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که تره
تیزک را بعد از نماز خفتن بخورد تا صبح نفس او را کشد بسوی خوره و در حدیث دیگر فرمود که کاسنی
و باذروج از ماست و تره تیزک از بنی امیه است و در روایت دیگر از خادم حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام منقول است که هرگاه آنحضرت امر میکردند ما را بخریدن سبزی میفرمود که تره تیزک را بسیار
بخرید و فرمود که چه بسیار احمق اند بعضی مردم میگویند که تره تیزک در کنار رودخانه جهنم میروید و حال آنکه حقتعالی
میفرماید که آتش گیره جهنم مردم اند و سنگهای بتان و سنگهای کبریت پس چگونه تواند بود که سبزی
در جهنم بروید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حق تعالی دفع کرد از یهودان خوره را
بخوردن چغندر و برون آوردن رگهای گوشت و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که نیکو
سبزیست چغندر و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که بخورانید بیماران خود را برگ چغندر که
دران شفا است و دران دردی نیست و مضرت ندارد و بیمار را بخواب راحت میبرد و اصلش
سودا را بحرکت می آورد و در حدیث دیگر فرمود که داخل شکم صاحب ذات الجنب نشده است
چیزی مثل برگ چغندر یعنی از جهت تداوی او و در حدیث معتبر منقول است از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله وسلم که دنبلان از منّ است که بر بنی اسرائیل نازل شده و برای من از بهشت
آمده آبش شفای چشم است و در چندین حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم دوست میداشتند کدو را میان دیگ و میان صحن برمیچیدند و میفرمودند زنان خود را
که کدو در طعام بسیار کنید و وصیت نمود بحضرت امیر المومنین علیه السلام که یا علی بر تو باد بخوردن

کدو که دماغ و عقل را زیاد میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ترب سه خصلت
دارد برگش دفع بادها میکند و تخمش طعام را هضم میکند و ریشه اش دفع بلغم میکند و در روایت دیگر
فرمود که برگش صورت ادرار بول است و در روایت دیگر تخمش ادرار بول میکند و در حدیث
معتبر از حضرت امام جعفر و امام موسی علیهما السلام منقول است که خوردن گزر قوت جماع را زیاد
میکند و امان میدهد از قولنج و دفع بواسیر میکند و در چهار حدیث معتبر وارد شده است که
بخورید شلغم و مداومت بر خوردنش بکنید که هیچکس نیست مگر آنکه رگ خوره در او هست و شلغم
آن رگ را میگدازد و در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم خیار را
با نمک میخوردند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خیار را از سرش ابتدا بخوردن کنید
که باعث زیادتی برکت آن میشود و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که بخورید بادنجان
که درد را میبرد و با آن درد نیست و احادیث در منافع و مدحش بسیار است و از حضرت صادق
علیه السلام بچندین سند منقول است که پیاز گند دهان را میبرد و بلغم را زائل میکند و سستی و ماندگی را
برطرف میکند و بندهای عصب را محکم میکند و بن دندان را محکم میکند و قوت مجامعت را می افزاید
و نسل را زیاد میکند و تپ را می برد و بدنرا از کس میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقول است که چون داخل شهری شوید پیاز آن شهر بخورید که طاعون آنشهر را از شما دور
میکند و در حدیث حسن از امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم فرمود که هر که سیر بخورد بواسطهٔ بوی بدش داخل مسجد ما نشود و اما اگر بمسجد نرود باکی
نیست که آنرا بخورد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سیر و پیاز و ترهٔ خام و پخته
خوردن باکی نیست اما کسی که بخورد داخل مسجد نشود زیرا که کراهیت دارد و بسبب آزار کسیکه در
پهلوی او می نشیند و احادیث در مدح صعتر که او را الشم میگویند وارد شده است که تقویت معده
میکند و اگر صبح ناشتا سفوف کند و بخورد رطوبات معده را برطرف میکند و در حدیث معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقول است که حق تعالی حضرت آدم را از خاک آفرید پس خوردن خاک را
بر فرزندان او حرام گردانید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که گل بخورد و
بمیرد در خون خود شریک است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که بزرگترین

دامهای شیطان خوردن خاک و گل است و دردها را در بدن حادث میکند و خارش بدن و بواسیر
ازان بهم میرسد و دردهائی سودائی ازان متولد می شود و قوت را از ساق و قدم میبرد و هر چه از قوتش
بسبب آن کم شده است و از اعمال خیر کاسته است در قیامت او را بدان حساب و عذاب می کنند
و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که چهار چیز است که از وسواس شیطان است خوردن
گل و گل را بدست خورد کردن و ناخن را بدندان گرفتن و ریش را خائیدن و در احادیث معتبره
وارد شده است که خوردن هر گلی حرام است مانند مردار و خون و گوشت خوک مگر خاک قبر حضرت
امام حسین علیه السلام که خوردن آن بقدر یک نخود شفا است از هر دردی و امانست از هر خوفی
فصل نهم در فضیلت ضیافت مومنان و آداب آن از حضرت امام بحق جعفر صادق علیه السلام
منقول است که چون برادر مؤمن بخانه تو بیاید باو تکلیف خوردنی بکن و اگر قبول نکند تکلیف
آشامیدنی بکن و اگر اینهم قبول نکند تکلیف دست و رو شستن باب یا بعرق خوشبو بکن و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که از جمله گرامی داشتن آدمی برادر مومنش را آنست که
تحفه او را قبول کند و آنچه حاضر داشته باشد برای او تحفه بیاورد و چیزیکه نداشته باشد برای او
تکلیف نکند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هلاک شد کسیکه حقیر شمارد آنچه را حاضر دارد که برای
آوردن نزد برادر مؤمن خود و هلاک شد کسی که حقیر شمارد آنچه برادر مؤمن نزد او می آورد و بسند
صحیح حسن از آنحضرت منقول است که هرگاه برادر مؤمن تو ناطلبیده بنزد تو آید آنچه حاضر داری برای
او بیاور و اگر طلبیده باشی او را برای او تکلف کن و در حدیث حسن از هشام منقول است که با ابن
ابی یعفور بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفتیم آنحضرت چاشت طلبید هشام گفت که من
کمتر چیزی میخورم حضرت فرمود مگر نمیدانی که محبت مؤمن نسبت به برادر مؤمن او بقدر آنست
که از طعام او میخورد یعنی هر چند او را بیشتر دوست میدارد طعامش را بیشتر میخورد و درین باب احادیث
بسیار وارد شده است و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که سخی و صاحب همت از طعام
مردم میخورد تا مردم از طعام او بخورند و بخیل طعام مردم را نمیخورد که مبادا مردم از طعام او بخورند
و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که ولیمه و مهمانی در پنج چیز سنت است در عروسی و عقیقه
و ختنه کردن پسر و خانه نو بنا کردن یا خریدن و در وقتیکه از سفر بخانه خود برگردد و در حدیث دیگر

وقتی که از سفر حج برگردد منقول است که آن حضرت نهی فرمود از ولیمه که مخصوص توانگران باشد و فقرا او را با نجا نطلبند و در احادیث معتبر وارد شده است که هر که داخل شهری شود مهمان برادران مؤمن و اهل دین خود است تا از آن شهر بیرون رود و سزاوار نیست که مهمان روزه سنت بدارد مگر برخصت صاحب خانه که مبادا طعامی برای او بعمل بیاورند و ضایع شود و سزاوار نیست اهل خانه را روزه سنت داشتن مگر برخصت مهمان که مبادا بسبب روزه داشتن ایشان شرم کند و طعام نخورد و بسند معتبر منقول است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم که حد ضیافت سه روز است و بعد از سه روز تصدق و تبرع است که نسبت با و میکنی فرمود که اینقدر مهمان نماند نزد برادر مؤمن خود که او را در تنگی بکند که دیگر چیزی نداشته باشد که خرج شما بکند و ابن ابی یعفور روایت کرده است که در خانه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مهمانی دیدم که برخاست پی کاری حضرت او را منع کرد و خود برخاستند و آن کار را بجا آوردند و فرمودند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از خدمت فرمودن مهمانان و در حدیث دیگر منقولست که مهمانی در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام بود دست دراز کرد که چراغ را اصلاح کند حضرت او را منع کردند و خود اصلاح چراغ کردند و فرمودند که ما اهل بیت خدمت نمیفرمائیم مهمانان خود را و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که از جمله ضعف و سستی اینست که کسی بتو احسان کند و تو بعوض مکافات او نکنی و از خلاف آداب است خدمت فرمودن بمهمان پس چون مهمان بیاید او را اعانت و یاری کنید در فرود آمدن و وقتیکه خواهد که بار کند و برود او را مدد مکنید در رفتن که این دلیل برخست نفس است و در وقت رفتن توشه اش را تمام بکنید و توشه را نیکو و خوب بعمل بیاورید که این دلیل جوانمردیست و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که از جمله حق مهمان اینست که همراه او بروی تا در خانه و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون شخصی بخانه کسی برود در هر جا که صاحب خانه بگوید بنشیند که صاحب خانه امور مخفی خانه خود را بهتر میداند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هشت کس اند که اگر ایشانرا ذلتی و خواری برسد ملامت نکنند مگر خود را کسی که بر سر خوانی بنشیند که او را نطلبیده باشند و کسیکه بر صاحب خانه تحکم کند و کسیکه طلب خیر از دشمنان خود بکند و کسی که طلب فضل و احسان از لئیمان و بخیلان کند و کسیکه خود را داخل در رازی که میان دو کس باشد

بی رخصت ایشان بکند و کسیکه استخفاف کند بپادشاهان و صاحب حکم و کسیکه در مجلسی بجائی بنشیند که فراخور او نباشد و کسیکه با شخصی سخن گوید که گوش بسخن او نکند و در حدیث دیگر فرمود که بطعام خود ضیافت کن کسی را که از برای خدا او را دوست میداری و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که یک برادر مؤمن را که از برای خدا با او برادر کنم و سیر کنم بهتر است نزد من از آنکه ده مسکین را سیر کنم و فرمود که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله با مهمانان طعام تناول می فرمودند پیش از همه شروع میکردند و بعد از همه دست میکشیدند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که کسی با جماعتی آب دهد باید که خود بعد از همه آب بخورد و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون برادر مؤمن بخانه تو بیاید مپرس که امروز چیزی خورده و لیکن هرچه داری نزد او بیاور که جوانمردی آنست که هرچه دارد حاضر سازد و در حدیث دیگر فرمود که اگر کسی هزار درهم صرف طعامی کند و مؤمنی از آن بخورد اسراف نکرده است و در احادیث معتبره وارد شده است که هرکه ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که مهمان خود را گرامی دارد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که از جمله حق مهمان آنست که او را گرامی دارند و خلال از برای او مهیا کنند و در احادیث بسیار وارد شده است که هرگاه مهمان می آید و چون طعام خورد خدا صاحبان خانه را می آمرزد و در روایت دیگر چون بیرون میرود گناهان تو و عیال تو بیرون می برد و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که یک لقمه که برادر مؤمن نزد من بخورد دوست تر میدارم از بنده آزاد کردن و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که سه مؤمن را طعام دهم نزد من بهتر است از هفت بنده آزاد کردن و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که هر مؤمنی که صدای مهمانی بشنود و شاد شود گناهانش آمرزیده شود اگرچه میان زمین و آسمان را پر کرده باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر خانه که مهمان به آن خانه نمیرود ملائکه داخل آنخانه نمی شوند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از حقوق واجبه مؤمن بر مؤمن آنست که چون بضیافت او را بطلبد قبول کند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که وصیت میکنم حاضران و غائبان امت خود را که دعوت مسلمانان را قبول کنند بضیافت اگرچه پنج میل راه باشد که این امور است که در دین لازم است و هر میل یک ثلث فرسخ است و فرمود که اگر مرا برائی دست گوسفندی بطلبد میروم و فرمود که بدترین

تجربه آنست که شخصی را در پیش او الطعام بخواند و او قبول کند فصل چهاردهم در فضیلت خلال و آداب
آن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که جبرئیل علیه السلام برای حضرت رسول صلی الله علیه
و آله وسلم مسواک و خلال و حجامت آورد و فرمود که خلال بن دندان را محکم میکند و روزی را زیاد می کند
و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که خلال مکنید بچوب گل و بچوب درخت انار که هر دو رگ خوره را بحرکت
می آورند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که به نی خلال کند تا شش روز حاجتش بر آورده نشود و
و فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم بهر چه می یافتند خلال میکردند بغیر از برگ درخت خرما و نی
و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از خلال کردن بچوب
درخت انار و نی و فرمود که بحرکت می آورد عرق خوره را و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است
که خلال کردن بچوب گز موروث فقر و بخیلیست و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم امر میکردند ما را که چون خلال کنیم آب نخوریم تا سه نوبت مضمضه کنیم دهن را با آب و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که از جمله حق مهمان آنست که خلال از برای او مهیا کنی و فرمود
که خلال کنید که ملائکه هیچ چیز را دشمن نمیدارند مانند آنکه ببینند که در دندان بنده طعامی هست و در حدیث
صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هرچه از طعام در بن دندان مانده باشد بخورید
و آنچه میان دندان مانده باشد بیندازید و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که هرچه را
بزبان از میان دندان بدر می آوری بخور و آنچه را بخلال بدر می آوری خواهی بخور و خواهی بینداز
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آنچه بخلال بیرون می آورد فرو نبرد که جراحت های
اندرون بهم میرساند و احادیث بسیار وارد شده است که هرچه را بخلال بیرون می آوری بینداز و در
حدیث معتبر وارد شده است اندرون و بیرون دهان را بعد از طعام بسعد و اشنان شستن فصل پانزدهم
در فضیلت آب و انواع آن در احادیث معتبره وارد شده است که بهترین آشامیدنی ها در دنیا و آخرت
آب است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که محظوظ و متلذذ باشد از آب در دنیا خدا
او را متلذذ گرداند از آشامیدنیهای بهشت و شخصی از آنحضرت پرسید که آب چه مزه دارد فرمود که مزه
زندگانی حق تعالی میفرماید که از آب آفریدیم هر چیز صاحب حیاتی را آیا ایمان نمی آورند بخدا کافران
و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که فرمود در تفسیر آیه کریمه ثم لتسئلن

یومئذٍ عن النعیم یعنی پس سوال کرده خواهید شد در روز قیامت از نعمتهائی دنیا فرمود که مراد نعمتهائی رطب و آب سرد است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که آب زمزم بهترین آبها بر روئی زمین و بدترین آبها بر روئی زمین آبیست که در برهوت است که در بلاد یمن است که ارواح کافران در ان وارد می شوند در شب و معذب می باشند و در حدیث دیگر فرمود که آب زمزم دوا است از برائی هر دردی که برای آن بخورند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که آب زمزم شفا است از هر درد و در روایتی دیگر برائی هر مطلبی که بخورند آن مطلب حاصل میشود و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که فرمود بخورید آب باران بدرستیکه بدن را پاک میکند و بیماریهای دردها را از بدن دفع میکند و از حضرت صادق علیه السلام نهی وارد شده است از خوردن تگرگ و در روایت دیگر وارد شده است که خوردن تگرگ برای دندان نافعست و مصادف روایت کرده است که شخصی از یاران در مکه بیمار شد تا آنکه بحالت مرگ افتاد بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم حال او فرمود که اگر من بجائی شما بودم از آب ناودان کعبه باو آبی میخورانیدم پس ما طلب کردیم نزد هیچکه نیافتیم ناگاه ابری بلند شد و رعد و برق ظاهر گردید و باران آمد قدحی گرفتم و از آب ناودان پر کردم و آوردم نزد بیمار و از ان آب نوشانید در ساعت شفا یافت و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که گمان ندارم که طفلی را که کامش از آب فرات بردارند مگر آنکه دوست ما اهلبیت باشد و فرمود که پیوسته دو ناودان از آب بهشت در آن میریزند و فرمود که اگر میان من و آب فرات راه بسیار باشد برائی شفا بنزد آن میروم و در حدیث دیگر فرمود که اگر نزدیک فرات میبودم دوست میداشتم که هر صبح و شام بنزد آن بروم و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که اگر اهل کوفه کام فرزندان خود را آب فرات بردارند هر آئینه همه شیعه ما شوند و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که ملکی در هر شب می آید و سه مثقال از مشک بهشت در آب فرات می اندازد و هیچ نهری در مشرق و مغرب عالم برکتش زیاده از نهر فرات نیست و در احادیث بسیار وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی کرد از شفا طلبیدن از آبهائی گرم که در کوهها می باشد و بوئی گوگرد میدارد و فرمود که گرمی آنها از گرمی جهنم است و حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمودند که ولایت و دوستی ما را بر همه آبها عرض کردند هر آب که قبول کرد شیرین شد و نیکو و هر آب که قبول نکرد تلخ و شور شد و حضرت امام محمد باقر

علیه السلام کراهیت داشتند از آنکه کسی طلب شفا کند از آب تلخ و آبی که از آن بوی گوگرد شنیده شود
و تعبیر می‌فرمودند که حضرت نوح در وقت طوفان همه آبها را طلبید همه اجابت او کردند مگر آب تلخ و آب
گوگرد پس نفرین و لعنت کرد بر دو را و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله فرمود که آب نیل مصر
دلها را می‌میراند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آب سرد حرارت را فرو می‌نشاند و صفرا را
ساکن میکند و طعام را در معده میگدازد و تب را زائل میکند و فرمود که آب جوشانیده برای همه دردی
نافع است و هیچ جهت ضرر ندارد و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که خوردن آب سرد لذتش
بیشتر است و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که آب جوشانیده که هفت مرتبه بجوشانند و از ظرف
بظرف دیگر بگردانند تب را زائل میکند و قوت میدهد ساق و قدم را و از ابن ابی طیفور طبیب منقول است
که بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام رفت و آنحضرت انهی کرد از خوردن آب حضرت فرمود
که خوردن آب بد نیست طعام را در معده میگدازد و غضب را فرو می‌نشاند و عقل را زیاد میکند و صفرا را
کم میکند و شخصی دیگر بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفت حضرت خرما تناول میفرمودند و بعد از آن آب
میخوردند گفت که اگر آب بعد از خرما نخورید بهتر است فرمود خرما را برای آن میخورم که لذت آب بیابم
فصل دوم در آداب خوردن آب از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر بنده
که آب بخورد و حضرت امام حسین و اهل بیتش علیهم السلام را یاد کند و لعنت کند بر کشندگان آنحضرت حقتعالی
صد هزار حسنه برای او بنویسد و صد هزار گناه از او محو نماید و صد هزار درجه برای او بلند کند و چنان باشد
که صد هزار بنده آزاد کرده باشد و حقتعالی در قیامت او را خوشحال و مطمئن خاطر محشور گرداند و اگر این نحو
بگوید خوبست صَلَوَاتُ اللهِ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَصْحَابِهِ وَ لَعْنَةُ اللهِ عَلَى قَتَلَةِ
الْحُسَيْنِ وَ أَعْدَائِهِ و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که گاه باشد که شخصی یک شربت آب
بخورد و خدا او را بهمان آب خوردن بهشت برد با آنکه آب بخورد و هنوز خواهش داشته باشد که از آب
لب بردارد و حمد خدا بگوید پس باز بخورد و هنوز سیر نشده از لب بردارد و حمد خدا بگوید پس باز بخورد پس خدا
بسبب این بهشت بر او واجب گرداند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم چون آب میخوردند این دعا میخواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي سَقَانَا عَذْبًا زُلَالًا وَ لَمْ يَسْقِنَا
مِلْحًا أُجَاجًا وَ لَمْ يُؤَاخِذْنَا بِذُنُوبِنَا و در روایت دیگر از آنحضرت منقول است که هرگاه کسی پیش از

آب خوردن بِسْمِ اللّٰهِ بگوید و می بخورد و اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بگوید پس باز بِسْمِ اللّٰهِ بگوید و می بخورد و اَلْحَمْدُ
لِلّٰهِ بگوید پس باز بِسْمِ اللّٰهِ بگوید پس بعد از خوردن اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بگوید مادام که آن آب در شکم او باشد
تسبیح خدا گوید و ثوابش از و باشد و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه خواهی بشب آب خوری ظرف آب را
حرکت ده و بگو یا ماءُ ماءُ زمزم و ماءُ فرات یقرائک السلام و در روایت دیگر فرمود که هر که در شب
آب بخورد و سه مرتبه بگوید عَلَیْکَ السَّلَامُ مِنْ مَاءِ زَمْزَمَ وَمَاءِ الْفُرَاتِ آب خوردن شب باو ضرر
نرساند و در حدیث دیگر منقول است که در وقت آب خوردن اینها را بخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ سَقَانِیْ
فَاَرْوَانِیْ وَاَعْطَانِیْ وَاَرْضَانِیْ وَعَافَانِیْ وَکَفَانِیْ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِیْ مِمَّنْ تَسْقِیْهِ فِی الْمَعَادِ مِنْ حَوْضِ
مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ وَتُسْعِدُهٗ بِمُرَافَقَتِهٖ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که آب بسیار مخور که هر دردی را بسوی تو می کشد و تا تاب درد داری دوا مخور.
و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که بالای طعام آب بسیار خوردن ضرر نرساند اما در غیر آن حال
آب بسیار مخور و فرمود که اگر کسی بقدر دو کف طعام بخورد و آب بعد از آن نخورد عجب دارم که چرا
معده اش شق نمی شود و مشهور میان علماء آنست که آب ایستاده خوردن مکروه است و سنت است
که بسه نفس آب خورده شود و در احادیث بسیار وارد شده است که آب ایستاده خوردن خوب است
و آب بیک نفس خوردن خوب است اما بهتر آنست که بسه نفس خورده شود و در روز ایستاده بخورد و در
شب نشسته چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آب ایستاده خوردن در روز طعام را گوارا کند
و در شب ایستاده خوردن آب باعث غلبه زرداب و صفرا می شود و در حدیث دیگر فرمود که آب ایستاده
خوردن در روز بیشتر باعث قوت و صحت بدن می شود و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است
که آب ایستاده مخورید که باعث دردی می شود که دوا نداشته باشد مگر آنکه خدا عافیت دهد و در حدیث صحیح
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که آب ایستاده مخورید و بر دور هیچ قبری مگردید و در آب
ایستاده که جاری نباشد بول مکنید پس هر که چنین بکند و بلائی باو برسد ملامت نکند مگر خود را ابن بابویه
علیه الرحمه گفته است که مراد ازین احادیث آب خوردن شب است و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که آب را بسه نفس خوردن بهتر است از یک نفس خوردن و در حدیث دیگر منقول است
که شخصی بخدمت آنحضرت عرض کرد که اگر کسی دم از آب بر ندارد تا سیر آب شود چونست حضرت فرمود

حضرت فرمود که نگر لذت هست در غیر این گفت که مردم میگویند که این شرب هیم است یعنی شتر
تشنه حضرت فرمود که شرب هیم آنست که در وقت آشامیدن نام خدا نبرد و در روایت دیگر منقول
است که اگر آنکسی که آب بتو میدهد بنده تو باشد بسه نفس آب بخور و اگر آزاد باشد بیک نفس بخور و از
حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله دوست میداشتند
آب خوردن در قدح شامی و میفرمودند که پاکیزه ترین ظرفهائی شماست و برائی آنحضرت قدحها از
شام بهدیه می آوردند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام از کوزه سفال
آب میخوردند و در روایت دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم گذشتند بر جماعتی
که دهان آب گذاشته بودند و میخوردند حضرت فرمودند که بدست خود بخورید که بهترین ظرفهائی شماست
و در احادیث معتبره از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که آداب آب خوردن آنست
که در ابتدا بسم الله بگوئی و چون فارغ شوی اَلْحَمْدُ لِلّٰه بگوئی و از پیش دسته کوزه و از جائی که شکسته
باشد یا رخنه داشته باشد نخوری که این دو موضع جائی شیطان است و حضرت رسول صلی الله علیه و
آله وسلم نهی فرمود از دمیدن بدهان در آب و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دمیدن در آب
وقتی مکروه است که دیگری حاضر باشد که خواهد از ان بخورد که مبادا او را خوش نیاید و در حدیث دیگر
از آنحضرت نهی وارد شده است از آب خوردن بدست چپ و فرمود که آب را بمکید و کم کم بخورید
و دهان را پر مکنید که باعث درد شکم و درد جگر میشود و منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم گاهی در قدحهائی آبگینه که از شام می آوردند آب تناول میکردند و گاهی در قدح چوب و گاهی
در پوست و گاهی در خزف و گاهی که ظرفی حاضر نبودی آب در کف میکردند و می آشامیدند

باب چهارم در بیان فضیلت تزویج و آداب مجامعت و معاشرت زنان و کیفیت تربیت فرزندان و معاشرت ایشان

فصل اول در فضیلت تزویج کردن و نهی از رهبانیت

بسندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از اخلاق پیغمبران است دوست داشتن زنان
و فرمود که گمان ندارم کسیرا که در ایمانش چیزی زیاده شود مگر آنکه او را محبت زنان زیاده می شود
و فرمود که هر که محبت زنان او را زیاده میشود فضیلت ایمانش بیشتر می شود و در حدیث صحیح از حضرت
امام رضا علیه السلام منقول است که سه چیز است که از سنت پیغمبران است بوئی خوش کردن و

و موهائی زیادتی بدن را ازاله کردن و زنان بسیار داشتن یا بسیار مقاربت با ایشان کردن و بسند
بسیار از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که فرمود که از دنیای شما اختیار کردم
زنان و بوی خوش را و روشنی دیدهٔ من در نماز است و در حدیث معتبر منقول است که سکین نخعی
اختیار عبادت کرده و ترک زنان و بوی خوش و طعامهای لذیذ کرده بود و درین باب نامه
بحضرت صادق علیه السلام نوشت آنحضرت در جواب نوشتند اما زنان پس میدانی که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم چند عدد از زنان میداشتند اما طعام لذیذ پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم گوشت و عسل تناول می فرمودند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که زنی بعقد
خود در می آورد نصف دین خود را حفظ کرده است از خدا بپرهیزد در نصف دیگر فرمود بدترین مردهای
عزبان اند و فرمود که چه چیز مانع است مؤمن را از آن که زنی بگیرد شاید که او را فرزندی روزی شود که
سنگین کند زمین را بگفتن لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ و فرمود که هر که دوست دارد سنت مرا باید که کدخدا شود و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که خوشم نمی آید که دنیا و آنچه در دنیا است داشته باشم و یک شب بی زن
بخوابم پس فرمود دو رکعت نماز که کدخدا میگذارد بهتر است از عزبی که شبها تمام نماز گذارد و روزها روزه
دارد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که ترک کدخدائی کند از ترس پریشانی پس تحقیق
که گمان بد بخدا برده است زیرا که حقتعالی میفرماید اِنْ یَکُوْنُوْا فُقَرَاءَ یُغْنِهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ یعنی اگر
ایشان فقیران باشند بی نیاز میگرداند ایشان را خدا از فضل خود و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که زن عثمان بن مظعون آمد بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و گفت یا رسول الله
عثمان روزها روزه میباشد و شبها نماز میکند و نزد من نمی آید حضرت غضبناک نزد عثمان آمدند و فرمودند
که ای عثمان خدا مرا برهبانیت نفرستاده است ولیکن بدین مستقیم سهل آسان فرستاده است روزه
می گیرم و نماز میکنم و با زنان خود نزدیکی میکنم پس هر که دین مرا میخواهد باید که بسنت من عمل نماید
و از جمله سنت من نکاح زنان است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که سه زن آمدند بخدمت
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم یکی گفت که شوهرم گوشت نمی خورد و یکی گفت شوهرم بوی خوش
نمی بوید و دیگری گفت که شوهرم با زنان نزدیکی نمیکند پس حضرت بیرون آمدند و از روی غضب ردای
خود را بر زمین می کشیدند تا بر منبر بر آمدند و حمد و ثنای الهی گفتند و فرمودند که چرا جماعتی از اصحابم گوشت

نمیخورند و بوئی خوش نمی بویند و نزدیک زنان نمیروند من گوشت میخورم و بوئی خوش می بویم و بنزد
زنان میروم هر که سنت مرا نخواهد از من نیست و در حدیث دیگر منقول است که زنی آمد بخدمت
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و شکایت کرد که شوهر من نزد من نمی آید حضرت فرمود که خود را
خوشبو کن تا نزدیک تو بیاید گفت هیچ بوئی خوشی نگذاشتم مگر آنکه خود را بآن خوشبو کردم او از من
دوری میکند حضرت فرمود که اگر میدانست که چه ثواب دارد در آمدن نزد تو دوری نمیکرد پس فرمود که چون
متوجه جانب تو میشود دو ملک با او احاطه میکنند و ثواب آن دارد که شمشیر کشیده در راه خدا جهاد کند
پس چون با تو مجامعت کند گناهان از او میریزد چنانچه میریزد برگ از درخت پس چون غسل میکند
از گناهان بدر میرود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دو رکعت نماز که کدخدا میکند برابر است
با هفتاد رکعت که عزب بکند **فصل دوم** در اصناف زنان و صفات پسندیده و ناپسندیده ایشان
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که زن بمنزله قلاده است که بر گردن خود می افگنی پس
ببینی که چگونه قلاده برائی خود میگیری و فرمود که زن صالحه و غیر صالحه هیچ یک قیمت ندارد زن صالحه طلا و نقره
قیمت او نیست بلکه او بهتر است از طلا و نقره و زن غیر صالحه بخاک هم نمی ارزد بلکه خاک بهتر
از وست و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که دختر بکفو و مانند خود بدهید و از کفو و مانند خود بخواهید
و از برائی نطفه خود زنی را پسند کنید که شایستهٔ آن باشد که فرزند از و بهم رسانید و در حدیث صحیح از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که هر که زنی بخواهد برائی حسن و جمال یا برائی مال از هر دو محروم ماند
و اگر برائی دین داری و صلاح او بخواهد حقتعالی مال و جمال او را روزی میکند و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که زن پاکیزه بخواهید که فرزند بسیار آورد و زن عقیم که فرزند نیاورد مخواهید که من
مباهات میکنم بشما با امتهائی پیغمبران دیگر در روز قیامت مگر نمیدانی که فرزندان در زیر عرش الهی
از برای پدران خود طلب آمرزش مے نمایند و حضرت ابراهیم علیه السلام ایشانرا نگاهداری میکند و حضرت ساره ایشان را
تربیت میکند در بالا کوهی از مشک و عنبر و زعفران و در حدیث دیگر فرمود که دختران پاکیزه بخواهید که دهنهائی ایشان
خوشبوتر و رحمهائی ایشان گشاده تر و خشکتر است و پستانهائی ایشان پر شیرتر و فرزند آورنده تر اند مگر نمیدانید
که من مباهات میکنم بسیاری شما در روز قیامت حتی بفرزندی که ناتمام از شکم افتاده باشد او
می آید خشمناک بر در بهشت می ایستد پس حقتعالی میفرماید که داخل بهشت شو میگوید که نمیروم تا پدر

و مادر من پیش از من بروند پس حق تعالی ملکی امر کند که پدر و مادرش را بیاور و داخل بہشت کن پس بطفل خطاب میفرماید که ایشان را داخل بہشت کردم برائی زیادتی رحمت من نسبت بتو و از حضرت امیر المومنین علیہ السلام منقول است که بخواه زن گندم گون فراخ پیشانی سیاه چشم بزرگ سرین میانہ بالا پس اگر نمیخواہی او را مہر از من بگیر و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم چون بخواستگاری زنی میفرستادند می‌فرمودند که گردنش را بو کنند که خوشبو باشد و عوزک پاہیش پر گوشت باشد و از حضرت امام رضا علیہ السلام منقول است که از سعادت آدمی است که زن سفیدی داشتہ باشد و حضرت صادق علیہ السلام فرمود که چون خواہید زنی را بخواستگاری نمائید ؛ زمویش بپرسید چنانچہ از رویش می‌پرسید که مو نصف حسن است و بسند معتبر از حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم منقول است که بہترین زنان شما زنی است که فرزند بسیار آورد و دوست شوہر باشد و صاحب عفت باشد و در میان خویشان خود عزیز باشد و نزد شوہرش ذلیل باشد و از برائی شوہر خود زینت و بشاشت کند و از دیگران شرم کند و عفت ورزد و ہرچہ شوہرش گوید بشنود و آنچہ فرماید اطاعت کند و چون شوہر با او خلوت کند آنچہ از و خواہد مضائقہ نکند اما با شوہر در نیاویزد که او را بتکلیف بر جماع بدارد و بعد از آن فرمود که بدترین زنان شما زنیست که در میان قوم خود خوار باشد و بر شوہر مسلط باشد و فرزند نیاورد و کینہ ور باشد و از اعمال قبیحہ پروا نکند و چون شوہر غائب شود زینت کند و خود را بدیگران نماید و چون شوہرش بیاید خود را مستور نماید و سخنش را نشنود و اطاعت او نکند و چون شوہر با او خلوت کند مانند شتر صعب مضائقہ کند از آنچہ شوہر با او اراده دارد و عذرش را قبول نکند و از تقصیرش درنگذرد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم آمد و گفت زنی دارم که ہرگاه بخانہ میروم مرا استقبال میکند و چون بیرون می آیم مشایعت میکند و چون مرا غمگین می‌بیند میگوید چہ غم داری اگر برای روزی غم میخوری خدا تعالی متکفل روزی تو و دیگران شده است و اگر برائے آخرت غم میخوری خدا غم ترا زیاده کند حضرت فرمود که خدا کارکنان دارد و این زن از کارکنان خداست و نصف ثواب شہید دارد و در حدیث دیگر فرمود که خوبی زن آنست که خرجش کم باشد و زائیدنش دشوار نباشد و شومی زن آن باشد که مہرش گران و زائیدنش دشوار باشد و حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمود که بہترین زنان شما زنان قریش اند مہربان ترین زنانند بشوہران و رحیم ترین

ایشانند بفرزندان و امانند بشوهران و با عفت اند از دیگران و مصداق قریش درین زمان سا
سادات اند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که خداوند عالمیان میفرماید که چون خواهم
که جمع کنم برای مسلمانی نیکی های دنیا و آخرت را باو میدهم دل شکسته خاشع و زبان ذکر کننده و بدنی
صبر کننده بر بلا و زن مومنه که هرگاه نظر باو کند شاد شود و چون غائب شود شوهر خود را نگاهداری کند
و مال شوهر را ضایع نکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در بنی اسرائیل
شخصی بود بسیار عاقل و مال بیشمار داشت و یک فرزند داشت از زن عفیفه و در شکل و شمائل شبیه باو
بود و دو فرزند دیگر داشت از زن دیگر که عفتی نداشت چون وقت فوت او شد گفت همه مال من
یکی از شما است چون مرد هر یک از ان دعوی کردند که مال از من است بنزد قاضی رفتند قاضی گفت
که بنزد آن سه برادر که بعقل مشهور اند بروید پیش یکی از آنها رفتند مرد پیری دیدند گفت بروید بنزد فلان
برادر که از من بزرگتر است بنزد او که رفتند نه پیر بود و نه جوان او گفت که بنزد برادر بزرگتر از من
بروید چون نزد او رفتند او را جوان دیدند پس اول سوال کردند که بچه سبب برادر کوچک تو از همه پیرتر بود
و تو که از همه بزرگتری از همه جوانتری گفت اما آن برادر کوچک زن بدی دارد و بر بدیهای او
صبر میکند که مبادا ابتلائی دیگر مبتلا شود که صبر نتواند کرد و باین سبب از همه پیرتر است و اما برادر دیگر
زنی دارد که گاهی خوشحال میکند او را و گاهی غمگین میکند بدین سبب میانه حال مانده است و من زنی
دارم که همیشه مرا خوشحال میکند و هرگز آزرده ام نمیکند باین سبب جوان مانده ام پس برادران حال
خود را نقل کردند گفت اول بروید و استخوان پدر خود را بدر آورید و بسوزانید بعد از ان بیائید تا در میان شما
حکم کنم چون رفتند برادر کوچک شمشیری برداشت و برادرانش کلنگها برداشتند چون بر سر قبر رسیدند
آن برادران کلنگ بر قبر زدند که قبر را بشکافند برادر کوچک شمشیر کشید که نمیگذارم که قبر پدرم بشکافید
من از حصه خود گذشتم و مال را بشما گذاشتم بروید چون بنزد قاضی آمدند قاضی مال را به پسر کوچک داد
و با آنها گفت اگر شما فرزندان آدمی بودید چنانچه برادر کوچک را شفقت فرزندی مانع شد از برآوردن و
سوختن استخوانهای پدر شما را هم مانع میشد **فصل سوم** در آداب نکاح و اراده آن در حدیث حسن از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که هرگاه کسی اراده خواستگاری کند دو رکعت نماز بگذارد و حمد الهی بگوید
و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّیٓ اُرِیدُ اَنْ اَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لِی مِنَ النِّسَاءِ اَعَفَّهُنَّ فَرْجًا وَاَحْفَظَهُنَّ لِی فِی نَفْسِهَا

وَمَالِي وَافْسَحْ لِي رِزْقَهَا وَاَعْظِمْ لِي بَرَكَةً وَقَدِّرْ لِي وَلَداً طَيِّباً تَجْعَلُهُ خَلَفاً صَالِحاً فِي حَيٰوتِي وَبَعْدَ مَوْتِي و در حدیث معتبر منقول است که سنت است که در شب تزویج واقع شود و در حدیث موثق منقول است که بحضرت امام محمد باقر علیه السلام خبر رسید که شخصی زنی خواسته در ساعتی که هوا گرم بوده است در میان روز حضرت فرمود که گمان ندارم که در میان آنها الفت و الفت بهم رسد پس بزودی از هم جدا شدند و در حدیث معتبر دیگر منقول است که عقد کردن در ماه شوال خوب است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که عقد کند یا زفاف کند و ماه در عقرب باشد نیکو عافیت نبیند و در روایت دیگر منقول است که هر که در تحت الشعاع عقد یا زفاف کند بداند که فرزندی که از و منعقد شود پیش از تمام شدن سقط میشود و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که روز جمعه روز خواستگاری و نکاح است و بدانکه مومنان را طلبیدن و مهمانی کردن در نکاح سنت است و پیش از عقد نکاح خطبه خواندن سنت است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که از سنت پیغمبران است طعام دادن در وقت تزویج و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چون میمونه را تزویج کردند ولیمه و حیس بمردم خورانیدند و آن چنگالی بوده است که از خرما و روغن و کشک ساخته بودند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که ولیمه روز اول لازم است و روز دوم نیکو است و روز سوم ریا و سمعه است و منقول است که حضرت امام محمد تقی علیه السلام چون دختر مامون را عقد کردند این خطبه را خواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اِقْرَاراً بِنِعْمَتِهٖ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِخْلَاصاً بِوَحْدَانِيَّتِهٖ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ بَرِيَّتِهٖ وَعَلَى الْاَصْفِيَاءِ مِنْ عِتْرَتِهٖ اَمَّا بَعْدُ فَقَدْ كَانَ مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ عَلَى الْاَنَامِ اَنْ اَغْنَاهُمْ بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ فَقَالَ سُبْحَانَهُ وَاَنْكِحُوا الْاَيَامٰى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَاِمَائِكُمْ اِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ و سایر خطبه‌های طولانی در کتب مبسوطه مذکور است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و در آداب صیغهٔ نکاح رساله جدا تالیف کرده‌ام

فصل چهارم در بیان آداب زفاف و مجامعت بدانکه زفاف کردن در وقتیکه ماه در برج عقرب و یا تحت الشعاع باشد مکروه است و جماع کردن در فرج زن در وقتیکه حایض باشد

یا خون نفاس آغشته باشد حرام است و از مابین ناف تا زانو از ایشان تمتع بردن مکروه است و بعد از
پاک شدن و پیش از غسل کردن جماع را بعضی حرام میدانند و احوط اجتناب است مگر آنکه ضرورتی
باشد پس امر کند زن را که فرج را بشوید و با او مقاربت کند و زن مستحاضه اگر غسل و سائر اعمال استحاضه
که او را می باید کرد اگر بجا آورد با او جماع میتوان کرد و در وطی دبر زن خلاف است بعضی حرام
میدانند و اکثر علما مکروه میدانند و احوط اجتناب است و بهتر آنست که با زن خود که جماع کند
و آزاد باشد منی خود بیرون فرج نریزد و بعضی علماء حرام میدانند بی رخصت زن و در کنیز باکی نیست
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نباید مرد را دخول کردن بزن خود در شب چهار
شنبه و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که هرگاه جماع کنید با زن خود در تحت الشعاع
پس باخود قرار دهید افتادن فرزند را از شکم پیش از آنکه تمام شود و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که جماع مکن در اول ماه و میان ماه و آخر ماه که باعث آن میشود که فرزند سقط شود و نزدیک است
که اگر فرزندی بهم رسد دیوانه باشد یا صرع داشته باشد نمی بینی که کسی را که صرع میگیرد اکثر آنست که یا در
اول ماه یا در میان ماه یا در آخر ماه میباشد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هرگاه
جماع کند با زن خود در حیض پس فرزندی که بهم رسد مبتلا شود بخوره یا پیسی پس ملامت نکند مگر نفس خود را
و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دشمن ما اهلبیت نیست مگر کسیکه ولد الزنا باشد یا مادرش
در حیض با و حامله شده باشد و در چندین حدیث معتبر منقول است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم که چون کسی خواهد که با زن خود مجامعت کند بروش مرغان بر زن نرود بلکه اول با او دست
بازی و خوش طبعی بکند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در وقت جماع
سخن مگوئید که فرزندیکه بهم رسد لال باشد و در آنوقت نظر بفرج زن مکنید که بیم آنست که فرزندی که
بهم رسد کور باشد و در روایت دیگر از آنحضرت منقول است که باکی نیست نگاه کردن بفرج زن در وقت
جماع و در چندین حدیث معتبر وارد شده است که مرد و زن در حالتیکه خضاب حنا و غیر آن بسته باشد
جماع نکنند و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام پرسیدند که اگر در حالت جماع جامه از روی مرد و زن
دور شود چونست فرمود باکی نیست باز پرسیدند که اگر کسی فرج زنش را ببوسد چونست فرمود که باکی
نیست و از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که اگر کسی زن خود را عریان کند و باو نظر کند چونست فرمود

که مکر لذتی بهتر ازین میباشد پرسیدند که اگر کسی بدست و انگشت با فرج زن خود و کنیز خود بازی کند چونست فرمود که باکی نیست اما بغیر از اجزائی بدن خود چیزی دیگر در انجا نکند پرسیدند که آیا میتوانند که در آب جماع بکند فرمود که باکی نیست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند از جماع کردن حمام فرمود که باکی نیست حضرت صادق علیه السلام فرمود که مرد با زن و کنیز خود جماع نکند در خانه که طفلی باشد آن طفل زناکار میشود یا فرزندی که بهم رسد زناکار می شود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که فرمود بحق آنخدائی که جانم در قبضه قدرت او ست که اگر شخصی با زن خود جماع کند و در آنخانه شخصی بیدار باشد که ایشانرا ببیند یا سخن و یا صدای نفس ایشانرا بشنود فرزندیکه از ایشان بهم رسد رستگار نباشد و زناکار باشد و چون حضرت امام زین العابدین علیه السلام اراده مقاربت زنان می نمودند خدمتگاران را دور میکردند و درها را می بستند و پردها را می انداختند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کسی که با کنیزی جماع کند و خواهد که با کنیز دیگر پیش از غسل جماع کند وضو بسازد و در حدیث صحیح وارد شده است که باکی نیست که مرد با کنیز خود وطی کند و در خانه دیگری باشد که ببیند و بشنود و مشهور میان علماء آنست که باکی نیست که مرد مابین دو کنیز خود بخوابد اما مکروه است که در میان دو زن آزاد بخوابد و در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که باکی نیست که مرد در میان دو کنیز خود بخوابد اما مکروه است که در میان دو زن آزاد بخوابد و در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام منقول است که باکی نیست که مرد در میان دو کنیز و دو آزاد بخوابد فرمود که کراهت دارد که مرد رو بقبله جماع کند و در حدیث دیگر از آنحضرت پرسیدند که آیا مرد عریان جماع میتواند کرد فرمود که نه و رو بقبله و پشت بقبله جماع نکند و در کشتی جماع نکند و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که دوست نمیدارم که کسی که در سفر آب نیابد برائی غسل کردن جماع کند مگر آنکه خوف ضرری داشته باشد بر خود و بعضی علماء قائل بحرمت شده اند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از آنکه کسی محتلم شده باشد پیش از آنکه غسل کند جماع کند و فرمود که اگر بکند فرزندی که بهم رسد دیوانه باشد ملامت نکند مگر خود را و حضرت صادق علیه السلام فرمود که مکروه است جنب شدن در وقتیکه آفتاب طلوع میکند و در وقتیکه غروب میباشد و تمام چنین در زردی آفتاب وقت فرو رفتن و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که مستحب است در شب اول ماه مبارک رمضان

جماع کردن و از ابو سعید خدری منقول است که حضرت رسالت پناه صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم وصیت نمود بحضرت امیر المومنین علیہ السلام که یا علی چون عروس داخل خانہ تو شود کفش از پایش بکن تا بنشیند و پایهایش را بشو و آن آب را از در خانہ تا منتهای خانہ بپاش چون چنین کنی خدای تعالی هفتاد هزار نوع پریشانی را از خانہ تو دور میکند و هفتاد هزار نوع برکت داخل خانہ تو کند و هفتاد هزار نوع رحمت بر تو فرستد که بر سر عروس فرود آید تا آنکه آن برکت بهر گوشہ از خانہ برسد و ایمن گردد عروس از دیوانگی و خوره و پیسی تا در آن خانہ باشد و منع کن عروس را تا هفت روز از خوردن شیر و سرکہ و گشنیز و سیب ترش پس حضرت امیر المومنین علیہ السلام گفت یا رسول اللہ بچہ سبب او را منع کنم از اینها فرمود که زیرا که رحم بسبب خوردن اینها سرد و عقیم می شود و فرزند نمی آورد و حصیری که در ناحیہ خانہ افتاده باشد بهتر است از زنی که فرزند از او بوجود نیاید پس فرمود که یا علی جماع مکن با زن خود در اول ماه و در میان ماه و آخر ماه که دیوانگی و خوره و خبط دماغ رو می یابد بآن زن و فرزندانش یا علی جماع مکن بعد از پیشین که اگر فرزندی بهم رسد احول خواهد بود یا علی در وقت جماع سخن مگو که اگر فرزندی بهم رسد ایمن نیستی که لال باشد و نگاه نکند احدی بفرج زن خود و چشم بپوشد در آن حالت که نظر کردن در آن حالت باعث کوری فرزند میشود یا علی بشهوت و خواهش زن دیگری با زن خود جماع مکن که اگر فرزند بهم رسد مخنث یا دیوانہ باشد یا علی هر که جنب با زن خود در فراش خوابیده باشد قرآن نخواند میترسم که آتشی از آسمان بهر دو نازل شود و بسوزاند ایشانرا یا علی جماع مکن با زن خود مگر آنکه تو دستمال برای خود داشته باشی و او از برای خود دستمال داشتہ باشد و هر دو خود را بیک دستمال پاک نکنند که دشمنی در میان شما پیدا میشود و آخر بجدائی می کشد یا علی ایستاده با زن خود جماع مکن که از فعل خرانست و اگر فرزندی بهم رسد مانند خران بر رختخواب بول کند یا علی در شب عید فطر جماع مکن که چون فرزندی بوجود آید شر بسیار از او بوجود آید یا علی در شب عید قربان جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید شش انگشت یا چهار انگشت در دست داشته باشد یا علی در زیر درخت میوه دار جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد جلاد و کشنده مردم بود یا رئیس گروه ظلم بود یا علی در برابر آفتاب جماع مکن مگر آنکه پرده بیاویزی که اگر فرزندی بهم رسد همیشه در بدحالی و پریشانی بود تا بمیرد یا علی در میان اذان و اقامت جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید راغب باشد در خون ریختن یا علی چون زنت حاملہ شود با او جماع مکن بی وضو که اگر چنین کنی فرزندی که بهم رسد کور دل و بخیل باشد

یا علی در شب نیمهٔ شعبان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد شوم باشد و در رویش نشان سیاهی باشد یا علی
در روز آخر شعبان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد عشار و یاور ظالمان باشد و هلاک بسیاری از
مردم بدست او بشود یا علی بر پشت بام خانه جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد منافق و ریاکننده
و صاحب بدعت باشد یا علی چون بسفر بروی در آن شب جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید مالش را
بناحق صرف کند و اسراف کنندگان برادر شیاطین اند و اگر بسفر روی که سه روز راه باشد جماع
مکن که اگر فرزندی بهم رسد یاور ظالمان باشد یا علی در شب دوشنبه جماع بکن که اگر فرزندی بوجود آید
حافظ قرآن و راضی بقسمت خدا باشد یا علی اگر جماع کنی در شب سه شنبه فرزندی که بهم رسد بعد از
سعادت اسلام او را شهادت روزی شود و دهانش خوشبو و دلش رحیم و دستش جوانمرد و زبانش
از غیبت و بهتان پاک باشد یا علی اگر جماع کنی در شب پنجشنبه فرزندیکه بهم رسد حاکمی از احکام شرع
یا عالمی از علماء باشد و اگر در روز پنجشنبه وقتیکه آفتاب در میان آسمان باشد نزدیکی کنی با زن خود
فرزندی که بهم رسد شیطان نزدیک او نشود تا پیر شود خدا او را سلامتی در دنیا و دین روزی کند
یا علی اگر جماع کنی در شب جمعه فرزندی که بهم رسد خطیب و سخن گو باشد و اگر در روز جمعه بعد از نماز عصر
جماع کنی فرزندی که بهم رسد از دانایان مشهور باشد و اگر جماع کنی در شب جمعه بعد از نماز خفتن امید هست
که آن فرزند از ابدال باشد یا علی در ساعت اول شب جماع مکن که اگر فرزندی که بهم رسد ایمن نیستی که
ساحر باشد و دنیا را بر آخرت اختیار نماید یا علی این وصیت را از من بیاموز چنانچه من از جبرئیل
آموختم و در حدیث معتبر منقول است که در روز عقد حضرت فاطمه علیها السلام حقتعالی امر کرد سدرة المنتهی را
که آنچه داری فرو ریز برای نثار حضرت فاطمه علیها السلام پس آنچه داشت از مروارید و مرجان و جواهر
بر اهل بهشت نثار کرد پس حوران آن نثارها را ربودند و تا روز قیامت مفاخرت می کنند و بهدیه
بیکدیگر میفرستند و میگویند که این نثار حضرت فاطمه علیها السلام است و در شب زفاف استر
اشهب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را آوردند و قطیفه بر روی آن انداختند و حضرت
فرمود که ای فاطمه سوار شو و سلمان لجام استر را میکشید و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
از عقب روان شدند در اثنای راه صدای ملائکه بگوش مبارک آنحضرت رسید و جبرئیل با هزار
ملک و میکائیل با هزار ملک فرود آمدند و گفتند که ما را حقتعالی بجهت زفاف حضرت فاطمه علیها السلام

فرستاده است پس جبرئیل و میکائیل الله اکبر می گفتند و ملائکه با ایشان موافقت میکردند و باین سبب سنت شده است که در زفاف الله اکبر میگویند و در روایت دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که ما طعامها بعمل می آوریم و بسیار پاکیزه و خوشبو می کنیم و بوئی طعام عروسی از هیچ طعامی نمی آید فرمود زیرا که هر طعام عروسی نسیم بهشت می وزد چون آن طعامی که از برائی حلال مهیا می کنند و در احادیث معتبره وارد شده است که سنت آنست که عروسی در شب واقع شود و طعام چاشت پخته شود و در بعضی اخبار وارد شده است که نثار عروسی را میتوان برداشت اما چون غارت می کنند و از یک دیگر می ربایند کراهت دارد و علما گفته اند که وقتی جائز است برداشتن که بقرائن معلوم شود که صاحبانش راضی اند که مردم بردارند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هرگاه نثار العروسی بطلبند دیر بروید زیرا که دنیا را بیاد شما می آورد و چون شما را بجنازه بخوانند زود بروید چون آخرت را بیاد شما می آورد و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از جماع کردن در زیر آسمان و بر سر راه که مردم تردد کنند و فرمود که هر که در میان راه جماع کند خدا و ملائکه و مردم او را لعنت کنند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که بیاموزید از کلاغ سه خصلت را پنهان جماع کردن و بامداد بطلب روزی رفتن و بسیار حذر کردن و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که هرگاه کسی خواهد که با زن خود نزدیکی کند تعجیل نکند که زنان را کارها میباشد پیش از جماع و هرگاه کسی زنی را ببیند و خوشش آید پس برود و با اهل خود جماع بکند که آنچه باین هست با آنهم هست و شیطان از دل خود راه ندهد و اگر زن نداشته باشد دو رکعت نماز بگذارد و حمد خدا بسیار بگوید و صلوات بر محمد و آل او بفرستد پس از فضل خدا زنی سوال کند که البته خدا با و عطا میفرماید آنچه او را از حرام باز دارد و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که چون مرد و زن جماع کنند عریان نشوند مانند دو خر زیرا که اگر چنین کنند ملائکه از ایشان دور می شوند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که جائز نیست جماع کردن با دختر پیش از آنکه نه سالش تمام شود پس اگر بکند و عیبی با آن دختر برسد ضامن است و در حدیث دیگر منقولست که مکروه است جماع کردن میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب و از وقت فرو رفتن آفتاب تا برطرف شدن سرخی طرف مغرب و در روزیکه در آن روز

آفتاب بگیرد و در شبی که در آن شب ماه بگیرد و در شب یا روزی که در آن روز باد سیاه یا سرخ یا زرد حادث شود و در شب یا روزی که در آن زلزلہ حادث شود و اللہ کہ اگر کسی جماع کند درین اوقات پس او را فرزند بہمرسد نہ بیند در ان فرزند چیزیکہ دوست دارد زیرا کہ آیات غضب الہی را سہل شمردہ است و در فقہ الرضا مسطور است کہ چون بعد از غسل دادن میت پیش از آنکہ غسل مس میت کنی خواہی کہ جماع کنی اول وضو بساز بعد از ان جماع کن و از حضرت امیر المومنین علیہ السلام مرویست کہ ہرگاہ کسی را دردی بہم رسد یا حرارت در مزاجش غالب شود پس با زن خود جماع کند تا ساکن شود و از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام منقول است کہ ہر کہ با زن خود در حالت خضاب جماع کند فرزندی کہ بہم رسد مخنث باشد و حضرت امام محمد باقر علیہ السلام فرمود کہ زن آزاد را برابر زن آزاد دیگر جماع مکن اما کنیز را برابر کنیز دیگر جماع کردن باکی نیست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیہ السلام منقولست کہ حضرت صادق علیہ السلام ہرگاہ کہ بعد از جماع و پیش از غسل ارادہ بنزدیکی میکردند اول وضو می ساختند و در روایت دیگر منقول است کہ اگر کسی انگشتری با او باشد کہ بران نام خدا نقش کردہ باشد جماع نکند

فصل پنجم در آداب نماز و دعا در شب زفاف و در وقت مقاربت زنان و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیہ السلام منقول است کہ چون عروس را بنزد تو بیاورند بگو کہ پیش از ان وضو بسازد و تو ہم وضو بساز و دو رکعت نماز کن و بگو کہ او را نیز امر کنند کہ دو رکعت نماز بگذارد پس حمد الہی بگو و صلوات بر محمد و آلش بفرست پس دعا کن و امر کن زنان را کہ با او آمدہ اند کہ آمین گویند و این دعا را بخوان اَللّٰھُمَّ ارْزُقْنِیْ اِلْفَھَا وَ وُدَّھَا وَ رِضَاھَا وَ اَرْضِنِیْ بِھَا وَ اجْمَعْ بَیْنَنَا بِاَحْسَنِ اجْتِمَاعٍ وَ اَیْسَرِ ائْتِلَافٍ فَاِنَّکَ تُحِبُّ الْحَلَالَ وَ تَکْرَہُ الْحَرَامَ بعد از ان فرمود کہ الفت از جانب خداست و دشمنی از جانب شیطان است کہ میخواہد کہ آنچہ را خدا حلال گردانیدہ مکروہ طبع مردم گرداند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام منقول است کہ چون در شب زفاف نزد عروس بروی موی پیشانیش را بگیر و رو بقبلہ آور و بگو اَللّٰھُمَّ بِاَمَانَتِکَ اَخَذْتُھَا وَ بِکَلِمَاتِکَ اسْتَحْلَلْتُھَا فَاِنْ قَضَیْتَ لِیْ مِنْھَا وَلَدًا فَاجْعَلْہُ مُبَارَکًا تَقِیًّا مِنْ شِیْعَۃِ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّیْطَانِ فِیْہِ شِرْکًا وَ لَا نَصِیْبًا و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است کہ دست بر بالای پیشانیش بگذار و بگو اَللّٰھُمَّ عَلٰی کِتَابِکَ تَزَوَّجْتُھَا وَ فِیْ اَمَانَتِکَ اَخَذْتُھَا وَ بِکَلِمَاتِکَ

اسْتَحْلَلْتُ فَرْجَهَا فَإِنْ قَضَيْتَ لِي فِي رَحِمِهَا شَيْئاً فَاجْعَلْ مُسْلِماً سَوِيّاً وَلَا تَجْعَلْهُ شِرْكاً
شَيْطَاناً راوی پرسید که فرزند چگونه شریک شیطان میشود فرمود که اگر در وقت جماع نام خدا برده
شیطان دور میشود و اگر نبرد ذکر خود را با ذکر آن شخص داخل میکند پس جماع از هر دو میباشد و نطفه یکی است
پرسیدند که بچه چیز میتوان دانست که شیطان در کسی شریک شده است فرمود که هر که ما را
دوست میدارد شیطان با او شریک نشده است و هر که دشمن ما است شریک او شده است
درین مضمون احادیث از طرق عامه و خاصه بسیار وارد شده است و از حضرت امیر المومنین
علیه السلام منقول است که در وقت زفاف این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ بِكَلِمَاتِكَ اسْتَحْلَلْتُهَا وَبِأَمَانَتِكَ
اَخَذْتُهَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا وَلُوداً وَدُوداً لَا تَفْرَكُ تَأْكُلُ مِمَّا رَاحَ وَلَا تَسْأَلُ عَمَّا سَرَحَ و در
روایت معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که این دعا بخواند بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ اسْتَحْلَلْتُ
فَرْجَهَا وَفِي أَمَانَةِ اللّٰهِ اَخَذْتُهَا اَللّٰهُمَّ إِنْ قَضَيْتَ لِي فِي رَحِمِهَا شَيْئاً فَاجْعَلْهُ بَارّاً تَقِيّاً
وَاجْعَلْهُ مُسْلِماً سَوِيّاً وَلَا تَجْعَلْ فِيهِ شِرْكاً لِلشَّيْطَانِ و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است
که حضرت شریک شدن شیطان را در نطفه آدمی بیان کردند و بسیار عظیم شمردند راوی گفت که چه
باید کرد که این واقع نشود فرمود که هرگاه اراده جماع داشته باشی بگو بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ بَدِيعُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ اَللّٰهُمَّ إِنْ قَضَيْتَ مِنِّي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ
خَلِيفَةً فَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكاً وَلَا نَصِيباً وَلَا حَظّاً وَاجْعَلْهُ مُؤْمِناً مُخْلِصاً مُصَفّىً مِنَ
الشَّيْطَانِ وَرِجْزِهِ جَلَّ ثَنَاؤُكَ و در حدیث دیگر فرمود که چون خواهد که شیطان شریک نشود
بگوید بِسْمِ اللّٰهِ و پناه برد بخدا از شر شیطان و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است
که چون کسی اراده جماع داشته باشد بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ جَنِّبْنِي الشَّيْطَانَ وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنِي
پس اگر فرزندی بوجود آید شیطان هرگز باو ضرر نرساند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقول است که چون اراده جماع کنی این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي وَلَداً وَاجْعَلْهُ تَقِيّاً زَكِيّاً
لَيْسَ فِي خَلْقِهِ زِيَادَةٌ وَلَا نُقْصَانٌ وَاجْعَلْ عَاقِبَتَهُ إِلَى خَيْرٍ

فصل ششم

در بیان حق زن و شوهر بر یکدیگر و احکام ایشان از حضرت محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
که حقتعالی برای زنان غیرت جائز نداشته است و از برای مردان غیرت قرار داده است زیراکه

از برای مردان چهار زن و از متعه و کنیز آنچه خواهد حلال گردانیده است و از برای زن بغیر یک
شوهر حلال نگردانیده است اگر شوهر دیگر طلب کند یا اراده آن نماید نزد خدا تعالی زناکار است
و غیرت و رشک نمی برند مگر زنان بد و زنان مومنه صاحب رشک نمی باشند و در حدیث معتبر
دیگر حضرت صادق علیه السلام فرمود که رشک بردن زنان از بسیاری دوستی ایشان است
نسبت بشوهران و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که گفتن مرد با زن که ترا
دوست میدارم هرگز از دل او بدر نمیرود و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که زنی آمد بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم و گفت یا رسول الله چیست حق شوهر بر زن
حضرت فرمود که لازم است اطاعت شوهر نماید و نافرمانی او نکند و از خانه او بی رخصت او تصدق
نکند و روزه سنت بی رخصت او نگیرد و هر وقت که اراده نزدیکی او کند مضایقه نماید اگرچه بر
پالان شتر باشد و از خانه شوهر بی رخصت او بدر نرود و اگر بدر رود بی رخصت او ملائکه آسمان و زمین
و ملائکه غضب و ملائکه رحمت همه او را لعنت کنند تا بخانه برگردد و گفت یا رسول الله حق که بر مرد
عظیم است فرمود که حق پدر گفت حق که بر زن عظیم است فرمود که حق شوهر پرسید که من بر شوهر
آنقدر حق ندارم که او بر من دارد فرمود نه از صد یکی نیز آن زن گفت قسم میخورم بآن خدائی که
ترا بحقیقت فرستاده است که هرگز شوهر نکنم و در حدیث دیگر منقول است که زنی بخدمت حضرت رسول
صلی الله علیه و آله آمد و سوال کرد از حق شوهر بر زن فرمود که زیاده از آن است که توان گفت
پس فرمود که از جمله حقها آنست که روزه سنت بی رخصت او ندارد و از خانه بی رخصت او بدر
نرود و به نیکوترین بویهای خوش خود را خوشبو کند و به نیکوترین جامه ها خود را بپوشد و به بهترین
زینت ها خود را بیاراید و هر بامداد و شام خود را بر او عرض کند که اگر اراده جماع داشته باشد ابا نکند و در
حدیث دیگر فرمود که هیچ چیز بی رخصت او بکسی ندهد و اگر بدهد گناهش از برای آن زن است و ثوابش
از برای شوهر و هیچ شب نخوابد که شوهر از او خشمناک باشد زن گفت هر چند شوهر بر او ظلم کرده باشد
فرمود که بلی و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر زنی که شب بسر آرد و شوهر از او آزرده باشد
نمازش مقبول نباشد تا شوهر از او راضی شود و هر زنی که بوی خوش برای غیر شوهر خود کند نمازش
مقبول نشود تا آن بوی خوش را از خود بشوید و فرمود که سه کس اند که هیچ عمل اینها بالا نمیرود غلام

گریخته و زنی که شوهرش از و راضی باشد و کسیکه جامهٔ خود را از دوئی کمتر بلند آویخته باشد و در احادیث معتبره وارد شده است که جهاد مردان آنست که جان و مال خود را در راه خدا صرف کنند تا کشته شوند و جهاد زنان آنست که بر آزار شوهران و غیرت آوردن ایشان صبر کنند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که اگر امر میکردم که کسی برای غیر خدا سجده کند هر آئینه میگفتم که زنان برای شوهران سجده کنند و فرمود که زن نماز خود را طول ندهد برای آنکه منع کند شوهر خود را از آنچه از و میخواهد و فرمود که هر زنی که شوهر او را برای مجامعت طلبد و او تاخیر کند تا شوهر بخواب رود پیوسته ملائکه او را لعنت کنند تا شوهر بیدار شود و در حدیث صحیح منقول است که زن از مال خود هیچ چیز بی رخصت شوهر نمیتواند داد مگر حج یا زکوة یا نیکی به پدر و مادر خود یا صله و احسان بخویشان و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر زنی که بشوهر بگوید که من هرگز از تو نیکی ندیده ام ثواب عملهایش همه برطرف شود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که حق زن بر مرد آنست که او را سیر کند و بدنش را بپوشاند و اگر بدی بکند بر و ببخشد و عفو کند و در حدیث دیگر منقولست که رو ترش نکند نزد او و یک روز نه یک روز روغن برای مالیدن بدن با و بدهد و هر سه روز یک مرتبه گوشت از برای او بیاورد و رنگ مانند وسمه و حنا هر شش ماه یک بار با و بدهد و در هر سال چهار جامه اش بدهد دو از برای زمستان و دو از برای تابستان و باید که خانه اش خالی نگذارد از روغن برای مالیدن سر و از سرکه و زیت و روزی یک من کهنه قوت با و بدهد و میوها که همه کس آنرا میخورند با و بخوراند و در عیدها زیاده از اوقات دیگر خوردنی از برای اینها بگیرد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بترسید از خدا در حق دو ضعیف یتیمان و زنان و حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که بهترین شما آن کسی است که با زنان بهتر سلوک کند و فرمود که عیال مرد اسیران اویند و محبوب ترین نزد خدا کسی است که احسان با اسیران خود بیشتر کند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که موجب هلاک صاحب مرد یست که در شهری که زنش در آن شهر باشند و شب در خانه دیگر بخوابد و نزد او نیاید و حضرت امیر المومنین علیه السلام وصیت نمود بحضرت امام حسن علیه السلام که زنهار مشورت با زنان مکن که رای ایشان ضعیف است و عزم ایشان سست است و ایشان را پیوسته در پرده بدار و بیرون مفرست تا توانی چنان کن که بغیر از تو مرد دیگر را نشناسند و بایشان خدمتی که بغیر از آنچه تعلق بایشان دارد مگذار که این از برای حال ایشان و خوشنودی ایشان و حسن و جمال

ایشان بهتر است زیرا که زن گلست خدمتگار نیست و همین خوشش اگر راهی دارد و سخن او را در حق
دیگران قبول مکن و خود را بدست او بسیار مده و در حدیث معتبر از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم منقولست که زنان را در غرفه و بالاخانه جا مدهید و چیزی نوشتن بایشان میاموزید و سوره
یوسف بایشان تعلیم مکنید و چرخ رشتن ایشانرا بیاموزید و سوره نور بایشان تعلیم کنید و حضرت
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از آنکه زنانرا بر زین سوار کنند و فرمود که در بدی اطاعت
زنان مکنید تا آنکه طمع نکنند در امر کردن شما به بدیها و بخدا پناه برید از بدان ایشان و از نیکان ایشان
در حذر باشید و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که راز خود با ایشان مگوئید و در باره خویشان
باشما آنچه گویند اطاعت مکنید و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که مردی که کارهای او را زنی
تدبیر کند ملعون است و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم چون اراده جنگ داشتند با زنان خود
مشورت میکردند آنچه ایشان میگفتند خلاف ایشان میکردند و حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم فرمود که هر که اطاعت زن خود کند خدا او را سرنگون در جهنم اندازد گفتند یا رسول الله این اطاعت
کدام است فرمود که از او رخصت طلبد برای سیر و حمام و عروسیها و عیدگاهها و عزاها برود و او رخصت بدهد
جامه های نازک از او طلبد که در بیرون بپوشد و برای او بگیرد و در حدیث دیگر فرمود که زن مثل
استخوان کج پهلوست که او را بحال خود بگذاری منتفع میشوی و اگر خواهی راستش کنی می شکند
پس صبر کن بر ناخوشیهای ایشان بدانکه از جمله حقوق زن بر مرد آنست که هر چهار ماه یکنوبت
با او جماع کند اگر حاضر باشد و عذری نداشته باشد و این واجب است و اگر چند زن داشته باشد پیش
یک زن یک شب بخوابد واجب است که پیش زنهای دیگر هر یک یک شب بخوابد و جمعی را اعتقاد
آنست که مطلقا واجب است که پیش هر زنی از چهار شب یک شب بخوابد خواه یک زن داشته باشد
خواه زیاده و این احوط است و در کنیز و متعه اینها واجب نیست اما بهتر آنست که کنیزی که داشته باشد
خود دفع شهوت او بکند یا او را بشوهر دهد و در بعضی اخبار وارد شده است که اگر نکند و ایشان زنا کنند
گناهش بر او است و مشهور میان علما آنست که اگر کسی زنی داشته باشد و زن دیگر بخواهد اگر بکر
است تا هفت شب مخصوص اوست و اگر غیر باکره است تا سه شب فصل ششم در بیان دعاهای
طلب فرزند و فضیلت آنها از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که فرزند صالح

نگفته است از پدرش بابی بهشت و فرمود که از سعادت آدمی فرزند صالح است و فرمود که فرزند بسیار بهم رسانید
که من بشما در قیامت مباهات خواهم کرد و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود
که بیماری که بفرزند برسد کفاره گناه پدر و مادر است و در حدیث صحیح منقول است که روزی جبرئیل
علیه السلام نازل شد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیر المومنین علیه السلام ناله
میکردند جبرئیل از سبب آن پرسید حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که دو نازل با آزارند
دیگر بر ایشان منادی شده ایم جبرئیل علیه السلام گفت که یا محمد حقتعالی برای فرزندان شما شیعیان برانگیزد
که چون اطفال ایشان گریه کنند تا هفت سال گریه ایشان لا اله الا الله باشد و چون هفت سال بگذرد
گریه ایشان طلب آمرزش باشد برای پدر و مادر پس چون بحد بلوغ برسند پدر و مادر ایشان شریک در ثواب باشند
و در گناه شریک نباشند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که زن از روزی که
حامله می شود تا روزی که وضع حملش می شود و تا فرزند را از شیر باز میگیرد مثل ثواب کسی دارد که در سرحد
کافران مرابطه نماید و دفع ضرر ایشان از مسلمانان کند و اگر در این مابین بمیرد ثواب شهیدان دارد و در
حدیث صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که حضرت عیسی بر قبری گذشت که
صاحبش را عذاب میکردند پس در سال دیگر بهمان قبر گذشتند صاحبش را عذاب نمیکردند از آن حال
سوال کرد از پروردگار خود وحی باو رسید که در این سال فرزند شایسته از او بحد بلوغ رسیده و راهی را اصلاح
کرده و یتیمی را جا داده بسبب او او را بکرده فرزندش آمرزیدیم پس حضرت فرمود که میراثی که از برای خدا
از بنده میماند فرزندیست که بعد از او بعبادت خدا قیام نماید و در روایت دیگر منقول است که کسیکه بی فرزند
بمیرد گویا هرگز در میان مردمان نبوده است و کسی که بمیرد و فرزندی از و بماند گویا نمرده است و در حدیث صحیح
معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که حقتعالی بر دختران مهربانتر است
از پسران و هر مردی که شاد کند زنی را که او را خویشی داشته باشد و محرم او باشد خدا تعالی او را در
قیامت شاد گرداند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دختران حسنات اند و پسران نعمت اند و خدا جزا میدهد
ثواب حسنات را و از نعمت سوال میکند و آنحضرت به یکی از اصحاب خود فرمود که شنیده ام که دختری بهم رسانیده
که خدا تو را عطا کرده و او را خوش نداری تو گلیست که او را بو میکنی و روزیش بر خداست و حضرت رسول پدر دختران
بود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت ابراهیم از پروردگار خود سوال کرد که دختری او را روزی کند

که بعد از مرگ بر او گریه کند و فرمود که هر که آرزوی مرگ دختران خود کند و بمیرد ثواب نداشته باشد
و در قیامت نزد خدا عاصی باشد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی نزد حضرت رسول صلی الله
علیه وآله وسلم نشسته بود خبر باو رسید که دختری برای او متولد شده است رنگش متغیر شد حضرت فرمود که
زمین او را برمیدارد و آسمان بر او سایه می افگند و خدا روزیش میدهد گلیست او را میبوئی پس با صحاب
خود رو کردند و فرمودند که هر که یک دختر دارد بارش گران است و هر که دو دختر دارد بخدا سوگند که
بفریاد او برس و کسیکه سه دختر داشته باشد جهاد و سائر آزارها از وبر داشته اید و کسیکه چهار دختر داشته باشد
ای بندگان خدا او را یاری کنید ای بندگان خدا او را قرض دهید ای بندگان خدا او را رحم کنید
و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقول است که هر که سه دختر یا سه خواهر خود را نفقه دهد بهشت او را
واجب شود و بعد از آن فرمود که هر که دو تا را یا یکی را هم نفقه دهد بهشت او را واجب شود و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هرگاه کسی را دیر فرزند بهم رسد این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ لَا تَذَرْنِیْ فَرْدًا وَاَنْتَ
خَیْرُ الْوَارِثِیْنَ وَحِیْدًا وَحْشًا فَیَقْصُرُ شُکْرِیْ عَنْ تَفَکُّرِیْ بَلْ هَبْ لِیْ عَاقِبَةَ صِدْقٍ ذُکُوْرًا وَاِنَاثًا
آنَسُ بِهِمْ مِنَ الْوَحْشَةِ وَاَسْکُنُ اِلَیْهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَاَشْکُرُکَ عِنْدَ تَمَامِ النِّعْمَةِ یَا وَهَّابُ یَا عَظِیْمُ
یَا مُعَظَّمُ ثُمَّ اَعْطِنِیْ فِیْ کُلِّ عَافِیَةٍ شُکْرًا حَتّٰی تُبَلِّغَنِیْ مِنْهَا رِضْوَانَکَ فِیْ صِدْقِ الْحَدِیْثِ وَاَدَاءِ
الْاَمَانَةِ وَوَفَاءِ الْعَهْدِ و در حدیث حسن دیگر فرمود که برای طلب فرزند این دعا را در سجده
بخوان رَبِّ هَبْ لِیْ مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّیَّةً طَیِّبَةً اِنَّکَ سَمِیْعُ الدُّعَاءِ رَبِّ لَا تَذَرْنِیْ فَرْدًا وَاَنْتَ
خَیْرُ الْوَارِثِیْنَ و در روایت دیگر فرمود که هر که خواهد که زنش حامله شود بعد از نماز جمعه دو رکعت نماز
بگذارد و رکوع و سجود را طول بدهد پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِمَا سَئَلَکَ بِهٖ زَکَرِیَّا رَبِّ لَا تَذَرْنِیْ
فَرْدًا وَاَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِیْنَ اَللّٰهُمَّ هَبْ لِیْ مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّیَّةً طَیِّبَةً اِنَّکَ سَمِیْعُ الدُّعَاءِ اَللّٰهُمَّ
بِاسْمِکَ اسْتَحْلَلْتُهَا وَفِیْ اَمَانَتِکَ اَخَذْتُهَا فَاِنْ قَضَیْتَ فِیْ رَحِمِهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ غُلَامًا مُبَارَکًا
زَکِیًّا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّیْطَانِ فِیْهِ شِرْکًا وَلَا نَصِیْبًا و در روایت دیگر منقول است که ابرش کلبی بحضرت
امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد که مرا فرزند نمیشود فرمود که در هر روز یا هر شب صد نوبت استغفار کن
و بهتر آنست که اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّیْ وَاَتُوْبُ اِلَیْهِ بگوید و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است
که هر صبح و شام هفتاد نوبت سُبْحَانَ اللّٰهِ پس ده نوبت اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّیْ وَاَتُوْبُ اِلَیْهِ بگوید پس مرتبه

سبحان الله بگوید پس یک نوبت استغفر الله ربی واتوب الیه بگوید روای گوید که جمعی
کثیر این عمل مداومت نمودند فرزندان بسیار بهم رسانیدند و بهر یک از اینها گفتن استغفر الله تنها
اکتفا میتوان کرد و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که از برای
فرزندان در سحر استغفار صد مرتبه بکن و اگر شبی فراموش کنی در وقت دیگر قضا کن و شخصی دیگر بآن
حضرت شکایت کرد که مرا فرزند نمی شود فرمود که چون اراده جماع کنی بگو اللهم ان رزقتنی ذکرا
سمیته محمدا و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام شکایت
کرد که من همیشه بیمارم و مرا فرزند نمی شود فرمود که در خانه خود صدا باذان گفتن بلند کن چنان کرد
بشفا یافت و فرزندان بسیار بهم رسانید و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که شخصی شکایت کرد که مرا فرزند نمی شود فرمود که چون خواهی که فرزندان بروی این
سه آیه بخوان که انشاء الله تعالی فرزندی کرامت کند وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ
أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ
رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ و در حدیث دیگر فرمود که هر که را فرزند نشود و نیت کند
که اگر مرا فرزند شود علی نام خواهم کرد اگر چنین کند خدا او را پسری روزی کند و از حضرت امام زین
العابدین منقول است که هر که این دعا را بسیار بخواند هر چه خواهد از مال و فرزند و خیر دنیا و آخرت باو
عطا فرماید رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي فِي
حَيَوتِي وَيَسْتَغْفِرُ لِي بَعْدَ مَوْتِي وَاجْعَلْهُ خَلْقًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ و از برای فرزند هفتاد مرتبه
این دعا بخواند از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه زنی را حمل باشد و چهار ماه بر او بگذرد
روی او را بقبله کن و آیة الکرسی بخوان و دست بر پهلوی او بزن و بگو اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ سَمَّيْتُهُ مُحَمَّدًا
یعنی خدایا من او را محمد نام کردم چون چنین کند خدا آن فرزند را پسر گرداند پس اگر او را محمد نام کند
مبارک باشد و اگر او را محمد نام نکند و نام دیگر بگذارد خدا اگر خواهد از و بگیرد و اگر خواهد باو بخشد و در
چند حدیث معتبر وارد شده است که هر که زن او حملی داشته باشد و عزم کند که او را محمد یا علی نام کند او را

پسر شود و در حدیث دیگر آنست که او را علی نام کن که عمرش دراز تر باشد و در کتاب طب الائمه
روایت کرده که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از کمی فرزند حضرت
فرمود که سه روز بعد از نماز صبح و خفتن هفتاد مرتبه سُبْحَانَ اللّٰهِ و هفتاد مرتبه أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ بگو و بعد از آن
این آیه بخوان اِسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ اِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ
بِاَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ اَنْهَارًا پس در شب سیوم با زن خود جماع کند که
خدا پسری که خلقتش درست باشد بتو عطا فرماید و در کتاب نوادر الحکمه روایت کرده است که شخصی
بنزد امام محمد باقر علیه السلام آمد و گفت یا ابن رسول الله هفت دختر بهم رسانیده ام و روی پسر
تا حال ندیده ام حضرت فرمود که وقتیکه میان پای زن بنشینی دست راست خود را بر جانب راست
ناف زن بگذار و سورهٔ انا انزلنا هفت نوبت بخوان و بعد از آن جماع کن و چون اثر حمل ظاهر
شود در شبها دست بر جانب راست ناف او بگذار و هفت مرتبه سورهٔ انا انزلناه را بخوان آنمرد
گفت چنین کردم حقتعالی مرا هفت پسر بهم روزی کرد و از حضرت امام حسن علیه السلام منقول است
که هر که فرزند خواهد باید که استغفار بسیار بگوید **فصل هشتم** در بیان احکام ایام حمل و آداب روز
ولادت و نام نهادن طفل از حضرت صادق علیه السلام منقول است که زن حامله به بخورد تا فرزند
خوشبوتر و رنگ فرزندش صاف تر باشد و بسند معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم فرمود اول چیزیکه زن زائیده بخورد باید که رطب باشد چنانچه حق سبحانه تعالی بحضرت مریم
فرمود بعد از زائیدن حضرت عیسی علیه السلام رطب بخور گفتند اگر وقت رطب نباشد چه کنند
فرمود که به دانه خرمای مدینه بخورد و اگر نباشد به دانه از خرماهای که باشند بخورد بدرستیکه حقتعالی میفرماید که بعزت
و جلال خودم سوگند که هر زن تازه زائیده که رطب بخورد فرزند او را بردبار گردانم و در حدیث معتبر
از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که بزنان حامله کندر بخورانید بدرستیکه چون
طفل در شکم مادر کندر غذا شود دلش محکم و عقلش زیاده میشود و اگر پسر باشد شجاع می شود و اگر دختر باشد
سرینش بزرگ می شود و بسبب این نزد شوهر عزیز میباشد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت علی بن
الحسین علیهما السلام چون وقت ولادت زن می شد میفرمود که زنان را از خانه بیرون کنید که اول
نظر بر عورت طفل نیفتد و منقولست که چون آن حضرت بشارت فرزند میدادند نمی پرسید که پسر است

یا دختر بلکه اول می‌پرسید که خلقتش درست است پس اگر می‌گفتند که درست است و عیبی
در خلقتش نیست می‌فرمود الحمد لله الذی لم یخلق منی شیئا مشوها یعنی سپاس خداوندی را
که از من نیافرید فرزندی که قبیح و معیوب باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
چون فرزند متولد شود بقدر حمصی از چاه و شیر نگیرید و در آب مس کن و دو قطره در بینی راست و یک قطره
در بینی چپ او بریزد و در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامت بگوید پیش از آنکه نافش ببرند
که اگر چنین کنند هرگز ترس باو نمی‌رسد و ام الصبیان باو ضرر نمی‌رساند و در حدیث دیگر فرمود که قابله یا
دیگری را بگویند که اقامت در گوش راستش بگوید که هرگز ضرر جنیان باو نرسد و دیوانه نشود و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که کام طفل را بآب فرات بردارید و در گوشش اقامت بگوئید و در
روایت دیگر وارد شده است که کامش را بآب فرات و به تربت قبر امام حسین علیه السلام بردارید
و اگر آب فرات نباشد بآب باران بردارید و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که
کام فرزندان خود را بخرما بردارید که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله چنین کرد با حسن و حسین علیهما السلام و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که فرزندان او متولد شود باید که اذان در گوش راست و
اقامت در گوش چپ او بگوید که نگاه دارنده اوست از شر شیطان و از حدیث ولادت
حسنین علیهما السلام ظاهر می‌شود که مکروه است طفل را در ابتدای ولادت در جامه زرد پیچیدن و
پیچیدن و سنت است در جامه سفید پیچیدن و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کام
طفل خود را بتربت امام حسین علیه السلام بردارید که امان میدهد او را از دردها و بلاها و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که شخصی را تهنیت فرمود برای پسری که خدا باو عطا کرده بود و گفت
رَزَقَکَ اللّٰهُ شُکْرَ الْوَاهِبِ وَبَارَکَ لَکَ فِی الْمَوْهُوبِ وَبَلَّغَهُ أَشُدَّهُ وَرَزَقَکَ
بِرَّهُ یعنی خدا روزی کند ترا شکر آن خداوندی که فرزند را بتو بخشیده است و برکت دهد برای تو در آنچه
بتو بخشیده و او را بنهایت قوت برساند و روزی کند ترا نیکی او یعنی بتو نیکوکار باشد و نزدیک باین
عبارت بسیار از حضرت امام حسن علیه السلام وارد شده است و ابن بابویه علیه الرحمه در کتاب
مرائر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که هرگاه دشوار شود بر زن زائیدن
پس از برای او این آیات را بر پوست و پیسمانی به بند بر ران راستش و چون وضع حملش شود باز کن

آیات اینست بسم الله الرحمن الرحیم كأنهم يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا الا ساعة
من نهار كأنهم يوم يرونها لم يلبثوا الا عشية او ضحيها اذ قالت امرأة عمران رب
انى نذرت لك ما فى بطنى محررا و مولف کتاب بسند از ائمه علیهم السلام روایت کرده است
که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام آمد و گفت زن من از درد زائیدن مشرف شده
است بر مردن حضرت فرمود که برو و این آیه را بخوان فاجاءها المخاض الى جذع النخلة قالت
يا ليتنى مت قبل هذا وكنت نسيا منسيا فناديها من تحتها الا تحزنى قد جعل ربك تحتك
سريا وهزى اليك بجذع النخلة تساقط عليك رطبا جنيا پس باواز بلند بگو والله اخرجكم
من بطون امهاتكم لا تعلمون شيئا وجعل لكم السمع والابصار والافئدة لعلكم
تشكرون كذلك اخرج ايها الطلق اخرج باذن الله چون بخوانی در ساعت نجات
یابد بیاری خدا و بسند دیگر از آنحضرت روایت کرده است که از برای دشوار زائیدن این آیات را
در ظرف پاکیزه بمشک و زعفران بنویسد و باب چاه بشوید و بخورد و آن زن و بر شکم و فرجش بپاشد
كأنهم يوم يرونها لم يلبثوا الا عشية او ضحيها كأنهم يوم يرون ما يوعدون
لم يلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل يهلك الا القوم الفاسقون لقد كان فى
قصصهم عبرة لاولى الالباب ما كان حديثا يفترى ولكن تصديق الذى
بين يديه وتفصيل كل شىء وهدى ورحمة لقوم يؤمنون و بسند دیگر از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده که این آیات را برای حامله بر کاغذی بنویسد و در وقتیکه داخل
شود در ماهی که در آن ماه وضع حمل او بشود و چیزی بر آن بپیچد اما گره بر آن نزند و بر کمر آن زن ببندد
چون حس کند درد و آزار زائیدن باو برسد و بعد از زائیدن بزودی بگشاید و یک ساعت
او نگذارد و آیات اینست اولم ير الذين كفروا ان السموات والارض كانتا رتقا ففتقناهما
وجعلنا من الماء كل شىء حى افلا يؤمنون وآية لهم الليل نسلخ منه النهار فاذا هم
مظلمون والشمس تجرى لمستقر لها ذلك تقدير العزيز العليم والقمر قدرناه منازل
حتى عاد كالعرجون القديم لا الشمس ينبغى لها ان تدرك القمر ولا الليل سابق النهار
وكل فى فلك يسبحون وآية لهم انا حملنا ذريتهم فى الفلك المشحون وخلقنا لهم من

مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ
وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ
آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ
كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ وَيَقُولُونَ
مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ
يَخِصِّمُونَ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَى أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ
مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ و در پشت کاغذ این آیات را بنویسد كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ
لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا
لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که راست‌ترین
نامها نامی است که دلالت بر بندگی خدا کند مثل عبدالله و بهترین نامها نام پیغمبران است و از حضرت امیرالمؤمنین
صلوات الله علیه و آله منقول است که فرزند را در شکم مادر نام بگذارید و اگر نام نگذارید و سقط شود
در قیامت با پدر خود بگوید که مرا چرا نام نگذاشتی و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم محسن فرزند
حضرت فاطمه را در شکم نام گذاشت محسن آن فرزند است که بعد از رسول خدا شهید شد در شکم بود که او را
عمر شهید کرد و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که اول نیکی که پدر با فرزند خود کند آنست
که او را نام نیک بگذارد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که چهار فرزند از برای او
بوجود آید و هیچیک را بنام من مسمی نسازد بمن جفا کرده است و در حدیث دیگر از حضرت امام موسی
علیه السلام منقول است که فقر و پریشانی داخل خانه نمی‌شود که در آن خانه نام محمد یا احمد یا علی
یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله یا فاطمه بوده باشد و در حدیث معتبر منقول است
که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت مرا پسری بهم رسیده است چه نام کنم
او را فرمود که نام کن او را به بهترین نامها نزد من و آن حمزه است و از جابر منقول است که گفت با حضرت
امام محمد باقر علیه السلام بخانه شخصی رفتم طفلی بیرون آمد حضرت از او پرسیدند چه نام داری گفت محمد
پرسیدند چه کنیت داری گفت ابوعلی حضرت فرمود که خود را از شر شیطان در حظیره محکمی در آورده
بدرستیکه هرگاه شیطان می‌شنود که کسی را آواز میکنند یا محمد یا علی آب می‌شود چنانچه قلعی آب میشود تا آنکه بشنود که کسی را

آواز می شنود نام کسی از دشمنان ما شاد میشود و تحسر میکند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گفت که خدا بمن پسری داده است فرمود که مبارک باشد چه نام
کردی او را گفت محمد حضرت سر را بجانب زمین فرود آوردند و مکرر اسم محمد را می گفتند تا آنکه نزدیک
شد که روی مبارک ایشان بزمین برسد پس فرمود که جان خودم و فرزندانم و زنانم و پدر و مادرم و جمیع
اهل زمین فدای حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم باد اما چون او را چنین نام کردی پس او را دشنام
مده و او را مزن و بد مرسان بدانکه هیچ خانه نیست که در آن اسم محمد باشد مگر آنکه هر روز آن خانه را مقدس
و مطهر گردانند و در چندین حدیث وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی
فرموده است از نام گذاشتن باسم حکم و حکیم و خالد و مالک و نهی فرمود از چهار کنیت ابو عیسی و ابو الحکم و ابو مالک
و ابو القاسم در وقتیکه نام و کنیت هر دو موافق حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم باشد و فرمود که
دشمن ترین نامها نزد خدا حارث و مالک و خالد است و در حدیث وارد شده است که یاسین نام
مکنید که مخصوص حضرت پیغمبر است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر
گروهی که جمع شوند برای مشورت و در میان ایشان کسی باشد که نامش محمد یا حامد یا احمد یا محمود
باشد البته که آنچه خیر است رای ایشان بر آن قرار میگیرد و فرمود فرزندی را که احمد نام کنید او را گرامی
دارید و جا از برای او در مجلس بگشائید و رو بسوی او ترش مکنید و فرمود هر اهل بیتی که در میان ایشان
نام پیغمبری باشد البته حقتعالی هر روز در صبح پیش ایشان ملکی میفرستد که دعا کند برای ایشان بتقدیس
پروردگار و در فقه الرضا مذکور است که نام را در روز هفتم تعیین کنید بدانکه از جمله اعمالی که در روز ولادت
سنت موکده است غسل دادن طفل است و بعضی واجب میدانند و احوط آنست که نیت کند
که غسل میدهم این طفل را از برای رضای خدا و سر و گردنش را اول بشوید بعد از آن جانب راستش و بعد از آن
جانب چپش را فصل نهم در عقیقه کردن و سر تراشیدن و آداب هر یک از اینها بدان که عقیقه
فرزند سنت موکده است بر کسیکه قادر بر آن باشد و بعضی از علما واجب میدانند و بهتر آنست که
در روز هفتم واقع شود و اگر تاخیر کند از روز هفتم تا بلوغ طفل بر پدر سنت است و بعد از بلوغ تا آخر عمر
بر خودش سنت است و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که عقیقه واجب است بر کسیکه
او را فرزندی بهم رسد و در احادیث بسیار منقول است که هر فرزندی در گرو عقیقه است یعنی اگر

نکند او در معرض مردن و انواع بلاها است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عقیقه
لازم است بر کسیکه غنی باشد و کسی که فقیر باشد بعد از آن که بهم رساند بکند و اگر بهم نرساند بر و چیزی نیست
و اگر عقیقه برائی فرزند نکنند و هر وقتیکه قربانی برائی او بکنند قربانی از عقیقه مجزی است و در
حدیث دیگر منقول است که از آنحضرت پرسیدند که ما طلب کردیم گوسفند برائی عقیقه بدست ما
نیامد چه میفرمائید که تصدق کنیم قیمتش را فرمود که طلب کنید تا بیابید که خدا دوست میدارد خورانیدن
طعام و ریختن خون را و در حدیث دیگر وارد شده است که پرسیدند از حضرت فرزندی که بمیرد در روز هفتم
عقیقه اش می باید کرد فرمود که اگر پیش از ظهر بمیرد عقیقه ندارد و اگر بعد از ظهر بمیرد عقیقه دارد و در حدیث
معتبر از عمر بن یزید منقول است که بخدمت آنحضرت عرض کرد که نمیدانم که پدرم برائی من عقیقه کرده است
یا نه فرمود که عقیقه بکن پس او در پیری خود را عقیقه کرد و در حدیث حسن از آنحضرت منقول است
که فرزند را روز هفتم نام بگذارید و عقیقه بکنید و سرش را بتراشید و موی سرش را بنقره بکشید و آن نقره را تصدق
بکنید و یک ران عقیقه را برائی قابله که مدد کرده است در زائیدن بفرستید و باقی را بخورید و بمردم
ببخشید و تصدق بکنید و در حدیث موثق دیگر فرمود که هرگاه پسری یا دختری برائی تو متولد شود عقیقه
میکنی در روز هفتم گوسفندی یا شتری و نام بگذار و سرش را بتراش در روز هفتم و بوزن موی سرش
طلا یا نقره تصدق کن و در حدیث دیگر وارد شده است که ربع گوسفند را بقابله بدهند و اگر بی قابله
زائیده باشد آنرا بمادر بدهند که بهر که خواهد بدهد و اقلا بخورد ده کس از مسلمانان و هر چند زیاده باشد
بهتر است و خود از گوشت عقیقه نخورند و اگر قابله زن یهودیه باشد قیمت ربع گوسفند را باو بدهند
و مشهور میان علما آنست که عقیقه شتر یا گوسفند یا بز میباشد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روز ولادت امام حسین علیه السلام اذان در گوش ایشان
گفتند و حضرت فاطمه صلوات الله علیها در روز هفتم عقیقه برائی ایشان کردند و بقابله پائی گوسفند را دادند
با یک اشرفی و باید که اگر شتر باشد پنج ساله یا در شش ساله باشد یا بیشتر و اگر بز باشد یکساله یا در دوم باشد
یا بیشتر و اگر گوسفند باشد اقلا شش ماهه یا هفت باشد و اگر هفت ماه تمام باشد بهتر است و باید که
خصیه اش را نکشیده باشند و بهتر آنست که نمالیده باشند و نه شاخش شکسته باشد و گوشش بریده
باشد و بسیار لاغر نباشد و کور نباشد و لنگ بسیار نباشد که بمذبح رفتن دشوار باشد تا در حدیث معتبر از حضرت

صادق علیه السلام منقول است که عقیقه از باب قربانی نیست هر گوسفندی که باشد خوبست غرض که
گوشتش هر چند که فربه باشد بهتر است و مشهور میان علما آنست که سنت است که عقیقهٔ پسر نر باشد
و عقیقهٔ دختر ماده باشد و گمان فقیر اینست که از برای هر دو گوسفند نر خوبست موافق احادیث بسیار
و از برای هر دو گوسفند ماده هم خوبست و سنت است که پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند بلکه
بهتر آنست که از طعامی که در آن گوشت را پخته باشند نخورند و خوردن مادر که از آن بیشتر است
و بهتر آنست که عیال پدر و مادر هم که در خانهٔ ایشان می باشند از آن گوشت و طعام نخورند و سنت است
که استخوانهایش را نشکنند بلکه از بندها جدا کنند و سنت است که بپزند و خام تصدق نکنند و اقلش
آنست که با آب و نمک بپزند بلکه محتمل است که این بهتر باشد و اگر خام تصدق کنند آن هم خوبست
و اگر حیوان عقیقه بهم نرسد قیمتش را تصدق کردن فایده ندارد بلکه باید صبر کنند تا بهم رسد و ظاهر است که
جماعتی که بخورند عقیقه بهتر است فقیر باشند اما صلحا و فقرا را طلبیدن بهتر است و مشهور آنست که سنت
است اول سر تراشند و آخر عقیقه را بکشند و در حدیث وارد شده است که سر تراشیدن و عقیقه را
کشتن و موی سر را به نقره یا طلا کشیدن و تصدق نمودن در یکجا و یک وقت میباید کرد و در سر تراشیدن
سنت است که همه سر را بتراشند و زلف و کاکل نگذارند و در روایتی وارد شده است که طفلی را نزد
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آوردند که از برای او دعا کنند و آن طفل کاکل داشت حضرت
از برای او دعا نکردند و فرمودند که کاکلش را بتراشند و در روایتی وارد شده است که حضرت رسول صلی
الله علیه و آله و سلم برای امام حسن و امام حسین علیهما السلام دو گیسو در دو جانب چپ سر ایشان
گذاشتند و در روایت دیگر در میان سر و ممکن است که این مخصوص ایشان باشد یا آنکه در تراشیدن
اول کراهیت داشته باشد و در روایتی وارد شده است که سنت است که زعفران بعد از سر
تراشیدن بسر او بمالند و در احادیث بسیار نهی وارد شده است از مالیدن خون عقیقه بسر طفل
که این از عمل جاهلیت است و در روایت معتبر منقول است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که در وقت کشتن گوسفند عقیقه این دعا بخواند بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ عَقِیقَةٌ عَنْ فُلَانٍ نام او را
بگیرد و بگوید لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَدَمُهَا بِدَمِهِ وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا وِقَاءً لِآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و در روایت معتبر دیگر فرمود که این دعا بخواند بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

وَاللهُ اَکْبَرُ اِیْمَانًا بِاللهِ وَثَنَاءً عَلٰی رَسُوْلِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَالْعِصْمَةُ لِاَمْرِهٖ
وَالشُّکْرُ لِرِزْقِهٖ وَالْمَعْرِفَةُ بِفَضْلِهٖ عَلَیْنَا اَهْلَ الْبَیْتِ پس اگر پسر باشد بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ
وَهَبْتَ لَنَا ذَکَرًا وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِمَا وَهَبْتَ وَمِنْکَ مَا اَعْطَیْتَ وَکُلُّ مَا صَنَعْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا
عَلٰی سُنَّتِکَ وَسُنَّةِ نَبِیِّکَ وَرَسُوْلِکَ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَاخْسَأْ عَنَّا الشَّیْطَانَ الرَّجِیْمَ
لَکَ سُفِکَتِ الدِّمَاءُ لَا شَرِیْکَ لَکَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ اَللّٰهُمَّ لَحْمُهَا بِلَحْمِهٖ
وَدَمُهَا بِدَمِهٖ وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهٖ وَشَعْرُهَا بِشَعْرِهٖ وَجِلْدُهَا بِجِلْدِهٖ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا
وِقَاءً لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ و بجای فلان ابن فلان نام طفل و پدرش را بگوید و در حدیث موثق دیگر
فرمود که این دعا بخواند یَا قَوْمِ اِنِّیْ بَرِیْءٌ مِمَّا تُشْرِکُوْنَ اِنِّیْ وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِیْ فَطَرَ
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ حَنِیْفًا مُسْلِمًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِیْنَ اِنَّ صَلٰوتِیْ وَنُسُکِیْ وَمَحْیَایَ
وَمَمَاتِیْ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ لَا شَرِیْکَ لَهٗ وَبِذٰلِکَ اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ اَللّٰهُمَّ مِنْکَ
وَلَکَ بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَاللهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنْ فُلَانِ ابْنِ
فُلَانٍ بجای این نام فرزند و پدرش را ببرد و پس آنرا بکشد **فصل دوم** در ختنه کردن پسران و ختنه کردن دختران
و سوراخ کردن گوش ایشان و آداب هر یک بدانکه در روز هفتم سنت مؤکده است ختنه کردن پسران
و اگر در روز هفتم نکنند هم سنت است بعد از آن تا بالغ شدن طفل و بعد از بالغ شدن بر خودش واجب
است و بعضی گفته اند نزدیک بلوغ بر ولی طفل واجب است و ختنه کردن دختران نیز سنت و مستحب
است که اندکی ببرند و بسیار نبرند و سوراخ کردن نرمهٔ گوش راست و بالائی گوش چپ از برای
پسران سنت است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ختنه کنید
فرزندان خود را در روز هفتم که بیشتر پاکیزه میکند بدن طفل را و گوشت در بدن او زودتر میروید و زمین
کراهیت دارد از بول کسی که ختنه اش نکرده باشند و فرمود که گوش پسر را سوراخ کردن و در روز هفتم
ختنه کردن از سنت است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که زمین نجس
می شود از بول کسی که ختنه اش نکرده باشند تا چهل روز و در حدیث صحیح دیگر فرمود که زمین ناله میکند
بسوی خدا از بول او و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که پسر را در روز
هفتم ختنه کردن سنت است و اگر پس اندازند هم باکی نیست و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله

علیه و آله فرمود که کسی که مسلمان شود ختنه اش کنند اگرچه هشتاد ساله باشد و در چند حدیث
وارد شده است که ختنه کردن مردان سنت است و زنان را سنت نیست اما باعث این می‌شود
که نزد شوهران گرامی باشند و چیزی ازین بهتر نمی‌باشد و در روایتی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
منقول است که ختنه نکنید زنان را اگر بعد از هفت سال و در حدیث معتبر منقول است که چون زنان
بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم هجرت کردند زنی آمد که او را ام حبیبه می‌گفتند
و زنان را ختنه میکرد حضرت فرمود که ای ام حبیبه آن کاری که داشتی هنوز داری گفت بلی یا رسول الله
مگر آنکه نهی فرمائی و من ترک کنم حضرت فرمود که نه بلکه حلال است بیا تا ترا بیاموزانم که چه باید کرد
چون ختنه کنی زنان را بسیار مبر و اندکی بگیر که روی را نورانی‌تر و رنگ را صاف‌تر میگرداند و نزد شوهر عزیزتر
میباشد پس ام عطیه خواهر او آمد که زنان را مشاطگی میکرد حضرت با او فرمود که چون زنان را مشاطگی کنی
برای جلا دادن پارچه‌ای جامه بر روی ایشان مالیدن خوب نیست آبروی ایشان می‌برد و موی
دیگران را بموی ایشان پیوند مکن و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در وقت ختنه کردن
پسران این دعا بخوانند و اگر در آن وقت میسر نشود تا بالغ شدن طفل هر وقت که میسر شود بر آن طفل
بخوانند که از حرارت آهن را مانند کشتن و غیره آن دفع میکند دعا این است اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ سُنَّتُکَ
وَسُنَّةُ نَبِیِّکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَاِتِّبَاعٌ مِنَّا لَکَ وَلِنَبِیِّکَ بِمَشِیَّتِکَ وَاِرَادَتِکَ وَقَضَائِکَ
لِاَمْرٍ اَرَدْتَهُ وَقَضَاءٍ حَتَمْتَهُ وَاَمْرٍ اَنْفَذْتَهُ فَاَذَقْتَهُ حَرَّ الْحَدِیْدِ فِیْ خِتَانِهِ وَحِجَامَتِهِ لِاَمْرٍ
اَنْتَ اَعْرَفُ بِهِ مِنِّیْ اَللّٰهُمَّ فَطَهِّرْهُ مِنَ الذُّنُوْبِ وَزِدْ فِیْ عُمْرِهِ وَادْفَعِ الْآفَاتِ عَنْ
بَدَنِهِ وَالْاَوْجَاعَ عَنْ جِسْمِهِ وَزِدْهُ مِنَ الْغِنٰی وَادْفَعْ عَنْهُ الْفَقْرَ فَاِنَّکَ تَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ
و از حسین بن خالد منقول است که از حضرت امام رضا علیه السلام سوال کرد که تهنیت و مبارکباد
فرزند را چه روز باید گفت فرمود که چون حضرت امام حسن علیه السلام متولد شد جبرئیل برای تهنیت
بحضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد در روز هفتم و امر کرد که او را نام بگذارد و سرش را
بتراشد و عقیقه از برای او بکند و گوشش را سوراخ کند و همچنین در ولادت حضرت امام حسین علیه السلام
در روز هفتم جبرئیل آمده و باینها امر کرد و ایشان را دو گیسو بود در جانب چپ سر و در گوش راست
در نرمهٔ گوش سوراخ کردند و در گوش چپ در بالای گوش و از حضرت صاحب الامر علیه السلام

منقول است که اگر پسری را ختنه کنند و باز غلاف بروید و سر حشفه را پنهان کند باید که بار دیگر ختنه
کنند او را زیرا که زمین ناله میکند بسوی خدا از بول کسیکه حشفه اش در غلاف باشد تا چهل صباح
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کسی را که ختنه نکرده باشد پیش نمازی مردم نکند
و گواهی او مقبول نیست و اگر بمیرد بروی نماز نکنند زیرا که بهترین سنتهای پیغمبر را ترک کرده است
مگر آنکه از ترس مردن ترک کرده باشد و در حدیث دیگر منقول است که اول زنی را که ختنه کردند
هاجره بود مادر حضرت اسمعیل که ساره مادر اسحاق از روی غضب او را ختنه کرد و باعث زیادتی خوبی او
شد و از آن روز سنت جاری شد که زنان را ختنه کنند فصل یازدهم در آداب شیر دادن و تربیت
فرزندان و رعایت ایشان بدانکه سنتهای شیر دادن فرزندان دو سال است و مشهور میان
علما آنست که بی ضرورتی زیاده از دو سال شیر دادن جایز نیست مگر آنکه آزاری داشته باشد و مضطرب
باشد و از بیست و یک ماه کمتر نباید مگر آنکه ضرورتی باشد که دایه بهم نرسد یا قادر بر اجرت او نباشد
و مادرش شیر نداشته باشد یا آزاری داشته باشد و بعضی علما واجب میدانند که مادر بفرزند بخوراند
شیر اول که به پستانش می آید و آنرا شیر یاکسی می نامند و گفته اند که اگر آن شیر را نخورد طفل باقی نمیماند یا قوت
نمی یابد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که نافع ترین و مبارکترین شیرها برای
فرزند شیر مادر است و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام دیدند
که مادر اسحاق فرزند خود را شیر میدهد فرمودند که ای مادر اسحاق از یک پستان شیر مده از هر دو پستان
شیر بده که یکی بعوض طعام است و یکی بعوض آب و فرمود که هر چه کمتر از بیست و یک ماه شیر دهند
بفرزند خود ظلم است و در حدیث صحیح دیگر فرمود که دایه گبر شیر ندهد بفرزند شما و دایه یهودی و نصرانی
میتوان گرفت اما فرزند را بایشان نباید داد که بخانه خود ببرند و منع می باید کرد ایشانرا از خوردن
شراب و گوشت خوک و سایر چیزهای که حرام است در دین مسلمانان و ایشان حلال میدانند و در
احادیث معتبره نهی کرده اند از شیری که از زنا بهم رسیده باشد و در بعضی اخبار وارد شده است که
اگر کنیز زنا کند و فرزند بهم رساند اگر صاحب کنیز حلال کند کنیز خود را و آن مردی که زنا کرده است آن شیر را
بفرزند میتوان داد و در اخبار نهی وارد شده است از شیر زنی که خود و شوهرش از زنا بهم رسیده باشد و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از شیر زن احمق یا زنی که چشمش معیوب باشد زیرا که شیر

در فرزند تاثیر میکند و حضرت امیر المومنین علیہ السلام فرمود کہ دایہ بگیرید کہ بصورت و سیرت نیکو باشد زیرا کہ شیر در طفل سرایت میکند و طفل شبیہ می شود بدایہ در صورت و سیرت و از حضرت صادق علیہ السلام منقول است کہ فرزند خود را تا ہفت سال بگذار کہ بازی کند و بعد ازان تا ہفت سال دیگر سعی کن در تربیت او اگر نیک شود دیگر سعی کن و اگر نہ امید چیزی از و نیست و در حدیث دیگر فرمود کہ ہفت سال او را بگذار کہ بازی کند و بعد ازان تا ہفت سال دیگر خط و سواد او را بیاموز و ہفت سال دیگر حلال و حرام خدا او را بیاموز و از حضرت امیر المومنین علیہ السلام منقول است کہ طفل را تا ہفت سال نگہدار و تربیت او باید کرد و ہفت سال دیگر آداب باو باید آموخت و ہفت سال دیگر خدمتش باید فرمود تا بیست و سہ سال قدش بلند میشود و تا سی و پنج سال عقلش زیادہ میشود و بعد ازان او را تجربہ حاصل مے شود و در روایت دیگر وارد شدہ است کہ پسران کہ شش سالہ شدند می باید کہ بایک دیگر ایشانرا در یک لحاف نخوابانند و در روایت دیگر وارد شدہ است کہ پسران و دختران کہ دہ سالہ شوند باید کہ رخت خواب ایشانرا جدا کنند و حضرت صادق علیہ السلام فرمود کہ فرزندان خود را اند و احادیث یاد بدہید کہ مخالفان مذہب ایشانرا گمراہ نکنند و در احادیث معتبرہ وارد شدہ است کہ تادیب کنید فرزند خود را بر محبت علی ابن ابیطالب علیہ السلام اگر قبول نکنند نظر کنید در امر مادرشان یعنی این علامت فرزند زناست کہ قبول محبت امیر المومنین علیہ السلام نمیکند و حضرت صادق علیہ السلام فرمود کہ ہر کہ محبت ما اہل بیت را در دل خود بیابد مادرش را بسیار دعا کند کہ با پدرش خیانت نکردہ است و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقول است کہ حق فرزند بر پدر آنست کہ او را بنام نیکو بخواند و نیکو تادیب نماید و بکسب نیکو او را بدارد و در حدیث دیگر منقول است کہ سکونی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام آمد و گفت من غمگین ام فرمود کہ سبب غم تو چیست گفت خدا بمن دختری دادہ است فرمود کہ ای سکونی زمین او را بر میدارد و روزیش بر خداست و زندگانی میکند بغیر عمر تو و روزی ترا نمیخورد پس فرمود کہ او را چہ نام کردہ گفت فاطمہ حضرت فرمود کہ آہ آہ و دست بر پیشانی گذاشتند و گفتند کہ رسول خدا

صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که حق فرزند بر پدر اگر پسر باشد آنست که دایه نیک برای او بگیرد
و نامش نیک تعیین کند و قرآن باو بیاموزد و او را ختنه کند و شناگری او را یاد دهد و اگر
دختر باشد مادرش گرامی دارد و دایه نیک بگمارد و نامش را نیکو کند و سوره نور یاد دهد و سوره یوسف را
نیاموزاند و در بالاخانه او را جا ندهد و زود او را بخانه شوهر فرستد و در حدیث دیگر فرمود که چون فرزند
خود را فاطمه نام کرده او را دشنام مده و نفرین مکن و مزن و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات
الله علیه و آله منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که بفرزندان خود
بیاموزانید شنا کردن و تیر انداختن را و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که شوخی و کج خلقی
طفل در کودکی علامت آنست که در بزرگی دانا و بردبار خواهد بود و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم مرویست که پدر و مادر را نیز گناه عقوق فرزندی می باشد و عاق فرزندان می شوند
چنانچه فرزندان عاق پدر و مادر میشوند فرمود که خدا رحم کند پدر و مادری را که یاری کنند فرزندان
خود را در نیکی کردن بایشان و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که خدا رحم کند کسی را که اعانت نماید فرزند خود را بر نیکی او راوی
عرض کرد که چگونه اعانت کند فرمود که کار آسانی که از وسع او آید قبول کند و کاری که بر او دشوار
باشد نکند از او درگذرد و تکلیف های دشوار باو نکند و سفاهت و تندی باو نکند و در حدیث
دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد که با که نیکی کنم
فرمود با پدر و مادرت گفت ایشان مرده اند فرمود با فرزندان خود نیکی کن و در حدیث دیگر
فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که دوست دارید اطفال خود را و رحم کنید
بایشان و اگر وعده کنید بایشان وفا کنید بآن زیرا که ایشان گمان میکنند که شما روزی میدهید ایشان را و حضرت امام
موسی علیه السلام فرمود که خدا غضب نمیکند برای چیزی مانند آنکه غضب کند از برای ظلم بر زنان
و طفلان و در حدیث صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که فرزند خود را
ببوسد خدا حسنه برای او بنویسد و هر که فرزند خود را شاد کند در قیامت خدا او را شاد کند و هر که
قرآن بیاموزاند بفرزندان خود در قیامت پدر و مادر او را طلب کنند و دو حله بایشان بپوشانند
که از نور آن روی اهل بهشت روشن شود و در حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت که هرگز اطفال خود را نبوسیده ام چون او رفت
حضرت فرمود که این مرد نزد من از اهل جهنم است و در حدیث دیگر فرمود که هر که طفلی داشته باشد
باید که با او طفلانه بازی کند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که خدا رحم میکند بندهٔ خود را بسبب
آنکه بسیار دوست میدارد فرزند خود را و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم دید شخصی را که دو پسر داشت یکی را بوسید و یکی را نبوسید حضرت فرمود که چرا هر دو را مثل هم
مهربانی نکردی بدانکه بهتر آنست که در میان فرزندان زیادتی قرار ندهند مگر آنکه یکی عالمتر و صالحتر
باشد باین سبب او را زیادتی دهد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست
که چون پسر سه ساله شود باو بگویند که هفت مرتبه بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰه و چون سه سال و هفت
ماه و بیست روز از عمر او بگذرد بگویند که هفت مرتبه بگوید مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ پس چون
چهار سال تمام شود بگویند باو که هفت مرتبه بگوید صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِهٖ پس چون پنج سالش
تمام شود او را امید ارند که خدا را سجده کند پس چون شش سالش تمام شود نماز بیادش بدهند
و چون هفت سالش تمام شود وضو و نماز خوب بیاد او بدهند و امر بنماز کنند او را و چون نه سالش
تمام شود وضو و نمازش را خوب بیاد او بدهند و بر ترک وضو و نمازش بزنند پس چون وضو و نماز
را یاد گرفت خدا پدر و مادرش را می آمرزد و در روایت دیگر منقول است که حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه و آله نهی فرمود از آنکه حربهٔ آهن باطفال بپوشانند یا بدست ایشان بدهند
و در حدیث معتبر دیگر فرمود که از چربی و کثافت دست و روی اطفال را در شب پیش از خواب
بشوئید که شیطان می آید و ایشانرا بو میکند و در خواب می ترسند و ملائکه نویسندگان اعمال
متاذی میشوند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که ببازار رود و تحفه
بخرد و بردارد و برای عیال خود بخانه آورد چنانست که تصدقی برای جمعی از فقرا برداشته و بایشان
رسانیده است باید که اول بدختران بدهد پیش از پسران بدرستیکه هر که دختری را خوشحال کند چنانست
که بندهٔ از فرزندان اسماعیل آزاد کرده است و کسی که دیده پسر را روشن کند و او را شاد کند چنانست
که از ترس خدا گریسته باشد و هر که از ترس خدا بگرید خدا او را داخل بهشت گرداند و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقول است که باطفال خود بخورانید قاووت را که گوشت در بدن ایشان

میرویاند و استخوان ایشانرا محکم میکند و در حدیث دیگر فرمود که انار بخورانید ایشانرا که زودتر بقوت
برساند ایشانرا و زود بحد بلوغ و جوانی میرساند و در کتاب طب الائمه از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقول است که اگر طفل گریه بسیار کند یا زنی در خواب ترسد یا کسی را از دردی بیداری
برو مستولی شود این آیه را بخواند فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ
لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا و در احادیث معتبره وارد شده است که دختر چون
شش ساله شود مرد نامحرم او را نبوسد و در دامن ننشاند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت
امام رضا علیه السلام مجلسی بودند دختری را بمجلس آوردند مردم می بوسیدند و در دامن می نشاندند
چون نوبت بحضرت امام رسید پرسیدند که چند سال دارد گفتند که پنج سال است حضرت او را دور
کردند و نبوسیدند و بدامن ننشانیدند و در حدیث دیگر وارد شده است که دختری که شش ساله اش
تمام شود مادر او را برهنه در پهلوی خود نخواباند که بمنزلهٔ زنان است و در حدیث دیگر وارد شده
است که دختری که از شش سال بگذرد پسران او را نبوسند و پسری که از هفت سال بگذرد
زنان او را نبوسند و در احادیث معتبره وارد شده است که ملعون است کسی که عیال خود را
ضایع گذارد و خرج ندهد ایشانرا یعنی با قدرت و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که عیال آدمی
اسیران اویند پس کسیکه خدا نعمتی باو کرامت کند باید که بر اسیران خود توسع کند و اگر نکند بیم است که
آن نعمت از او زائل شود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که خرج دو دختر یا دو خواهر
یا دو عمه یا دو خاله را بکشد حاجب و مانع او باشد از آتش جهنم و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که در بهشت درجه هست که بآن درجه نمیرسند مگر سه کس امام عادل و شخصی که احسان بخویشان
خود بکند و صاحب عیالی که بر خرج عیال و آزار ایشان صبر کند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که پنج کس اند که نفقه دادن ایشان واجب است فرزند و پدر و مادر و بنده و زن
و فرزند شامل فرزند فرزندان هم میشود هر چند پائین روند و پدر و مادر شامل جد و جده پدری و مادری هست
هر چند بالا روند **فصل دوازدهم** در بیان حق پدر و مادر بر فرزند و وجوب رعایت حرمت
ایشان بدانکه رعایت حرمت پدر و مادر از عمدهٔ شرایع دین است و ایشانرا از خود راضی
داشتن از جملهٔ اشرف طاعات است و عاق ایشان بودن و ایشانرا از خود آزرده داشتن

از جمله گناهان کبیره است و حقتعالی در قرآن فرموده که اگر پدر و مادر تو کافر باشند و ترا امر کنند
که کافر شو در این باب اطاعت ایشان مکن اما در دنیا با ایشان نیکو مصاحبت کن و در حدیث
معتبر منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت مرا وصیتی بکن
حضرت فرمود که ترا وصیت میکنم که بخدا شرک نیاوری هر چند ترا با آتش بسوزانند مگر آنکه بزبان
حرفی بگوئی و دل ثابت بر ایمان باشد و ترا وصیت میکنم که اطاعت پدر و مادر بکنی و با ایشان نیکی
کنی خواه زنده باشند خواه مرده هر چند ترا گویند که از زن و مال خود بگذری بکن که این از جمله ایمان است
و در حدیث دیگر منقول است که شخصی از آنحضرت پرسید که حق پدر بر فرزند چیست فرمود که نام او را نگوید
و پیش او راه نرود و پیش از آنکه پدر بنشیند او ننشیند و کاری نکند که مردم به پدرش دشنام دهند و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که چه مانع است احدی از شما را که احسان نماید به پدر و مادر خود خواه زنده
باشند خواه مرده یا آنکه بعد از مردن نماز برای ایشان بکند و روزه برای ایشان بدارد و حج به نیابت
بکند و آنچه میکند ثواب آنها عاید می‌شود و هم بخودش بسبب آن نیکی که با ایشان کرده است خدا
ثواب بسیار او میدهد و در حدیث حسن فرمود که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
آمد و گفت یا رسول الله با که نیکی کنم فرمود که با مادرت تا سه مرتبه پرسید و چنین فرمود و در مرتبه
چهارم فرمود که با پدرت و در حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم آمد و گفت یا رسول الله بسیار رغبت دارم بجهاد حضرت فرمود که جهاد کن در راه خدا
اگر کشته شوی زنده خواهی بود نزد خدا و روزی در بهشت خواهی یافت و اگر بمیری مزد تو
بر خدا است و اگر زنده برگردی از گناهان بدر آئی مانند روزی که از مادر متولد شده گفت
یا رسول الله پدر و مادر پیری دارم که با من انس دارند و نمیخواهند که من از ایشان جدا شوم حضرت
فرمود که پس باید که با پدر و مادر خود باشی بحق آن خدائی که جانم بدست قدرت او است که انسی که
یک شبانه روز ایشان با تو داشته باشند بهتر است از یکسال در راه خدا جهاد کردن و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که کسی بسزای حق پدر را نمیتواند ادا کرد مگر در دو چیز یکی آنکه
پدر بنده باشد و او بخرد و آزاد نماید دوم آنکه بر او قرضی باشد و او را ادا کند و در حدیث دیگر فرمود
که گاه است که کسی نیکوکار است با پدر و مادر در زندگی ایشان و بعد از مردن قرض ایشان را ادا

نمیکند پس خدا او را عاق پدر و مادر مینویسد و گاه هست که کسی عاق ایشان است در زندگی
ایشان پس چون مردند قرض شان را ادا میکند و استغفار از برائی ایشان میکند پس خدا او را نیکوکار
مینویسد و در حدیث دیگر فرمود که سه چیز است که خدا بهیچ وجه دران رخصتی نداده است اول
ادادن امانت از هر که باشد خواه نیکوکار خواه بدکار دوم وفا بعهد و پیمان خود کردن خواه نیکوکار
باشد خواه بدکار سوم نیکی با پدر و مادر کردن خواه نیکوکار باشند و خواه بدکار باشند و در حدیث
دیگر فرمود که ادنای عقوق پدر و مادر آنست که اف بر روی ایشان بگوئی و در حدیث دیگر فرمود
که چون روز قیامت شود پرده از پردهای بهشت بگشایند پس هر صاحب جانی بوی آن از پانصد
ساله راه بشنود مگر کسیکه عاق پدر و مادر باشد و در حدیث دیگر فرمود کسی که از روی غضب و خشم
نظر به پدر و مادر بکند در وقتیکه بر او ظلم کنند ایشان خدا هیچ نماز او را قبول نمیکند و در حدیث دیگر
فرمود که از عقوق است آنکه کسی تند نظر کند بسوی پدر و مادر و در حدیث معتبر منقولست که حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که پدرم دید که شخصی پسرش با او راه میرود و تکیه بر دست پدر کرده
است پدرم دیگر با آن پسر سخن نکرد تا زنده بود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که با پدران خود نیکی کنید
تا فرزندان شما با شما نیکی کنند و از زنان دیگران عفت کنید تا زنان شما با شما عفت کنند
و فرمود که هر که خواهد که سکرات مرگ بر او آسان شود باید که با خویشان خود احسان کند و با پدر و
مادر خود نیکی کند اگر چنین کند سختیهای مرگ را حقتعالی بر او آسان کند و هرگز در زندگی او با او پریشانی
نرسد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چهار خصلت است که هر که
از مومنان در او آن خصلتها جمع شود حقتعالی در اعلای علیین مراتب بهشت و در بلندترین غرفهای
عزت و شرف او را جا دهد کسیکه یتیمی را پناه دهد و متوجه احوال او شود و برائی او بجائی پدر باشد
و کسی که ضعیف شکسته را رحم کند و یاری نماید و کارهای او را متکفل شود و کسیکه خرج پدر و مادر خود را
بکشد و با ایشان مدارا کند و نیکی با ایشان کند و ایشان را هرگز آزرده نکند و کسیکه با بنده خود یاری نماید
و سفاهت و تندی نکند و اعانت کند او را در خدماتی که باو میفرماید و کارهای که باو دشوار باشد نفرماید
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سه دعا است که البته مستجاب است
دعای پدر و مادر برای فرزند نیکوکار و نفرین ایشان بر فرزندی که عاق باشد و نفرین مظلوم بر ظالم و دعای

مظلوم برای کسیکه انتقام او از آن ظالم بکشد و دعای مومنی که برای برادر مومن کند که او را از برای
رعایت ما اهل بیت شریک در مال خود ساخته باشد و نفرین مومنی بر کسیکه برادر مومنش باو محتاج
شده باشد و قدرت داشته باشد که او را اعانت کند و نکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقول است که هر فرزند نیکوکاری که از روی شفقت و مهربانی بسوی پدر و مادر خود نظر کند
بهر نگاه کردنی ثواب یک حج مقبول برای او نوشته شود گفتند یا رسول الله هر چند روزی صد مرتبه
نظر کند فرمود که خدا بزرگتر و کریمتر است و در حدیث دیگر فرمود که نگاه کردن بر روی عالم عبادت
است و نظر کردن بسوی امام عادل عبادت است و نظر کردن بسوی پدر و مادر از روی مهربانی و ترحم
عبادت است و نظر کردن بر روی برادر مومنی که از برای خدا دوست داری او را عبادت است
و فرمود که سه گناه است که عقوبتش زود در دنیا بآن کس میرسد عقوق پدر و مادر و ظلم کردن بر مردم
و کفران نعمت خدا و خلق کردن و در حدیث دیگر از حضرت امام باقر علیه السلام منقول است
که در میان بنی اسرائیل عابدی بود که او را جریح می نامیدند در صومعه خود پیوسته بعبادت مشغول
بود روزی مادرش نزد او آمد او مشغول نماز بود او را آواز داد و جوابش نداد بار دیگر آمد و او را
طلب کرد باز مشغول نماز شد و جوابش نداد پس بار سوم آمد و او را طلب کرد باز با او سخن نگفت
و مشغول نماز شد مادرش گفت از خدای بنی اسرائیل میخواهم که ترا باین گناه بگیرد روزی دیگر زن
زناکاری که در بنی اسرائیل بود آمد و نزد صومعه او نشست و فرزند زائید و گفت این فرزند از جریح
است که با من زنا کرد و این فرزند از او بهم رسید در میان بنی اسرائیل شهرت کرد که آنکه مردم را
بر زنا ملامت میکرد خود زنا کرده پادشاه فرمود که او را بدار کشند پس مادرش آمد و بر روی خود میزد
جریح گفت خاموش باش که این بلا بنفرین تو متوجه من شده است چون مردم این را شنیدند از سبب
آن واقعه پرسیدند عابد نقل کرد آنچه گذشته بود گفتند چون بدانیم که تو راست میگوئی گفت آن
طفل را بیاورید چون بیاوردند عابد از آن طفل پرسید که فرزند کیستی طفل بامر الهی بسخن آمد و گفت که فرزند
فلان کس که شبانی گوسفندان فلان میکند پس از کشتن نجات یافت و سوگند خورد که تا زنده باشد
خدمت مادر بکند و از وی جدا نشود و احادیث در باب پدر و مادر زیاده از آن است که استیفا
توان نمود باب پنجم در بیان آداب مسواک کردن و شانه کردن و ناخن و شارب گرفتن و

در مسواک کردن و سر تراشیدن و امثال آن فصل اول در بیان فضیلت مسواک کردن در احادیث معتبره
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مسواک کردن از سنت پیغمبران است و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که پیوسته جبرئیل مرا امر بمسواک میکرد تا آنکه ترسیدم که دندانهای
مرا ساییده شوند یا بیفتند و در روایت دیگر فرمود که جبرئیل آنقدر مرا امر بمسواک میکرد که گمان بردم که بر
امت من واجب خواهد کرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که در مسواک دوازده خصلت
است از سنت پیغمبران است و پاک کننده دهان است و جلا دهنده چشم است و موجب خوشنودی
پروردگار است و بلغم را دفع میکند و حافظه را زیاده میکند و دندانها را سفید میکند و حسنات را
مضاعف میکند و پوست انداختن و پوسیدن دندان را میبرد و بن دندان را محکم میکند و اشتهای
طعام را زیاده میکند و ملائکه بآن خوشحال میشوند و در حدیث دیگر فرمود که آب ریختن چشم را
برطرف میکند و نور چشم را زیاده میکند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که من دندانهای
شما را زرد می بینم چرا مسواک نمیکنید و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه وصیت فرمود که بر تو باد بمسواک کردن برای هر نمازی و بسند معتبر منقول است از حضرت
امام موسی یا امام رضا علیهما السلام که سنتهای حنیفه حضرت ابراهیم علی نبینا و علیه السلام
ده است پنج در سر و پنج در بدن اما آنها که در سر است پس مسواک کردن و شارب گرفتن و موی
سر را دسته کردن که جای مسح گشوده شود و مضمضه کردن یعنی آب در دهن کردن و گردانیدن
و بیرون کردن و استنشاق کردن یعنی آب در بینی کردن و بالا کشیدن و اما آن پنج که در بدن است
پس ختنه کردن و پشت نار را تراشیدن و موی بغلها را کندن و استنجا کردن و ناخن گرفتن
و در روایت دیگر منقول است که آن پنج که در سر است موی شارب گرفتن و ریش را بلند گذاشتن
و موی سر را تراشیدن و مسواک کردن و خلال کردن و آن پنج که در بدن است موهای بدن را ازاله
کردن و ختنه کردن و ناخن گرفتن و غسل جنابت کردن و استنجا بآب کردن و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقول است که اگر این نبود که بر امت من دشوار میشد هر آینه واجب میگردانیدم
بایشان که در وقت هر نماز مسواک کنند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون بنماز
شب برخیزی مسواک بکن که ملک می آید و دهان خود را بر دهان تو میگذارد و هر چه از قرآن و دعا

و ذکر میخوانی بآسمان میبرد پس باید که دهان تو خوشبو باشد و علی بن جعفر از برادر خود حضرت
امام موسی علیه السلام پرسید که آیا میتواند کسی که بنماز شب برخیزد و بانگشت مسواک کند و او
تواند که مسواک بهم رساند حضرت فرمود که اگر ترسد که صبح طالع شود باکی نیست و در حدیث دیگر
منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام دو سال پیش از فوت ترک مسواک کردند
بسبب آنکه دندانهای آنحضرت بسیار ضعیف شده بود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم منقول است که سه چیز است که حافظه را زیاده میکند و دردهای بدنرا می برد کندر خائیدن
و مسواک کردن و قرآن خواندن و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که از سنت پیغمبران
است بوی خوش کردن و با زنان نزدیکی کردن و مسواک و خضاب بحنا کردن و از امام
محمد باقر علیه السلام منقول است که خانه کعبه بخدا شکایت کرد از نفسهای بد بوی کافران حقتعالی
باو وحی فرمود که ای کعبه قرار گیر که بعوض ایشان جماعتی را بسوی تو خواهم فرستاد که دندانهای
خود را بشاخ درختان پاک کنند پس چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله مبعوث شد جبرئیل
علیه السلام مسواک و خلال برای آن حضرت آورد و در حدیث معتبر منقول است که شخصی از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سوال کرد از مسواک کردن بعد از وضو حضرت فرمود که
مسواک را پیش از وضو می باید کرد و اگر کسی فراموش کند تا وضو بسازد و بعد از وضو مسواک
کند پس سه مرتبه مضمضه کند بعد از مسواک کردن و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه
منقول است که اگر کسی با وضو مسواک کند و بنماز بایستد ملکی آید و دهان بر دهان او میگذارد
و آنچه میگوید بخاطر نگاه میدارد و اگر مسواک نکند بکناری می ایستد و قرآنش را می شنود و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که دو رکعت نماز که با مسواک باشد بهتر است از هفتاد
رکعت نماز که بی مسواک باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که مسواک کند باید
که بعد از آن مضمضه کند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مسواک را
بعرض دندانها میمالیدند حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که مسواک کردن در بیت الخلا مورث
گند دهان است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که مسواک کردن در حمام
دندانها را میریزد و فرمود که مسواک را ترک مکن و در هر سه روز اگر چه یکبار مالیدن باشد

فصل دوم در فضیلت سر تراشیدن و آداب آن از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که سه چیز است
که هر که لذت آنرا یابد هرگز ترک نمیکند موی را از بیخ گرفتن و جامه را کوتاه کردن و وطی کنیزان
و حضرت صادق علیه السلام فرمود که موی سر را از بیخ بگیر تا چرک نگیرد و جانوران در آن جا
نکنند و گردنت گنده شود و دیده ات جلا یابد و بدنت راحت یابد و نیز فرمود که من هر جمعه
سر می تراشم و در حدیث دیگر فرمود که موی پشت سر تراشیدن غم را زائل میکند و در حدیث
صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که چون موی سر بلند شود چشم را ضعیف میکند
و نور چشم را کم میکند و موی سر را ازاله کردن چشم را جلا میدهد و در فقه الرضا منقول است که چون
خواهی که موی سر را بتراشی رو بقبله کن و ابتدا کن از پیش سر از جانب پیشانی و بتراش تا دو استخوان
که از پهلوی گوش بلند شده اند و در حین شروع این دعا بخوان بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ عَلیٰ مِلَّةِ
رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سُنَّتِهِ حَنِیفاً مُسْلِماً وَ مَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِی بِکُلِّ
شَعْرَةٍ نُوراً سَاطِعاً یَوْمَ الْقِیَامَةِ پس چون فارغ شوی بگو اَللّٰهُمَّ زَیِّنِّی بِالتُّقیٰ وَ جَنِّبْنِی الرَّدیٰ
وَ جَنِّبْ شَعْرِی وَ بَشَرِی الْمَعَاصِیَ وَ جَمِیعَ مَا تَکْرَهُهُ مِنِّی فَاِنِّی لَا اَمْلِکُ لِنَفْسِی نَفْعاً وَ لَا ضَرّاً
و در روایت دیگر منقول است که در وقت شروع این دعا بخواند بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ عَلیٰ
مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِی بِکُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً یَوْمَ الْقِیَامَةِ و چون
فارغ شود بگوید اَللّٰهُمَّ زَیِّنِّی بِالتَّقْویٰ وَ جَنِّبْنِی الرَّدیٰ **فصل سیوم** در آداب موی سر نگاه
داشتن مردان و زنان بدانکه زنان را بی ضرورتی و عذری موی سر تراشیدن حرام است و
مردان را یکی از دو چیز سنت است یا آنکه موی سر را بتراشند و این بهتر است و یا آنکه موی سر را بگذارند
و تربیت کنند بآنکه بشویند و شانه کنند و موی پیش سر را دو حصه کنند که در میانه سر شان موی ظاهر
شود و چون در اول اسلام موی سر تراشیدن عیب عظیم بود در میان عرب و پیغمبر و امام نمی باید
که کاری بکنند که در نظرها قبیح نماید حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم موی سر را بقدر چهار
انگشت میگذاشتند و در حج و عمره می تراشیدند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم منقول است که هر که موی سر را بلند بگذارد و نیکو رعایت و تربیتش کند یا آنکه از ته ببرد و نگذارد
و در چند حدیث وارد شده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا حضرت

رسول صلّی اللہ علیه و آله وسلّم موی سر را دو حصه میکردند و میانش را می شگافتند فرمود که
آنحضرت موی را آنقدر بلند نمیگذاشتند که احتیاج باین شود بلکه آنقدر بلند میگذاشتند که بنرمهٔ
گوش میرسید و هیچیک از پیغمبران موی سر را نمیگذاشتند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که
موی سر را بلند بگذارد و میانش را نگشاید حقتعالی در قیامت اره از آتش بکشاید و در حدیث
وارد شده است که حضرت رسول صلّی اللہ علیه و آله نهی فرمود از آنکه زنی بحد بلوغ رسیده باشد
و جمیع موهای سر را در پیش سر یا در میان سر یا در اطراف سر بروش مردان گره زند و در حدیث
دیگر منقول است که حضرت رسول صلّی اللہ علیه و آله وسلّم نهی فرمود از کاکل گذاشتن و موی سر را
در پیش سر گره زدن و نقش خضاب کردن و فرمود که زنان بنی اسرائیل هلاک شدند بسبب
آنکه موی سر را در پیش گره می زدند و نقش خضاب میکردند و محتمل است که مراد از نقش خضاب
آن باشد که متعارف است در میان زنان عرب که سوزن بدست و بدن میزنند و سرمه
و غیر آن در آن میریزند که رنگش میماند و احتمال دارد که نقشهای حنا را هم شامل باشد و در
حدیث دیگر منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از زنی که موی بالای
پیشانی خود را می برد یا میکند و موهای رو را میکند از برای زینت یا آنکه گیس خود را با گیس باف
می بافد فرمود که باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که اگر با پشم یا موی حیوانات یا موی همان
زن خودش بافد باکی نیست اما با موی زن دیگر نبافد و موی زن دیگری را با موی خود پیوند
نکند بدانکه اگر با موی حیوانی پیوند کرده باشند که گوشتش حرام باشد در حال نماز باز نمی باید
باشد که در آن نماز کردن درست نیست مگر پشم و موئی که پیشتر مذکور شد که در آن نماز میتوان کرد

فصل چهارم در فضیلت شارب گرفتن یعنی موی لب بالا گرفتن سنت موکده است
هر چند بیشتر بگیرند بهتر است و از حضرت رسول صلّی اللہ علیه و آله وسلّم منقول است که شارب
خود را دراز مکنید که شیطان در آن پنهان می شود و جا میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که شارب گرفتن دفع غم و وسواس میکند و از سنت رسول است و حضرت رسول صلّی اللہ
علیه و آله وسلّم فرمود که سنت است شارب گرفتن تا آنکه برسد بدم لب بالا و حضرت صادق
علیه السلام شارب را آنقدر میگرفتند که بته موئی میرسید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است

که ناخن و شارب گرفتن از جمعه تا جمعهٔ دیگر امان میدهد از خوره و در حدیث دیگر وارد شده است
که شخصی بخدمت آنحضرت آمد و عرض کرد که دعائی تعلیم من کن که باعث زیادتی روزی شود حضرت
فرمود که شارب و ناخن بگیر در هر جمعه باشد و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقول است
که هر که ناخن و شارب در هر جمعه بگیرد و در وقت گرفتن بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلیٰ سُنَّةِ مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ بعدد هر ریزه که از مو و ناخن او بریزد حقتعالی ثواب یک بنده از فرزندان اسمعیل
آزاد کردن باو عطا کند و بیمار نشود مگر بیماری مرگ و از حضرت رسول صلی اللّٰه علیه و آله و سلم
منقول است که هر که در روز شنبه و پنجشنبه شارب و ناخن بگیرد عافیت یابد از درد دندان و چشم
و در حدیث دیگر فرمود که شارب را از ته بگیرید و ریش را بلند بگذارید و بیهودان و گبران خود را
شبیه مکنید و فرمود که از ما نیست هر که شارب را نگیرد فصل پنجم در آداب ریش بلند گذاشتن
بدانکه سنت مؤکد است ریش را میانه گذاشتن نه بسیار بلند نه بسیار کوتاه و زیاده از یک قبضه گذاشتن
مکروه است و احتمال حرمت نیز دارد و مشهور میان علما آنست که تراشیدن ریش حرام است
اما بر دو طرف لب پائین را تمام تراشیدن جائز است و احوط آنست که اصلاح بسیار نکند
که شبیه به تراشیدن باشد نکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آنچه از ریش زیاده
از یک قبضه است در آتش است و در حدیث دیگر منقول است که دست بر ریش بگیرد و آنچه زیاده
از یک قبضه است ببرد و از محمد بن مسلم مذکور است که گفت دیدم که مشاطی اصلاح ریش حضرت
امام محمد باقر علیه السلام میکرد حضرت باو فرمود که ریش را مدور کن و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که حضرت رسول صلی اللّٰه علیه و آله و سلم بشخصی گذشتند که ریش دراز می داشت
فرمودند که چه میشد این مرد اگر ریش خود را باصلاح می آورد چون این خبر باو رسید ریش خود را میانه
ساخت و بخدمت آن حضرت آمد فرمود که چنین کنید ریش ها را و در حدیث معتبر منقول است
که حضرت امام محمد باقر علیه السلام پهلوهای رو را تنک میکردند و موی ریش را در زیر ذقن راهم می چیدند
و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت ریش را تنک میکردند و انبوه نمیگذاشتند و علی بن جعفر
از حضرت امام موسی رضا علیه السلام پرسید که از روی ریش می توان گرفت حضرت فرمود
که از عارض یعنی از پهلوهای رو بلی و از پیش رو نه و در حدیث دیگر است که حضرت امیرالمؤمنین

صلوات الله علیه فرمودند که در زمان پیش گروهی بودند که ریش را می تراشیدند و شارب را می تابیدند
حقتعالی ایشان را مسخ کرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که چون حقتعالی
توبهٔ آدم علیه السلام را قبول فرمود سر بسجده گذاشت و چون سر برداشت رو بآسمان کرد و گفت
پروردگارا حسن و جمال مرا زیاده کن پس بعد از آن ریش بسیار سیاهی بر رویش روئید و پیشتر ریش
نداشت گفت پروردگارا این چیست باو وحی آمد که این زینت تو و زینت مردان فرزندان تست
تا روز قیامت **فصل ششم** در بیان فضیلت موی سفید و حکم کندن آن از حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه و آله منقول است که پیش از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام موی سفید در سر
و ریش بهم نمی رسید گاه بود که کسی بمجلس می آمد و پدر و فرزندانش در آن مجلس حاضر بودند میان پدر
و فرزندان فرق نکرده می پرسید که کدام یک پدر شماست پس چون زمان حضرت ابراهیم علیه السلام
شد دعا کرد که خداوندا برای من موی سفید قرار ده که از فرزندان خود ممتاز شوم پس موی سر و ریش
سفید شد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که اول کسیکه موی سفید در محاسن او بهم رسید
حضرت ابراهیم علیه السلام بود و چون نظر کرد موی سفید در ریش خود دید گفت پروردگارا این چه
چیز است خطاب باو رسید که این باعث وقار آدمی است گفت پروردگارا وقار مرا زیاده
گردان و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون حضرت ابراهیم موی سفید
در محاسن خود دید گفت حمد و سپاس خداوند را سزاست که مرا باین سن رسانیده و دریک
چشم زدن معصیت او نکرده ام و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که موی سفید را
مکنید که آن نور مسلمانی است و هر که یک موی سفید در ریش او پیدا شود در اسلام نوری باشد
از برای او در قیامت و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که کس اند که خدای تعالی
در روز قیامت با ایشان سخن نمیگوید و نظر رحمت بسوی ایشان نمی افکند و اعمال ایشان را نمی پسندد
و برای ایشان عذاب الیم مهیا است کسی که موی سفید خود را بکند و کسی که با ذکر خود دست بازی
کند که او را منی بیاید یا با جاهای دیگر بدن خود بمالد و کسیکه دیگران با او لواطه کنند و این حدیث
دور نیست که محمول بر آن باشد که برای غرض فاسدی موی سفید را بکند زیرا که در حدیث صحیح از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که باکی نیست موی سفید را برچیدن و کندن اما

وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَ الشَّيْطَانِ وَلَا تُمَكِّنْهُ مِنْ قِيَادِي فَيَرُدَّنِي عَلَى عَقِبِي پس ابروها را شانه
کند و بگوید اَللّٰهُمَّ زَيِّنِّي بِزِينَةِ الْهُدٰى پس ریش را از طرف بالا بزیر شانه کند و شانه را بر سینه بمالد
و بگوید اَللّٰهُمَّ سَرِّحْ عَنِّي الْهُمُومَ وَالْغُمُومَ وَوَحْشَةَ الصُّدُورِ وَوَسْوَسَةَ الشَّيْطَانِ
پس از پائین ریش بطرف بالا شانه کند و سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ بخواند و در روایت دیگر وارد
شده است که چون خواهی ریش را شانه کنی از زیر ریش بطرف بالا چهل مرتبه شانه کن و سوره اِنَّا
اَنْزَلْنَاهُ بخوان و از طرف بالا بجانب پائین هفت مرتبه شانه کن و سوره وَالْعَادِيَاتِ بخوان
پس بگو اَللّٰهُمَّ سَرِّحْ تا آخر دعا و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که هفت
مرتبه شانه بر سر و ریش و سینه کشد دردی نزدیک او نیاید و از حضرت امام موسی علیه السلام
منقول است که ایستاده شانه مکن که باعث ضعف دل می شود و نشسته بکن که دل را قوی میکند
و پوست را پر میکند و در حدیث دیگر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
با آب شانه میکردند یعنی شانه را باب فرو می بردند و میمالیدند و در روایت دیگر وارد شده است
که در وقت شانه کردن ریش سنت است که این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاَلْبِسْنِي جَمَالًا فِي خَلْقِكَ وَزِينَةً فِي عِبَادِكَ وَحَسِّنْ شَعْرِي وَبَشَرِي وَلَا تَبْتَلِنِي بِالنِّفَاقِ
وَارْزُقْنِي الْمَهَابَةَ بَيْنَ بَرِيَّتِكَ وَالرَّحْمَةَ مِنْ عِبَادِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که هر که ایستاده شانه کند صاحب قرض می شود و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقول است که ایستاده شانه کردن باعث فقر و پریشانی می شود و در حدیث دیگر منقول
است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم ریش را از طرف پائین چهل مرتبه و از طرف بالا
هفت مرتبه شانه میکردند و میفرمودند که روزی را زیاده میکند و بلغم را قطع میکند و از قاسم بن ولید
منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم از روغن دان و شانه که از استخوان فیل باشد
فرمود که باکی نیست و از حسن بن عاصم منقول است که بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام رفت
دید که حضرت شانه استخوان فیل در دست داشتند و بان شانه میکردند گفتم فدایت شوم جمعی در عراق
هستند که شانه کردن از استخوان فیل حلال نمیدانند گفت چرا پدرم یک شانه یا دو شانه از این داشت
پس فرمود که شانه کنید باستخوان فیل که تب را می برد و در حدیث بسیار وارد شده است که

ایمه علیه السلام بشانه استخوان فیل شانه میکردند و در روایتی از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بشانه نقره و نقره نشان شانه کردن مکروه است **باب ششم** در آداب بوی خوش کردن و گل بوئیدن و روغن مالیدن **فصل اول** در بیان سبب پیدا شدن بویهای خوش در زمین در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون آدم و حوا علیهما السلام از بهشت بزمین آمدند حضرت آدم برکوه صفا قرار کرده و حضرت حوا برکوه مروه و حضرت حوا چون در بهشت از بوی خوش آنجا گیسوی خود را شانه کرده بود و بسته بود چون برزمین آمد گفت چه امید داشته باشم از مشاطگی که در بهشت کرده ام و حال آنکه خدا از من در خشم است پس گیسوهای خود را گشود پس آن بوی خوش که از گیسوی او بود و در ریخت باد بمشرق و مغرب برده و اکثر را در زمین هند فرو ریخت باین سبب اکثر بویهای خوش در هند میروید و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که چون حضرت آدم علیه السلام از آن درختیکه نهی شده بود از خوردن آن تناول نمود جامه ها و زیورهای بهشت همه از و فرو ریخت پس برگی از برگهای بهشت را گرفت و عورت خود را بآن پوشانید چون برزمین آمد باد جنوب بوی خوش آن برگ را بهند رسانید و درختها و گیاههای هند را خوشبو گردانید باین سبب گیاههای خوشبو در هند میباشد و اول جانوری که از آن برگ بهشت یا از آن گیاهها خورد آهوی مشک بود چون از آن برگ خورد بوی خوش در گوشت و خون او جاری شد تا آنکه جمع شد در پیش نافش و از آن مشک بهم رسید **فصل دوم** در بیان فضیلت بوی خوش و آداب آن در احادیث معتبره وارد شده است که خود را بوی خوش کردن از جمله اخلاق پسندیده پیغمبران است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بوی خوش دل را قوی میکند و قوت جماع را می افزاید و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که سزاوار نیست مرد را که ترک کند بوی خوش را هر روز و اگر قادر نباشد یک روز نه یکروز و اگر قادر نباشد در هر جمعه و این را البته ترک نکند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که بوی خوش بر شارب مالیدن از اخلاق پیغمبران است و گرامی داشتن ملائکه است که اعمال آدمی را می نویسند بسبب آنکه ایشان را خوش می آید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در اول روز بوی خوش بر خود بمالد تا شب عقلش با او باشد و فرمود که نماز با بوی خوش بهتر است از هفتاد نماز

بی بوی خوش فرمود که سه چیز است که خدا بپیغمبران را داده است بوی خوش و زنان و سواک و در حدیث دیگر فرمود که لازم است هر بالغی را که در هر جمعه شارب و ناخن بگیرد و چیزی از بوی خوش بریزد و حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم چون روز جمعه میرسید و بوی خوش نزد آن حضرت نبود رو پاک بعضی از زنان مطلب میکرد که بوی خوش داشت تر میکردند و بر روی مبارک خود میمالید و در حدیث دیگر منقول است که امام جعفر صادق علیه السلام هر موضعی که سجده میفرمودند معطر میساختند لهذا از آن میشناختند آن موضع را از بوی خوش آنحضرت و حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم میفرمودند که جبرئیل مرا گفت که یک روز در میان خود را خوشبو کن و در روز جمعه البته ناچار است ترک مکن میفرمود که در روز جمعه البته خود را خوشبو کنید اگرچه از بوی خوش زنان باشد و روزی عثمان بن مظعون نزد حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آمد و عرض نمود که میخواهم که بوی خوش و چیزی چند از لذتها ترک کنم حضرت فرمود که ترک بوی خوش مکنید که ملائکه بوی خوش مومن را می بویند و در هر جمعه البته ترک مکن فرمود که هر چه صرف نمائی در بوی خوش اسراف نیست و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم زر در بوی خوش زیاده از طعام صرف میکردند و فرمودند که بوی خوش زنان باید که رنگش ظاهر و بویش مخفی باشد و بوی خوش مردان باید که بویش ظاهر و رنگش مخفی باشد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که ناخن بگیرید در روز سه شنبه و حمام بروید در روز چهارشنبه و حجامت بکنید در روز پنجشنبه و به بهترین بوهای خوش خود را خوشبو کنید در روز جمعه و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چهار چیز است که دل را میگشاید و غم را زائل میکند بوی خوش کردن و عسل خوردن و سواری کردن و بسبزه نظر کردن و حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ وآلہ فرمود که باید زن مسلمان پیوسته برای شوهر خود خوشبو کند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم سه خصلت بود که در دیگری نبود اول آنکه آنحضرت را سایه نبود دوم آنکه از هیچ راهی نمیگذشت مگر آنکه دو روز یا سه روز که کسی از آن راه میگذشت میدانست که آنحضرت از آن راه عبور نموده اند از بوی خوش که در آن راه مانده بود سوم آنکه هر سنگی و درختیکه میگذشت آن حضرت را سجده میکردند و عبور آنحضرت معلوم بود بسبب بوی خوشی که آن حضرت میکردند و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقول است

که هر زنی که بوی خوش کند و از خانه بیرون آید با بوی خوش پیوسته لعنت الهی بر و باشد تا بخانه برگردد
فصل سوم در کراهیت رد کردن بوی خوش از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا کسی
میتواند که بوی خوش را که برای او بیاورند رد کند و قبول نکند فرمود که سزاوار نیست او را که رد کند آنرا
و در حدیث دیگر فرمود که نزد حضرت امیر المؤمنین صلوات اللہ علیہ آوردند روغن خوشبوی
حضرت گرفتند و بر خود مالیدند و در آن روز روغن مالیده بودند بعد از آن فرمودند که ما هرگز بوی
خوش را رد نمیکنیم و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم رد نمیکردند
بوی خوش و شیرینی را که از برای آنحضرت می آوردند و از حسن بن جهم منقول است که گفت رفتم بخدمت
حضرت امام رضا علیه السلام برای من طبلهٔ بیرون آوردند که در آن مشک بود فرمود که بردار و بر خود بمال
قدری برداشتم و مالیدم فرمود که دیگر بردار و در گوشهٔ پائین گردن خود بمال برداشتم و مالیدم پارهٔ دیگر
که مانده بود فرمود که این را هم بر آنجا بمال مالیدم بعد از آن فرمود که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
میفرمود که رد نمیکند کرامت را مگر خر گفتم کرامت کدام است فرمود که بوی خوش و بالشی که برای
نشستن و تکیه کردن تواضع کنند و مانند آن **فصل چهارم** در فضیلت مشک و عنبر و زعفران
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که بوی خوش مشک است و عنبر و زعفران و عود
و در حدیث معتبر دیگر منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام مشک دانی از قلعی داشتند
و هر وقت که ارادهٔ رخت پوشیدن میکردند آنرا می طلبیدند و از مشک بر خود میمالیدند و در حدیث
دیگر وارد شده است که شیشه پر از مشک میگذاشتند در جای نماز و هر گاه بنماز بر میخواستند
بر خود میمالیدند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آنقدر مشک
بر خود میمالیدند که رنگ مشک از فرق مبارک ایشان ظاهر بود و در حدیث صحیح منقول است
که حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم مشک دانی داشتند از عاج هرگاه وضو میساختند بدست
آنرا برمیگرفتند و چون بر می آمدند میدانستند بسبب بوی خوش که می آیند بمسجد و در حدیث دیگر مرویست
که حضرت امام رضا علیه السلام حقه بیرون می آوردند از آبنوس و در آنخانه ها بود که در یک خانه بوی
خوشی بود و یکی از آنها مشک بود و در حدیث صحیح منقول است که علی بن جعفر از حضرت امام موسی
علیه السلام سوال کرد که آیا مشک را در روغنی که بر خود میمالند داخل میتوان کرد فرمود که من میکنم

باکی نیست و در روایت دیگر منقول است که باکی نیست که مشک را داخل طعام کنند و در روایت
دیگر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم خود را بمشک و عنبر خوشبو میکردند
و احادیث در مدح خلوق بسیار وارد شده است و آن بوی خوشی بوده است که از چندین چیز
بعمل می آوردند و یک جزوش زعفران بوده است و در بعضی اخبار وارد شده است که
مداومت بر آن نکنند و در روایت دیگر وارد شده است که شب تا صباح بر بدن نگذارند و دور
نیست که این نهی ها برای آن باشد که رنگش در بدن بسیار نماند فصل پنجم در فضیلت غالیه بسند
موثق منقول است که اسحق بن عمار بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که من با تجار
سودا میکنم و غالیه بر خود میمالم برای آنکه مرا فقیر ندانند حضرت فرمود که غالیه کم و بسیارش مساوی است
کسی که اندک غالیه گاه گاه بر خود بمالد کافی است او را اسحق گفت که من بفرموده آنحضرت عمل
نمودم و سالی یک درهم غالیه میخرم و تمام سال بآن خوشبو میشوم و در حدیث دیگر منقول است که
علی بن الحسین علیهما السلام شبی از خانه بیرون آمدند و جبه خز و عبای خز پوشیده بودند و ریش
خود را بغالیه خوشبو کرده بودند پرسیدند از آنحضرت که درین شب با این زینت برای چه بیرون
آمدید فرمود که میخواهم عبادت کنم و حوران بهشت را از خدا خواستگاری نمایم یعنی برای عبادت
زینت و بوی خوش کردن سنت است و در حدیث صحیح منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام
فرمود که روغنی برای آنحضرت بعمل آوردند که در آن مشک و عنبر داخل کردند فرمود که در کاغذی آیة الکرسی
و سوره حمد و معوذتین و آیه چند از آیات قرآن نوشتند و در میان غلاف شیشه آن روغن گذاشتند
و پیوسته بر ریش خود میمالیدند و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود
که روغن را با مشک برای آنحضرت بعمل آوردند بهفتصد درهم بر آمد فضل بن سهل وزیر مامون
بحضرت نوشت که مردم شما را درین باب عیب می کنند حضرت در جواب نوشتند که مگر نشنیدی
که یوسف پیغمبر خدا بود جامه طلا باف می پوشید و بر کرسیهای طلا می نشست و بآنها از حکمتش
چیزی کم نمی شد پس حضرت فرمود که باز غالیه ساختند بچهار هزار درهم فصل ششم در فضیلت و آداب
روغن بر بدن مالیدن از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که روغن مالیدن بشره را
نرم میکند و دماغ را زیاده میکند و مجاری آب را در بدن آسان میکند و خشونت جلد را بدحالی و تنگی روزی را

بر طرف میکند و رو را نورانی میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که روغن مالیدن
توانگری را ظاهر میکند و در حدیث دیگر فرمود که فقر را زائل میگرداند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقول است که در شب روغن مالیدن در عروق بدن جاری میشود و بشره را سیراب میکند و رو را
سفید میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که بر مومنی روغن بمالد حقتعالی برای او بعدد هر موئی نوری
بنویسد که در قیامت باو عطا فرماید و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون
روغن را بر کف دست بریزی بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ الزَّیْنَ وَالزِّیْنَةَ وَالْمَحَبَّةَ وَاَعُوْذُ بِکَ
مِنَ الشَّیْنِ وَالشَّنَانِ وَالْمَقْتِ پس کف را در بالای سر بگذارد و از انجا ابتدا کند بروغن مالیدن
و در روایت دیگر وارد شده است که چون روغن را بر کف بریزی بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ الزَّیْنَ
وَالزِّیْنَةَ فِی الدُّنْیَا وَاَعُوْذُ بِکَ مِنَ الشَّیْنِ وَالشَّنَانِ فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ و در چند حدیث
نهی وارد شده است از مداومت بروغن مالیدن در هر روز و در روایتی وارد شده است
که ماهی یک بار بمالند و در روایت دیگر هفته یک مرتبه یا دو مرتبه اما زنان را هر روز مالیدن
بنیست **فصل هفتم** در فوائد روغن بنفشه در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که روغن بنفشه سید و بهترین روغنهای شما است و در حدیث دیگر فرمود که فضیلت روغن بنفشه
بر سائر روغنها مثل فضیلت ما است بر سائر مردم و در حدیث دیگر مثل فضیلت شیعیان ما است
بر سائر خلق و در حدیث دیگر فرمود که مثل فضیلت اسلام است بر سائر ادیان و فرمود که نیکو
غنیمتیست روغن بنفشه بسیار بمالید که درد را از سر و چشم میبرد و در حدیث دیگر فرمود که از ناحیه شما
چیزی نمی آید که ما بیشتر دوست داریم از روغن بنفشه و در روایت دیگر از عقبه منقول است که شخصی
از شتر افتاده بود و دماغش آفت یافته بود حضرت صادق علیه السلام فرمود که روغن بنفشه در
دماغش بچکانند چنان کردند شفا یافت بعد از ان فرمود که ای عقبه روغن بنفشه در زمستان گرم است
و در تابستان سرد است و برای شیعیان ما نرم است و برای دشمنان ما خشک است اگر
مردم فضیلت آنرا بدانند هر آئینه هر اوقیه از ان قیمتش یک اشرفی شود و حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه و آله فرمود که روغن بنفشه در بینی بچکانند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که اگر
مردم فوائد این روغن را بدانند هر آئینه از ان بسیار بخرند و در حدیث دیگر فرمود که گرمی تپ را

استنشاق کنید بروغن بنفشه و در حدیث دیگر منقول است که درد سر را زائل میکند و دماغ را باصلاح می‌آورد
فصل هشتم در فوائد روغن بان و زنبق بدانکه بان فستق هندی است که آن برگی است که از آن
روغن میگیرند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نیکو روغنی است روغن بان و در حدیث
دیگر منقول است که شخصی بآنحضرت شکایت کرد از ترکهائی که در دست و پایش بهم میرسید فرمود که
پنبه را بگیر و در روغن بان برده بریز و بر ناف خود بگذار یا روغن را بریز در ناف آن شخص یک مرتبه
آن کار کرد آن آزار از او زائل شد و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است
که هر که روغن بان بر خود بمالد و در پیش روی شیطان بخوابد بقدرت الهی باو ضرر نتوان رسانید
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که بر خود بمالید روغن بان را که امان است
از هر دردی و پیغمبران آنرا استعمال میفرمودند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است
که هیچ چیز برای بدن بهتر از روغن زنبق نیست و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام موسی
و امام رضا علیهما السلام در بینی مے چکانیدند و در روایت دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم منقول است که در روغن زنبق منافع بسیار است در آن شفا از هفتاد درد است و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام نیز مرویست که روغن زنبق منافع بسیار دارد و ظاهر آنست که مراد
زنبق سفید باشد که آنرا رازقی نیز میگویند و در بسیاری از احادیث بلفظ رازقی وارد شده است
فصل نهم در فوائد سائر روغنها منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بحضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله فرمود که یا علی روغن زیت بخور و بر بدن بمال که هر که بخورد و
بمالد شیطان تا چهل صباح نزدیک او نیاید و در بعضی از اخبار وارد شده است که روغن گل خیری
روغن لطیف است و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت امام موسی علیه السلام روغن گل
خیری بر بدن خود میمالیدند و در حدیث موثق منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
در وقتیکه صداع ایشانرا عارض مے شد روغن کنجد در بینی میچکانیدند و در حدیث معتبر دیگر منقول است
که آنحضرت دوست میداشتند که روغن کنجد به بینی بچکانند فصل دهم در فضیلت بخور و انواع و آداب
آن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سزاوار است مرد را که هر گاه قادر باشد جامه های
خود را بخور دهد و خوشبو دارد و از حضرت امام رضا علیه السلام مردم بوی بخور بسیار می‌شنیدند و عود ازرق

روایت کرده است که با حضرت امام موسی علیه السلام بحمام رفتم چون حضرت بیرون آمدند در
رخت کن عود و سوز طلب نمودند و خود را خوشبو گردانیدند پس فرمودند که مرا از عطر آن خوشبو گردانید
و در روایت دیگر وارد شده است که چون زنان حضرت امام موسی کاظم علیه السلام میخواستند که
بخور کنند اول یک مشت از خرمای صیحانی که نوعی است از خرمای مدینه میگرفتند و خرما و پوست را
ازان دانه دور میکردند و در آتش می انداختند چون اندکی دود میکرد و بعد ازان بوئی خوشی میآمد
و جامه را بر بخور میداشتند و می گفتند این بیشتر باعث خوشبوئی میشود و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقول است که عود خالص بویش بر بدن تا چهل روز میماند و عودی که با بوهای خوش دیگر
مخلوط کرده باشند اثرش تا بیست روز میماند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام
با عود هندی خالص بخور میکردند و بعد ازان گلاب و مشک بر عود میمالیدند و در روایت دیگر
وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بعود قماری بخور میکردند و در حدیث
دیگر از آنحضرت منقول است که بر شما باد بعود هندی که در آن هفت نوع از شفا است و در روایت
دیگر منقول است که تحفه که برای مرد روزه دار آورند آنست که ریشش را بروغن بمالند و جامه اش
را بخور بدهند و تحفه زن روزه دار آنست که گیسویش را شانه کند و جامه اش را بخور بدهد و سید ابن
طاوس علیه الرحمه روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در وقت بخور
کردن این دعا میخواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ اَللّٰهُمَّ طَیِّبْ عَرْفَنَا وَ زَکِّ
رَوَائِحَنَا وَ اَحْسِنْ مُنْقَلَبَنَا وَ اجْعَلِ التَّقْوٰی زَادَنَا وَ الْجَنَّةَ مَعَادَنَا وَ لَا تُفَرِّقْ بَیْنَنَا وَ بَیْنَ
عَافِیَتِكَ اِیَّانَا وَ کَرَامَتِكَ لَنَا اِنَّكَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ و گفته اند که در روایت دیگر منقول است
که در وقت بخور و بوی خوش کردن این دعا بخوانند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ اَللّٰهُمَّ اَمْتِعْنِیْ بِمَا رَزَقْتَنِیْ
وَ لَا تَسْلُبْنِیْ مَا خَوَّلْتَنِیْ وَ اجْعَلْ ذٰلِكَ رَحْمَةً وَ لَا تَجْعَلْهُ وَبَالًا عَلَیَّ اَللّٰهُمَّ طَیِّبْ ذِکْرِیْ بَیْنَ خَلْقِكَ
کَمَا طَیَّبْتَ بَشَرَتِیْ وَ سَوَادِیْ بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ عِنْدِیْ

فصل یازدهم در بیان فضل گلاب و گل سرخ

و انواع گلها از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که گلاب بر رو زدن آب رو را زیاده میکند
و پریشانی را برطرف میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که گلاب بر رو بمالد در آن روز بدحالی نبیند
و پریشانی باو نرسد و چون گلاب بر رو بمالد حمد خدا کند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و اگر

حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در اول روز ماه مبارک رمضان یک کف گلاب بر رو بریزد
در آن روز ایمن گردد از خواری و پریشانی و هر که در آن روز بر سرش یک کف گلاب بریزد در آن سال
از مرض سرسام و ذات الجنب ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول
است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم هر دو کف را از گل سرخ پر کردند و بمن عطا فرمودند
چون نزدیک بشام خود بردم فرمودند که این بهترین گلهائی بهشت است بعد از گل بورد و در حدیث
دیگر از آنحضرت منقول است که چون مرا بآسمان بردند از عرق من قطره چند بر زمین ریخت و گل سرخ
از آن روئید پس آن گل بدریا افتاد ماهی خواست که بردارد و غموص گرمی است در دریا که سر پهنی
دارد و دم باریک و او نیز خواست که بردارد در میان ایشان نزاع شد پس حقتعالی ملکی را فرستاد
که در میان ایشان محاکمه کرد و نصف را بماهی داد و نصف را بغموص پس باین سبب پنج برگ سبزی که
در زیر گل می باشد دو تا بشکل دم ماهی است که آن بر طرف پری دارد و دو تا بشکل دم غموص است که باریک
است و از هیچ طرف پری ندارد و یک طرف پری دارد و طرف دیگر ندارد که نصف مثل نصف
دم ماهی است و نصف دیگر بشکل دم غموص است و در روایت دیگر منقول است که چون آنحضرت را
بمعراج بردند زمین از مفارقت آنحضرت محزون شد باین سبب کبر در زمین روئید و چون برگشتند
شاد شد و گل سرخ در آن روئید پس کسیکه خواهد که بوئی حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم را
استشمام کند گل سرخ را ببوید و در روایت دیگر از طرق عامه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم وارد شده است که گل سفید از عرق من روئید در شب معراج و گل سرخ از عرق جبرئیل و گل زرد
از عرق براق و در روایتی وارد شده است که بوئیدن نرگس و روغنش را مالیدن فضائل بسیار دارد
چون حضرت ابراهیم را در آتش انداختند حقتعالی آتش را برو برد و سلام کرد در میان آتش
از برائی آنحضرت نرگس بهم رسید و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که نیکو گلیست مرزنگوش در زیر عرش می روید و آبش باعث شفائی
چشم است و در روایت دیگر منقول است که بسیار ببوئید مرزنگوش را که قوت شامه را می افزاید
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که گل بیست و یک نوع دارد و سید و بهترین همه گل
مورد است فصل دوازدهم در آداب گل بوئیدن در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام

و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هرگاه بشما گلی بدهند
ببویید و بر دیدهای خود بگذارید که آن از بهشت آمده است و در حدیث معتبر از مالک جهنی روایت
کرده است که گلی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام دادم گرفتند و بوییدند و بر هر دو دیده
گذاشتند پس فرمودند که هر که گلی را بگیرد و ببوید و بر دیدهای خود بگذارد پس بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ هنوز بر زمین نگذاشته باشد که گناهش آمرزیده شود و از حضرت امام
علی النقی علیه السلام منقول است که هر که گل را ببوید و بر دیده بگذارد و صلوات بر محمد و ائمه علیهم السلام
بفرستد حقتعالی برای او از حسنات بقدر ریگ بیابان عالج که در مابین مکه و شام و عراق کشیده است
بنویسد و از گناهان او بعدد ریگ آن بیابان محو نماید باب هفتم در آداب حمام رفتن و سر و بدن
شستن و دوا کشیدن و آداب بعضی از اغسال **فصل اول** در فضیلت حمام منقول است که عمر
گفت که بد خانه ایست حمام که عورت را ظاهر میکند و پرده آدمی را میدرد و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه و آله فرمود که نیکو خانه ایست حمام که جهنم را بیاد می آورد و چرک را از بدن می برد و از حضرت
امام موسی علیه السلام منقول است که حمام یک روز در میان گوشت بدن را زیاده میکند و در هر روز
رفتن پیه گرده را میگدازد و بدن را لاغر میکند و از سلیمان جعفری منقول است که گفت بیمار شدم
تا آنکه گوشتم همه تحلیل رفت بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام رفتم فرمود که میخواهی گوشت بدنت
برگردد گفتم بلی فرمود که یک روز در میان بحمام برو که گوشت بدنت عود میکند و زنهار هر روز مرو
که باعث مرض سل میشود و در حدیث دیگر فرمود که کسیکه خواهد که فربه شود یک روز در میان
بحمام برود و دیگر روز نرود و کسیکه گوشت زیاده داشته باشد و خواهد که لاغر شود هر روز بحمام
برود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که بهترین دواهای شما حقنه و حجامت کردن
و دارو در بینی چکانیدن و حمام است و در روایت دیگر وارد شده است که دوای بلغم حمام است
و در چند روایت وارد شده است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که زنش را بحمام
نفرستد و علما تاویل کرده اند بدو وجه اول آنکه این در بلادی است که در آن بلاد باعتبار گرمی هوا
احتیاج ندارند بحمام رفتن دوم آنکه مراد این است که زن خود را رخصت ندهد که برای سیر کردن
بجاها برود **فصل دوم** در آداب داخل شدن و بیرون آمدن از حمام و دعاها که باید خواند داخل ش

معتبر بسیار وارد شده است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که بی لنگ داخل حمام نشود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که با لنگ داخل بحمام شود حقتعالی گناهان اورا به پردهٔ ستر خود بپوشاند و در حدیث دیگر فرمود که هر که داخل حمام شود و دیدهٔ خود را از نظر کردن بعورت دیگران بپوشاند حقتعالی اورا از جحیم جهنم ایمن میگرداند و حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نهی فرمود از غسل کردن در زیر آسمان بی لنگ و از داخل شدن در نهرها بی لنگ و فرمود که در نهرها ساکنان اند از ملائکه و نهی فرمود از داخل شدن بحمام بی لنگ و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که داخل حمام مشو مگر آنکه اندک چیزی در معدهٔ تو باشد که حرارت معده را از تو فرو نشاند و این بیشتر باعث قوت بدن است و داخل حمام مشو در وقتیکه معدهٔ تو پر باشد از طعام و در حدیث دیگر منقول است که هر گاه آنحضرت ارادهٔ حمام رفتن میکردند اندک چیزی تناول میفرمودند راوی گفت که مردم میگویند که ناشتا بحمام رفتن بهتر است فرمود که نه بلکه اندک چیزی میباید خورد که صفرا را فرو می نشاند و حرارت اندرون را ساکن گرداند و در روایت دیگر فرمود که حمام رفتن ناشتا بلغم را پاک میکند و بعد از چیزی خوردن صفرا و سودا را پاک میکند و فرمود که اگر خواهی که گوشت بدنت زیاده شود بعد از چیزی خوردن بحمام برو و فرمود که اگر خواهی که گوشت کم شود ناشتا برو و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در وقتیکه در رخت کن حمام جامه را از خود میکنی بگو اَللّٰهُمَّ انْزِعْ عَنِّيْ رِبْقَةَ النِّفَاقِ وَثَبِّتْنِيْ عَلَى الْاِيْمَانِ پس چون داخل خانهٔ اول حمام شوی بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِيْ وَاَسْتَعِيْذُ بِكَ مِنْ اَذَاهَا و چون داخل خانهٔ دوم شوی بگو اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّي الرِّجْسَ النَّجِسَ وَطَهِّرْ جَسَدِيْ وَقَلْبِيْ و بگیر از آب گرم و بر سر بریز و بعضی از آن آب را بر پا بریز و اگر توانی که جرعهٔ از آن آب بخوری بخور که مجرای بول را پاک میکند و در خانهٔ دوم ساعتی صبر کن پس چون داخل خانهٔ سوم شوی بگو نَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ وَنَسْئَلُهُ الْجَنَّةَ و مکرر این را بگو تا هنگام بیرون آمدن از خانهٔ گرم و زنهار آب سرد و خربزه در حمام مخور که معده را فاسد میکند و آب سرد بر خود مریز که بدن را ضعیف میکند و چون از حمام بیرون آئی آب سرد بر پا بریز که درد را از بدنت می کشد پس چون مشغول جامه پوشیدن شوی بگو اَللّٰهُمَّ اَلْبِسْنِي التَّقْوٰى وَجَنِّبْنِي الرَّدٰى پس چون اینها که گفتم بکنی از همه دردی ایمن شوی و از حضرت امیر المؤمنین

صلوات اللہ علیہ و آلہ منقول است کہ چون بعد از بیرون آمدن تو از حمام برادر مومن بگوید تو طاب حمامک و حمیمک تو در جواب بگو انعم اللہ بالک و در روایت دیگر وارد شده است کہ حضرت امام حسن صلوات اللہ علیہ از حمام بیرون آمد شخصی بآنحضرت گفت طاب استحمامک حضرت او را منع کردند پس گفت طاب حمامک باز او را منع کردند پس گفت طاب حمیمک باز منع کردند او گفت پس چہ گویم فرمود کہ بگو طاب ما طهر منک و طهر ما طاب منک یعنی خدا طیب و پاکیزه و نیکو گرداند بہ نیکی معنوی بسبب مغفرت گناہان و توفیق طاعت آنچہ پاک شده است در حمام از اعضای بدن تو و پاک گرداند از لوث گناہان و جہالت و ضلالت آنچہ پاکیزه و نیکو است از تو کہ آن دل و نفس و عقل و سائر قوی و اعضای شریفہ باشد و در روایت دیگر منقول است کہ کسیکہ از حمام بیرون آید باو بگویند انقی اللہ غسلک و او در جواب بگوید طهرکم اللہ و حضرت صادق علیہ السلام فرمود کہ ہرگاہ از حمام بیرون می آئید عمامہ بر سر بہ بندید فرمود کہ بعد از بیرون آمدن از حمام پاہا را بشوئید کہ درد شقیقہ را زائل میکند و در حدیث دیگر منقول است کہ حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیہما السلام ہرگاہ کہ از حمام بیرون می آمدند در زمستان و تابستان عمامہ بر سر می پیچیدند و میفرمودند کہ امان است از درد سر و در روایتی وارد شده است چون کسی داخل حمام شود و حرارت بر او غالب آید آب سرد بر خود بریزد تا حرارتش ساکن شود و از حضرت امام موسی علیہ السلام وارد شده است کہ در روز چہارشنبہ بحمام بروید

فصل سوم در بیان آنچہ در حمام نباید کرد و آنچہ تجویز شده است منقول است از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام کہ حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ و آلہ میفرمودند کہ در حمام بر پشت مخوابید کہ پیہ گردہ ہا را میگدازد و سفال و آجر بر پای خود مسائید کہ مورث خوره است و حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام فرمود کہ مرد با پسر خود بحمام نرود کہ نظر کند بعورت او و جائز نیست فرزند را کہ نظر کند بعورت پدر و مادر خود و پدر و مادر را جائز نیست کہ نظر کند بعورت فرزند خود و فرمود کہ حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم لعنت فرمود کسیکہ نظر بعورت کسی کند در حمام یا بی لنگ رود کہ دیگران بعورت او نظر کنند و در حدیث دیگر فرمود کہ بر پہلوی مخواب در حمام کہ پیہ گردہ ہا را میگدازد و الا غسیل میکند آدمی را و در حمام شانہ مکن کہ مو تنک میشود و سر را بگل مشو کہ غیرت را می برد و سفال بر بدن ممال کہ مورث پیسی است و لنگ بر رو ممال کہ آب رو را می برد و ابن بابویہ علیہ الرحمہ گفتہ است کہ مراد گل مصر و سفال شام است

و در حدیث صحیح منقول است که از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند از قرآن خواندن در حمام
و جماع کردن در حمام فرمود که باکی نیست و در روایت حسن دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند
که آیا حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله نهی فرمود از قرآن خواندن در حمام حضرت فرمود که
وقتی نهی فرمود که کسی عریان باشد پس اگر لنگ بسته باشد باکی نیست و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقول است که باکی نیست مرد را که در حمام قرآن بخواند اگر غرضش رضای خدا باشد
نه خوشخوانی و در حدیث دیگر منقول است که روزی آنحضرت میخواستند بحمام بروند حمامی گفت که اگر
میخواهی حمام را برای شما خلوت کنم فرمود که در کار نیست مؤمن را کارش از این سبکتر میباشد که حمام را
برای او قورق کنند و حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند که هر که از حمام سفالی بردارد و بر بدن خود
بمالد پیسی باو برسد ملامت نکند مگر خود را و کسیکه غسل کند از آبی که از غسل مردم جمع شده باشد در حمام
و خوره باو برسد ملامت نکند مگر خود را و در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول
است که زنهار در حمام بر پهلو مخواب که پیه گرده ها را آب میکند و بر پشت مخواب که درد اندرون بهم
میرسد و شانه مکن که موها را میریزاند و مسواک مکن که دندان را میریزاند و سر را بگل مشو که رو را بدنما
میکند ولنگ را بر سر و رو ممال که آب رو را میبرد و کفها را بسفال مسا که باعث پیسی میشود
و از آبی که در حوضهای کوچک در حمامهای پستیان جمع شود از غسل مردم غسل مکن که در آن غساله یهود
و نصرانی و گبر و دشمن ما اهل بیت که از همه بدتر است جمع میشود و خدا خلقی از سگ نجس تر خلق نکرده است
و کسیکه عداوت ما اهل بیت دارد آن از سگ نجس تر است و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و
آله منقول است که بول کردن در حمام مورث فقر و پریشانی است و در حدیث دیگر فرمود که باکی نیست
که مردم با کنیزانش بحمام بروند اما باید که لنگ بسته باشند و مانند خران برهنه نباشند که نظر بر عورت
یکدیگر کنند و در روایتی وارد شده است که در حمام سلام مکنند و آن در صورتیست که لنگ نبسته
باشند زیرا که در احادیث بسیار وارد شده است که ائمه علیهم السلام در حمام سلام کرده اند بر مردم

فصل چهارم در فضیلت شستن سر و بدن و دفع بوهای بد از خود کردن و از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم منقول است که کافی است آب از برای خوشبو کردن بدن و فرمود که هر که جامه بپوشد باید که
پاکیزه باشد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که شستن سر چرک را می برد

و آزار چشم را دفع میکند و شستن جامه غم و اندوه را می برد و پاکیزگی است برای نماز و فرمود که خود را
پاکیزه کنید بآب از بوهای بد که مردم از آن متاذی میشوند و در پی اصلاح بدن خود باشید بدرستیکه خدا
دشمن میدارد از بندگانش آن کثیف گندیده را که پهلوئی هر که بنشیند از و متاذی شود و فرمود که
آب بد ابوئی خوش گردانید و از حضرت امام رضا علیہ السلام منقول است که حقتعالی غضب کرد
بر بنی اسرائیل مگر وقتیکه ایشانرا داخل مصر کرد و راضی نشد از ایشان مگر وقتیکه ایشانرا از مصر
بیرون کرد و حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمود که سر خود را بگل مصر مشوئید و از کوزہ که
در مصر میسازند آب مخورید که خواری و مذلت می آرد و غیرت را می برد و از حضرت امام محمد باقر
علیہ السلام منقول است که دوست نمیدارم که سر خود را از گل مصر بشویم از ترس آنکه مرا ذلیل گرداند
و غیرت مرا ببرد و از جابر جعفی منقول است که شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر علیہ السلام از آن که
کرمی در سرم هست و بسیاری ریزد و جامه ام را چرکین میسازد فرمود که مورد را بکوب و آنش را بگیر
و با سرکه که از شراب بعمل آورده باشند و بسیار تند باشد برهم بزن آنقدر که کف کند پس سر و ریش را
بآن بقوت تمام بمال و بشوئی پس به روغن شیر تازه سر و ریش را چرب کن که آن علت زائل میشود

فصل پنجم در فضیلت شستن سر با سدره و خطمی در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام
منقول است که ناخن و شارب گرفتن و سر را با خطمی شستن فقر و درویشی را زائل میکند و روزی را
زیاده میکند و در حدیث موثق دیگر فرمود که شستن سر با خطمی در هر جمعه امان میدهد از پیسی و دیوانگی
و در روایت دیگر فرمود که هر که ناخن و شارب بگیرد و سر را با خطمی بشوید در روز جمعه ثواب کسی دارد
که یک بنده آزاد کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که شستن سر با خطمی دل را می گشاید و سودا و اندوه را
برطرف میکند و در حدیث موثق از حضرت امام موسی علیہ السلام منقول است که شستن سر با سدره
روزی را زیاده میکند و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ و آلہ منقول است که چون
حقتعالی حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم را امر کرد که اسلام را ظاهر گرداند آنحضرت کمی
مسلمانان و بسیاری کافران را دید بسیار غمگین شد حقتعالی حضرت جبرئیل را با یک برگ سدره از درخت
سدرۃ المنتہی فرستاد که سر را بآن بشوید پس بآن شستن اندوه آن حضرت برطرف شد و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیہ السلام منقول است که شستن سر با خطمی امان میدهد از درد سر

و بیزار میگرداند از پریشانی و سر را پاک میکند از گرمی و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم سر خود را با سدر می شستند و میفرمودند که بشوئید سر خود را با برگ سدر
که هر ملک مقربی و هر پیغمبر مرسل آنرا بپاکی یاد کرده است و هر که سرش را با آن بشوید حقتعالی از او وسوسه
شیطان را هفتاد روز دور گرداند و هر که هفتاد روز وسوسه شیطان از او دور شود معصیت خدا نکند
و هر که معصیت خدا نکند داخل بهشت شود و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله و سلم منقول
است که شستن سر با خطمی چرک و جانوران سر را برطرف میکند **فصل ششم** در فضیلت دارو کشیدن
در حدیث حسن از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که دارو کشیدن پاک کننده
بدن است و در حدیث صحیح منقول است که عبد الرحمن ابن ابی عبد الله گفت که با حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام بحمام رفتم فرمود که دارو بکش گفتم چند روز نیست که کشیده ام فرمود که دیگر بکش
که پاک کننده بدن است و برین مضمون چندین حدیث وارد شده است و در حدیث دیگر منقول
است که حضرت شخصی را تکلیف دارو کشیدن کردند او گفت که سه روز است که دارو کشیده ام فرمود که
باز بکش که پاک میگرداند ترا و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که دارو
کشیدن دفع دلگیری و پریشانی خاطر میکند و بدن را پاک میکند و از حضرت امام موسی علیه السلام
منقول است که گفت موهای بدن را از خود بیندازید که نجس و کثیف است و در حدیث صحیح از آنحضرت
منقول است که موی بدن چون بلند میشود آب پشت را قطع میکند یعنی فرزند بوجود نمی آید و بندها را
سست میکند و ضعف و تنگی میآورد و نوره کشیدن آب پشت را زیاده میکند و بدن را قوی میکند
و پیه گرده ها را زیاده میکند و بدن را فربه میکند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چهار
چیز است که از اخلاق پیغمبران است بوی خوش کردن و سر تراشیدن و نوره مالیدن و بسیار جماع
کردن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که موی شارب و زیر بغل و پشت زهار
را بلند مگذارید که شیطان در آنجاها پنهان می شود **فصل هفتم** در ازاله موی زیر بغل در حدیث معتبر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که دراز مگذارید موی زیر بغل را که شیطان در آنجا پنهان
میشود و در حدیث معتبر دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام زیر های بغل را دارو میکشیدند
و میفرمودند که کندن موی بغل دوشها را سست میکند و در حدیث دیگر منقولست که دارو کشیدن

زیر بغل بهتر است از تراشیدن و تراشیدن بهتر است از کندن و در حدیث دیگر وارد شده است
که بسیار بود که آنحضرت از برای ازالهٔ موی زیر بغل بحمام میرفتند و همین آن موضع را داروی میکشیدند
و بیرون می آمدند و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که موی زیر بغل را کندن
گند بغل را برطرف میکند و پاک کننده است و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است
فصل هشتم در غایت زمانی که نوره را تاخیر میتوان کرد در حدیث معتبر از حضرت رسول الله
صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر مردی که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که موی
پشت زهار را زیاده از چهل روز نگذارد و حلال نیست زنی را که ایمان بخدا و روز قیامت داشته
باشد اینکه ترک کند ازالهٔ موی زهار را زیاده از بیست روز و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در هر جمعه دارو می کشیدند موی پشت زهار را و میان
دو پا را در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سنت در نوره کشیدن آنست
که هر پانزده روز یک مرتبه بکشد و اگر کسی بیست و یک روز هم یک مرتبه بکشد خوب است و در
روایت دیگر هشت روز بگذرد که نوره نکشیده باشد قرض کند بر خدا و نوره بکشد و کسی که چهل روز
بر و بگذرد که نوره نکشد او مومن و مسلمان نیست و او را هیچ کرامت نزد خدا نیست و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد موی زهار را زیاده
از چهل روز نگذارد و پس اگر چیزی نیابد بعد از چهل روز قرض کند و نگذارد و حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه و آله فرمود که دوست میدارم از برای مومن که هر پانزده روز نوره بمالد و از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که باید که پشت زهار را یک هفته بیشتر نگذرد و کسیکه نوره را زیاده از یک ماه
ترک کند نمازش مقبول نیست فصل نهم در دعاهائی وقت نوره کشیدن از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که هر که پیش از نوره کشیدن اندکی نوره بردارد و ببوید و بر سر بینی بگذارد و بگوید صَلَّی اللّٰهُ
عَلٰی سُلَیْمَانَ بْنِ دَاوُدَ کَمَا اَمَرَنَا بِالنُّوْرَةِ و را نسوزاند نوره و از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام منقول
است که هر که وقت نوره مالیدن بر بدن این دعا بخواند خدا او را از چرکها و کثافتهای دنیوی
و از گناهان پاک گرداند و بعوض آن موهای با کرامت فرماید که در آن مو گناه نکند و بعدد هر موی
از پیش ملکی خلق کند که از برای او تسبیح الهی بکند تا روز قیامت بدرستیکه یک تسبیح از تسبیح ملائکه ثواب

برابر است با ثواب هزار تسبیح اہل زمین دعا این است اَللّٰهُمَّ طَیِّبْ مَا طَهُرَ مِنِّیْ وَطَهِّرْ مَا طَابَ
مِنِّیْ وَابْدِلْنِیْ شَعْراً طَاهِراً لَا یَعْصِیْكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ تَطَهَّرْتُ ابْتِغَاءَ سُنَّةِ الْمُرْسَلِیْنَ
وَابْتِغَاءَ رِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ فَحَرِّمْ شَعْرِیْ وَبَشَرِیْ عَلَی النَّارِ وَطَهِّرْ خَلْقِیْ وَطَیِّبْ خُلُقِیْ
وَزَكِّ عَمَلِیْ وَاجْعَلْنِیْ مِمَّنْ یَلْقَاكَ عَلَی الْحَنِیْفِیَّةِ السَّمْحَةِ مِلَّةِ اِبْرَاهِیْمَ خَلِیْلِكَ وَدِیْنِ مُحَمَّدٍ
صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ حَبِیْبِكَ وَرَسُوْلِكَ عَامِلاً بِشَرَائِعِكَ تَابِعاً لِسُنَّةِ نَبِیِّكَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ
وَاٰلِهٖ اٰخِذاً بِهٖ مُتَأَدِّباً بِتَادِیْبِكَ وَتَادِیْبِ رَسُوْلِكَ وَتَادِیْبِ اَوْلِیَائِكَ الَّذِیْنَ غَذَوْتَهُمْ
بِاَدَبِكَ وَزَرَعْتَ الْحِكْمَةَ فِیْ صُدُوْرِهِمْ وَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِعِلْمِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَیْهِمْ

فصل دہم در اوقات نوره کشیدن و سائر آداب آن از حضرت صادق علیہ السلام منقول است
کہ یک مرتبہ در تابستان داروکشیدن بہتر است در فضیلت و نفع از دو مرتبہ کہ در زمستان بکشند
و از حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ و آلہ مرویست کہ احتراز کنید از نوره مالیدن در روز
چہارشنبہ کہ روز نحس مستمر است و جہنم در روز چہارشنبہ خلق شده است و از حضرت رسول صلی اللہ
علیہ و آلہ وسلم منقول است کہ پنج چیز است کہ مورث پیسی است نوره در روز جمعہ و چہارشنبہ
مالیدن و وضو و غسل کردن بآبی کہ در آفتاب گرم شده باشد و در حالت جنابت چیزی خوردن
و جماع در وقت حیض با زنان کردن و در حال سیری چیزی خوردن و از حضرت امام رضا علیہ السلام
منقول است کہ ہر کہ در روز جمعہ نوره بکشد پیس شود ملامت نکند مگر خود را و دور نیست کہ این حدیث
حدیث محمول بر تقیہ باشد یا آنکہ یکی از طریق اہل سنت است زیرا کہ حدیث گذشتہ کہ حضرت پیغمبر
صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم در روز جمعہ وارو می کشیدند و در حدیث معتبر دیگر منقول است کہ بخدمت حضرت
صادق علیہ السلام عرض کردند کہ مردم میگویند کہ نوره کشیدن در روز جمعہ مکروه است حضرت فرمود
کہ چنین نیست کہ تو گمان کرده چہ چیز پاک کننده تر است از نوره کشیدن در روز جمعہ و در حدیث
دیگر منقول است کہ علی ابن یقطین نخواست کہ بخدمت حضرت امام موسی علیہ السلام بنویسد کہ آیا
مرد در حالت جنابت دارو میتواند کشید و فراموش کرد حضرت از باب اعجاز بادنوشتند کہ باکی
نیست نوره باعث زیادتی پاکیزگی جنب است و از حضرت صادق علیہ السلام نیز پرسیدند فرمود
کہ باکی نیست و در حدیث حسن منقول است کہ از حضرت صادق علیہ السلام پرسیدند کہ کسی کہ داره

آشامیدن تا زه بول میتوان کرد فرمود که باکی نیست و در روایت دیگر منقول است کسی که بوقت
دارو مالیدن برای بول نشیند بیم آنست که بعلت فتق مبتلا شود و بشیر نبال با حضرت امام
محمد باقر علیه السلام بحمام رفت حضرت لنگی بستند از ناف تا زانو و خدمتگار حمام را طلبیدند که آنچه
بالا و پائین لنگ بود دارو مالید بعد از آن او را بیرون کردند و از ناف تا زانو خود کشیدند و با بشیر گفتند
که هرگاه دارو بکشی چنین کن و در بعضی احادیث تجویز این وارد شده است که غیر عورتین را دیگری
بمالد و بسند حسن منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا جائز است که کسی نوره را
با روغن زیت خمیر کند و بعد از نوره بر بدن بمالد برای آنکه دفع بوی نوره شود فرمود که باکی نیست
و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام موسی علیه السلام چنین میکردند و در حدیث دیگر منقول
است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آرد را بعد از نوره بر بدن میتوان مالید فرمود که
باکی نیست راوی گفت که مردم میگویند که اسراف است حضرت فرمود که در چیزی که اصلاح بدن کند
اسراف نیست من بسیار وقت است که میفرمایم که آرد پخته را با روغن زیت مخلوط میکنند
و در بدن میمالم اسراف در چیزی میباشد که مال را تلف کند و بدن ضرر رساند فصل یازدهم در
فضیلت حنا مالیدن بعد از نوره حسین بن موسی روایت میکند از پدرش که حضرت موسی بن جعفر
علیهما السلام هرگاه اراده حمام میکردند میفرمودند که حمام را بسیار گرم میکردند بمرتبه که داخل نمیتوانست
شد پس میفرمودند که نمدها بر زمین حمام می انداختند و بعد از آن داخل میشدند روزی از حمام بیرون آمدند
شخصی از آل زبیر بآن حضرت رسید و اثر حنا در دست آنحضرت دید گفت این رنگ چیست که در دست
شما است فرمود که رنگ حنا است که پدرانم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده اند
که هر که بحمام رود و دارو بکشد و بعد از دارو حنا از سر تا پا بمالد او را امان باشد از دیوانگی و خوره و پیسی
و آکله تا نوره کشیدن دیگر و در حدیث معتبر منقول است که حکم بن عتیبه دید که حضرت صادق علیه السلام
حنا بسته اند و بر ناخنهای خود گذاشته اند فرمودند که ای حکم چه میگوئی درین باب گفت چه توانم گفت
در کاری که شما بکنید اما این کار را پیش ما جوانان میکنند حضرت فرمود که ای حکم ناخنها بعد از نوره سفید
میشود و شبیه بناخن مردگان ما رنگ شان را میگردانیم بحنا و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام
محمد تقی علیه السلام از حمام بیرون آمدند و از سر تا پای مبارکش مانند گل سرخ شده بود

از حنا و حضرت صادق علیه السلام فرمود که حنا مالیدن بوی بد را می برد و آب رو را زیاده میکند
و بو را خوشبو میکند و فرزند را نیکو میکند و هر که بعد از نوره از سر تا پا حنا بمالد فقر و پریشانی از و برطرف
میشود فصل دوازدهم در آداب غسل جمعه و سائر اغسال بدانکه غسلهای واجب بنابر مشهور میان
علما شش است غسل جنابت و حیض و استحاضه و نفاس و مس میت و غسل میت و مستحب است که در
وقت غسل جنابت این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِی وَزَکِّ عَمَلِی وَتَقَبَّلْ سَعْیِی وَاجْعَلْ مَا عِنْدَکَ
خَیْراً لِی اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی مِنَ التَّوَّابِینَ وَاجْعَلْنِی مِنَ الْمُتَطَهِّرِینَ و اگر این دعا بخواند بهتر است
اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِی وَاشْرَحْ لِی صَدْرِی وَاَجْرِ عَلَی لِسَانِی مِدْحَتَکَ وَالثَّنَاءَ عَلَیْکَ اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْهُ لِی طَهُوراً وَشِفَاءً وَنُوراً اِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ و بعضی این دعا را بعد از غسل ذکر کرده اند
و در تفسیر حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه مذکور است که هر که بعد از وضو یا غسل جنابت این
دعا بخواند گناهان از و بریزد چنانچه برگ از درختان میریزد و بهر قطره از قطرات وضو و غسل او
حقتعالی ملکی خلق فرماید که تقدیس و تسبیح و تهلیل و تکبیر الهی کند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و
ثوابش از و باشد و گناهانش آمرزیده شود و دعا این است سُبْحَانَکَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِکَ اَشْهَدُ
اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُکَ وَاَتُوبُ اِلَیْکَ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ
وَاَشْهَدُ اَنَّ عَلِیّاً وَلِیُّکَ وَخَلِیفَتُکَ بَعْدَ نَبِیِّکَ عَلَی خَلْقِکَ وَاَنَّ اَوْلِیَاءَهُ خُلَفَاؤُکَ
وَاَوْصِیَاؤُهُ اَوْصِیَاؤُکَ اغسلهای سنت شصت و دو غسل است و از جمله آنها غسل جمعه است
و بعضی از علما واجب میدانند و احوط آنست که تا مقدور باشد ترک نکند و در احادیث معتبره
وارد شده است که غسل جمعه واجب است بر مردان و زنان در سفر و حضر مگر آنکه رخصت داده اند
زنان را که ترک کنند در سفر برای کمی آب و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که غسل جمعه
پاکیزه کننده و کفاره گناهان است از جمعه تا جمعه دیگر و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است
که هر که غسل جمعه کند و بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً
عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِی مِنَ التَّوَّابِینَ وَاجْعَلْنِی مِنَ
الْمُتَطَهِّرِینَ این غسل و دعا پاک گرداند او را تا جمعه دیگر و بهتر آنست که این دعا را نیز بخواند اَللّٰهُمَّ
طَهِّرْنِی وَطَهِّرْ قَلْبِی وَاَنْقِ غُسْلِی وَاَجْرِ عَلَی لِسَانِی مَحَبَّةً مِنْکَ و باز بگوید اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِی

مِنْ كُلِّ آفَةٍ تَمْحَقُ بِهَا دِينِي وَتُبْطِلُ بِهَا عَمَلِي و در فقه الرضا مذکور است که چون از غسل جمعه
فارغ شوی بگوی اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَأَنْقِ غُسْلِي وَأَجْرِ عَلَى لِسَانِي ذِكْرَكَ وَذِكْرَ نَبِيِّكَ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَالْمُتَطَهِّرِينَ و وقت آن از صبح صادق
است روز جمعه تا نماز پیشین و مشهور آنست که هر چند نزدیکتر است به پیشین بهتر است و اگر خوف
داشته باشد که در روز جمعه آب یافته نشود در روز پنجشنبه میتواند کرد و اگر فوت شود بعد از پیشین
تا شام روز جمعه میتواند کرد و نیت قضا در کار نیست و از صبح روز شنبه تا شام بقصد قضا میتواند
کرد و در فقه الرضا مذکور است که در روزهای دیگر هفته هم میتوان کرد و ظاهرا کسی از علما باین قائل
نشده است و سنت است غسل کردن در شبهای طاق ماه مبارک رمضان خصوصا در شب اول
و شب نیمه و شب هفدهم و آن شبی است که مومنان و کافران در بدر جمع شده اند و در روزش
اعظم فتحهای اسلام واقع شد و شب نوزدهم آن شبی است که تقدیر امور سال در آن شب نوشته
میشود و بنا بر بعضی از احادیث و شب بیست و یکم آن شبی است که اوصیا و انبیا در آن شب شهادت
یافته اند و حضرت عیسی در آن شب باسمان رفته و حضرت موسی علیه السلام از دنیا رفته و احتمال قوی دارد
که شب قدر بوده باشد و شب بیست و سوم و آن شب قدر است باحتمال قوی و بقول اکثر و در آن
شب دو غسل است یکی مقارن غروب آفتاب و دیگر در آخر شب و در بعضی از روایات وارد شده
است که در شبهای دهه آخر هر شب غسل بکند و سنت است غسل در شب عید فطر و در روزش و روز
عید قربان و اظهر آنست که درین دو روز غسل را تا شب میتوان کرد و لیکن افضل آنست که پیش از نماز
عید واقع سازد و در روز هشتم ذی الحجه و در روز عرفه نزد زوال و شب نیمه رجب و منقول است
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم که هر که ماه رجب را دریابد و غسل کند در اول ماه و میان ماه
و آخر ماه از گناهان بدر آید مثل روزی که از مادر متولد شده باشد و روز مبعث و آن بیست و هفتم
رجب است و اکثر علما گفته اند اگر چه حدیثی بخصوص بنظر نرسیده است و شب نیمه ماه شعبان و روز
عید غدیر خم که هیجدهم ذی الحجه است و روز مباهله که بیست و چهارم ذی الحجه است و بعضی گفته اند روز
بیست و پنجم است و روز دحو الارض بنا بر مشهور و آن روز بیست و پنجم ذی قعده است و درین غسل نیز
حدیثی بنظر نرسیده است و روز نوروز بنا بر مذهب بعضی و در حدیث معلی بن خنیس بر آن دلالت دارد

و مشهور آنست که روزی ست که آفتاب به برج حمل منتقل میشود و همچنین سنت است غسل برای احرام حج یا عمره و بعضی واجب میدانند و احوط آنست که ترک نکند و غسل زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین از نزدیک و دور و غسل استخاره مطلقا خصوصا نمازهای خاص استخاره و برای نمازهای مخصوص که در طلب حاجت وارد شده است و غسل توبه از گناهان و باز سنت است غسل از برای قضای نماز کسوف هرگاه عمدا ترک کرده باشد و قرص تمام گرفته باشد و بعضی گفته اند که واجب است و احوط آنست که ترک نکند و بعضی گفته اند که بواسطه قضا غسل کند اگر عمدا ترک کرده باشد اگرچه تمام قرص نگرفته باشد و از برای ادا غسل میکند اگر تمام گرفته باشد و این قول قوی نیست و سنت است غسل از برای دخول حرم و از برای داخل شدن مکه معظمه و از برای داخل شدن خانه کعبه و از برای طواف و از برای داخل شدن حرم مدینه و از برای داخل شدن شهر مدینه منوره و از برای داخل شدن مسجد رسول صلی الله علیه و آله و سلم و از برای کشتن وزغ و غسل فرزندی که متولد شود چنانچه گذشت و غسل روز ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بنابر قول بعضی و آن هفدهم ماه ربیع الاول است و آنچه بنظر رسیده غسل از برای زیارت است در آن روز و سنت است غسل از برای طلب باران و از برای کشتن چلپاسه و غسل بعد از کشتن است و همچنین هرگاه شخصی برود برای دیدن کسیکه او را بجلی کشیده باشند غسل سنت است بعد از دیدن و بعضی واجب دانسته اند و اکثر علما گفته اند که هرگاه سعی بعد از سه روز باشد سنت است خواه بحق او را کشته باشند خواه بباطل و بعضی از علما گفته اند که سنت است اعاده غسل هرگاه بعنوان ناقص بر وجه ضرورت بعمل آمده باشد مثل جبیره و تقیه و هم چنین گفته اند که هرگاه جامه میان دو کس مشترک باشد و منی در آن بیابند و معلوم نباشد که از کدام یک بوده است هر دو را غسل کردن سنت است و نیز گفته اند برای کفن کردن میت سنت است و ظاهر حدیث آنست که همان غسل مس میت است که سنت است که پیش از کفن کردن بجا آورد و هم چنین سنت است غسل هرگاه کسی مرده را بعد از غسل دست بمالد و بعضی گفته اند که هرگاه شخصی جنب مرده باشد سنت است که غسل جنابت بدهند او را پیش از غسل میت یا بعد از آن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون خواهی که غسل روز عید فطر بجا آوری در زیر سقفی بکن چون خواهی که شروع کنی بگو اَللّٰهُمَّ اِیْمَانًا بِكَ وَتَصْدِیْقًا بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِیِّكَ

محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وچون از غسل فارغ شوی بگو اللهم اجعله كفارة لذنوبي وطهرا لدنيي اذهب عني الرجس بدانکه تفاصیل اغسال واحکام آنهارا این رساله گنجایش نداشت انشاء اللہ تعالی در کتاب عبادت نوشته خواهد شد واللہ الموفق **باب هشتم** در آداب خواب رفتن وبیدار شدن وبیت الخلا رفتن **فصل اول** در بیان اوقات خواب بدان که خواب کردن بعد از طلوع صبح تا طلوع آفتاب ومیان نماز شام وخفتن بعد از عصر مکروه است پیش از ظهر در وقت گرمی هوا وبعد از نماز ظهر تا عصر خواب قیلوله است وسنت است واز حضرت علی بن الحسین صلوات اللہ علیہ منقول است که بابی حمزه ثمالی فرمود که خواب مکن پیش از طلوع آفتاب که من از برائی تو دوست نمیدارم زیرا که حق تعالی روزی بندگانرا درین وقت قسمت میکند وهرکه درین وقت در خواب است محروم میشود واز حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقول است که زمین بسوی خدا ناله وفریاد میکند از سه چیز از خون حرامی که بران ریخته شود ویا غسلی که از زنا کنند بر روی آن یا خواب کردن بران پیش از طلوع آفتاب واز حضرت صادق علیہ السلام منقول است که خواب بامداد شوم است وروزی را منع میکند ورنگ را زرد میکند ورو را قبیح ومتغیر میکند واین خواب را هر شقی است بدرستیکه حقتعالی روزی را از مابین طلوع صبح تا طلوع آفتاب قسمت می نماید پس زنهار این خواب را مکنید وفرمود که مرغ بریان وترنجبین بر بنی اسرائیل درین وقت نازل میشد هرکه در خواب بود بهره او نازل نمی شد وحضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود که هرکه در جای نماز خود بنشیند از طلوع صبح تا طلوع آفتاب خدا او را مستور گرداند از آتش جهنم ودر حدیث دیگر فرمود که مثل ثواب حج کننده خانه کعبه داشته باشد وگناهانش آمرزیده شود اما در چند حدیث تجویز وارد شده است که اگر نماز بکند وقدری تعقیب بخواند وپیش از بر آمدن آفتاب بخوابد باکی نیست چنانچه در حدیث صحیح منقول است که حضرت امام رضا علیہ السلام بشخصی فرمود که فردا بعد از طلوع آفتاب بیا که من بعد از نماز صبح خوابی میکنم واز حضرت صادق علیہ السلام منقول است که بشخصی فرمود که چون نماز صبح کردی وذکر خدا خواندی اگر پیش از طلوع آفتاب بخوابی باکی نیست واز حضرت امام محمد باقر علیہ السلام منقول است که خواب اول روز سفاهت است وخواب قیلوله نعمت است وخواب بعد از نماز عصر حماقت است وخواب میان نماز شام وخفتن از روزی محروم میگرداند واز حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ وآلہ منقول است

که خواب کردن پیش از طلوع آفتاب و پیش از نماز خفتن پریشانی و فقر می‌آورد و در روایت دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد که من حافظه قوی داشتم و اکنون فراموشی بر من غالب شده است فرمود که آیا خواب قیلوله میکردی و احال ترک کرده گفت بلی فرمود که باز خواب قیلوله بکن چنان کرد حافظه اش بر گشت و در روایت دیگر وارد شده است که قیلوله کنید که شیطان قیلوله نمیکند و منقول است که نیکو یاوری است خواب قیلوله بر بیداری و عبادت شب فصل دوم در وضو ساختن پیش از خواب از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که وضو بسازد و بر رخت خواب برود رخت خواب برای او حکم مسجد داشته باشد و اگر در میان رخت خواب بیادش آید که وضو ندارد از لحاف خود تیمم کند و اگر با وضو یا تیمم بخوابد تا صباح بیاد خداست چنان است که نماز میکند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که نخوابد مسلمان در حالتیکه جنب باشد نخوابد مگر با وضو و اگر آب از برای وضو و غسل بهم نرسد تیمم کند بخاک زیرا که روح مومن را در وقت خواب بآسمان میبرند و حقتعالی او را قبول می نماید و برکت بر او می فرستد پس اگر اجلش رسیده است او را در گنجهای رحمت خود می سپارد و اگر اجلش نرسیده است او را با امینان خود از ملائکه ببدن او برمیگرداند و در حدیث معتبر دیگر منقول است که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم با صحاب خود فرمود که کدام یک از شما تمام سال روزه میدارد سلمان گفت که من فرمود که کدام یک از شما هر روز ختم قرآن میکند سلمان گفت که من فرمود که کدام یک از شما همه شب را احیا میکند سلمان گفت که من پس عمر بخشم آمد و گفت این مردی است از فارس میخواهد که بر ما که از قریش ایم فخر کند دروغ میگوید اکثر روزها روزه نیست و در اکثر شبها بخواب است و در اکثر روز خاموش است حضرت فرمود که او مانند لقمان حکیم است از او سوال کن تا جواب گوید عمر به سلمان گفت که روزه سال من چنین است که سه روز روزه میدارم و حقتعالی میفرماید که هر که حسنه کند ده برابر با ثواب میدهیم این روزه سال میشود با آنکه ماه شعبان را همه روزه میگیرم و با ماه رمضان پیوند میکنم و اما بیداری شب هر شب با وضو میخوابم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که میفرمود که هر که با وضو بخوابد چنان است که تمام شب را بعبادت احیا کرده باشد و اما ختم قرآن در هر روز سه مرتبه

سورهٔ قل هو الله احد را بیشتر خوانم و از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که بحضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه و آله فرمود که یا علی مثل تو در میان امت من مثل قل هو الله احد است هر که
سورهٔ قل هو الله احد را یکبار بخواند چنان است که ثلث قرآن را خوانده است و هر که دو بار بخواند چنان
است که دو ثلث قرآن را خوانده است و هر که سه بار بخواند چنان است که ختم قرآن کرده است پس
هر که ترا بزبان دوست دارد ثلث ایمان در او کامل میشود و هر که ترا بزبان و دل دوست دارد دو
ثلث ایمان در او کامل شود و هر که ترا بزبان و دل دوست دارد و بدست خود ترا یاری کند تمام
ایمان در او کامل شده است یا علی بحق آنخداوندی که مرا براستی فرستاده است سوگند میخورم که اگر ترا
اهل زمین دوست میداشتند چنانچه اهل آسمان ترا دوست میدارند خدا هیچکس را از آتش عذاب
نمیکرد و پس قنبر ساکت شد که گویا سنگی بدهانش گذاشتند فصل سیوم در مکان خوابیدن و
آداب پیش از خوابیدن مشهور میان علما آنست که خوابیدن در مساجد مکروه است و ظاهر
حدیث آنست که مکروه نیست مگر در مسجد الحرام و مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و در آنها نیز
تجویز واقع شده است و در احادیث معتبر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
سه کس را لعنت کرد کسی را که تنها چیزی بخورد و تنها بسفر برود و در بیوت تنها بخوابد و فرمود که اگر
تنها بخوابد بیم آنست که دیوانه شود و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که هر که در خانه تنها بخوابد
یا در بیابانی تنها بخوابد بگوید اللّٰهُمَّ آنِسْ وَحْشَتِي وَأَعِنِّي عَلَىٰ وَحْدَتِي و در حدیث دیگر منقول است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از خوابیدن بر بامی که دیوار نداشته باشد فرمود
که هر که بر بامی بخوابد که دیوار نداشته باشد از امان خدا بدر میرود و در احادیث معتبره از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که مکروه است کسی که بر بامی تنها بخوابد یا بر بامی که دیوار نداشته باشد بخوابد فرمود که
مرد و زن درین حکم مساوی اند پرسیدند که اگر سه طرف دیوار داشته باشد چون است فرمود که نه یکی از چهار طرف
می باید دیوار داشته باشد و در بعضی از روایات وارد شده است که حد بلندی دیوار دو ذراع است
و در بعضی از احادیث یک ذراع و یک شبر هم وارد شده و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله نهی فرمود
از خوابیدن بر سر راه و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی وارد شده است از آنکه کسی
با دست چرب آلوده بخوردنی بخوابد و اگر چنین کند شیطان بر او دست یابد یا دیوانه شود ملامت نکند

نگر خود را و فرمود که اطفال خود را در وقت خوابیدن دست و دہان شما را بشویند که اگر نکنند شیطان شما
ایشان را می بوید و در خواب می ترسند و در چند حدیث از حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم
منقول است که ہر که بجامہ خواب رود کنارہ جامہ خود بر جہت خواب بکشد که اگر جانوری داخل
شده باشد بدر رود و باد فرو نرساند و از حضرت امیر المومنین علیہ السلام وارد شده است که باید پیش
از خواب به بیت الخلا رود و بعد از ان بخوابد فصل چہارم در سائر آداب خوابیدن سنت است
که بر دست راست رو بقبلہ بخوابد و دست راست را در زیر رو بگذارد و بدست چپ خوابیدن
و برو خوابیدن مکروه است چنانچہ از حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ و آلہ منقول است که
خواب بر چہار قسم است پیغمبران بر پشت میخوابند و دیدہای ایشان بخواب نمیروند منتظر وحی پروردگار
خود می باشند و مومن بر دست راست میخوابد رو بقبلہ و پادشاہان و فرزندان ایشان بر دست
چپ میخوابند که ہر چه خورده اند گوارا شود و شیطان و برادران او و ہر دیوانه و بستگی بر رو در افتاده
میخوابد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که آدمی بر رو نخوابد و ہر کرا بہ بیند که بر رو خوابیده است او را
بیدار کنید و بگذارید بر ان حال و فرمود که ہرگاه کسی اراده خواب کند باید که دست راست را
بزیر جانب راست رو بگذارد چہ نمیدانند کہ ازین خواب بیدار خواہد شد یا نه و احادیث در فضیلت
خوابیدن بر دست راست و منع خوابیدن بر دست چپ بسیار وارد شده است فصل پنجم
در آیات و ادعیه که پیش از خواب باید که خوانده شود و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیہ السلام منقول
است که ہرگاه کسی دست را در زیر سر گذاشته بخوابد و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْلَمْتُ نَفْسِیْ
اِلَیْكَ وَ وَجَّهْتُ وَجْهِیْ اِلَیْكَ وَ فَوَّضْتُ اَمْرِیْ اِلَیْكَ وَ اَلْجَأْتُ ظَهْرِیْ اِلَیْكَ وَ تَوَكَّلْتُ
عَلَیْكَ رَهْبَةً مِنْكَ وَ رَغْبَةً اِلَیْكَ لَا مَلْجَأَ وَ لَا مَنْجَا مِنْكَ اِلَّا اِلَیْكَ اٰمَنْتُ بِكِتَابِكَ
الَّذِیْ اَنْزَلْتَ وَ بِرَسُوْلِكَ الَّذِیْ اَرْسَلْتَ بعد از ان تسبیح حضرت فاطمه علیہا السلام بخواند
و در حدیث صحیح دیگر فرمود که ترسنید در وقت خواب اینده عاراعِیْذُ نَفْسِیْ وَ ذُرِّیَّتِیْ
وَ اَهْلَ بَیْتِیْ وَ مَالِیْ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ مِنْ كُلِّ شَیْطَانٍ وَ هَامَّةٍ وَ مِنْ كُلِّ عَیْنٍ
لَامَّةٍ که باین دعا تعوید میفرمود حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم امام حسن و امام حسین
صلوات اللہ علیہما الخ و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیہ السلام منقول است که سوره قل ہو اللہ احد

و سوره قل یا ایها الکافرون پیش از خواب بخوان که قل یا ایها الکافرون بیزاری از شرکست
و قل هو الله احد نسبت به پروردگار است و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که بعد از خوابیدن و
در رخت خواب سه مرتبه بگوید الحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِی عَلا فَقَهَرَ وَالحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِی بَطَنَ فَخَبَرَ
وَالحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِی مَلَکَ فَقَدَرَ وَالحَمدُ لِلّٰهِ یُحیِی المَوتیٰ وَیُمِیتُ الاَحیاءَ وَهُوَ عَلیٰ کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ از گناهان
بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است
که هر که آیة الکرسی در وقت خواب بخواند از فالج ایمن گردد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که هر که سوره یس پیش از خواب بخواند حقتعالی هزار ملک باو موکل گرداند که او را از شر
شیطان و هر بلا محفوظ کنند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است هر که سوره یس و سوره
اذا وقعت الواقعه هر شب پیش از خواب بخواند در قیامت روی او مانند ماه شب چارده باشد
و در حدیث دیگر فرمود که هر که سورهائی که در اول شان سبح لله و یسبح لله است پیش از خواب
بخواند نمیرد تا بخدمت حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه برسد و اگر بمیرد در همسایگی رسول
خدا صلی الله علیه و سلم جا دهند او را و در حدیث دیگر فرمود که هر که هر شب این دعا بخواند تا صبح
از عقرب و هیچ گزنده نگزد بِکَلِماتِ اللّٰهِ التّامّاتِ الَّتِی لا یُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلا فاجِرٌ
مِن شَرِّ ما ذَرَأَ وَمِن شَرِّ ما بَرَأَ وَمِن شَرِّ کُلِّ دابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِناصِیَتِها اِنَّ رَبِّی
عَلیٰ صِراطٍ مُستَقِیمٍ و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که در وقت خواب
این آیه بخواند خانه بر سرش خراب نشود اِنَّ اللّٰهَ یُمسِکُ السَّمٰواتِ وَالاَرضَ اَن تَزُولا
وَلَئِن زالَتا اِن اَمسَکَهُما مِن اَحَدٍ مِن بَعدِهِ اِنَّهُ کانَ حَلِیماً غَفُوراً و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که چون کسی برخت خواب رود بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَحتَبَستُ
نَفسِی عِندَکَ فَاحتَبِسها فِی مَحَلِّ رِضوانِکَ وَمَغفِرَتِکَ وَاِن رَدَدتَها فَاردُدها
مُؤمِنَةً عارِفَةً بِحَقِّ اَولِیائِکَ حَتّیٰ تَتَوَفّیٰها عَلیٰ ذٰلِکَ و در حدیث دیگر فرمود که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم در این وقت آیة الکرسی میخواندند و بعد از آن میگفتند بِسمِ اللّٰهِ آمَنتُ
بِاللّٰهِ وَکَفَرتُ بِالجِبتِ وَالطّاغُوتِ اَللّٰهُمَّ احفَظنِی فِی مَنامِی وَفِی یَقظَتِی و بهتر است
که آیة الکرسی را تا هم فیها خالدون بخوانند و در حدیث دیگر فرمود که چون برخت خواب رود تسبیح حضرت

فاطمه علیها السلام بخوان و آیة الکرسی و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و ده آیه از
اول سورهٔ والصافات و ده آیهٔ آخر سورهٔ والصافات بخوان و در حدیث صحیح منقول است
که آنحضرت بفرزند خود فرمود که این دعا را در وقت خواب بخوان اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَاَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ اَعُوْذُ بِعَظَمَةِ اللّٰهِ وَاَعُوْذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ
وَاَعُوْذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَاَعُوْذُ بِجَلَالِ اللّٰهِ وَاَعُوْذُ بِسُلْطَانِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰی کُلِّ
شَیْءٍ قَدِیْرٌ وَاَعُوْذُ بِعَفْوِ اللّٰهِ وَاَعُوْذُ بِغُفْرَانِ اللّٰهِ وَاَعُوْذُ بِرَحْمَةِ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ
السَّامَّةِ وَمِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّةٍ صَغِیْرَةٍ اَوْ کَبِیْرَةٍ بِلَیْلٍ اَوْ نَهَارٍ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ
وَالْاِنْسِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ الصَّوَاعِقِ وَالْبَرَدِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰی مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ وَاٰلِهِ الطَّاهِرِیْنَ و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که صد
نوبت سورهٔ قل هو الله احد در وقت خواب بخواند گناه پنجاه سالهٔ اش آمرزیده شود و در
حدیث دیگر فرمود که هر که در وقت خواب سه مرتبه آیة الکرسی و یک مرتبه آیهٔ شهد الله و آیهٔ
سخره و آیهٔ آخر سورهٔ حم سجده را بخواند حقتعالی دو ملک را موکل گرداند که شیاطین را از و دور
گردانند و سی ملک را امر فرماید که تحمید و تسبیح و تکبیر و تهلیل خدا بگویند و استغفار کنند تا بیدار شود و ثواب
همه از و باشد و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که کسی که
ارادهٔ خواب داشته باشد پهلو بر زمین نگذارد تا این دعا بخواند اُعِیْذُ نَفْسِیْ وَدِیْنِیْ وَاَهْلِیْ
وَمَالِیْ وَخَوَاتِیْمَ عَمَلِیْ وَمَا رَزَقَنِیْ رَبِّیْ وَخَوَّلَنِیْ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَعَظَمَةِ اللّٰهِ وَجَبَرُوْتِ
اللّٰهِ وَسُلْطَانِ اللّٰهِ وَرَحْمَةِ اللّٰهِ وَرَاْفَةِ اللّٰهِ وَقُدْرَةِ اللّٰهِ وَغُفْرَانِ اللّٰهِ وَقُوَّةِ
اللّٰهِ وَجَلَالِ اللّٰهِ وَبِصُنْعِ اللّٰهِ وَاَرْکَانِ اللّٰهِ وَبِجَمْعِ اللّٰهِ وَبِرَسُوْلِ اللّٰهِ عَلَیْهِ السَّلَامُ
وَبِقُدْرَةِ اللّٰهِ عَلٰی مَا شَاءَ مِنْ شَرِّ السَّامَّةِ وَالْهَامَّةِ وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ
وَمِنْ شَرِّ مَا یَدِبُّ فِی الْاَرْضِ وَمَا یَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا یَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا یَعْرُجُ فِیْهَا
وَمِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّةٍ رَبِّیْ اٰخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا اِنَّ رَبِّیْ عَلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِیْمٍ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ
قَدِیْرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ بدرستیکه این تعویذیست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم از برای حسنین صلوات الله علیهما میخواندند و تعویذ میکردند و جبرئیل

اراده خواب کند باید که دست راست را در زیر رو بگذارد و بگوید بِسْمِ اللهِ وَضَعْتُ جَنْبِی
لِلّٰهِ عَلٰی مِلَّةِ اِبْرَاهِیْمَ وَدِیْنِ مُحَمَّدٍ صلعم وَوِلَایَةِ مَنِ افْتَرَضَ اللهُ طَاعَتَهٗ مَا شَاءَ اللهُ
كَانَ وَمَا لَمْ یَشَاْ لَمْ یَكُنْ که هر که این دعا بخواند در وقت خواب محفوظ باشد از دزد و غارت و خانه
فرود آمدن و ملائکه استغفار کنند برای او و فرمود که هر که قل هو الله احد در وقت خوابیدن بخواند
حقتعالی پنجاه هزار ملک بر او موکل گرداند که در آن شب او را پاسبانی کنند و از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که هر که پیش از خواب صد مرتبه لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ بگوید خدا خانه در بهشت از
برای او بنا کند و هر که صد مرتبه استغفار کند گناهانش بریزد چنانکه برگ از درختان میریزد
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر که سوره اَلْهٰكُمُ التَّكَاثُرُ در وقت
خواب بخواند از عذاب قبر ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که
یازده مرتبه سوره قل هو الله احد پیش از خواب بخواند گناهانش آمرزیده شود و همسایگانش
از بلا محفوظ باشند و اگر صد مرتبه بخواند گناه پنجاه سال از آینده عمرش آمرزیده شود و در حدیث
معتبر دیگر فرمود که هر که در وقت خواب بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَشْهَدُ اَنَّكَ افْتَرَضْتَ عَلَیَّ طَاعَةَ
عَلِیِّ بْنِ اَبِیْ طَالِبٍ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَعَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
وَمُوْسَی بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِیِّ بْنِ مُوْسٰی وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَعَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ
بْنِ عَلِیٍّ وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِمْ اَجْمَعِیْنَ اگر در آن شب بمیرد داخل بهشت میشود
و در روایت معتبر دیگر فرمود که هر که در وقت خواب یازده مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْنٰهُ بخواند حقتعالی
یازده ملک بر او موکل گرداند که او را از شر شیطان حفظ کنند تا صبح و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه و آله منقول است که هر که در وقت خواب این آیات را بخواند از دزد ایمن گردد
قُلِ ادْعُوا اللهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ اَیًّا مَّا تَدْعُوْا فَلَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا
تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَیْنَ ذٰلِكَ سَبِیْلًا وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَّلَمْ یَكُنْ لَّهٗ شَرِیْكٌ
فِی الْمُلْكِ وَلَمْ یَكُنْ لَّهٗ وَلِیٌّ مِّنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِیْرًا و در حدیث معتبر از حضرت علی بن الحسین
صلوات الله علیهما منقول است که هر که در وقت خواب این دعا را بخواند فقر و پریشانی از او دور گردد
و هیچ گزنده باو ضرر نرساند اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَا شَیْءَ قَبْلَكَ وَاَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَا شَیْءَ

فَوْقَكَ وَاَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَا شَیْءَ دُوْنَكَ وَاَنْتَ الْآخِرُ فَلَا شَیْءَ بَعْدَكَ اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْاَرَضِیْنَ السَّبْعِ وَرَبَّ التَّوْرٰىةِ وَالْاِنْجِیْلِ وَالزَّبُوْرِ وَالْفُرْقَانِ الْعَظِیْمِ اَعُوْذُبِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا اِنَّكَ عَلٰی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم منقول است کہ ہر کہ در وقت رفتن برخت خواب سورۂ تَبَارَكَ الَّذِیْ بِیَدِهِ الْمُلْكُ بخواند پس بگوید چہار مرتبہ اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ وَالْبَلَدِ الْحَرَامِ بَلِّغْ رُوْحَ مُحَمَّدٍ عَنِّیْ تَحِیَّةً وَسَلَامًا حقتعالی دو ملک را بر و موکل گرداند کہ بنزد حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم برند و بگویند کہ فلان شخص ترا سلام میرساند پس حضرت فرماید برا و باد سلام و رحمت و برکات الہی

فصل ششم در دفع ترسیدن در خواب و خواب پریشان دیدن و محتلم شدن از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام منقول است کہ ہر کہ در خواب ترسد پیش از خواب دہ مرتبہ بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْكَ لَهٗ یُحْیِیْ وَیُمِیْتُ وَیُمِیْتُ وَیُحْیِیْ وَهُوَ حَیٌّ لَّا یَمُوْتُ پس تسبیح حضرت فاطمہ صلوات اللہ علیہا بخواند و در طب الائمہ زیادہ کردہ است کہ آیۃ الکرسی و قل ہو اللہ احد نیز بخواند و از حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ و آلہ منقول است کہ چون کسی در خواب ترسد یا از دردی بیخوابی برو مستولی شود این آیہ بخواند فَضَرَبْنَا عَلٰٓی اٰذَانِهِمْ فِی الْكَهْفِ سِنِیْنَ عَدَدًا ثُمَّ بَعَثْنٰهُمْ لِنَعْلَمَ اَیُّ الْحِزْبَیْنِ اَحْصٰی لِمَا لَبِثُوْٓا اَمَدًا و اگر طفل بسیار گریہ کند این آیہ را برو بخواند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیہ السلام منقول است کہ ہر کہ در خواب ترسد در وقت خوابیدن سورۂ قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ سورۂ قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و آیۃ الکرسی بخواند و در روایت دیگر منقول است کہ برای ترسیدن شب دہ مرتبہ امید ما بخواند اَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ مِنْ غَضَبِهٖ وَمِنْ عِقَابِهٖ وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهٖ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّیَاطِیْنِ وَاَنْ یَّحْضُرُوْنِ و آیۃ الکرسی بخواند و بگوید اِذْ یُغَشِّیْكُمُ النُّعَاسَ اَمَنَةً مِّنْهُ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا و در حدیث معتبر منقول است کہ شہاب بن عبد اللہ بخدمت حضرت صادق علیہ السلام عرض کردہ کہ زنی در خواب من می آید و مرا می ترساند حضرت فرمود کہ با خود بردار تسبیحی در رخت خواب و سی و چہار مرتبہ اللہ اکبر و سی و سہ مرتبہ سبحان اللہ و سی و سہ مرتبہ الحمد للہ بگو و دہ مرتبہ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِیْ وَیُمِیْتُ و

وَيُمِيتُ وَيُحْيِي بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و بجا آورد
در تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها مخیر است در وقت خواب میان آنکه سبحان الله را
پیش از الحمد لله بگوید یا بعد از آن و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که هر که ترسد که محتلم شود چون
به رختخواب رود این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْاِحْتِلَامِ وَمِنْ سُوءِ الْاَحْلَامِ
وَمِنْ اَنْ يَتَلَاعَبَ بِيَ الشَّيْطَانُ فِي الْيَقْظَةِ وَالْمَنَامِ و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقول است که اگر کسی خواب پریشانی ببیند از آن پهلو که خوابیده است
به پهلوی دیگر بگردد و بگوید اِنَّمَا النَّجْوٰى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ
شَيْئًا اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ پس بگوید عُذْتُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلٰٓئِكَةُ اللّٰهِ الْمُقَرَّبُونَ وَاَنْبِيَاؤُهُ
الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُهُ الصَّالِحُونَ مِنْ شَرِّ مَا رَاَيْتُ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و در حدیث
معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که چون خواب پریشانی ببیند و بیدار شود بگوید اَعُوذُ بِمَا
عَاذَتْ بِهِ مَلٰٓئِكَةُ اللّٰهِ الْمُقَرَّبُونَ وَاَنْبِيَاءُ اللّٰهِ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُ اللّٰهِ الصَّالِحُونَ
وَالْاَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ مِنْ شَرِّ مَا رَاَيْتُ مِنْ رُؤْيَايَ اَنْ تَضُرَّنِي مِنَ
الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ پس بجانب چپ خود سه نوبت آب دهان خود را بیندازد و در روایت دیگر
وارد شده است که شخصی بآنحضرت شکایت کرد که دختری دارم در شب و روز بسیار می ترسد
فرمود که فصدش بکن و در روایت دیگر منقول است که شخصی شکایت کرد که دخترم بسیار در خواب
میترسد و گاهی بسیار حالش متغیر میشود و اختلالش نیست ولی حس میشود و میگویند که
از تصرف جن است فرمود که فصدش بکن و آب شبت را با عسل بپز و سه روز باو بده که بخورد
چنین کرد و شفا یافت و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد
که در خواب من صدا می آید و مرا میترساند حضرت فرمود که مگر زکوة نمیدهی گفت میدهم فرمود که
بمستحقش نمیدهی بعد از آن زکوة را بمستحقش داد و آن حال از او برطرف شد فصل هفتم
در دعاها برای دفع بیداری و برای بیدار شدن در آخر شب در حدیث معتبر از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که هر که در وقت خوابیدن این آیه را بخواند قُلْ اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ
يُوحٰى اِلَيَّ اَنَّمَا اِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ

بِعِبَادَةِ سَاعَةٍ اَحَدًا هر وقت از شب که خواهد بیدار شود و در روایت دیگر منقول است
از آنحضرت که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که خواهد در آخر شب بیدار شود چون
بر تخت خواب رود بگوید اَللّٰهُمَّ لَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ
اَقُومُ سَاعَةَ كَذَا وَكَذَا یعنی در فلان ساعت بیدار شوم چون این دعا بخواند حق تعالی ملکی
موکل سازد که او را در آن ساعت بیدار کند و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام منقول است که هر که خواهد که در شب بیدار شود در وقت خواب رفتن بگوید اَللّٰهُمَّ
لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ وَاَنْبِهْنِي لِاَحَبِّ السَّاعَاتِ
اِلَيْكَ اَدْعُوكَ فِيهَا فَتَسْتَجِيبَ لِي وَاَسْاَلُكَ فَتُعْطِيَنِي وَاَسْتَغْفِرُكَ فَتَغْفِرَ لِي اِنَّهُ
لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ که چون این دعا بخواند حق تعالی دو ملک
بفرستد که او را بیدار کنند و اگر بیدار شود و امر کند آن دو ملک را که از برای او استغفار کنند
و اگر در آن شب بمیرد شهید مرده باشد و اگر بیدار شود هر حاجتی که طلبد خدا او را عطا فرماید
و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که عزم کند که در ساعتی
از ساعات شب برای عبادت برخیزد و خدا تعالی داند که اراده او در آن صادق است
البته دو ملک را بفرستد که در آن ساعت او را حرکت دهند تا بیدار شود و در حدیث معتبر
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که بی خوابی او را عارض شود و خوابش نبرد این دعا
بخواند سُبْحَانَ اللّٰهِ ذِي الشَّاْنِ دَائِمِ السُّلْطَانِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَاْنٍ و در روایت معتبر
دیگر منقول است که حضرت فاطمه صلوات الله علیها شکایت فرمود به رسول خدا صلی الله علیه و
آله و سلم از بی خوابی فرمود که این دعا بخوان يَا مُشْبِعَ الْبُطُونِ الْجَائِعَةِ وَيَا كَاسِيَ الْجُسُومِ
الْعَارِيَةِ وَيَا سَاكِنَ الْعُرُوقِ الضَّارِبَةِ وَيَا مُنَوِّمَ الْعُيُونِ السَّاهِرَةِ سَكِّنْ عُرُوقِيَ
الضَّارِبَةَ وَاْذَنْ لِعَيْنِي نَوْمًا عَاجِلًا **فصل هشتم** در بیان نماز و دعا از برای خوابهای
نیک دیدن و آداب بیدار شدن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که خواهد
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب ببیند بعد از نماز خفتن غسل نیکویی بعمل آورد
و چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی بعد از حمد صد مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از نماز هزار مرتبه

وَارْزُقْنِی خَیْرَ مَا قَبْلَ الْمَوْتِ وَارْزُقْنِی خَیْرَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ و در حدیث دیگر منقول
است که چون از خواب بیدار شوی بگو سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلٰئِکَةِ وَالرُّوحِ سَبَقَتْ
رَحْمَتُکَ غَضَبَکَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی وَارْحَمْنِی اِنَّکَ اَنْتَ التَّوَّابُ
الرَّحِیمُ الْغَفُورُ و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر وقت که از پهلو به پهلوی
دیگر بگردد بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ و از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقول است که چون
در میان شب بیدار شود از پهلو به پهلوی دیگر بگردد بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَهُوَ عَلٰی
کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَاِلٰهِ الْمُرْسَلِینَ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ
السَّبْعِ وَمَا فِیهِنَّ وَرَبِّ الْاَرَضِینَ السَّبْعِ وَمَا فِیهِنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَسَلَامٌ عَلَی
الْمُرْسَلِینَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ و در روایت دیگر وارد شده است که چون از
خواب بیدار شود بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی رَدَّ عَلَیَّ رُوحِی لِاَحْمَدَهُ وَاَعْبُدَهُ و دعای
نظر کردن در عقیق در آداب انگشتری بدست کردن گذشت و سایر دعاهای این باب چون از
مقدمات نماز شب است انشاء الله در کتاب عبادات بیان خواهد شد با سایر دعاهای وقت
خواب و این رساله گنجایش زیاده از این نداشت **فصل نهم** در سبب خواب راست و دروغ و تعبیر
خواب و در حدیث معتبر منقول است که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که چه سبب دارد
که مومن گاهی خواب می‌بیند و چنان میشود که دیده است و گاهی خواب می‌بیند و اثری از آن
ظاهر نمیشود فرمود که چون مومن بخواب میرود روحش بجانب آسمان حرکت میکند پس آنچه
روح مومن در ملکوت آسمان می‌بیند در محل تقدیر و تدبیر آن حق است و اثرش ظاهر میشود و آنچه
در زمین و هوا می‌بیند خواب پریشان است راوی پرسید که آیا روحش همه باسمان میرود و هیچ
در بدن نمی‌ماند فرمود که اگر چنین باشد خواهد مرد بلکه از بابت آفتاب است که در آسمان است
و روشنی و شعاعش بر زمین است هم چنین روح اصلش در بدن است و پرتوی از او باسمان
حرکت میکند و در روایت دیگر از حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که هر
مومنی که بخواب میرود روح او را بنزد عرش پروردگار می‌برند پس آنچه در آنجا می‌بیند حق است
و آنچه در وقت برگردانیدن در هوا می‌بیند خواب پریشان است و برین مضمون احادیث

بسیار است و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که شیطانی هست
که او را هزع میگویند هر شب از مشرق تا مغرب سیر میکند از بدن خود و بخواب مردم می آید و باین سبب
مردم خوابهای پریشان می بینند و در روایت دیگر مرویست که دو نصرانی نزد ابو بکر آمدند و از
چند مسئله سوال کردند او عاجز شد پس حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله ایشانرا جواب
گفت از جمله آنها آن بود که خواب راست و دروغ چه سبب دارد فرمود که حقتعالی روح را خلق
کرده است و برای او سلطانی مقرر ساخته و سلطان او نفس است چون آدمی بخواب میرود
روح بیرون میرود و سلطان در بدن میماند پس روح میگذرد بر گروهی چند از ملائکه و گروهی چند
از جن پس هر چه خواب راست است از ملائکه است و هرچه خواب دروغ است از جن است و در روایت
دیگر منقول است که خوابهای مومن صحیح میباشد زیرا که نفسش پاکیزه و یقینش درست است
و چون روحش بدر میرود با ملائکه ملاقات میکند پس خواب او بمنزله وحی است و در حدیث دیگر
منقول است که وحی بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقطع شد اما خوابهای بشارت
دهنده هست و در حدیث دیگر وارد است که خوابهای راست یک جزء است از هفتاد جزء پیغمبریست
و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که رویای مومن و خواب او در آخر
زمان بر هفتاد جزء از اجزای پیغمبری است و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است
که چون صبح میشد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم با صحاب خود میگفت که آیا کسی خواب بشارت
دهنده دیده است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که شخصی از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم سوال کرد از تفسیر این آیه کریمه الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا
يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ یعنی آنانکه ایمان آوردند و پرهیزگار
بودند ایشانرا بشارت هست در زندگانی دنیا و آخرت حضرت فرمود که بشارت زندگانی دنیا خواب
نیکو است که مومن در دنیا می بیند و آن بشارت می یابد و شاد میشود و در حدیث حسن از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که خواب بر سه قسم است اول بشارت خدا از برای مومن دوم
ترسانیدن شیطان سوم خوابهای پریشان و در حدیث معتبر دیگر فرمود که خوابهای دروغ که اثرش
ظاهر نمیشود آن خوابهائی است که در اول شب دیده میشود که وقت سلطنت و استیلای شیطان

متمرد است و آنها خیالی چند است که مزاوله صورت میدهند شیاطین و اصلی ندارد و اما خوابهای راست و آن خوابی چند است که در ثلث آخر شب دیده میشود که آن وقت نزول ملائکه است وقت سحر و آن خواب راست میباشد و تخلف نمیکند مگر آنکه جنب خوابیده باشد یا بی وضو یا آنچه سزاوار است از ذکر خدا بجا نیاورده باشد پیش از خواب که اگر باین حالت خوابیده باشد خوابش بعمل نمی آید یا دیر بعمل می آید و از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که مرا در خواب بیند چنان است که مرا دیده است در بیداری زیرا که شیطان متمثل نمیتواند شد بصورت من و نه بصورت یکی از اوصیائی من و نه بصورت یکی از شیعیان خالص ایشان بدرستیکه خوابهائی راست یک جزو از هفتاد جزو پیغمبری است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که در آخر زمان خواب مؤمن دروغ نمی شود هر که راست گوتر است خوابش درست تر است و تحقیق این مقال آنست که چون حق سبحانه و تعالی روح مومن را از عالم قدس خلق کرده است و او را ارتباطی بارواح انبیاء و اوصیاء داده است و در عالم ارواح با ایشان محشور بوده است چنانچه در احادیث بسیار وارد شده است که ارواح لشکرهائی مجتمع بودند فوج فوج در عالم ارواح پس ارواحی که در ان عالم آشنائی یکدیگر بوده اند در عالم بدن باهم آشنا میشوند و اگر در آن عالم جدائی و نفرت داشته اند درین عالم نیز یکدیگر را نمی شناسند و از یکدیگر نفرت مینمایند و چون بحسب مصالح غیر متناهیه آن ارواح مقدسه را در زندان بدنهائی کثیف ظلمانی محبوس گردانیده اند بانواع تعلقات جسمانی و شهوات نفسانی و خیالات شیطانی مبتلا ساخته اند بسبب این او را از عالم قدس بعدی و غفلتی رو داده اما اشخاص را درین باب اختلاف بسیار است جمعی که مقربان درگاه الهی اند ارواح ایشان بملاء اعلی آمیخته و این تعلقات جسمانی ایشان را ازان عالم دور نساخته است بلکه با بدن بمردم محشور اند و ارواح ایشان پیوسته با قدسیان ملاء اعلی مشغول مکالمه و محادثه اند و پیوسته روح القدس با ایشان مشغول راز و نیاز است و افاضات ربانی علی الدوام بر ارواح ایشان فائض است و جمعی هستند از اشقیا که بالکلیه آن عالم را فراموش کرده اند و بغیر این نشاء فانیه و لذات دنیه چیزی بخاطر نمی کنند حتی جمعی از ایشان از کثرت شقاوت و ضلالت نشاء دیگر را غیر ازین نشاء باور نمی کنند و پیغمبران را در امر معاد تکذیب مینمایند

و ایشانرا مُهر بر دیده و گوش و دل ایشان زده اند و راههای خیر و سعادت را بر ایشان بسته اند
و جمعی دیگر هستند که با وجود تشبث باین علائق دنیویه دست از تحصیل مراتب علیه بر نداشته اند
و در مقام نفس لوامه خود را داشته اند گاهی گوش دل بشیطان میدهند و گاهی از ملک نصیحت
می‌شنوند زمانی با واعظان و راه نمایان بشر محشور اند و زمانی با شیاطین انس مشغول فسق و فجور اند گاه بلوث گناه
خود را می آرایند و گاه بآب تضرع و لوح خود را تطهیر مینمایند این جماعت چون روح ایشانرا باعتبار
اشغال و تعلقات و خطایات و سیآت بعدی عظیم از قاضی الحاجات و انبیاء و ائمه و ملائکه
سموات بهم رسیده در وقت خواب که نفس را از اشغال بدنی فی الجمله فراغی حاصل شد و خیالات
فاسده که از راه روزنهای مشاعر بدنی برو داخل میشد مسدود گردید فی الجمله او را از آشنایان قدیم
یاد می آید و با دوستان روحانی طرح اختلاط می اندازد و باهمان صورت و معنی عروج مینماید
و با روحانیان و قدسیان همزبان میگردد اما در اول شب چون پارهٔ از خیالات بیداری
در ضمیرش حاضر است هنوز در هوای تعلقات خود پرواز میکند و ربطش بآن عالم ناقص است
پس باین سبب شیاطین برو مستولی میشوند و خیالات و علائق باطله او را بصورتهای گوناگون
در نظر او در می آورند هر چند از اول شب دورتر میشود و نقش و خیالات بیداری بیشتر محو میشود
پرواز او بعالم بالا رساتر میشود تا آنکه چون وقت سحر میشود از تابین آسمان و زمین و هوا با و
خواهشهای بستنهائی رنگین بدر رفته بزیر عرش الهی بصحبت مقربان فائز گردیده استیلای شیاطین
ضعیف میشود و لطف ربانی ملائکه آسمانی را برای تنبیه غافلان و بیدار کردن از خواب غفلت
و راندن و دور کردن عساکر شیاطین و جنیان فرو میفرستد لهذا در آنوقت خوابهائی رحمانی
و افاضات سبحانی بر ارواح مؤمنان فائض میشود و ایشانرا برای نماز و تضرع و زاری و توبه
و پشیمانی آنچه در روز بغفلت کرده اند بیدار میکنند و باین سبب نماز شب را در آن وقت
مقرر ساخته اند و آیه کریمه إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا در شانش فرستاده
و حاصل مضمونش آنست که عبادتی که در شب کرده میشود موافقت دل با زبان در آن بیشتر است
و گفتار در آن درست تر است پس ای سعادتمندی که قدر آنوقت را بداند و اندازهٔ آن نعمتهای
بی اندازه را بشناسد و ملائکه روحانی را بر دفع وساوس شیطانی یاور خود گرداند و روح مقدس

خود را از آلودگیهای تعلقات دنیه پاک گردانیده بساحت قرب پروردگار خود رسانده در آن
وقت مبارک که هنگام راز و نیاز مقربان هست با خداوند بی نیاز خود را هم آواز ایشان گرداند
و قدری قدر خود را بداند و اندکی اصل خود را بیاد آورد و آن جوهر قدسی خود را بهای کم نفروشد
و آن طائر عرشی را در قفس علائق محبوس نگرداند وَفَّقَنَا اللّٰهُ تَعَالٰی وَسَائِرَ الْمُؤْمِنِیْنَ لِسُلُوْکِ
مَسَالِکِ الْمُقَرَّبِیْنَ وَالتَّنْبِیْهِ عَنْ نَوْمِ الْغَافِلِیْنَ و بدانکه چون این پردهای رنگارنگ تعلقات
جسمانی و شبهای الوان زینتهای دنیوی در وقت خواب و پیش دیده دل آویخته است
و با وجود پسماندگی بمراتب جلید باز بصیرتش باین خیالات آمیخته است لهذا در خواب چیزها بصورتهای
دیگر دیده میشود و هر چیزی را بسیار مناسبات شکلها و صورتها هست که در کلام الهی و سخنان
انبیا و اوصیا برای عقلهای ضعیف و بصیرتهای مؤف محبوسان سرای غرور بآنها مثل زده اند
چون ایشان خود را از معقولات معزول ساخته مدار ایشان بر محسوسات است لهذا معقولات را
در لباس محسوسات بایشان مینمایند چنانچه فرموده اند که دنیا مانند ماری هست که خط و خال نیکو
دارد و طفل نادان بآن فریفته می شود و در میانش زهر کشنده هست و چنانچه علم که باعث حیات
دلها هست تشبیه کرده اند بآب که باعث حیات بدنها است و چنانچه سبزی زمین بآب است
سبزی دلها بالعلم هست و چنانچه علم را بار دیگر بنور آفتاب و چراغ تشبیه کرده اند زیرا که نور تاریکهای
ظاهر را برطرف میسکند علم ظلمتهای شکوک و شبهات و تیرتهای جهالت و ضلالت را زائل میکند
و کلام حقتعالی و انبیا و اوصیا باین امثال مشحون است و سرش همان است که مذکور شد لهذا در
عالم خواب باعتبار ضعف بصیرت ایشان هر چیزی بصورتی نموده میشود و باین سبب خواب محتاج
بتعبیر میباشد و کار تعبیر کننده آنست که از آن صورتها بصورت مستقل شود چنانچه
کسی در خواب ببیند که در میان فضله افتاده است یا دستش بفضله آلوده شده است
معبر میداند که این صورت دنیا است که در پیش مردم آگاه از فضله و جیفه گندیده تر
است میداند که مال بدست او می آید یا می بیند که در میان آب است علمی او را
رو میدهد و این علمی است عظیم و مخصوص انبیا و اوصیا است و معجزه حضرت
یوسف تعبیر خواب بود و تحقیق این مقام محتاج بسطی هست که این رساله گنجائش آن ندارد و ان شاء الله

در کتاب دیگر در خاطر است اگر خدا خواهد بر وجه کامل مذکور شود و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا
علیه السلام منقول است که فرمود که بسیار است که خوابی می‌بینم و تعبیر خواب برای خود میکنم و خواب
بهمان نحو که تعبیر آن میکنم واقع میشود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که زنی در زمان حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم شوهرش در سفر بود بخواب دید که ستون خانه‌اش شکست بحضرت عرض
کرد حضرت فرمود که شوهرت می‌آید بسلامت پس چنان شد بار دیگر شوهرش بسفر رفت و او چنین
خوابی دید حضرت چنین تعبیر فرمود و شوهرش آمد باز مرتبه دیگر شوهرش بسفر رفت و او چنین خوابی
دید و بمرد شومی برخورد و این خواب را نقل کرد او گفت که شوهرش می‌میرد و چنان شد این خبر
بآن حضرت رسید فرمود که چرا تعبیر خواب خوب برای او نکرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم میفرمودند که خواب مومن در میان زمین و
آسمان بر بالای سرش پرواز میکند تا آنکه خود از برای خود تعبیر کند یا دیگری برای او تعبیر کند پس بآن نحو
که تعبیر کردند واقع می‌شود پس خواب خود را نقل مکنید مگر برای شخصی که عاقل باشد و در حدیث معتبر
دیگر از آنحضرت منقول است که خواب را نقل نمی باید کرد مگر برای مومنی که خالی باشد از حسد و عداوت
و طغیان و در حدیث حسن منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و گفت که
خوابی دیدم که آفتاب بر سرم تابیده بود و بر بدنم حضرت فرمود که نور ساطعی و دین کاملی بتو خواهد
رسید اگر همه ترا فرا میگرفت در دین حق غوطه میخوردی آن شخص گفت دیگران بپادشاهی
تاویل میکنند حضرت فرمود که کدام یک از پدران تو پادشاه بودند که تو این خیال میکنی و کدام پادشاهی
بهتر است از دین حق که بآن امید بهشت بهم میرسانی و در روایت دیگر منقول است که محمد بن
مسلم بخدمت آنحضرت عرض کرد که خواب دیدم که داخل خانه شدم زنم آمد و گردگان بسیاری
شکست و بر سرم ریخت حضرت فرمود که متعه خواهی کرد و زنت مطلع خواهد شد و رختهای تو
که بر بدنت پوشیده باشی پاره پاره خواهد کرد زیرا که پوست گردگان بمنزله جامه است محمد بن
مسلم گفت که چون صبح جمعه شد رختهائی بود که در عیدها میپوشیدم در بر کردم و بر در خانه نشستم
دختری گذشت او را طلبیدم و بخانه بردم و با او متعه کردم زنم مطلع شد و آمد بر سر من و آن دختر
گریخت و من در خانه ماندم رختهائی نو مرا پاره پاره کرد و منقول است که شخصی دیگر بآن حضرت

عرض کرد که خوابی دیدم و بسیار میترسم و امادی داشتم که مرده است خواب دیده ام که دست در
گردن من کرده و میترسم که بمیرم حضرت فرمود که انتظار مرگ بکش هر صبح و شام و از مرگ گریزان
مباش اما معانقه با مردگان علامت طول عمر است بگو که و اماد تو چه نام داشت گفت حسین
فرمود که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام نصیب تو خواهد شد زیرا که هر که معانقه با همنام
آن حضرت در خواب میکند توفیق زیارت آنحضرت می یابد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که هر که
در خواب بیند که در حرم است اگر ترسان باشد ایمن گردد و شخصی گفت در خواب دیدم که چوب نیزه
در دست داشتم فرمود که آهنی بر سرش بود گفت نه فرمود که اگر آهن در سر میداشت خدا ترا پسری
میداد چون آهن نداشته است خدا ترا دختری خواهد داد پس ساعتی صبر کرد بعد از آن پرسید
که آن نیزه چند بند داشت گفت دوازده بند فرمود دوازده دختر هم خواهی رسانید محمد بن یحیی
میگوید که من این حدیث را بشخصی نقل کردم او گفت که فرزندی از آن دخترانم دوازده خاله
دارم و در حدیث صحیح منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که من دیشب مولای
علی ابن یقطین را در خواب دیدم که در میان فرش سفیدی بود چنین تعبیر کرده ام که بدین حق در خواهد
آمد و در حدیث دیگر منقول است که یاسر خادم بخدمت امام رضا علیه السلام عرض کرد که در خواب
دیدم که هفده شیشه در میان قفصی افتاد ناگاه آن قفص افتاد و شیشه ها شکست حضرت فرمود که
اگر خوابت راست است شخصی میاید از اهل بیت و خویشان من هفده روز پادشاه شود بعد از آن
بمیرد پس محمد بن ابراهیم در کوفه با ابو السرایا خروج کرد و بعد از هفده روز بمرد و در روایت دیگر
منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که در خواب دیدم که قدحی از شیر
بدست من دادند آنقدر خوردم دیدم که از میان ناخنهایم بیرون می آید پرسیدند که بچه چیز تعبیر کردید فرمود که بعلم
و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که خواب
دیدم که از شهر کوفه بیرون رفتم و بموضع معروفی در آنجا شخصی از چوب دیدم که بر اسپ چوبی سوار بود
و شمشیری در دست داشت و حرکت میداد و من آنرا مشاهده میکردم و میترسیدم حضرت
فرمود که دلالت میکند بر این که تو میخواهی بفریب شخصی را از روزی خود برآوری از خدا بترس و مرگ را
بیاد آور چنین بکن آن شخص گفت که گواهی میدهم که خدا علم عظیم بتو داده است و علم را از معدنش

اخذ کرده بودست یکه شخصی از همسایگان من بنزد من آمد و گفت که مزرعه دارم و تو میخواهم بفروشم
من چون دیدم که مشتری دیگر بغیر از من ندارد در طلب گذرانیدم و عزم کردم که بقیمت بسیار
ارزانی بخرم فصل دهم در آداب بیداری و مذمت خواب بسیار از حضرت رسول صلی اللہ علیه
وآله وسلم منقول است که سخن گفتن و صحبت داشتن بعد از نماز خفتن مکروه است و در حدیث
معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که شب بیداری کشیدن خوب نیست مگر در سه چیز در نماز شب
کردن و سوم آن خواندن قرآن و در طلب علم و برای عروسی که بخانهٔ شوهر بفرستند و از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که پنج کس اند که بخواب نمیروند کسیکه قصد کشتن کسی داشته باشد و کسیکه
مال بسیار داشته باشد و امینی نداشته باشد که بر او اعتماد کند و کسیکه در میان مردم دروغ و بهتان
بسیار گفته باشد و کسیکه مال بسیاری از او خواهند و مال نداشته باشد و کسیکه محبوبی را خواهد و ترسد
که از او جدا شود و پدرم علیه الرحمه والرضوان میفرمود که ممکن است که این تشبیهی باشد مردمی را که
خواب غفلت بسیار میکنند زیرا که همه کس میباید که در پی کشتن نفس اماره خود باشد که دشمن
اندرونی است و پیوسته در کشتن این کس است و سرمایهٔ ایمان و طاعات که این کس دارد
امینی ندارد و نفس و شیطان و هواها و شهوات همه اتفاق کرده اند بر غارت آنها و دروغ و بهتان
بسیار گفته است هر کس را و از همه کس طاعات و بندگی بسیار میخواهند و آنچه باید تحصیل
نکرده اند و چون خدا محبوبی دارند و بخواب غفلت قرب او را از دست میدهند پس کسیکه این
همه اسباب بیداری در او باشد چگونه خواب کند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که عجب دارم از کسیکه دعوی محبت الهی میکند و شبها خواب میکند و از حضرت امیر المؤمنین
صلوات اللہ علیه وآله منقول است که هر که از شبیخون عذاب خدا بترسد باید که کم خواب کند
و منقول است که چهار چیز است که کمش بسیار است آتش و خواب بیماری و دشمنی و از حضرت
رسول صلی اللہ علیه وآله وسلم منقول است که مادر حضرت سلیمان علیه السلام باو میگفت که زنها
در شب خواب بسیار مکن که بسیاری خواب شب آدمی را در قیامت فقیر میگرداند و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که سه چیز را خدا دشمن میدارد خواب کردن بی آنکه بیداری کشیده باشد و خنده
کردن بی تعجبی و بسیار چیزی خوردن و فرمود که اول معصیتی که خدا را کردند شش چیز بود محبت دنیا

و محبت ریاست و محبت طعام و محبت زن و محبت خواب و محبت راحت و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقول است که شیطان را سرمه ایست که در دیدهای مردم میکشد و لعوقی
هست که در حلق مردم میکند و سعوطی هست که در بینی مردم میچکاند سرمه اش پینکی است
و لعوقش دروغ است و سعوطش تکبر است و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود
که مستی چهار است مستی خواب و مستی مال و مستی شراب و مستی پادشاهی و از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقول است که حضرت موسی مناجات کرد که پروردگارا کدام یک از بندگان
خود را بیشتر دشمن میداری خطاب رسید که آن کسیکه شب تا صباح مانند مردار افتاده است و روز را
ببطالت بشب میرساند و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که دیدهٔ خود را بخواب
عادت مده که هیچ عضوی در بدن شکر خدا کمتر از دیده نمیکند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که
خدا دشمن میدارد بسیار خواب کردن و بسیاری فارغ بودن را و فرمود که بسیار خواب دنیا
و آخرت را میبرد و بدانکه بسیاری بیداری کشیدن هم مذموم است در غیر شبهائی که بخصوص
احیای آنها وارد شده است تمام شب بیدار بودن کراهیت دارد و در اخبار وارد شده
است که دیده را بر آدمی حقی هست که ببسیار بیداری حق آنرا ضایع نباید کرد و بدانکه در خواب
و بیداری رو بآفتاب خوابیدن و نشستن کراهیت دارد چنانچه از حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه و آله منقول است که کسیکه در آفتاب نشیند پشت را بآفتاب کند که رو بآفتاب نشستن دردهای
پنهانی را ظاهر میکند و در حدیث دیگر فرمود که رو بآفتاب منشینید که موجب هیجان بخار است و
رو را متغیر میکند و جامه را کهنه میکند و دردهای اندرونی از آن بظهور می آید و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم بسند معتبر منقول است که در آفتاب چهار خصلت است رنگ را متغیر
میکند و بدن انسان را بد بو میکند و جامه را کهنه میکند و باعث دردها میشود فصل یازدهم در آداب
بیت الخلا چون خواهد که داخل بیت الخلا شود سر را بپوشاند و اگر بالای عمامه چیزی دیگر بر سر گیرد
بهتر است و بسم الله بگوید و دعا بخواند باین عنوان بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْخَبِیْثِ
الْمُخْبِثِ الرِّجْسِ النَّجِسِ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ و دیگر بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ رَبِّ اَخْرِجْ
عَنِّی الْاَذٰی سَرْحًا بِغَیْرِ حِسَابٍ وَاجْعَلْنِیْ لَكَ مِنَ الشَّاكِرِیْنَ فِیْمَا تَصْرِفُهٗ عَنِّیْ مِنَ الْاَذٰی

وَالْغَمِّ الَّذِی لَوْحَبَسْتَهُ عَنِّی هَلَکْتُ لَکَ الْحَمْدُ اَعْصِمْنِی مِنْ شَرِّ مَا فِی هٰذِهِ الْبُقْعَةِ
وَاَخْرِجْنِی مِنْهَا سَالِمًا وَحُلْ بَیْنِی وَبَیْنَ طَاعَةِ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ وچون داخل شود پای چپ را
مقدم دارد بنابر مشهور وحدیثی بنظر رسیده است وچون عورتش باز شود بسم الله بگوید
تا شیطان چشم برهم نهد ونظرش بعورت او نیفتد وچون در نشیند بگوید اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ
عَنِّی الْقَذٰی وَالْاَذٰی وَاجْعَلْنِی مِنَ الْمُتَطَهِّرِیْنَ وجمعی گفته اند که سنت است که تکیه بر پای
چپ کند وپای راست را گشاده گذارد وسندش بنظر نرسیده است وچون غائط یا بول بدشواری
بیرون آید وبعضی گفته اند که مطلقا ایندعا بخواند اَللّٰهُمَّ کَمَا اَطْعَمْتَنِیْهِ طَیِّبًا فِی عَافِیَةٍ فَاَخْرِجْهُ
مِنِّی خَبِیْثًا فِی عَافِیَةٍ ودر حدیث است که هر بنده را فرشته موکل است که سر او را بزیر می اندازد
در بیت الخلا که نظر بحدث خود کند پس آن فرشته میگوید که ای فرزند آدم این عاقبت خورشهای
تست که سعی بسیار در خوبی وپاکیزگی او میکردی پس فکر کن که از کجا بهم رسانیدی وعاقبت بکجا
رسید پس سزاوار آنست که دران حال بنده ایندعا بخواند اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی الْحَلَالَ وَجَنِّبْنِی
الْحَرَامَ وچون نظرش بآب استنجا افتد بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی جَعَلَ الْمَاءَ طَهُوْرًا وَلَمْ
یَجْعَلْهُ نَجِسًا وچون خواهد که استنجا کند بگوید اَللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِی وَاسْتُرْ عَوْرَتِی وَحَرِّمْنِی
عَلَی النَّارِ وَوَفِّقْنِی لِمَا یُقَرِّبُنِی مِنْکَ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ وچون برخیزد دست بر شکمش
بمالد وبگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی هَنَّانِی طَعَامِی وَشَرَابِی وَعَافَانِی مِنَ الْبَلْوٰی وچون خواهد
که بیرون آید پای راست را مقدم دارد بنابر مشهور ودست بر شکمش بمالد وبگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
عَرَّفَنِی لَذَّتَهُ وَاَبْقٰی فِی جَسَدِی قُوَّتَهُ وَاَخْرَجَ عَنِّی اَذَاهُ یَا لَهَا مِنْ نِعْمَةٍ لَا یَقْدِرُ
الْقَادِرُوْنَ قَدْرَهَا ودر بعضی از کتب حدیث یَا لَهَا مِنْ نِعْمَةٍ سه مرتبه وارد شده است
وسنت است که بعد از انقطاع قطرات بول استبرا کند وبعضی استبرا را واجب میدانند وطریق استبرا آنست
که انگشت میان دست چپ را از نزدیک مقعد گذشته بقوت بکشد تا زیر خصیتین سه مرتبه
وانگشت شهادت بزیر ذکر بگذارد وانگشت مهین را بر بالای آن بقوت بکشد تا سر ذکر سه مرتبه
واکثر علما گفته اند که سر ذکر را بفشارد سه مرتبه واین سندی ندارد وسنت است استنجا بآب سرد
کردن که دفع بواسیر میکند وبسیار نشستن در بیت الخلا مکروه است ومنقول است که حضرت

لقمان فرمود که بر در بیت الخلا نوشتند که بسیار نشستن در بیت الخلا باعث بواسیری می شود
و استنجا باستخوان یا سرگین کردن مکروه است زیرا که اجنه بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه
و آله وسلم آمدند و از برای خود و حیوانات خود طعامی طلبیدند حضرت استخوان برای ایشان
و سرگین برای حیوانات ایشان قرار داد باین سبب استخوان را پاک کردن خوب نیست و
همچنین استنجا بسائر مطعومات کردن خصوصاً نان کراهیت شدید دارد و استنجا بچیزهای محترمه
مثل تربت حضرت امام حسین ع و نوشته که در آن قرآن یا نام خدا یا نام پیغمبران یا نام ائمه صلوات الله
علیهم اجمعین یا حدیث یا فقه بوده باشد حرام است و اگر بر وجه استخفاف کند کافر میشود و استنجا بدست
راست کردن مطلقا مکروه است و بدست چپ هم مکروه است در صورتیکه در آن انگشتری باشد که
در آن اسم خدا باشد و الحاق کرده اند علما اسمای انبیاء و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین را
هرگاه بقصد نام ایشان کنده باشد و مکروه است باخود بردن به بیت الخلا چنین انگشتری را هرچند
در انگشت نباشد و همچنین باخود بردن قرآن و تعویذ دعا و همچنین باخود بردن نقره سکه دار مگر آنکه
در کیسه باشد و مکروه است مسواک کردن در بیت الخلا که باعث گند دهان می شود و مکروه است
حرف گفتن در آنحال مگر بذکر خدا و دعاهای مقرره و آیة الکرسی و حمد الهی کردن و آنچه مؤذن میگوید
از پی او گفتن چنانچه منقول است که حضرت موسی علیه السلام در مناجات با خداوند خود گفت
که حالتی چند بر من میگذرد که ترا از آن بزرگتر میدانم که در آن احوال ترا یاد کنم فرمود که ای موسی
در همه حال مرا یاد کن که یاد من در همه حال نیکو است و واجب است رد سلام یا اگر حضرت
رسول را بشنود صلوات بفرستد بنا بر قول جمعی و سنت است که اگر عطسه کند حمد بگوید و صلوات
بفرستد و جائز است که اگر کاری با کسی داشته باشد و ترسد که تا بیرون آمدن فوت شود و باشاره
و دست زدن اعلام نتوان کرد سخن بگوید و منقول است که هر که در بیت الخلا حرف بگوید حاجتش
برآورده نشود و مکروه است خوردن و آشامیدن در حال بول و غایط و استنجا بآبی کردن که
بویش متغیر شده باشد بغیر نجاست مگر آنکه آب دیگر یافته نشود فصل دوازدهم در بیان احوال
و اوضاع و مکانهائی که نهی از آنها وارد شده است واجب است که عورت خود را از ناظر
محترم بپوشاند نه از زن و متعه خود و نه از کنیزی که وطی آن تواند کرد و نه از اطفالی که تمیز نداشته

باشند و سایر حیوانات و عورت ذکر است و خصیتین و دبر و فرج زن و سنت است که تمام بدن را بپوشاند
یا آنکه پنهان شود در کوی یا در خانه و اگر در صحرا باشد دور شود که کسی جثه او را نبیند و اکثر علما برآنند که
حرام است رو بقبله کردن و پشت بقبله کردن در حال بول و غایط خواه در صحرا باشد و خواه در پناه و احوط
اجتناب است چنانچه از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که برابر قبله بول کند از روی
فراموشی پس بخاطرش آید از برای تعظیم و اجلال قبله برگردد و بجانب دیگر از انجا برخیزد مگر آنکه حق تعالی
او را بیامرزد و احوط آنست که در حالت استنجا نیز رو و پشت بقبله نکند و سنت است که رو و پشت
بمشرق یا بمغرب کند و این احکام نسبت ببلادی است که قبله آن مابین مشرق و مغرب باشد و احوط
آنست که از مابین مشرق و مغرب نیز اجتناب کند و احوط آنست که اگر قبله نداند سعی کند در معرفت
قبله تا خاطر جمع کند که رو و پشت بقبله نکرده باشد و اگر متعذر باشد باکی نیست و درین صورت اگر پشت
بقبله کند بهتر است و سنت است که از جهت بول بر جای بلندی و یا جائی که خاک بسیار داشته باشد
برود که تا خاطر جمع باشد که باد ترشح نمیکند چنانچه منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
از همه کس بیشتر احتراز از بول میکردند تا آنکه هرگاه اراده بول میکردند بجائی بلندی میرفتند یا جائی که
خاک نرم بسیار بود که مبادا بول ترشح کند و در احادیث بسیار وارد شده است که بیشتر عذاب قبر
از سهل شمردن بول و از کج خلقی است و در آب بول کردن مکروه است و در آب ایستاده بول کردن
بدتر است و در احادیث معتبره وارد شده است تجویز بول کردن در آب روان و وارد شده است
که در آب ایستاده بول کردن باعث تسلط اجنه و شیاطین است و مورث دیوانگی و غلبه فراموشی
است و بهتر آنست که غایط را هم در میان آب نکند و ایستاده بول کردن مکروه است بلکه غایط
را هم ایستاده کردن مکروه است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که ایستاده بول
کند بیم آنست که دیوانه شود و از جای بسیار بلند بول بزیر کردن مکروه است و مکروه است بول
کردن در سوراخ جانوران و بول و غائط کردن در مجرای آب هر چند آب ایستاده باشد و هم چنین
در میان راهها و کنار آبها و در مسجدها و نزدیک بدیوارهای مسجدها و در خانهها و در جاهائی که
بسبب آن مردم دشنام دهند و لعنت کنند و در زیر درختان میوه دار در وقتیکه میوه داشته
باشند زیرا که ملائکه در آنوقت بآن درختان می باشند که نگاه میدارند میوه را از ضرر جانوران و بعضی

گفته‌اند که در غیر وقت میوه هم مکروه است و در جاهائی که مردم قافله فرود می‌آیند و جاهائی که مردمان
در آن متأذی میشوند حتی از بوی آن و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقول است که حقتعالی لعنت کرده است کسی را که تخلی کند در سایه که قافله در آنجا منزل می‌کنند
و کسیکه منع میکند مردم را از آب مباحی که در چاهها و چشمه‌ها مردم بنوبت بر آن وارد می‌شوند
یا آبی که ملک جماعتی باشد و هر روز یا هر شب نوبت شخصی باشد که صاحب نوبت را منع کند و کسیکه راه شارع
مردم را سد کند به دیوار کشیدن یا راه بر ایشان تنگ کردن یا خوار کردن. باب پنجم در آداب حجامت و تنقیه و
خواص بعضی از دویه و دعاها که از برای امراض وارد شده و ذکر بعضی از ادعیه و سحر از فصل اول در ثواب بیماری و صبر کردن
بر آن و بیان شدت ابتلای مؤمنان در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سر بجانب آسمان بلند کرد و تبسم
فرمودند صحابه از سبب آن سوال کردند حضرت فرمود که تعجب کردم از دو ملک که از آسمان به
زمین فرود آمدند و بنده مؤمن صالحی را در جائی نمازش طلب کردند که عمل روز و شب او را بنویسند
و او را در جائی نمازش نیافتند بآسمان رفتند و گفتند پروردگارا فلان بنده ترا در جای نمازش
طلب کردیم و او را نیافتیم و او در بند بیماری است حقتعالی فرمود که بنویسید برای بنده من مثل آنچه
در حال صحت از اعمال خیر در شب و روز میکرده است تا مادام که در بند من است و در حدیث معتبر
دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که چون بر مؤمن ضعف پیری غالب شود
حقتعالی امر میفرماید که آنچه در قوت و جوانی میکرده است برای او بنویسید و همچنین ملکی را موکل
میگرداند که برای مؤمن بیمار بنویسید آنچه در حال صحت میکرده است از کارهای خیر و از برای کافر
بیمار بنویسید آنچه در صحت از کارهای بد میکرده است و در حدیث حسن و غیر آن از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقول است که بیداری یکشب از بیماری و درد بهتر است از عبادت یکسال و در حدیث
دیگر منقول است که حقتعالی ملک دست چپ را امر میفرماید که در ایام بیماری گناه بر مؤمن ننویسد
و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که بدنی که بیمار نگشد طغیان بهم میرساند
و خیری نیست در چنین بدنی و در حدیث دیگر فرمود که یکشب تب برابر است با عبادت یکسال و دو شب
تب برابر است با عبادت دو سال و سه شب تب برابر است با عبادت هفتاد سال و از حضرت صادق علیه السلام

که یک شب تب کفارهٔ گناهان گذشته و آینده است و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم منقول است که حقتعالی میفرماید که هر که سه شب بیماری بکشد و به احدی از عیادت
کنندگانش شکایت نکند بدل میکنم از برای او گوشتی بهتر از گوشت او و خونی بهتر از خون او پس
اگر او را عافیت دهم از گناهان پاک میکنم او را و اگر بمیرانم بسوی رحمت خود می برم او را و در احادیث
معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که یک شب بیماری بکشد و قبول کند آنرا آنچه
شرط قبول کردن است با آنکه صبر کند بر آنچه کشیده و چون صبح شود خدا را شکر کند حق تعالی
بفضل خود ثواب عبادت شصت ساله باو عطا فرماید و در حدیث حسن از آنحضرت منقول است
که حد شکایت نه اینست که بگوید که دیشب تا صبح خواب نبردم یا تب داشتم بلکه آنست که بگوید مبتلای
شده‌ام که هیچکس بآن مبتلا نشده است و آنچه بمن رسیده است بهیچکس نرسیده است
و مثل اینها و در حدیث دیگر فرمود که تب رسول مرگ است و زندان خدا است در زمین و گرمیش
از جهنم است و بهرهٔ مؤمن از جهنم همین است و از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما منقول
است که نیکو دردی است تب بهر عضوی میرساند بهره از بلاها و خیری نیست در کسی که بلا مبتلا نشود
و در روایت دیگر وارد شده است که مؤمن چون تب میکند گناهان از او میریزد مانند برگ از درخت
و اگر بر رختخواب خوابیده ناله‌اش ثواب سُبْحَانَ اللهِ دارد و فریادش ثواب لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ دارد و از
پهلو به پهلو که میگردد مانند کسی است که در راه خدا شمشیر زند و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقول است که بیماری برای مؤمن پاک کنندهٔ اوست از گناهان و رحمت الهی است نسبت باو
و از برای کافر عذاب و لعنت است و فرمود که یک شب درد سر هر گناهی را برطرف میکند مگر گناهان کبیره
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون حقتعالی بنده را دوست دارد یکی از سه تحفه
برای او میفرستد تب یا درد سر یا درد چشم و در احادیث معتبره بسیار وارد شده که بلای پیغمبران
از همه کس شدیدتر است پس از بعد از ایشان اوصیای ایشان پس بعد از اوصیا هر که نیکوتر و فاضلتر
است و مؤمن بقدر ایمان و اعمال نیکش بلا باو میرسد پس هر که ایمانش صحیح‌تر و عملش نیکوتر است
بلایش بیشتر است پس هر که ایمانش ضعیف‌تر و عمل نیکش کمتر است بلایش کمتر است و در احادیث
معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ثواب عظیم با بلای عظیم میباشد و هیچ گروهی را

خدا دوست میدارد مگر آنکہ ایشان را مبتلا ببلا میگرداند فرمود کہ حقتعالی را بندگان خالص است
کہ از آسمان ہیچ تحفہ بر زمین نمیفرستد مگر آنکہ از ایشان میگرداند بسوی غیر ایشان و ہیچ بلائی
نمیفرستد مگر آنکہ میگرداند از دیگران بسوی ایشان و بروایت معتبرۂ دیگر از حضرت امام محمد باقر
علیہ السلام منقول است کہ چون حقتعالی بندہ را دوست میدارد غوطہ میدہد او را در بلا غوطہ
دادنی و میریزد بر و بلا را ریختنی پس اگر خدا را برای دفع آن بلا بخواند حقتعالی میفرماید لبیک
ای بندہ من اگر زود بتو بدہم آنچہ طلبیدی قادرم بر آن و اگر ذخیرہ کنم برای روز جزا بہتر است
از برای تو و در حدیث حسن از حضرت صادق علیہ السلام منقول است کہ مؤمن چہل شب بر و
نمیگذرد مگر آنکہ او را امری رو میدہد کہ اندوہگین مے شود کہ بسبب آن متذکر و آگاہ گردد و در
حدیث صحیح از آنحضرت منقول است کہ در بہشت منزلی ہست کہ ہیچکس بآن منزل نمیرسد مگر
آنکہ بلائی ببدن او برسد و فرمود کہ اگر مؤمن بداند کہ در مصیبتہا چہ ثواب برای او ہست ہر آینہ
آرزو کند کہ بدنش را بمقراض پارہ پارہ کنند و حضرت امام محمد باقر علیہ السلام فرمود کہ خدا تعالی
یاد میکند مؤمن را بہ تحفہ بلا چنانچہ کسی از سفر تحفہ برای اہل خود بفرستد و او را پرہیز میفرماید از دنیا چنانچہ طبیب بیمار را پرہیز
میفرماید از چیزی کہ بآو ضرر میرساند و از حضرت صادق علیہ السلام منقول است کہ شخصی حضرت رسول
صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را بخانہ خود طلبیدہ حضرت چون داخل خانہ او شدند دیدند کہ مرغی بر بالای
دیوار بیضہ گذاشت و آن تخم افتاد بر روی میخی کہ در میان دیوار بود و بند شد و نیفتاد و نشکست حضرت
تعجب نمودند آن شخص گفت کہ ازین تعجب میفرمائید بحق آنخداوندی کہ ترا براستی فرستادہ است
کہ ہرگز نقصان بمن نرسیدہ است حضرت برخاستند و طعام او را تناول نفرمودند و گفتند
کہ ہر کہ نقصانی باو نرسد امید خیر در او نیست و در حدیث دیگر فرمود کہ خدا مؤمن را بہر بلائے
مبتلا میکند و بہر مرگی در آخر میراند اما عقلش را برطرف نمیکند نمی بینی کہ شیطان بر مال و فرزندان
و اہل حضرت ایوب مسلط شد و بر عقلش مسلط نشد کہ بآن عقل خدا را بہ یگانگی بشناسد و در حدیث
حسن دیگر فرمود کہ حقتعالی میفرماید کہ اگر نہ این بود کہ مؤمن در دل خود چیزی مے یافت ہر آینہ عصابہ
بر سر کافر می بستم کہ ہرگز درد سر باو نرسد فصل دوم در فضیلت و آداب حجامت بسند صحیح
از حضرت صادق علیہ السلام منقول است کہ دوا چہار چیز است حجامت کردن و دوا را در بینی

چکانیدن و حقنه و قی کردن و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت گذشتند بر جماعتی که حجامت
میکردند فرمودند که چه میشد شما را اگر تاخیر میکردند تا پسین روز یکشنبه که در در اینها بیشتر از بدن کشیده میشد
و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم در روز دوشنبه حجامت میکردند
و با اجرت حجام گندم میدادند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
در روز دوشنبه بعد از عصر حجامت میکردند و فرمود که حجامت کردن در سه روز دوشنبه درد را
از بدن میکشد کشیدنی و در روایت دیگر منقولست که شخصی دید که حضرت امام موسی علیه السلام
در روز جمعه حجامت میکردند گفت فدایتو شوم در روز جمعه حجامت میکنی حضرت فرمود که هرگاه
خون زیادتی کند بر تو خواه در شب خواه در روز آیة الکرسی بخوان و حجامت بکن و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر که حجامت کند در روز سه شنبه هفدهم یا چهاردهم
یا بیست و یکم ماه او را شفا دهد از دردهای همه سال و شفا بخشد او را از درد سر و درد دندان و
دیوانگی و خوره و پیسی و در روایت دیگر منقول است که شخصی دید که حضرت امام علی النقی علیه السلام
در روز چهارشنبه حجامت میکردند گفت که اهل مکه و مدینه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
روایت میکنند که هر که در روز چهارشنبه حجامت کند و پیس شود ملامت نکند مگر خود را فرمود
که دروغ میگویند کسی پیس شود که یا در حالت حیض یا حامله شده باشد و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که هر که خواهد که حجامت کند باید که در روز پنجشنبه حجامت کند بدرستیکه در شب جمعه
خون از جای خود حرکت میکند از ترس قیامت و بجای خود بر نمیگردد تا صبح روز پنجشنبه و فرمود که
هر که حجامت کند در پنجشنبه آخر ماه در اول روز درد را از بدنش بکشد و در حدیث دیگر فرمود که چون
حجامت کنی و خون از محل حجامت بیرون آید پس بگو پیش از آنکه محجمه را برگیرند بِسْمِ اللّٰهِ اَعُوذُ
بِاللّٰهِ الْكَرِيمِ فِي حِجَامَتِي هٰذِهِ مِنَ الْعَيْنِ فِي الدَّمِ وَمِنْ كُلِّ سُوْءٍ و در حدیث دیگر فرمود
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله حجامت در سر و در میان هر دو کتف و در پشت گردن میکردند
و یکی را نافعه میگفتند و دیگری را مغیثه یعنی بفریاد رسنده و سیوم را منقذه یعنی خلاص کننده از
بلاها و در روایت دیگر فرمود که منقذه آنست که از سر یعنی سر کنی بجانب بالا و هر جا که برسد آنجا
حجامت کنی و در روایت معتبر منقول است که حضرت امام موسی علیه السلام در روز چهارشنبه

حجامت کردند و تب برطرف نشد پس در روز جمعه حجامت کردند و تب برطرف شد و از حضرت
امام رضا علیه السلام منقول است که هر که در چهارشنبه آخر ماه حجامت کند برای رد بر اهل طیره
عافیت یابد از هر بلائی و محفوظ ماند از هر دردی و محل حجامتش سبز نشود و در روایت دیگر منقول
است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بعد از عصر حجامت کردند و از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه و آله منقول است که حجامت کردن بدن را صحیح میکند و عقل را محکم میکند و فرمود که
حجامت مکنید در روز چهارشنبه که روز نحسی است و در روز جمعه ساعتی هست که هر که در آن
ساعت حجامت کند بمیرد و در حدیث دیگر فرمود که روز سه شنبه روز خون گرفتن است و در
روایت دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی وارد شده است از حجامت کردن
در روز چهارشنبه و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که در روز پنجشنبه حجامت
مکنید و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که اگر در چیزی شفا هست
در شیشه حجام و در خوردن عسل است و فرمود که نیکو عادتی است حجامت دیده را جلا میدهد
و درد بیماری را برد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که جبرئیل علیه السلام برای حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم سواک و خلال و حجامت را آورده و در فقه الرضا مذکور است که چون
اراده حجامت کنی چهار زانو در پیش حجام بنشین و بگو بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ
الْکَرِیْمِ فِیْ حِجَامَتِیْ مِنَ الْعَیْنِ فِی الدَّمِ وَمِنْ کُلِّ سُوْءٍ وَاَعْلَالٍ وَاَمْرَاضٍ وَاَسْقَامٍ وَاَوْجَاعٍ
وَاَسْئَلُکَ الْعَافِیَةَ وَالْمُعَافَاةَ وَالشِّفَاءَ مِنْ کُلِّ دَاءٍ و در حدیث دیگر منقول است که بحضرت
صادق علیه السلام عرض کردند که مردم مدینه میدانند حجامت در روز سه شنبه چهارشنبه را اختیار نمود
آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هرگاه کسی زیادتی خون در خود بیابد پس حجامت
کند که مبادا او را بکشد و فرمود که اول سه شنبه که از آذر ماه رومی که ماه اول بهار است حجامت کند
باعث صحت بدن آدمی شود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم را هیچ آزاری بهم نرسید مگر آنکه پناه بحجامت می برد و در حدیث دیگر فرمود
که حجامت سر شفای همه دردهاست بغیر از مرگ و در حدیث دیگر فرمود که هر که نظر کند با جل محتمه
از خون او که بریزند امان یابد از درد چشم تا حجامت دیگر و در روایتی از حضرت صادق علیه السلام

منقول است که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حجامت میکردند بآب سرد غسل میکردند
تا حرارت خون فرو نشیند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حجامت
اول در پشت گردن میکردند پس جبرئیل آمد و امر کرد آنحضرت را بحجامت ما بین دو کتف و در
حدیث دیگر فرمود که حضرت صادق علیه السلام حجامت کردند و بعد از حجامت سیاه دانه و قند
یا نبات طلبیدند و تناول نمودند و فرمودند که خون صافی را متولد میکند و حرارت را قطع میکند
و از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه منقول است که انار شیرین بعد از حجامت خون را ساکن
و خون اندرون را صاف میکند و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که حجامت روز شنبه باعث ضعف میشود
و در روایت دیگر منقولست که بسیار بود که حضرت امام رضا علیه السلام در شب زیادتی خون یافتند
در آن وقت حجامت میکردند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در ماه مبارک رمضان
بهتر آنست که در شب حجامت کنند و فرمود که حجامت یا در روز یکشنبه است و حجامت بیان یا در روز سه‌شنبه است و فرمود که
در نهار حجامت بی ناشتا مکن یا اندک چیزی بخوری که بیشتر باعث بیرون آمدن خون و قوت بدن میشود
و فرمود که چون بعد از اکل حجامت کنند خون جمع میشود و خون فاسد را بیرون میکند و اگر پیش از
اکل باشد خون صالح بیرون میرود و خون فاسد در بدن میماند و زید شحام میگوید که در خدمت
حضرت صادق علیه السلام بودم که حجام را طلبیدند و فرمودند که محجمه خود را بشو و بند کن پس انار
طلبیدند و تناول فرمودند و چون از حجامت فارغ شدند انار دیگر طلبیدند و تناول فرمودند
و گفتند که خوردن انار درین وقت صفرا را فرو می‌نشاند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام از ابو بصیر
پرسیدند که مردم بعد از حجامت چه چیز می‌خورند گفت برگ کاسنی و سرکه فرمود که باکی نیست
و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است کسیکه خواهد حجامت کند در روز شنبه کند و فرمود
که حجامت کردن در روز یکشنبه شفائی همه دردها است و در روایت دیگر وارد شده است
که نباید کرد حجامت در روز چهارشنبه هرگاه قمر در عقرب باشد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول
است که در روز پنجشنبه خون در موضع حجامت جمع میشود پس چون ظهر شد در بدن متفرق میشود
پس حجامت را پیش از ظهر بکنید و در حدیث دیگر نهی وارد شده است از حجامت کردن در وقت
ظهر در روز جمعه و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که هفتم ماه حزیران رومی که در اول

تا بستان است حجامت بکن و اگر نشود در چهاردهم بکن و حضرت صادق علیه السلام فرمود که حجامت را در چهار روز بجا آرید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که حجامت در گودی پشت سر موجب غلبۂ فراموشی است و حضرت صادق علیه السلام فرمود که حجامت سر نفع بسیار دهنده است و برائی هر دردی نافع است بغیر از مرگ پس از هر دو طرف ابرو شبر کردند بجانب پشت و بآنجا که انگشت ها رسید نشان دادند که در اینجا حجامت میباید کرد و در روایت دیگر منقول است که در روز سه شنبه ساعتی هست که اگر حجامت در آنساعت اتفاق افتد خون در بدن بند نمی شود تا بمیرد و فرمود که هر که در وقت ظهر روز جمعه حجامت کند و بلائی باو برسد ملامت نکند مگر خود را و در حدیث دیگر فرمود که آیة الکرسی بخوان در هر روز که خواهی حجامت بکن و فرمود که حجامت سر نافع است برائی دیوانگی و خوره و پیسی و درد دندان و در حدیث دیگر تاریکی چشم و درد سر و غلبۂ خواب و فرمود که چون طفل چهار ماهه شود هر ماه او را یکبار حجامت کنید در گودی پشت سر که لعابش را خشک میکند و حرارت را از سر و بدنش میکشد و منقول است که حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه طبیبی را طلبیدند و فرمودند که رگ کف دست را بگشاید و منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد جگر حضرت او را فصد پا فرمودند و شخصی دیگر از خارش بدن شکایت کرد فرمودند که سه مرتبه هر دو پا را حجامت کن در پشت پا و در میان کعب و بند پا و شخصی بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام شکایت کرد از جرب فرمود که فصد پائی راست بکن و بقدر دو درهم روغن بادام شیرین بر روی آب کشک بریز و بخور و ماهی و سرکه مخور و شخصی دیگر بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از جرب فرمود که رگ اکحل را بگشا

فصل سیوم در بیان انواع تداوی که از ائمه علیه السلام وارد شده است

و بیان جواز رجوع به اطبا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که درد سه است و دوا سه است پس درد مره است یعنی صفرا و سودا و بلغم و خون و دوائی خون حجامت است و دوائی مره مسهل است و دوائی بلغم حمام است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دوائی پیغمبران است حجامت کردن و نوره کشیدن و دوا در دماغ چکانیدن و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که بهترین چیزهائی که شما معالجه کنید دوا در بینی چکانیدن و حجامت کردن

و حمام رفتن و در حدیث دیگر فرمود که طبابت عرب در حجامت و حقنه است و آخر دوای
ایشان داغ کردن است و در حدیث دیگر فرمود که طبابت عرب در هفت چیز است
حجامت و حقنه و دارو در بینی چکانیدن و حمام رفتن و قی و خوردن عسل و آخر دوای ایشان داغ
است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حقنه از جمله دواهای عظیم است
و شکم را بزرگ میکند و فرمود که دوا چهار چیز است حجامت و دارو مالیدن و قی کردن و حقنه
کردن و فرمود که طب عربان حجامت و حقنه و حمام و قی و دارو در بینی چکانیدن و آخر دوا
داغ سوختن است و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که بهترین چیزهائی که بآن مداومت کنید حقنه است شکم را
فربه میکند و دردهای اندرون را پاک میکند و بدن را قوت میدهد و فرمود که روغن بنفشه در بینی
بچکانید و در فقه الرضا مذکور است که حمیه و امساک سر همه دواهاست و معده خانه همه دردهاست
و هر بدنی را بده آنچه او را عادت فرموده و فرمود که اجتناب کن از دوا خوردن تا بدنت تاب
درد دارد و فرمود که هرگاه گرسنه شوی طعام بخور و هرگاه تشنه شوی آب بخور و هرگاه که بول آید
بول بکن و تا مضطر نشوی جماع مکن و هرگاه ترا خواب گیرد خواب کن چون چنین کنی بدنت صحیح
باشد همیشه و فرمود که حقتعالی دوا را مانع میشود از تاثیر کردن تا وقتیکه مقدر شده است
که آن مرض تا آنوقت باشد و چون آن مدت منقضی شود او را رخصت اثر میدهد و بآن دوا
شفا می یابد مگر آنکه پیش از آن مدت دعا یا تصدق یا کارهای خیر بکند که خدا پیشتر از آن مدت دوا را
رخصت تاثیر بدهد و فرمود که در عسل شفائی هر دردی است که هر که یک انگشت عسل ناشتا بخورد
بلغم را دفع میکند و سودا را برطرف میکند و ذهن را صاف میکند و قوت میدهد حافظه را هرگاه
با کندر خورده شود و آب سرد حرارت و صفرا را فرو می نشاند و طعام را هضم میکند و اخلاطی که
در فم معده است میگدازد و تب را برطرف میکند و فرمود که اگر چیزی بدن را فربه میکند مالیدن
بدن است و جامه های نرم پوشیدن و بوی خوش کردن و حمام رفتن و اگر مرده را ملالنگی کنند
و زنده شود بعید نیست و تصدق بلاهای آسمانی را دفع میکند و قضاهای محکم را برطرف میکند و
بیماری را می برد چیزی مثل دعا و تصدق و آب سرد و فرمود که منتهای پرهیز و امساک

چهارده روز است و پرهیز آن است که چیزی نخورد بلکه آن است که کمتر بخورد و فرمود که صحت و
مرض در بدن آدمی بایکدیگر در مقام معارضه و مقابله اند پس هر وقت که صحت غالب آید بیمار
بشود می آید و اشتهای طعام بهم میرساند پس هرگاه طعام بطلبد بدهید شاید شفایش در آن
باشد و فرمود که شفای هر درد در قرآن هست پس بیماران خود را مداوا کنید بتصدق و طلب شفا
کنید بقرآن که هر کرا قرآن شفا ندهد هیچ چیز شفای او نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
مرویست که هر که درد یا ورم در بدن خود یابد و حرارت بر مزاج خود غالب یابد با زنان جماع کند
که حرارت را فرو می نشاند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عامه دردها و بیماریها
از غلبهٔ سودا و صفرا و خون سوخته شده و بلغم زیاده می باشد پس باید که آدمی تعهد احوال خود بکند
پیش از آنکه اینها بر او غالب شود و او را هلاک کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
به اسانید معتبره منقول است که دوا کنید بیماران خود را بتصدق و فرمود که تصدق بلاهای محکم را
دفع میکند و فرمود که تصدق مرگهای بد را از صاحبش دفع میکند و در روایت دیگر منقول است
که شخصی بحضرت امام موسی علیه السلام عرض کرد که من با ده نفر از عیالم همه بیماریم فرمود که ایشان را دوا
کنید بتصدق که هیچ چیز بیشتر و زودتر از تصدق نفع نمیکند و بسند معتبر از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که شخصی بیمار شد حضرت امیر المؤمنین ع باو فرمود که از زن خود یک درهم
از مهری که باو داده بطلب که بتو بخشد و عسل بخر و با آب باران بخور آن شخص چنین کرد و شفا یافت
از سبب آن پرسیدند از آنحضرت فرمود که حقتعالی میفرماید که اگر زنان از مهر خود بشما بطیب خاطر
چیزی ببخشند بخورید گوارا و با عاقبت نیک و در باب عسل میفرماید که در آن شفاست از همه دردها
از برای مردمان و در آب باران میفرماید که فرستادیم از آسمان آبی مبارک پس در اینجا گوارائی و
حسن عاقبت و برکت و شفا همه جمع شد و در حدیث دیگر منقولست که مرد پیری بخدمت حضرت
صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که دردی دارم و برای آن اطبا شراب گفته اند میخورم حضرت
فرمود که چرا دوا از خود نمیکنی آبی را که خدا فرموده است که همه چیز با آن زنده است گفت با من موافقت
نمیکند فرمود که چرا عسل نمیخوری که خدا شفای مردمان گردانیده است گفت بدستم نمی آید فرمود که چرا
شیر نمیخوری که گوشت و استخوان بدنت از شیر پرورده است گفت با طبعم موافقت نمیکند فرمود

میخواهی که ترا رخصت بدهم که شراب بخوری والله که هرگز چنین نکنم و در حدیث معتبر از آنحضرت
منقول است که راه رفتن بیمار باعث نکس مرض و زیادتی آن میشود و در حدیث معتبر دیگر منقول
است که شخصی بخدمت آنحضرت عرض کرد که بیماران که نزد ما بیمار میشوند اطبا ایشانرا امر بامساک
و پرهیز می‌کنند فرمود که ما اهلبیت امساک نمیکنیم مگر از خرما و خود را مداوا میکنیم بسیب و آب سرد
پرسید که چرا امساک از خرما می کنید فرمود برای آنکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم
حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله را در بیماری از آن امساک فرمود و در روایت
دیگر از آنحضرت پرسیدند که تا چند روز میباید پرهیز و امساک بیمار را فرمود که تا ده روز و در روایت
دیگر یازده روز و در حدیث دیگر فرمود که امساک و پرهیز بعد از هفت روز دیگر نفعی ندارد
و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که پرهیز آن نیست که در اصل چیزی نخوری بلکه
آنست که بخوری و کم بخوری و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که حضرت موسی بن عمران علیه السلام مناجات کرد که پروردگارا درد از کجا میرسد خطاب رسید
که از من پرسید که دوا از کیست خطاب رسید که از من پرسید که پس چه می کنند مردم این حکیمان را
خطاب رسید که دلهای مردم را خوش میکنند و در حدیث صحیح منقول است که علی بن جعفر از
امام موسی علیه السلام سوال کرد از داغ کردن بیماران و تعویذها و افسانه ها بر ایشان خواندن فرمود
که باکی نیست در داغ کردن و افسانه که معنیش را دانی و در حدیث صحیح دیگر منقول است که شخصی
از آنحضرت پرسید که من محتاج میشوم بطبیب نصرانی و یهود و او بمعالجه میبرم و برو سلام میکنم
و او را دعا میکنم فرمود که باکی نیست دعا و سلام تو باو نفعی نمیرساند و در حدیث دیگر فرمود که
تا ممکن است رجوع بمعالجه طبیبان مکنید که این مانند عمارت کردن است که اندکش بسیار
میکشد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که مسلمانرا باید که دوا نکند
تا غالب نشود بیماری او بر صحتش و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که صحتش بر بیماریش غالب
باشد و معالجه کند و بمیرد من از و بیزارم و در حدیث دیگر فرمود که هر که با این حال دوا بخورد
اعانت بر کشتن خود کرده است و در حدیث دیگر منقول است که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
پرسیدند که معالجه طبیب یهودی و نصرانی میتوان کرد فرمود که باکی نیست شفا بدست خداست

و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که شخصی دوا میخورد و گاه هست که او را
میکشد و گاه هست که شفا می یابد اما بیشتر آنست که شفا می یابد فرمود که حقتعالی دوا را فرستاده
است و شفا میفرستد و هیچ دردی خلق نکرده است مگر آنکه دوائی برای آن آفریده است بخورد
نام خدا ببر در وقت خوردن و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند که زنی یا مردی چشمش
آب سیاه می آورد و اطبا میگویند که چشم ترا میل میزنیم میباید که یکماه یا چهل روز بر پشت
بخوابی و حرکت نکنی و با این حال نماز با ایما میباید بکنی حضرت فرمود که چون مضطر است باکی
نیست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که پیغمبری از پیغمبران بیمار شد پس گفت که
دوا نمیکنم تا آن کسیکه مرا درد داده است شفا بدهد حقتعالی باو وحی فرستاد که تا دوا نکنی من شفا
ندهم و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بآنحضرت عرض کرد که من حیوانات بیمار را می برم و داغ میکنم
بآتش فرمود که باکی نیست گفت که دواهائی تلخ که سمیت دارد بجهت دوا میدهم مثل غاریقون فرمود
که باکی نیست گفت که گاه هست که میمیرد حضرت فرمود هر چند که بمیرد باکی نیست گفت که گاه هست
که شراب و بوزه میدهم که بخورند فرمود که در حرام شفائی باشد و در حدیث معتبر دیگر منقول است
که شخصی بآن حضرت عرض کرد که شخصی دوا میخورد و رگهائی بدنش را میبرند گاه منتفع میشود و بسیار است
که او را میکشد فرمود که بکنید و در حدیث دیگر عرض کردند که میکه داغ میسوزانند بربدن و گاه هست
که میکشد فرمود که شخصی در زمان پیغمبر داغ میسوزانید و حضرت ببالای سرش ایستاده بودند و در
حدیث معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیهما منقول است که هیچ دوائی نیست مگر آنکه در
بدن دردی را برمی انگیزد و هیچ چیز در بدن نافعتر از این نیست که تا محتاج نشوی تصرف در بدن نکنی
فصل چهارم در معالجه انواع تپ در احادیث بسیار وارد شده است که امداد ائمه تپ را
بگرستن آب سرد بر بدن و خوردن سیب و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تپ از بوی جهنم است فرو
نشانید حرارت آنرا بآب سرد و در حدیث دیگر فرمود که برای دفع تپ هیچ چیز نافعتر از دعا و آب
سرد نیست و از مفضل منقول است که بخدمت آنحضرت رفت در ایام تابستان و آنحضرت تپ
داشتند دید که طبقی گذاشته است پر از سیب سبز عرض کرد که مردم این را خوب نمیدانند برای
تپ فرمود که این تپ را برطرف میکند و حرارت را فرو می نشاند و در حدیث دیگر فرمود که معده

ده درهم قند با آب سرد ناشتا خوردن برای دفع تپ نافع است و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقول است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نزد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه آمدند و آنحضرت تپ داشت فرمودند که سنجد تناول فرماید و از حضرت امام موسی علیه
السلام منقول است که خاریدن بدن و غلبه خواب و ثبورها و دنبلها علامت زیادتی خون است
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است که بشکنید گرمی تپ را به بنفشه و آب سرد
و در تابستان بر بدن صاحب تپ آب سرد بریزند و فرمود که یاد ما اهل بیت کردن شفا است
از تپ و جمیع دردها و وسواس شیطانی و فرمود که بخورید آب باران که بدن شما را پاک میکند
و دردها را دفع میکند و در حدیث معتبر منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از شخصی پرسید
که شما بیماران خود را به چه چیز دوا میکنید گفت بداروهای تلخ فرمود که هرگاه کسی از شما بیمار شود قند سفید
بکوبید و آب سرد بر رو بریزید و باو بخورانید که آن خداوندی که بتلخ شفا میدهد قادر است که بشیرین
شفا بدهد و در حدیث دیگر فرمود که کباب دفع تپ میکند و در حدیث دیگر فرمود که آب دفع تپ میکند و فرمود
که دو ماه بیماری کشیدم خدا ما را الهام کرد که برنج را گفتم که شستند و اندکی بر روی آتش بو دادند و در آسیا
خورد کردند و پاره‌ای سفوف کردم و پاره را در میان آب کردم و خوردم بر طرف گردید و فرمود که تپ اولاد پیغمبران
دو برابر دیگران میباشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که علاج تپ به سه چیز
میباشد بقی و عرق و سنبل و از ابراهیم جعفی منقول است که بخدمت حضرت صادق علیه السلام
رفت و شکایت کرد از تپ ربع فرمود که نبات یا قند را بسائی و در میان آب بریز و ناشتا و
هر وقت که احتیاج به آب خوردن شود بخور چنان کرد بزودی شفا یافت و حضرت امام موسی
علیه السلام فرمود که در معالجه تپ غب گرسنه عسل و سیاه دانه را با هم ممزوج کن و سه انگشت
از آن بخور که این هر دو مبارک است و خدا عسل را فرموده که شفاست و حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله وسلم فرمود که در سیاه دانه شفای همه دردها است مگر مرگ و از حضرت امام علی نقی
صلوات الله علیه و آله منقول است که بهترین چیزها برای تپ ربع آنست که در روز نوبت پالوده
عسل بسازی و زعفران بسیار در آن بکنی و در آن روز غیر آن چیز نخوری و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقول است که این تعویذ است برای شیعیان از تپ یا الله یا رب الارباب و یا سید السادات

وَیا اِلٰهَ الْآلِهَةِ وَیا مالِکَ الْمُلُوکِ وَیا جَبّارَ السَّماواتِ وَالْاَرْضِ اِشْفِنی وَعافِنی مِنْ
داءِی هٰذا فَاِنّی عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ اَتَقَلَّبُ فی قَبْضَتِکَ وَناصِیَتی بِیَدِکَ سه مرتبه
این دعا را میخوانی تا خدا ترا شفا دهد بحول و قوت خود و در روایت معتبر وارد شده است که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم را تب شدیدی عارض شد جبرئیل آمد و این عوذه را آنحضرت خواند و در ساعت تب زائل شد
بِسْمِ اللهِ اُرْقیکَ بِسْمِ اللهِ اَشْفیکَ بِسْمِ اللهِ مِنْ کُلِّ داءٍ یُعْییکَ بِسْمِ اللهِ وَاللهُ شافیکَ
بِسْمِ اللهِ خُذْها فَلْتَهْنَئْکَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ فَلا اُقْسِمُ بِمَواقِعِ النُّجُومِ لَتَبْرَءَنَّ
بِاِذْنِ اللهِ و در چند حدیث معتبر منقول است که بر هیچ بیماری و صاحب دردی هفتاد مرتبه سوره
حمد خوانده نمیشود مگر آنکه آن درد ساکن میشود و در روایت دیگر منقول است که شخصی بخدمت
حضرت صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که یک ماه است که تب میکنم و آنچه اطبا گفتند بعمل
آوردم و برطرف نشد حضرت فرمود که بند های پیراهن خود را بگشا و سر را در گریبان پیراهن
داخل کن و اذان و اقامت بگو و هفت مرتبه سوره حمد بخوان آن شخص گفت که چنان کردم
گویا که از بندی رها شدم و در حدیث دیگر منقول است که یکی از فرزندان آن حضرت بیمار شد فرمود
ده مرتبه یا الله بگو که هیچ مؤمنی نمیگوید مگر آنکه حقتعالی میفرماید که لبیک حاجت خود را بگو و در
حدیث دیگر فرمود که هر کرا علتی عارض شود هفت مرتبه سوره حمد بخواند و اگر برطرف نشود هفتاد مرتبه
بخواند که من ضامنم که آن علت برطرف شود و در حدیث معتبر منقول است از داود بن فرقد که
گفت بیمار شدم در مدینه بیماری شدیدی چون این خبر بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام رسید
بمن نوشتند که یک صاع گندم بخر و بر پشت بخواب و آن گندم را بر سینه خود بریز و بگو اَللّٰهُمَّ
اِنّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذی اِذا سَئَلَکَ بِهِ الْمُضْطَرُّ کَشَفْتَ ما بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَمَکَّنْتَ
لَهُ فِی الْاَرْضِ وَجَعَلْتَهُ خَلیفَتَکَ عَلی خَلْقِکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ
بَیْتِهِ وَاَنْ تُعافِیَنی مِنْ عِلَّتی پس درست بنشین و گندم را جمع کن و باز آن دعا را بخوان و آن
گندم را چهار حصه کن هر حصه بیک فقیر بده و باز دعا بخوان داود گفت که من چنین کردم گویا از بندی
رها شدم و بسیار کسان کردند شفا یافتند و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که چون نزد
بیماری روی هفت مرتبه بگوئی اُعیذُکَ بِاللهِ الْعَظیمِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ مِنْ شَرِّ کُلِّ عِرْقٍ

نارِ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ و در حدیث دیگر فرمود که سوره حمد و قل هو الله احد و انا انزلناه فی
لیلة القدر و آیة الکرسی بخوان پس بانگشت شهادت بر پهلوی بیمار بنویس اللّٰهمّ ارحم
جِلْدَهُ الرَّقِیقَ وَعَظْمَهُ الدَّقِیقَ مِنْ سَوْرَةِ الْحَرِیقِ یَا اُمَّ مِلْدَمٍ اِنْ کُنْتِ اٰمَنْتِ
بِاللهِ وَالْیَوْمِ الْاٰخِرِ فَلَا تَأْکُلِی اللَّحْمَ وَلَا تَشْرَبِی الدَّمَ وَلَا تَنْهَکِی الْجِسْمَ وَلَا تَصْدَعِی الرَّاْسَ
وَانْتَقِلِی عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ و نام او و مادرش را بنویس اِلٰی مَنْ یَجْعَلُ مَعَ اللهِ اِلٰهًا اٰخَرَ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ تَعَالٰی عَمَّا یُشْرِکُونَ عُلُوًّا کَبِیرًا و در روایت دیگر فرمود که بیمار سر را
در گریبان خود داخل کند و اذان و اقامت بگوید و سوره حمد و معوذتین و سه مرتبه قل هو الله بخواند
و بگوید اُعِیذُ نَفْسِی بِعِزَّةِ اللهِ وَقُدْرَةِ اللهِ وَعَظَمَةِ اللهِ وَسُلْطَانِ اللهِ وَجَمَالِ اللهِ
وَبِجَمْعِ اللهِ وَبِرَسُولِ اللهِ وَبِعِتْرَتِهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ وَبِوُلَاةِ اَمْرِ اللهِ مِنْ شَرِّ
مَا اَخَافُ وَاَحْذَرُ وَاَشْهَدُ اَنَّ اللهَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ
الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ وَصَلَّی اللهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ اَللّٰهُمَّ اشْفِنِی بِشِفَائِکَ وَدَاوِنِی بِدَوَائِکَ
وَعَافِنِی مِنْ بَلَائِکَ و در روایت دیگر منقول است که شخصی بآن حضرت شکایت کرد که تبش
بسیار بطول انجامیده است فرمود که آیة الکرسی را در ظرفی بنویس و آب حل کن و بخور و در بعضی
از کتب معتبره منقول است که برای تب این تعویذ را بنویسد و بر بازوی راست بندد و سوره حمد را
تا آخر بنویسد و بعد از آن بنویسد بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَعُوذُ بِکَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ کُلِّهَا الَّتِی
لَا یُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذَرَأَ وَبَرَأَ وَمِنْ شَرِّ الْهَامَّةِ وَالسَّامَّةِ
وَالْعَامَّةِ وَاللَّامَّةِ وَمِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ
وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَمِنْ شَرِّ الشَّیْطَانِ وَشِرْکِهِ وَمِنْ شَرِّ کُلِّ ذِی شَرٍّ
وَمِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّةٍ هُوَ اٰخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا اِنَّ رَبِّی عَلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ رَبَّنَا عَلَیْکَ تَوَکَّلْنَا
وَاِلَیْکَ اَنَبْنَا وَاِلَیْکَ الْمَصِیرُ یَا نَارُ کُونِی بَرْدًا وَسَلَامًا عَلٰی اِبْرَاهِیمَ وَاَرَادُوا بِهِ
کَیْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْاَخْسَرِینَ بَرْدًا وَسَلَامًا عَلٰی فُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ نام بیمار و مادرش را
رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا اِنْ نَسِینَا اَوْ اَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَیْنَا اِصْرًا کَمَا حَمَلْتَهُ عَلَی الَّذِینَ
مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا اَنْتَ مَوْلٰنَا

فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا وَتَوَكَّلْ عَلَى
الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا لَا إِلٰهَ
إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ صَدَقَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ
مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ كَتَبَ اللّٰهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ
أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ الْغَالِبُونَ وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللّٰهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ و از سلمان فارسی رضی اللہ عنہ منقول است
کہ گفت بعد از وفات حضرت رسالت پناہ صلی اللہ علیہ وآلہ بدہ روز از خانہ بیرون آمدم و در راہ
حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ وآلہ را ملاقات کردم فرمود کہ برو نزد حضرت فاطمہ صلوات
اللہ علیہا کہ تحفہ از بہشت برائی او آمدہ میخواہد کہ بتو عطا فرماید بتعجیل بخدمت آنحضرت شتافتم
فرمود کہ دیروز در ہمین موضع نشستہ بودم و در خانہ بستہ بود و غمگین بودم و فکر میکردم در منقطع
شدن وحی الٰہی از ما و نیامدن ملائکہ بسوئی ما ناگاہ دیدم کہ در گشودہ شد و سہ دختر باندرون
آمدند کہ کسی بحسن و جمال و طراوت و نزاکت و خوشبوئی ایشان ہرگز ندیدہ است چون ایشانرا
دیدم برخاستم و سوال کردم کہ شما از اہل مکہ اید یا از اہل مدینہ گفتند ای دختر حضرت رسول خدا
صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم ما از اہل زمین نیستیم مارا پروردگار عزت از اہل بہشت جاوید بسوئی
تو فرستادہ و بسیار مشتاق تو بودیم از یکی کہ بزرگتر مینمود پرسیدم کہ چہ نام داری گفت
مقدودہ گفتم بچہ سبب ترا این نام کردہ اند گفت بجہت آنکہ از برائی مقداد بن اسود خلق شدہ ام
پس از دیگری پرسیدم کہ چہ نام داری گفت ذرہ از سبب نام پرسیدم گفت زیرا کہ از برائے
ابوذر غفاری خلق شدہ ام از سوم پرسیدم چہ نام داری گفت سلمی از سبب نام پرسیدم گفت زیرا کہ از برائے سلمان
فارسی آزاد کردہ پدر تو خلق شدہ ام حضرت فاطمہ علیہا السلام فرمود کہ پس از برائے من رطبی چند بیرون آوردند
مانند گردہ ہائی نانہائی بزرگ از برف سفید تر و از مشک خوشبو تر پس سلمان گفت کہ حضرت
فاطمہ علیہا السلام یکی از آن رطبہا بمن داد و فرمود کہ امشب باین رطب افطار کن و فردا
ہستہ اش را برائی من بیاور پس آن رطب را گرفتم و بیرون آمدم بہر جمعی کہ از اصحاب رسول خدا
صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم میگذشتم می پرسیدند کہ ای سلمان مگر مشک ہمراہ داری میگفتم بلے

پس چون وقت افطار شد تناول کردم ہیچ ہستہ نداشت روز دیگر بخدمت حضرت فاطمہ
علیہا السلام رفتم و عرض کردم کہ یا حضرت آن خرما ہیچ ہستہ نداشت فرمود بلی چون ہستہ
داشتہ باشد حال آنکہ این رطب از درختی بہم رسیدہ است کہ حقتعالی آنرا در بہشت غرس
فرمودہ است بسبب دعائی کہ پدرم بمن تعلیم کردہ است و ہر صبح و شام میخوانم سلمان گفت
ای سیدہ من آن دعا را تعلیم من نما فرمود کہ اگر خواہی کہ در دنیا باشی آزار تب نیابی برین
دعا مواظبت کن این است بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ بِسْمِ اللّٰهِ النُّوْرِ بِسْمِ اللّٰهِ نُوْرِ النُّوْرِ
بِسْمِ اللّٰهِ نُوْرٌ عَلٰى نُوْرٍ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِيْ هُوَ مُدَبِّرُ الْاُمُوْرِ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِيْ خَلَقَ النُّوْرَ
مِنَ النُّوْرِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ خَلَقَ النُّوْرَ مِنَ النُّوْرِ وَاَنْزَلَ النُّوْرَ عَلَى
الطُّوْرِ فِيْ كِتَابٍ مَسْطُوْرٍ فِيْ رَقٍّ مَنْشُوْرٍ بِقَدَرٍ مَقْدُوْرٍ عَلٰى نَبِيٍّ مَحْبُوْرٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ هُوَ
بِالْعِزِّ مَذْكُوْرٌ وَبِالْفَخْرِ مَشْهُوْرٌ وَعَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ مَشْكُوْرٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّاهِرِيْنَ سلمان گفت کہ این دعا را بہ زیادہ از ہزار نفر اہل مکہ و مدینہ کہ تب داشتند
تعلیم کردم ہمہ از تب نجات یافتند و در حدیث حسن منقول است کہ بعضی از فرزندان حضرت
امام جعفر صادق علیہ السلام بیمار شد حضرت فرمود کہ این دعا را بخوان اَللّٰهُمَّ اشْفِنِيْ بِشِفَائِكَ
وَدَاوِنِيْ بِدَوَائِكَ وَعَافِنِيْ مِنْ بَلَائِكَ فَاِنِّيْ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ و از برای تب ربع
منقول است کہ این آیہ را بنویسند و برو بہ بندند يَا نَارُ كُوْنِيْ بَرْدًا وَّسَلَامًا عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ
و در روایت دیگر این دعا را بر بازوی راستش بہ بندند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ وَلَوْ اَنَّ قُرْاٰنًا
سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ اَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْاَرْضُ اَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتٰى بَلْ لِلّٰهِ الْاَمْرُ جَمِيْعًا يَا شَافِيْ يَا كَافِيْ
يَا مُعَافِيْ وَبِالْحَقِّ اَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ اسم فلان بن فلان و نام او و پدرش را بنویسند
بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَنِ اللّٰهِ وَاِلَى اللّٰهِ وَلَا غَالِبَ اِلَّا اللّٰهُ و از برای تب و لرزہ این آیات را
بنویسند و بر بازوی بیمار بہ بندند بِسْمِ اللّٰهِ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ
وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَّحِجْرًا مَّحْجُوْرًا يَا نَارُ كُوْنِيْ بَرْدًا وَّسَلَامًا عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ اَلَا اِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ
هُمُ الْغَالِبُوْنَ وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِيْنَ اِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُوْرُوْنَ وَاِنَّ
جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُوْنَ فصل پنجم در ادعیۂ جامعہ و ادویۂ مرکبہ نافعہ در حدیث معتبر از حضرت

صادق علیه السلام منقول است که هر دردی که داشته باشی دست را بر موضع درد بگذار
و سه مرتبه بگو اَللهُ اَللهُ رَبِّیْ حَقًّا لَا اُشْرِكُ بِهٖ شَیْئًا اَللّٰهُمَّ اَنْتَ لَهَا وَلِكُلِّ عَظِیْمَةٍ فَفَرِّجْهَا
عَنِّیْ و در روایت معتبر دیگر فرمود که بگو بِسْمِ اللهِ و بمال. دست را بر آنموضع که درد میکند
و بگو اَعُوْذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَاَعُوْذُ بِقُدْرَةِ اللهِ وَاَعُوْذُ بِجَلَالِ اللهِ وَاَعُوْذُ بِعَظَمَةِ اللهِ
وَاَعُوْذُ بِجَمْعِ اللهِ وَاَعُوْذُ بِرَسُوْلِ اللهِ وَاَعُوْذُ بِاَسْمَآءِ اللهِ مِنْ شَرِّ مَا اَحْذَرُ
وَمِنْ شَرِّ مَا اَخَافُ عَلٰی نَفْسِیْ هفت مرتبه میگوئی و در روایت دیگر فرمود که دست را
بر موضع درد میگذاری و میگوئی بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَمُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ
وَاٰلِهٖ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ اَللّٰهُمَّ امْسَحْ عَنِّیْ مَا اَجِدُ و سه مرتبه بر آنموضع میکشی و در
روایت دیگر فرمود که دیگری دست بر موضع درد میگذارد و هفت نوبت و اقلش سه مرتبه
میگوید اَیُّهَا الْوَجَعُ اسْكُنْ بِسَكِیْنَةِ اللهِ وَقِرَّ بِوَقَارِ اللهِ وَانْحَجِزْ بِحَاجِزِ اللهِ وَاهْدَأْ
بِهَدْیِ اللهِ اُعِیْذُكَ اَیُّهَا الْاِنْسَانُ بِمَا اَعَاذَ اللهُ بِهٖ عَرْشَهٗ وَمَلٰٓئِكَتَهٗ یَوْمَ الرَّجْفَةِ
وَالزَّلَازِلِ و در روایت معتبر فرمود که برای هر آزاری این دعا بخواند یَا مُنْزِلَ الشِّفَآءِ وَمُذْهِبَ
الدَّآءِ اَنْزِلْ عَلٰی مَا بِیْ مِنْ دَآءٍ شِفَآءً و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله
منقول است که هر که او برسد المی در بدنش این دعا بخواند تا هیچ المی و دردی باو ضرر نرساند
اَعُوْذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَقُدْرَتِهٖ عَلَی الْاَشْیَآءِ اُعِیْذُ نَفْسِیْ بِجَبَّارِ السَّمَآءِ اُعِیْذُ نَفْسِیْ بِمَنْ
لَا یَضُرُّ مَعَ اسْمِهٖ دَآءٌ اُعِیْذُ نَفْسِیْ بِالَّذِی اسْمُهٗ بَرَكَةٌ وَّشِفَآءٌ و از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که هر که دردی بهم رساند و دست را بر موضع درد بگذارد و باخلاص
نیت بگوید وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْاٰنِ مَا هُوَ شِفَآءٌ وَّرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِیْنَ وَلَا یَزِیْدُ الظّٰلِمِیْنَ
اِلَّا خَسَارًا البته عافیت یابد از هر علتی و در حدیث دیگر فرمود که هر کرا سوره حمد و قل هو الله
احد شفا نبخشد هیچ چیز او را شفا نمیدهد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که هرگاه کسی آزاری در خود بیابد بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَصَلَّی اللهُ عَلٰی رَسُوْلِ اللهِ وَ
اَهْلِ بَیْتِهٖ وَاَعُوْذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَقُدْرَتِهٖ عَلٰی مَا یَشَآءُ مِنْ شَرِّ مَا اَجِدُ و در حدیث دیگر
منقول است که شخصی بخدمت آنحضرت آمد و شکایت کرد از بسیاری بیماری و پریشانی فرمود که

اینها بخوان لاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم توکلت علی الحی الذی لایموت
والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من
الذل وکبره تکبیرا و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت
موسی بن عمران علیه السلام بحقتعالی شکایت کرد از غلبه رطوبت حقتعالی او را امر فرمود که هلیله و
بلیله و آمله را بساید و با عسل خمیر کند و بخورد و حضرت فرمود که این است که شما اطریفل میگوئید
و در طب الائمه روایت کرده است که شخصی بحضرت امام علی نقی صلوات الله علیه عرض کرد
که در همسایگی ما شخصی را عقرب گزیده است و بیم آن است که هلاک شود فرمود که بخورانید
باو دوای جامع را که از حضرت امام رضا علیه السلام بما رسیده است پس فرمود که سنبل
و زعفران و قاقله و عاقرقرحا و خربق سفید و بذر البنج و فلفل سفید همه مساوی بگیرد و فربیون
دو برابر هر یک از اینها بسیار نرم بکوبند و از حریر بیرون کنند و با عسلی که کفش را گرفته باشند
خمیر کنند و کسی را که مار یا عقرب گزیده باشد یک حب آنرا به آب حلتیت باو بخورانند که در
ساعت شفا می یابد و از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که از برای
فالج و لقوه یک حب آنرا با آب مرزنگوش در بینی بچکانند و از حضرت امام محمد تقی صلوات الله
علیه نقل کرده است که از برای سردی معده و خفقان قلب نافع است که یک حب آنرا با آب
زیره پخته بخورند و در روایت دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که از برای
آزار چرب یک حب آنرا با آب سعد و اندک سرکه بخورند و از حضرت امام رضا علیه السلام
نقل کرده است که از برای درد پهلوی راست یک حب آنرا با آب زیره پخته بخورند و از برای
درد پهلوی چپ یک حب آنرا با آب ریشه کرفس که پخته باشند بخورند و در حدیث دیگر فرمود
که از برای اسهال یک حبش را با آب مورد پخته بخورند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام روایت
کرده است که یک حبش با آب سداب یا آب ترب پخته بخورند و از حضرت رسول صلی الله
علیه وآله وسلم منقول است که اگر مردم بدانند که در سناء چه منفعتها است هر آینه قیمتش را مثقالی
دو مثقال طلا شود و به درستیکه امان می بخشد از بهق و برص و خوره و دیوانگی و فالج و لقوه و اگر با مویز
سرخ بی دانه و هلیله کابلی و هلیله زرد و هلیله سیاه همه اجزا مساوی بعمل آورند و هر روز ناشتا

کہ پوشانند آنہا را و آتش نرم آنقدر در زیر پاتیل بسوزانند کہ آن سیر ہا آن روغن را بخورند و از روغن
چیزی نماند پس ہمان مقدار شیر گاو تازہ ترائیدہ بران بریزد و آتش نرم آنقدر بر افروزد کہ ازان
شیر ہم چیزی نماند پس ہمان قدر عسل مصفی کہ موش را گرفتہ باشند در پاتیل بریزد و آنقدر آتش
بسوزانند کہ آنرا ہم بخورد پس از سیاہ دانہ دہ درہم و از فلفل و مرزنگوش ہر یک پنج درہم بگیرد و نرم
بکوبد و در پاتیل بریزد و برہم زند تا مخلوط شود با آن سیر پس ظرفی را بگیرد و اندرون آنرا بروغن
گاو چرب کند و این دوا را دران بریزد و در میان جو یا خاکستر چہل روز پنہان کند و ہر چند
کہنہ تر می شود نیکوتر می شود و فرمود کہ نافع است برائے دفع لقوہ کہنہ و تازہ و درد اندرون و سرفہ
کہنہ و تازہ و سیر الکہ سر مازدہ باشد و برای سیلان چشم و درد پا و ضعف معدہ و صرع و غش اطفال و
ترسیدن زنان در خواب و زرد آب و خورہ و زیادتی بلغم و دفع سم گزیدن مار و عقرب و زنبور و
کہ چون یک ماہ برین دوا بگذرد برائے درد دندان از امراض بلغمی بقدر نصف گردگان ناشتا بخورد
و چون دو ماہ بران بگذرد برائی تپ لرزہ و آزارہائی چشم نافع است و چون سہ ماہ بران بگذرد
برائی صفرا و بلغم سوختہ و جمیع مرضہائی صفراوی ناشتا خوردن نافع است و چون چہار ماہ بران بگذرد
برائی تاریکی چشم و تنگی نفس نافع است و چون پنج ماہ بران بگذرد و کسیکہ درد سر داشتہ باشد
بقدر نیم عدس ازین دوا با روغن بنفشہ ممزوج گردانیدہ در بینی بچکاند و چون شش ماہ بران بگذرد
کسیکہ درد شقیقہ داشتہ باشد بقدری کہ عدس ازان با روغن بنفشہ مخلوط گردانیدہ در بینی
بچکاند ازان جانب کہ درد میکند در اول روز و چون ہفت ماہ بران بگذرد برائی دفع بادی کہ در
گوش بہم رسد بقدر یک عدس با روغن گل سرخ ممزوج ساختہ در گوش بچکاند در اول روز و
در ہنگام خواب و چون ہشت ماہ بران بگذرد و آنرا با آب خوردن برائے دفع خورہ نافع است
و چون نہ ماہ بگذرد نافع است برائے غلبہ خواب و ہذیان گفتن در خواب و ترس و بیم باید کہ با روغن
تخم ترب ناشتا و در وقت خواب بقدر یک عدس خوردہ شود و چون دہ ماہ بگذرد برائے
غلبہ صفرا و تپہائی اندرونی و اختلاط عقل بقدر یک عدس با سرکہ بخورند و برائے سفیدی چشم
ناشتا و در وقت خواب بخورد و چون یازدہ ماہ بران بگذرد برائے سودائیکہ اینکس را بترس
و وسواس می اندازد بقدر یک نخود با روغن گل سرخ ناشتا و بقدر یک نخود با روغن در ہنگام

خواب

خوابیدن بخورد و چون دوازده ماه بگذرد برای فالج کهنه و تازه با آب مرزنگوش بقدر یک نخود
بخورد و با روغن زیت و نمک بر پا بمالد در وقت خواب و از سرکه و شیر و ماست و سبزیها
و ماهی اجتناب نماید و چون سیزده ماه بگذرد یک نخود از آن با آب سداب حل کند و در
اول شب بخورد نافع است برای درد اندرون و خندیدن بی سبب و با ریش بازی کردن و اگر
چهارده ماه بگذرد برای دفع زهرها نافع است و اگر زهری باو خورانیده باشند تخم بادنجان را
بکوبند و بجوشانند و صاف کنند و با یک نخود از این دوا در سحر بخورند و آب نیم گرم از عقبش
بخورند سه شب یا چهار شب و چون پانزده ماه بگذرد برای دفع سحر و بادها نافع است و چون
شانزده ماه بگذرد بقدر نیم عدس آنرا با آب باران تازه حل کرده بدیدهٔ کسی بکشند که بینائیش
گم شده باشد و در بامداد و شام و وقت خواب تا چهار روز و اگر برطرف نشود تا هشت روز
و چون هفده ماه بگذرد برای دفع خوره یک گلوله از آن با روغن پارچه گاو ناشتا و در وقت
خواب بخورند و بقدر یک حبه آتش بر بدن بمالند و اندکی را با روغن زیت یا روغن گل سرخ
در بینی بچکانند آخر سه روز در حمام و چون هیجده ماه بگذرد برای دفع بهق آنموضع را سوزن
بزنند که خون در آید بقدر یک نخود با روغن بادام تلخ یا روغن صنوبر بخورند و اندکی را در بینی
بچکانند و با نمک بر آنموضع بمالند و چون نوزده ماه بگذرد اگر آب انار شیرین را گرفته با قدر
یکدانه جو از حنظل و با یک نخود از این دوا ناشتا بخورند برای دفع سهو و فراموشی و بلغم سوخته
و تب کهنه نافع است و چون بیست ماه بگذرد بقدر یک عدس از آن گرفته با آب کندر حل
کنند برای سنگینی گوش در گوشش بچکانند و اگر نفع ظاهر نشود در روز دیگر باز بچکانند و اندکی
بر کله و سرش بریزند و از برای صاحب مرض سرسام با آب انار ترش نافع است و در حدیث
دیگر روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام که مثل این دوا را جبرئیل برای حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم آورد و فرمود که چهار رطل از سیر مقشر بگیرند و در پاتیل کنند و چهار رطل
شیر گاو بر آن بریزند و بپزند آنقدر که شیر نماند باز چهار رطل روغن گاو بر آن بریزند و آنقدر
بجوشانند که روغن نماند پس بقدر ده درهم بابونه بر آن بپاشند و بر هم بزنند تا خوب بقوام
آید و در کوزه کرده سرش را ببندند و در میان جو یا خاک پنهان کنند در مدت ایام تابستان

و در زمستان بیرون آورند و در بامداد بقدر یک گردگان بخورند برای هر دردی نافع است
و کلینی در حدیث معتبر روایت کرده است که اسمعیل بن الفضل حکایت کرد بخدمت حضرت
صادق علیه السلام از قراقر معده و اینکه طعام در معده اش هضم نمی شود حضرت فرمود که چرا
نمیگیری آن نبیذ را که ما میخوریم و باعث هضم طعام می شود و قراقر و بادهای شکم را دفع میکند
پس فرمود که یک صاع از مویز بگیر و دانه اش را بیرون کن و پاک بشو و در ظرفی کن و آنقدر آب
بر آن بریز که همه را بپوشاند در زمستان سه شبانه روز و در تابستان یک شبانه روز پس صاف
کن و آب صافش را در دیگ کن و آنقدر بجوشان که دو حصه برود و یک حصه بماند پس نیم رطل
عسل در دیگ بریز و آنقدر بجوشان که آنقدر بشود که پیش از عسل ریختن شده بود پس زنجبیل و
خولنجان و دارچینی و زعفران و قرنفل و مصطکی را بگیر و همه را بکوب و در میان پارچه کهنه نازکی
کن و در دیگ بینداز که چند جوشی بزند پس دیگ را پائین بگذار تا سرد شود پس صاف کن و هر صبح
و شام پس بقدر آن بخور راوی گفت که چنان کردم آزارم برطرف شد فصل ششم در معالجه
درد سر و شقیقه و زکام و صرع و اختلال دماغ و تصرف جن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که برای دفع درد سر و نصف سر اینها را بنویسد و بدان جانب سر که درد میکند بیاویزد اللهم انک
لست باله استحدثناه ولا برب یبید ذکره ولا معک شرکاء یقضون معک ولا کان
قبلک اله ندعوه ونتعوذ به ونتضرع الیه وندعک ولا اعانک علی خلقنا من احد
فنشک فیک لا اله الا انت وحدک لا شریک لک عاف فلان بن فلان وصلی الله
علی محمد واهل بیته و در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که درد
سر داشته باشد یا بولش بند شده باشد دست بر موضع درد بگذارد و بگوید اسکن سکنتک
بالذی سکن له ما فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم و از حضرت امام علی نقی صلوات الله
علیه منقول است که از برای درد سر این آیه را بر قدح آبی بخواند و بخورد اولم یر الذین کفروا
ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون
و در حدیث معتبر منقول است که حبیب سجستانی شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر علیه السلام که
هفته دو مرتبه مرا درد شقیقه میگیرد فرمود که بگذار دست را بر آن جانب که درد میکند و سه مرتبه بگو

يَا ظَاهِراً غَيْرَ مَرْئِيٍّ وَيَا بَاطِناً غَيْرَ مَفْقُودٍ ارْدُدْ عَلَى عَبْدِكَ الضَّعِيفِ أَيَادِيَكَ
الْجَمِيلَةَ عِنْدَهُ وَأَذْهِبْ عَنْهُ مَا بِهِ مِنْ أَذًى إِنَّكَ رَحِيمٌ وَدُودٌ و در حدیث دیگر فرمود
که برای رفع درد سر دست بر سر بمالد و هفت نوبت بگوید أَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذِي سَكَنَ لَهُ
مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ و در روایت دیگر
منقول است که برای رفع درد گوش دست بر گوش بمالد و هفت مرتبه این دعا بخواند و در روایت
دیگر فرمود که برای دفع درد سر دست را بر بالای سر بگذارد و بگوید لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا
يَقُولُونَ إِذاً لَابْتَغَوْا إِلَى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلاً وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ
وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُوداً و در حدیث معتبر منقول
است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و گفت که من سفر بسیار میکنم و در مواضع
هولناک بسیار می‌باشم چیزی بمن تعلیم فرما که نترسم حضرت فرمود که چون در چنین جائی واقع شوی
دست را بر بالای سر بگذار و با آواز بلند بگو أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ آن شخص گفت که در بیابانی واقع
شدم که می‌گفتند که جن در آنجا بسیار است شنیدم که کسی میگفت که بگیریدش این آیه خواندم
شنیدم که دیگری جواب گفت که چگونه بگیریمش و حال آنکه پناه بآیه طیبه برد و در حدیث
دیگر منقول است که شخصی بآن حضرت شکایت کرد که بچه دارم گاهی او را جن و ام الصبیان
میگیرد بحدی که از او نا امید می‌شوم فرمود که هفت مرتبه سوره حمد را با مشک و زعفران
بر ظرفی بنویس و باب بشو و تا یک ماه از آن آب بده تا بخورد راوی گفت که یکمرتبه کردم
بر طرف شد و در حدیث دیگر فرمود که کسیرا که صرع بگیرد بر او بخوانید این دعا را عَزَمْتُ عَلَيْكَ
يَا رِيحُ بِالْعَزِيمَةِ الَّتِي عَزَمَ بِهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَسُولُ اللَّهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى جِنِّ وَادِي الصَّبْرَةِ فَأَجَابُوا وَأَطَاعُوا لَمَّا أَجَبْتِ وَأَطَعْتِ
وَخَرَجْتِ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ السَّاعَةَ و در روایت دیگر منقول است که شخصی باحتلام
ولغ بهم رسیده بود حضرت او فرمود که هر شب در هنگام خواب این دعا بخوان بِسْمِ اللَّهِ
وَبِاللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي فِي مَنَامِي وَفِي يَقَظَتِي أَعُوذُ

بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَجَلَالِهٖ مِمَّا اَجِدُ وَاُحَاذِرُ و از حضرت امام محمد باقر علیہ السلام منقول است کہ کسیرا
کہ باد جن گیرد بر سورۂ حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق ہر یک را ده مرتبہ
بخوانند و این سہ سوره را در جامی با مشک و زعفران بنویسند و باو بخورانند و در آب وضو
و غسلش داخل کنند و در حدیث دیگر منقول است کہ حضرت امام رضا علیہ السلام شخصی را
دیدند کہ صرعش گرفتہ است قدح آبی طلبیدند و سورۂ حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ
برب الفلق بر آن آب خواندند و بر سر و روی او پاشیدند بہوش باز آمد و از حضرت رسول
صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم منقول است کہ در خانۂ کہ جنیان سنگ اندازند صاحب آنخانہ
آن سنگ را بردارد و بگوید حَسْبِیَ اللّٰهُ وَكَفٰى سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ دَعَا لَيْسَ وَرَاءَ اللّٰهِ مُنْتَهٰى
و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ منقول است کہ برای درد سر روغن کشنیز را در بینی بچکانند
و شخصی بخدمت حضرت صادق علیہ السلام شکایت کرد از درد سر فرمود کہ بحمام برو و پیش
از آنکہ داخل شوی ہفت جام آب گرم بر سر بریز و ہر مرتبہ بسم اللہ بگو و منقول است کہ شخصی
بخدمت امام رضا علیہ السلام شکایت کرد کہ سردرد عظیم در سر خود می یابم بحدی کہ اگر باد بوزد
بیم آنست کہ غش کنم فرمود کہ روغن عنبر و روغن زنبق بعد از طعام خوردن بدماغ بچکان و در حدیث
صحیح از حضرت صادق علیہ السلام منقول است کہ ہیچ یک از فرزندان آدم نیست مگر آنکہ در او
دو رگ ہست یک رگ در سرش کہ خوره را بحرکت می آورد و دیگری در بدنش کہ پیسی را بحرکت
می آورد پس چون آن رگ سر بحرکت می آید خدا زکام را بر آن مسلط میگرداند کہ درد ہا سر را
میکشد و اگر آن رگ بدن بحرکت می آید حقتعالی دمل را بر آن مسلط میگرداند کہ درد ہا بدن را
میکشد پس کسیکہ زکام و دمل را بہم رساند خدا را شکر کند و در روایت معتبر دیگر فرمود
کہ زکام لشکری است از لشکرہای خدایتعالی میفرستد کہ دردہا بدن را برطرف میکند و در چند روایت
وارد شده است کہ زکام را علاج نمی باید کرد و در یک روایت از آنحضرت وارد شده است
کہ در معالجہ زکام پنبہ بروغن بنفشہ آلوده کند و در وقت خواب بر مقعد خود بگذارد و در
روایت دیگر فرمود کہ یک دانگ سیاه دانہ و نیم دانگ کندش را نرم بکوبند و در دماغ بدمند
زکام را برطرف میکند فصل ہفتم در معالجہ سائر امراض سر و درد گلو در حدیث معتبر از حضرت

امیر المومنین صلوات اللہ علیہ و آلہ منقول است کہ ہرگاہ چشم کسی آزردہ باشد باید کہ آیۃ الکرسی بخواند باعتقاد درست کہ البتہ شفا می یابد و در روایت معتبر دیگر منقول است کہ حضرت صادق علیہ السلام بشخصی فرمود کہ میخواہی دعائی تعلیم نمایم ترا کہ برائی دنیا و آخرت تو نافع باشد و درد چشم ترا زائل کند گفت بلی فرمود کہ بعد از نماز صبح و نماز شام مداومت نما بر این دعا اَللّٰھُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ اَنْ تَجْعَلَ النُّوْرَ فِیْ بَصَرِیْ وَالْبَصِیْرَۃَ فِیْ دِیْنِیْ وَالْیَقِیْنَ فِیْ قَلْبِیْ وَالْاِخْلَاصَ فِیْ عَمَلِیْ وَالسَّلَامَۃَ فِیْ نَفْسِیْ وَالسَّعَۃَ فِیْ رِزْقِیْ وَالشُّکْرَ لَکَ اَبَدًا مَّا اَبْقَیْتَنِیْ و در حدیث دیگر منقول است کہ حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم برائی درد چشم این دعا را امر فرمود کہ بخواند اَللّٰھُمَّ مَتِّعْنِیْ بِسَمْعِیْ وَبَصَرِیْ وَاجْعَلْھُمَا الْوَارِثَیْنِ مِنِّیْ وَانْصُرْنِیْ عَلٰی مَنْ ظَلَمَنِیْ وَاَرِنِیْ فِیْہِ ثَارِیْ و در روایت دیگر منقول است کہ شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام آمد دید کہ چشم آن حضرت آزار عظیم دارد روز دیگر بخدمت آن حضرت رفت دید کہ ہیچ آزار نماندہ باعث از سبب آن پرسید فرمود کہ این تعویذ را خواندم اَعُوْذُ بِعِزَّۃِ اللّٰہِ اَعُوْذُ بِقُدْرَۃِ اللّٰہِ اَعُوْذُ بِعَظَمَۃِ اللّٰہِ اَعُوْذُ بِجَلَالِ اللّٰہِ اَعُوْذُ بِجَمَالِ اللّٰہِ اَعُوْذُ بِکَرَمِ اللّٰہِ اَعُوْذُ بِبَھَاءِ اللّٰہِ اَعُوْذُ بِغُفْرَانِ اللّٰہِ اَعُوْذُ بِحِلْمِ اللّٰہِ اَعُوْذُ بِذِکْرِ اللّٰہِ اَعُوْذُ بِرَسُوْلِ اللّٰہِ اَعُوْذُ بِاٰلِ رَسُوْلِ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَعَلَیْھِمْ عَلٰی مَا اَجِدُ فِیْ عَیْنِیْ وَمَا اَخَافُ وَمَا اَحْذَرُ اَللّٰھُمَّ رَبَّ الطَّیِّبِیْنَ اَذْھِبْ ذٰلِکَ عَنِّیْ بِحَوْلِکَ وَقُوَّتِکَ ابن شہر آشوب روایت کردہ است کہ مرد کوری شنید کہ حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ و آلہ این دعا را میخواند آن شخص بخانہ رفت و وضو ساخت و نماز کرد و بعد از نماز این دعا را خواند و چون باین موضع رسید اَنْ تَجْعَلَ النُّوْرَ فِیْ بَصَرِیْ دیدہ اش بینا شد دعا این است اَللّٰھُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ یَا رَبَّ الْاَرْوَاحِ الْفَانِیَۃِ وَرَبَّ الْاَجْسَادِ الْبَالِیَۃِ اَسْئَلُکَ بِطَاعَۃِ الْاَرْوَاحِ الرَّاجِعَۃِ اِلٰی اَجْسَادِھَا وَبِطَاعَۃِ الْاَجْسَادِ الْمُلْتَئِمَۃِ لِاَعْضَائِھَا وَبِانْشِقَاقِ الْقُبُوْرِ عَنْ اَھْلِھَا وَبِدَعْوَتِکَ الصَّادِقَۃِ فِیْھِمْ وَاَخْذِکَ بِالْحَقِّ بَیْنَھُمْ اِذَا بَرَزَ الْخَلَائِقُ یَنْتَظِرُوْنَ قَضَاءَکَ وَیَرَوْنَ سُلْطَانَکَ وَیَخَافُوْنَ

بملکک و یرجون رحمتک یوم لا یغنی مولی عن مولی شیئا و لا هم ینصرون الا
من رحم الله انه هو العزیز الرحیم اسألک یا رحمان ان تجعل النور فی بصری و الیقین
فی قلبی و ذکرک باللیل و النهار علی لسانی ابدا ما ابقیتنی انک علی کل شیء قدیر و در روایت
دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که شخصی به آن حضرت شکایت کرد از ضعف باصره
گفت که بمرتبه رسیده است که شب کور شده‌ام فرمود که آیه الله نور السموات و الارض تا آخر را
مکرر در جامی بنویس و به آب محو کن و آب را در شیشه کن و از میل به چشم بکش راوی گفت که کمتر از
صد میل کشیدم که بینا شدم و در حدیث معتبر منقول است از حضرت امام رضا علیه السلام
که شفای درد خواندن سورهٔ حمد است و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و
آیة الکرسی و کشیدن قسط و مرو کندر است و دعای درد گوش در دعاهای درد سر گذشت
و در حدیث دیگر منقول است که شخصی به حضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از سنگینی
گوش فرمود که دست بر گوش بکش و این آیات را بخوان لو انزلنا هذا القرآن علی جبل
لرأیته خاشعا متصدعا من خشیة الله و تلک الامثال نضربها للناس لعلهم
یتفکرون هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم
هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار
المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق الباری المصور له الاسماء
الحسنی یسبح له ما فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم و در روایت دیگر
وارد شده است که برای درد گوش بر روغن یاسمین یا روغن بنفشه هفت مرتبه این دعا بخواند
کأن لم یسمعها کأن فی اذنیه وقرا ان السمع و البصر و الفؤاد کل اولئک کان
عنه مسئولا پس آن روغن را در گوش بچکاند و از برای قطع رعاف منقول است که بر پیشانی او
بنویسد و قیل یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی و غیض الماء و قضی الامر
و استوت علی الجودی و قیل بعدا للقوم الظالمین و در روایت دیگر این آیات را
بخواند منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخری یومئذ یتبعون
الداعی لا عوج له و خشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا یا ارض ابلعی

ماءك ويا سماء اقلعي وغيض الماء وقضي الامر واستوت على الجودي وقيل
بعدا للقوم الظالمين ومن يتق الله يجعل له مخرجا ويرزقه من حيث لا يحتسب
ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شيء
قدرا وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم
لا يبصرون و منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد دهان فرمود
که دست بر دهان بگذار و بگو بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الذی لا یضر مع اسمه
داء اعوذ بكلمات الله التي لا يضر معها شيء قدوس وقدوس وقدوس باسمك
يا رب الطاهر المقدس المبارك الذي من سألك به اعطيته ومن دعاك به
اجبته اسألك يا الله يا الله يا الله ان تصلي على محمد النبي واهل بيته وان
تعافيني مما اجد في فمي وفي رأسي وفي بصري وفي بطني وفي ظهري وفي يدي
وفي رجلي وفي جميع جوارحي كلها ابو بصیر شکایت کرد بخدمت حضرت امام محمد باقر
علیه السلام از درد دندان گفت شبها از این درد بیدار میباشم فرمود که هرگاه اثرش ظاهر
شود دست بر موضع درد بگذار و سوره حمد و قل هو الله احد بخوان پس این آیه را بخوان وترى
الجبال تحسبها جامدة وهي تمر مر السحاب صنع الله الذي اتقن كل شيء انه
خبير بما تفعلون و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که اینها را بخوان با سوره انا انزلناه
فی لیلة القدر و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که برای رفع درد دندان
دست بر موضع سجود بمالد و بر موضعی که درد میکند بمالد و بگوید بسم الله والشافي الله ولا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم و در روایت دیگر منقول است که برای رفع درد دندان سوره
حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد بخواند پس بگوید بسم الله الرحمن
الرحيم وله ما سكن في الليل والنهار وهو السميع العليم قلنا يا نار كوني بردا
وسلاما على ابراهيم وارادوا به كيدا فجعلناهم الاخسرين نودي ان بورك
من في النار ومن حولها وسبحان الله رب العالمين اللهم يا كافي من كل شيء ولا
يكفي منك شيء انا عبدك وابن امتك من شر ما يأتي ويكون ومن شر الوجع

الَّذِی یَشْکُوهُ اِلَیْکَ و در روایت دیگر منقول است که جبرئیل تعویذ را برای حضرت امام
حسین علیه السلام آورد جهت درد دندان که دست را بر دندان که کرم خورده است بگذارند و
هفت مرتبه بخوانند الْعَجَبُ کُلُّ الْعَجَبِ لِدَابَّةٍ تَکُونُ فِی الْفَمِ تَأْکُلُ الْعَظْمَ وَ تَتْرُکُ اللَّحْمَ
اَنَا اَدْنِی وَ اللّٰهُ شَافِی الْکَافِی لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَ اِذْ قَتَلْتُمْ نَفْساً
فَادَّارَأْتُمْ فِیهَا وَ اللّٰهُ مُخْرِجٌ مَا کُنْتُمْ تَکْتُمُونَ فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا کَذٰلِکَ یُحْیِی اللّٰهُ
الْمَوْتٰی وَ یُرِیکُمْ آیَاتِهِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ و در روایت دیگر میخی بگیرد و سورهٔ حمد و قل اعوذ
برب الناس و قل اعوذ برب الفلق هر یک را سه مرتبه بخواند پس بگوید مَنْ یُحْیِی الْعِظَامَ وَ هِیَ
رَمِیمٌ یَا ضِرْسَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ و نام صاحب درد و پدرش را بگوید اَکَلْتَ الْحَارَّ وَ الْبَارِدَ
فَبِالْحَارِّ تَکُنِینَ اَمْ بِالْبَارِدِ تَسْکُنِینَ وَ لَهُ مَا سَکَنَ فِی اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ
وَ شُدِّدَتْ دَاءُ هٰذَا الضِّرْسِ مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ بِسْمِ اللّٰهِ الْعَظِیمِ پس میخ در دیوار
بکوبد و بگوید اللّٰهُ اللّٰهُ اللّٰهُ و در روایت دیگر منقول است که شخصی بخدمت امام موسی علیه السلام
شکایت کرد از گندهٔ دهان حضرت فرمود که در سجده بگو یا اللّٰهُ یا اللّٰهُ یا اللّٰهُ یا رحمن یا ربَّ
الْاَرْبَابِ یَا سَیِّدَ السَّادَاتِ یَا اِلٰهَ الْآلِهَةِ یَا مَالِکَ الْمُلْکِ یَا مَلِکَ الْمُلُوکِ اشْفِنِی بِشِفَائِکَ
مِنْ هٰذَا الدَّاءِ وَ اصْرِفْهُ عَنِّی فَاِنِّی عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدِکَ وَ اَتَقَلَّبُ فِی قَبْضَتِکَ
راوی گفت که یک مرتبه این دعا را در سجود خواندم شفا یافتم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقول است که دمیلان از گیاه بهشت است و آبش از برای درد چشم نافع است و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که مسواک کردن آب ریختن چشم را زائل میکند و چشم را جلا میدهد
و در حدیث صحیح منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از آزار چشم فرمود
که دارو بسازد از صبر و مرو و کافور و همه اجزا را مساوی یکدیگر و در روایت دیگر فرمود که ضعف
چشم و خیالات دیگر را برطرف میکند و در روایت دیگر فرمود که دهنهٔ فرنگ برای دفع سفیدی
که بر روی باصره بهم رسد نافع است و در روایت معتبر از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است
که صبر سقوطری و کافور ریاحی را مساوی یکدیگر بسایند و از حریر بیرون کنند و ماهی یک مرتبه
در چشم بکشند که دردهای سر و چشم را میکشد و از حضرت امام حسین صلوات الله علیه منقول است

از شخصی از اصحاب خود فرمود که هلیلهٔ زرد را با هفت دانه فلفل بسائی و بپزی و در دیده بکش و در روایت
دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از سفیدی
که در چشمش بهم رسیده بود و از درد دندان و درد مفاصل فرمود که فلفل و دار فلفل از هر یک دو درهم
و نوشادر پاکیزه صاف یک درهم هر سه را خوب بکوب و از حریر بیرون کن و در هر چشمی سه میل بکش و
ساعتی صبر کن که سفیدی روی دیده را قطع میکند و گوشت چشم را پاک میکند و درد را ساکن میکند
پس چشم را بآب سرد بشوی و بعد از آن سرمهٔ سنگ بکش و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله بسلمان و ابوذر فرمود که تا درد چشم دارید بر پهلوی چپ مخوابید
و خرما مخورید و حضرت صادق علیه السلام فرمود که ماهی خوردن برای درد چشم زیان دارد و
مسح چشم مالیدن بعد از دست شستن بعد از طعام از درد چشم امان میدهد و در پنجشنبه
و جمعه شارب و ناخن گرفتن از درد چشم امان میدهد و در روایت دیگر منقول است که شخصی
شکایت کرد از درد گوش و گفت که چرک و خون از گوشم بسیار می‌آید فرمود که پنیر بسیار کهنه را
قدری بگیر و نرم بکوب و با شیر زنان ممزوج کن و بر روی آتش نرم گرم کن و چند قطره در گوشی که درد میکند
بریز و در روایت دیگر از برای درد گوش منقول است که یک کف کنجد پوست نکنده و یک
کف خردل هر یک را علیحده بکوبند و با یکدیگر مخلوط کرده روغن بگیرند و روغن را در
شیشه بکنند و سرش را با انگشتر آهن مهر کنند و هر وقت که خواهند دو قطره از آن در گوش
بچکانند و پنبه در گوش بگذارند و سه روز چنین کنند تا شفا یابد و در روایت دیگر وارد شده
است که سداب را با روغن زیت بپزند و چند قطره در گوش بچکانند و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که سداب برای درد گوش نافع است و از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که برای درد گلو چیزی نافع‌تر از خوردن شیر نیست و بسند معتبر از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که حضرت عیسی علیه السلام بشهری گذشتند
دیدند که مردم آن شهر رویهای ایشان زرد و چشمهای ایشان کبود است و از بسیاری مرض با آن
حضرت شکایت کردند فرمود که مگر شما گوشت را ناشسته می‌پزید و هیچ حیوانی از دنیا بدر نمیرود
مگر آنکه جنابتی با او هست بعد از آن گوشت را پیش از پختن میشستند بیماریهای شما بر طرف شد و حضرت

عیسی بشهری دیگر گذشتند دیدند که دندانهای ریخته بود و روهای ایشان باد کرده بود فرمود
که در وقت خواب دهانرا باز کنید و بر هم مگذارید چنان کردند آن علت از ایشان زائل
شد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که برای درد دندان سعد را بران بگذارند و
فرمود که سرکه که از شراب بعمل آورده باشند بن دندانرا محکم میکند و در حدیث معتبر منقول است
که حمزه بن طیار بخدمت آنحضرت آمد آه می کشید حضرت پرسیدند که چه میشود ترا گفت که دندانم
درد میکند فرمود که حجامت بکن ساکن شد بعد از آن حضرت فرمود که هیچ دوائی بحجامت و خوردن
عسل نمیرسد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که برای درد دندان حنظل را بگیرد و پوستش را بکند پس روغنش را
بگیرد و اگر دندانش را کرم خالی کرده باشد در میان آن دندان چند قطره از آن روغن بچکاند و پنبه را
بآن روغن آلوده کرده در میان آن دندان بگذارد و بر پشت بخوابد تا سه شب چنین کند و اگر بن
دندان درد کند در آن گوشی که جانب آن دندان واقع است در چند شب هر شب دو قطره یا سه
قطره بچکاند و باز فرمود که هر کس که درد دهان داشته باشد یا خون از بن دندان آید یا درد کند
یا دهانش جوشیده باشد و رنگش بسرخی مبدل گشته باشد یک حنظل تازه که رسیده باشد و زرد
شده باشد بگیرد و تمامش را بگل بگیرد و سرش را سوراخ کند و کاردی از آن سوراخ داخل کند و مغزش را
بتراشد بهمواری که سوراخ نشود پس سرکه بسیار تندی که از شراب بعمل آورده باشند در آن سوراخ
بریزد و بر روی آتش گذارد که بسیار بجوشد پس برآورد و هر وقت که احتیاج شود بقدر ناخنی
بگیرد و بر دندانها و دهان بمالد و بعد از آن بسرکه مضمضه کند و اگر خواهد آنچه در میان حنظل است
در شیشه یا ظرف دیگر خالی کند و هر چند آتش برطرف شود سرکه بر رویش بریزد و هر چند کهنه تر شود
نفعش بیشتر است و در حدیث معتبر منقول است از ابراهیم بن نظام که گفت دزدان مرا در راه گرفتند
و پالوده گرم در دهانم کردند بعد از آن دهانم را پر از برف کردند پس دندانهایم تمام ریخت پس حضرت
امام رضا علیه السلام را در خواب دیدم که فرمود که سعد در دهان بکن تا دندانهایت بروید بعد از
چندگاه شنیدم که حضرت امام رضا علیه السلام به محل ما وارد شده است و بخراسان میرود بخدمت
آنحضرت رفتم و حال خود را عرض کردم همانرا فرمود که در خواب فرموده بود چنان کردم دندانهایم روئید

فصل هشتم در معالجه خنازیر و جروح و قروح و ثالول و شبور و خوره و پیسی و بهق و امثال آنها

از علی بن نعمان منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام را عرض کردم که ثالول بسیاری
بر بدنم بهم رسیده است و باین سبب غمگینم حضرت فرمود که از برائی هر ثالولی هفت جو بگیر و
بر هر جوی هفت نوبت بخوان اِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ تا فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا و هفت نوبت
بخوان وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا لَا تَرَى
فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا پس هر جوی را یکنوبت بر ثالولی بمال و مجموع جوها را در پارچه نوی بسته
و سنگی بران به بند و در چاهی بینداز و بهتر آنست که این کار را در تحت الشعاع بکنی راوی گفت
چنین کردم بعد از یک هفته همه برطرف شده بود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دست بر
ثالول بمال و سه نوبت این دعا بخوان بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَمُحَمَّدٌ
رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللّٰهُمَّ امْحُ
عَنِّي مَا أَجِدُ و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که فرمود که دختری
در خانه ما خنازیر در گردنش بهم رسید شخصی در خواب بمن گفت که بگو که این دعا را مکرر بخواند یا رؤوف
یا رحیم یا ربّ یا سیّدی و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام
عرض کرد که گنده ماده در بدن من ظاهر شده است فرمود که سه روز روزه بدار و در روز چهارم
در وقت زوال غسل بکن و بصحرا یا بام بلندی برو و چهار رکعت نماز بگذار به هر سوره که خواهی
و تا توانی سعی کن در گریه و تضرع و حضور قلب و چون از نماز فارغ شوی جامهائی خود بکن
و جامهٔ کهنهٔ پاکیزه بطریق لنگ بر خود به بند و بر خاک سجده برو و پهلوی راست روی خود را
بر خاک بگذار و بزاری و خشوع بگو یَا وَاحِدُ یَا أَحَدُ یَا کَرِیمُ یَا جَبَّارُ یَا حَنَّانُ یَا قَرِیبُ
یَا مُجِیبُ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاکْشِفْ مَا بِي مِنْ مَرَضٍ وَأَلْبِسْنِي
الْعَافِیَةَ الْکَافِیَةَ الشَّافِیَةَ فِي الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ وَامْنُنْ عَلَيَّ بِتَمَامِ النِّعْمَةِ وَأَذْهِبْ مَا بِي
فَقَدْ آذَانِي وَغَمَّنِي و فرمود که وقتی نفع میکند که خاطرت مطمئن باشد و بصاحب یقین
تأثیر میکند آن شخص چنین کرد بزودی عافیت یافت و در حدیث دیگر فرمود که هر گاه مرضی که
در بدنت بهم رسد و ترسی که بحال بد منتهی شود و در غم میکند و ضو بسازی برای نماز واجب پیش از نماز
برائی آن مرض بخوان این آیات را لَوْ أَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلٰی جَبَلٍ لَرَأَیْتَهُ تا آخر سوره که اگر

چنین کنی آن ورم بزودی برطرف شود و در کتاب مکارم الاخلاق این شکل را برای دفع آبله

۱۳	۲	۳	۱۶
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴

و کم بیرون آوردن نقل کرده است و بهتر آنست که بترتیب عدد بنویسد
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که برای بثور و دملهائی ریزه
که در بدن بیرون می آید و در اول که اثرش ظاهر شود انگشت شهادت بر دورش بگرداند و هفت
مرتبه بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ و در مرتبه هفتم انگشت را بر روی آن بقوت بگذارد
و در روایت دیگر فرمود که این دملها و بثورها اکثرش از خون فاسدی است که در وقت طغیان
آن از بدن بیرون نمی کنند پس هرکه در اینها حادث شود چون برخیزد از خواب رو بگوید
اَعُوذُ بِوَجْهِ اللّٰهِ الْعَظِیمِ وَبِکَلِمَاتِهِ التَّامَّاتِ الَّتِی لَا یُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ
شَرِّ کُلِّ ذِی شَرٍّ از اینها و از دردها عافیت یابد و در روایت دیگر منقول است که برای
گرمی و دمل و قوبا این آیه را بخواند و بنویسد و باخود نگاهدارد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ
وَمَثَلُ کَلِمَةٍ خَبِیثَةٍ کَشَجَرَةٍ خَبِیثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْاَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ مِنْهَا
خَلَقْنَاکُمْ وَفِیهَا نُعِیدُکُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُکُمْ تَارَةً اُخْرٰی اللّٰهُ اَکْبَرُ وَاَنْتَ لَا تَکُنْ
اللّٰهُ یَبْقٰی وَاَنْتَ لَا تَبْقٰی وَاللّٰهُ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ و در حدیث صحیح منقول است که یونس
بن عمار شکایت کرد بحضرت صادق علیه السلام از جوشی که در روی او بهم رسیده بود حضرت فرمود
که چون ثلث آخر شب شود وضو بساز و بنماز شب برخیز و در سجدهٔ آخر در رکعت اول نماز شب
این دعا بخوان یَا عَلِیُّ یَا عَظِیمُ یَا رَحْمٰنُ یَا رَحِیمُ یَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ یَا مُعْطِیَ الْخَیْرَاتِ
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعْطِنِی مِنْ خَیْرِ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَاصْرِفْ
عَنِّی مِنْ شَرِّ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَاَذْهِبْ عَنِّی هٰذَا الْوَجَعَ و نام آن آزار را
ببر فَاِنَّهُ قَدْ غَاظَنِی وَحَزَنَنِی و مبالغه در تضرع و دعا بکن راوی گفت چنان کردم هنوز
بکوفه نرسیده بودم که آن عیب از من برطرف شد و در روایت دیگر منقول است که اسحق بن
اسماعیل و غیر او از همین علت بآنحضرت شکایت کردند فرمود که وضو بسازید و دو رکعت نماز بکنید
و حمد و ثنای الهی بجا آورید و صلوات بر محمد و اهل بیتش بفرستید و بگوئید یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ
یَا رَحْمٰنُ یَا رَحْمٰنُ یَا رَحِیمُ یَا رَحِیمُ یَا وَاحِدُ یَا وَاحِدُ یَا اَحَدُ

یا اَحَدُ یا اَحَدُ یا اَحَدُ یا صَمَدُ یا صَمَدُ یا صَمَدُ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ یا اَقْدَرَ القادِرِینَ یا اَقْدَرَ القادِرِینَ یا اَقْدَرَ القادِرِینَ یا رَبَّ العالَمِینَ یا رَبَّ العالَمِینَ یا رَبَّ العالَمِینَ یا سامِعَ الدَّعَواتِ یا مُنْزِلَ البَرَکاتِ یا مُعْطِیَ الخَیْراتِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعْطِنِی خَیْرَ الدُّنْیا وَخَیْرَ الآخِرَةِ وَاصْرِفْ عَنِّی شَرَّ الدُّنْیا وَالآخِرَةِ وَاَذْهِبْ ما بِی فَقَدْ غاظَنِی الاَمْرُ وَاَحْزَنَنِی و در روایت دیگر فرمود که سورهٔ انعام را با عسل در ظرفی بنویس و آب بشو و بخور تا برطرف شود و در روایت دیگر فرمود که سورهٔ یس با عسل بنویس و بشو و بخور و در مکارم الاخلاق مذکور است که برای پیسی و خوره این آیات را بخواند و بنویسد و با خود نگاه دارد بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ یَمْحُو اللهُ ما یَشاءُ وَیُثْبِتُ وَعِنْدَهُ اُمُّ الکِتابِ الحَمْدُ لِلّٰهِ فاطِرِ السَّماواتِ وَالاَرْضِ جاعِلِ المَلائِکَةِ رُسُلاً اُولِی اَجْنِحَةٍ مَثْنیٰ وَثُلاثَ وَرُباعَ بِاِسْمِ فُلانِ بْنِ فُلانٍ و نام او و مادرش را بنویسد و از برای بهق بر آنموضع بنویسد وَاِنْ مِنْ شَیْءٍ اِلّا عِنْدَنا خَزائِنُهُ وَما نُنَزِّلُهُ اِلّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ هَلْ یَسْمَعُونَکُمْ اِذْ تَدْعُونَ اَوْ یَنْفَعُونَکُمْ اَوْ یَضُرُّونَ و در روایتی دیگر منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام برای صاحب جراحتی فرمود که قدری از قیر تازه بگیر و همان قدر از پیه بزوهر دو را بر سبوئی تازه بمال و بر روی آتش نرم بگذار از اول وقت نماز ظهر تا وقت عصر پس پارهٔ کتان کهنه بگیر و آن قیر را بر آن طلا کن و بر روی جراحت بگذار و اگر جراحت سوراخی داشته باشد کتان را فتیله کن و بقیر آلوده کن و در میان جراحت بگذار و در حدیث معتبر منقول است که جراحتی در بدن متوکل بیرون آمد که مشرف بر هلاک شد و اطبا جرأت نمیکردند که نیشتر بزنند فتح ابن خاقان وزیر متوکل بخدمت حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه فرستاد و حال متوکل را عرض نمود حضرت فرمود که سرگین گوسفند که در زیر دست و پای گوسفندان شسته شود بگیرند و با گلاب مخلوط کنند و بر آن جراح بگذارید چون این خبر رسید اطبا خندیدند که این چه فائده میکند وزیر گفت که آنحضرت داناترین خلق است آنچه فرموده است باید کرد پس آنچه فرموده بود بعمل آوردند و در دش ساکن شد و بخواب رفت پس آن جراح گشوده شد و چرک بسیار دفع شد و شفا یافت و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که

چغندر را با گوشت گاو پختن و خوردن پیسی را برطرف میکند و در حدیث دیگر منقول است که
شخصی شکایت کرد بآنحضرت از بهق و پیسی فرمود که بحمام رود و حنا را با نوره مخلوط کن و بر آن
موضع بمال که دیگر نخواهی دید اثر آنرا و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که گوشت
گاو خوره و پیسی را زائل میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هیچ چیزی نافع تر
نیست برای پیسی از تربت امام حسین صلوات الله علیه با آب باران بخورد و بر آن موضع بمالد
و فرمود که کندن موی بینی امانست از خوره و تربت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
خوره را زائل میکند و فرمود که از کسیکه خوره و پیسی داشته باشد بگریزید و پر نظر بایشان مکنید
و با ایشان معاشرت منمائید که سرایت میکند و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله فرمود
که در هر جمعه شارب گرفتن امان میدهد از خوره و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست
هیچکس نیست مگر آنکه رگ خوره در بدن او هست و آن رگ را میگدازد خوردن شلغم و در حدیث
دیگر منقول است که شخصی بآنحضرت عرض کرده که مادهٔ طاعون در بدن من ظاهر شده است فرمود
که سیب بخور آن شخص خورد و عافیت یافت فصل نهم در معالجهٔ امراض اندرونی و قولنج و بادها
و آزار معده و سرفه منقول است که شخصی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از درد سینه
حضرت فرمود که طلب شفا کن از قرآن زیرا که حقتعالی میفرماید که فِیْهِ شِفَاءٌ لِمَا فِی الصُّدُوْرِ یعنی
در قرآن شفا هست برای آنچه در سینه ها است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت برادرم از درد شکم آزار دارد
فرمود که بگو اندکی از عسل با آب گرم بخورد روز دیگر آمد و گفت که خورد و نفع نکرد فرمود که برو و باز
عسل بده بخورد و هفت مرتبه سورهٔ حمد نزد او بخوان چون آن شخص رفت فرمود که برادر این شخص منافق
است باین سبب خوردن عسل او را نفع نبخشید و در روایت دیگر منقول است که شخصی بحضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله شکایت کرد از درد شکم فرمود که آب گرم بخور و این دعا را
بخوان یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا رَحْمٰنُ یَا رَحِیْمُ یَا رَبَّ الْاَرْبَابِ یَا اِلٰهَ الْاٰلِهَةِ یَا مَلِکَ الْمُلُوْکِ
یَا سَیِّدَ السَّادَاتِ اِشْفِنِیْ بِشِفَائِکَ مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ فَاِنِّیْ عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ اَتَقَلَّبُ
فِیْ قَبْضَتِکَ و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت

کرد از درد ناف فرمود که دست بر آن موضع بگذار و سه مرتبه بگو اِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ و در چند روایت وارد شده است که برای قولنج و درد شکم سورۂ حمد و قل اعوذ برب الناس و الفلق و قل هو الله احد را بر جامی با مشک و زعفران بنویسد و آیند عا را نیز بنویسد اَعُوذُ بِوَجْهِ اللّٰهِ الْعَظِيمِ وَبِعِزَّتِهِ الَّتِي لَا تُرَامُ وَبِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ هٰذَا الْوَجَعِ وَشَرِّ مَا فِيهِ وَشَرِّ مَا أَحْذَرُ مِنْهُ و بآب باران بشوید و بخورد و ناشتا در وقت خواب و در روایت دیگر منقول است که برای فالج و جمیع بادها نافع است و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از درد تهیگاه فرمود که چون از نماز فارغ شوی بر موضع سجود بمال و بعد از آن بر موضع درد بمال و این آیات را بخوان اَفَحَسِبْتُمْ اَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَاَنَّكُمْ اِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ فَتَعَالَى اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَاِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ اِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَاَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ راوی گفت چون چنین کردم بزودی برطرف شد و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دست بر تهیگاه بمالد و سه مرتبه این دعا بخواند بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا اَجِدُ فِي خَاصِرَتِي و در هر مرتبه دست بر آن موضع کشد و از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه منقول است که از برای دفع الم سپرز این آیات را بر زعفران بنویسد و بآب زمزم بشوید و بخورد قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ اَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذٰلِكَ سَبِيلًا وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا و منقولست که شخصی بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام شکایت کرد از قراقر و صداهای شکم و گفت هر مرتبه آنا زمی که با کسی سخن میگویم شرمنده میشوم حضرت فرمود که چون از نماز شب فارغ شوی این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ مَا عَمِلْتُ مِنْ خَيْرٍ فَهُوَ مِنْكَ لَا حَمْدَ لِي فِيهِ وَمَا عَمِلْتُ مِنْ سُوءٍ فَقَدْ حَذَّرْتَنِيهِ فَلَا عُذْرَ لِي فِيهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ اَنْ اَتَّكِلَ عَلَى مَا لَا حَمْدَ لِي فِيهِ اَوْ آمَنَ مَا لَا عُذْرَ لِي فِيهِ

و در روایت دیگر همین دعا برای دفع زحیر وارد شده است و در روایت دیگر منقول است که شخصی
شکایت کرد بآن حضرت از پیچش شکم فرمود که آبی بگیر و این آیات را بخوان یُرِیدُ اللّٰهُ بِکُمُ الْیُسْرَ
وَلَا یُرِیدُ بِکُمُ الْعُسْرَ پس سه مرتبه بگو اَوَلَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُوا اَنَّ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ
کَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ اَفَلَا یُؤْمِنُونَ پس آن آب را بخور و دست
بر شکم بمال و در روایت دیگر وارد شده است که این آیات را بر روغن بخوانند و بر شکم بمالند بِسْمِ اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ فَفَتَحْنَا اَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ وَفَجَّرْنَا الْاَرْضَ عُیُونًا فَالْتَقَی الْمَاءُ عَلٰی اَمْرٍ
قَدْ قُدِرَ وَحَمَلْنَاهُ عَلٰی ذَاتِ اَلْوَاحٍ وَدُسُرٍ فَفَتَحْنَا عَلَیْهِمْ اَبْوَابَ کُلِّ شَیْءٍ باسم فلان بن فلان
اَوَلَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُوا اَنَّ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ کَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ کُلَّ شَیْءٍ
حَیٍّ اَفَلَا یُؤْمِنُونَ و در حدیث دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام در سفری بودند بعضی از
فرزندان آنحضرت شکایت کرد از درد شکم و درد پشت حضرت او را طلبیدند و فرمودند که بر پشت بخوابد
و این دعا را بر او خواندند بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَصُنْعَ اللّٰهِ الَّذِی اَتْقَنَ کُلَّ شَیْءٍ اِنَّهُ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ
اُسْکُنْ یَا رِیحُ بِالَّذِی سَکَنَ لَهُ مَا فِی اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ و در روایت دیگر
منقول است که شخصی بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه شکایت کرد از درد پشت فرمود که
دست را بر آن موضع که درد دارد بگذار و سه مرتبه این آیه را بخوان وَمَا کَانَ لِنَفْسٍ اَنْ تَمُوتَ اِلَّا
بِاِذْنِ اللّٰهِ کِتَابًا مُؤَجَّلًا وَمَنْ یُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْیَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ یُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ
مِنْهَا وَسَنَجْزِی الشَّاکِرِینَ و هفت مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخوان و در حدیث دیگر منقول است که
مفضل بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از تنگی نفس و گفت اندک راهی که میروم
نفسم تنگ میگیرد و می نشینم فرمود که بول شتر بخور تا ساکن شود و کلینی در حدیث حسن روایت کرده است
که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از سرفه حضرت فرمود که قدری انجدان رومی
با همان قدر از نبات سفوف کن و یک روز یا دو روز بخور آن شخص گفت که یک مرتبه خوردم برطرف شد
و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام شکایت کرد از مرض
سل حضرت فرمود که سنبل و قاقله و زعفران و عاقرقرحا و بزرالبنج و خشخاش سفید و فلفل سفید
اجزا را مساوی بگیر و فرفیون را دو برابر هر یک از اجزا بگیر و تمام اجزا را سائیده از حریر بیرون کن

دباعسلی که کفش را گرفته باشند خمیر کن و بقدر یک نخود با آب گرم در سه شب بخور چنان کرد
و شفا یافت و در روایت دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد
از سرفه فرمود که بگیر از فلفل سفید یک جزو از فرفیون دو جزو خربق سفید یک جزو سنبل یک جزو
قاقله یک جزو زعفران یک جزو بذر البنج یک جزو همه اجزا را سائیده از حریر بیرون کن و مثل
وزن تمام اجزا عسل کف گرفته داخل کن و خمیر کرده حبها بساز و از برای سرفهٔ کهنه و تازه در وقت
خواب با آب رازیانهٔ نیم گرم بخور و در حدیث دیگر منقول است که از حضرت امام جعفر صادق :
علیه السلام پرسیدند که آیا بحضرت عیسی علیه السلام میرسید دردهائیکه بفرزندان آدم میرسد فرمود
که بلی در طفولیت بیماریهائی مردم بزرگ باو میرسید و در بزرگی بیماریهای خوردان باو میرسید
و درد تهیگاه از دردهای بزرگانست در طفولیت که گاهی او را عارض میشد بمادر خود میگفت که
عسل و سیاهدانه و روغن زیت را با یکدیگر خمیر کن و از برای من بیاور چون می آورد کراهیت
داشت از خوردن آن حضرت مریم میگفت چرا کراهیت داری خود طلبیدی می گفت که بعلم پیغمبری
آنرا طلب کردم و از برای جسم طفولیت و بدمزگی دوا کراهیت دارم گفت پس میگرفت و تناول
میفرمود و در چند روایت وارد شده است که خوردن ریزه هائی که از سفره میریزد درد تهیگاه را
برطرف میکند و در روایت معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بخور یا امرود که
دل را جلا میدهد و دردهای اندرون را ساکن میکند و در روایت دیگر فرمود که بخور اسپندان
رومی که درد تهیگاه را زائل میکند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت
حزقیل را قرحهٔ در جگر بهم رسید دعا کرد حقتعالی باو وحی فرمود که شیر انجیر را بگیر و بر سینهٔ خود
از بیرون بمال چنان کرد آن آزار از او برطرف شد و در روایت دیگر منقول است که شخصی بخدمت
امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از شدت درد سینه فرمود که پارهٔ نقره بده و ترنجبین و آنرا با روغن عربی
بپز و سه روز بخور و بخوران بهر که آزار سینه دارد که اگر خدا خواهد شفا میدهد و کلینی بسند معتبر روایت
کرده است که بحضرت امام موسی علیه السلام عرض کردند که یکی از غلامان آنحضرت آزار سینه دارد
فرمود که سه روز تره او را بخورانید چون سه روز خورد عافیت یافت و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقول است که بخورید سرکه را که از شراب ساخته باشند که کرمهای معده را میکشد و از حضرت

رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که خرما ناشتا خوردن کرم معده را میکشد و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که هر که هفت دانه خرمای عجوه در وقت خواب بخورد کرمهای
معده اش را می کشد و در چند حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است برای
دفع اسهال که قدری از برنج بگیرند و بشویند و در سایه بخشکانند و بر روی آتش بو دهند و نرم
بکوبند و هر بامداد یک کف از آن بخورند و در روایت دیگر از آنحضرت منقول است که برای
دفع اسهال که برنج را در دیگ کن و با آب بجوشان و چهار یا پنج پارچه سنگ در زیر آتش بگذار
تا سرخ شوند و پیه تازه قلوه را بگیر و با آن سنگها در میان کاسه بینداز و کاسه دیگر بر سرش
بگذار که بخارش بیرون نرود و حرکت ده تا آن پیه آب شود چون برنج پخته شود این روغن را
بر رویش بریز و بخور و در روایت دیگر منقول است که شخصی از زحیر شکایت کرد بحضرت امام
محمد باقر علیه السلام فرمود که گل ارمنی را بگیر و بر روی آتش ملایم بوی بده و سفوف کن و بخور
و در حدیث دیگر فرمود که بزر قطونا و صمغ عربی و گل ارمنی را بوی بدهد و سفوف کرده
بخورد که زحیر را برطرف میکند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام رضا علیه السلام
شکایت کرد از درد پیچش شکم فرمود که گردگان را بگیر و بر روی آتش بگذار و چون مغزش بریان
شود پوستش را بکن و بخور و در حدیث دیگر مرویست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت
کرد از قراقر شکم فرمود که سیاهدانه بخور با عسل و در حدیث معتبر منقول است که شخصی بحضرت
صادق علیه السلام شکایت کرد از ضعف معده فرمود که جبزاه را با آب سرد بخور و جز گیاهی است
شبیه بکرفس آنرا ابیوه زا میگویند **فصل دهم** در معالجهٔ اوجاع مفاصل فالج و بواسیر و امراض
مثانه و سائر امراض در حدیث معتبر منقول است که معلی بن خنیس بحضرت صادق علیه السلام
شکایت کرد از درد فرج فرمود که عورت خود را در موضعی گشوده که سزاوار نبوده و باین
سبب این درد بران بهم رسیده است دست چپ را بر فرج خود بگذار و این دعا بخوان
بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ بَلٰى مَنْ اَسْلَمَ وَجْهَهٗ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهٗ اَجْرُهٗ عِنْدَ رَبِّهٖ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ
وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْلَمْتُ وَجْهِيْ اِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ اَمْرِيْ اِلَيْكَ لَا مَلْجَاَ وَلَا مَنْجَا
مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امیر المؤمنین شکایت کرد از درد

را تنها فرمود که آب گرمی در طشت بکن و در میان آب بنشین و دست بر آن موضع که درد
دارد بگذار و این آیه را بخوان اَوَلَمْ یَرَ الَّذِیْنَ کَفَرُوْا اَنَّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ کَانَتَا رَتْقًا
فَفَتَقْنٰهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَآءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ اَفَلَا یُؤْمِنُوْنَ و در حدیث دیگر منقول است
که شخصی بخدمت حضرت امام حسین صلوات الله علیه شکایت کرد از درد پا فرمود که از اول
سورهٔ انّا فتحنا بخوان تا وَکَانَ اللّٰهُ عَزِیْزًا حَکِیْمًا و در روایت معتبره وارد شده است
که ابو حمزه بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از درد زانو فرمود که بعد از نماز این دعا
بخوان یَا اَجْوَدَ مَنْ اَعْطٰی وَیَا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ وَیَا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ اِرْحَمْ ضَعْفِیْ وَقِلَّةَ
حِیْلَتِیْ وَاَعْفِنِیْ مِنْ وَجَعِیْ چنان کرد بزودی عافیت یافت و در روایت دیگر منقول است
که سالم بن محمد شکایت کرد بحضرت صادق علیه السلام از درد ساق و بند پا و گفت که این درد مرا
از همه کارها عاجز کرده است فرمود که این آیه را هفت مرتبه بر آن موضع بخوان وَاتْلُ مَآ اُوْحِیَ
اِلَیْکَ مِنْ کِتَابِ رَبِّکَ لَا مُبَدِّلَ لِکَلِمٰتِهٖ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُوْنِهٖ مُلْتَحَدًا و در حدیث
دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام حسین علیه السلام شکایت کرد از درد بند پا فرمود که دست
بر آن موضع بگذار و بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَالسَّلَامُ عَلٰی رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ
وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖ وَالْاَرْضُ جَمِیْعًا قَبْضَتُهٗ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ وَالسَّمٰوٰتُ مَطْوِیّٰتٌ
بِیَمِیْنِهٖ سُبْحٰنَهٗ وَتَعٰالٰی عَمَّا یُشْرِکُوْنَ و در روایت دیگر منقول است که شخصی بحضرت صادق
علیه السلام شکایت کرد از درد مثانه فرمود که این آیات را در وقت خواب سه مرتبه و بعد از
بیدار شدن یک مرتبه بخوان اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ لَهٗ مُلْکُ
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا لَکُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ وَّلِیٍّ وَّلَا نَصِیْرٍ و در حدیث دیگر منقول است
که شخصی بخدمت حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه نوشت که شخصی از شیعیان شما بولش
بند شده است حضرت در جواب نوشتند که آیات قرآن بسیار بر او بخوان تا شفا یابد و از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر صبح و شام آیات آخر سورهٔ حشر لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ
عَلٰی جَبَلٍ تا آخر سوره سه مرتبه بخوان و هر مرتبه آب دهان بر آن موضع بیندازد و در روایت دیگر
منقولست که شخصی بآن حضرت شکایت کرد از درد مفاصل فرمود که این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

أَسْئَلُكَ بِأَسْمَائِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَدَعْوَةِ نَبِيِّكَ الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ الْمَكِينِ عِنْدَكَ وَبِحَقِّهِ وَبِحَقِّ ابْنَتِهِ فَاطِمَةَ بِحَقِّهِمِ الْمُبَارَكَةِ وَبِحَقِّ وَصِيِّهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِحَقِّ سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِلَّا أَذْهَبْتَ عَنِّي شَرَّ مَا أَجِدُ بِحَقِّهِمْ بِحَقِّكَ يَا إِلٰهَ الْعَالَمِينَ چون اینہا را بخواند ہمانساعت درد ساکن شود و در حدیث دیگر مرویست کہ شخصی بحضرت صادق علیہ السلام شکایت کرد از عرق النسا فرمود کہ ہرگاہ اثر ش ظاہر شود دست بر آنموضع بگذار و بگو بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ أَعُوذُ بِسْمِ اللهِ الْكَبِيرِ وَأَعُوذُ بِسْمِ اللهِ الْعَظِيمِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ نَعَّارٍ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ آن شخص سہ مرتبہ اینہا را خواند و از ان مرض نجات یافت و در روایت دیگر وارد شدہ است کہ شخصی را القوہ درد ما ارض شدہ بعد بخدمت حضرت صادق علیہ السلام آمد حضرت فرمود کہ بعد بروضۂ رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم و دو رکعت نماز بکن و دست برو بگذار و بگو بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ بِمَنِّ اللهِ أُخْرُجْ أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ مِنْ عَيْنِ إِنْسٍ أَوْ عَيْنِ جِنٍّ أَوْ وَجَعٍ أُخْرُجْ أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ بِالَّذِي اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا وَكَلَّمَ مُوسٰى تَكْلِيمًا وَخَلَقَ عِيسٰى مِنْ رُوحِ الْقُدُسِ لَمَّا هَدَأْتَ وَطَفِئْتَ كَمَا طَفِئَتْ نَارُ إِبْرَاهِيمَ اِطْفِئْ بِإِذْنِ اللهِ دو مرتبہ چنین کرد عافیت یافت و در مکارم الاخلاق مذکور است کہ برای عرق مدنی کہ بفارسی رشتہ میگویند پشم شتر را بدست بکندلی کار دو بمقراض و نہ بابد و گرہ بران بزند و بر ہر گرہی سہ مرتبہ سورۂ حمد را بخواند پس سہ مرتبہ بران رشتہ یا بر آن شخص اینہا را بخواند بِسْمِ اللهِ الْأَبَدِ الْأَبَدِ الْمُحْصِي لِلْعَدَدِ الْقَرِيبِ لِمَا بَعُدَ الطَّاهِرِ عَنِ الْعِلَّةِ الْعَالِي عَنْ أَنْ يُولَدَ الْمُنْجِزِ لِمَا وَعَدَ الْعَزِيزِ بِلَا أَعْدَادٍ الْقَوِيِّ بِلَا أَمَدٍ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ يَا خَالِقَ الْخَلِيقَةِ يَا عَالِمَ السِّرِّ وَالْخَفِيَّةِ يَا مَنِ السَّمٰوَاتُ بِقُدْرَتِهِ مُرْخَاةٌ يَا مَنِ الْأَرْضُ بِعِزَّتِهِ مَدْحُوَّةٌ يَا مَنِ الْجِبَالُ بِإِرَادَتِهِ مُرْسَاةٌ يَا مَنْ نَجَّا بِهِ صَاحِبَ الْغَرَقِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَبَلِيَّةٍ صَلِّ اللهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ خَيْرِ خَلْقِكَ وَاشْفِ اللّٰهُمَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ بِشِفَائِكَ وَدَاوِهِ بِدَوَائِكَ وَعَافِهِ مِنْ بَلَائِكَ إِنَّكَ قَادِرٌ عَلٰى مَا تَشَاءُ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ و از حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ و آلہ

منقول است که خواندن این دعا برای دفع بواسیر نافع است یَا جَوَادُ یَا مَاجِدُ یَا رَحِیمُ
یَا قَرِیبُ یَا مُجِیبُ یَا بَارِئُ یَا رَاحِمُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْدُدْ عَلَیَّ نِعْمَتَکَ وَاکْفِنِی
اَمْرَ وَجَعِی و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد
از بواسیر فرمود که سورهٔ یس را با عسل بنویس و بشوی و بخور و در حدیث صحیح از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که هرگاه ورمی یا جراحتی بهم رسد کاردی را بگیر و در بر آن موضع بمالد و بگوید
بِسْمِ اللّٰهِ اَرْقِیکَ مِنَ الْحَدِّ وَالْحَدِیدِ وَمِنْ اَثَرِ الْعُودِ وَمِنَ الْحَجَرِ الْمَلْبُودِ
وَمِنَ الْعِرْقِ الْفَاتِرِ وَمِنَ الْوَرَمِ الْآخَرِ وَمِنَ الطَّعَامِ وَعَقْدِهِ وَمِنَ الشَّرَابِ وَبَرْدِهِ اِمْضِ
اِلَیْکَ بِاِذْنِ اللّٰهِ اِلَی اَجَلٍ مُسَمًّی فِی الْاِنْسِ وَالْاَنْعَامِ بِسْمِ اللّٰهِ فَتَحْتُ وَبِسْمِ اللّٰهِ
خَتَمْتُ پس آن کارد را در زمین فرو برد و در حدیث دیگر فرمود که چون حضرت رسول
صلی الله علیه و آله وسلم را دردی یا دردسری عارض میشد دست میگشودند و سورهٔ حمد و
قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق میخواندند و دست را بر روی میکشیدند
و در حدیث معتبر منقول است از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام که برای قولنج و باد و درد
مفاصل و سستی بدن و برودت اندرون یک کف کندر را با یک کف انجیر خشک بگیرند
و آن قدر آب بر آن بریزند که پوشیده شود و در دیگ پاکیزه بپزند و صاف کنند و یک روز
بخورند و یک روز نخورند تا آنکه در مجموع سه روز یا بقدر یک قدح بزرگ خورده شود و در حدیث
دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که بادی از سر تا پایم
مرا گرفته است فرمود که بسیار روغن زنبق را اشتما بمالش بچکان و در روایت دیگر
منقول است که صحاب بن حارث بحضرت امام موسی علیه السلام عرض کرد که شخصی را لقوه
در روی بهم رسیده است و دهنش را برگردانیده است فرمود که پنج مثقال از حب نیل بگیرد
و در شیشه بکند و سرش را محکم ببندد و گل بمالد و در آفتاب بگذارد بقدر یک روز در تابستان
و دو روز در زمستان پس از شیشه بیرون آورد و نرم بکوبد و با آب باران مخلوط سازد
و بپشت بخوابد و بر آن طرف بدن که گشته است بمالد و بر آنحال خوابیده باشد تا آن حب نیل
خشک شود و چون چنین کند آن مرض از او برطرف شود و در حدیث دیگر منقول است که شخصی

بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از آنکه بولش قطع نمیشود و همیشه قطرات بول از و
می آید فرمود که اسفند را بگیر و شش نوبت با آب سرد و یکنوبت با آب گرم بشوی و در سایه خشک کن پس بروغن گل
چرب کن و سفوف کن و بخور و در روایت دیگر منقول است که برای ریگ مثانه هلیله و بلیله
و آمله و فلفل و دار فلفل و دار چینی و زنجبیل و شقاقل و انیسون و خولنجان اجزا را مساوی گرفته
بکوبند و بپزند و با روغن گاو تازه ممزوج کنند و دو برابر تمام اجزا را عسل صاف کرده یا شکر
بنیزد داخلش کنند و در هر مرتبه بقدر فندقی بخورند و در چند روایت وارد شده است که خوردن
تره برطرف میکند بواسیر را و در روایت دیگر فرمود که برنج و خرمای نارسی بواسیر را زائل
میکند و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام این دوا را برای دفع بواسیر
فرمود که هلیله سیاه و بلیله و آمله اجزا را مساوی گرفته بکوبند و از حریر بیرون کنند پس قدری
از مقل ارزق گرفته در آب تره بخیسانند سی شب پس این دواها را در میان آن ریخته خمیر
کنند و دست را بروغن بنفشه چرب کرده آنرا بقدر عدس حب کنند و در سایه خشک کنند و اگر
در تابستان باشد بقدر یک مثقال بخورد و اگر در زمستان باشد بقدر دو مثقال بخورد و در آن
ایام که این را میخورد از ماهی و سرکه و سبزیها اجتناب کند و در حدیث دیگر منقول است
که شخصی بحضرت امام علی نقی شکایت کرد از گندی دهان فرمود که خرمای برنی بخور و دیگری شکایت
کرد از یبوست مزاج فرمود که خرمای برنی را ناشتا بخورد و آب بر بالایش بخورد چنان کرد فربه شد و
رطوبت بر مزاجش غالب شد باز از رطوبت شکایت کرد فرمود که خرمای برنی را ناشتا بخورد
و آب بعد از آن مخور چنان کرد مزاجش مستقیم شد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که برای دفع زیادتی بلغم بگیر خنداران رومی و کندر و ابریشم و زنبسیان و سیاه دانه اجزا مساوی
یکدیگر و همه را نرم بکوب و بپز و با عسل خمیر کن و هر شب در وقت خواب بقدر یک فندق
بخور و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که بگیر از هلیله زرد یک مثقال و از خردل
دو مثقال و از عاقرقرحا یک مثقال و بسیار نرم بکوب و ناشتا بر دندانها بمال که بلغم را دفع
میکند و دهن را خوشبو میکند و دندانها را محکم میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که ناشتا بحمام رفتن بلغم را دفع میکند و بعد از طعام بحمام رفتن سودا و صفرا را دفع میکند و حضرت

امام محمد باقر علیه السلام فرمود که بسیار شانه کردن بلغم را کم میکند **فصل یازدهم** در بیان قلیلی
از تعویذات برای دفع سحر و سموم و گزندگان و سائر بلاها در حدیث معتبر منقول است که حضرت
امیر المومنین علیه السلام فرمود که برای دفع سحر این تعویذ را بر پوست آهو بنویسد و با خود
نگاهدارد بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ وَمَا شَاءَ اللّٰهُ بِسْمِ اللّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللّٰهِ قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللّٰهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللّٰهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ
فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ و در روایت
دیگر فرمود که اگر از ساحری یا ظالمی ترسی بعد از نماز شب قبل از شروع در نماز رو بجانب خانه او
بکن و هفت مرتبه بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا
فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ و در روایت دیگر منقول است
که جبرئیل علیه السلام خبر داد بحضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را که لبید بن اعصم یهودی
سحر برای آنحضرت کرده است پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه و آله را طلب فرمود که برو در فلان چاه و سحر را بیرون آور حضرت امیر المومنین علیه السلام
بآن موضع رفتند و در آن چاه داخل شدند و از ته آب حقه بدر آوردند و بنزد حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم آوردند در آن حقه کمانی بود که یازده گره بر او زده بودند پس جبرئیل علیه السلام
قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را از آسمان آورد حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم فرمود که یا علی این دو سوره را بر این گرهها بخوان پس هر آیه که حضرت میخواندند یک گره
گشوده می شد چون هر دو سوره تمام شد گرهها گشوده شد و سحر برطرف شد و احادیث معتبره
وارد شده است که چشم بد را تاثیر میباشد و فرمود که بسیار باشد که چشم آدمی را بقبر و شتر را
بدیگ داخل کند پس هرگاه خوشش آید او را چیزی از کسی الله اکبر بگوید و در روایت دیگر نام خدا
ببرد و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون ترسد که چشم او در کسی
یا چشم کسی در او تاثیر کند سه مرتبه بگوید مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
و فرمود که هرگاه کسی با هیأت نیکو خواهد که از خانه بیرون رود سوره قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ
برب الفلق را بخواند بیرون رود تا چشم بد در او تاثیر نکند و در روایت دیگر فرمود که هر که را اثر

چشم باو رسیده باشد دستها را برابر رو بلند کند و سورهٔ حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس
و قل اعوذ برب الفلق بخواند و دست بر پیش سر بکشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقول است که هر که از شیاطین و جادوگران ترسد آیهٔ سخره را بخواند اِنَّ رَبَّکُمُ اللهُ الَّذِیْ خَلَقَ
السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ فِیْ سِتَّةِ اَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰی عَلَی الْعَرْشِ یُغْشِی اللَّیْلَ النَّهَارَ یَطْلُبُهٗ
حَثِیْثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُوْمَ مُسَخَّرَاتٍ بِاَمْرِهٖ اَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْاَمْرُ تَبَارَکَ اللهُ
رَبُّ الْعَالَمِیْنَ اُدْعُوْا رَبَّکُمْ تَضَرُّعًا وَّخُفْیَةً اِنَّهٗ لَا یُحِبُّ الْمُعْتَدِیْنَ وَلَا تُفْسِدُوْا فِی الْاَرْضِ
بَعْدَ اِصْلَاحِهَا وَادْعُوْهُ خَوْفًا وَّطَمَعًا اِنَّ رَحْمَتَ اللهِ قَرِیْبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِیْنَ و در روایت
دیگر منقول است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از بسیاری خیالات فاسده و
وساوس شیطانی که بر دو دست یافته فرمود که دست بر دل بگذار و سه مرتبه بگو بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ
اَللّٰهُمَّ مَنَنْتَ عَلَیَّ بِالْاِیْمَانِ وَاَوْدَعْتَنِی الْقُرْاٰنَ وَرَزَقْتَنِیْ صِیَامَ شَهْرِ رَمَضَانَ
فَامْنُنْ عَلَیَّ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالرَّاْفَةِ وَالْغُفْرَانِ وَتَمَامِ مَا اَوْلَیْتَنِیْ مِنَ النِّعَمِ وَ
الْاِحْسَانِ یَا حَنَّانُ یَا مَنَّانُ یَا دَائِمُ یَا رَحْمٰنُ سُبْحَانَکَ وَلَیْسَ لِیْ اَحَدٌ سِوَاکَ سُبْحَانَکَ
اَعُوْذُ بِکَ بَعْدَ هٰذِهِ الْکَرَامَاتِ مِنَ الْهَوَانِ وَاَسْئَلُکَ اَنْ تُجْلِیَ عَنْ قَلْبِیَ الْاَحْزَانَ
پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرست و در روایت دیگر منقول است که شخصی با آن حضرت شکایت
کرد که چون تنها شوم میترسم و چون میان مردم میروم برطرف میشود فرمود که دست بر دل بگذار
و بگو بِسْمِ اللهِ بِسْمِ اللهِ بِسْمِ اللهِ پس دست بر دل بمال و بگو اَعُوْذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَاَعُوْذُ
بِقُدْرَةِ اللهِ وَاَعُوْذُ بِجَلَالِ اللهِ وَاَعُوْذُ بِعَظَمَةِ اللهِ وَاَعُوْذُ بِجَمْعِ اللهِ وَاَعُوْذُ بِرَسُوْلِ
اللهِ وَاَعُوْذُ بِاَسْمَاءِ اللهِ مِنْ شَرِّ مَا اَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا اَخَافُ عَلٰی نَفْسِیْ هفت مرتبه
اینها را بخوان و در روایت دیگر وارد شده است که شخصی با آن حضرت شکایت کرد از آرزوی
بسیار کردن و وسوسهای سینه فرمود که دست بر سینه بکش و بگو بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ مُحَمَّدٌ
رَسُوْلُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهٖ وَسَلَّمَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ اَللّٰهُمَّ
امْسَحْ عَنِّیْ مَا اَجِدُ پس دست بر شکم بمال و سه مرتبه بخوان اینها را آن شخص چنین کرد و آن حالت
از او زائل شد و شیخ احمد در کتاب عدة الداعی از برای گشودن سحری که او را بسته باشند بر بستر

این دعا را نقل کرده است که بنویسد و با خود نگاه دارند بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اِنَّا فَتَحْنَا
لَكَ فَتْحًا مُّبِيْنًا لِيَغْفِرَ لَكَ اللهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَاَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهٗ عَلَيْكَ
وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُّسْتَقِيْمًا بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ اِذَا جَآءَ نَصْرُ اللهِ وَالْفَتْحُ
وَرَاَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُوْنَ فِيْ دِيْنِ اللهِ اَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ اِنَّهٗ
كَانَ تَوَّابًا وَمِنْ اٰيَاتِهٖ خَلَقَ لَكُمْ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوْا اِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ
مَّوَدَّةً وَّرَحْمَةً اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ اُدْخُلُوْا عَلَيْكُمُ الْبَابَ فَاِذَا
دَخَلْتُمُوْهُ فَاِنَّكُمْ غٰلِبُوْنَ فَفَتَحْنَا اَبْوَابَ السَّمَآءِ بِمَآءٍ مُّنْهَمِرٍ وَّفَجَّرْنَا الْاَرْضَ عُيُوْنًا فَالْتَقَى
الْمَآءُ عَلٰى اَمْرٍ قَدْ قُدِرَ رَبِّ اشْرَحْ لِيْ صَدْرِيْ وَيَسِّرْ لِيْ اَمْرِيْ وَاحْلُلْ عُقْدَةً
مِّنْ لِّسَانِيْ يَفْقَهُوْا قَوْلِيْ وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَّمُوْجُ فِيْ بَعْضٍ وَّنُفِخَ فِي الصُّوْرِ
فَجَمَعْنٰهُمْ جَمْعًا كَذٰلِكَ اَلَّفْتُ فُلَانَ بْنَ فُلَانَةٍ عَلٰى فُلَانَةٍ بِنْتِ فُلَانَةٍ لَقَدْ جَآءَكُمْ
رَسُوْلٌ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ عَزِيْزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيْصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِيْنَ رَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ
فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ
و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که چون زن یهودیه
گوسفند زهر آلوده نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورد و گوسفند بریان بسخن آمد بامر الٰهی
و گفت یا رسول الله مخور از من که مرا بزهر آلوده اند جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت پروردگار
سلامت میرساند و میگوید که این دعا بخوان و بخور که زهر بتو ضرر نمیرساند پس حضرت امر
فرمود اصحاب خود را که همگی این دعا خواندند و از آن گوسفند خوردند و ایشان تناول کردند پس ضرر نبود
ایشان را که حجامت کنند دعا این است بِسْمِ اللهِ الَّذِيْ يُسَمِّيْ بِهٖ كُلُّ مُؤْمِنٍ وَبِهٖ عَزَّ
كُلُّ مُؤْمِنٍ وَبِنُوْرِهِ الَّذِيْ اَضَاءَتْ بِهِ السَّمٰوٰتُ وَالْاَرْضُ وَبِقُدْرَتِهِ الَّتِيْ خَضَعَ
لَهَا كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ وَانْتَكَسَ كُلُّ شَيْطَانٍ مَرِيْدٍ مِنْ شَرِّ السَّمِّ وَالسِّحْرِ وَاللَّمَمِ بِسْمِ
الْعَلِيِّ الْمَلِكِ الْفَرْدِ الَّذِيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْاٰنِ مَا هُوَ شِفَآءٌ وَّرَحْمَةٌ
لِّلْمُؤْمِنِيْنَ وَلَا يَزِيْدُ الظّٰلِمِيْنَ اِلَّا خَسَارًا و در حدیث دیگر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه و آله منقول است که هرگاه از شیر و حیوانات درنده بر خود و بر گوسفندان خود ترسید بر دور خود

وآنها خطی بکشد و بگوید اَللّٰهُمَّ رَبَّ دَانِیَالَ وَالْجُبِّ وَرَبَّ کُلِّ اَسَدٍ مُسْتَاسِدٍ احْفَظْنِی
وَاحْفَظْ عَلَیَّ غَنَمِی و فرمود که کسیکه از عقرب بترسد این آیات را بخواند سَلَامٌ عَلٰی نُوحٍ فِی
الْعَالَمِینَ اِنَّا کَذٰلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِینَ اِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِینَ و در حدیث معتبر منقول است
از حضرت صادق علیه السلام شخصی گفت که چون شیر را ببینی در روی او آیة الکرسی بخوان و بگو عَزَمْتُ
عَلَیْکَ بِعَزِیمَةِ اللّٰهِ وَعَزِیمَةِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّٰهِ وَعَزِیمَةِ سُلَیْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَیْهِمُ
السَّلَامُ وَعَزِیمَةِ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَالْاَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ اِلَّا تَنَحَّیْتَ عَنْ
طَرِیقِنَا وَلَمْ تُؤْذِنَا فَاِنَّا لَا نُؤْذِیکَ راوی گفت که بشیر برخوردم و اینها خواندم شیر
بزیر انداخت دم را در میان پاهای خود کشید و برگشت و در حدیث معتبر منقول است که
شخصی بحضرت امام موسی علیه السلام عرض کرد که من جانوران درنده را شکار میکنم و شب در بعضی صحراها
و جاهای هولناک بسر میبرم فرمود که چون داخل خرابه شوی پای راست را پیش بگذار و بسم اللّٰه
بگو و چون بیرون آئی پای چپ را پیش بگذار و بسم اللّٰه بگو که آسیبی بتو نمیرسد و از حضرت امام
رضا علیه السلام منقول است که چون شیر را ببینی در برابرش سه مرتبه اللّٰه اکبر بگو و بگو اَللّٰهُ اَعَزُّ
وَاَکْبَرُ وَاَجَلُّ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ وَاَعُوذُ بِاللّٰهِ مِمَّا اَخَافُ وَاَحْذَرُ و چون سگ بر روی تو
فریاد کند و حمله کند این آیه را بخوان یَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اِنِ اسْتَطَعْتُمْ اَنْ تَنْفُذُوا
مِنْ اَقْطَارِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ اِلَّا بِسُلْطَانٍ و از حضرت امام
موسی علیه السلام منقول است که برای دفع ضرر جانوران زمین هر شب اینها بخواند بِسْمِ اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اَعُوذُ
بِعِزَّةِ اللّٰهِ اَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ عَلٰی مَا یَشَاءُ مِنْ شَرِّ کُلِّ هَامَّةٍ تَدِبُّ بِاللَّیْلِ وَالنَّهَارِ
اِنَّ رَبِّی عَلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه از عقرب ب
ترسی نظر کن در شب بستاره سها که نزدیک ستاره دوم بنات النعش است و سه مرتبه بگو اللّٰهم
یَا رَبَّ اَسْلَمَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَسَلِّمْنَا مِنْ شَرِّ کُلِّ ذِی شَرٍّ راوی
گفت که تا مال یکشب نخواندم مگر آن شب مرا عقرب گزید و در حدیث دیگر فرمود که کسیکه
از مار و عقرب بترسد در اول شب اینها بخواند بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

آخذت العقارب والحيات كلها باذن الله تبارك وتعالى بافواهها واذنابها واسماعها
وابصارها وقواها عني وعمن احببت الى ضحوة النهار ان شاء الله و در روایت
دیگر فرمود که این دعا بخواند بسم الله وبالله وتوكلت على الله ومن يتوكل على الله فهو حسبه
ان الله بالغ امره اللهم اجعلني في كنفك وفي جوارك واجعلني في حفظك واجعلني في امنك
و در روایت معتبر از حضرت موسی علیه السلام منقول است که اصحاب حضرت رسول صلی الله
علیه وآله وسلم در بعضی از جنگها بآنحضرت شکایت کردند از بسیاری کیک فرمود که در وقت
خواب این دعا بخوانید ايها الاسود الوثاب الذي لا يبالي غلقا ولا بابا عزمت عليك
بام الكتاب ان لا تؤذيني ولا اصحابي الى ان يذهب الليل ويجيء الصبح بما جاء به
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر کسی که غضب بر او مستولی شود اگر ایستاده باشد
بنشیند تا ساکن شود غضب او و اگر بر خویش خود غضبناک شده باشد بدن خود را ببدن او
برساند تا ساکن شود و در حدیث دیگر فرمود که در هنگام غضب این دعا بخواند اللهم اذهب
عني غيظ قلبي واغفر لي ذنبي واجرني من مضلات الفتن اسألك رضاك واعوذ
بك من سخطك واسألك جنتك واعوذ بك من نارك واسألك الخير كله
واعوذ بك من الشر كله اللهم ثبتني على الهدى والصواب واجعلني راضيا مرضيا غير ضال ولا مضل
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون چیزی را شیطان از
خاطر تو محو کرده باشد و خواهی بیاد آوری دست بر پیشانی بگذار و بگو اللهم اني اسألك
يا مذكر الخير وفاعله والآمر به ان تصلي على محمد وآل محمد وتذكرني ما
انسانيه الشيطان و در احادیث معتبره وارد شده است که از برای ادای قرض
این دعا بخواند اللهم اغنني بحلالك عن حرامك وبفضلك عمن سواك و شخصی
بخدمت حضرت امام محمد تقی علیه السلام نوشت که قرض بسیار دارم حضرت نوشتند که
استغفار بسیار بکن و زبانت را تر بدار بخواندن سوره انا انزلناه و در روایت دیگر فرمود که برای
دفع پریشانی هر روز صد مرتبه انا انزلناه بخوان و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست
که برای دفع غصه و پریشانی بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید سبحان الله العظيم وبحمده

استغفر اللہ واسئلہ من فضلہ و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی اللہ علیہ والہ
وسلم منقول است کہ ہر کہ فقیر بسیار رو درآورد بسیار بگوید لا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم
بستیکہ این کلمہ گنجیست از گنجہای بہشت و دران شفا از ہفتاد و دو درد است کہ کمترین آنہا اندوہ است و در
حدیث بسیار معتبر وارد شدہ است کہ ہر کہ ہر روز صد مرتبہ لا حول ولا قوۃ الا باللہ
بگوید ہفتاد نوع از بلاہا از و دور گردد کہ سہل تر آنہا غم و اندوہ باشد و در حدیث معتبر دیگر منقول
است کہ ہر کہ ہزار مرتبہ ماشاء اللہ در یک دفعہ بگوید در آن سال او را حج نصیب شود
و اگر در آن سال نشود نمیرد تا توفیق حج بیابد و در احادیث بسیار وارد شدہ است
لا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم دفع اندوہ میکند و در احادیث معتبرہ از حضرت
علی بن الحسین صلوات اللہ علیہما منقول است کہ ہر گاہ من این دعا را میخوانم پروا ندارم اگر
جن و انس جمع شوند برای ضرر رسانیدن بمن بسم اللہ وباللہ ومن اللہ والی اللہ وفی
سبیل اللہ اللہم الیک اسلمت نفسی والیک وجہت وجہی والیک فوضت
امری فاحفظنی بحفظ الایمان من بین یدی ومن خلفی وعن یمینی وعن شمالی
ومن فوقی ومن تحتی وادفع عنی بحولک وقوتک ولا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی
العظیم و در روایت دیگر منقول است کہ حضرت صادق علیہ السلام روزی نزد منصور
دوانقی رفتند و او در نہایت شدت غضب بود حضرت در وقت داخل شدن این
دعا خواندند غضب او ساکن شد یا عدتی عند شدتی ویا غوثی عند کربتی احرسنی
بعینک التی لا تنام واکفنی برکنک الذی لا یرام و از حضرت صادق علیہ السلام منقول
است کہ برای برگشتن غلام گریختہ بر کاغذی آیۃ الکرسی را دور بنویسد و در میان آن بنویسد
اللہم السماء لک والارض لک وما بینہما لک فاجعل ما بینہما اضیق علی فلان
و نام غلام را بنویسد من جلد جمل حتی ترد علی وتظفرنی بہ و این دعا را نیز بخواند
و این کاغذ را در آن موضعی کہ شبہا در آنجا آن گریختہ میخوابیدہ است دفن کند و چیزی سنگین
بر بالایش بگذارد و در حدیث دیگر فرمود کہ کسیرا مالی یا حیوانی گم شود این دعا بخواند اللہم
انک اللہ من فی السماء والہ من فی الارض وعدل فیہما وانت الہادی من الضلالۃ

تَرُدُّ الضَّالَّةَ فَرُدَّ عَلَيَّ ضَالَّتِي فَإِنَّهَا مِنْ رِزْقِكَ وَعَطِيَّتِكَ اللَّهُمَّ لَا تَفْتِنِّي بِهَا مُؤْمِنًا وَلَا
تُغْنِ بِهَا كَافِرًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ و از حضرت
امام رضا علیه السلام منقول است که برای گم شده بگوید وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا
إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ
الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَهْدِي مِنَ الضَّلَالَةِ
وَتُنْجِي مِنَ الْعَمَى وَتَرُدُّ الضَّالَّةَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِي وَرُدَّ ضَالَّتِي وَصَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ و در حدیث دیگر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است
که برای رد گم شده دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ یٰس بخواند و بعد از
نماز دست بسوی آسمان بردارد و بگوید اللَّهُمَّ رَادَّ الضَّالَّةِ وَالْهَادِيَ مِنَ الضَّلَالَةِ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْ عَلَيَّ ضَالَّتِي وَارْدُدْهَا إِلَيَّ سَالِمَةً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
فَإِنَّهَا مِنْ فَضْلِكَ وَعَطَائِكَ يَا عِبَادَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَيَا سَيَّارَةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ
رُدُّوا عَلَيَّ ضَالَّتِي فَإِنَّهَا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَعَطَائِهِ و در روایتی منقول است که از حضرت
صادق علیه السلام پرسیدند که تعویذی با خود میداریم و جنب می شویم چون است فرمود که
باکی نیست اما چون زن حائض شود باید که تعویذی که با خود نگاه دارد در میان پوست
باشد و فرمود که هرچه از دعا و قرآن و تعویذ که خواهید برای کودکتها در بدها بخوانید
الا افسونها که معنیش معلوم نباشد مخوانید و فرمود که بسیاری از تعویذها و افسونها کفر است

فصل دوازدهم در فوائد تربت شریف حضرت امام حسین علیه السلام و خواص بعضی از ادویهٔ
مفرده در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که در خاک قبر حضرت امام حسین
علیه السلام شفای هر دردی هست و آنست دوای بزرگ و در حدیث دیگر از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که هر کرا علتی حادث شود و تربت آنحضرت دوا کند البته شفا یابد
مگر آنکه علت مرگ باشد و در حدیث دیگر فرمود که تربت آنحضرت شفا می‌بخشد از هر دردی
و امان میدهد از هر ترسی و در حدیث دیگر فرمود که کام فرزندان خود را بتربت آنحضرت
بردارید که امان میدهد از بلاها و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام

و هیچ شفائی بجائی نمیفرستادند مگر آنکه قدری از تربت آنحضرت در میانش میگذاشتند
که برکت آن محفوظ بماند و در حدیث معتبر منقول است که ابن ابی یعفور از حضرت صادق
علیه السلام سوال کرد که بعضی از مردم از تربت امام حسین صلوات الله علیه میگیرند و منتفع
میشوند و بعضی نفع نمی یابند فرمود که والله هر کس که اعتقاد نفع داشته باشد البته نفع می یابد و در
حدیث دیگر منقول است که شخصی بآنحضرت عرض کرد که زنی رشته بمن داده است که بند جامه کعبه
مخلوط بهم که جامه کعبه را بآن بدوزند حضرت فرمود که آنرا بده بعسل و زعفران بخر و خاک
قبر حضرت امام حسین علیه السلام بگیر و بآب باران نرم کن و در میان عسل و زعفران بریز و
بشیعیان ما بده که بیماران خود را بآن دوا کنند و در روایت دیگر فرمود که خاک قبر امام حسین
صلوات الله علیه شفای هر دردی است هر چند ثلث فرسخ دورتر از قبر بردارند و در روایت
دیگر فرمود که تا هفتاد ذراع از قبر تربت شفا را میتوان برداشت و در روایت معتبر دیگر فرمود
که تربت شفائی را تا یک فرسخ و ثلث فرسخ از اطراف قبر میتوان برداشت و فرمود که هیچ چیز
مثل آن نیست در شفا بخشیدن مگر دعا و چیزیکه برکت آنرا کم میکند در جاهای نامناسب
گذاشتن است و کم اعتقادی آن کسی است که میخورد اما کسیکه یقین داند که آن شفاست هر وقت
که بآن معالجه کند بس است او را و دیگر محتاج نمیشود بدوا و کم میکنند نفع تربت را شیاطین
و جنیان کافر که خود را بآن میمالند و هر چه که میگذرد آنرا میبویند و شیاطین و کافران
جن کیسهائی بر بندند بر ندان آدم پس خود را بر آن میمالند که خوشبوئی و نفعش را کم کنند و هر
تربتی که از حایر بیرون می آورند آنقدر که نتوان شمرد از شیاطین که از بیم ملائکه داخل حایر نمیشوند
در بیرون حایر مهیا باشند که تا از حایر بیرون می آورند خود را بآن بمالند و اگر تربت از این سالم
ماند هر بیماری که بخورد البته شفا یابد پس چون تربت را برداری پنهان کن و نام خدا
بر آن بسیار بخوان و من شنیده ام که بعضی تربت را بر میدارند و آنرا سبک می شمارند حتی آنکه
در میان توبره چهارپایان می اندازند و در میان ظرف طعام می اندازند از چنین تربتی چون شفا یابد کسیکه
کسی که صاحب یقین نیست و مستخف است بامری که موجب صلاح او است اعمال خود را فاسد
میکند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بآنحضرت عرض کرد که مرا دردی و مرض بسیار میباشد

وهرگاه خوردم نفعی نکرد قسم فرمود که چون تربت امام حسین علیه السلام را میخوری که در آن شفای هر درد
است و امان از هر بیم است وقتیکه بر میداری تربت را بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِحَقِّ هٰذِهِ
الطِّیْنَةِ وَبِحَقِّ الْمَلَکِ الَّذِیْ اَخَذَهَا وَبِحَقِّ النَّبِیِّ الَّذِیْ قَبَضَهَا وَبِحَقِّ الْوَصِیِّ الَّذِیْ
حَلَّ فِیْهَا صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهٖ وَاجْعَلْ لِیْ فِیْهَا شِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَاَمَانًا مِنْ کُلِّ
خَوْفٍ پس پرسید که شفای هر درد را دانستم چگونه امان است از هر خوفی فرمود که هرگاه از بلائی از بلاها اندیشه
داشته باشی از خانه بیرون میا مگر آنکه خاک قبر آنحضرت با تو باشد و در آنوقت که خاک را باخود
بر میداری بگو اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ طِیْنَةُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ وَلِیِّکَ وَابْنِ وَلِیِّکَ اِتَّخَذْتُهَا حِرْزًا
لِمَا اَخَافُ وَمَا لَا اَخَافُ و از ابوحمزه ثمالی منقول است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که
چون خواهی تربت قبر را برداری سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و
قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه فی لیلة القدر و یس و آیة الکرسی بخوان و
بگو اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَحَبِیْبِکَ وَنَبِیِّکَ وَرَسُوْلِکَ وَاَمِیْنِکَ وَبِحَقِّ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ
عَلِیِّ بْنِ اَبِیْطَالِبٍ عَبْدِکَ وَاَخِیْ رَسُوْلِکَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِیِّکَ وَزَوْجَةِ وَلِیِّکَ
وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَبِحَقِّ الْاَئِمَّةِ الرَّاشِدِیْنَ وَبِحَقِّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ وَبِحَقِّ
الْمَلَکِ الْمُوَکَّلِ بِهَا وَبِحَقِّ الْوَصِیِّ الَّذِیْ هُوَ فِیْهَا وَبِحَقِّ الْجَسَدِ الَّذِیْ تَضَمَّنَتْ وَبِحَقِّ السِّبْطِ الَّذِیْ ضَمِنَتْ وَبِحَقِّ
جَمِیْعِ مَلٰٓئِکَتِکَ وَاَنْبِیَائِکَ وَرُسُلِکَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ وَاجْعَلْ هٰذَا الطِّیْنَ شِفَاءً لِیْ
وَلِمَنْ یَسْتَشْفِیْ بِهٖ مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ وَمَرَضٍ وَاَمَانًا مِنْ کُلِّ خَوْفٍ اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ
وَاَهْلِ بَیْتِهٖ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ وَاٰفَةٍ وَعَاهَةٍ
وَجَمِیْعِ الْاَوْجَاعِ کُلِّهَا اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ و بگو اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ
الْمُبَارَکَةِ الْمَیْمُوْنَةِ وَالْمَلَکِ الَّذِیْ هَبَطَ بِهَا وَالْوَصِیِّ الَّذِیْ هُوَ فِیْهَا صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ
مُحَمَّدٍ وَانْفَعْنِیْ بِهَا اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ و صلوات دیگر فرمود که در وقت برداشتن
تربت را بخوری اول ببوس و بر چشم و دیده بگذار و زیاده از یک نخود نخور که هرکه زیاده بخورد چنانست
که گوشت و خون ما را خورده است و در وقتیکه از قبر میبری بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِحَقِّ
الْمَلَکِ الَّذِیْ قَبَضَهَا وَاَسْئَلُکَ بِحَقِّ النَّبِیِّ الَّذِیْ خَزَنَهَا وَاَسْئَلُکَ بِحَقِّ الْوَصِیِّ الَّذِیْ

حَلَّ فِيهَا اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَاَمَانًا مِنْ كُلِّ
خَوْفٍ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ پس تربت را بر پارچه به بند و سوره انا انزلناه برا بخوان و در حدیث
معتبر دیگر فرمود که هر که تربت را بقصد شفا بخورد چنان است که گوشت ما را خورده است
چون بقصد شفا بخورد و بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ
الطَّاهِرَةِ وَرَبَّ النُّورِ الَّذِي اُنْزِلَ فِيهِ وَرَبَّ الْجَسَدِ الَّذِي سَكَنَ فِيهِ وَرَبَّ الْمَلٰئِكَةِ
الْمُوَكَّلِينَ بِهِ اجْعَلْهُ شِفَاءً مِنْ دَاءِ كَذَا وَكَذَا و آن آزار را ذکر کند پس تربت را بخورد و
یک جرعه آب بعد از آن بخورد و بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَاسِعًا وَعِلْمًا نَافِعًا وَشِفَاءً
مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ چون چنین کنی دفع می شود آنچه در خود می یابی از درد و بیماری و غم و اندوه
و در روایت دیگر فرمود که در وقت خوردن این دعا بخوان بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ
رِزْقًا وَاسِعًا وَعِلْمًا نَافِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ رَبَّ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ
وَرَبَّ الْوَصِيِّ الَّذِي وَارَتْهُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ هٰذَا الطِّينَ شِفَاءً مِنْ
كُلِّ دَاءٍ وَاَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که چون میت را
دفن کنند در برابر رویش مهری از خاک حضرت امام حسین صلوات الله علیه بگذارند و در حدیث
دیگر فرمود که مومن میباید که از پنج چیز خالی نباشد مسواک و شانه و سجاده و تسبیحی از تربت که
سی و چهار دانه باشد و انگشتر عقیق و از حضرت امام جعفر صادق منقول است که هر که تسبیح خاک آنحضرت را بگرداند
بهر استغفاری هفتاد استغفار برائی او نوشته میشود و اگر تسبیح را در دست نگهدارد و چیزی
نگوید بعد هر دانه هفت استغفار برائی او نوشته میشود و در حدیث دیگر فرمود که هر که خاک قبر
حضرت امام حسین علیه السلام بغیر قصد شفا بخورد چنانست که گوشت حضرت امام حسین
صلوات الله علیه فروخته است و خریده است بدانکه مشهور میان علما آنست که بقدر نخود
میتوان خورد و چون از بعضی احادیث بقدر عدسی ظاهر میشود بهتر آنست که زیاده از عدس
نخورد و از خواص ادعیه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که تب کند و در شب اول
بوزن دو درهم یا سه درهم بزر قطونا بخورد و در آخر عمر ایمن گردد از سرسام و ذات الجنب و در حدیث
دیگر فرمود که فضیلت عناب بر سائر میوه ها مانند فضیلت ما است بر سائر مردم و از حضرت

امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که عناب تپ را زایل میکند و در روایتی منقول
است که ابن ابو نجیب گفت دیده من سفید شده بود و چیزی نمی دیدم شبی حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه را در خواب دیدم فرمود که عناب را بکوب و در دیده بکش چون بیدار شدم
عناب را با هسته اش سائیدم و در دیده کشیدم دیده ام صحیح و بینا شد و در حدیث صحیح معتبر
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که سداب بخورید که اگر چیزی مرگ را
رد میکند آن سداب است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چهار چیز است که
طبیعت را بحال می آورد انار سورانی و خرمائی نارس پخته و بنفشه و کاسنی و از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که سیاه دانه شفای هر دردیست بغیر از مرگ و در بعضی از روایات وارد
شده است که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسیدند که چگونه استعمال کنیم فرمود که
بیست و یک دانه اش را در کیسه بکنید و یکشب در آب بخیسانید و چون صبح شود در بینی راست
دو قطره و در بینی چپ یک قطره بچکانید و در روز دوم نیز چنین کنید و در روز سوم در بینی
راست یکقطره و در بینی چپ دو قطره بچکانید و در هر شب دانها را تازه کنید و در روایت دیگر
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شخصی بآنحضرت شکایت کرد که از بسیار آمدن بول
آزار میکشم فرمود که سیاه دانه در آخر شب بخور و فرمود که من آنرا میخورم برای تپ و درد سر
و آزار چشم و درد شکم و جمیع دردها و خدا مرا از آن شفا میدهد و از حضرت رسول صلی الله علیه و
آله وسلم منقول است که فرمود که بر هر یک از برگ و دانه و درخت اسفند ملکی موکل است
که با آنها هست تا آنکه بپوسد و ریشه آن و شاخش سحر و جادو را برطرف میکند و در دانه اش شفای
هفتاد و دو درد است پس مداوا کنید به اسفند و کندر و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که خانه که در آن اسفند هست شیطان تا هفتاد خانه از آنخانه دوری میکند و آن
شفاست از هفتاد مرض که آسان تر آنها خوره است و در روایت دیگر منقول است
که پیغمبری بخدا شکایت کرد از جبن امت خود وحی بر او نازل شد که امر کن امت خود را که اسفند
بخورند که باعث شجاعت می شود و فرمود که کندر برگزیده پیغمبران است [illegible] و دود تر از دود
آن بآسمان بالا نمیرود و آن دود [illegible] شیاطین [illegible] است و از حضرت امام

حسین صلوات الله علیه منقول است که اگر مردم بدانند که چه منافع در طلع نر است
هر آینه بوزن آن طلا بخرند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که بخورید انجیر که برای
دفع قولنج نافع است و فرمود که گند دهانرا برطرف میکند و استخوانرا محکم میکند و مو در بدن میرویاند
و درد پاها را می برد و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که خوردن انجیر تر و خشک
بواسیر را قطع میکند و نقرس و علت برودت باطن را نفع میدهد و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که برگ خرفه عقل را زیاده میکند و هیچ گیاهی از آن شریفتر و نافعتر نیست و حضرت امام
رضا علیه السلام فرمود که بادروج از ماست و تره تیزک از بنی امیه است و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که کاهو خون را صاف میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خوراک حضرت
خضر والیاس کرفس و سیلانست و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم مرویست که هر که
سداب بخورد و در شب بخوابد در آن شب ایمن باشد از درد پهلو و اندرونی و ذات الجنب
و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت زنجبیل و سیاه دانه و اشنان را سفوف میکردند و بعضی از [illegible]
و لحم گیم ضرب که از آن بود تناول می فرمودند و گاهی اینها سائیده بعسل ممزوج ساخته پیش از
طعام میخوردند و میفرمودند که چون بامداد این را بخورم از خوردن هیچ چیز پروا نمیکنم و تقویت
معده میکند و بلغم را می برد و امان می بخشد از لقوه و فرمود که حقتعالی برکت قرار داده است
در عسل و در آن شفا از جمیع دردها است و بر آن هفتاد پیغمبر برکت فرستاده است و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که سرکه شراب بن دندانرا محکم میکند و کرمهای شکم را میکشد و عقل را محکم میکند
و فرمود که خوردن اشنان زانوها را سست میکند و آب پشت را فاسد میکند و فرمود که هر که
زنیان و گردکان با هم بخورد بواسیر را می سوزاند و بادها را دفع میکند و معده را نرم میکند و گرده ها
گرم میکند و فرمود که ابشیم و نمک با یکدیگر بادها را دفع میکند و سدها را می گشاید و بلغم را میسوزاند
و موجب ادرار بول میشود و دهن را خوشبو میکند و لقوه را دفع میکند و معده را نرم میکند و قوت جماع را زیاده میکند
و در حدیث دیگر وارد شده است که مالیدن نمک از هر عقرب را و گزندگان را دفع میکند

باب دهم در آداب معاشرت با مردم و حقوق اصناف ایشان فصل اول در بیان حقوق
خویشان و همسایگان و کنیزکان در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که رحم در روز قیامت

چنگ در عرش الهی میزند ومیگوید پروردگارا هرکه مرا در دنیا وصله کرده است تو امروز او را برحمت
خود وصل کن وهرکه مرا قطع کرده است در دنیا تو امروز او را از رحمت خود قطع کن ودر احادیث
بسیار وارد شده است که نیکی با خویشان کردن باعث قبول اعمال است ومال را زیاده میکند
وبلاها را دفع میکند وعمر را دراز میکند وحساب قیامت را آسان میکند ودر حدیث حسن از حضرت
رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که دو طرف صراط امانت وصله رحم است پس کسیکه
در امانت مردم خیانت نکرده است وبا خویشان خود نیکی کرده است از طرف صراط او بآسانی
میگذرد وببهشت میرود وکسیکه خیانت در امانتها کرده است وقطع رحم کرده است
عمل دیگر او را نفع نمیدهد وصراط او را در آتش می افکند وحضرت صادق علیه السلام فرمود که صله
رحم کردن وبا همسایگان نیکو سلوک کردن خانها را آبادان میکند وعمرها را دراز میکند واز
حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که هیچ عملی ثوابش زودتر از صله رحم نمیرسد
ودر حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ما چیزی را نمیدانیم که عمر را زیاده
میکند مانند صله رحم تا آنکه گاه هست که شخصی را سه سال از عمر او مانده است وبسبب صله رحم
عمرش سی وسه سال میشود وگاه هست که کسی که از عمرش سی وسه سال مانده است وبسبب
قطع رحم سه سال میشود ودر حدیث موثق منقول است که شخصی از آنحضرت سوال کرد که خویشان
دارم که شیعه نیستند آیا ایشانرا بر من حقی هست فرمود که بلی حق رحم را هیچ چیز قطع نمیکند
اگر شیعه باشند دو حق دارند حق رحم وحق اسلام وفرمود که صله رحم ونیکی با برادران مومن
حساب قیامت را آسان میکند واز گناهان نگاه میدارد پس صله رحم ونیکی با برادران ترک
مکنید اگرچه بسلام کردن ونیکو جواب سلام دادن باشد وحضرت امیرالمومنین صلوات الله
علیه وآله فرمود که هرگاه خویشان با یکدیگر مدد کنند مال ایشان بدست بدکاران نمی افتد
ودر حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که سه چیز است که هرکه مرتکب آنها
شود پیش از مردن عقوبت آنها را می یابد ظلم وقطع رحم وقسم دروغ وبسیار است که جماعتی بدکردارند
وبسبب صله رحم مال وفرزندان ایشان بسیار میشود وقسم دروغ وقطع رحم خانها را از اهل خالی
میکند ونسل را منقطع میکند واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که هرکه بنائی

خود بخانهٔ خویشان برود بدیدن ایشان یا از برای آنکه مالی ببرد که با ایشان برساند حق تعالی ثواب
صد شهید او را کرامت فرماید و بعدد هر گامی که بر دارد چهل هزار حسنه در نامهٔ عملش نوشته
میشود و چهل هزار گناه محو شود و چهل هزار درجه از برای او در بهشت بلند شود و چنان
باشد که صد سال عبادت خدا با خلاص کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که سه کس اند که
داخل بهشت نمی شوند کسیکه همیشه شراب خورد یا همیشه سحر کند یا قطع رحم کند و فرمود که هر که
رعایت حق خویشان خود کند حق تعالی در بهشت او را هزار هزار درجه کرامت کند که از هر درجه
تا درجهٔ دیگر صد ساله راه باشد یک درجه از نقره و دیگری از مروارید و دیگری از زمرد و دیگری
از زبرجد و دیگری از مشک و دیگری از عنبر و دیگری از کافور و همچنین از سایر چیزهائی که
خدا در بهشت خلق کرده است و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که در شب معراج
دیدم رحمی بعرش در آویخته از رحم دیگر شکایت میکند بپروردگار خود پرسیدم در چند پشت
نسب تو با او بهم میرسد گفت که در چهل پشت و در حدیث معتبر دیگر فرمود که ضامنم برای کسی که
صلهٔ رحم کند آنکه خدا او را دوست دارد و روزیش فراخ کند و عمر او را زیاد کند و او را داخل بهشت
کند و فرمود که بوی بهشت از هزار ساله راه شنیده میشود و آنرا نمی شنود عاق پدر و مادر
و قطع کنندهٔ رحم و مرد پیر زناکار و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که هر که بندهٔ خود را حدی از حدود الهی بزند بغیر آنکه جرمی از او صادر شده باشد که مستوجب
آن حد شده باشد کفارهٔ نیست گناه او را غیر از آزاد کردن او و در حدیث معتبر منقولست
که از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه پرسیدند که بنده که فرمان صاحبش نبرد آیا حلال است
زدن او فرمود که اگر موافق طبیعت باشد نگاه دار و گرنه بفروشش یا رها کن و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در تادیب اطفال و غلامان و کنیزان
پنج تازیانه یا شش تازیانه بیشتر نزنند و آنرا هم برفق و هموارى بزنند و در حدیث معتبر دیگر
منقول است که زراره از آنحضرت سوال کرد از زدن بنده فرمود که هر چیزی که در دست او
تلف شود بی تقصیر او بنده چیزی نیست اما اگر دانسته نافرمانی تو کند میتوانی زدن او گفتم
چه مقدار بزنم او را فرمود که سه یا چهار یا پنج تازیانه و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

که فرمود که پیوسته جبرئیل مرا وصیت میکرد در باب غلام و کنیز تا آنکه گمان کردم که برای ایشان حدی مقرر خواهد کرد که چون بآنحد برسند آزاد شوند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بنده که مؤمن باشد چون هفت سال خدمت کند آزاد می شود و بعد از آن خدمت کردن او حلال نیست و علما حمل کرده اند این حدیث را بر آنکه سنت مؤکد است که بعد از هفت سال او را آزاد کنند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چهار صفت است که در هر که باشد حقتعالی او را می آمرزد و ساکن میگرداند در اعلای علیین و در اعلای غرفه های شرف کسیکه پناه دهد یتیمی را و متوجه احوال او گردد و از برای او بمنزلهٔ پدر مهربان باشد و کسیکه رحم کند بر ضعیفان و اعانت ایشان نماید و کسیکه مال خود را صرف پدر و مادر نماید و با ایشان مدارا کند و احسان نماید و ایشانرا آزرده نکند و کسیکه تندی و سفاهت با بندهٔ خود نکند و او را یاری نماید بر خدماتیکه باو می فرماید و کاری که بر او دشوار باشد باو نفرماید و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که به بندگان خود بخورانید آنچه خود میخورید و بایشان بپوشانید آنچه خود میپوشید و در روایت دیگر منقول است که آنحضرت باصحاب خود فرمودند که میخواهید خبر دهم شما را به بدترین مردم گفتند بلی یا رسول الله فرمود که کسیکه تنها سفر کند و عطای خود را از مردم منع کند و غلام خود را بزند و در حدیث دیگر فرمود که کسانند که اگر بر ایشان ظلم نکنی ایشان بر تو ظلم می کنند و ایشان زن تو و خادمان تو و در حدیث دیگر فرمود که بندگان خود را بقدر عقل ایشان مورد عتاب سازید و در حدیث دیگر منقول است که روزی غلامی از حضرت صادق علیه السلام ناپید شده بود حضرت او را می طلبیدند تا آنکه دیدند که در جائی خوابیده است بر بالین او نشستند و او را باد میزدند تا او بیدار شد پس فرمودند که ترا نیست که شب و روز همه خواب کنی شب خواب کن و روز خدمت کن و در احادیث معتبره از آنحضرت منقولست که کسانند که نماز ایشان مقبول نیست غلامی که از آقای خود گریخته باشد تا آنکه برگردد و خود را تسلیم آقا نماید و شخصی که پیش نمازی گروهی کند که با او راضی نباشند و زنی که شوهر از او خشمناک بخواب رود و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که اول کسیکه داخل بهشت شود شهید است و غلامی که نیکو عبادت کند پروردگار خود را و خیرخواه آقائی خود باشد و مرد عیالواری که از حرام و شبهه عفت ورزد و در اتقای

معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر که بندهٔ آزاد کند حقتعالی
بهر عضوی ازان بنده عضوی او را از آتش جهنم آزاد گرداند و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که مستحب است که در شب عرفه و در روز عرفه بجهت تقرب بخدا بجویند بآزاد کردن و تصدق نمودن

فصل دوم در حقوق همسایگان و خویشان و عشیره و قبیله از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم منقولست که پیوسته مرا جبرئیل وصیت مینمود برعایت همسایه تا آنکه گمان کردم
که برای او میراثی قرار خواهد داد و فرمود که هر که همسایهٔ خود را آزار کند حقتعالی بوی بهشت را بر او
حرام گرداند و ماوای او جهنم باشد و فرمود که هر که از همسایه اش بقدر یکشبر زمین خیانت کند خدا
آن زمین را تا طبقهٔ هفتم طوقی گرداند در گردن او تا چون او را بمقام حساب آورند آن طوق
در گردن او باشد مگر آنکه توبه کند و آن زمین را پس دهد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که آزار خود را از همسایه باز دارد حقتعالی در قیامت از گناهان او درگذرد و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که سه چیز است که بدترین بلاها است پادشاهی یا صاحب حکمی
که اگر احسان باو کنی شکر نکنند و اگر بدی کنی نگذارند و همسایه که چشمش ترا ببیند و دلش مرگ ترا
خواهد و اگر نیکی ببیند بپوشاند و مذکور نسازد و اگر بدی ببیند ظاهر کند و منتشر گرداند و زنی که
اگر حاضر باشی ترا شاد نگرداند و اگر غائب باشی خاطرت بآن مطمئن نباشد و در حدیث دیگر فرمود
که هر که آزار همسایه کند برای طمع در خانهٔ او خدا خانهٔ او را بهمسایه برساند و در حدیث معتبر منقولست
که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسیدند که آیا در مال حقی بغیر از زکوة هست فرمود بلی
نیکی و احسان کردن بخویشان که با تو بدی کنند و احسان کردن بهمسایگان مسلمان بدرستیکه
ایمان بمن ندارد کسیکه شب سیر میخوابد و همسایهٔ مسلمانش گرسنه است و در چند حدیث معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که چهل خانه از هر طرف همسایه اند و در حدیث دیگر فرمود
که از جملهٔ حقوق مال از حق ماعون است که حقتعالی وعید جهنم فرموده است برای کسیکه منع آن نماید
و آن قرضی است که بهمسایه دهد یا نیکی که با ایشان کند یا ضروریات خانه که با ایشان عاریت دهد
راوی عرض کرد که همسایگان داریم که اگر چیزی بایشان بعاریت میدهیم می شکنند و ضایع میکنند
در اینصورت بر ما گناهی هست اگر بایشان ندهیم فرمود که هرگاه چنین باشد گناهی بر شما نیست

اگر با ایشان بد کنید و در حدیث دیگر فرمود که حلال نیست منع کردن نمک و آتش از همسایگان
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که ماعون را منع نماید از همسایگان
حق تعالی منع نماید از او خیر و احسان خود را در حسرت و او را بخود واگذارد و وای بر حال او و از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که زنهار متوجه حقوق مشوید که بر خود لازم کنید آنچه
از خرجها که بر قبیله واقع میشود بدهید و مضایقه نکنید و اگر از قبیله شما کسی شما را تکلیفی کند
که ضررش بر شما زیاده از نفعی باشد که باو میرسد قبول نکنید و در حدیث دیگر منقول است که حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله در بیماری بدیدن صعصعه بن صوحان که از اصحاب بزرگ آنحضرت بود
تشریف آوردند پس فرمودند باینکه من بعیادت تو آمدم فخر مکنی بر قوم خود و اگر ایشانرا در امری بینی
خود را از آن امر بکنار مگیر که آدمی بی نیاز نیست از قوم و قبیله خود و با ایشان محتاج است و اگر یاری
ایشان منع کرده و یاریهای بسیار ایشانرا از خود گردانیده پس اگر ایشانرا در حال خوبی به بینی یاری
ایشان مکن بر آن امر و اگر در بلائی باشند ایشانرا وامگذار و باید که یاری کردن شما یکدیگر در حمایت
خدا باشد بدرستیکه همیشه بار فاحشیت و نعمت خود همیشه بوده اگر یاری یکدیگر کنید در طاعت
خدا و باز ایستید از معصیت خدا و در حدیث معتبر منقول است که اسیر چند را بنزد حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم آوردند از کافران پس یکی از ایشانرا پیش آوردند که گردن بزنند در آن حال
حضرت جبرئیل نازل شد و گفت یا محمد این اسیر که میخواهی که گردنش را بزنی بمردم طعام میداد
و مهمانداری میکرد و خرجهائی که در میان قبیله واقع می شد میداد و بار گران اهل قبیله را بر دوش
خود میداشت پس حضرت بآن اسیر فرمودند که حقتعالی چنین وحی فرستاده است او من ترا آزاد کردم
از کشتن باین خصلتها آن اسیر گفت که پروردگار تو این خصلتها را دوست میدارد فرمود که بلی پس اسیر
گفت شهادت میدهم بوحدانیت خدا و پیغمبری تو بحق آن خداوندی که ترا براستی فرستاده هرگز کسی را
از مال خود مأیوس برنگردانیدم و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که خوردن مال یتیم
بناحق از جمله گناهان کبیره است و در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود که هر که نگاهداری کند یتیمی را و او را نفقه دهد من و او در بهشت مانند این دو انگشت با هم
باشیم و اشاره بانگشت شهادت و میان فرمودند و در حدیث دیگر فرمود که هر که یتیمی را در عیال خود

داخل کنند و حسرت او را ببرند تا او مستغنی شود و از و خدا بهشت را برای او واجب گرداند چنانچه
برای خورنده مال یتیم جهنم را واجب گردانیده است و در روایت معتبر از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه و آله منقولست که هر مرد مؤمن و زن مؤمنه که دست بر سر یتیم بکشند از روی
ترحم حقتعالی بعدد هر موئی که دستش بر آن بگذرد حسنه برای او بنویسد و در روایت دیگر منقول
است که بهر موئی حقتعالی نوری باو کرامت فرماید در قیامت و در حدیث معتبر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که از سنگینی دل خود آزرده باشد و خواهد
دلش نرم شود یتیمی را نزدیک خود بخواند و با او مهربانی کند و بر سر خوان خود بنشاند و از روی
شفقت دست بر سر و روی او بمالد بدرستیکه یتیم را بر مردم حق عظیم است و در حدیث دیگر
فرمود که چون یتیم بگرید عرش الهی برای او بلرزد پس پروردگار عالم فرماید که کیست آنکه بگریه
آورده است این بنده مرا که پدر و مادرش را گرفته ام بعزت و جلال خود سوگند میخورم که هیچ
بنده او را ساکن نگرداند مگر آنکه بهشت را برای او واجب گردانم و در احادیث معتبره از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که حقتعالی در قرآن مجید برای کسیکه مال یتیم را بناحق بخورد دو
عقاب مقرر فرموده یکی عذاب جهنم در آخرت و دیگری آنکه در دنیا بعد از و با یتیمان او بکنند
آنچه او با یتیمان دیگران کرده باشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حقتعالی جماعتی را
در قیامت از قبرها محشور گرداند که از دهنهای ایشان آتش شعله ور باشد و آنها جماعتی باشند
که مال یتیمانرا خورده باشند چنانچه حقتعالی میفرماید بدرستیکه آنجماعتی که مال یتیمانرا بظلم میخورند
نمیخورند در شکم خود مگر آتش و بزودی آتش افروز جهنم گردند بدانکه ولی یتیم که تصرف در مال او
تواند شود پدر است و جد پدری و وصی که ایشان تعیین کرده باشند و اگر اینها نباشند حاکم شرع
یعنی امام علیه السلام و کسیکه آنحضرت تعیین کرده باشد و اگر امام حاضر نباشد اکثر علما را اعتقاد
آنست که مجتهد جامع الشرائط میکند یا کسیکه او نصب کرده باشد و از احادیث معتبره ظاهر
میشود که مؤمنان صالح از برای خدا متکفل احوال ایشان و ضبط اموال ایشان میتوانند شد که آنچه
صرفه و غبطه ایشان باشد رعایت کنند و اگر پریشان باشند و سعی در مال یتیم مانع کسب ایشان
باشد بقدر خرج ضروری خود از مال ایشان خرج میتوانند کرد و بهتر آنست که رعایت کنند

که زیاده از احتیاج ستحارفه آن عمل بر ندارند و هم چنین پدر و جد پدری و وصی باید که نهایت رعایت در صرفه ایشان بکنند و اگر آنقدر مال نداشته باشند که قرض کنند از مال ایشان قرض بردارند و اگر پدر و جد پدری پریشان باشند بقدر نفقه ضروری خود از مال ایشان میتوانند برداشت و اگر مادر هم پریشان باشد نفقه او را ولی از مال میتیم میتواند داد و اگر قدر خرج طفل را حساب کنند و با نفقه خود ضم کنند و باهم چیزی بخورند باکی نیست فصل سیوم در حقوق صداقت و اخوت

در حدیث معتبر منقول است که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله در وقت فوت وصیت نمود بحضرت امام حسن علیه السلام که برادری کن با برادران از برای خدا و دوست دار صالحان را برای صلاح شان و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که برادر مومنی را برای خدا دوستی نماید خانه در بهشت یافته باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که کسی که بعد از اسلام فائده نیافته است که بهتر باشد از برادری که از برای خدا گرفته باشد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد که بسیار است که اندوهگین میشوم بی سببی بحدی که اهل و یاران من اثر آنرا از روی من مشاهده میکنند فرمود که حقتعالی مومنان را از طینت بهشت آفریده است و از نسیم رحمت خود روح در ایشان جاری گردانیده پس باین سبب مومنان برادران پدر و مادری یکدیگرند پس چون بروح یکی از مومنان اندوهی رسید مومنان دیگر برای اندوه او محزون میشوند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که نظر کردن بسوی امام عادل عبادت است و نظر کردن بسوی عالم عبادت است و نظر کردن بسوی پدر و مادر از روی شفقت و مهربانی عبادت است و نظر کردن بروی برادری که دوست داری او را برای خدا عبادت است و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که: برادران دو نوع اند یکی برادرانی که محل اعتماد باشند در دوستی و یاری و دیگری برادران خنده و صحبت داشتن اما اول پس ایشان بمنزله دست اند و بال اند و اهل و مال اند پس چون برادری چنین اعتماد داشته باشی از برای او صرف کن مال و بدن خود را و با دوستانش دوستی کن و با دشمنانش دشمنی کن و رازش را بپوشان و عیبش را مخفی دار و نیکیهایش را افشا کن

وبدانکه این قسم برادران کمتر اند از گوگرد سرخ که اکسیر است و اما قسم دوم پس تو لذت صحبت
ایشانرا می یابی این را از ایشان قطع مکن و توقع زیاده از ایشان مدار و در احادیث معتبره
وارد شده است که اخوت و برادری و آشنائی در عالم ارواح در میان مؤمنان بهم رسیده
و درین نشأ چون یکدیگر را دیدند آنرا بیاد می آورند و در احادیث معتبره وارد شده است که مؤمن
برادر مؤمن است و دیدهٔ او است و راه نمائی او است با او خیانت نمیکند و بر او ظلم نمیکند و
او را فریب نمیدهد و با او وعده که میکند خلف نمیکند و با او دروغ نمیگوید و غیبت او نمیکند و در
حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که صداقت و یاری و دوستی حدی چند دارد
که هر که همه آنها در او نباشد او را بکمال صداقت نسبت مده و کسیکه هیچ یک از آنها در او نباشد
به هیچ چیز از صداقت او را نسبت مده اول آنکه آشکار او و پنهانش با تو یکی باشد دوم آنکه
زینت ترا زینت خود داند و عیب ترا عیب خود داند سیوم آنکه بهم رسانیدن مالی یا حکومتی
سلوک او را با تو تغییر ندهد چهارم آنکه آنچه توانائی او بآن رسد از تو منع نکند پنجم آنکه در وقت
نکبتها و بلاها ترا وانگذارد و ترک یاری تو نکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که از برادران
مؤمن تو سه مرتبه با تو غضب آید و در هیچ مرتبه حرف بدی در حق تو نگوید او را بدوستی و یاری
خود بگیر و در حدیث صحیح دیگر فرمود که اعتماد بسیار بر برادر و دوست خود مکن که رازهای خود را
باو بسپاری که در وقتی که آواز تو برگردد چاره نتوانی کرد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول
است که محبت بیست ساله خویشاوندی است و علم اهلش را با یکدیگر بیشتر جمع میکند و ربط میدهد
از پدران و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون دوستی داشته باشی و حکومتی بهم رسانید
و ده یک آنچه با تو دوستی میکرد بکند دوست بدی نیست از برائی تو و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه و آله منقولست که دوستی با دوستان خود هموار مکن و خود را بر مده با ایشان بلکه روزی دشمن
تو شوند و دشمنی را با دشمنان خود هموار مکن شاید که روزی دوست تو شوند و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که مطلع مگردان دوستان خود را بر راز خود مگر رازی که اگر دشمن تو بداند ترا
ضرری نرسد زیرا که گاه هست که دوست یکروز دشمن میشود و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول
است که بهترین عیش دنیا فراخی خانه و بسیاری دوستان است و حضرت لقمان بپسر خود گفت

که با همه کس مصاحبت مکن و با هیچ کس دشمنی مکن و راضی باش که غلام نیکان باشی و راضی مشو
که فرزند بدان باشی و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که پنج چیز است که در هر که
نباشد زندگی بر او گوارا نیست صحت بدن و امنیت و توانگری و قناعت و مونس موافق و در
حدیث دیگر فرمود که هر گاه بنده از دلش زجر کننده از نفسش و مصاحبی که او را براه خیر
بدارد نباشد شیطان بر گردنش سوار میشود و در حدیث دیگر فرمود که قطع آشنائی از دوستان
پدر خود مکن که روشنی احوالت بتاریکی مبتلا میشود و فرمود که هر که محبت خود را بغیر محلش بگذارد
خود را در معرض قطع محبت خود شده است و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست
که هر که خود را در محل تهمت درآورد ملامت نکند کسی را که گمان بد باو ببرد و هر که راز خود را پنهان
دارد اختیار با خودش است و هر سخنیکه از دو کس گذشت فاش میشود و چون با کسی برادری کنی
آنچه از او بینی بر محمل نیک حمل کنی تا آنکه بحدی برسد که دیگر محمل نیک نیابی و زنهار گمان بد مبر بسخنی
که از برادرت صادر میشود تا محمل نیکی برای آن بیابی و بسیار بگیر از برادران نیک که ایشان در
وقت رفاهیت تهیه اند برائی وقت بلا و در وقت بلا سپرند برائی دفع اعدا و مشورت با جماعتی
بکن که از خدا ترسند و برادران مؤمن را بقدر پرهیزگاری ایشان دوست دار و پرهیز از زنان
بد و از نیکان ایشان در حذر باش و از حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا منقولست که اگر خواهی که
تمام شود برائی تو نعمت و کامل شود برائی تو مردی و مروت و باصلاح آید برائی تو امور معیشت پس
شریک مگردان غلام و مردم دون را در کارهائی خود که اگر ایشانرا امین گردانی خیانت میکنند
و اگر سخنی با تو گویند دروغ میگویند و اگر بلائی پیش آید ترا یاری نمیکنند و با عاقل مصاحبت بکن
هر چند کریم نباشد و از عقلش بهره ور شو و از خلق بدش احتراز کن و با کریم مصاحبت کن هر چند
عاقل نباشد که بعقل خود از کرم او منتفع میشوی و بگریز نهایت گریختن از احمقی که بخیل باشد

فصل چهارم در بیان حقوق مؤمنان بر یکدیگر و حسن معاشرت با خلق بسند معتبر منقولست
که معلی بن خنیس از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسید که حق مسلمان بر مسلمان چیست فرمود
که هفت حق است که هر یک از آنها واجب است و اگر یکی از آنها ترک کند از دوستی و طاعت
خدا بدر میرود پرسید که آنها چیست فرمود که میترسم که بدانی و عمل نیاوری و رعایت آنها نکنی

آسان ترین آن اول آن حقوق آنست که آنچه از برائی خود دوست میداری از برائی او دوست
داری و آنچه از برائی خود نمیخواهی از برائی او نخواهی دوم آنکه بپرهیزی از غضب او و پیروی
خوشنودی او بکنی و آنچه فرماید اطاعت کنی سیوم آنکه او را یاری کنی بجان و بمال و بزبان
و بدست و بپا چهارم آنکه دیده و رهنما و آئینه او باشی پنجم آنکه تو سیر نباشی و او گرسنه باشد
و تو سیراب نباشی و او تشنه باشد و تو پوشیده نباشی و او عریان باشد ششم آنکه اگر تو
خدمتگار داشته باشی و او نداشته باشد واجب است که خادم خود را بفرستی که جامهٔ او بشوید
و طعامش را بسازد و رخت خوابش را بگستراند هفتم آنکه ترا اگر قسم دهد بعمل آوری و اگر ترا بخانه
دعوت کند قبول کنی و اگر بیمار شود بعیادتش بروی و اگر بمیرد بجنازه‌اش حاضر شوی و اگر
دانی که حاجتی دارد پیشی گیری به برآوردن آن پیش از آنکه از تو سوال کند چون چنین کنی پیوند کرده
محبت خود را به محبت او و محبت او را به محبت خود و در حدیث دیگر فرمود که هیچ عبادتی
نزد خدا بهتر از ادا کردن حق مؤمن نیست و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که وعده کردن مؤمن برادر مؤمن خود را نذریست که کفاره ندارد و هر که خلف وعده کند
اول ابتدا بخلف وعدهٔ خدا کرده است و متعرض غضب الهی شده است و در حدیث
حسن دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که ایمان بخدا و روز
قیامت دارد باید که وفا کند بوعدهٔ خود و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که مؤمن را بر مؤمن هفت حق واجب است اول آنکه در حضور او را تعظیم نماید و
محبتش در سینهٔ او باشد و مال خود را به او صرف نماید و غیبت او را بر خود حرام داند و چون بیمار شود
بعیادت او برود و چون بمیرد بجنازه‌اش حاضر شود و بعد از مرگش بغیر از نیکی او چیزی نگوید و
بسند حسن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که دوست دار برادر مسلمان خود را
و بخواه از برائی او آنچه از برائی خود میخواهی و مخواه از برائی او آنچه از برائی خود نمیخواهی و چون
محتاج شوی از او سوال کن و هرگاه از تو سوال کند با او عطا کن و نیکی را از او ذخیره مکن تا او هم
از تو ذخیره نکند و یاور او باش تا او نیز یاور تو باشد و اگر غائب شود حرمت او را غائبانه نگاهدار و چون بدیدنش آید
برو و او را گرامی دار بدرستیکه او از تست و تو از اوئی و اگر با تو در مقام عتاب باشد از او جدا مشو

تا کینه را از سینه او بیرون کنی و اگر نعمتی باو برسد خدا را شکر کن و اگر بلائی او را پیش آید یاور او باش
و با او مصاحبت زیاده کن و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که مسلمان را
بر برادر مسلمان شش حق هست هرگاه باو برسد بر او سلام کند و هرگاه بیمار شود بعیادت او
برود و هرگاه که عطسه کند او را دعا کند و چون بمیرد بجنازه او حاضر شود و هرگاه او را بضیافت
طلبد قبول کند و از برای او دوست دارد آنچه از برای خود دوست میدارد و از برای او دشمن دارد آنچه
از برای خود دشمن میدارد و بسندهای معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست
که هر که صبح کند و اهتمام بامور مسلمانان نداشته باشد او مسلمان نیست و کسی که بشنود که کسی فریاد
میکند که ای مسلمانان بفریاد من برسید و یاری او نکند او مسلمان نیست و فرمود که محبوب‌ترین مردم
کسی است که نفعش بمردم بیشتر برسد و فرمود که هر که گروه از مسلمانان ضرر آبی یا آتشی را دفع کند
بهشت او را واجب شود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حق مؤمن بر
مؤمن آنست که او را از دل دوست دارد و مال خود را از و دریغ ندارد و اگر بسفری رود با خلف اهل
او بپردازد و اگر کسی بر او ظلم کند او را یاری نماید و اگر عطائی بمسلمانان دهند و او غائب باشد بهره او را
از برای او بگیرد و چون بمیرد بزیارت قبرش برود و بر او ظلم نکند و او را فریب ندهد و با او خیانت
نکند و بر روی او اف نگوید و اگر اف بگوید دوستی از میان ایشان برطرف شود و اگر گوید تو دشمن
منی یکی از ایشان کافر باشد زیرا که اگر دروغ گفته است خود کافر است و اگر راست گفته آن
دیگری کافر است یعنی صاحب کبیره است و چون او را بتهمتی متهم سازد ایمان در دلش بگدازد چنانچه نمک در آب
و در حدیث دیگر فرمود که باید بپسندد برادر مسلمان خود بخواهد آنچه از برای عزیزترین اهل خود میخواهد و نخواهد از برای او آنچه از
برای عزیزترین اهل خود نمیخواهد و دوستی او را خالص گرداند از شوائب تا آنکه از شادی او شاد باشد و در
اندوه او اندوهگین باشد و اگر تواند سعی کند که غم او را زائل گرداند و الا دعا کند که خدا اندوهش را
بردارد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت آن حضرت آمد از و پرسیدند که برادران خود را
بر چه حال گذاشتی گفت که بر نیکو حالی گذاشتم ایشان را فرمود که توانگران ایشان چگونه با احوال
فقیران میرسند گفت کمتر فرمود که توانگران چه قدر بدیدن فقیران میروند گفت کم فرمود که توانگران
چه مقدار احسان بفقیران میکنند گفت چیزی چند میفرمائید که در پیش ما اینها نمی‌باشد فرمود که

پس چگونه ایشان دعوای تشیع می کنند و در حدیث دیگر فرمود که برادران نیکوکار باشید
و از برای خدا با یکدیگر دوستی کنید و بدیدن یکدیگر بروید و با یکدیگر بنشینید و دین ما را احیا
ما را یاد کنید و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که واجب است از برای مؤمن
بر مؤمن که هفتاد کبیره او را بپوشاند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که واجب است
از برای مؤمن بر مؤمن که خیرخواه او باشد در حضور و غیبت و در حدیث دیگر فرمود که بر شما باد
بخیرخواهی خلائق که هیچ عملی نزد خدا ازین بهتر نیست **فصل پنجم** در قضای حاجت مؤمنان
وسعی نمودن در کارهای ایشان و شاد گردانیدن ایشان در حدیث صحیح از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم منقول است که هر که مؤمنی را شاد گرداند مرا شاد گردانیده است و هر که مرا شاد
گرداند خدا را شاد گردانیده است و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که تبسم کردن در روی برادر مؤمن حسنه است و خاشاکی از او برداشتن حسنه است و هیچ عبادتی را
خدا دوست تر نمیدارد از شاد گردانیدن مؤمن و در حدیث دیگر فرمود که حقتعالی خطاب فرمود
با حضرت موسی علیه السلام که بدرستیکه مرا بندگانی هست که بهشت را برای ایشان مباح میکنم
و ایشانرا حاکم میگردانم در بهشت حضرت موسی گفت پروردگارا کیستند ایشان فرمود که کسی که
سروری بمؤمن داخل کند پس حضرت فرمود که مؤمنی در مملکت پادشاه جباری بود و آن پادشاه
در مقام آزار او بود از او گریخت و بشهر کفار رفت و پناه بکافری برد آن کافر او را جا داد و مهربانی
و ضیافت کرد چون وقت مرگ آن کافر شد حقتعالی باو وحی فرستاد که بعزت و جلال خود
سوگند میخورم که اگر ترا در بهشت جای میبود هر آینه ترا در بهشت در می آوردم و لیکن بهشت حرام
است بر کسیکه کافر بمیرد و پس خطاب نمود باتش جهنم که او را بترسان اما مسوزان و امر فرمود
که در اول و آخر روز برای او روزی میبردند و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
حقتعالی وحی نمود بحضرت داود که بنده از بندگان من حسنه نزد من می آورد که من بهشت را
برای او مباح میگردانم حضرت داود پرسید که آن حسنه کدام است فرمود که بر بنده مؤمن خوشحالی داخل
گرداند اگر چه بیک دانه خرما باشد داود گفت که پروردگارا سزاوار است کسیکه ترا بشناسد
قطع امید خود از تو نکند و در حدیث دیگر فرمود که کسیکه مؤمنی را شاد گرداند او را شاد گرداند

است و بس بلکه ما را شاد گردانیده است بلکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را شاد
گردانیده است و در احادیث معتبره از آنحضرت منقول است که چون مؤمن از قبر بیرون می آید
با او شخصی بیرون می آید و می گوید بشارت باد ترا بکرامت از جانب خدا
و خوشحالی پس مؤمن با او میگوید که خدا ترا بشارت به نیکی دهد پس با او می باشد و بهر هولی که
میگذرد میگوید که این از تو نیست و بهر نیکی که میگذرد میگوید که این از تست و پیوسته او را
چنین بشارت میدهد تا آنکه بمقام حساب آید پس چون امر کنند که او را به بهشت برند باو میگوید
که بشارت باد که خدا فرمود که ترا به بهشت برند مؤمن گوید که تو کیستی که از قبر تا اینجا مرا بشارت
دادی و مونس من بودی و از جانب خدا بمن خبر رسانیدی گوید که منم آن شادی که در دل
برادر مؤمن خود داخل کردی در دنیا خدا مرا از آن خلق کرده است که بشارت دهنده تو و در
تنهائی مونس تو باشم و در حدیث دیگر فرمود که هر که مؤمنی را شاد گرداند حقتعالی هزار هزار حسنه
برای او بنویسد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که یک حاجت برادر مؤمن خود بر آورد حقتعالی
در قیامت صد هزار حاجت او را بر آورد که یکی از آنها بهشت باشد و دیگری آنکه خویشان
و آشنایان خود را داخل بهشت گرداند اگر ناصبی نباشد و در حدیث دیگر فرمود که بر آوردن
حاجت مؤمن بهتر است از هزار بندگان آزاد کردن و هزار اسپ در راه خدا بجنگ فرستادن
و در حدیث دیگر فرمود که بهتر است از بیست حج که در هر حجی صاحبش صد هزار درهم صرف کند
و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که یک حج بهتر است از هفتاد بنده
آزاد کردن و خرج کشیدن و نفقه دادن اهل یک خانه از مسلمانان که ایشانرا سیر کند و بپوشاند
و روی ایشانرا از سوال کردن حفظ کند بهتر است از هفتاد حج و در حدیث حسن از حضرت امام
جعفر صادق منقولست که هر که هفت شوط طواف در دور خانه کعبه بکند حقتعالی برای او شش هزار حسنه بنویسد
و شش هزار گناه محو کند و شش هزار درجه برای او بلند کند و شش هزار حاجت او را بر آورد و
بر آوردن حاجت مؤمن بهتر است از ده طواف و در حدیث دیگر فرمود که هر مسلمانی که
حاجت مسلمانی بر آورد حقتعالی او را ندا کند که ثواب تو بر من است و راضی نمیشوم برای تو
بغیر از بهشت و در حدیث دیگر فرمود که چون کسی پی بر آوردن حاجت مؤمن راه رود حقتعالی

ودو ملک را موکل گرداند از جانب راست و چپش که برائی او استغفار کنند و دعا کنند که
حاجتش برآورده شود و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقولست که هر که
برادر مؤمن او بنزد او بیاید برائی حاجتی او رحمتی است که خدا تعالی بسوی او فرستاده است
اگر قبول کند پس پیوند کرده است دوستی او را بدوستی ما و دوستی ما بدوستی حق تعالی
موصولست و اگر او را رد کرده او قادر بود که حاجتش را برآورد حقتعالی بر او مسلط گرداند در قبر ماری
از آتش که او را بگزد تا روز قیامت خواه در روز قیامت او را خدا بیامرزد و خواه عذاب کند
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که مؤمنی که برادر مؤمنش حاجتی بنزد او بیاورد
و او قادر نباشد بر برآوردن حاجت او و دلش غمگین شود بسبب این خدا بهمین بهشت را
برائی او واجب گرداند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مؤمنی که در حاجت برادر
مؤمن خود راه رود ده حسنه برائی او نوشته شود و ده گناه از او محو شود و ده درجه در بهشت برای
او بلند شود و برابر ده بنده آزاد کردن باشد و بهتر باشد از اعتکاف یکماه در مسجد الحرام و از حضرت امام
رضا علیه التحیة و الثناء منقولست که خدا را بندگان هست که سعی میکنند در حاجت مردم
ایشان ایمنانند در روز قیامت و هر که دل مؤمنی را شاد کند حقتعالی دل او را در قیامت
شاد گرداند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر که راه رود برائی برآوردن حاجت
برادر مسلمان خدا هفتاد و پنج هزار ملک را بفرستد که او را سایه کنند و بهر قدمی برائی او
حسنه بنویسند و گناهی محو کنند و درجه بلند کنند و چون از کار سازی او فارغ شود ثواب
حج و عمره در نامه عملش بنویسند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که چون راه روم در حاجت
برادر مسلمان دوست تر میدارم از آزاد کردن هزار بنده و هزار کس را بر اسپان زین و لجام
کرده سوار کنم و بجهاد بفرستم و در حدیث دیگر فرمود که هر که سعی کند و راه رود در حاجت برادر
مسلمان خود از برائی رضائی خدا تعالی برائی او هزار هزار حسنه بنویسد که بسبب آنها خویشان
و همسایگان و آشنایان او را بیامرزد و هر که با او نیکی کرده باشد در قیامت با او خطاب برسد
که داخل جهنم شو و هر که در دنیا با تو نیکی کرده است او را بیرون آور و داخل بهشت کن مگر آنکه
دشمن اهلبیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باشد و فرمود که حقتعالی خبر داده است

که خلائق عیال من اند و محبوب‌ترین ایشان نزد من کسی است که با ایشان مهربان‌تر باشد
و سعی در برآوردن حاجت ایشان بیشتر کند و فرمود که هر که بفریاد برسد برادر مؤمن غمگین مضطر خود را
در هنگام شدت و سختی انفس هم او را بردارد و حاجت او را برآورد حق‌تعالی واجب گرداند برای
او هفتاد و دو رحمت که یکی را در دنیا بدهد که کارهای دنیای او با آن ساخته شود و هفتاد و یک
رحمت دیگر برای او ذخیره کند برای ترسها و شدتهای روز قیامت و فرمود که هر که غمی از مؤمن غمگینی
بردارد حق‌تعالی غمهای آخرت را از او بردارد و چون از قبر بیرون آید دلش مطمئن و شاد باشد
و هر که مؤمنی را طعام دهد حق‌تعالی از میوه‌های بهشت او را طعام دهد و هر که مؤمنی را آب دهد
حق‌تعالی از شراب سر بمهر بهشت او را آب دهد و در حدیث دیگر فرمود که هر که غمی از مؤمنی بردارد
حق‌تعالی حاجات دنیا و آخرت او را بردارد و هر که عیب مؤمنی را بپوشاند حق‌تعالی هفتاد
عیب از عیبهای دنیا و آخرت او را بپوشاند و تا مؤمن در یاری برادر مؤمن است خدا یاور
اوست و در حدیث معتبر از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما منقول است که هر که
حاجت برادر مؤمن خود را برآورد حق‌تعالی صد حاجت او را برآورد که یکی بهشت باشد و هر که
غمی از مؤمنی بردارد حق‌تعالی غمهای او را در قیامت بردارد و هر که اعانت کند مؤمنی را بر
ظالمی خدا او را یاری کند در گذشتن بر صراط در وقتی که قدمها بلغزد و هر که حاجت مؤمنی را برآورد
که او شاد شود چنان باشد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را شاد کرده باشد و هر که مؤمنی
را آب دهد در وقت تشنگی حق‌تعالی او را از شراب بهشت سیراب گرداند و هر که مؤمنی را سیر کند
حق‌تعالی از میوه‌های بهشت او را سیر کند و هر که مؤمنی جامه بپوشاند در وقتی که عریان باشد
خدا او را از دیبا و حریر بهشت بپوشاند و هر که جامه بر مؤمن بپوشاند در غیر عریانی پیوسته در ضمان
خدا باشد از بلاها تا از آن جامه بر آن مؤمن تاری باقی باشد و هر که خادمی با وی بدهد خدا او را از پسران
بهشت خادم بدهد و هر که او را از پیاده بودن سوار کند حق‌تعالی او را بر ناقه از ناقه‌های بهشت سوار
کند که در قیامت با ملائکه مباهات کند و هر که بعد از مردن کفن بپوشاند بر مؤمنی چنان باشد که او را
جامه داده باشد از هنگام ولادت تا وقت مردن و هر که زنی بمؤمنی بدهد که با او انس گیرد حق‌تعالی
در قبر ملکی مونس او گرداند بصورت محبوب‌ترین اهل او نزد او و هر که در بیماری عیادت مؤمنی کند

ملائکه او را از همه جهت فرو گیرند و گویند خوشا حال تو و گوارا باد بهشت از برای تو و البته که قضای
حاجت مومن بهتر است نزد خدا از روزه داشتن و اعتکاف کردن دو ماه از ماههای حرام
و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که خدا در قیامت سایه مقرر ساخته است که در
زیر آن سایه نیست مگر پیغمبری یا وصی پیغمبری یا مومنی که بنده مومن را آزاد کند یا مومنی که قرض
مومن را ادا کند یا مومنی که مومنی را کدخدا کند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که مومنی در روز قیامت بگذرد بر شخصی که حقتعالی امر فرموده باشد که او را بجهنم
برند و ملک او را برد بجهنم خطاب کند مومن را که بفریادم برس که در دنیا من با تو نیکی میکردم
و حاجت ترا بر می آوردم مومن بملک گوید که دست از او بردار حقتعالی فرماید که چون
بنده مومن شفاعت او کرد او را بگذار و در حدیث معتبر از حضرت علی بن الحسین صلوات الله
علیهما منقول است که گردان مسلمانان را نزد خود بمنزله اهل خانه خود پیران ایشان را بمنزله پدر خود
دان و خوردان ایشان را بمنزله فرزندان خود بدان و آنها که هم سن تو باشند بمنزله برادر خود
بدان هر کدام یک از اینها را خواهی که ستم کنی یا نفرین کنی یا عیب ایشان را فاش کنی و اگر شیطان
خواهد که ترا فریب دهد که خود را از دیگران بهتر دانی اگر پیری بینی که از تو بزرگتر است بگو که او
در ایمان و اعمال شایسته بر من پیشی گرفته است پس از من بهتر است و اگر خوردتر از خود را
ببینی بگو که من بیشتر از او گناهان کرده ام پس او از من بهتر است و اگر هم سال خود را ببینی بگو
که الیقین بگناه خود دارم و بگناه او شک دارم پس الیقین خود را برای شک بگذارم و اگر ببینی
که مردم ترا تعظیم و تکریم می کنند بگو این نیکی از ایشان است که بمحاسن آداب عمل می کنند
و اگر ایشان از تو دوری کنند و ترا حرمت ندارند بگو که این از گناهی است که من کرده ام چون
چنین کنی زندگانی بر تو آسان شود و دوستانت بسیار شوند و دشمنانت کم شوند و از نیکی
ایشان شاد شوی و از بدی ایشان دلتنگ نشوی و بدانکه گرامی ترین مردم بر مردم کسی است
که خیرش بایشان رسد و از ایشان مستغنی باشد و سوال نکند از ایشان و بعد از آن گرامی تر
کسی است که محتاج باشد و سوال نکند از ایشان زیرا که اهل دنیا همگی از پی مال میروند هر که
با ایشان در مال مزاحمت نرساند عزیز است نزد ایشان و هر که مزاحمت نرساند و از مال خود

هم پاره با ایشان میرساند عزیزتر و گرامی تر است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت عیسی علیه السلام بیکی از اصحاب خود فرمود که آنچه نمیخواهی که با تو بکنند با هیچکس مکن و اگر کسی طپانچه بر جانب راست رویت بزند جانب چپ را پیش کن و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مسلمانی که مسلمان دیگر بنزد او بیاید برای حاجتی و او قادر باشد بر برآوردن آن حاجت و بر نیاورد حقتعالی او را در قیامت سرزنش کند و تغیر نماید و بگوید که برادر تو برای حاجتی بنزد تو آمده که من ترا قادر گردانیده بودم بر برآوردن آن و بر نیاوردی برای آنکه ثواب آنرا نخواستی بعزت خود سوگند میخورم که در هیچ حاجت نظر رحمت بسوی تو نکنم خواه ترا بیامرزم و خواه عذاب کنم و در حدیث دیگر فرمود که هر مومنی که منع کند از مؤمنی چیزی را که او بآن محتاج باشد و او قادر باشد که آنرا از نزد خود یا از نزد دیگران باو برساند حقتعالی او را در روز قیامت بازدارد و سیاه رو و دیدهای کبود و دستها را بگردن غل کرده باز دارد پس بگوید که این است خائنی که با خدا و رسول خیانت کرده است پس امر نماید که او را بجهنم برند و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که در قیامت کسی در سایه عرش الهی باشد در روزی که سایه بغیر آن نباشد کسیکه برادر مسلمان خود را زنی بدهد و کسیکه خادمی باو دهد و کسیکه رازی او را پنهان دارد

فصل ششم در دیدن مؤمنان و عیادت بیماران ایشان

در احادیث معتبره بسیار وارد شده است از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله علیهما که هر که بدیدن برادر مؤمن خود برود از برای رضای خدا حقتعالی هفتاد هزار ملک با او موکل گرداند که او را ندا کنند تا بخانه خود برگردد که خوشا حال تو و گوارا باد ترا بهشت و از برای تو و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که جبرئیل مرا خبر داد که حقتعالی ملکی بزمین فرستاد آن ملک رسید بمردی که بر در خانه ایستاده بود و از صاحب خانه رخصت می‌طلبید که داخل خانه شود ملک پرسید که با صاحب این خانه چه کار داری گفت که برادر مسلمان من است از برای خدا بدیدن او آمده ام ملک گفت که هیچ مطلب دیگر بغیر از این نداری گفت نه ملک گفت من رسول پروردگارم بسوی تو آمده ام ترا سلام میرساند و میگوید که بهشت را واجب گردانیدم برای تو و می فرماید که هر مسلمانی که بدیدن مسلمانی

بر وی چنان است که بزیارت من آمده است و ثوابش بر من بهشت است و در حدیث
دیگر از آنحضرت منقولست که هر که بدیدن برادر مؤمن خود برود بخانهٔ او حقتعالی او را خطاب
فرماید که تو مهمان منی و بزیارت من آمده و مهمانداری تو بر من است و بهشت را بر تو
واجب گردانیدم بسبب آنکه دوست داشتی برادر مؤمن خود را و در حدیث دیگر از
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که مؤمنی که بیرون می آید بعزم دیدن برادر مؤمن خود
از برای خدا در میان ملکی با او موکل میگردانند که یک بالش را بر زمین میگذارد و یک بال دیگر
بر سرش سایه می افگند پس چون داخل خانهٔ مؤمن شود خداوند جبار او را ندا میکند که ای
بنده که تعظیم حق من کردی و متابعت آثار پیغمبر من نمودی لازم است بر من که ترا تعظیم کنم
از من سوال کن تا بتو عطا کنم و مرا بخوان تا ترا اجابت دعای تو کنم و اگر خواهی ساکت باش
تا من ابتدا برحمت کنم پس چون برگردد ملک او را مشایعت کند و بال بر سر او داشته باشد
تا بخانهٔ خود برگردد پس حقتعالی او را ندا کند که ای بنده که حق مرا بزرگ شمردی لازم است
بر من که ترا گرامی دارم بتحقیق که بهشت را برائی تو واجب گردانیدم و ترا در حق بندگان
خود شفاعت دادم و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بدیدن برادر مؤمن رفتن
از برائی خدا بهتر است از ده بندهٔ مؤمن آزاد کردن و هر که بندهٔ مؤمن را آزاد کند حقتعالی
بهر عضوی از آن بنده عضوی از آتش جهنم آزاد گرداند و در حدیث معتبر منقولست که آن
حضرت بداود بن سرحان فرمود که شیعیان مرا از من سلام برسان و بگو خدا رحمت کند
بنده را که با دیگری بنشیند و یاد کند احادیث ما را که سوم ایشان ملکی است که از برائی ایشان
استغفار میکند و هرگاه که با یکدیگر بنشینید یاد ما و احادیث ما بکنید که بسبب همنشینی
و مذاکرهٔ شما مذهب و دین ما زنده میشود و بهترین مردم بعد از ما کسی است که مذاکرهٔ احادیث ما
بکند و ما را یاد کند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بدیدن یکدیگر بروید در
خانها و گفتگو کنید که باین زنده میماند دین ما خدا رحمت کند کسی را که مذهب ما را زنده بدارد و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که خوشا حال آنها که دوستی می کنند با یکدیگر برای خدا
بدرستیکه حقتعالی در بهشت عمودی خلق کرده است از یاقوت سرخ و بر آن عمود هفتاد هزار

قصر است و در هر قصری هفتاد هزار غرفه است که خدا خلق کرده است آنها را از برای کسانی
که دوستی با یکدیگر کنند و بدیدن یکدیگر بروند از برای خدا و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که هر که قادر نباشد که با ما احسانی بکند بصالحان شیعیان ما احسان کند تا ثواب
احسان کردن بما در نامهٔ عملش نوشته شود و هر که قدرت بر دیدن ما نداشته باشد بدیدن
صالحان شیعیان ما برود تا ثواب دیدن ما برای او نوشته شود و در حدیث معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که هر که عیادت کند مسلمان بیماری را در آن روز هفتاد هزار ملک
بر او صلوات فرستند اگر صبح باشد تا شام و اگر شام باشد تا صبح و در حدیث دیگر فرمود
که هر که بیماری را عیادت کند هفتاد هزار ملک او را مشایعت کنند و برای او استغفار
کنند تا بخانهٔ خود برگردد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که مؤمنی را
عیادت کند در رحمت الهی فرو رود پس چون نزد او بنشیند رحمت او را احاطه کند پس چون
برگردد حقتعالی هفتاد هزار ملک را با او موکل گرداند که از برای او طلب آمرزش کنند و بر او
ترحم کنند و بگویند که خوشا حال تو و گوارا باد بهشت از برای تو تا روز دیگر بآن وقت و باو
عطا فرماید زاویهٔ در بهشت که سواره در آن چهل سال بتازد و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که هر مؤمنی که مؤمنی را در بیماری عیادت کند از برای خدا حقتعالی با او موکل سازد
ملکی را که در قبر او را عیادت کند و برای او استغفار کند تا روز قیامت و در حدیث دیگر
فرمود که هر که عیادت کند بیماری را حق تعالی با او موکل سازد هفتاد هزار ملک را که همیشه
بخانهٔ او آیند و در آنخانه تسبیح و تهلیل و تکبیر و تقدیس الهی گویند تا روز قیامت و نصف ثواب
ایشان از برای او باشد و در حدیث دیگر فرمود که سزاوار آنست که کسیکه بیمار شود برادران
مؤمن را اعلام کند بعیادت او بیایند که آنها ثواب برند و او ثواب بیابد بجهت کردن آنها که اگر
چنین کنند ده حسنه برای او نوشته شود و ده گناه از او محو شود و ده درجه از برای او بلند شود و در
حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که چون کسی بیمار شود مردم را رخصت
دهد که بعیادت او بیایند بدرستیکه هیچکس نیست مگر آنکه او را دعای مستجابی هست و از
حضرت صادق علیه السلام منقول است که کسیکه بعیادت برادر مؤمن برود [illegible]

طلب دعا کند که دعای او مانند دعای ملائکه است و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که درد چشم عیادت نمی باشد و در اول بیماری سه روز متوالی او را باید دید و بعد از آن
یکروز نه یک روز پس چون بیماری بسیار طول کشد او را با عیالش می باید گذاشت و
عیادت نمی باید کرد و در حدیث دیگر فرمود که چون بدیدن بیمار روید سیبی یا اناری یا
ترنجی یا بوی خوشی یا عودی با خود ببرید که بیمار بآن استراحت می یابد و در حدیث دیگر
فرمود که از تمامی عیادت آنست که دست بر ذراع بیمار بگذارے و در وقت دعا کردن
و زود برخیزی که عیادت احمقان دشوارتر است بر بیمار از درد او و از حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه و آله منقول است که از عیادت کنندگان کسی ثوابش بیشتر است که زود
برخیزد مگر آنکه بیمار نشستن او را خواهد و از و سوال کند که بنشیند فصل هفتم در طعام
دادن مؤمنان و آب دادن بایشان و جامه پوشانیدن و سائر احتیاجهای ایشان
و یاری کردن مظلومان از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که مومنی را سیر کند
بهشت بر او واجب شود و هر که کافری را سیر کند بر خدا لازم است که شکم او را پر از زقوم جهنم
کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که سه نفر از مسلمانان را سیر گرداند حقتعالی او را از سه بهشت
طعام دهد جنت الفردوس و جنت العدن و جنت طوبی و در حدیث دیگر فرمود که هر که
مومنی را طعام دهد تا او سیر شود هیچیک از خلق خدا ندانند که او را چه ثواب است نه ملک
مقرب و نه پیغمبر مرسل مگر خداوند عالمیان پس فرمود که از جمله چیزهائیکه آمرزش را واجب
میگرداند طعام دادن مسلمان گرسنه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقول است که هر که شربت آبی بمسلمانی بدهد در جائیکه آب بهم رسد حقتعالی بهر شربتی هفتاد
هزار حسنه باو عطا فرماید و اگر او را آب دهد در جائی که آب کمیاب باشد چنان باشد که ده
بنده از فرزندان اسماعیل آزاد کرده باشد و در حدیث حسن منقول است که هر که طعام دهد
برادر مومن خود را از برای خدا چنان است که صد هزار کس از دیگران اطعام داده باشد و در حدیث
حسن دیگر فرمود که بسدیر صراف که چه مانع میشود ترا که هر روز یک بنده آزاد کنی گفت مال من
وفا نمی کند پس فرمود که هر روز یک مسلمان را اطعام بده که این ثواب از برای تو باشد پرسید

که مال الدار یا پریشانرا فرمود که مال الدار هم گاه هست که خواهش طعام دارد و در حدیث صحیح
دیگر فرمود که یک لقمه که برادر مسلمان بخورد نزد من بهتر است نزد من از یک بنده آزاد
کردن و در حدیث دیگر فرمود که هر که مؤمنی مالداری را طعام دهد برابر است با یک بنده
از فرزندان اسماعیل که او را از کشتن آزاد کند و هر که مؤمن محتاجی را طعام بخوراند برابر است
با صد بنده از فرزندان اسماعیل که از کشتن آزاد کند و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز
است که هر که یکی از آنها بجا آورد داخل بهشت شود کسی که تشنه را سیراب گرداند یا گرسنه را
سیر کند یا عریانی را بپوشاند و یا بنده را که در مشقت باشد آزاد کند و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقولست که بهترین اعمال نزد حقتعالی سه چیز است سیر کردن مسلمان
گرسنه یا قرض مسلمانرا ادا کردن یا غمی از و برداشتن و فرمود که خیر و برکت بخانه که در آن
طعام داده میشود زودتر میرود از فرو رفتن کارد بکوهان شتر و از حضرت علی بن الحسین
صلوات الله علیهما منقولست که هر که جامه زیادتی داشته باشد و داند که برادر مؤمنش
بآن محتاج است و باو ندهد حقتعالی او را سرنگون در آتش جهنم اندازد و هر که سیر بخوابد
و نزدیک او مؤمنی گرسنه باشد حق تعالی بملائکه فرماید که شما را گواه میگیرم برین بنده
که من او را امر کردم و نافرمانی من کرد و اطاعت دیگران کرد و بدانید که او را بعمل خود گذاشتم
و هرگز او را نیامرزم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که ایمان نیاورده
است بمن کسیکه سیر بخوابد و برادر مسلمانش گرسنه باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که هر که خانه داشته باشد و مؤمنی محتاج شود که در خانه ساکن شود و او راضی نشود
حق تعالی بملائکه فرماید که بنده من بخل ورزید بر بنده من بساکن شدن در خانه او در
دنیا بعزت خود سوگند میخورم که هرگز او را در بهشت ساکن نگردانم و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقولست که هر که دور کند از راه مسلمانان چیزیرا که باعث آزار ایشان
باشد حقتعالی ثواب خواندن چهار صد آیه برای او بنویسد که بهر حرفی ده حسنه برای او بنویسد
و در روایت دیگر فرمود که بنده داخل بهشت شد بسبب خاری که از راه مسلمانان برداشت
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نیکو چیزیست هدیه فرستادن پیش از آنکه حاجت او

بگوید و فرمود که هدیه بیکدیگر بفرستید که هدیه کینه ها را از سینه ها میبرد و فرمود که و اگر گردانید
هدیه را پس فرستادن نظر نمائی هدیه و فرمود که هدیه بر سه قسم است هدیه که در برابرش
توقع نفعی داشته باشی و هدیه که بعنوان رشوت فرستی و هدیه که از برای خدا فرستی و غرض
دنیوی در آن نداشته باشی **فصل هشتم** در حقوق فقرا و ضعیفان و مظلومان و میراث و اصحاب بلا
و آداب معاشرت ایشان در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که فقرای
مؤمنان چهل سال پیش از توانگران ایشان در بهشت متنعم می شوند پس فرمود که مثلی بجهة تو بزنم مثل
فقیر و غنی دو کشتی است که بعشار بگذرند کشتی خالی را زود روانه میکنند و نگاه میدارند کشتی پر از بار را از برای
حساب نگاه میدارند و در حدیث دیگر فرمود که هر چند ایمان بنده زیاده می شود تنگی روزیش بیشتر میشود و
فرمود که اگر نه این بود که مؤمنان الحاح و مبالغه در دعای طلب روزی میکردند هر آینه
ایشان را بحالی تنگتر از آنچه دارند می انداخت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که فقر و درویشی امانتی است از خدا نزد خلقش پس هر که آنرا پنهان دارد حقتعالی
او را مثل ثواب کسی بدهد که روزها روزه باشد و شبها بنماز ایستاده باشد و هر که آنرا اظهار
کند پیش کسیکه قادر باشد بر برآوردن حاجت او و نکند به تحقیق که آن فقیر را کشته است
نه بشمشیر و نیزه بلکه بآن جراحتی که در دل او کرده است و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که حق تعالی در روز قیامت خطاب فرماید بافقرای مؤمنان مانند کسیکه معذرت
طلبد و میگوید که بعزت و جلال خود سوگند میخورم که شما را در دنیا فقیر نگردانیده ام برای
خواری شما نزد من و امروز خواهید دید که با شما چه خواهم کرد و هر که در دنیا با شما نیکی کرده
است دستش را بگیرید و داخل بهشت کنید پس یکی از ایشان گوید که پروردگارا اهل دنیا
خوش خواستند و جامهای نرم پوشیدند و طعامهای نیکو خوردند و در خانهای نیکو سکنی
کردند و بر اسپان نفیس سوار شدند پس امروز بما هم مثل آنها عطا فرما پس حقتعالی فرماید که بهر یک از شما
داده ام مثل هفتاد برابر آنچه بجمیع اهل دنیا داده ام از اول دنیا تا آخر دنیا و در حدیث دیگر فرمود
که مرد مالداری که جامهای پاکیزه پوشیده بود نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
آمد نشست پس مرد پریشانی که جامهای چرکین پوشیده بود آمد و در پهلوی او نشست

آن مالدار جامهٔ خود را از زیر ران او کشید حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود
که آیا ترسیدی که از فقر او چیزی بتو برسد گفت نه فرمود که ترسیدی که از توانگری تو چیزی
باو برسد گفت نه فرمود که ترسیدی که جامهایت چرکین شود گفت نه فرمود که پس چرا چنین
کردی گفت یا رسول الله مرا همنشین بدی هست از نفس و شیطان که هر بدی را برای من
زینت میدهد و هر نیکی را در نظر من بد میکند و من بتدارک آنچه کردم نصف مال خود را
باو می بخشم حضرت بمرد پریشان خطاب فرمود که قبول میکنی گفت نه توانگر گفت که چرا قبول
نمیکنی گفت میترسم که مثل تو شوم و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت بشخص پریشانی
فرمود که آیا ببازار میروی و میوه یا چیزهای نفیس می بینی که قادر بر خریدن آنها نباشی گفت
بلی فرمود که بهر چیزی که می بینی و قدرت بر خریدن آن نداشته باشی حسنه برای تو نوشته
می شود و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که در روز قیامت گروهی از مردم برخیزند
و بیایند تا در بهشت پس ملائکه بایشان گویند که شما کیستید گویند فقرائیم ملائکه گویند که پیش
از حساب آمده اید که به بهشت روید جواب گویند که چیزی بما نداده اید که ما را بدان حساب
کنید حق تعالی فرماید که راست میگویند بروند به بهشت و از حضرت امام موسی علیه السلام
منقولست که حقتعالی میفرماید که من اغنیا را توانگر نگردانیده ام برای آنکه ایشان گرامی بودند بر من
و فقیران را بی چیز نکرده ام برای خواری ایشان نزد من ولیکن توانگران را امتحان کرده ام بفقیران
و اگر فقیران نمیبودند توانگران هرگز مستوجب بهشت نمی شدند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که ذلیل و خوار شمارد مؤمنی را برای پریشانی او حقتعالی او را در حضور جمیع
خلائق در قیامت رسوا کند و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که حقتعالی [illegible] جنگ [illegible]
کسیکه آزار کند بندهٔ مؤمن مرا و باید که ایمن باشد از غضب من کسیکه گرامی دارد بندهٔ مؤمن
مرا و اگر از میان مشرق تا مغرب نباشد مگر یک مؤمن با یک امام عادل هر آینه بعبادت ایشان
مستغنی شوم از جمیع آنچه خلق کرده ام در زمین و هر آینه هفت آسمان و هفت زمین با ایشان برپا
دارم و گردانم از برای ایشان از ایمان مونسی که محتاج بمونس دیگر نباشند و در احادیث
معتبره بسیار منقولست که حقتعالی میفرماید که هر که دوستی از دوستان مرا خوار گرداند [illegible]

که بر روی من جنگ ایستاده است و من بسیار زود یاری میکنم دوستان خود را و از
حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که ذلیل ترین مردم کسی است که مردم را
خوار کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که مؤمنی را ذلیل کند خدا او را ذلیل کند و فرمود که حق
مؤمن را از عظمت و جلال و قدرت خود آفریده است پس هر که بر او طعن کند یا سخن او را
رد کند بر خدا رد کرده است و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه وآله منقول است
که حقیر مشمارید ضعیفان برادران خود را که هر که مؤمنی را حقیر شمارد خدا او را با مؤمن در بهشت
جمع نکند مگر آنکه توبه کند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که بسیار
ژولیده موی گرد آلوده که دو جامه کهنه پوشیده باشد اگر بر خدا قسم دهد قسمش را رد نکند و
حضرت صادق علیه السلام فرمود که کسیکه با مردم استهزا کند در صحبت ایشان طمع نداشته
باشد فرمود که حقیر مشمارید مؤمن فقیر را که هر که حقیر شمارد مؤمن فقیر را یا استخفاف او کند
خدا او را حقیر شمارد و پیوسته با او در غضب باشد تا توبه کند و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه وآله منقولست که حلال نیست مسلمانی را که مسلمانی را بترساند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که اعانت کند بر آزار مؤمنی به نیم کلمه در روز قیامت در میان دو چشمش
نوشته باشد که ناامید است از رحمت الهی و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم
منقولست که هر که گرامی دارد برادر مؤمن خود را بیک کلمه از روی لطف یا حاجت او را
بر آورد یا غمی را از دل برادر بردارد پیوسته رحمت الهی بر سر او سایه انداخته باشد تا در کار سازی و
همراهی برادر مؤمن باشد پس فرمود که مؤمن را برای این مؤمن میگویند که مردم در جان و مال
خود از او ایمن اند و مسلمان کسی است که مردمان از دست و زبان او سالم باشند و مهاجر کسی است
که از گناهان هجرت کند و هر که مؤمنی را صدمه بزند که او را بآن سبب ذلیل کند یا طپانچه بر روی
او بزند یا چیزی که مکروه او است باو بجا آورد ملائکه پیوسته او را لعنت کنند تا او را راضی کند
و توبه کند پس زنهار که تعجیل نکنید در آزار مردم که شاید او مؤمن باشد و شما ندانید و بر شما باد به
آهستگی و همواری که هیچ چیز نزد خدا بهتر از نرمی و آهستگی نیست و در حدیث دیگر فرمود
که هر که طپانچه بر روی مسلمانی بزند حقتعالی در روز قیامت استخوانهایش را از هم بپاشد و دست

در

در گردن نمل گردد محشور شود تا داخل جهنم شود مگر آنکه توبه کند و در حدیث معتبر دیگر فرمود
که دشنام دادن مؤمن گناه بزرگست و با او جنگ کردن کفر است و غیبت او
کردن نافرمانی خدا است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
هر که بترساند مؤمنی را بصاحب حکمی که آزاری باو برساند و نرساند او در آتش است و اگر بترساند
و آزار باو برساند با فرعون و آل فرعون باشد در آتش و در احادیث معتبره از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر که بکشد کسی را که قصد کشتن او نداشته باشد و بزند کسی را
که قصد زدن او نداشته باشد ملعون است بلعنت خدا و در حدیث دیگر فرمود که بحق آن خداوندی
که جانم در قبضهٔ قدرت اوست که اگر اهل آسمانها و زمینها همه جمع شوند بر کشتن مؤمنی یا بر آن راضی
شوند بکشتن او همه را داخل جهنم کند و بحق آن پروردگاری که جانم بدست قدرت
اوست که هیچ کسی را بناحق تازیانه نمی زند مگر آنکه در جهنم مثل آن تازیانه را میخورد و فرمود
که هر که نظری کند بمؤمنی که او را بآن نظر کردن بترساند خدا او را بترساند در روزی که بجز او پناهی
نباشد و او را بصورت موریچه محشور گرداند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که لعنتی که از دهان شخصی بیرون می آید میگردد اگر صاحبش را می یابد در آنجا قرار میگیرد و اگر نه
بگوینده اش برمیگردد و در حدیث دیگر فرمود که هر که طعنی کند بر روی مؤمنی بمیرد به بدترین
مردنها و سزاوار است که عاقبتش بخیر نباشد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بآن حضرت
عرض کرد که چه میفرمائید در امر مسلمانی که مسلمان دیگر بدیدن او بیاید و او در خانه باشد پس
رخصت بطلبد و او رخصت ندهد که داخل شود و خود بیرون نیاید فرمود که هر مسلمانیکه بدیدن
مسلمانی بیاید یا پی کاری بیاید و او در خانه باشد و او را رخصت ندهد و خود بیرون نیاید پیوسته
در لعنت خدا باشد تا بیکدیگر ملاقات کنند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
هر مؤمنی که میان او و مؤمنی حجابی باشد که باو نتواند رسید حقتعالی میان او و بهشت در
قیامت هفتاد هزار حصار قرار دهد که غلظت هر حصاری هزار ساله راه باشد و از هر حصاری
تا حصار دیگر هفتاد ساله راه باشد و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است
که در زمان بنی اسرائیل چهار نفر از مؤمنان بودند پس سه نفر از ایشان در خانه مجتمع بودند بر

گفتگوی روز چهارم آمد بدر آن خانه و در زد غلام بیرون آمد و پرسید که مولای تو کجاست گفت
در خانه نیست آن شخص برگشت و غلام رفت و بمولای خود گفت که فلان شخص آمد و من باو
چنین گفتم و برگشت او ساکت شد و پروائی نکرد و غلام را ملامت نکرد که چرا چنین گفتی و از
برگشتن آنمرد آزرده نشدند هیچیک از ایشان و مشغول سخن خود شدند روز دیگر آنمرد بامداد
بنزد ایشان آمد دید که ایشان از خانه بیرون آمده اند و بمزرعه خود میروند بر ایشان سلام کرد
و گفت من با شما بیایم گفتند بلی و عذر روز گذشته را نخواستند زیرا که آنمرد پریشان و
محتاج بود در اثنای راه ناگاه ابری ظاهر شد گمان کردند که باران خواهد آمد نزدیک شدند چون
ابر محاذی سر ایشان شد منادی از میان ابر ندا کرد که ای آتش ایشانرا بگیر و منم جبرئیل رسول
از جانب خدا پس ناگاه آتشی آمد و آن سه نفر را ربود و آنمرد محتاج ترسان و حیران و متعجب بان
پس شهر برگشت و بخدمت حضرت یوشع آمد و آن خبر را نقل کرد حضرت یوشع فرمود که خدا
بر ایشان غضب کرد بعد از آنکه از ایشان راضی بود بسبب آنچه نسبت بتو عمل آوردند و آن قصه را
برای او نقل فرمود آنمرد گفت من ایشانرا حلال کردم و درگذشتم از کرده ایشان یوشع گفت
که اگر پیش از آمدن عذاب بود نفع میکرد اما الحال نفع نمیکند و شاید در قیامت ایشان را
نفع دهد حلال کردن تو و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که یاری
نکند برادر مؤمن خود را و او قادر بر یاری کردن او باشد خدا او را در دنیا و آخرت یاری نکند
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حاضر نشود احدی از شما در وقتیکه حاکم ظالمی
کسیرا زند یا کشد یا ستم بر او کند هرگاه یاری او نکند زیرا که یاری مؤمن بر مؤمن واجب است
هرگاه حاضر باشد و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شخصی از نیکان را
در قبرش نشاندند پس باو گفتند که ما صد تازیانه از عذاب الهی بتو میزنیم گفت طاقت ندارم
پس یکی کم کردند گفت طاقت ندارم تا اینکه بیک تازیانه رسید گفت طاقت ندارم گفتند
چاره نیست از یکی پرسید که بچه سبب این تازیانه را بر من میزنید گفتند باین سبب که روزی
بیوضو نماز کردی و بر ضعیفی گذشتی که بر او ظلم میشد و او را یاری نکردی پس تازیانه از عذاب
خدا بر او زدند که قبرش پر از آتش شد و در حدیث دیگر فرمود که چهار کسند که حق تعالی در قیامت

نظر رحمت بسوی ایشان می افگند شخصی کسیکه چیزی از و خریده باشد و پشیمان شود و پس دهد
و او قبول کند و کسیکه بفریاد مضطری برسد و کسی که بندهٔ آزاد کند و کسیکه عزبی را کدخدا کند و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که کسی که بفریاد برادر مؤمن خود برسد که او را
از ورطهٔ یا غمی یا اندوهی بیرون آورد حق تعالی برای او ده حسنه بنویسد و ده درجه بلند کند و ثواب
ده بنده آزاد کردن باو کرامت فرماید و ده عذاب را از و بردارد و ده شفاعت برای او
در قیامت مهیا گرداند و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که هرکه ببیند بیچارهٔ
را در راهی که چهارپایش افتاده است و کسی بفریادش نمیرسد پس بفریادش برسد و او را بر چهار
پای خود سوار کند و بارش را بردارد حقتعالی باو خطاب فرماید که خود را بمشقت انداختی و نهایت
سعی کردی در فریادرسی برادر مؤمن خود برای تو موکل سازم ملکی چند که عددشان زیاده باشد
از جمیع آدمیان از اول دنیا تا آخر دنیا و هر یک را آنقدر قوت باشد که آسان باشد بر او
برداشتن آسمانها و زمینها تا بنا کنند برای تو در بهشت قصرها و خانه‌ها و بلند کنند برای تو
درجه‌ها و چون در بهشت درآئی از پادشاهان بهشت باشی و کسیکه دفع کند از مظلومی ضرر ظالمی را
که خواهد ضرر ببدن او یا بمال او برساند حقتعالی خلق کند بعدد هر حرفی از گفتنهای او و بعدد هر حرکتی
از حرکات او و درنگی از درنگهائی او صد هزار ملک که دفع کنند از و شیاطین را که قصد کنند
که او را گمراه کنند و بازای هر ضرر قلیلی که از و دافع کرده باشد صد هزار از خدمتگاران بهشت
و صد هزار از حوریان باو عطا فرماید که او را خدمت کنند و گرامی دارند و گویند که اینها همه بجزای
آن دفع کردن ضررست از مال و بدن برادر مؤمن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول
است که هرکه حرمت مرد پیری را بشناسد پس او را تعظیم کند برای سنش خدا او را ایمن گرداند از ترس
روز قیامت و فرمود که از تعظیم خداست تعظیم کردن مومن ریش سفید و فرمود که از ما نیست هرکه
خردان ما را رحم نکند و پیران ما را تعظیم نکند و در حدیث دیگر فرمود که هرکه کفایت کند برای کوری
حاجتی از حاجات دنیا را و برای او در آن حاجت راه رود و سعی کند تا خدا آنرا بر آورد حقتعالی
او را بیزاری از نفاق و از آتش جهنم و هفتاد حاجت از حاجات دنیائی او را بر آورد و در [illegible]
در رحمت الهی باشد تا برگردد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بکری کسیکه چیزی را بشنوانید

بی آنکه دستنگ شوی تصدق است آسان و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقول است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله فرمود که هرکه قاید کوری شود چهل گام بر زمین هموار دفا نمی کند بقدر سر سوزنی از آن اگر تمام زمین را پر کنند از طلا و اگر بر سر راهش مهلکه باشد و او را از آن نجات دهد و بگذارند او را در ترازوی حسناتش گشاده تر از دنیا بیابد صد هزار مرتبه و بر همه گناهانش زیادتی کند و همه را محو کند و او را با علای غرفهای بهشت برساند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بسیار نظر مکنید بسوی اصحاب بلا که آنها که خوره دارند که اندوهناک میشوند و در حدیث دیگر فرمود که از کسی که خوره داشته باشد بگریزید چنانچه از شیر میگریزید و با او سخن مگوئید مگر آنکه بقدر یک ذراع از او دور باشید و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون ایشان را ببینید از خدا عافیت بطلبید و از مرض ایشان غافل مشوید که مبادا بشما سرایت کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که پنج کس اند که بهمه حال از ایشان اجتناب میباید کرد کسی که خوره داشته باشد و پیس و دیوانه و ولد الزنا و عرب بادیه نشین و در حدیث دیگر فرمود که کم نظر کنید باهل بلا و نزد ایشان مروید و چون بایشان بگذرید تند بگذرید که بشما نرسد آنچه بایشان رسیده است و در حدیث موثق از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون کسی را ببینی که ببلائی مبتلا است بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ عَافَانِیْ مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهٖ وَفَضَّلَنِیْ عَلَیْكَ وَعَلٰی كَثِیْرٍ مِمَّنْ خَلَقَ آهسته بگو که او نشنود و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که چون کسی از صاحبان بلا را ببینی سه مرتبه آهسته بگو که او نشنود اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ عَافَانِیْ مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهٖ وَلَوْ شَاءَ فَعَلَ که هرکه چنین کند هرگز بآن بلا و نرسد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هرکه مبتلائی را ببیند و این دعا بخواند هرگز بآن مبتلا نشود اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ عَدَلَ عَنِّیْ مَا ابْتَلَاكَ بِهٖ وَفَضَّلَنِیْ عَلَیْكَ بِالْعَافِیَةِ اَللّٰهُمَّ عَافِنِیْ مِمَّا ابْتَلَیْتَهُ بِهٖ و در روایت دیگر فرمود که این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ لَا اَسْخَرُ وَلَا اَفْخَرُ وَلٰكِنْ اَحْمَدُكَ عَلٰی عَظِیْمِ نَعْمَائِكَ عَلَیَّ و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که چون اصحاب بلا را ببینید حمد خدا بکنید و بایشان مشنوانید که باعث اندوه ایشان میشود

فصل نهم در رعایت حقوق مؤمنان در غیبت ایشان در حدیث معتبر منقولست

که شخصی بحضرت امام زین العابدین علیه السلام عرض کرد که فلان شخص شما را گمراه و مبتدع میداند
حضرت فرمود که حق همنشینی او را رعایت نکردی که سخن او را بمن نقل کردی و حق مرا رعایت
نکردی که چیزی که من نمیدانستم از و بمن رسانیدی همه را مرگ در پیش است و محشور خواهیم شد
و وعده همه قیامت است و خدا میان ما حکم خواهد کرد زنهار که غیبت مکن که نان خورش سگان
جهنم است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که ایمان
بخدا و رسول دارد ننشیند در مجلسی که به امامی دشنام دهند یا غیبت مسلمانی کنند و در حدیث
دیگر فرمود که هر که غیبت کند مسلمانی را ثواب روزه و وضویش برطرف میشود و در روز قیامت
از و بوی آید گنده تر از بوی مردار که اهل محشر همه در آزار باشند و اگر پیش از توبه بمیرد حلال کرده
باشد چیزی را که خدا حرام کرده است و هر که احسان کند ببرادر مؤمن در مجلسی که غیبت او
کنند و نگذارد که او را غیبت کنند حقتعالی هزار نوع بدی را در دنیا و آخرت از و دور کند و اگر رد نکند و قدرت
بر رد غیبت او داشته باشد مثل گناه آن غیبت کننده هفتاد برابر داشته باشد و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هر کرا بدیده خود ببینی که گناهی کند و دو گواه عادل بر وی گواهی
ندهند که گناهی کرده است او از اهل عدالت است و گواهیش مقبول است هر چند در واقع
گناهگار باشد و هر که غیبت کند او را بگناهی که در و باشد او از دوستی و یاری خدا بیرون است
و در دوستی و یاری شیطان داخل است و بتحقیق که خبر داد مرا پدرم از پدرش از رسول خدا صلی الله
علیه و آله و سلم که هر که غیبت کند مؤمنی را بچیزی که در و باشد خدا در میان ایشان در بهشت جمع
نکند ابدا و هر که غیبت کند مؤمنی را بچیزی که در و نباشد عصمت میان ایشان بریده شود و غیبت
کننده در جهنم باشد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که در حق برادر مؤمن خود بگوید آنچه چشمش دیده
و گوشش شنیده باشد از آنها خواهد بود که حق تعالی میفرماید که بدرستیکه آنانکه میخواهند که
شایع شود گناهان بد در مؤمنان برای ایشان است عذابی دردناک در دنیا و آخرت و در حدیث دیگر
فرمود که غیبت آنست که در برابر مؤمن بگوئی عیبی و گناهی را که خدا بر او پوشانیده است و بهتان آنست
که دروغ چیزی بگوئی که در و نباشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که غیبت کند برادر مؤمن خود را بآنکه
دشمنی در میان ایشان باشد شیطان در نطفه او شریک شده خواهد بود و در حدیث دیگر فرمود

که سه خصلت است که در هر که باشد چهار چیز برای او لازم میشود کسیکه چون سخن گوید دروغ نگوید
و چون با مردم خلطه کند بر ایشان ظلم نکند و چون وعده کند بوعدهٔ خود وفا کند واجب است که
عدالت او در میان مردم ظاهر باشد و مروت او در میان ایشان هویدا باشد و غیبت او بر ایشان
حرام باشد و اخوت او بر ایشان واجب باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست
که غیبت بدتر است از زنا زیرا که زناکار توبه میکند و خدا توبه اش را قبول میکند و غیبت کننده
توبه اش مقبول نیست تا آن شخص او را حلال کند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که برادران خود را یاد کنید هرگاه غایب باشند از شما به بهتر از آنچه دوست میدارید که شما را غایبانه یاد کنند
و در حدیث دیگر فرمود که چون فاسق علانیه گناه کند و پروا نکند او را حرمت نیست و غیبت
او حرام نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که سه کس اند که ایشان را حرمتی نیست
کسی که صاحب بدعت باشد و امام و پیشوای ظلم کننده و فاسقی که علانیه فسق کند و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که رد کند حرف عیبی را که در عرض برادر مسلمانش گویند برای او
واجب میشود بهشت البته و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که نزد
او غیبت کنند برادر مؤمنش را پس او را نصرت و یاری کند خدایتعالی او را در دنیا و آخرت
و اگر قادر باشد که دفع آن غیبت از او بکند و یاری او در آن باب نکند و نکند خدا پست کند
او را در دنیا و آخرت و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقول است که هر که حاضر باشد
در مجلسی که در آن مجلس سنگی در عرض برادران مؤمن افتاده باشد و صاحب جاه و اعتبار باشد و او
رد نکند بر آن ظالم عرض برادر مؤمن را نگاه دارد حقتعالی برانگیزد ملائکه را جمع میشوند نزد بیت
المعمور برای حج و آنها نصف ملائکه آسمانها اند و ملائکه کرسی و عرش را و ایشان نصف ملائکه حجب الله
که ایشان همه نزد خدا او را مدح و ستایش میکنند و از برای او از خدا رفعت و منزلت و بلندی مرتبه
او را سوال کنند پس حقتعالی فرماید که من واجب گردانیدم برای او بعدد هر یک از شما که مدح او میکنید
مثل عدد جمیع شما از درجات بهشت و قصرها و باغها و بوستانها و درختان از آنچه خواهم که عقل مخلوق
بآن احاطه نکرده باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که نقلی کند در مذمت
مؤمنی برای آنکه عیب او را ظاهر کند و آبروی او را در هم شکند و او را از دیدهای مردم بیندازد

خدا او را از دوستی و یاری خود بیرون کند و در دوستی و یاری شیطان داخل کند و در احادیث
معتبره منقولست که هر که دو رو و دو زبان داشته باشد که در حضور مردم مدح ایشان کند و در غائبانه
غیبت ایشان گوید چون در قیامت محشور شود دو زبان از آتش داشته باشد یکی از پیش رو و دیگری
از پشت سر و در محشر ندا کنند که این بود که در دنیا دو رو و دو زبان داشت و در روایت دیگر منقول
است که محمد بن فضیل بحضرت امام موسی کاظم علیه السلام عرض کرد که شخصی از برادران مؤمن من
چیزی از و بمن میرسد که خوشم نمی آید پس از و سوال میکنم و او انکار میکند و حال آنکه جمعی از مردم ثقه
این خبر را بمن نقل کرده اند آنحضرت فرمود که چشم و گوش خود را تکذیب کن در حق برادر مؤمن خود
اگر پنجاه کس شهادت بدهند و سوگند یاد کنند و او خلاف آنها بگوید سخن او را تصدیق کن و
آنها را تکذیب کن و برای او چیزی را فاش مکن که موجب نقص و عیب او باشد و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که کسی را رسوا کند در گناهی چنان است که آن گناه را خود
کرده است و هر که مؤمنی را بچیزی سرزنش کند از دنیا نرود تا آنرا خود بکند و از حضرت علی بن
الحسین علیه السلام منقولست که هر که خود را از بدگوئی در عرض مسلمانان نگاه دارد خداتعالی
گناهانش را در قیامت بیامرزد و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که هر که بهتانی بگوید برای مرد مؤمن یا زن مؤمنه بچیزی که در و نباشد خداتعالی او را در میان چرک
فروج زناکاران که در دیگهای جهنم جوش شد نگاه دارد تا آنکه از عهده گفته خود بدر آید و از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که هر که برای کسی چیزی بگوید که مردم آنرا دانند غیبت نیست
و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که اظهار شماتت و شادی مکن
در بلائی که برادر مؤمن تو نازل شود که خداتعالی او را رحم میکند و از و دفع میکند و بر تو میفرستد
آن بلا را و فرمود که هر که شماتت کند بر مصیبت برادر مؤمن خود از دنیا بیرون نرود تا بآن مبتلا
نشود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که نزدیکترین احوال بنده بکفر آن است
که کسی با مؤمنی برادری بکند و لغزشها و گناهانش را در خاطر نگاه دارد که یک روزی آنرا باو سرزنش
کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که فرمود که ای جماعتی که بزبان مسلمان
شده اید و ایمان بدل شما نرسیده است مذمت مسلمانان مکنید و تفحص عیبهای ایشان مکنید که هر که

تفحص عیبهای مردم کند خدا او را رسوا کند اگرچه گناه را در میان خانه خود کرده باشد و حضرت امام
امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که سرزنش مؤمنی کند خدا او را در دنیا و آخرت سرزنش کند
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بدترین دروغها گمان بد بمردم بردن
است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که متهم سازد برادر مؤمنش را ایمان
در دلش گداخته می شود چنانچه نمک در میان آب گداخته میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم منقولست که فرمود که میخواهید خبر دهم شما را از بدترین شما گفتند بلی یا رسول الله
فرمود که آنها که در میان مردم بسخن چینی راه میروند و در میان دوستان جدائی می اندازند و از
برای بی عیبان عیب میجویند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که بهشت حرام است بر سخن
چینان و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که دو شخص بآزردگی از هم جدا
نمی شوند مگر آنکه یکی مستحق بیزاری و لعنت الهی میشود و بسیار باشد که هر دو مستحق شوند شخصی گفت
که اگر یکی مظلوم باشد چرا مستحق لعنت شود فرمود که برای آنکه چرا نمی آید بنزد آن دیگری که او را بدارد
بصله و احسان و از بدی او درگذرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است
که آزردگی و جدائی زیاده از سه روز نمی باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که همیشه شیطان در فرح و شادی است تا دو مسلمان از یکدیگر آزرده اند و دوری می کنند
و چون باهم ملاقات کنند زانوهایش بر هم میخورد و بندهایش جدا می شود و فریاد می کند که وا ویلاه
چه بلا بود که بسر من آمد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر دو مسلمان که از
هم دوری کنند و سه روز نگذرد که صلح کنند از اسلام بدر میروند و میان ایشان دوستی ایمانی
برطرف می شود و پس هر یک که زودتر با دیگری سخن بگوید در قیامت زودتر به بهشت خواهد رفت
فصل دوم در آداب معاشرت ظالمان و قلیلی از احوال ایشان بسند معتبر از حضرت امام موسی
کاظم علیه السلام منقولست که بشیعیان خود فرمود که ای گروه شیعه گردنهای خود را ذلیل مکنید
بترک اطاعت پادشاه خود پس اگر عادل باشد از خدا طلب نمائید که او را از شما باقی دارد و اگر ظالم و
ستمکار باشد از خدا طلب نمائید که او را باصلاح آورد که صلاح شما در صلاح پادشاه شماست
و چون پادشاه عادل بمنزله پدر مهربان است از برای او بخواهید آنچه از برای خود میخواهید و از برای او نخواهید

آنچه از برائی خود میخواهید و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که خدا رحمت
کند کسی را که یاری کند پادشاه خود را بر نیکی کردن با او و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که هر که متعرض پادشاه ظالمی بشود و از او آزاری بیاید خدا او را بر آن آزار ثواب ندهد و صبر او را روزی
نکند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که هر که مدح کند پادشاه ظالمی را و نزد او
شکستگی و تذلل کند برائی طمع دنیا قرین او باشد در جهنم زیرا که حقتعالی میفرماید و لا ترکنوا الی الذین
ظلموا فتمسکم النار یعنی میل مکنید بسوئی آنها که ظلم میکنند پس مس میکند شما را آتش و
فرمود که هر که رهنمائی کند ظالمی را بر ظلم در جهنم با هامان و فرعون باشد و هر که از جانب ظالمی خصومت
کند یا یاوری آن نماید در آن خصومت چون ملک موت بنزد او آید بگوید بشارت باد ترا بلعنت خدا
و آتش جهنم و هر که تازیانه در دست گرفته نزد پادشاه یا حاکم جابری بایستد حق تعالی آن تازیانه را
در قیامت اژدهائی گرداند از آتش که درازی آن هفتاد ذراع باشد و مسلط گرداند آنرا بر او در جهنم
و نهی فرمود از حاضر شدن بر سفره فاسقان و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه وآله در وقت فوت
وصیت فرمود بحضرت امام حسن ع که دوست دار صالحان را برائی اصلاح ایشان و مدارا کن بظاهر با فاسقان
و بدل دشمن ایشان باش و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که دوست دارد دوام بقای
ظالمان را دوست داشته است که خدا تعالی را معصیت کند و هر که دوست دارد که خدا را معصیت
کنند با خدا تعالی دشمنی کرده است علانیه و در حدیث دیگر فرمود که حضرت عیسی علی نبینا و علیه السلام
با بنی اسرائیل میگفت که یاری مکنید ظالم را بر ظلمش که فضل شما باطل میشود و از حضرت رسول صلی الله
علیه وآله وسلم منقولست که چهار چیز است که دل را فاسد میکند و نفاق را در دل میرویاند چنانچه
آب درخت را میرویاند شنیدن ساز و خواندن گیها و فحش گفتن و بدر خانه پادشاه رفتن و از پی
شکار رفتن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که نگاه دارید و حفظ کنید دین خود را
به پرهیزگاری از محرمات و قوت دهید دین خود را به تقیه کردن از مخالفان و مستغنی شدن بخدا از
طلب کردن حوائج از پادشاهان و بدانید که هر مؤمنی که خضوع و شکستگی کند نزد صاحب سلطنتی یا کسی
که مخالف او باشد در دینش از برائی طلب آن دنیائی که در دست اوست خدا او را گمنام کند و دشمن
دارد او را و بخود گذارد و اگر چیزی از دنیا بدست شما بیاید خدا برکت را از آن بر دارد و او را ثوابی ندهد

اگرچه خیر کند و حج یا عمره یا بنده آزاد کردن و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که چون روز قیامت شود منادی از جانب خدا تعالی ندا کند که کجا نید ظالمان و
مددکاران ایشان و آنانکه دوات ایشانرا لیقه گذاشته اند یا سر کیسه برای ایشان بسته اند یا مد قلمی بایشان
داده اند آنها را هم با ظالمان محشور گردانید و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هیچ بنده بپادشاهی نزدیک
نمی شود مگر آنکه از خدا دور میشود و هیچ بنده مالش زیاده نمی شود مگر آنکه حسابش دشوارتر میشود و هیچ بنده
اتباعش زیاده نمیشود مگر آنکه شیاطین او بیشتری شوند و فرمود که زنهار احتراز کنید از در خانه
پادشاهان و آنها که با پادشاهان میباشند که نزدیکترین شما بآنها دورترین شمائید از خدا و هر که
پادشاه را بر حقتعالی اختیار کند خدا پرهیزگاری را از و بردارد و او را حیران کند و در حدیث صحیح
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که معذور دارد ظالمی را در ظلم او خدا مسلط گرداند
بر او کسیرا که ظلم بر او کند پس اگر دعا کند دعایش مستجاب نشود و خدا او را بران ستم که میکشد ثواب
ندهد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که یاری دهد ظالمی را بر مظلومی پیوسته حقتعالی بر او خشمناک باشد
تا دست از ان یاری بردارد و در حدیث دیگر فرمود که در زمان حضرت موسی علیه السلام پادشاه
ظالمی بود که حاجت مؤمنی را بشفاعت بنده صالحی برآورد پس آن پادشاه و آن مرد صالح
هر دو در یکروز مردند و مردم همگی بر جنازه آن پادشاه جمع شدند و درها و بازارها بستند برای مردن
آن تا سه روز و آن مرد صالح در خانه خود ماند تا کرمهای زمین رویش را خوردند پس حضرت موسی بعد از سه
روز آن مرد صالح را با آنحال مشاهده فرمود و گفت پروردگارا آن دشمن تو بود که بآن عزاز و اکرام
او را برداشتند و این دوست تست و باین حال مانده است حقتعالی وحی فرستاد باو که یا موسی
این دوست من از ان جبار حاجتی سوال کرد و او برآورد و او را مکافات دادم برای برآوردن حاجت
آن مؤمن و کرمهائی زمین را بر روی این مسلط گردانیدم برائی سوالی که از ان جبار کرد و در حدیث
دیگر منقول است که سلیمان جعفری بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد که چه میفرمائید
در کارهای که مردم متکفل می شوند از جانب پادشاهان حضرت فرمود که داخل شدن در اعمال ایشان
و یاری ایشان کردن و سعی در حوائج ایشان نمودن معادل کفر است و عمدا نظر بسوی ایشان کردن گناه
کبیره است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر کبر در منزد توانگری و نزد او شکستگی کند

برای توانگران او دو ثلث و بیش میرود و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که هر که برود بنزد پادشاه ظالمی و او را امر به پرهیزکاری کند و پند و نصیحت بگوید او را
ثواب جن و انس بوده باشد و از علی بن ابی حمزه منقولست که گفت من دوستی داشتم از نویسندگان
بنی امیه با من بخدمت حضرت جعفر صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که من در دیوان بنی امیه کار
میکردم و مال بسیاری بهم رسانیده ام حضرت فرمود که اگر نه این بود که مردم برای بنی امیه کتابت
می کنند و غنیمت برای ایشان جمع می کنند و از برای ایشان جنگ می کنند و بنزد ایشان
حاضر میشوند هر آینه حق ما را غصب نمیکردند آن شخص گفت که آیا مرا چاره هست حضرت فرمود که اگر
بگویم خواهی کرد گفت میکنم فرمود که هر چه کسب کرده در دیوان ایشان آنچه صاحبش را می شناسی
پس ده و آنچه نمی شناسی تصدق کن و اگر چنین کنی من ضامن بهشت میشوم برای تو پس آن شخص
ساعتی سر در پیش افکند پس گفت چنین میکنم علی بن حمزه گفت که آن جوان با ما بکوفه آمد و تمام مال خود را
داد حتی آن جامهائی که پوشیده بود و ما در میان خود مالی جمع کردیم و جامها برای او خریدیم و خرجی
برای او فرستادیم بعد از چند ماهی بیمار شد چون من بدیدنش رفتم در حالت جان کندن بود
چشم گشود و گفت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بضامنی خود وفا کرد این را گفت و مرد
پس او را دفن کردیم و در سال دیگر بخدمت آنحضرت رفتم چون نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود که
والله که برای رفیق تو وفا بضامنی خود کردیم و از مفضل بن مزید که نویسنده خلفا بود و شیعه بود
منقولست که بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم و عرض کردم که میدانید خدماتی
که من بنزد این خلفا میکنم حضرت فرمود که آنچه بهم میرسانی بشیعیان بده حق تعالی میفرماید که حسنات
گناهان و سیئات را می برد و در حدیث معتبر منقولست که صفوان شتردار آمد بخدمت حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام حضرت فرمود که همه چیز تو خوب است بغیر از آنکه شترهای خود را بهارون
رشید کرایه میدهی صفوان گفت که والله که من شتر خود را با او کرایه نداده ام برای کاری بدی
یا شکاری یا لهوی ولیکن از برای راه مکه معظمه باو کرایه داده ام و من خود با او نمیروم نوکران و
غلامان خود را میفرستم فرمود که آیا میخواهی که اینقدر زنده باشند که کرایه ترا بدهند گفت بلی
فرمود که هر که زندگی ایشانرا خواهد از ایشان است و هر که از ایشان است از اهل جهنم است الخ

حدیث دیگر منقولست که عبد الغفار بن قاسم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسید که چه میفرمائید
در باب رفتن نزد پادشاه فرمود که خوب نمیدانم برای تو گفت بسیار است که بشام میروم و مرا نزد
ابراهیم پسر ولید میبرند حضرت فرمود که رفتن نزد پادشاه و حکام باعث سه چیز می‌شود اول
محبت دنیا دوم فراموشی مرگ سیم راضی نبودن بآنچه خدا روزی کرده است گفت
یا ابن رسول الله من مرد عیال دارم و بتجارت میروم بآنجا برای منفعت حضرت تجویز آن فرمود
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که راضی باشد بحکم پادشاه ظالمی خواه اعانت او
کند از دوستان او خواهد بود و از حضرت رسول صلوات الله علیه و آله و سلم منقول است که
دو صنف اند از امت من که صلاح ایشان موجب صلاح تمام امت است و فساد ایشان
موجب فساد جمیع امت فقیهان و پادشاهان و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود امید
نجات دارم برای هر کسیکه اعتقاد با امامت داشته باشد از این امت مگر سه کس صاحب سلطانی
که ظلم کند بر رعیت خود و کسیکه در دین بدعت کند و کسی که علانیه فسق کند و فرمود که سه کس اند که هر که
با ایشان منازعت کند ذلیل و بیمقدار می‌شود پدر و پادشاه و قرض خواه و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقولست که بیوفاتر و کم دوست تر از همه کس پادشاهانند و در حدیث حسن از
آن حضرت منقولست که هر که حکومت اختیار کند و عدالت کند و در خانه خود را بگشاید و پرده بردارد
که همه کس را با او دسترس باشد و باحوال همه مردم برسد بر خدا لازم است که ترس او را در قیامت
بایمنی مبدل گرداند و او را داخل بهشت گرداند و در حدیث دیگر فرمود که چون حقتعالی خیر رعیتی را خواهد
پادشاه مهربان بر ایشان مسلط میگرداند و برای او وزیر عادل میسر میگرداند و بسند معتبر از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که خداوند عالمیان میفرماید که منم پروردگاری که
بجز من خدائی نیست آفریده‌ام پادشاهان را و دلهای ایشان بدست من است پس هر گروهی که
اطاعت من میکنند دلهای پادشاهان را بر ایشان رحمت میگردانم و هر گروهی که معصیت من میکنند
دلهای پادشاهان را بر ایشان غضب میگردانم پس مشغول مگردانید خود را بدشنام دادن پادشاهان و
توبه کنید بسوی من تا دلهای ایشان را بر شما مهربان گردانم و در حدیث دیگر فرمود که چون حقتعالی
بهشت را خلق نمود فرمود که به بزرگواری خود سوگند میخورم که داخل بهشت نمیکنم کسی را که همیشه شراب

خورده و سخن چینانرا و دیوثرا و جوکیان ظالمانرا و شکافندگان قصبه‌ها را و تمغاچیان را
که عشور از مردم میگیرند و قطع کننده رحم را و کسیکه بجبر قائل باشد و در حدیث دیگر فرمود
که هر که بنا حق سرکرده جماعتی شود و بر ایشان استیلا یابد حق تعالی او را در کنار جهنم بازدارد بهر روزی
هزار سال بدارد و چون محشور شود دستهایش در گردنش بسته باشد پس اگر بامر خدا در میان ایشان عمل کرده باشد
خدا او را رها کند و اگر ظلم بر ایشان کرده باشد او را بجهنم اندازد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که هر که والی مسلمانان شود و ایشانرا ضایع گذارد و باحوال ایشان نپردازد خدا او را
ضایع بگذارد و در حاجت خود او را از در باز گیرد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول
است که هر والی که مردم را ممنوع سازد از آنکه کارهای خود را باو عرض کنند حقتعالی در قیامت
حاجات او را بر نیارد و اگر چیزی بسم هدیه بگیرد چنان است که از غنیمت دزدی کرده است
که بدترین دزدیهاست و اگر رشوت گیرد چنان است که بخدا شرک آورده باشد و در حدیث معتبر
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حقتعالی وحی فرمود بسوی پیغمبری از پیغمبران
که در مملکت پادشاه جباری بود که برو و بآن پادشاه بگو که من ترا پادشاه نکرده ام که خون مردم را
بریزی و مالهای ایشانرا بگیری برای این ترا پادشاه کرده ام که صداهای مظلومانرا از من باز گیری
بدرستیکه من ترک باز خواست ستمهائی که بر ایشان میشود نمیکنم هر چند کافر باشند و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در جهنم کوهی است که آنرا صعده میگویند و در آن کوه
وادیست که آنرا سقر میگویند و در آن وادی چاهی است که آنرا هبهب گویند هرگاه که پرده
آن چاه را بر میدارند اهل جهنم از گرمی آن بفریاد می آیند و آن چاه جای جباران است و در
روایت دیگر منقولست از محمد بن اسمعیل بن بزیع که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که خدا را
در در خانه پادشاهان جماعتی هست که خدا دین خود را بایشان عطا فرموده است و ایشانرا استیلا
بر شهرها داده است که بسبب ایشان از دوستانش ضررها و ستمها را دفع کند و ببرکت ایشان
صلاح آورد امور مسلمانانرا و مؤمنان در حالهائی بد بایشان پناه میبرند و محتاجان شیعیان ما
بایشان متوسل میشوند و بایشان خدا ترس مؤمنانرا با ایمنی مبدل میکند در مملکت ظالمان
ایشانند مؤمنان بحق در حقیقت و ایشانند امینان خدا در زمین و نور ایشان روشنی میدهد اهل آسمانرا

چنانچہ ستارہ با روشنی میدہد اہل زمین را در قیامت نور ایشان عرصہ محشر را روشن میکند دل ایشان برای بہشت خلق شدہ اند اگر خواہی کہ از ایشان باشی شاگردان مومنان از شیعیان ما را و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست کہ ہر کہ برساند بپادشاہی حاجت کسی را کہ نتواند حاجت خود را باو رسانیدن حقتعالی پاہایش را در قیامت بر صراط ثابت گرداند و در حدیث معتبر منقول است کہ صیمری عرضہ نوشت بخدمت حضرت صاحب الامر صلوات اللہ علیہ کہ شخصی ہست کہ شغلی او وقف ست و حلال میداند تصرف انہا را و بی پروا میگردد و صرف میکند و من گاہی در راہ او دارد میشوم و اگر طعام او را نخورم با من عداوت میکند و گاہی ہدیہ ہم برای من میفرستد حضرت در جواب نوشتند کہ اگر آن مرد مالی و معاشی بغیر از انچہ در دست او ست از وقف دارد طعامش را بخور و احسانش را قبول کن و اگر بغیر آن مال حرام چیزی دیگر ندارد طعامش را نخور و مالش را قبول مکن و از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام منقولست کہ سہ دعاست کہ از درگاہ خدا ردنمی شود دعای پدر برای فرزند نیکوکار و نفرین او بر فرزند بدکار و نفرین مظلوم بر ظالم و دعائی بہ مظلوم برای کسیکہ انتقام از ظالم برای او بکشد و دعای مومن برای مومنی کہ از برای دوستی اہلبیت او را با مال خود اعانت کند و نفرین مومن بر کسیکہ اعانت او نکند با قدرت و احتیاج آن مومن باو و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست کہ حق تعالی میفرماید کہ غضب من سخت و شدید است بر ظالمی کہ ظلم کند بر کسیکہ یاوری بغیر من نیابد و در حدیث دیگر منقول است کہ حقتعالی میفرماید کہ من مستجاب نمیکنم دعای کسیرا کہ مظلمہ از کسی نزد او باشد و از حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ وآلہ منقولست کہ ظلم کنندہ و یاری کنندہ او بر ظلم و کسیکہ راضی بآن ظلم باشد ہر سہ در گناہ شریک اند و از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام منقولست کہ ہر کہ ظلمی بر کسی بکند حقتعالی برانگیزد کسیرا کہ مثل آن ظلم را نسبت باو یا فرزندان یا فرزندان فرزندان او بکند و در حدیث دیگر فرمود کہ ہر کہ حق مومنی را حبس کند حقتعالی در قیامت او را پانصد سال بر پا بدارد تا آنکہ از عرقش سیلابہا جاری شود و منادی ندا کند کہ این است ظالمی کہ حق خدا را حبس کردہ است پس چہل روز او را سرزنش کنند پس

بغیر باید که او سبا هم برند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بهترین جهادها
آنست که چون کسی صبح کند ظلم بر کسی در خاطر نداشته باشد فصل یازدهم در آداب معاشرت
با کافران و مخالفان در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سزاوار
نیست مومن را که با کافران اهل ذمه شراکت کند یا امانتی بایشان بدهد که برایشان چیزی بخرند
یا چیزی بایشان بسپارد یا دوستی با ایشان بکند و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام منقولست که مسلمان را نباید که با گبر در یک کاسه چیزی بخورد یا با او در یک فرش
بنشیند یا با او مصاحبت کند و در حدیث دیگر فرمود که اگر محتاج شوی بطبیب ترسا باکی نیست که برو سلام کنی
و او را دعا کنی که دعای تو نفعی باو نمیرساند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول
است که ابتدا مکنید اهل کتاب را بسلام و چون ایشان بر شما سلام کنند علیکم بگوئید
در جواب ایشان و با ایشان مصافحه مکنید و ایشان را بکنیت نام مبرید مگر آنکه بآنها مضطر
شوید و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد که من
ببلاد کافران میروم و مردم میگویند که اگر آنجا بمیری با آنها محشور خواهی شد حضرت فرمود
که اگر آنجا بمیری تنها آنجا محشور خواهی شد و نور تو در قیامت پیش رویت خواهد بود و در حدیث
دیگر از آنحضرت منقولست که پرسیدند که دعا برای جهودان و ترسایان چگونه بکنیم فرمود که بگوئید
بَارَكَ اللهُ لَكَ فِي دُنْيَاكَ یعنی برکت دهد خدا از برای تو در دنیای تو و در حدیث دیگر فرمود که
اگر با ایشان مصافحه کنی از زیر جامه مصافحه کن و اگر دستش بدست تو برسد دست را بشوئی
و در حدیث دیگر فرمود که اگر با اهل ذمه یعنی جهودان و ترسایان و گبران مصافحه کنی دست را
بخاک یا بدیوار بمال و اگر با دشمن اهل بیت مصافحه کنی دست را بشوی و مشهور در میان علماء
آنست که آن دست را بخاک یا بدیوار مالیدن بصورتیست که دست مسلمان یا ایشان هیچیک
تر نباشد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که اگر کسی با گبری مصافحه
کند دستش را بشوید و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست
که هر که جهود یا ترسا یا گبری را ببیند بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنِي عَلَيْكَ بِالْإِسْلَامِ
دِيناً وَبِالْقُرْآنِ كِتَاباً وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيّاً وَبِعَلِيٍّ إِمَاماً وَبِالْمُؤْمِنِينَ إِخْوَاناً وَبِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً

خدا تعالی میان او و آن کافران در جهنم جمع نکند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که تقیه سپر ایمان است و ایمان ندارد کسیکه تقیه نمی کند فرمود که نه عشر دین در تقیه
است و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که تقیه در بلاد مخالفان کردن
واجب است و کسیکه از روی تقیه قسم بخورد از برای آنکه دفع ضرر از خود بکند بر او گناه و کفاره نیست
و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که گرامی ترین شما نزد خدا کسی است که تقیه بیشتر کند
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که دین خود را حفظ کنید و پنهان دارید بتقیه
کردن از مخالفان بدرستیکه شما در میان سنیان از باب مگس عسلید در میان پرندگان اگر مرغان
بدانند که عسل در شکم آنها هست یکی را زنده نمیگذارند و اگر سنیان بدانند که محبت ما در سینه
شما هست هر آینه همه شما را هلاک کنند و حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا فرمود که کسیکه
تقیه را ترک کند چنان است که نماز را ترک کرده است بدانکه تقیه در بلاد مخالفان
و سنیان واجب است هرگاه بیم ضرری باشد بآنکه اظهار دین خود نکنند بلکه دین ایشان را اظهار کنند
و در وقتیکه ایشان مطلع باشند وضو و نماز و سائر عبادات را بطریقه خود مخفی واقع نتوان ساخت
وضو و نماز و سائر عبادات را بطریق ایشان بعمل آرند و آدمی خود بهتر میداند که در چه وقت خوف
ضرر است و تقیه لازم است و تقیه در بلاد شیعه و سنی در هر امری که آدمی ظن ضرر داشته باشد لازم
است مگر در خون که در آن تقیه نیست باشد مثل آنکه گویند کسی را بکش و گرنه ترا میکشیم باید که خود کشته شود
و او را نکشد **فصل دوازدهم** در بیان حقوق مردگان بر زندگان بدانکه چون بر کسی آثار موت ظاهر
شود اول کسیکه باید باحوال او بپردازد آن شخص خودش است که سفر ابدی آخرت در پیش دارد و در خور
آن سفر اعداد توشه میباید پس اول چیزی که او را ضرور است اقرار بگناه و اعتراف بتقصیر و ندامت از
گذشتها و توبه کامل کردن است و تضرع و زاری بجناب مقدس ایزدی کردن که از گناهان گذشته
او در گذرد و در احوال و اموالی که در پیش دارد او را بخود واگذارد و پس متوجه وصیت شود و حقوق
خدا و خلق آنچه در ذمه او باشد ادا کند و بدیگران نگذارد که بعد از مردن اختیار از دستش بدر رود
بحسرت در اموال خود نگرد و شیاطین جن و انس وسوسه اش کنند و او عیال و وارثان او را مانع شوند
که ذمه او را بری سازند و او را چاره نباشد و گوید برگردانید مرا که آنقدر آنچه از اعمال شایسته خواهم

در مال خود بکنم واز وی نشنوند و حسرت و ندامت سود نبخشد پس بقدر ثلث مال خود از برای
خویشان و تصدقات و خیرات وآنچه که مناسب احوال خود داند وصیت کند که زیاده از ثلث را
اختیار ندارد و پس ابرای ذمه از برادران مؤمن خود بطلبد و هر که را غیبت کرده باشد یا اهانتی یا
آزاری باو رسانیده باشد اگر حاضر باشند از ایشان التماس کند که او را حلال کنند و اگر حاضر
نباشند از برادران مؤمن التماس کند که برای او ابرای ذمه بخواهند پس امور اطفال و عیال خود را
بعد از توکل بر جناب مقدس الهی بامینی بگذارد و وصی برای اولاد صغیر خود تعیین نماید پس کفن خود را
مهیا کند و از شهادتین و عقائد حق و اذکار و ادعیه و آیات آنچه در کتب مبسوطه مذکور است و این
رساله گنجایش آنها ندارد و تربت حضرت امام حسین صلوات الله علیه بفرماید که بنویسند و این
در صورتیست که پیشتر غافل شده باشد و کفن را مهیا نکرده باشد و اگر نه مؤمن میباید که همیشه
کفنش مهیا باشد و نزد او حاضر باشد چنانچه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که
کفنش با او باشد در خانه اش او را از غافلان ننویسند و هرگاه که نظر کند بآن کفن ثواب یابد و باید که بعد از آن
در فکر زن و فرزند و مال نباشد و متوجه جناب مقدس ایزدی شود و بیاد او باشد و تفکر کند که این امور
فانی بکار او نمی آید و بغیر لطف و رحمت پروردگار در دنیا و آخرت چیزی بفریاد او نمیرسد و بداند که
چون توکل بر حق تعالی کند امور بازماندگان او باحسن وجوه صورت خواهد یافت و بداند که اگر خود باقی
ماند بدون مشیت الهی نفعی بایشان نمیتواند رسانید و ضرری از ایشان دفع نمیتواند کرد و آنخداوندی
که ایشان را آفریده است از او بایشان مهربانتر است و باید که در اینحال در مقام رجا و امید باشد
و از رحمت الهی بسیار امیدوار باشد و از شفاعت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و حضرت
ائمه معصومین علیهم السلام امید عظیم داشته باشد و منتظر قدوم شریف ایشان باشد و بداند که همگی در
آنوقت حاضر میشوند و شیعیان خود را بشارت میدهند و ملک الموت را سفارشها می کنند.
و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که هر که در وقت مرگ وصیت نیکو
نکند علامت نقصان عقل و مروت اوست گفتند که یا رسول الله چگونه نیکو وصیت کند فرمود که
چون نزدیک وفات او شود و مردم نزد او جمع شوند بگوید اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضِ
عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنَ الرَّحِيمَ اِنِّي اَعْهَدُ اِلَيْكَ اَنِّي اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

وحده لا شریک لک و ان محمدا صلی الله علیه و آله عبدک و رسولک و ان
الساعة آتیة لا ریب فیها و انک تبعث من فی القبور و ان الحساب حق و ان الجنة
حق و ما وعد الله فیها من النعیم من المأکل و المشرب و النکاح حق و ان النار حق
و ان الایمان حق و ان الدین کما وصفت و ان الاسلام کما شرعت و ان القول
کما قلت و ان القرآن کما انزلت و انک انت الله الحق المبین و انی اعهد الیک
فی دار الدنیا انی رضیت بک ربا و بالاسلام دینا و بمحمد صلی الله علیه و آله نبیا
و بعلی اماما و بالقرآن کتابا و ان اهل بیت نبیک علیه و علیهم السلام ائمتی
اللهم انت ثقتی عند شدتی و رجائی عند کربتی و عدتی عند الامور التی
تنزل بی و انت ولیی فی نعمتی و الهی و اله آبائی صل علی محمد و آله و لا تکلنی
الی نفسی طرفة عین ابدا و آنس فی قبری وحشتی و اجعل لی عندک عهدا یوم
القاک منشورا پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که این عهد و پیمان میت است
با خدا در دنیا که میخواهد که وصیت کند و وصیت لازم و واجب است بر هر مسلمانی پس حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام بعد از نقل این حدیث فرمود که تصدیق این سخن در سوره مریم است
که حق تعالی میفرماید لا یملکون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهدا یعنی در قیامت
مالک شفاعت نیستند مگر کسی که گرفته باشد نزد پروردگار بخشنده عهدی و این آن عهد است
و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم بحضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که این وصیت را
تو یاد گیر و یاد ده اهل بیت خود و شیعیان خود بده چنانچه جبرئیل تعلیم من نمود و اگر صحیفه خود را
درست نکرده باشد جمعی از مومنان را حاضر کند و بر اعتقادات خود ایشان را گواه بگیرد باین نحو که
بسم الله الرحمن الرحیم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان
محمدا عبده و رسوله صلی الله علیه و آله و ان الجنة حق و ان النار حق
و ان الساعة آتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور پس بنویسد بپارچه
کاغذی بسم الله الرحمن الرحیم شهد الشهود المسمون فی هذا الکتاب ان اخاهم
فی الله عز و جل فلان بن فلان و نام خود و پدر خود بنویسد اشهدهم و استودعهم و اقر

عِنْدَ هُمْ اَنَّهُ يَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ
رَسُوْلُهُ وَاَنَّهُ مُقِرٌّ بِجَمِيْعِ الْاَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَاَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللّٰهِ وَاِمَامُهُ
وَاَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهٖ اَئِمَّةٌ وَاَنَّ اَوَّلَهُمُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدُ
بْنُ عَلِيٍّ وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُوْسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُوْسٰى وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَعَلِيُّ
بْنُ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَالْقَائِمُ الْحُجَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَاَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ
حَقٌّ وَاَنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيْهَا وَاَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُوْرِ وَاَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ رَسُوْلُهُ جَاءَ بِالْحَقِّ وَاَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللّٰهِ وَالْخَلِيْفَةُ مِنْ بَعْدِ رَسُوْلِ اللّٰهِ
وَمُسْتَخْلَفُهُ فِيْ اُمَّتِهٖ مُؤَدِّيًا لِاَمْرِ رَبِّهٖ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى وَاَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ وَابْنَيْهَا
الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ اِبْنَا رَسُوْلِ اللّٰهِ وَسِبْطَاهُ اِمَامَا الْهُدٰى وَقَائِدَا الرَّحْمَةِ وَاَنَّ
عَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا وَمُوْسٰى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَحَسَنًا وَالْحُجَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اَئِمَّةٌ وَقَادَةٌ
وَدُعَاةٌ اِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَحُجَّةٌ عَلٰى عِبَادِهٖ پس بگوید بگواهان که نام شان در آن صحیفه
نوشته خواهد شد یا فلان یا فلان و نام شان را بگوید اَثْبِتُوْا عَلٰى هٰذِهِ الشَّهَادَةِ عِنْدَكُمْ
حَتّٰى تَلْقَوْنِيْ بِهَا عِنْدَ الْحَوْضِ پس گواهان او بگویند یا فلان نَسْتَوْدِعُكَ اللّٰهَ وَ
الشَّهَادَةُ وَالْاِقْرَارُ وَالْاِخَاءُ مَوْدُوْعَةٌ عِنْدَ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَ
نَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ پس صحیفه را بپیچد و مهر کنند بمهر آن شخص و
بمهر گواهان و از جانب راست میت با جریده بگذارند و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ
وسلم منقولست که بر سر شخصی از انصار در وقت جان کندن حاضر شدند و از او پرسیدند که
خود را چون می یابی گفت که امید رحمت الهی دارم و از گناهان خود می ترسم فرمود که این دو
حالت در این وقت در دل کسی نمی باشد مگر آنکه خدا امیدش را میدهد و از آنچه میترسد او را
ایمن میگرداند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم حاضر شدند
نزد شخصی که در حال احتضار بود فرمود که بگو اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الْكَثِيْرَ مِنْ مَعَاصِيْكَ
وَاقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيْرَ مِنْ طَاعَتِكَ و اما آنچه متعلق بخویشان و برادران مؤمن است باید که او را
در چنین حالی تنها نگذارند و نزد او قرآن و دعا بخوانند و سوره یس و الصافات نزد او بخوانند

واعتقاد بوحدانیت خدا و رسالت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم و امامت ائمه
معصومین صلوات الله علیهم اجمعین و سائر اعتقادات حق را از بهشت و دوزخ و صفات
کمالیه الهی و تنزیه خدا از نقائص مکرر بگویند که او بگوید و اگر نتواند گفت بر او بخوانند و دعای عدیله را
بر او بخوانند و معنیش را اگر عربی نداند بر او القا کنند و پایش را بسوی قبله کنند و در آن وقت
حائض و جنب نزد او نیایند که ملائکه از ایشان نفرت می کنند و اگر کسی دیگر حاضر نباشد برای
اضطرار نزد او باشند و چون نزدیک شود که جانش بیرون رود آنها بیرون روند و در احادیث
معتبره وارد شده است که اگر جان کندن بر او دشوار شود آنرا ببرند بآنجائی که همیشه نماز میکرده
است یا بر روی جانمازی که بر او نماز میکرده است او را بخوابانند که اگر امید شفا هست
شفا می یابد و اگر نه جانش باسانی بیرون می آید و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه وآله وسلم داخل شدند بر شخصی از فرزندان عبد المطلب و او در حال احتضار بود
فرمودند که پای او را بسوی قبله کنید تا ملائکه باو رو آورند و رحمت الهی متوجه او گردد و از
حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که زنهار در حالت احتضار دست بر او مگذارید
و اگر دست و پا زند با نعش مشوید چنانچه جاهلان می کنند و نزد او قرآن بخوانید و یاد خدا بکنید
و صلوات بر رسول و آل او بفرستید و در حدیث دیگر منقولست که فرزندی از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام در احتضار بود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام در کنار خانه نشسته
بودند و هر گاه کسی نزدیک او میرفت منع میکردند و می فرمودند که دست بر او مگذارید که او
درین حالت در نهایت ناتوانی است و هر که دست بر او میگذارد چنان است که او را کشته است
و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که تلقین کنید مردگان
خود را که لا اله الا الله بگویند که هر که آخر سخنش کلمه لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و در
حدیث دیگر فرمود که لا اله الا الله تلقین ایشان بکنید که گناهان را درهم می شکند و در حدیث
صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هرگاه کسی را در وقت جان کندن بیابید
این کلمات فرج را تلقین کنند که او بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِیْمُ الْکَرِیْمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا
اللّٰهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضِیْنَ السَّبْعِ وَمَا

فیهن وما بینهن ورب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین و در حدیث دیگر
منقولست که هر گاه از اهل خانه حضرت امیر المؤمنین محتضر میشد آن حضرت کلمات فرج را تلقین
ایشان می فرمودند که بخوانند چون میخواندند می فرمود که برو که دیگر بر تو باکی نیست و در حدیث
حسن دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نزد شخصی از بنی هاشم حاضر شدند
در حالت جان کندن فرمودند که این کلمات را بخوان چون خواند گفتند الحمد لله که خدا
او را از آتش جهنم نجات داد و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق منقولست که هیچکس
نیست مگر آنکه شیطان جمعی از شیاطین را موکل میگرداند بر او در وقت مردن که او را بشک اندازند
در دین خود تا حالش مفارقت کند و اگر کسی مؤمن کامل باشد نمیتوانند او را بشک انداخت
پس در آنحال تلقین ایشان بکنید کلمات فرج وشهادتین واقرار بائمه علیهم السلام یکیک را
تا او از سخن گفتن باز ماند و در حدیث دیگر فرمود که اگر بت پرستی در وقت مردن اقرار بامامت
ائمه معصومین علیهم السلام بکند ودین شیعه را اعتقاد کند آتش جهنم بهیچ عضو او نرسد و در حدیث
دیگر فرمود که شخصی را مرگ در رسید حضرت رسول نزد او حاضر شدند با جماعتی از صحابه و او بیهوش
بود پس حضرت فرمودند که ای ملک الموت دست از او بردار تا از او سؤال کنم پس آن شخص
بهوش آمد حضرت فرمود که چه چیز می بینی گفت سفیدی بسیار و سیاهی بسیار می بینم حضرت فرمود
که کدام یک بتو نزدیکترست گفت سیاهی پس حضرت فرمود که بگو اللّٰهمّ اغفر لی الکثیر
من معاصیک واقبل منی الیسیر من طاعتک پس آن شخص بیهوش شد باز بملک الموت فرمود
که دست از او بردار پس او بهوش آمد حضرت فرمود که چه چیز می بینی گفت که سفیدی بسیار و
سیاهی بسیار فرمود که کدام یک بتو نزدیکتر است گفت که سفیدی حضرت فرمود که او را آمرزیدند
پس حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که نزد هر که حاضر شوید در این حال بگوئید که این دعا را
بخواند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نزد جوانی حاضر شدند
در وقت مردن و باو گفتند که بگو لا اله الا الله زبانش بند شده بود و نتوانست گفت
حضرت پرسیدند از زنی که بر بالین او نشسته بود که این مادر دارد گفت که من مادر اویم فرمود
که از او خوشنودی یا بر او غضبناکی گفت شش سال است که با او سخن نگفته ام فرمود که از او راضی

پس حضرت با آن جوان گفت که بگو لا اله الا الله زبانش گشوده شد و گفت پس حضرت از او
پرسید که چه چیزی می‌بینی گفت که مرد سیاهی بدرو بدبوی جامه چرکین را می‌بینم که نزدیک من ایستاده
است و گلوی مرا گرفته بود حضرت فرمود که بگو یا مَن یَقبلُ الیسیرَ و یعفو عن الکثیر اِقبل
منّی الیسیرَ واعفُ عنّی الکثیرَ انّک انت الغفور الرحیم چون آن جوان این دعا را خواند
حضرت فرمود که چه چیزی می‌بینی گفت که مرد سفید روی خوشبوی خوش جامه را می‌بینم که نزدیک
من است و آن مرد سیاه میرود فرمود که باز دیگر این دعا را بخوان چون خواند فرمود که چه چیزی می‌بینی
گفت که آن سیاه را نمی‌بینم و سفید را می‌بینم که نزدیک من است این را گفت و فوت شد پس چون
فوت شود سنت است که دهانش را برهم گذارند و چانه‌اش را ببندند و چشمش را برهم گذارند
و دستهایش را بر پهلوهایش بکشند و جامه بر رویش بپوشانند و قرآن نزد او بخوانند و زود
به گور رسانندش و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سزاوار آنست که برادرانرا
خبر کنند بمردن او تا بجنازه او حاضر شوند و بر او نماز کنند و برای او استغفار کنند و میت
ثواب ببرد و ایشان ثواب ببرند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که چون مؤمن را بقبر میگذارند ندا می‌کنند او را که اول عطائی که ترا دادیم بهشت است و اول
عطائی که دادیم آنها را که بجنازه تو آمده بودند آمرزش گناهان است و در حدیث دیگر فرمود که اول
تحفه که بمؤمن میدهند در قبر آنست که می‌آمرزند هر کس را که همراه جنازه او بوده است و در
حدیث دیگر فرمود که هر که همراهی جنازه مؤمنی بکند تا او را دفن کنند حقتعالی در قیامت هفتاد ملک
بر او بگمارد که همراهی او کنند و استغفار برای او کنند از قبر تا موقف حساب و فرمود که هر که
یکطرف جنازه را بگیرد بیست و پنج گناه کبیره‌اش آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از گناهان
بیرون آید و بهتر آنست که اول دست راست میت را که جانب چپ جنازه است بدوش
راست خود بردارد پس پای راست میت را بدوش راست خود بردارد پس پای چپ میت را
بدوش چپ بردارد پس دست چپ میت را بدوش چپ بردارد پس چون خواهد که دیگر تربیع
کند از پیش روی جنازه نرود بلکه از جانب پشت جنازه برگردد و باز بهمان روش تربیع بجا آورد و بهتر
آنست که پشت جنازه یا پهلوی جنازه راه رود و پیش جنازه نرود و ظاهر احادیث آنست

و اگر جنازه مومن باشد پیش آن رفتن خوب است و در جنازه مخالف مذهب پیش آن نباید
رفت زیرا که ملائکه در استقبال او عذاب می کنند و با جنازه سوار رفتن مکروه است و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که جنازه را ببیند و این دعا بخواند هیچ ملکی در آسمان
نماند مگر آنکه گریه کند از برای ترحم بر آواز او اَللهُ اَکْبَرُ هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللهُ وَرَسُوْلُهٗ وَصَدَقَ اللهُ
وَرَسُوْلُهٗ اَللّٰهُمَّ زِدْنَا اِیْمَانًا وَّتَسْلِیْمًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ وَقَهَرَ الْعِبَادَ بِالْمَوْتِ و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که تشییع جنازه بکند هر قدمی که بردارد
صد هزار حسنه برای او نوشته شود و صد هزار گناه از و محو شود و صد هزار درجه برای او بلند شود
و اگر بر جنازه اش نماز کند حقتعالی بعد از فوت او صد هزار ملک را بفرستد که بر جنازه او نماز
کنند و از برای او استغفار کنند تا وقتیکه دفن شود و اگر بماند تا وقت دفن همان صد هزار
ملک را حقتعالی مقرر فرماید که از برائی او استغفار کنند تا از قبرش بیرون آید در قیامت و
در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر مومنی که مومنی را غسل دهد و چون
او را از پهلو به پهلوئی بگرداند و این دعا بخواند گناهان یکساله او آمرزیده شود مگر گناهان کبیره
اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا بَدَنُ عَبْدِكَ الْمُؤْمِنِ وَقَدْ اَخْرَجْتَ رُوْحَهٗ مِنْهُ وَفَرَّقْتَ بَيْنَهُمَا
فَعَفْوَكَ عَفْوَكَ و در حدیث دیگر فرمود که هر که میتی را غسل بدهد و آنچه از عیبهای آن میت
بر او ظاهر شود بکسی نقل نکند گناهانش آمرزیده شود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت موسی
علی نبینا و علیه السلام از پروردگار خود پرسید که چه ثواب دارد کسیکه میتی را غسل بدهد وحی باو
رسید که او را از گناهان می شوئیم مانند روزی که از مادر متولد شده و در حدیث حسن از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر مومنی که مومنی را غسل دهد و در وقت غسل دادن
مکرر بگوید رَبِّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ خدا او را بیامرزد و در فقه الرضا مذکور است که در وقتیکه دست
بر کفنش بمالد این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ حُبَّ مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ فِیْ بَدَنِهٖ
فَاَسْئَلُكَ بِهٖ سَبِیْلِیْ رَحْمَتَكَ و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که هر که کفن کند مومنی را چنانست که ضامن پوشش او شده باشد تا روز قیامت و هر که بکند
از برائی مومنی قبری چنان باشد که او را در خانه موافقی جا داده باشد تا روز قیامت و از حضرت

رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که بر جنازه نماز کند هفتاد هزار ملک بر او نماز کنند و گناهان گذشته اش آمرزیده شود پس اگر همراهی کند تا او را دفن کنند بهر قدمی که بردارد قیراطی از ثواب باو بدهند که آن قیراط مانند کوه احد باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر مؤمنی که بر جنازه نماز کند بهشت از او واجب گردد مگر آنکه منافق یا عاق پدر و مادر باشد و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون مؤمنی بمیرد و بر جنازه او چهل نفر از مؤمنان حاضر شوند و بگویند اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلَّا خَیْرًا وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِهٖ مِنَّا یعنی خداوندا ما از و بغیر از نیکی نمیدانیم و تو داناتری باحوال او از ما چون این را بگویند حقتعالی فرماید که من شهادت شما را قبول کردم و آمرزیدم آن گناهانی را که من میدانم و شما نمیدانید و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که اول چیزی که در عنوان نامه مؤمن مینویسند بعد از مرگش آن چیزیست که مردم در حق او میگویند اگر نیک میگویند نیک مینویسند و اگر بد میگویند بد مینویسند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون میت را بقبر رسانی او را از پیش پای قبر داخل کن و پس چون در قبر فرو گذاری آیة الکرسی بخوان و بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَفِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ وَعَلٰی مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ اَللّٰهُمَّ افْسَحْ لَهٗ فِیْ قَبْرِهٖ وَاَلْحِقْهُ بِنَبِیِّهٖ اَللّٰهُمَّ اِنْ کَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِیْ اِحْسَانِهٖ وَاِنْ کَانَ مُسِیْئًا فَاغْفِرْ لَهٗ وَارْحَمْهُ وَتَجَاوَزْ عَنْهُ و استغفار از برایش بسیار بگو و حضرت علی بن الحسین علیه السلام چون میت را داخل قبر میکردند این دعا میخواندند اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنْبَیْهِ وَصَاعِدْ عَمَلَهٗ وَلَقِّهٖ مِنْکَ رِضْوَانًا و در حدیث دیگر فرمود که چون میت را بقبر در گذارند باید که اولائی مردم باو نزدیک سرش باشد و نام خدا ببرد و صلوات بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بفرستد و پناه برد بخدا از شر شیطان و سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخواند و اگر تواند روئیش را برهنه کند و بر خاک بگذارد و در آنجا تلقین کند او را بشهادتین و اقرار بائمه معصومین علیهم السلام و سائر اعتقادات حق و در حدیث دیگر فرمود که چون خاک بر میت بریزی بگو اِیْمَانًا بِکَ وَتَصْدِیْقًا بِبَعْثِکَ هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ

تا آنکه بعد دهر ذره از آنخاک حسنه در نامه آن نوشته شود و چون قبر را پر کنند و مردم برگردند نزدیک ترین مردم باو نزد یک سر قبر بنشیند و بآواز بلند او را تلقین کند که این تلقین باعث این میشود که منکر و نکیر از و سوال نکنند و سنت مؤکد است که در نزد قبر بعد از دفن میت اهل او را تعزیت بگویند و پیش از دفن میت نیز مستحب است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که اندوهگین را تعزیت بگوید در قیامت او را حله بپوشانند و مثل ثواب آن صاحب مصیبت او را باشد بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که مردگان از زیارت کنندگان ایشان خبر میشوند بعد از رفتن شما شادی میشوند و بشما انس میگیرند و چون نزدیک قبر روید بگوئید اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جُنُوْبِهِمْ وَصَاعِدْ اِلَيْكَ اَرْوَاحَهُمْ وَلَقِّهِمْ مِنْكَ رِضْوَانًا وَاَسْكِنْ اِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تَصِلُ بِهِ وَحْدَتَهُمْ وَتُؤْنِسُ بِهِ وَحْشَتَهُمْ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که نزد قبر برادر مؤمن خود برود و رو بقبله دست بر قبرش بگذارد و هفت مرتبه سوره انا انزلناه فی لیلة القدر بخواند از ترس بزرگ روز قیامت ایمن گردد و در روایت دیگر منقولست که حقتعالی او را و صاحب قبر را هر دو بیامرزد و در روایت معتبر منقولست که حضرت امام محمد تقی علیه السلام نزد قبر یکی از شیعیان ایستادند و این دعا خواندند اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَصِلْ وَحْدَتَهُ وَاٰنِسْ وَحْشَتَهُ وَاٰمِنْ رَوْعَتَهُ وَاَسْكِنْ اِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا يَسْتَغْنِيْ بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَاَلْحِقْهُ بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ و در روایت دیگر منقولست که هر که سوره انا انزلناه نزد قبر مؤمنی بخواند هفت مرتبه حقتعالی ملکی را بفرستد که عبادت الهی کند نزد قبر او و ثواب عبادت آنملک را برای میت بنویسد و چون از قبرش محشور شود بهر هولی از اهوال قیامت که برسد حقتعالی بسبب آن ملک آن هول را از او دفع کند تا داخل بهشت شود و منقولست که مستحب است که نزد قبر مؤمنی سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک را سه مرتبه و سوره انا انزلناه را هفت مرتبه بخواند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که بر قبرستان بگذرد و یازده مرتبه سوره قل هو الله احد

بخواند و ثوابش را بمردگان آن قبرستان بخشد بعدد آن مردگان اجر و ثواب یابد تا آنکه چون این رساله محل
ذکر احکام احتضار و غسل و کفن و نماز و دفن نبود قلیلی از آداب در اینجا مذکور شد که این رساله از این فوائد
خالی نباشد و مفصل همگی در کتاب بحار الانوار مذکور است

باب یازدهم در آداب مجالس از سلام و مصافحه و معانقه و بوسیدن و آداب عطسه کردن و آداب نشستن و برخاستن و صحبت داشتن و امثال اینها

فصل اول در فضیلت سلام و آداب آن

در حدیث معتبر
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم اصحاب خود را امر فرمود به هفت
خصلت عیادت بیماران و مشایعت جنازه مردگان و قبول کردن گفته کسی که این کس را
قسم دهد و دعا کردن برای کسیکه عطسه کند و یاری کردن مظلوم و بهمه کس سلام کردن و قبول
ضیافت کردن و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که در بهشت غرفه چند هست که از
اندرونش بیرون مینماید و بیرونش اندرون مینماید کسی از امت من در آنها ساکن می شود
که زبان نیک با مردم سخن گوید و طعام بمردم بخوراند و افشای سلام بکند و نماز کند در شب
در وقتیکه مردم همه در خواب باشند پس فرمود که افشای سلام آنست که بخل نورزد بسلام
کردن بر احدی از مسلمانان و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که از جمله تواضع و
شکستگی آنست که با هر که برخوری سلام بکنی و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که هر که ابتدا کند بسخن گفتن پیش از سلام جوابش بگوئید و کسی را بطعام خود مطلبید
پیش از آنکه سلام کند و در حدیث دیگر فرمود که عاجزترین مردم کسی است که از دعا عاجز باشد
و بخیل ترین مردم کسی است که بسلام کردن بخل کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که بده نفر
از مسلمانان برخورد و بر ایشان سلام کند ثواب یک بنده آزاد کردن در نامه عملش نوشته
می شود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که بجماعتی از مؤمنان
سلام کند ملائکه در جواب سلام او میگویند سَلَامٌ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ اَبَدًا
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که سلام کردن سنت است و
جواب سلام گفتن واجب است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون
کسی سلام کند بلند سلام کند که بشنوند تا نگوید که سلام کردم و جواب سلام من نگفتند

خوش طبعی ایشان دشنام مادر است و بر کسیکه نرد یا شطرنج یا سایر انواع قمار بازی کند و بر
کسی که طنبور یا عود نوازد و بر مردی که مردم با او عمل لواطت کنند و کسی که در اثنای نماز باشد
و بر کسیکه سود خورد و فاسقی که علانیه فسق کند و پروا نکند و در روایت دیگر وارد شده است
که سلام کردن بر کسیکه شطرنج بازی کند گناه کبیره است و هم چنین نهی وارد شده است از سلام
کردن بر کسیکه شراب خورد و دور نیست که اکثر اینها محمول باشد بر اینکه سلام کردن بر اینها فضیلت
بسیار ندارد یا بر آنکه از روی مهربانی و محبت و راضی بودن بگناه ایشان سلام بر ایشان
نباید کرد زیرا که اخبار بسیار وارد شده است که بر همه کس سلام کردن خوب است و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که چون کسی از مجلسی برخیزد و وداع کند اهل
آن مجلس را به سلام کردن که اگر بعد از وی حرف خیری بگویند در ثواب شریک ایشان خواهد بود
و اگر حرف بدی گویند گناهش بر ایشان خواهد بود و بر او گناهی نخواهد بود و از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که کوچک بر بزرگتر سلام میکند و کسی که گذرد بر کسی که نشسته است
سلام میکند و جماعت کمتر بر جماعت بیشتر سلام می کنند و در حدیث دیگر فرمود که سواره
باید که بر پیاده سلام بکند و استر سوار بر خر سوار سلام کند و اسپ سوار بر استر سوار سلام بکند
و ایستاده بر نشسته سلام کند و در چند حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که چون جماعتی بر جماعتی
بگذرند یکی از ایشان که سلام کند از دیگران مجزیست و اگر کسی بر جماعتی سلام کند و یکی از اینها که جواب
بگوید از دیگران مجزیست و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم بر زنان سلام میکردند و ایشان جواب می گفتند و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بر زنان
سلام میکردند و کراهت داشتند از سلام کردن بر زنان جوان و می فرمودند که می ترسم
خوشم آید آواز او و گناه بر من داخل شود زیاده از ثوابی که از سلام کردن طلب میکنم و امثال اینها
برای تعلیم دیگران میفرمودند و خود از امثال اینها معصوم و منزه بودند و از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که ابتدا مکنید اهل کتاب یعنی یهود و نصارا و مجوس را
بسلام و چون ایشان سلام کنند بگوئید علیکم و در روایت دیگر فرمود که چون یهودی یا
نصرانی یا مشرکی [illegible] بر تو سلام کند بگو علیک [illegible] اگر [illegible] سلام

رخصت است که چون خواهند داخل خانهٔ کسی شوند بشیر سنت است که در بیرون خانه سه مرتبه سلام کنند اگر جواب سلام شنوند داخل شوند و اگر نه برگردند و جواب این سلام واجب نیست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که رخصت طلبیدن سه مرتبه است در مرتبهٔ اول می‌شنوند در مرتبهٔ دوم حذر می‌کنند و در مرتبهٔ سوم اگر میخواهند رخصت میدهند و اگر نمیخواهند ساکت میشوند که او برگردد و حقتعالی فرموده است که داخل مشوید در خانهٔ غیر خانهای خود تا استیناس بکنید و سلام بر اهلش بکشید حضرت صادق علیه السلام فرمود که استیناس کفش بر زمین زدنست و سلام کردن است که ایشان خبر شوند فصل دوم در فضیلت مصافحه یعنی دست یکدیگر را گرفتن و معانقه یعنی دست در گردن یکدیگر کردن و بوسیدن و آداب هر یک در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که از تمامی تحیت و سلام کسی که در حضر باشد مصافحه کردنست و تمامی سلام کردن کسی که از سفر آمده باشد دست در گردن یکدیگر کردنست و در حدیث معتبر از ابو عبیده منقولست که گفت من هم کجاوهٔ حضرت امام محمد باقر علیه السلام بودم و من اول بکجاوه میرفتم پس آنحضرت بکجاوه میرفتند و چون هر دو در کجاوه درست می‌نشستیم حضرت بر من سلام میکردند و احوال از من میگرفتند مانند دو کس که مدتی باشد که یکدیگر را ندیده باشند و با من مصافحه میکردند و چون از کجاوه فرود می‌آمدیم اول آنحضرت فرود می‌آمدند پس چون هر دو در زمین قرار میگرفتند سلام میکردند و احوال میگرفتند مانند دو کس که مدتها یکدیگر را ندیده باشند من گفتم که یا ابن رسول الله شما کاری چند می‌کنید که مردمی که نزد ما هستند چنین نمی‌کنند حضرت فرمود که مگر نمیدانی که مصافحه کردن چه ثواب دارد بدرستیکه دو مؤمن که با یکدیگر ملاقات کنند و مصافحه کنند پیوسته گناهان ایشان میریزد چنانچه برگ از درخت میریزد و حقتعالی نظر رحمت بسوی ایشان میکند تا از یکدیگر جدا شوند و در حدیث دیگر از ابو حمزه منقولست که گفت من هم کجاوه بودم با حضرت امام محمد باقر علیه السلام پس چون بار را فرود آوردیم حضرت اندک راهی رفتند پس آمدند و دست مرا گرفتند و فشار سختی دادند گفتم فدایت شوم من با شما بودم در کجاوه حضرت فرمود که مگر نمیدانی که مؤمن چون اندک حرکتی بکند و بعد از آن دست برادر مؤمن خود را بگیرد و با او مصافحه کند حقتعالی نظر لطف بسوی ایشان میکند و پیوسته ...

رحمت خود را بجانب ایشان میگرداند و گناهان میفرماید که فرو ریزند از ایشان تا آنکه چون
از یکدیگر جدا می‌شوند دیگر هیچ گناه بر ایشان نمانده است و در حدیث حسن از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که حد مصافحه آنست که دو دور درخت خرما بگردند پس بعد از آن باز
مصافحه سنت است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که سزاوار آنست که دو مؤمن که از
یکدیگر پنهان شوند اگر چه بدرختی باشد که در میان ایشان فاصله شود پس چون بیکدیگر رسند باید
که مصافحه کنند و در حدیث دیگر فرمود که هر که دست را دیرتر رها میدارد ثوابش بیشتر است
و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم هرگز با کسی
مصافحه نکردند که دست را از دست او بکشند تا آنکه آن شخص دست را می‌کشید و در حدیث
دیگر فرمود که بایکدیگر مصافحه کنید که کینه‌ها را از سینه‌ها میبرد و فرمود که مصافحه کردن با مؤمن بهتر
است از مصافحه کردن با ملائکه و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله و سلم منقول
است که چون با برادران مؤمن ملاقات نمائید با ایشان مصافحه کنید و بشاشت و خوشروئی
نزد ایشان ظاهر کنید تا آنکه چون جدا شوید هیچ گناه بر شما نمانده باشد و با دشمن خود نیز
مصافحه کنید هر چند او نخواهد که حقتعالی چنین امر فرموده است و باعث رفع دشمنی او میشود
و در حدیث دیگر از اسحق صراف منقولست که گفت من در کوفه میبودم و شیعیان بسیار نزد
من می‌آمدند من از شهرت ترسیدم و غلام خود را امر کردم که هر که مرا خواهد بگو که اینجا نیست پس
در آنسال بحج رفتم و چون بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم آن حضرت را از خود متغیر یافتم
گفتم فدایت شوم چه چیز باعث تغیر شما شده است از من فرمود که آنچه باعث تغیر تو شده است
از مؤمنان گفتم فدایت شوم از شهرت ترسیدم و خدا میداند که چه مقدار ایشان را دوست
میدارم حضرت فرمود که ای اسحاق ملال بهم مرسان از بسیار آمدن برادر مؤمن بدیدن تو
که چون مؤمن با برادر مؤمن خود برمیخورد و با او مرحبا میگوید خدا از برای او تا قیامت مرحبا
مینویسد پس چون بایکدیگر ملاقات مینمایند و مصافحه می‌کنند حقتعالی میان دو ابهام
ایشان صد رحمت میفرستد که نود و نه تای آنها از آنست که دیگری را بیشتر دوست میدارد
پس حقتعالی روی رحمت را بسوی ایشان میگرداند و هر یک که دیگری را بیشتر دوست میدارد

روی رحمت بسوی او بیشتر است پس چون دست در گردن یکدیگر کنند رحمت ایشان را فرو
میگیرد پس چون از برای خدا بایکدیگر بایستند و غرض دنیوی نداشته باشند بایشان خطاب میرسد
که آمرزیده شدید عمل را از سر گیرید پس چون از یکدیگر احوال پرسند و سخن گویند ملائکه بایکدیگر
گویند که دور شوید که ایشان میخواهند که بایکدیگر رازی گویند و خدا بر ایشان پوشانیده است
اسحاق گفت که پس آنچه میگوئیم ملائکه نمی‌نویسند حضرت آهی بلند کشیدند و گریستند آنقدر
که آب دیده مبارک ایشان بر ریش روان شد فرمودند که ای اسحاق حقتعالی ملائکه را
امر فرموده است که چون دو مؤمن بایکدیگر ملاقات کنند از ایشان دور شوند برای تعظیم
ایشان و اگرچه ملائکه نمی‌نویسند اما خداوندی که مطلع است بر احوال ایشان در از پنهان
و آنچه پوشیده تر از پنهان است نزد او آشکار است میداند که چه میگویند پس ای اسحق از خدا بترس
چنانچه گویا او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی او ترا می بیند و اگر گمان میکنی که او ترا نمی بیند کافر
می شوی و اگر میدانی که او ترا می بیند و گناه را از مخلوقین پنهان میکنی و نزد او هویدا می سازی
پس او را از همه کس پست‌تر شمرده و در حدیث دیگر فرمود که شما را در مصافحه کردن مثل ثواب آنها
هست که در راه خدا جهاد میکنند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که هر مؤمنی که از خانه بیرون رود بقصد دیدن برادر مؤمن خود حقتعالی بهر گامی
حسنه در نامهٔ عملش بنویسد و گناهی را از او محو کند و درجه برای او بلند کند
پس چون در خانهٔ آن مؤمن را بکوبد درهای آسمان برای او گشوده شود پس چون بایکدیگر ملاقات کنند
و مصافحه کنند و دست در گردن یکدیگر کنند حقتعالی روی رحمت خود را بسوی ایشان بگرداند
پس حقتعالی بایشان بملائکه مباهات کند و فرماید که نظر کنید بسوی این دو بنده من که بدیدن
یکدیگر رفتند و از برای رضای من بایکدیگر دوستی کردند بر من لازم است که بعد از این ایشان را
عذاب نکنم پس چون برگردد ملائکه مشایعت کنند مثل چند بعدد نفسهای او و گامهای او
و سخنهای او که او را حفظ کنند از بلاهای دنیا و آخرت تا روز دیگر آن وقت و اگر در این میان
بمیرد از حساب قیامت نجات یابد و اگر آن مؤمن دیگر هم حق او بشناسد و حرمت او را داند همین
ثواب او هم داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شما شیعیان را نوری هست که بشناسی

است که بآن نور شما را در دنیا می‌شناسند چون بیک دیگر برخورید آن موضع نور را از پیشانی
یکدیگر ببوسید و در حدیث حسن دیگر فرمود که نمی باید بوسید سر و دست کسی را مگر رسول خدا
صلی الله علیه وآله وسلم یا کسی که مراد از بوسیدن سر و دست او حضرت رسول باشد و محتمل است
که مخصوص ائمه معصومین علیهم السلام باشد و اظهر آنست که شامل سادات و علما نیز باشد زیرا که
تعظیم ایشان برای آن می‌کنند که فرزندان آنحضرت یا حافظ علوم و مروج دین آنحضرت اند و احوط
آنست که بغیر دست پیغمبر و امام را نبوسند چنانچه در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که شایسته نیست دست بوسیدن مگر پیغمبر یا وصی پیغمبر را و در حدیث صحیح از حضرت
امام موسی علیه السلام منقولست کسی که خویش خود را برای خویشی ببوسد بر او چیزی نیست و برادر مؤمن را
پهلوهای روی ایشان ببوسند و امام را میان دو چشمش ببوسند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که دهان بوسیدن نمی‌باشد مگر از برای زن و فرزند خود فصل سیوم در آداب
نشستن مجالس از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که وصیت فرمود به
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله که هشت کس اند که اگر خوار شوند ملامت نکنند
مگر خود را کسیکه حاضر شود بر سر سفره که او را نخوانده باشند و کسیکه تحکم کند بر صاحب خانه و
کسیکه طلب خیر کند از دشمنان خود و کسیکه توقع احسان کند از لئیمان و بخیلان و کسیکه خود
را در آورد در رازی که میان دو کس باشد بی رخصت ایشان و کسیکه استخفاف نماید بپادشاه و کسیکه
در مجالس در جائی بنشیند که او سزاوار آن نباشد و کسیکه سخن با کسی گوید که گوش بسخن او ندهد و از
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که کسی که مجموع این سه خصلت یا یکی
از آنها در او نباشد در صدر مجلس نشیند احمق است اول آنکه هرچه بپرسند جواب تواند گفت
دوم آنکه چون دیگران عاجز شوند او حق را بیان تواند کرد و سیوم آنکه بهر اسمائی برائی که صلاح
اهلش در آن باشد تواند کرد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سزاوار نیست مؤمن را
که بنشیند مگر بعد از آن جماعتی که نشسته اند زیرا که پا بگردن مردم گذاشتن و بالا رفتن علامت
سبکی عقل است و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که از علامات
تواضع و فروتنی آن است که آدمی راضی شود بمجلسیکه پست‌تر باشد از مجلسی که سزاوار اوست

و بهتر که برسد سلام کند و ترک مجادله بکند هر چند حق با او باشد و نخواهد که او را به پرهیزگاری ستایش
کنند و در حدیث دیگر فرمود که چون مردم در جای خود بنشینند و دیگری وارد آید اگر کسی از ایشان
او را طلبد جا از برای او بگشاید برود که آن کرامتی است که نسبت به او کرده است برادر مؤمن
او و اگر کسی جا از برای او نگشاید هر جا که گشاده تر است آنجا بنشیند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که
چون کسی بخانه شخصی بیاید هر جا که صاحب خانه بفرماید بنشیند که صاحب خانه نیک و بد خانه خود
را بهتر میداند و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله فرمود که زنهار که بر سر راهها منشینید
و در حدیث دیگر فرمود که نباید کسی در میان جماعتی بنشیند و جامه را از ایشان خود دور کند و از حضرت
امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که هر که راضی باشد به نشستن در جائی که مناسب شرف او
بالاتر از آن باشد پیوسته خدا و ملائکه بر او صلوات میفرستند تا برخیزد و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داخل مجلسی می‌شدند هر جا که بنشستگاه نزدیکتر
بود می‌نشستند و در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در اکثر اوقات
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رو بقبله می‌نشستند و در حدیث حسن منقولست که حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام در خانه خود نزدیک درگاه می‌نشستند رو بقبله و در حدیث دیگر منقول
است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم سه روش می‌نشستند گاهی زانوها را از زمین بر میداشتند
و دستها را بر ما بین زانوها میگذاشتند ساعد یک دست را بدست دیگر میگرفتند و گاهی دو زانو
می‌نشستند و گاهی یک پا را بر روی پای دیگر میگذاشتند و هرگز چهار زانو نمی‌نشستند و در
حدیث حسن از ابو حمزه منقولست که گفت دیدم حضرت امام زین العابدین علیه السلام نشسته
بودند و یک پا را بالای ران پای دیگر گذاشته بودند گفتم که مردم این نشستن را خوب نمیدانند
و میگویند که این نشستن پروردگار است حضرت فرمود که من از برای واماندگی چنین نشسته ام
و خدا را واماندگی نمی‌باشد و او را پینکی و خواب نمی‌باشد و جسم نیست و نشستن او دائمی باشد
و در روایت دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام چنین نشسته بودند و پای راست را
بر روی ران چپ گذاشته بودند و در حدیث معتبر منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم فرمود که سزاوار نیست که جماعتی که با یکدیگر بنشینند در تابستان بقدر استخوان ذراع که

تقریباً یک شبر باشد از هر طرف میان خود و دیگری فاصله بگذارند که اگر ما آزار نکشند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که آدم شمار کسیرا که در جای تنگ چهار زانو نشیند و در چند حدیث وارد شده است که احتبا دیوار عربانست و احتبا آنست که پاها را با پشت به جامه به بندند بر پشت ملکند و حدت یا دست را قفل کنند بر زانوها چنانچه گذشت یعنی ایشان را در صحراها و جاها که نزدیک بدیوار نباشد این بعوض تکیه بدیوار کردن است و در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام منقولست که پرسیدند که احتبا چونست فرمود که اگر عورت نمایان نشود باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که جائز نیست مرد را که احتبا کند در برابر کعبه فصل چهارم در آداب ملاقات صاحب خانه با کسیکه بخانه او می آید در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که برخاستن از برای تعظیم مکروه است مگر از برای کسیکه بجهت دین مانند علم و صلاح و نیکی او تعظیم کنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که حق کسی که داخل خانه می شود بر اهل آنخانه آنست که در وقت داخل شدن و بیرون رفتن پاره با او راه روند فرمود که چون کسی داخل خانه شود بر صاحب خانه حاکم است تا که بیرون رود و آنچه گوید میباید که صاحب خانه اطاعت او کند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی که تحفه برای مومنی بیاورد مثل بالشی یا متکائی یا طعامی یا پوششی یا سلامی کند بر و بهشت لازم شود که او را مکافات دهد پس حقتعالی باو وحی فرماید که من طعام اهل بهشت را بر اهل دنیا حرام کرده ام مگر پیغمبری یا وصی پیغمبری پس چون روز قیامت شود به بهشت خطاب رسد که امروز مکافات تحفه های ایشانرا بده پس غلامان و کنیزان از بهشت بیرون آیند با طبقهائی که بر روی آنها دستمالها از مروارید انداخته باشند و بنزد ایشان بیاورند چون ایشان نظر کنند بجهنم و اهوال آن و به بهشت و آنچه در آن است عقل ایشان پرواز کند و از آن طبقها نخورند پس منادی از زیر عرش ایشانرا ندا کند که حقتعالی حرام کرده جهنم را بر کسیکه از طعام بهشت بخورد پس دست دراز کنند و بخورند و در حدیث معتبر منقولست که دو شخص بخانه حضرت امیر المومنین علیه السلام آمدند حضرت از برای هر یکی از ایشان بالشی انداختند یکی بر روی بالش نشست و دیگری ابا کرد حضرت فرمود که بنشین که ابا نمیکند از کرامت مگر خر بعد از آن فرمود

و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هرگاه بیاید بسوی شما کسیکه نزد قوم خود گرامی باشد شما او را گرامی دارید و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه کس‌اند که کسی جاهل بحق ایشان نیست مگر منافقی کسیکه در اسلام ریشش سفید شده باشد و کسیکه حامل لفظ یا معنی قرآن باشد و امام عادل و فرمود که از تعظیم خداست تعظیم پیران کردن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که کسی را که اکرام کنند و او را گرامی دارند باید که او قبول کند و رد نکند و رد نمیکند کرامت را مگر خر و در چند حدیث منقولست که از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند که کدام است این کرامت که رد نمی‌باید کرد فرمود که مثل آنکه جای از برای او بگشایند یا بوی خوش برای او بیاورند یا بالشی برای او بگذارند یا مثل اینها از کرامتها و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که اکرام مکن کسی را بچیزیکه بر او دشوار باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هرکه خدمت کند گروهی از مسلمانان را حقتعالی مثل عدد ایشان خدمتگاران در بهشت باو کرامت فرماید و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرکه برادر مؤمن او بسوی او بیاید و او را گرامی دارد چنان است که خدا را گرامی داشته است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر ملاطفتی که کسی با برادر مؤمن خود بکند حقتعالی او را از خدمه بهشت کرامت فرماید و در حدیث دیگر فرمود که هرکه اکرام کند برادر مؤمنش را بکلمه که از روی لطف با او بگوید و غمی از او بردارد پیوسته در سایه رحمت الهی باشد تا مشغول این اکرام باشد

فصل پنجم در بیان مجالسی که در آنجا داخل شدن رواست و جماعتی که همنشینی و مصاحبت ایشان سزاوار است از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که متابعت کن کسی را که ترا میگریاند و خیرخواه تست و متابعت مکن کسی را که ترا میخنداند و در مقام فریب دادن تست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که نظر کنید که با که سخن میگوئید و مصاحبت میکنید که هرکه هست در وقت مرگ مصاحبانش را باو مینمایند که اگر حال ایشان نیکو است از مصاحبت ایشان شادی شود و اگر حال ایشان بد است غمگین میشود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که بهترین برادران من نزد من کسی است که عیبهای مرا بمن بگوید بسند که بر تو باد بمصاحبان کهنه و حذر کن از مصاحبت مصاحبان تازه که ایشان را عهدی

و امانتی و وفائی نیست و پرحذر باش از همه کس هر چند اعتماد بسیار داشته باشی و حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام در وقت وفات وصیت فرمود که زنهار اجتناب کن از جاهائی که محل
تهمت اند و از مجلسی که گمان بد باو میبرند که همنشین بد فریب میدهد مصاحب خود را و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که سزاوارترین مردم بتهمت کسی است که با اهل
تهمت هم نشین باشد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که هر که خود را
در محل تهمت اندازد ملامت نکند کسیرا که گمان بد باو میبرد و از حضرت امام موسی علیه السلام
منقولست که بپرهیزید از مواضع شک و تهمت و باید که کسی با مادر خود در میان راه نایستد
زیرا که همه کس نمیدانند که مادر اوست و در حدیث معتبر منقولست که حضرت عیسی علیه السلام فرمود
که مصاحب بد اخلاقش سرایت میکند باین کسی و همنشین بد اینکس را هلاک میکند پس نظر کن
که با که همنشینی میکنی و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دوستی نیکان با نیکان ثوابیست
برای نیکان و دوستی بدان با نیکان فضیلتی است با نیکان و دشمنی بدان با نیکان زینتی است برای
نیکان و دشمنی نیکان با بدان خواری است برای بدان و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام
منقولست که با پنج کس مصاحبت و هم زبانی و رفاقت مکن زنهار که با دروغگو مصاحبت مکن
که او از باب سراب است بدروغهای خود ترا فریب میدهد و دور را برای تو نزدیک مینماید و نزدیک
را بعید میگرداند و زنهار که مصاحبت مکن با فاسق که او ترا بیک طعام خوردن یا کمتر نزد
دیگران میفروشد و با بخیل مصاحبت مکن که او ترا با مال خود یاری نمیکند در هنگامی که نهایت
احتیاج بهمرسانی و با احمق مصاحبت مکن که او اگر خواهد که بتو نفع برساند ضرر میرساند و با کسیکه
قطع رحم کند مصاحبت مکن که حقتعالی در سه موضع از قرآن مجید او را لعنت کرده است و حضرت
صادق علیه السلام فرموده که سزاوار نیست مسلمانرا که با فاجر و احمق و دروغگو برادری کند و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که سه کس اند که همنشینی ایشان دل را میمیراند نشستن با مردم
دنی و سخن گفتن با زنان و نشستن با توانگران و حضرت لقمان با پسر خود گفت که بسیار با آشنایان
نزدیک چسپیان مشو که باعث جدائی میشود و از ایشان دوری هم مکن که خوار میشوی و نیکی با کسی مکن
که ایمان آن باشد هم چنانچه میان گرگ و میش دوستی نیست میان نیکوکار و بدکار دوستی

نمی باشد مگر که نزدیک قبر میرود و بسته باو میچسپد هم چنین هر که با بدکردار مصاحبت میکند از بدیهای
او می آموزد و هر که مجادله با مردم میکند دشنام می شنود و هر که در مجالس بد داخل می شود تهمت
زده می شود و هر که با همنشین بدی نشیند از بدی سالم نمیماند و هر که زبان خود را نگاه نمیدارد
همیشه پشیمانی میبرد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مصاحبت و همنشینی با اصحاب
بدعت مکنید که نزد مردم مثل آنها خواهید بود و حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم
فرمود که آدمی بدین دوست و مصاحب خود میباشد و فرمود زنهار با احمق مصاحبت مکن
که در هنگامی که از و راضی تری نزدیکتر است با آنکه ترا برنجاند و از حضرت رسول صلی الله علیه و
آله وسلم منقولست که حکیم ترین مردم کسی است که از صحبت جاهلان بگریزد و از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که کسیکه برادر مومنش را بر امری که مکروه باشد ببیند و تواند که او را
برگرداند از آن امر و برنگرداند خیانت کرده است در برادری او و کسی که اجتناب نکند از
مصاحبت احمق بزودی اخلاق او را برمیدارد و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و
آله فرمود که بدترین مصاحبان تو کسی است که معصیت خدا را در چشم تو زینت دهد و فرمود که
همنشینی با بدان موجب گمان بد بردن است در حق نیکان و در حدیث صحیح از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که نظر کن بهر که نفع دینی بتو نمی بخشد مصاحبت او و اعتنا بشان او مکن و
در صحبت او رغبت مکن و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که ضایع می شود محبتی که با
کسی داشته باشی که بیوفا باشد و نیکی که با کسی بکنی که شکر تو نکند و علمی که بکسی بیاموزی که گوش
ندهد و رازی که بکسی بسپاری که نگاهداری راز نکند و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست
که در مزبلها با عالم صحبت داشتن بهتر است از صحبت داشتن با جاهل بر روی فرشهای نیکو
و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که حواریان بحضرت عیسی علیه السلام
گفتند که با که همنشینی کنیم فرمود باکسی که خدا را بیاد شما آورد دیدن او و در علم شما بیفزاید سخن
گفتن او و شما را بسوی آخرت رغبت بفرماید کردار او و در حدیث دیگر فرمود که با اهل دین نشستن
شرف دنیا و آخرت است و حضرت امام محمد تقی علیه السلام فرمود که یک نشستن با کسی که برو
اعتماد داشته باشم نزد من بهتر است از عبادت یکساله و در حدیث دیگر فرمود که با توانگران منشینید

که بنده که اوّل با ایشان می نشیند چنان میداند که خدا بر و نعمت بسیار دارد و هنوز بر نخاسته است که چنان گمان میکند که خدا هیچ نعمت بر و ندارد و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که چهار چیز است که دل را میمیرانند گناه بعد از گناه کردن و با زنان بسیار سخن گفتن و با احمقان مجادله کردن که تو گوئی و او گوید و بحق برنگردد و هم نشینی با مردگان کردن گفتند یا رسول الله مردگان کیستند فرمود که هر توانگری که خدا را فراموش کرده باشد و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که بفرزندان خود میفرمودند که با اهل دین و معرفت هم نشینی کنید و اگر بدست شما نیاید تنهائی مونس تر و سالم تر است از مصاحبت غیر ایشان و اگر ناچار باشد از هم نشینی مردم پس با صاحبان مروت بنشینید که ایشان در مجالس حرف فحش نمیگویند و از حضرت موسی علیه السلام منقولست که سزاوار آنست که آدمی مصاحبان پدر خود را نگاه دارد که نیکی او با ایشان مانند نیکی با پدر است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت لقمان بپسر خود فرمود که ای پسر دیده بصیرت نظر کن در مجالس اگر جماعتی را ببینی که یاد خدا می کنند با ایشان بنشین زیرا که اگر تو عالمی علم تو نفع میدهد بتو و از هم نشینی با ایشان علم تو زیاده می شود و اگر جاهلی ترا علم بیاموزند و شاید که خدا رحمتی بر ایشان بفرستند و ترا هم با ایشان فرو گیرد و اگر جماعتی را ببینی که یاد خدا نمی کنند با ایشان منشین که اگر تو عالمی علمت بتو نفع نمیرساند و اگر جاهلی جهلت زیاده میشود و شاید که عذابی از خدا بر ایشان نازل شود و ترا هم با ایشان فرو گیرد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه وآله منقولست که بر تو باد بحاضر شدن در مجالسی که آنجا یاد خدا کنند و در حدیث دیگر فرمود که دانایان در زمان گذشته می گفتند که سزاوار آنست که تردد کردن بخانه‌ها یکی از ده وجه باشد اوّل رفتن بخانه خدا از برای ادای حج و عمره دوم در خانه پادشاهان دین که طاعت ایشان بطاعت خدا متصل است و حق ایشان واجب است و نفع شان عظیم و ضرر مخالفت ایشان سخت سوم در خانه علما که از ایشان استفاده علوم دین و دنیا نمایند چهارم در خانه اهل جود و بخشش که مال خود را بامید ثواب آخرت میدهند پنجم در خانه سفیهانیکه مردم در حوادث دهر بایشان محتاج می شوند و در حاجتها بایشان پناه میبرند ششم در خانه اشراف و بزرگان برائی طلب عزت و احتیاج بایشان هفتم در کافه جمعی که

نزد ایشان امید منفعت دارند جهت رای مستقیم ایشان و تقرب بحرم ایشان در امور و مشورت
کردن با ایشان هشتم در خانهٔ برادران مؤمن بسبب آنکه مواصلت ایشان واجب و حق ایشان لازم
است نهم در خانهٔ دشمنانی که بمواصلت و مدارا کردن ساکن می شود ضررهائی ایشان و برفتن و مدارا
و دیدن عداوت ایشان دفع می شود دهم در خانهٔ جمعی که از دیدن ایشان آداب حسنه استفاده میتوان
کرد و انس بهمراهی ایشان میتوان گرفت

فصل ششم در آداب عطسه و آروق و آب دهان انداختن

از حضرت صادق ع منقولست که مسلمان را بر برادرش حق لازم است که چون او را ملاقات کند بر وی
سلام کند و چون بیمار شود او را عیادت کند و در غایبانه خیرخواه او باشد و چون عطسه کند او را دعا کند و باید
که آنکه عطسه میکند بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ و دیگران با و بگویند يَرْحَمُكَ
اللّٰهُ و او در جواب بگوید يَهْدِيكُمُ اللّٰهُ وَيُصْلِحُ بَالَكُمْ و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم منقولست که چون کسی عطسه کند او را دعا کنید اگرچه دریا در میان فاصله باشد و در
حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه التحیة و الثنا منقول است که دهن دره از شیطان است
و عطسه از جانب خداوند عالمیان و در حدیث دیگر منقولست که حقتعالی را نعمتهای بسیار بر بنده
هست در هنگام صحت بدن و سلامتی اعضا و جوارح و بنده فراموش میکند که خدا را بر آن
نعمتها شکر کند پس باین سبب خدا امر میفرماید بادی را که در بدنش جولان میکند و از بینیش بیرون می آید
پس از این جهت مقرر کرده اند که در این حال خدا را حمد بگوید که این حمد تلافی شکر آن نعمتها باشد
که فراموش کرده است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که نیکو چیزی است عطسه نفع
میرساند ببدن و خدا را بیاد می آورد و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که چون کسی عطسه کند بگوید اَلْحَمْدُ
لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ و در حدیث دیگر فرمود که چون کسی
عطسه کند با و بگویند يَرْحَمُكَ اللّٰهُ و او در جواب بگوید يَغْفِرُ اللّٰهُ لَكُمْ وَيَرْحَمُكُمْ و در حدیث
دیگر فرمود که کسیکه عطسه کند بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ لَا شَرِيكَ لَهُ و دیگران با و بگویند يَرْحَمُكَ اللّٰهُ و
او در جواب بگوید يَغْفِرُ اللّٰهُ لَكَ وَلَنَا و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که طفلی با امام حسن
نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم عطسه کرد و گفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ حضرت با و جواب فرمود
بَارَكَ اللّٰهُ فِيكَ و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام عطسه کرد چون

فرمودند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ پس انگشت را بر بینی گذاشتند و فرمودند رَغِمَ اَنْفِی
لِلّٰهِ رَغْمًا دَاخِرًا و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که هر که بعد از عطسه
بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ عَلٰی کُلِّ حَالٍ درد گوش و درد دندان نیابد و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که عطسه کسی را بشنود و حمد الٰهی کند و صلوات بر پیغمبر و اهل بیتش بفرستد درد چشم
و درد دندان باو نرسد و فرمود که این را بگو اگرچه دریا در میان تو و او فاصله باشد و در حدیث
دیگر فرمود که برائی دفع درد گوش و درد دندان که چون کسی عطسه کند حمد خدا بکند و در حدیث دیگر
منقولست که ترسائی عطسه کرد آنحضرت با و گفتند یَرْحَمُكَ اللّٰهُ و در حدیث دیگر از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که چون مسلمانی عطسه کند و ساکت بماند از برائی حق تعالی
ملائکه از جانب او میگویند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ و اگر او بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِینَ
ملائکه میگویند یَغْفِرُ اللّٰهُ لَكَ و فرمود که عطسه کردن بیمار علامت عافیت اوست و
راحت بدن است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که عطسه نفع می بخشد به بدن مادام
که زیاده از سه نشود و چون زیاده از سه شود درد و بیماریست و در حدیث دیگر فرمود که هر که عطسه
کند و دست را بر روی بینی گذارد و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ کَثِیْرًا کَمَا هُوَ اَهْلُهٗ
وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ از سوراخ چپ بینی او مرغی بیرون می آید از ملخ
کوچکتر و از مگس بزرگتر تا برود بزیر عرش و استغفار کند از برائی او تا روز قیامت و در
حدیث دیگر فرمود که کسیکه عطسه کند تا هفت روز از مردن ایمن است و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم در چند روایت منقولست که عطسه تصدیق میکند سخنی را که مقارن واقع میشود
و علامت راستی آن سخن است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که عطسه را
سه مرتبه دعا بگو و چون زیاده از سه شود او را واگذار و در روایت دیگر منقولست که چون
کسی عطسه کند سزاوار آن است که انگشت شهادت را بر روی بینی بگذارد و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهِ الطَّاهِرِیْنَ رَغِمَ اَنْفِیْ لِلّٰهِ رَغْمًا دَاخِرًا
صَاغِرًا غَیْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَحْسِرٍ و هرگاه دیگری عطسه کند تا سه مرتبه بگوید یَرْحَمُكَ اللّٰهُ
و چون زیاده شود بگوید شَفَاكَ اللّٰهُ و چون مرد مؤمن عطسه کند بگوید یَرْحَمُكَ اللّٰهُ و اگر زن

باشد بگوید عافاك الله و اگر طفل باشد بگوید زرعك الله و اگر بیمار باشد بگوید شفاك الله
و اگر کافر ذمی باشد بگوید هداك الله و اگر پیغمبر یا امام باشد بگوید صلی الله علیك و در جواب
بگوید یغفر الله لنا و لکم و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بسیار عطسه کردن
ایمن میگرداند از پنج درد اول خوره دوم لقوه سوم نزول آب در چشم چهارم صلابت و
خشونت پرده های بینی پنجم بیرون آمدن مو در چشم و اگر خواهی که کم شود عطسه روغن مرزنگوش
در بینی بچکان بقدر یک دانگ راوی گفت که بچکانیدم برطرف شد و از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقولست که هرکه در بیت الخلا عطسه کند حمد الهی را در خاطر خود بگذراند و محتمل است
که مراد آهسته گفتن باشد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که چون
کسی عطسه کند باو بگویند یرحمك الله و او در جواب بگوید یغفر الله لکم و یرحمکم و از
حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که صلوات بر حضرت رسول و آل آنحضرت واجب است
نزد عطسه کردن و نزد کشتن حیوانات و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست
که کسیکه آروغ زند بجانب آسمان بلند کند قسم بود که آروغ نعمت خداست بعد از آن
حمد الهی بکند و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که مؤمن آب دهان را بجانب قبله
نیندازد و اگر از روی فراموشی بیندازد استغفار بکند و در حدیث حسن از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هرگاه کسی در نماز عطسه کند بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ و در حدیث
دیگر فرمود که اگر بشنوی که کسی عطسه میکند و تو در نماز باشی بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
اگرچه در میان تو و آن شخص که عطسه کرده است دریا در میان باشد

فصل هفتم در مزاح کردن

و خندیدن و سرگوشی کردن و آداب صحبت و راز مجالس را پنهان داشتن در حدیث
صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام و در حدیث دیگر از امام موسی کاظم علیه السلام منقول
است که چون سه نفر در مجلسی باشند دو تای ایشان با یکدیگر سرگوشی نکنند که موجب اندوه
و ایذای آن رفیق دیگر است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و
آله و سلم منقول است که هرکه در میان سخن برادر مسلمان خود سخن بگوید چنان
است که خراشی در روی او کرده است و در احادیث بسیار منقول

است که مجالس بامانت است یعنی آنچه گذشت باید که در جائی دیگر مذکور نشود مگر آنکه دانند که ایشان
راضی اند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که امینی امانت است که سخنی را که
صاحبش پنهان دارد او نقل کند مگر آنکه صلحی باشد که اظهار آن لازم است یا ذکر نیکیهای آن
شخص باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که مجالس بامانت است مگر
مجلسی که در آن خون حرامی ریخته شود یا فرج حرامی را که حلال کنند یا مالی را که بناحق برند و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه در او مزاح و خوشطبعی میباشد
و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت از شخصی پرسیدند که خوشطبعی کردن شما با یکدیگر چون
است گفت کم است حضرت فرمود که مکنید که مزاح کردن از نیکی خلق است و موجب
خوشحالی برادر مؤمن میشود و بسیار بود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مزاح میکردند
با شخصی که او را شاد گردانند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که خدا دوست میدارد
کسیرا که خوشطبعی کند در میان مردم مادام که فحش نگوید و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که خندیدن مؤمن میباید که تبسم باشد و صدا از او بلند نباشد و در حدیث دیگر فرمود
بسیار خندیدن دل را میمیراند و دین را میگدازد چنانچه آب نمک را میگدازد و فرمود
که از نادانیست خندیدن بی آنکه تعجبی باعث آن شود و در حدیث حسن فرمود که زنهار مزاح
بسیار مکنید که آبرو را می برد و فرمود که چون کسیرا دوست داری با او مزاح مکن و مجادله
مکن و در حدیث حسن دیگر فرمود که قهقهه کردن از شیطانست و فرمود که بسیار خندیدن
آبرو را می برد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که زنهار مزاح مکنید
که کینه بهم میرسد و دشنام کوچک است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که چون خنده قهقهه کنی بعد از فارغ شدن بگو اَللّٰهُمَّ لَا تَمْقُتْنِیْ و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که مزاح کردن آبرو را می برد و مهابت مرد را برطرف میکند و
در حدیث دیگر فرمود که مجادله مکن که بهجت را می برد و خوشطبعی مکن که باعث جرات مردم
می شود بر تو و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که مزاح مکن
که نور ایمانت را می برد و مروت و مردیت را سبک میکند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت

یحیی علیه السلام میگریست و نمیخندید و حضرت عیسی علیه السلام میگریست و میخندید و آنچه که حضرت عیسی
میکرد بهتر بود از آنچه که یحیی میکرد و در حدیث دیگر منقول است که حضرت داود علیه السلام بحضرت
سلیمان علیه السلام میگفت که ای فرزند زنهار که بسیار خنده مکن که بسیار خندیدن آدمی را
فقیر کند در روز قیامت و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که عجب دارم از کسیکه ایمان
بجهنم دارد چرا میخندد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که چه بسیار کسیکه بسیار خندد از روی
لعب در قیامت گریه اش بسیار باشد و چه بسیار کسیکه بسیار گرید بر گناه خود در بهشت خوشحالی
و خنده اش بسیار باشد پس از این اخبار و اخبار دیگر چنین ظاهر می شود که مومن میباید که عبوس
و گرفته نباشد و گشاده رو و خندان باشد و قدری از مزاح مطلوب است اما بسیار خندیدن
و بسیار خوش طبعی کردن مذموم است و فعل بیخردان و سفیهان است فصل هشتم در سائر
آداب مجالست و حقوق اصحاب مجالس بر یکدیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که نیکو مجاورت کن با کسیکه با تو مجاورت کند تا مومن باشی و نیکو مصاحبت کن
با مصاحبان خود تا مسلمان باشی و از مفضل منقولست که بخدمت حضرت صادق علیه السلام
رفتم فرمود که مصاحب تو که بود در راه گفتم که شخصی از برادران مومن فرمود چه شد گفتم که تا داخل
مدینه شده ام جایش را نمیدانم فرمود که مگر نمیدانی که کسیکه چهل گام با کسی مصاحبت کرد حق تعالی
از حق او سوال میکند در قیامت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که
همین عیب بس است آدمی را که از عیب مردم چیزی چند ببیند که از خود چشم را پوشیده و
مردم را سرزنش کند بر چیزی که خود ترک آن نمیتواند کرد و آزار کند همنشین خود را بچیزی که نفعی باو
ندهد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که مردم یا مومن اند یا جاهل پس مومن را آزار
نباید کرد و با جاهل بیخردی نباید کرد و اگر نه مثل او خواهی بود و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که از ما نیست کسی که نیکو مصاحبت نکند با مصاحبان خود و نیکو رفاقت نکند با رفیقان
خود و نیکو نمک خوارگی نکند با کسی که نمک خورد با او و نیکو مهربانی نکند با کسی که با او مهربانی کند
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که با منافق بزبان خوش سازکاری بکن و محبت
قلبی را خالص گردان برای مومنان و اگر یهودی با تو همنشینی کند نیکو مجالست کن با او و حضرت

رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که مهربانی کن با مردم تا ترا دوست دارند و در حدیث دیگر
فرمود که سه چیز است که محبت آدمی را برای برادر مسلمانش صاف و خالص میگرداند اول آنکه چون
با او برخورد بخوشروئی و خوشحالی او را ملاقات کند دوم آنکه جا از برای او بگشاید چون نزد او بنشیند
سوم آنکه بهتر نامی که دوستتر میدارد او را بخواند و فرمود که اظهار دوستی و مهربانی با مردم کردن نصف
عقل است و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون کسی را دوست دا
دوستی خود را با او اظهار کن که بیشتر باعث ثبات محبت میشود میان شما و در حدیث صحیح دیگر فر
که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم قسمت میکردند نظر کردنهای خود را در میان اصحاب
خود که بیکی بیشتر از دیگری نظر نمیکردند و هرگز در حضور اصحاب خود پا دراز نمیکردند و در حدیث صحیح
از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که چون کسی حاضر باشد او را بکنیت بخوان و چون
غائب باشد نامش را بگو و در میان عجم القاب بجای کنیت است مثل آخوند و آقا و میرزا و
نواب و امثال آنها و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که چون کسی برادر
مسلمان خود را دوست دارد باید که نامش را و نام پدر و نام قبیله و خویشانش را بپرسد از
که این از جمله حقوق لازمه برادری و دوستی است و اگر نه آن آشنائی احمقان خواهد بود و در
حدیث دیگر فرمود که عجز سه چیز است یکی آنکه شخصی برای کسی طعامی مهیا کند و او خلف وعده کند
و نرود که طعام او را بخورد دوم آنکه شخصی با کسی مصاحبت و همنشینی کند و معلوم نکند که نا
کیست و از کجاست تا از و جدا شود سوم آنکه با زن خود جماع کند پیش از آنکه زن آب بده
او آب بدهد بلکه میباید که بتانی بکند و مکث کند تا هر دو بهم آب بدهند و از حضرت امام موسی
منقولست که بسیار پرده از میان خود و برادر مؤمن خود بر مدار که باعث بر طرف شدن
حیاست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که از روی برادر مؤمن خود کاسه
یا خاشاکی یا کثافتی بردارد حق تعالی ده حسنه در نامه عملش بنویسد و هر که تبسم کند در روی
برادر مؤمن خود حقتعالی برای او حسنه بنویسد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه وآله
منقولست که هر خاشاکی یا مانند آن از برادر مؤمن بردارد او در برابر عمل او بگوید اماط الله
عنك ما تكره یعنی خدا دور کند از تو آنچه را نمیخواهی و در حدیث دیگر منقولست که حضرت

رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرموده از آنکه کسی بگوید بکسی که لا و حیوتک و حیوة فلان چنانچه
بفارسی میگویند که بجان تو و جان فلان و در حدیث دیگر فرمود که بدترین امت من جماعتی
اندکه مردم ایشان را گرامی میدارند از ترس بدی ایشان بدرستیکه از من نیست که هر که چنین باشد
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ولد الزنا را چند علامت هست اول دشمنی
اهل بیت رسالت دوم آنکه مایل است بآن حرامی که از و خلق شده است سوم آنکه دین را خفیف
و سبک شمارد چهارم آنکه مردم را در حضور ایشان آزار میکند و هیچکس با مردم بد برنمیخورد
و آزار ایشان نمیکند مگر آنکه ولد الزنا است یا در حیض یا در شیر یا و حامله شده است و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که زنهار با مردم منازعت مکنید که
کرامت را می برد و مروت را بر طرف میکند و پیوسته جبرئیل علیه السلام مرا نهی کرد از
مجادله با مردم کردن چنانچه نهی میکرد از شراب خوردن و بت پرستیدن و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که کینه مؤمن در همان مجلس میباشد که نشسته است چون
از برادر مؤمن جدا شود دیگر در دلش کینه نماند و کینه کافر در تمام عمر میباشد و از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و
گفت که مرا وصیتی فرما حضرت فرمود که ملاقات کن برادر خود را با روی گشاده و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که حد نیکی خلق آنست که مهربانی کنی و سخن را نیکو کنی و با مردم با روی
خوش برخوری و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که خوشحال و خوش رو
با مردم برخوردن کینه را میبرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که سه چیزی است که از مکارم
دنیا و آخرت است آنکه عفو کنی از کسیکه بر تو ظلم کند و پیوند کنی با کسیکه از تو ببرد و حلم کنی با
کسیکه با تو بیخردی کند و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که خشمی فرو خورد خدا عزت او را در
دنیا و آخرت زیاده گرداند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که خشمی فرو
خورد و قادر باشد که آنرا بعمل آورد حقتعالی دلش را از ایمنی و ایمان پر کند در روز قیامت فصل نهم
در فضیلت ذکر خدا در مجالس کردن از حضرت رسول صلی الله علیه و سلم منقولست که مبادرت کنید
بسوی باغهای بهشت پرسیدند که کدام است باغهای بهشت فرمود حلقهای ذکر که جمعها یاد خدا در آن میکنند و حضرت

امیرالمومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که در همه جا خدا را یاد کنید که او همه جا با شماست و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم از هیچ مجلس برنمیخاستند هر چند اندک نشسته باشند تا آنکه بیست و پنج مرتبه استغفار میکردند و در احادیث معتبره منقولست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم که یاد کننده خدا در میان غافلان مانند کسی است که جهاد کند در راه خدا در هنگام گریختن دیگران و چنین کسی ثواب او بهشت است و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مجلسی که در ان جمع شوند نیکوکاران و بدکاران و برخیزند و یاد خدا در ان نکرده باشند در قیامت باعث حسرت و ندامت ایشان خواهد بود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر گروهی که در مجلسی جمع شوند و در ان مجلس یاد خدا نکنند و صلوات بر پیغمبر خود نفرستند آن مجلس حسرت و وبال است بر ایشان در روز قیامت و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که نوشته است در توراتی که تغیر نیافته است که حضرت موسی علیه السلام از پروردگار خود سوال کرد که خداوندا مجلسی چند بر من وارد می شود که تر اعزیز و جلیل تر میدانم از انکه ترا در ان مجلس یاد کنم حقتعالی در جواب فرمود که یا موسی نام من بردن و یاد من کردن در همه حال نیکوست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حقتعالی فرمود که ای فرزند آدم مرا یاد کن در مجمع مردم تا ترا یاد کنم در جمعی که بهتر از جمع تو باشد و در حدیث دیگر فرمود که ای فرزند آدم مرا یاد کن در مجمع مردم تا ترا یاد کنم در مجمعی که بهتر از مجمع تو باشد و در حدیث دیگر فرمود که حقتعالی می فرماید که هر که مرا یاد کند در میان مجمعی از مومنان من او را یاد کنم در میان مجمع ملائکه و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که خواهد که در قیامت ثواب کامل بیابد در وقتیکه میخواهد که از مجلس برخیزد بگوید سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و در حدیث دیگر منقول است که این کفاره گناهان مجلس است فصل سوم در فضیلت ذکر حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه علیهم السلام در مجالس و مباحثه علوم ایشان نمودن و احادیث فضائل ایشانرا یاد کردن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر قومی که در مجلسی جمع شوند و خدا را یاد نکنند

و ما را یاد کنند آن مجالس بر ایشان وبال و حسرت خواهد بود در قیامت و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که یاد ما کردن از یاد خدا است و یاد دشمن ما کردن از یاد شیطان است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حقتعالی را ملکی چند هست که ایشان میگردند در زمین هر گاه که میگذرند بر جماعتی که یاد محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله می‌کنند بیکدیگر میگویند بایستید که بمطالب خود رسیدید پس می‌نشینند و با ایشان شریک می‌شوند در آن امر پس چون برخیزند اگر بیمار شوند بعیادت ایشان میروند و اگر بمیرند بجنازهٔ ایشان حاضر میشوند و اگر غائب می‌شوند جستجوی ایشان می‌کنند و در حدیث دیگر فرمود که ملائکه در آسمانها نظر می‌کنند بسوی یک و دو و سه از شیعیان که فضیلت آل محمد صلوات الله علیهم را ذکر می‌کنند پس بیکدیگر میگویند که نمی‌بینید این جماعت را با کمی ایشان و بسیاری دشمنان ایشان فضیلت آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم را ذکر می‌کنند پس طائفه دیگر از ملائکه در جواب ایشان میگویند که این فضل خدا است بهر که میخواهد میدهد و خدا صاحب فضل بزرگ است و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام از میسر پرسید که آیا شما شیعیان با یکدیگر خلوت می‌کنید و از علوم اهلبیت و فضائل ایشان آنچه خواهید میگوئید گفت بلی والله حضرت فرمود که والله من دوست میدارم که با شما باشم در آن مجالس والله که من بوی شما و نسیم شما را دوست میدارم بدرستیکه شما بر دین خدا و ملائکه اید پس یاری کنید ما را در شفاعت خود به پرهیزگاری از محرمات و سعی در طاعات و در حدیث دیگر فرمود که جمع نمیشوند سه نفر از مؤمنان یا زیاده مگر آنکه از ملائکه مثل ایشان جمع میشوند و اگر چیزی از خدا می‌طلبند ملائکه آمین میگویند و اگر پناه بخدا میبرند از شری دعا می‌کنند ملائکه که خدا آن بدی را از ایشان بگرداند و اگر حاجتی می‌طلبند ملائکه از خدا سوال می‌کنند که حاجت ایشان را برآورد و جمع نمی‌شوند سه نفر یا زیاده از انکار کنندگان حق اهل بیت علیهم السلام مگر آنکه ده برابر ایشان از شیاطین حاضر میشوند و هر سخنیکه میگویند شیاطین هم مثل سخن ایشان سخن میگویند و اگر میخندند با ایشان میخندند و اگر مذمت دوستان خدا می‌کنند با ایشان رفاقت می‌کنند پس اگر کسی از مؤمنان مبتلا شود بهمنشینی ایشان چون شروع کنند بمذمت دوستان خدا برخیزد و شریک و همنشین شیاطین نباشد که هیچ کس

تا سبب مقاومت غضب خدا ندارد و لعنت خدا را هیچ چیز دفع نمیکند و اگر تواند که برخیزد بدل آنکه
کند ذالک ساعتی برخیزد و بازگردد و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که هیچ چیز
شیطان و لشکرهای او را مجروح نمیکند مثل رفتن برادران مؤمن بدیدن یکدیگر از برای
خدا بدرستیکه دو مؤمن که بایکدیگر بر میخورند و یاد خدا میکنند پس فضیلت ما اهل بیت را یاد میکنند
بر روی شیطان هیچ پاره گوشت نمیماند مگر آنکه فرو میریزد تا آنکه روحش استغاثه میکند از
شدت المی که از این امر میباید پس ملائکه آسمانها و خازنان بهشت بر این معنی مطلع می شوند و
او را لعنت می کنند و هیچ ملک مقرب نمیماند مگر آنکه او را لعنت میکند پس ناامید و محسور و مطرود
بر زمین می افتد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که زینت دهید مجالس خود را
بذکر فضائل علی بن ابیطالب علیه السلام که در وصفا خصلت از خصلتهای پیغمبران است و در
حدیث دیگر فرمود که حقتعالی برای برادرم علی بن ابیطالب علیه السلام فضیلتی چند قرار داده
که از بسیاری احصای آنها نمیتوان کرد پس هر که یک فضیلت از فضائل او ذکر کند از روی
اقرار و اذعان گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود و هرچند در قیامت با گناه انس و جن بیاید
و هر که یک فضیلت از فضائل او بنویسد تا اثری از آن کتابت باقی باشد ملائکه از برای او استغفار
کنند و هر که گوش دهد بفضیلتی از فضائل آنحضرت خدا بیامرزد گناهانی را که بگوش واقع کرده باشد
و هر که نظر کند بنوشته که فضیلتی از فضائل آنحضرت در آن نوشته باشد خدا از او بیامرزد گناهانی را
که بچشم کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که براهی برود برای طلب علم خداتعالی برای او راهی
بگشاید بسوی بهشت بدرستیکه ملائکه بالهای خود را میگذارند از برای طلب کننده علم بجهت
خوشنودی او و استغفار می کنند از برای طلب کننده علم هر که در آسمان و هر که در زمین است حتی
ماهیان دریا و فضل عالم بر عابد مانند فضل ماه است در شب چهارده بر سایر ستارگان و در
حدیث دیگر فرمود که اف باد بر هر مردی که در هر جمعه خود را از کارهای دنیا فارغ نسازد و برای یاد
گرفتن مسائل دین خود و در حدیث دیگر فرمود که حقتعالی می فرماید که مذاکره علم در میان بندگان
من دلهای مرده را زنده میکند و در حدیث دیگر فرمود که بایکدیگر مذاکره کنید و ملاقات کنید
و حدیث نقل کنید که حدیث جلا میدهد دلها را بدرستیکه دلها زنگ میگیرد چنانچه شمشیر

زنگ میگیرد و جلا دلها بحدیث است از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که مذاکره
علم ثواب نماز مقبول دارد فصل یازدهم در مشورت کردن با برادران مؤمن و آداب آن از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که نفس خود را بمخاطره می اندازد کسیکه مستغنی شود
برای خود از رائی دیگران و در حدیث دیگر فرمود که مشورت کن با جماعتی که از خدا ترسند و دوست
دار برادران مؤمن را بقدر پرهیزگاری ایشان و بپرهیز از زنان بد و از نیکان ایشان در حذر باش
اگر ترا بنیکی امر کنند مخالفت کن تا ترا طمع نکنند در آنکه موافقت ایشان کنی در بدیها و در
حدیث دیگر فرمود که من بیزارم از کسیکه مسلمانی با او مشوره کند و آنچه خیر او را داند نگوید
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر گروهی که با یکدیگر مشوره کنند و در
میان ایشان کسی باشد که نامش محمد یا حامد یا محمود یا احمد باشد و در مشورهٔ ایشان داخل
باشد البته آنچه خیر ایشان است برای ایشان ظاهر میشود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که بعمار ساباطی فرمود که اگر خواهی نعمت الٰهی بر تو مستقیم باشد و مروّت تو کامل و زندگانی
تو نیکو باشد در امور خود مشوره مکن با بنده و با مردم دون و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که مشوره مکن با جبانان و ترسانان که راه بدو شید را بر تو تنگ می کنند و مشوره مکن
با بخیل که مانع می شود ترا از رسیدن بغایت مقصود خود و مشوره مکن با کسیکه حرص زیاد داشته
باشد که زینت میدهد برائی تو هر راهی را که بدتر است و در حدیث دیگر فرمود که یا علی کسی که طلب
خیر از خدا تعالی میکند حیران نمی شود و کسیکه در کارها با مردم مشوره میکند پشیمان نمی شود
و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که هلاک نمی شود کسیکه مشوره کند و در حدیث دیگر
منقولست که بسیار بود که حضرت امام موسی رضا علیه السلام با آن عقل کامل مشوره میکردند با
سیاهی از غلامان خود و میفرمودند که بسا باشد که خدا خیر ما را بر زبان او جاری کند و در احادیث
معتبره منقولست که با عاقل دیندار پرهیزگار مشوره کن و چون بتو چیزی بگوید خلاف آن مکن که
موجب فساد دنیا و آخرت تو می شود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که
هر که برادر مؤمنش با او مشوره کند و آنچه محض خیر او باشد نگوید خدا عقل و رای را از طرف میکند
و در حدیث دیگر فرمود که مشوره کردن حدی چند دارد که هر که آنها را نداند مضرت مشوره برای او

پیش از منفعت است اول آنکه آن کسیکه برای او مشوره میکنند عاقل باشد دوم آنکه آزاد و متدین
باشد سیم آنکه برادر و دوست و یار او باشد چهارم آنکه او را بر تمام سر خود مطلع گرداند که چنانچه
خود میداند آن امر را او نیز همچنان داند و بکسی نقل نکند زیرا که اگر عاقل است منتفع
میشوی بمشوره او و اگر آزاد و دیندار است آنچه حق می‌بیند میگوید در خیرخواهی تو و اگر برادر و دوست
تست چون از خود با تو یکی است افشای سر تو نمیکند و آنکه از برای فضیلت مشوره و اهتمام در آن همین کافی است
که حق سبحانه تعالی پیغمبر خود را که عقل کل و عالم کامل بود در قرآن مجید امر بمشوره فرموده است قوله
تعالی وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ یعنی مشوره کن با اصحاب خود

در امور پس چون عزم کردی پس توکل کن بر خدای عز و جل فصل دوازدهم در آداب نامه
نوشتن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که مواصلت در میان
برادران مؤمن در حضر باین است که بدیدن یکدیگر بروند و در سفر باین است که نامه بیکدیگر
بنویسند و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که جواب کتابت نوشتن واجب است مانند
جواب سلام گفتن و در حدیث دیگر فرمود که ترک مکن نوشتن بسم الله الرحمن الرحیم را
اگرچه بعد از آن شعری نویسی و فرمود که بنویس بسم الله الرحمن الرحیم بهتر از سایر چیزها
که مینویسی بنویس و در حدیث موثق از آنحضرت پرسیدند که در نامه ابتدا باسم شخصی که
نامه باو مینویسند پیش از نام خود کردن چون است فرمود که باکی نیست این کرامی است
که او را میکنند و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت امر فرمود که نامه بجائی بنویسند
و چون بستند آنحضرت واداشت فرمود که چگونه امید دارید که آنچه در نامه نوشته بعمل آید و حال
آنکه انشاء الله تعالی در جاهائی که مناسب است نوشته آید پس فرمود که ببین که هر جا که
انشاء الله تعالی ندارد بنویسند و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه التحیة والثنا منقولست
که چون نامه نوشتی خاک بر روی نامه بپاش که حاجت بهتر روا میشود و در حدیث
منقولست که حضرت امام علی نقی علیه السلام در اول نامه مینوشتند بسم الله الرحمن الرحیم
اذکره انشاء الله تعالی والامر بید الله پس فرمود که اگر گوئیم که چرا ترک میکنند
گفتن و نوشتن انشاء الله در کارها نوشته ما مثل کسی است که نماز را ترک کند آنچه نیست گفتیم

و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از نامه نوشتن هر کس استدلال بر عقل و بینائی او
میتوان کرد و از رسول و ایلچی استدلال بر فهم و بزرگی او میتوان کرد و در حدیث دیگر فرمود
که چون رقعه یا نامه برائی حاجتی بنویسی و خواهی که آن حاجت برآید بقلم [illegible] او بر سر رقعه بنویس که
بسم الله الرحمن الرحیم ان الله وعد الصابرین المخرج مما یکرهون والرزق
من حیث لا یحتسبون جعلنا الله و ایاکم من الذین لا خوف علیهم و لا هم یحزنون
راوی گفت که هرگاه چنین میکردم حاجتم برآورده می شد و در حدیث صحیح منقولست که از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام پرسیدند که کاغذها نزد ما جمع می شوند آیا باتش میتوان سوزانید هرگاه
در آنها نام خدا باشد فرمودند نه بلکه بآب اول بشوئید و در حدیث صحیح دیگر منقول است از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که کاغذها را مسوزانید و لیکن محو کنید و بدرید و در حدیث
حسن از آنحضرت پرسیدند که نامی از نامهائی خدا را بآب دهن محو میتوان کرد فرمود که بپاکتر
چیزی که بیابید محو کنید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که کتاب خدا و
نام خدا بپاکترین انچه میابید محو کنید و نهی فرمود از انکه بسوزانند قرآنرا و از آنکه بقلم محو کنند
و در بعضی نسخها بجای قلم قدم است باب دوازدهم در آداب خانه و داخل شدن و بیرون رفتن

فصل اول در گشادگی خانه در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
که از سعادت آدمی آنست که خانه او گشاده باشد و در حدیث صحیح منقولست که حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام خانه خریدند و یکی از موالیان خود را فرمودند که در آنخانه ساکن شو که خانه
تو تنگ است آن شخص گفت این خانه آنست که پدرم احداث کرده است بدر نمیتوانم رفت حضرت
فرمود که هرگاه پدر تو احمق باشد تو نیز باید که احمق باشی و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
سه چیز اند که موجب راحت مؤمن اند خانه گشاده که عیبها و امور مخفی او را از مردم پنهان
کند و زن صالحه که در امور دنیا و آخرت او را یاری نماید و دختری یا خواهری که او را از خانه
بیرون کند یا بمردن یا بشوهر دادن و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که یکی
[illegible]مگالی در گشادگی خانه و بسیاری خدمتگاران است و در حدیث دیگر فرمود که زیادتی لذت
[illegible]یاد در فراخی خانه و بسیاری دوستان است و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست

که از مشقت زندگانی است خانهٔ تنگ و در روایت دیگر منقولست که شخصی از انصار از تنگی خانه شکایت کرد بحضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم حضرت فرمود که بآواز بسیار بلند از خدا طلب گشادگی در خانه‌ات بکن و در حدیث دیگر فرمود که از سعادت آدمی آنست که فرزندش باو شبیه باشد و زن خوشروی دیندار داشته باشد و چهارپای رهوار داشته باشد و خانهٔ گشاده داشته باشد و در حدیث دیگر فرمود که شومی خانه در تنگی ساحت است و بدی همسایگان و بسیاری عیبهای آنست و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که از سعادت است زن صالحه و خانهٔ فراخ و همسایهٔ شایسته و مرکب نیکو و چهار چیز است که از شقاوت است زن بد و خانهٔ تنگ و همسایهٔ بد و مرکب بد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از تلخی زندگانی است از خانه بخانه نقل کردن و نان از بازار خریدن

فصل دوم

در مذمت تکلف بسیار در خانه کردن و بلند بسیار ساختن و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که مالی را از غیر حلال کسب کند حقتعالی بر او مسلط میگرداند عمارت کردن و خاک و آب را که آن مال حرام را در آنجا ضایع کند و در حدیث دیگر فرمود که بنائی که زیاده بر قدر احتیاج باشد در قیامت وبال است بر صاحبش و در حدیث دیگر فرمود که هر که عمارت کند زیاده از آنچه در سکنی نماید و در قیامت او را تکلیف میکنند که آنرا بردارد و از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقولست که خدایتعالی در زمین خود بقعه چند قرار داده است که آنها را مرحومات مینامند و دوست میدارد که نام او را در آن بقعه‌ها ببرند و او را بخوانند و اجابت دعای ایشان بکند و خداوند تعالی در زمین بقعه چند قرار داده است که آنها را منتقمات مینامند پس چون کسی مالی را از غیر حلال کسب کند خدا یک زمین از آن زمینها را بر او مسلط میگرداند که آن مال را در آنجا صرف نماید و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از در خانهٔ شخصی گذشتند که از آجر ساخته بود حضرت پرسیدند که این در خانه کیست شخصی گفت که از فلان مرد غافل مغرور پس بدر خانهٔ دیگر گذشتند که صاحبش از آجر ساخته بود حضرت فرمود که این خانه از مغرور و غافل دیگر است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که خانه بنا کند از برای ریا و سمعه که مردم ببینند و بشنوند در روز

قیامت آن خانه را تا طبقه هفتم زمین آتشی خدا فروخته و در گردن او اندازد پس او را در جهنم اندازد
و هیچ چیز او را نگاه ندارد از قعر جهنم مگر آنکه توبه کند پرسیدند که یا رسول الله بنای ریا و سمعه
چه معنی دارد فرمود که یعنی زیاده از قدر حاجت بسیار و برای آنکه زیادتی کند بر همسایگانش و فخر
و مباهات کند با برادرانش و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حقتعالی ملکی را موکل
گردانیده است بعمارت که هر که سقف خانه اش را زیاده از هشت ذرع بلند کند با او میگوید که
تا کجا میخواهی بروی ای فاسق و در روایت دیگر ای فاسق ترین فاسقان و در چند حدیث
وارد شده است که هر که سقف خانه را زیاده از هشت ذرع بلند کند جنیان و شیاطین
در آنخانه جا می‌کنند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد بحضرت صادق علیه السلام
که جنیان آزار اهل خانه و عیال من می‌کنند حضرت فرمودند که ارتفاع سقف تو چه مقدار
است گفت ده ذراع حضرت فرمود که از زمین تا هشت ذرع بپیما و از بالای هشت ذرع آیة الکرسی
بنویس بدور خانه زیرا که هر خانه که ارتفاع آن زیاده از هشت ذرع باشد جنیان در آنخانه
حاضر میباشند و در آنجا مسکن میکنند و در چند حدیث دیگر منقول است که هر خانه که
ارتفاعش زیاده از هشت ذرع باشد بر سر هشت ذرع آیة الکرسی بنویس و در حدیث دیگر
منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از جنیان که ما را از خانه
بدر کرده اند حضرت فرمودند که سقف خانهائی خود را هفت ذرع کنید و کبوتر در اطراف
خانه جا دهید راوی می‌گفت که چنین کردیم دیگر جنی ندیدیم و در حدیث معتبر از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که بنا کن خانهٔ خود را هفت ذرع که آنچه زیاده از هفت ذرع است
شیطان در آنجا ساکن میشود زیرا که شیطان در آسمان و زمین نمیباشد بلکه در میان
هوا میباشد و در روایت معتبره منقول است که ابو خدیجه گفت در خانه حضرت صادق
علیه السلام دیدم که آیة الکرسی بر دور حجره نوشته بودند و در جانب قبله نمازگاه آنحضرت
نیز آیة الکرسی نوشته بود **فصل سیوم** در نقاشی کردن و تصویر کشیدن؛ صورت صاحب
روحی را ساختن که سایه داشته باشد مشهور میان علما آنست که حرام است چنین صورتی
را ساختن بر دیوارها و جامه‌ها نقش کردن مکروه است و بعضی بحرمت قائل شده‌اند و احوط

آنست که طلاکاری نکنند و مطلقا صورت نکشند حتی صورت درخت و امثال آن خصوصا صورت انسان که تمام و کامل باشد و اگر صورتی کشیده باشند بهتر آنست که آنرا ناقص کنند مثل آنکه چشمش را کور کنند یا عضوی را از آن محو کنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که جبرئیل علیه السلام گفت که یا محمد پروردگارت سلام میرساند و ترا نهی میکند از نقشها و صورتها کشیدن در خانها و در احادیث معتبره از آنحضرت منقول است که جبرئیل گفت که ما گروه ملائکه داخل خانه نمی شویم که در آنخانه سگ باشد یا صورت بدنی باشد یا ظرفی باشد که در آن بول کنند و در احادیث معتبره وارد شده است که هر صورتی که بسازد او را در قیامت عذاب کنند که جان در آنصورت بدمد و نتواند دمید و در حدیث موثق منقولست که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند از بالش و فرشی که صورت داشته باشد فرمود که باکی نیست که در خانه صورتی باشد که پامال شود و بر رویش بنشینند و راه روند و در حدیث حسن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که باکی نیست که صورتها در خانها باشد اگر سرش را تغییر دهند و سائر بدنش بحال خود باشد و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که نماز مکن در خانه که صورتی در برابر تو باشد مگر آنکه چاره نداشته باشی پس آنصورت را قطع کن و نماز کن و در چند حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مرا بمدینه فرستادند که هر صورتیکه باشد محو کنم و قبرهای بلند را هموار کنم و سگها را بکشم و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که عمارت بر بالای قبر بکنید و صورت در سقف خانه بکشید که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم ازین دو چیز کراهت داشتند و در حدیث دیگر از آنحضرت پرسیدند از کشیدن صورت درخت و آفتاب و ماهتاب فرمود که باکی نیست اگر صاحب حیات نباشد

فصل چهارم در آداب فرش خانه

از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که سه چیز است که از مروت است چهارپائی نیکو و غلام خوشرو و فرش نفیس و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که آدمی را فرشی برای خود و فرشی برای زوجه خود و فرشی برای مهمان در کار است و زیاده ازین از شیطان است و در روایت دیگر منقولست که در خانه حضرت امام زین العابدین علیه السلام بساطها و نمدها بود و در آن مثالها و نقشها و صورتها بود و بزرگان آنجا می نشستند و در حدیث دیگر منقول

است که جمعی بخانهٔ آنحضرت آمدند بالشها و فرشهای نفیس دیدند عرض کردند که ما در منزل شما چیزی
چند می بینیم که خوش نمی آید ما را حضرت فرمودند که ما زنان میخواهیم و مهر ایشانرا میدهیم ایشان
آنچه میخواهند از برای خود میخرند آنها از ما نیست و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت
حضرت امام محمد باقر علیه السلام رفت و دید که آنحضرت در خانهٔ مزینی نشسته اند که فرشهای نیکو
در آن گسترده اند پس روز دیگر رفت و دید که در خانهٔ نشسته اند که بغیر از حصیری در آن نیست
و خود پیراهن گنده پوشیده اند پس حضرت فرمود که آنچه دیروز دیدی آنها از زن بود و از زوجهٔ
من بود و دیروز نوبت او بود و در حدیث صحیح منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام
عرض کرد که شخصی می نشیند بر فرشی که در آن صورتها است فرمود که بهمان تعظیم می کنند
چنین فرشی را و ما آنرا دشمن میداریم و در حدیث صحیح دیگر منقولست که از حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام پرسیدند از فرش حریر و دیبا آیا بر روی آن توان خوابید و تکیه کرد و نماز کرد حضرت
فرمود در زیر می اندازی و بر رویش می ایستی اما سجده بر آن نمیکنی و در حدیث دیگر منقولست
که حضرت امام رضا علیه السلام در تابستان بر روی حصیری نشستند و در زمستان بر روی پلاس
و در خانه جامه های گنده می پوشیدند و چون بیرون می آمدند برای مردم زینت میکردند و در
روایت معتبر منقولست که چون حضرت امیر المومنین علیه السلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را
تزویج کردند پوشش ایشان عبائی بود و فرش ایشان پوست گوسفندی و بالش ایشان
پوستی بود که در میانش لیف خرما پر کرده بودند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت صادق
علیه السلام فرمود که بسیار است که نماز میکنم و در پیش روی من بالشی هست که در آن صورت
مرغان است پس جامهٔ بر روی آن بالش می اندازم و نماز میکنم و فرشی چند از شام برای من هدیه
آوردند و در آنها صورت مرغان نقش کرده بودند فرمودم که سرهای ایشانرا تغییر دادند و بصورت
درخت کردند و در حدیث دیگر منقول است که از آنحضرت پرسیدند که گاه هست که فرشها نزد ما
می گسترند که در آنها صورتها است حضرت فرمود که چیزی را که فرش کنند و پهن کنند و بر
رویش راه روند باکی نیست اما صورتهائی که بر دیوار و کرسی نصب کنند خوب نیست فصل نهم
در آداب عبادت کردن در خانه در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که

حضرت امیر المومنین علیه السلام حجره در خانه مقرر فرموده بودند که در آنجا بغیر از فرشی و مصحفی و
شمشیری چیزی دیگر نبود و در آن حجره نماز میکردند و در حدیث موثق دیگر منقول است
که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله حجره در خانه قرار داده بودند که نه بسیار کوچک
بود و نه بسیار بزرگ از برای نمازگاه خود و چون شب میشد طفلی را با خود بآن حجره میبردند
و در آنجا نماز میکردند و در حدیث موثق دیگر منقول است که آنحضرت نوشتند بمسمع که دوست
میدارم از برای تو که در خانه خود نمازگاهی قرار دهی و در جامه کهنه بپوشی و بآنموضع
بروی و از خدا سوال کنی که ترا از آتش جهنم آزاد کند و ترا داخل بهشت کند و دعائی نامشروع
مکن و نفرین بر کسی مکن و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است
که منور گردانید خانهای خود را بتلاوت قرآن و خانهای خود را مثل گورها مکنید چنانچه
یهود و نصاری کردند که نماز را در معبدهای خود میکردند و خانهای خود را معطل میگذاشتند
بدرستیکه خانه که در آن تلاوت قرآن بسیار شود خیر آن خانه بسیار میشود و اهلش برفاهیت
و نعمت میباشند و آن خانه روشنی میدهد اهل آسمانرا چنانچه ستارها روشنی میدهند اهل زمین را
و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خانه که مسلمانی در آن قرآن خواند
اهل آسمان آنخانه را بیکدیگر مینمایند چنانچه کواکب آسمانرا اهل زمین بیکدیگر مینمایند
و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که خانه که در آن قرآن خوانده میشود
و یاد خدا در آنخانه کرده میشود برکت آنخانه بسیار میشود و ملائکه حاضر میباشند و شیاطین
دور میشوند و روشنی میدهد اهل آسمانرا چنانچه ستارها اهل زمین را روشنی میدهند و خانه که در آن
قرآن خوانده نشود و یاد خدا در آن نکنند برکت آنخانه کم میباشد و ملائکه دوری میکنند و
شیاطین در آنخانه حاضر میباشند

فصل ششم در نگاهداشتن حیوانات در خانه خصوصا کبوتر

بسند درست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که حیوانات را در خانه بسیار نگاه
دارید که شیاطین بآنها مشغول شوند و باطفال شما ضرر نرسانند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقول است که خوب است حیوانات در خانه داشتن مثل کبوتر و مرغ و بزغاله تا آنکه اطفال
جنیان با ایشان بازی کنند و با اطفال شما بازی نکنند و در حدیث معتبر منقول است

شخصی بحضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم شکایت کرد از تنهائی حضرت فرمود که یک جفت
کبوتر در خانه نگهدار و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کبوتر از مرغان
پیغمبران است و در حدیث حسن دیگر فرمود که کبوتران حرم از نسل کبوتری چند اند که حضرت
اسماعیل علیه السلام نگاهداشته بودند و با آنها انس میگرفت پس مستحب است که در خانه کبوتری
چند نگاهدارند که بال شان را چیده باشند که با آنها انس بگیرند و در حدیث دیگر فرمود که هر خانه که در آنجا
کبوتر باشد آفتی از جن باهل آنخانه نرسد زیرا که بچه‌های جن بازی میکنند در خانه چون کبوتر در خانه هست
مشغول آن می‌شوند و متوجه آدمی نمی‌شوند و در حدیث دیگر فرمود که کبوتر در خانه نگهدارید که
دوست داشتنی است و دعا کرده حضرت نوح علیه السلام است و هیچ چیز در خانه مثل آن
باعث انس نمیشود و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست هر بالی که کبوتر میزند
باعث نفرت و گریختن شیاطین میشود و در روایت دیگر از داود بن فرقد منقولست
که گفت در خانه حضرت صادق علیه السلام کبوتر راعبی دیدم که بسیار میخواند حضرت فرمود
میدانی که این کبوتر چه میگوید گفتم نه فرمود که نفرین میکند بر قاتلان حضرت امام حسین
علیه السلام پس اینها را در خانه خود نگهدارید و در حدیث دیگر منقول است که راوی گفت
آنحضرت را دیدم که از برای کبوترهی چند که در خانه آن حضرت بودند نان ریزه میکردند و در
حدیث دیگر از عبد الکریم منقول است که گفت رفتم بخانه آن حضرت دیدم که سه کبوتر سبز
در خانه آن حضرت بود عرض کردم اینها خانه را نجس میکنند حضرت فرمودند که مستحب
است نگاهداشتن اینها در خانه و در حدیث دیگر فرمود که در خانه حضرت رسول صلی الله علیه
و آله وسلم یک جفت کبوتر سرخ بود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه و آله چاهی کنده بودند خبر دادند بآن حضرت که جنّیان بآن چاه سنگ می‌اندازند
حضرت آمدند و بر سر آنچاه ایستادند و فرمودند که دست از این عمل بردارید و اگر نه کبوتر را
در اینجا جا میدهم پس فرمود که صدای بال کبوتر شیاطین را دفع میکند و از محمد بن [illegible] منقول
است که گفت بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام رفتم یک جفت کبوتر در منزل حضرت
دیدم که کبوتر نر سبز بود و نقطه‌های سفید داشت و کبوتر ماده سیاه بود و حضرت نان برای

آنها را پریشان میکردند و قسم بودند که اینها در شب حرکت می‌کنند و مونس من اند و هر مرتبه که در شب
بال بهم میزنند جنیان و شیاطین را که داخل شده اند دفع می‌کنند و در چند حدیث از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که کبوتر را که بجائی دور میفرستند تا سی فرسخ راه از روی دانائی
میرود و برمیگردد و آنچه زیاده از این است از بدعتی دانائی نیست بلکه از آن خودش تقدیر گمراهی آورد
و در چند حدیث منقولست که کبوتر خانگی یا کبوتر یا هو یاد خدا بسیار می‌کنند اهل بیت را دوست
میدارند و صاحبش را دعا می‌کنند که خداوند تعالی شما را برکت دهد و در حدیث معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که خروس بال گشاده سفیدی که در خانه باشد آنخانه و هفت
خانهٔ دور آن خانه را از بلا نگاه میدارد و یک بال زدن کبوتر در دو رنگ بهتر است از هفت
خروس سفید و در حدیث دیگر فرمود که خروس سفید یار من و یار هر مؤمنی است و از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که در خروس پنج خصلت است از خصلتهای پیغمبران
سخاوت و شجاعت و شناختن وقت نمازها و بسیار جماع کردن و غیرت و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که فریاد کردن خروس نماز اوست و بال زدنش رکوع و سجود اوست
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که دشنام مدهید خروس را که از برای
نماز مردم را بیدار میکند فصل نهم در نگاهداشتن گوسفند و بز در خانه در حدیث موثق از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هر اهل خانه که یک گوسفند نگاهدارند خدا روزی آن گوسفند را با ایشان
میدهد و روزی ایشان را زیاده میکند و فقر از ایشان یک منزل دور می‌شود و اگر دو گوسفند
نگاهدارند خدا روزی آنها را برساند و روزی ایشان را زیاده کند و پریشانی از ایشان دو منزل
دور می‌شود و اگر سه گوسفند نگاهدارند حق تعالی روزی آنها را برساند و روزی ایشان را زیاده کند
و پریشانی از ایشان بالکل برطرف شود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر
اهل خانه که نزد ایشان گوسفند شیرده باشد هر روز دو مرتبه ملائکه با ایشان میگویند که خدا شما را
برکت دهد و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که در خانه
او یک بز شیرده باشد هر روز یک مرتبه ملکی در طرف صبح ایشان را دعا کند که مطهر و پاک باشید شما
و خدا برکت دهد شما را و نیکو باد احوال شما و نیکو باد خوردنی شما و اگر دو بز شیرده باشد هر روز

دو مرتبه ملائکه چنین دعا کنند و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم
بعمه خود فرمود که چه مانع است ترا از آنکه در خانه خود برکتی نگاهداری گفت یا رسول الله برکت
کدام است فرمود که گوسفندی که شیر دهد پس فرمود که هر که در خانه او گوسفندی شیر ده یا بز شیر ده
یا گاو شیر ده باشد باعث برکت خانه او می شود و در حدیث دیگر فرمود که حقتعالی سه چیز
برکت فرستاده است آب و آتش و گوسفند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که هر اهل خانه که سی گوسفند هر پسین داخل خانه او شوند ملائکه نگاهبانی ایشان می کنند
تا صبح و در حدیث دیگر فرمود که گوسفند نگهدار و شیر نگاه مدار و حضرت رسول صلی الله علیه
وآله وسلم فرمود که نیکو مالی هست گوسفند و در حدیث دیگر فرمود که چون گوسفند نگهدارید
خوابگاه ایشانرا نیکو و پاکیزه کنند و خاک ادبار شان پاک کنید فصل هشتم در بیان احوال سائر
طیور و ذکر بعضی از حیوانات که کشتن ایشان رواست یا روا نیست و در حدیث معتبر منقول
است که فاخته در خانه حضرت امام محمد باقر علیه السلام بود آنحضرت روزی شنیدند که او خوانندگی
میکرد فرمود که میدانید که چه میگوید گفتند نه فرمود که میگوید فَقَدْتُکُم فَقَدْتُکُم یعنی نیست
شوید نیست شوید پس فرمود که من آنرا دفع میکنم پیش از آنکه او ما را دفع کند پس فرمود که آنرا
کشتند و در حدیث دیگر منقول است که روزی حضرت صادق علیه السلام بخانه اسماعیل فرزند خویش
خود آمدند دیدند که فاخته را در قفس کرده است و فریاد میکند حضرت فرمود که ای فرزند چه باعث
شده است ترا که این فاخته را نگاهداشته مگر نمیدانی که این شوم است و مگر نمیدانی که نفرین
میکند صاحب خانه را پس آنرا نیست کنید پیش از آنکه او شما را نیست کند و در حدیث معتبر
منقول است که روزی حضرت صادق علیه السلام نشسته بودند شخصی گذشت و پرستکی کشته
در دست داشت حضرت برجستند و آنرا از دست او گرفته بر زمین زدند و فرمودند که آیا
عالم شما امر کرده است شما را که این مرغ را بکشید یا فقیه شما بدرستیکه مرا خبر داد پدرم از جدم
که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نهی فرمود از کشتن شش جانور مگس عسل و مورچه
و وزغ و صرد و هدهد و پرستک اما مگس عسل زیرا که پاکیزه میخورد و پاکیزه از و جدا میشود و آن
چیزی که خدا باو وحی کرده است که نه از جن است و نه از انس و اما آنجا که فرموده است

وَاَوْحىٰ رَبُّكَ اِلَى النَّحْلِ و اما مورچه زیرا که قحطی در زمان حضرت سلیمان پیغمبر علیه السلام
بهم رسید و آن حضرت بطلب باران با اصحاب خود بیرون رفتند ناگاه مورچه را دیدند آن
حضرت که برپا ایستاده دست بآسمان دراز کرده و میگوید که پروردگارا ما از جمله آفریدهای
توئیم و از روزی تو بی نیاز نیستیم پس روزی بده ما را از نزد خود و ما را مگیر بگناهان بیخردان از فرزندان
آدم علیه السلام پس حضرت سلیمان علیه السلام فرمود که برگردید که حقتعالی شما را بدعای دیگران
باران داد و اما وزغ زیرا که چون نمرود آتش برای حضرت ابراهیم علیه السلام برافروخت همه
جانوران زمین از خدا رخصت طلبیدند که آب بر آن آتش بریزند حقتعالی هیچیک را رخصت
نفرمود بغیر از وزغ پس دو ثلث او از آتش سوخت و یک ثلث او باقی ماند و اما هدهد زیرا که آن
دلیل حضرت سلیمان بود بسوی ملک بلقیس و اما صرد که آن مرغی است که سر بزرگی دارد و گنجشک را
شکار میکند زیرا که راهنمای حضرت آدم علیه السلام بود از بلاد سراندیب تا بلاد جده یک ماه
و اما پرستک زیرا که گردیدن آن در هوا برای تأسف و اندوهی است که بر مظلومیت اهل بیت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم دارد و تسبیحش خواندن سوره حمد است مگر نمی‌بینی که در
آخر خواندگی خود میگوید وَلَا الضَّالِّيْنَ و در حدیث صحیح منقول است که از حضرت امام موسی
علیه السلام پرسیدند از کشتن مورچه حضرت فرمود که مکش مگر آنکه ترا آزار کند و پرسیدند
از کشتن هدهد فرمودند که آزارش مکن و مکش و ذبح مکن که نیکو مرغی است و در حدیث
دیگر از حضرت امام رضا علیه التحیة و الثناء منقول است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه
و آله و سلم نهی فرمود از کشتن پنج جانور صرد و صوام که مرغی است در میان نخلستان میباشد
و معروف است و نحل و هدهد و مورچه و وزغ و امر فرمود بکشتن پنج جانور کلاغ و کور
کوره و مار و عقرب و سگ درنده و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم فرمود که هرکه ماری را بکشد چنان است که کافری را کشته است و در حدیث موثق
منقول است از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند از کشتن مار حضرت فرمود که حضرت
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هرکه مار را برای این نکشد که کشتن آن گناه است
از من نیست اما اگر او را برای این نکشی که حیوانی است و بتو آزار نمیرساند باکی نیست و در حدیث

دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از آنکه حیوانی را بآتش بسوزانند
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حقتعالی عذاب فرمود زنی را از برای آنکه گربه بسته
بود تا از تشنگی مرده بود و در حدیث معتبر منقول است که باکی نیست کشتن موش هرچند خواه آزار رساند
بکند و خواه نکند و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که پرستوک را
حرمت بدارید که زیاده از همه مرغان انس بمردم میگیرد و ورد و ذکری که میکند سورهٔ حمد میخواند و در
حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که در هر بال هدهد بزبان سریانی نوشته شده
است که آل محمد خیر البریة یعنی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بهترین خلایق اند و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مخورید هدهد را و دشنام مدهید و مدهید
باطفال که بازی کنند که تسبیح خدا بسیار میکند و تسبیحش اینست که لعن الله مبغضی آل محمد
علیهم السلام یعنی لعنت کند خدا دشمنان آل محمد را و در حدیث دیگر از حضرت علی بن
الحسین علیهما السلام منقول است که آن کاکلی که بر سر هدهد است از دست مالیدن حضرت
سلیمان علیه السلام بهم رسیده است زیرا که روزی نر با ماده خود خواست که جمع شود
و ماده مضایقه میکرد و نر گفت میخواهیم که فرزندی بهم رسد که خدا را یاد کند پس ماده راضی شد
چون خواست که تخم بگذارد نر گفت که تخم را کجا میگذاری گفت میخواهیم که دور از راه بگذارم
نر گفت اگر نزد راه بگذاری بهتر است که اگر کسی بیاید گمان کند که برای دانه چیدن باینجا آمده
است آن چنین کرد چون نزدیک شد که جوجه بیرون آورند ناگاه دیدند که حضرت سلیمان
علیه السلام با لشکرش می آیند و مرغان بر سر سایه کرده اند ماده گفت اینک سلیمان
با لشکرش رسید و میترسم ما را و تخم ما را پامال کنند نر گفت که حضرت سلیمان مرد رحیم
و مهربان است آیا نزد تو چیزی هست که برای جوجه های خود پنهان کرده باشی گفت بلی کرمی دارم
که از تو پنهان کرده ام برای جوجه خود آیا تو چیزی برای جوجه خود ذخیره کرده نر گفت بلی
خرمائی دارم که از تو پنهان کرده ام برای جوجه خود ماده گفت که پس تو خرمای خود را بردار
و من ملخ خود را میبردارم و میبریم بخدمت حضرت سلیمان علیه السلام و پیشکش خود را میگذاریم
و حاجت خود را از او طلب میکنیم چون حضرت سلیمان علیه السلام رسید ایشان پیشکش را آوردند حضرت ایشان را بمنقار گرفت

و او هم تلخ را بچنگال گرفت و هر دو پرواز کردند و بخدمت حضرت سلیمان ع آمدند و آنحضرت بر روی
تخت خود نشسته بود چون ایشانرا دید دستها را گشود نر بر دست راست آنحضرت نشست
و ماده بر دست چپ آنحضرت و حضرت از حال ایشان سؤال نمود قصه خود را نقل کردند سلیمان
هدیه ایشانرا قبول نمود و لشکر خود را از جانب تخم ایشان بجانب دیگر گردانید و دست بر سر
ایشان مالید و دعا کرد برای ایشان ببرکت پس باین سبب این کاکل بر سر ایشان بهم رسید
و در چند حدیث معتبر وارد شده است که جوجه را از آشیان شکار مکنید بلکه بگذارید که پرواز
کنند بعد از آن ایشانرا شکار کنید و شب بر سر آشیانه مرغان مروید که ایشانرا شکار
کنید که شب در امانند و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است
که باکی نیست شب مرغانرا از آشیانها گرفتن لهذا علما گفته اند که مکروه است شب مرغانرا
شکار کردن و جوجه را از آشیان گرفتن و هم چنین حیوانات را در شب کشتن مکروه است و در
حدیث دیگر منقول است که در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام تعریف حسن طاوس
میکردند حضرت فرمود که هیچ حیوانی حسنش زیاده از خروس سفید نیست و خروس خوش آواز
تر از آنست و برکتش بیشتر است و ترا آگاه میگرداند در وقت نماز اما طاوس نفرین و ویل
و عذاب بر خود میکند بآن گناهی که کرده است و بآن سبب مسخ شده است و در حدیث
دیگر منقول است که طاوس یمانی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد حضرت از
پرسیدند که تو طاوسی گفت بلی حضرت فرمود که طاوس مرغ شومی است که بساحت هیچ
گروهی داخل نمیشود مگر آنکه ایشانرا آواره میکند و در حدیث دیگر منقول است که سالم بخدمت
آنحضرت رفت چون نشست جمعی از گنجشکها فریاد میکردند حضرت فرمود که میدانی که چه میگویند
گفت نه فرمود که میگویند که خداوندا ما آفریده چندیم از آفریدهای تو و چاره نیست مارا
از روزی تو پس طعام و آب بده مارا و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام زین
العابدین علیه السلام در چنین حالی فرمودند که ایشان تسبیح پروردگار خود میگویند و طلب
روزی خود از خدا تعالی میکنند و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است
که جغد در زمان سابق در خانها جا میگرد و بود در وقت طعام خوردن نزدیک خوان می آمد

لعنت شده باشد چنانچه سگ سیاه یکرنگی را دیدند فرمودند که چیست ترا آنرا قتل گردانند را
چون بسیار تند میرود ناگاه دیدم که شبیه بمرغی شد و پرواز کرد پرسیدم که این چه چیز بود
فرمود که این [illegible] نام دارد و یکی از شیطانان است درین ساعت هشام مرده است او
پرواز میکند بهر شهری که خبر مرگ او را میرساند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم رخصت داد جماعتی را که خانهای ایشان دور باشد از آبادانی که سگ
نگاه دارند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که از صدای
شکاری بسیار مروید که بیم ضرر است شما را و چون صدای سگ و فریاد خر را بشنوید پناه برید
بخدا از شر شیطان رجیم زیرا که آنها می‌بینند چیزی چند که شما نمی‌بینید و در حدیث
موثق منقول است که حیوانات را با یکدیگر بجنگ انداختن خوب نیست مگر سگ را
که تا از بر حیوانات برای شکار کردن و در احادیث معتبره بسیار وارد شده که هر حیوانی
را که سگ تعلیم کرده شکار کند اگر برسی و جان داشته باشد آنرا ذبح کن و اگر جان نداشته
باشد حلال است اگر در وقت فرستادن سگ بسم الله گفته باشی و هرچه را حیوانات دیگر
شکار کنند یا سگی شکار کند که آنرا شکار کردن نیاموخته باشند اگر برسی وقتیکه جان داشته
باشد و آنرا بکشی حلال است و اگر نه حرام است و هر حیوانی را که شکار کنی به تیر یا کارد یا به تیر
یا پیکان که در بدنش فرو رود و آنرا بکشد و اگر برسی و جان داشته باشد آنرا ذبح کن و اگر
جان نداشته باشد حرام است و اگر نام خدا برده در وقت انداختن حلال است و همچنین اگر
بشمشیر و نیزه و حربهای دیگر شکار کنی این حکم دارد و اگر بسنگ یا تفنگ یا کمان گلوله و
سایر چیزها که آهنی ندارد و بسنگینی میکشد شکار کنی اگر وقتی برسی که جان داشته باشد ذبح کنی
حلال است و اگر نه حرام است و در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول
است که شکاری که سگ سیاه یکرنگ کند مخورید زیرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم امر فرموده که چنین سگی را بکشند و علما حمل بر کراهت کرده‌اند و نهی نیز
وارد شده است از خوردن شکاری که سگی بکند که یهودی یا نصرانی یا مجوسی آنرا تعلیم
کرده باشد و این را حمل نیز بر کراهت کرده‌اند و همچنین مکروه است ماهی را شکار کردن

در روز جمعه پیش از نماز جمعه شکار ماهی شرط است که آن را زنده از آب بدر آورند و در بیرون آب
بمیرد و اگر در میان آب بمیرد حرام است و باید که مسلمان بدر آورد و اگر کافر بدر آورد و مسلمان از دو
بگیرد و در دست مسلمان بمیرد حلال است و هم چنین اگر ماهی خود در کنار بجهد و مسلمان او را بگیرد و
زنده باشد حلال است و اگر ببیند که زنده است و دست نگرفته بمیرد خلاف است و احوط
اجتناب است و شکار ملخ باین میشود که مسلمان آن را بدست خود یا آلت شکار بگیرد و ملخی که
به پرواز نیامده باشد حلال نیست و بدانکه شکار لهو و لعب کردن که مطلب از آن سیر کردن
باشد باین نحو که نزد و انداز جایز نیست و نماز را در چنین سفری تمام میباید کرد و روزه را
میباید گرفت و اگر مطلب روزی عیال یا تجارت باشد حلال است و نماز را قصر میکند و روزه
میخورد و این رساله گنجایش ذکر مفصل احکام شکار ندارد و از محالش طلب باید کرد فصل دهم

در آداب چراغ افروختن و خانه خریدن و در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله وسلم منقول است که چراغها را در شب خاموش کنید که ان فاسقک یعنی موش
فتیله را بکشد که آتش در خانه بیندازد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که چهار چیز است که ضایع میشوند کسی از آنها منتفع نمی شود یکی چراغ در ماهتاب
روشن کردن و در حدیث دیگر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که پنج چیز است
که ضایع میشود چراغی که در آفتاب روشن کنند روغن ضایع میشود و از روشنائیش منتفع
نمیتوان شد و بارانی که بر زمین شوره زار ببارد باران ضایع میشود و از زمین نفعی حاصل نمی شود
و طعامی که شخصی بران تکلف کند و نزد کسی بیاورد که او سیر باشد منتفع نمی شود و زن
خوشروئی را که عروس کنند و برای شوهر عنین ببرند و نیکی که بشخصی کنند که شکر نکند و در حدیث
دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چراغ روشن کردن پیش از غروب آفتاب
پریشانی را برطرف میکند و روزی را زیاده میکند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که کراهت دارد که شخصی در خانه تاریک شود مگر آنکه
در پیش روی او چراغی یا آتشی افروخته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون
چراغ را به اندرون خانه بیاورند این دعا بخوانند اللّٰهُمَّ اجْعَلْ لَنَا نُوراً نَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ

ادرار کند یا در آب ایستاده بول کند یا در خانه تنها بخوابد یا دست آلوده بطعام بخوابد و شیطان او را بگیرد و دیوانه بکند دست از و بر ندارد در هیچ حالی شیطان بر آدمی استیلا ندارد والا باشند این احوال منقولست که حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بجنگی سفر رفتند و بوادی رسیدند که در آن جن بسیار بود و در میان اصحاب خود ندا کردند که هر دو تا دست یکدیگر را بگیرید و داخل این وادی شوید و یککس تنها رفت و یک شخص تنها رفت او را صرع گرفت بحضرت خبر دادند حضرت انگشت بہین او را گرفتند و فشردند و گفتند بِسْمِ اللّٰهِ اخْرُجْ خَبِيْثٌ اَنَا رَسُوْلُ اللّٰهِ پس آن شخص در حال شفا شد و برخاست و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت از شخصی پرسیدند که در کجا فرود آمده گفت در فلان موضع حضرت فرمود که آیا در آنجا کسی هست با تو گفت نه حضرت فرمودند که در خانه تنها مباش و از آنجا بخانه دیگر نقل کن که شیطان در هیچ وقت بر آدمی جرأت ندارد مثل آنکه در خانه تنها باشد و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست که دست مال گوشت را شب در بوریت نگذارید که آن خوابگاه شیطان است و خاکروبه را در پشت در جمع نکنید که آن جایگاه شیطان است و چون بحجره خود رسید بسم اللہ بگوئید که شیطان میگریزد و چون داخل حجره شوید سلام بکنید که برکت نازل میشود و ملائکه انس میگیرند و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست که خاکروبه را شب در خانها نگذارید و در روز بیرون برید که آن جای نشستن شیطان است و از حضرت امیر المومنین علیہ السلام منقولست که پاک کنید خانهائی خود را از تار عنکبوت که گذاشتن آن در خانه باعث فقر و پریشانی میشود و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیہ السلام منقول است که شستن ظرفها و جاروب کردن خانها و ساحت اندرون و بیرون خانه روزی را زیاده میکند و از حضرت امیر المومنین علیہ السلام منقول است که تنیده عنکبوت را و خاکروبه را در خانه گذاشتن باعث پریشانی میشود و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست که دستمالی که از آن دست را پاک کرده اند و آلوده بطعام و چربی است شب در بوریت نگذارید که آن خوابگاه شیطان است و از حضرت صادق علیہ السلام منقول است که ظرفهائی خود را بی سرپوش نگذارید که ظرفی را که سرپوش ندارد میشاشد شیطان در آن

و من بے اندازه و از انچه در ان هست انچه میخواهد بر میدارد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که چهار پایان اطفال و یاران خود را محافظت نمائید بعد از فرو رفتن آفتاب تا وقت خفتن که درین باب شیاطین بر ایشان مستولی میشوند و در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از انکه کسی در خانه همسایه نظر کند و در حدیث دیگر فرمود که حقتعالی شش خصلت برائی من نخواسته است و من نمیخواهم برای امامان از فرزندان من و شیعیان ایشان بادست و ریش و جامهٔ خود بازی کردن در نماز و فحش گفتن در روزه و منت گذاشتن بعد از تصدق و جنب بمسجدها رفتن و در قبرستانها خندیدن و بر خانهای مردم مشرف شدن و در حدیث صحیح منقولست که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم در حجره بعضی از زنان بودند شخصی از رخنه درگاه آن حجره نظر کرد حضرت فرمود اگر نزدیک میبودم چشمت را کور میکردم

فصل دوازدهم در آداب خانه داخل شدن و بیرون رفتن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که بعد از یک خواب اول شب از خانه بیرون مروید که خدا را خلقی چند هست که درینوقت پهن میشوند در زمین و انچه می فرماید میکنند و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که چون از خانه بیرون روی بگو بِسْمِ اللّٰهِ اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ که چون این را بگوئی ملائکه بر روی شیاطین میزنند و ایشانرا از تو دور میکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هرگاه کسی از خانه بیرون آید و بگوید بسم الله ملائکه باو میگویند که سلامت ماندی پس چون بگوید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ ملائکه باو میگویند که کارهایت ساخته شد پس چون بگوید تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ ملائکه باو میگویند که از بلاها نگاهداشته شدی و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که چون پدرم از خانه بیرون می آمد این دعا میخواند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَقُوَّتِهٖ لَا بِحَوْلِيْ وَقُوَّتِيْ بَلْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يَا رَبِّ مُتَعَرِّضًا لِرِزْقِكَ فَاْتِنِيْ بِهٖ فِيْ عَافِيَةٍ و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که چون کسی داخل خانهٔ خود شود بر اهلش سلام کند و اگر اهلی نداشته باشد بگوید اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا مِنْ رَبِّنَا و چون داخل خانه می شود

سورهٔ قل هو الله احد بخواند که فقر و پریشانی را برطرف میکند و چون کسی خواهد که بی حاجتی بیرون رود
باید در روز پنجشنبه برود و آیات سورهٔ آل عمران را که پیش گذشت إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ بخواند و آیة الکرسی و سورهٔ انا انزلناه و سورهٔ حمد بخواند و در حدیث صحیح
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون از خانه بیرون روی بگو بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى
اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا خَرَجْتُ لَهُ وَأَعُوذُ بِكَ
مِنْ شَرِّ مَا خَرَجْتُ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَأَتْمِمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَاسْتَعْمِلْنِي
فِي طَاعَتِكَ وَاجْعَلْنِي رَاغِباً فِيمَا عِنْدَكَ وَتَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ وَعَلَى مِلَّتِكَ وَمِلَّةِ
رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که هر که در وقت بیرون آمدن از خانه این دعا بخواند خدا گناهانش را بیامرزد و توبه‌اش
قبول کند و کارهایش را بسازد و او را از بدیها و شر نگاه دارد و دعا اینست أَعُوذُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ
مَلَائِكَةُ اللَّهِ وَرُسُلُهُ مِنْ شَرِّ هَذَا الْيَوْمِ الْجَدِيدِ الَّذِي إِذَا غَابَتْ شَمْسُهُ لَمْ تَعُدْ مِنْ
شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ غَيْرِي وَمِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ وَمِنْ شَرِّ مَنْ نَصَبَ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَمِنْ
شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ السِّبَاعِ وَالْهَوَامِّ وَمِنْ شَرِّ رُكُوبِ الْمَحَارِمِ كُلِّهَا أُجِيرُ نَفْسِي
بِاللَّهِ مِنْ كُلِّ سُوءٍ و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در وقت
بیرون رفتن از خانه ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند در حفظ و حمایت الهی باشد تا بخانه خود
برگردد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که آنحضرت در وقت بیرون رفتن از خانه این دعا میخواندند
اللَّهُمَّ بِكَ خَرَجْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي
يَوْمِي هَذَا وَارْزُقْنِي فَوْزَهُ وَفَتْحَهُ وَنَصْرَهُ وَطَهُورَهُ وَهُدَاهُ وَبَرَكَتَهُ وَاصْرِفْ
عَنِّي شَرَّهُ وَشَرَّ مَا فِيهِ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي
خَرَجْتُ فَبَارِكْ لِي فِي خُرُوجِي وَانْفَعْنِي بِهِ و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که
چون آدمی از خانه بیرون آید الله اکبر بگوید سه مرتبه پس بگوید بِاللَّهِ أَخْرُجُ وَبِاللَّهِ أَدْخُلُ
وَعَلَى اللَّهِ أَتَوَكَّلُ سه مرتبه پس بگوید اللَّهُمَّ افْتَحْ فِي وَجْهِي هَذَا بِخَيْرٍ وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَقِنِي
شَرَّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ چون این دعا بخواند پیوسته

در ضمان حقتعالی باشد تا برگرداند او را بآن مکان که در آنجا بوده است و در حدیث موثق از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که در وقت بیرون آمدن از خانه این دعا بخواند
حقتعالی کارهائی دنیا و آخرت او را برآورد بِسْمِ اللهِ حَسْبِيَ اللهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ اَللّٰهُمَّ
اِنِّي اَسْئَلُكَ خَيْرَ اُمُورِي كُلِّهَا وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ و در حدیث
دیگر منقولست که چون آنحضرت از خانه بیرون می آمد این دعا میخواند بِسْمِ اللهِ خَرَجْتُ وَ
عَلَى اللهِ تَوَكَّلْتُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست
که هر که در وقت بیرون آمدن از خانه نگین انگشتر خود را بکف دست بگرداند و در آن نظر کند
و سوره انا انزلناه بخواند پس بگوید آمَنْتُ بِاللهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ آمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ
وَعَلَانِيَتِهِمْ در آنروز نرسد باو چیزی که مکروه او باشد و در روایت دیگر منقولست که در وقت
بیرون آمدن از خانه بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ
پس سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد و آیة الکرسی
هر یک را از جانب پیش رو و پشت سر و جانب راست و جانب چپ و بالای سر و پائین پا
بخواند و در وقت داخل شدن خانه بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَاَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ
وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ پس سلام بر اهل خانه بکند
و اگر کسی در خانه نباشد بعد از این دعا بگوید اَلسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ
اَلسَّلَامُ عَلَى الْاَئِمَّةِ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ضامنم برای کسیکه تحت الحنک
بسته از خانه بیرون رود آنکه بسلامت بخانه برگردد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقول است که چون از برای طلب حاجتی بیرون روید در روز بروید که در شب حاجت
برآورده نمی شود

باب سیزدهم در آداب پیاده رفتن و سوار شدن و بازار رفتن و تجارت و زراعت نمودن و چهارپایان نگاهداشتن

فصل اول در سوار شدن اسپ و استر و الاغ و انواع مرکب

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که از سعادت آدمی است
چهارپائی راهواری داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چهارپا نگاهدارید

از زینت شماست و کارهای شما بآن ساخته می شود و روزیش بر خداست و از حضرت امام محمد
باقر علیه السلام منقولست که از بدی زندگانی است چهارپای بد داشتن و حضرت صادق علیه
السلام فرمود که هر که چهارپای نجیب سواریش از دست و روزیش بر خداست و در حدیث
دیگر فرمود که از سعادت مؤمن است که چهارپای داشته باشد که برای حوائج خود و کار حاجت
برادران مؤمن بران سوار شود و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت فرمود بیونس بن
یعقوب که الاغی نگاهدار که بارت را بردارد و بدرستیکه روزیش بر خداست راوی گفت که
الاغی خریدیم و چون هر سال حساب خرج خود کردیم هیچ زیاده نشده بود و در روایت دیگر
منقول است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام از ابن یقطین پرسیدند بر چه چیز سوار میشوی
گفت بر الاغی فرمود که بچند خریده گفت بسیزده اشرفی حضرت فرمود که این اسراف است
که الاغی بخری باین قیمت و یابوی نخری گفت خرج یابوی بیشتر است فرمود که آنکسیکه خرج
الاغ را میرساند خرج یابو را هم میرساند مگر نمیدانی که هر که اسپی نگاهدارد و انتظار خروج ما
اهلبیت بکشد و دشمن ما را بخشم آورد بنگاهداشتن آن اسپ حقتعالی روزیش را برساند و
سینه اش را گشاده گرداند و آرزوهایش را برآورد و یاور او باشد بر حوائج او و در روایت دیگر
منقولست که روزی حضرت امام موسی علیه السلام بر استری سوار شدند شخصی از مخالفان گفت
که این چه چهارپاست که سوار شده که از پی دشمن نمیتوان دوانید و بر روی آن جنگ نمیتوان
کرد حضرت فرمود که رفعت و سرافرازی اسپ را ندارد و بذلت الاغ را ندارد و بهترین امور
وسط آنهاست و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که هر که بندد اسپی پدر و مادر عربی را
هر روز از نامه عمل او سه گناه محو شود و یازده حسنه نوشته شود و هر که اسپی بر بندد که یکی از مادر
و پدرش غیر عربی باشد هر روز دو گناه از نامه عملش محو شود و هفت حسنه برای او نوشته
شود و هر که یابوئی ببندد برای زینت خود و برآوردن کارهای خود یا دفع دشمن خود هر روز یک
گناه از نامه عملش محو شود و شش حسنه برای او نوشته شود و در روایت معتبره از حضرت
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که خیر و نیکی بر پیشانی اسپان بسته است
تا روز قیامت و در حدیث دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که هر که

نگاهدارد اسپ سرخ موئی که در پیشانیش سفیدی بسیاری باکمی بوده باشد و اگر سفیدی پیشانیش تا بینی آمده باشد و چهار دست و پایش سفید باشد بهتر است نزد من پس خانهٔ که در آن چنین اسپ باشد فقر و پریشانی داخل آنخانه نمی شود و مادام که آن اسپ در ملک آنشخص داخل است ظلم در آنخانه داخل نمی شود و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که هر که از خانهٔ خود یا از خانهٔ دیگری بیرون آید در اول روز و اسپ را که پیشانی سفیدی را به بیند که در دست و پایش هم سفیدی باشد در آنروز بجز از خوشحالی نمی بیند و اگر سفیدی پیشانیش تا پائین آمده باشد پس نهایت خوشحالی در آنروز او را رو دهد و اگر پی کاری رود و چنین اسپی را به بیند آن حاجتش برآورده شود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله چهار اسپ از یمن بهدیه آوردند برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند که در میان آنها اسپی هست که نشان سفیدی داشته باشد حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که بلی اسپ آل نشان دار است فرمود که آنرا برای من نگاهدار باز فرمود که دو کهر نشان دار است فرمود که آنرا برائی امام حسن و امام حسین علیهما السلام نگاهدار پس فرمود که چهارم اسپ سیاه یکرنگ است فرمود که آنرا بفروش و قیمتش را صرف عیال خود کن که مبارکی و میمنت اسپ در نشانهای سفید است و گویا در این حدیث مراد نشان سفید دست و پا باشد و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که چهارپایان یکرنگ بودن کراهت دارد مگر الاغ و استر و نشانهای سفید در الاغ و استر کراهت دارد و نشان سفید در پیشانی استر کراهت دارد مگر آنکه سفیدیش تا بینی کشیده باشد و آن هم پر خوب نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بهترین چهارپایان نزد من الاغ است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که میمنت اسپ در سرخ و در سیاه پیشانی سفیدی است که دست و پایش سفید باشد و دست راستش سفیدی نداشته باشد و از طرخان دلال چهارپا منقولست که حضرت صادق علیه السلام از من طلبیدند استر سیاهی که زیر شکم و میان پاهایش و دهانش سفید باشد فصل دوم در آداب نگاهداشتن و رعایت حقوق چهارپایان در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که چهارپا را بر صاحبش شش حق است باید که ابتدا کند بعلف دادن آن

چون فرود آید و هرگاه که به آب رسد آب را بر او عرض کند که اگر خواهد بخورد و بر رویش چیزی نزند
که تسبیح پروردگار خود میکند و بر پشت آن سواره نه ایستد مگر در وقتی که جهاد کنند و در راه خدا
زیاده از توانائی آن بارش نکند و تکلیف رفتار آنقدر نکند که طاقت داشته باشد و از حضرت
صادق علیه السلام مثل این منقولست و زیاده از این فرمود که بر رویش داغ نکنند و از حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که هر که چهارپائی را بسفر برد چون فرود آید اول
او را آب و علف دهد پیش از آنکه خود چیزی بخورد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
فرمود که سه کس بر یک چهارپا با هم ردیف سوار نشوند که یکی از ایشان ملعونست یعنی آنکه پیش نشسته است
و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت شتری را دیدند که بار بر پشتش هست و پایش بسته
است فرمودند که صاحب این شتر را بگوئید که مستعد باشد که این شتر با او در قیامت خصومت
خواهد کرد و در حدیث معتبر منقولست که قطار شتری از پیش حضرت صادق علیه السلام گذشت
دیدند که بار یک شتری کج شده است بصاحب شتر گفتند که عدالت کن بر این شتر که خدا عدالت را
دوست میدارد و در احادیث معتبره منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام
بیست حج کردند بر شتری و یک تازیانه بر آن نزدند و در احادیث معتبره منقول است که هیچ
صاحب روحی را چیزی بر رویش مزنید که تسبیح پروردگار میگوید و هر چیزی را حرمتی است و حرمت
حیوانات در روی ایشان است و از ابوذر غفاری رضی الله عنه منقولست که چهارپایان میگویند
که خداوندا مالکی نکوئی بما کرامت فرما که رفق و مدارا کند با ما و نیکی کند با ما و آب و علف بما خوراند
و عنف و تعدی بر ما نکند و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و امام موسی کاظم
علیه السلام منقولست که هر دابه که صاحبش خواهد که بر او سوار شود در آنوقت میگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ
لِیْ رَحِیْمًا خداوندا او را بمن مهربان گردان و در روایت معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که شخصی دید ابوذر رضی الله عنه را که در ربذه الاغ خود را آب میداد از او پرسید که مگر
کسی نداری که برای تو این الاغ را آب دهد گفت شنیدم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
که فرمود هیچ دابه نیست مگر آنکه هر صبح از خدا سوال میکند که خداوندا روزی کن مرا صاحب شایسته
نکوئی که مرا از علف سیر و از آب سیراب گرداند و زیاده از توانائی مرا تکلیف نکند باین سبب

میخواهم که خود آنرا آب دهم و در حدیث موثق از صفوان شتردار منقولست که گفت شتری برای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام خریدم به هشتاد درهم چون بخدمت آنحضرت بردم فرمودند که آیا کجاوه میتواند برداشت پس من کجاوه بران بار کردم و بحضرت عرض کردم حضرت فرمودند که اگر مردم میدانند که حقتعالی چهارپایان ضعیف را چگونه توانائی بار برداشتن میدهد هرگز چهارپائی گران نخرند و در حدیث دیگر از ابن ابی یعفور منقولست که حضرت صادق علیه السلام دیدند که من پیاده راه میروم فرمودند که چرا سوار نمی‌شوی گفتم شتر من ضعیف است میخواهم که بارش سبک باشد فرمود که مگر نمیدانی که شتر ضعیف و قوی هر دو را خدا تاب و توانائی برداشتن میدهد و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بر کوهان هر شتری شیطانی نشسته است آنرا انکار فرمائید و نرم کنید و نام خدا بران ببرید در وقت سوار شدن و بار کردن و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که شتری که هفت مرتبه آنرا بحج برند و در موقف عرفات حاضر شود البته حقتعالی آنرا از چهارپایان بهشت گرداند و در حدیث دیگر پنج و در حدیث دیگر سه هم وارد شده است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که بر شتر بار نهید دار سوار شود و خود را از ان بیندازد در وقت پائین آمدن و بمیرد داخل جهنم شود و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه چهارپا در زیر کسی بسر درآید و صاحبش با و بگوید که تَعَسْتَ یعنی هلاک شوی چهارپا میگوید تَعَسَ اَعْصانا لِلرَّبِّ یعنی هلاک شود هر که نافرمانی پروردگار خود بیشتر کرده است و در دو حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که اگر داببه رم کند او را نزنید و بسبب بر آمدن مزنید او را و در حدیث دیگر فرمود بر روی چهارپا پا بر روی پای دیگر مگذارید یا آنکه بیک جانب میل کنید و پشتش را مجلس مکنید که ایستاده بر روی آن صحبت بدارید بلکه وقتیکه راه نروید فرود آئید و چون خواهید به راه بروید سوار شوید و از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام منقولست که حیوانات از چهار چیز غافل نمی‌باشند پروردگار خود را می‌شناسند و مرگ را میدانند و نر و ماده را می‌شناسند و چراگاه خوب را میدانند و از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که در چه وقت دابه را بزنیم برای راه رفتن فرمود که اگر آن روشی که در وقت جو بطویله برود نرود آنرا بزن

فصل سوم

در آداب زین و لجام بدانکه احوط و اولی آنست که زین و لجام هیچ یک طلا و نقره نباشد و سنت

است که بالش میان زین و ازلوک که بر روی اسب اندازند و قطیفه که بر روی شتر اندازند و سوار شوند
حریر نباشد و سرخ نباشد و زنان را بر زین سوار شدن کراهت شدید دارد و در احادیث معتبره
وارد شده است که از جمله علامات بدی که در آخر الزمان ظاهر شود آنست که زنان بر زین سوار شوند
و بروایت حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که زین عرکب ملعونست برای زنان و
بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که جایز نیست زن را سوار شدن بر
زین مگر از برای ضرورت یا در سفر و در حدیث صحیح منقول است که علی بن جعفر از حضرت امام موسی
علیه السلام پرسید که آیا سوار میتوان شد بر اسپی که زین یا لجام آن از نقره باشد فرمود که اگر
روکش باشد که از آن جدا نمیتوان کرد باکی نیست و اگر چنین نباشد سوار نمیتوان شد و در
حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حلقه بینی ناقه حضرت رسول خدا صلی الله
علیه وآله وسلم از نقره بود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که حضرت رسول صلی الله
علیه وآله وسلم بحضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که زنهار سوار مشو بر میثره سرخ که آن از
چیزهای است که شیطان بران سوار می شود و میثره بالش زین است و بالشی است که بر روی
پالان شتر میگذارند و بر روی آن سوار میشوند و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام زین
العابدین علیه السلام بر روی قطیفه سرخ سوار می شدند و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت
صادق علیه السلام پرسیدند از پوست حیوانات درنده مانند پوست ببر و پلنگ و شیر
حضرت فرمود که بر روی آنها سوار میتوان شد اما در وقت نماز نمیتوان پوشید و در احادیث
معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که فرمود پنج چیز است که تا مردن ترک
نمیکنم یکی سوار شدن بر الاغ جل کرده و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که در بینی هر
چهارپای شیطانی است چون خواهید که آنرا لجام کنید بسم الله بگوئید و در حدیث صحیح از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که چهارپایی که چموشی کند در وقت لجام کردن وغیر آن
یا رم کند در گوشش اگر بگذارد و اگر نه بر او بخوانند این آیه را أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ
مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ فصل چهارم در ادعیه و آداب
سواری بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که چون کسی بر چهارپا

سوار شود و بسم الله بگوید ملکی ردیف او می شود و او را نگاه میدارد تا فرود آید و اگر در وقت سوار
شدن بسم الله نگوید شیطان ردیف او می شود و باو میگوید که خوانندگی بکن اگر نتواند خواند
او را میگوید که آرزوی باطل محال بکن پس او پیوسته در آرزو است تا پائین آید و فرموده که هر که
در وقت سواری بگوید بِسْمِ اللهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ هَدَانَا
لِهٰذَا وَمَا کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلَا اَنْ هَدَانَا اللهُ سُبْحَانَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا کُنَّا لَهٗ
مُقْرِنِیْنَ البته محفوظ باشد خود و چهارپایش تا فرود آید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و سلم منقولست که هر که سوار شود و آیة الکرسی بخواند پس بگوید اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا
هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ وَاَتُوْبُ اِلَیْهِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیْ ذُنُوْبِیْ فَاِنَّهٗ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ
حقتعالی بملائکه خطاب فرماید که بنده من میداند که گناهان را بغیر از من نمی آمرزد گواه باشید
که گناهانش را آمرزیدم و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که چون سوار شوید
بر چهارپایان خدا را یاد کنید و بگوئید سُبْحَانَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا کُنَّا لَهٗ مُقْرِنِیْنَ وَاِنَّا
اِلٰی رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُوْنَ و از علی ابن ربیعه منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام چون پا در
رکاب گذاشتند گفتند بسم الله پس چون درست سوار شدند این دعا خواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِیْ کَرَّمَنَا وَحَمَلَنَا فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقَنَا مِنَ الطَّیِّبَاتِ وَفَضَّلَنَا عَلٰی کَثِیْرٍ مِّمَّنْ خَلَقَ
تَفْضِیْلًا سُبْحَانَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا کُنَّا لَهٗ مُقْرِنِیْنَ پس سه مرتبه سبحان الله و
سه مرتبه الحمد لله و سه مرتبه الله اکبر فرمودند پس این دعا خواندند رَبِّ اغْفِرْ لِیْ ذُنُوْبِیْ فَاِنَّهٗ
لَا یَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ و در روایت دیگر منقولست که چون حضرت صادق علیه السلام
پا در رکاب میگذاشتند میفرمودند سُبْحَانَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا کُنَّا لَهٗ مُقْرِنِیْنَ و هفت
مرتبه سبحان الله و هفت مرتبه الحمد لله و هفت مرتبه لا اله الا الله میگفتند و در روایت دیگر
منقولست که چون آنحضرت سوار شتری می شدند این دعا میخواندند بِسْمِ اللهِ لَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ سُبْحَانَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا کُنَّا لَهٗ مُقْرِنِیْنَ وَاِنَّا اِلٰی رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُوْنَ
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بر کوهان هر شتری شیطانی هست
چون سوار آن شوید چنانچه خدا فرموده است بگوئید سُبْحَانَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا کُنَّا

عذری طلب کنید پس آنانکه بر اسبهای تازی نژاد و خوش رفتار با آن نخوت و تبختر و دلال سوار میشوند
و بر آسمان و زمین بر رفتار خود منت مینهند و غیر خود کسی را موجود نمی‌شمارند چگونه عذر خواهند
خواست و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که آیا شرم نمی‌کنید که بر روی
چهارپای خود خوانندگی می‌کنید و آن در زیر شما تسبیح پروردگار خود میگوید و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که فرمود که چهارپای من هرگز بسر در نیامد زیرا که هرگز من بر روی زراعت
کسی نرانده‌ام و هرگز زراعت کسی را پامال نکرده‌ام فصل پنجم در آداب پیاده رفتن بعضی از احادیث این
فصل در آداب کفش و جامه پوشیدن گذشت و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر
علیهما السلام منقول است که تند راه رفتن حسن مؤمن را می‌برد و در حدیث حسن از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که زنان باید که در کنار راه بروند و مردان در میان بروند
و در حدیث دیگر فرمود که سوار احق است بمیان جاده راه رفتن از پیاده و پای برهنه احق
است بمیان راه رفتن از کسیکه کفش پوشیده است و در حدیث معتبر منقول است که
حضرت امام زین العابدین علیه السلام چنان آهسته راه میرفتند که گویا مرغ بر سر آنحضرت
نشسته است و میترسند که پرواز کند و دست راست آنحضرت بر دست چپ پیشی
نمیگرفت و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هرگاه راه
رود کسی بر روی زمین بتکبر و خیلا لعنت کند او را زمین و آنچه در زیر زمین است و آنچه در بالای
زمین است و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه که گردنکشی کنند امت من از سائلان و وقتیکه
از ایشان چیزی طلب کنند و از روی تبختر راه روند پروردگار من بعزت خود سوگند خورده
است که ایشان را بیکدیگر عذاب کند و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه امت من در رفتار
تبختر کنند و دستها را بر کمر زنند و خدمت ایشان کنند غلامان فارس و روم در میان ایشان
فتنه و فساد باشد و بر یکدیگر شمشیر کشند و در حدیث دیگر فرمود که هر که با عصا راه رود
از روی تواضع و شکستگی در سفر و حضر بهر گامی برای او هزار حسنه نوشته شود و هزار گناه از او محو
شود و هزار درجه برای او بلند شود و در حدیث دیگر فرمود که عصا بدست بگیرید که از سنتهای
پیغمبرانست و بنی اسرائیل صغیر و کبیر و پیر و جوان ایشان عصا بدست میگرفتند تا آنکه خیلا

و تکیه بکنند در راه رفتن فرمود که بر دوش عصا فقر و پریشانی را برطرف میکند و شیطان نزدیک
او نمی آید و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که اگر عاقلی میباید که بهر جانب که متوجه میشوی
اول نیت خود را درست کنی و غرض صحیحی برای حرکت خود قرار دهی و نهی کنی نفس را از آنکه امری نامشروع
منظور داشته باشد و باید که در راه رفتن پیوسته در فکر و اندیشه باشی و در هر قدمی از عجائب صنع
الهی عبرتی بگیری و در رفتار تبختر نکنی و دیده خود را بپوشی از چیزی که در دین خدا پسندیده نیست و
پیوسته مشغول ذکر خدا باشی بدرستیکه مواضعی که در آن ذکر خدا کرده شود شهادت میدهند
برای او در قیامت و استغفار میکنند برای او تا داخل بهشت شود و در راه با مردم سخن
بسیار مگو که خلاف ادبست و اکثر راهها کمین گاه شیطان است از مکر او غافل مباش
و چنان کن که رفتن و برگشتنت در طاعت خدا باشد و رفتارت برای چیزی باشد که موجب
خوشنودی خداست بدرستیکه جمیع حرکات تو در نامه عملت نوشته می شود فصل ششم
در نگاه داشتن شتر و گاو و گوسفند در حدیث معتبر منقولست که از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم پرسیدند که کدام مال بهتر است فرمود که زراعتی که آدمی بکارد و در وقت
درو کردن حق خود را بردارد و حق خدا را بدهد گفتند بعد از زراعت دیگر کدام مال بهتر است
فرمود که شخصی که گوسفندی چند داشته باشد و در هر جا که آب و علفی باید آنها را بچراند و نماز را
بجا آورد و زکوة مال خود را بدهد گفتند بعد از گوسفند کدام مال بهتر است فرمود که گاوی که
در بامداد و پسین شیر میدهد گفتند که بعد از گاو کدام مال بهتر است فرمود که آنها که پا در گل فرو
برده اند و در خشک سال میوه میدهند یعنی درختان خرما پس فرمود که نیکو مالی است درخت
خرما که هر که آنرا بفروشد قیمتش از بابت خاکستری است که بر سر کوه بلند نهند در باد تندها
تنی مگر آنکه بعوض آن درخت خرمائی دیگر بخری پرسیدند که بعد از درخت خرما کدام مال بهتر است
حضرت جواب نفرمودند شخصی گفت که چرا شتر را نفرمودید فرمود که در شتر مشقت و تعب
و دوری از منزل هست و صبح خرج میخواهد و شام خرج میخواهد و در حدیث دیگر فرمود که گوسفند
وقتیکه رو میکند رو کرده است و وقتی که پشت میکند رو کرده است یعنی وقتیکه در میان
شان مرگ می افتد هم میکشی و میخوری و نقصان نمی کند و گاو وقتیکه رو میکند رو کرده است

و وقتی که پشت میکند پشت کرده است و شتر ها سایه شیطانست اگر رو میکند پشت کرده
است و اگر پشت میکند پشت کرده است یعنی وقتیکه خوب است هم برای صاحبش ضرر دارد
و نفع ندارد گفتند یا رسول الله بعد از آنچه شما در باب شتر فرموده اید که نگاه خواهد داشت فرمود
که همیشه بدبختان و فاجران هستند که آنرا نگاه میدارند و در حدیث دیگر فرمود که نه عشر روزی
در تجارت است و یک عشر آن در نگاهداشتن گوسفندان و در حدیث دیگر فرمود که بر شما باد
بنگاهداشتن گوسفندان که هر بامداد و پسین نفع شان بشما میرسد و در حدیث معتبر دیگر منقول
است که شتر باعث عزت اهلش هست و در حدیث صحیح منقول است که حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام بصفوان شتردار فرمود که شتری برای من بخر و باید که بدصورت باشد
که عمرش درازتر است و در حدیث دیگر منقولست که فرمود که شتران سیاه بدصورت بخرید
که عمر شان درازتر میباشد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که فرمود که شتران سرخ موی
مخرید که عمر شان کوتاه تر میباشد و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست
که از میان قطار شتر بدر مروید زیرا که هیچ قطار شتری نیست مگر آنکه در میان هر دو شتر
شیطانی هست و در حدیث حسن منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام برای
اکرام خود شتری بصد اشرفی میخریدند و سوار می‌شدند و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که یکی از حاملان عرش بصورت گاو است و گاو سید و بهترین
حیوانات است و در میان حیوانات خوشروتر و سرفرازتر از گاو نبود تا آنکه بنی اسرائیل
گوساله پرستیدند آن ملکی که بصورت گاو است از شرم سر در زیر افگند و بآن سبب هر
گاوی چنین شد و از شرم نگاه بجانب آسمان نمیکند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم
منقولست که مخورید گوشت و شیر شتری را که فضله آدمی را خورد و سوار آن مشوید تا آنکه چهل
روز او را علف بدهید و علما خوردن گوشت و شیرش را حرام میدانند و سوارش را مکروه میدانند
و این حکم در سایر حیوانات دیگر هم هست و پاک کردن آنها بآن می‌شود که علف پاک بخورانند
بآنها در مدتی چند که برای هر یک مقرر شده است و در کتابهای علما مذکور است **فصل هفتم**
در آداب [illegible] و نگاهداشتن حیوانات در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام

منقولست که هر که چهارپایی بخرد بر جانب چپ او بایستد و موی پیشانیش را بدست راست بگیرد و بر سرش بخواند سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آخر سوره حشر لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ الخ و آخر سوره بنی اسرائیل قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ تا آخر و آیة الکرسی پس چون چنین کند آن چهارپا امان یابد از جمیع آفتها و در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون کنیزی خواهی بخری بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْتَشِیرُکَ وَاَسْتَخِیرُکَ چون حیوانی خواهی بخری بگو اَللّٰهُمَّ قَدِّرْ لِی اَطْوَلَهُنَّ حَیٰوةً وَاَکْثَرَهُنَّ مَنْفَعَةً وَخَیْرَهُنَّ عَاقِبَةً و در حدیث صحیح منقولست که علی بن جعفر از حضرت امام موسی علیه السلام سوال کرد که آیا دابه را بسر و تیر میتوان زد و بر رویش داغ میتوان کرد فرمود که باکی نیست یعنی حرام نیست اما مکروهست چنانچه در حدیث موثق منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از داغ کردن حیوانات فرمود که در غیر روی ایشان داغ میباید کرد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از آنکه حیوانات را در روی ایشان داغ کنند یا چیزی بر روی ایشان بزنند زیرا که تسبیح پروردگار میگویند و در حدیث دیگر از آن حضرت پرسیدند از داغ کردن رنگ گوسفندان فرمود که داغ را بر گوش ایشان بکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که در وقت دوشیدن شیر حیوانات اندکی شیر در پستان بگذارید تا بعد شیر جمع شود در پستان که اگر تمام را بدوشید شیر دیرتر می آید و در حدیث دیگر فرمود که خوابگاه گوسفندان را پاک کنید و آنچه از بینی آنها بیرون می آید پاک کنید و نماز در طویله آنها بکنید که گوسفند از حیوانات بهشت است و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که صفیر مکنید برای گوسفندان در وقت رفتن و صدا بزنید ایشان را بوقت برگشتن و در حدیث معتبر منقولست که از آن حضرت پرسیدند از خصی کردن حیوانات فرمود که باکی نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که کراهت دارد خصی کردن حیوانات و بجنگ انداختن آنها با یکدیگر و در حدیث دیگر فرمود که روزی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در راهی میگذشتند که حیوان نری را بر ماده میکشیدند در میان راه حضرت رو گردانیدند و فرمودند که سزاوار نیست که چنین کنید که این منکر و قبیح است بلکه باید این را در جائی واقع سازید که

مردی و زنی می‌بینند و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که
دنبهٔ گوسفند زنده را میتوان برید فرمود که اگر غرض تو این باشد که مال خود را باصلاح آوری
باکی نیست اما آن دنبه میته است و از آن منتفع نمی‌توان شد و بدانکه مشهور میان علما موافق
احادیث معتبره آنست که اگر برهٔ یا بزغاله شیر خوک را بخورد و آنقدر که گوشت و استخوانش
از آن پرورده شود گوشت آن حرام است و هرچه از گوسفندان معلوم باشد که از نسل اویند
حرام است و هرچه معلوم نباشد حلال است و اگر چند شیری خورده باشد و باین حد نرسیده
باشد گوشت و شیر آن مکروه است و کراهتش باین برطرف می‌شود که اگر هنوز شیر خورد هفت روز
شیر گوسفندی را بخورد و اگر از شیر باز کرده باشد آنرا هفت روز علف و دانه حلال بآن
بخورانند و در حدیث صحیح منقول است که شخصی عرضه بخدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام نوشت
که زنی بزغاله ماده را شیر داده است تا حدیکه از شیر باز گرفته است آنرا و الحال از آن بزغاله
فرزندی بهم رسیده است و شیر میدهد شیرش را می‌توان خورد در جواب نوشتند که فعل مکروهی
کرده است و باکی نیست بخوردن شیر آن

فصل هشتم در بیان مجملی از احوال و اقسام حیوانات

در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هیچ مرغی و حیوانی در دریا و صحرا
شکار کرده نمی‌شود مگر آنکه آن تسبیحی که دارند ضایع کنند و در حدیث دیگر فرمود که جمیع مرغان
و حیوان و درندگان با یکدیگر مخلوط بودند تا آنکه فرزند آدم علیه السلام برادرش را کشت
پس از یکدیگر نفرت کردند و گریختند و هر حیوانی بشکل خود میل کرد و در حدیث دیگر منقولست
که حضرت یعقوب علیه السلام بفرزند خود گفت که زنا مکن که مرغی که زنا میکند پرهایش میریزد
و از حضرت امام حسین صلوات الله علیه منقولست که چون کرکس فریاد میکند میگوید که ای فرزند
آدم بهر روش که زندگانی میکنی آخرش مرگست و باز صدا میکند و میگوید که ای دانای پنهانها و
ای دفع کننده بلاها و طاؤس میگوید که بر خود ظلم کردم و مغرور به زینت خود شدم پس بیامرز
مرا و دراج میگوید اَلرَّحْمٰنُ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَوٰی و خروس میگوید که هر که خدا را شناخت یاد
او را فراموش نمیکند و مرغ خانگی میگوید که ای خداوند حق توئی حق و گفتهٔ تو حق است و باشه
میگوید که ایمان آوردم بخدا و وعده‌های تو در روز قیامست و کورکوره میگوید که توکل کن بر خدا تا ترا

روزی دیگر و عقاب میگوید که هر که اطاعت خدا کند بدبخت نمی شود و شاهین میگوید سبحان الله
حقا حقا و چغد میگوید که دوری از مردم انس بهتر است و کلاغ میگوید که ای روزی دهنده بفرست روزی حلال
و کلنگ میگوید که خداوندا نگاهدار مرا از شر دشمن من و لک لک میگوید که هر که از مردم تنها شد
از آزار ایشان نجات یافت و اردک میگوید که آمرزش ترا میخواهم ای خداوند و هدهد میگوید چه بسیار
شقی است کسی که معصیت خدا کند و قمری میگوید ای دانای پنهان و رازها ای خداوند و دیکی شبیه
بقمری و سرخ رنگ است میگوید توئی خداوند خداوندی غیر از تو نیست ای خداوند و گنجشک میگوید
که طلب آمرزش میکنم از خدا از هر چیز که خدا را بخشم آورد و بلبل میگوید لا اله الا الله حقا حقا و کبک
میگوید نزدیک است حق نزدیک است و سمانا میگوید ای فرزند آدم چه غافلی از مرگ
و فاخته میگوید که یا واحد یا احد یا صمد یا فرد و سبزه قبا میگوید که ای مولای من آزاد کن مرا از
آتش جهنم و تموجه میگوید که مولای من قبول کن توبه جمیع گناهکاران را و کبوتر خانگی میگوید که اگر
گناه مرا نیامرزی شقی و بدبخت خواهم بود و شتر مرغ میگوید که معبودی غیر از خدا نیست و پرستک
سوره حمد میخواند و میگوید ای قبول کننده توبه جمیع گنهکاران ای خدا ترا است حمد و قبره میگوید
که مرگ بس است برای پند گرفتن و بزغاله میگوید که مرگ نزد من رسید و گناهم سنگین بسیار شد
و شیر میگوید که در امر بندگی خدا بسیار اهتمام می باید کرد و گاو میگوید که دست از گناه بدار که تو در
پیش خداوندی هستی که او را نمی بینی و او همه را می بیند او خداوند عالمیان است و فیل میگوید که
برای دفع مرگ قوت و چاره سودی نمیدهد و یوز میگوید که یا عزیز یا جبار یا متکبر یا الله و شتر
میگوید که منزه است پروردگاری که ذلیل کننده جباران است تنزیه میکنم او را و اسب
میگوید منزه است پروردگار ما منزه است او و گرگ میگوید که چیزی را که خدا حفظ کند ضایع نمی شود
هرگز و شغال میگوید که عذاب و ویل برای گناهکاریست که بر گناه خود مصر شوند و سگ
میگوید بس است معصیتهائی خدا برای خواری و خرگوش میگوید هلاک مکن مرا ای خدا ترا است
حمد و روباه میگوید که دنیا خانه فریب است و آهو میگوید که نجات ده مرا از آزار و کرگدن میگوید
بفریادم برس وگرنه هلاک میشوم و پلنگ میگوید منزه است پروردگاری که بسیار عزیز است
بعزت قدرت خود و تنزیه میکنم او را و مار میگوید چه بسیار بدبخت است کسی که ترا نافرمانی کند ای خداوند

بخشنده و عقرب میگویند که بدی چیزیست موحشی است پس حضرت فرمود که هیچ خلقی نیست
مگر آنکه او را تسبیحی هست چنانکه خدا فرموده است وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا
تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ یعنی هیچ چیزی نیست مگر آنکه خدا را تسبیح میگوید بحمد و ثنای او و لیکن
شما نمی فهمید تسبیح ایشان را و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که حیواناتی که
مسخ شده اند دوازده صنف اند اما فیل پس آن پادشاهی بود که زنا و لواطه میکرد و خرس
اعرابی بادیه نشینی بود که دیوثی میکرد و خرگوش زنی بود که با شوهر خود خیانت میکرد و غسل
حیض نمیکرد و شب پره خرمای مردم را میدزدید و سهیل مردی بود در یمن عشاری میکرد و زهره
زنی بود که مردم میگویند که هاروت و ماروت از او فریب خوردند و میمون و خوک جماعتی بودند
از بنی اسرائیل که در روز شنبه شکار کردند و اما سوسمار و جلپاسه گروهی بودند از بنی اسرائیل
که در زمان حضرت عیسی علیه السلام چون مائده از آسمان نازل شد ایمان نیاوردند و مسخ شدند
پس یک گروه ایشان بدریا رفتند و دیگری بصحرا و اما عقرب مرد سخن چینی بود و اما زنبور
قصابی بود که ترازو دزدی میکرد و در روایت دیگر منقولست که خرس مردی بود که مردم
با او عمل قبیح میکردند و سوسمار اعرابی بود که مال حاجیان را میدزدید و عنکبوت زنی بود که از
برای شوهر خود سحر میکرد و جاموس مرد سخن چینی بود که در میان دوستان جدائی می انداخت
و مارماهی دیوث بود و شب پره خرما از درخت میدزدید و میمون یهودیانند که ماهی را در شنبه
شکار میکردند و خوک جماعتی اند که ایمان بمائده آسمان نیاوردند و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که موش گروهی از یهود بودند که خدا بر ایشان غضب کرد و پشه شخصی بود که استهزا
به پیغمبران میکرد و شپش از جسد مسخ شد و روزی پیغمبری از پیغمبران بنی اسرائیل نماز میکرد یکی از
بیخردان بنی اسرائیل آمد در برابر او و استهزا باو میکرد و بصورت شپش مسخ شد و جلپاسه
جماعتی از بنی اسرائیل بودند که فرزندان پیغمبران را دشنام میدادند و با ایشان دشمنی میکردند و
در حدیث دیگر منقولست که مارپشت مرد کج خلقی بود و در بعضی از روایات وارد شده است
که زهره و سهیل که مسخ شده اند این دو ستاره نیستند بلکه دو جانورند در دریای محیط و در روایات
معتبره وارد شده است که هر یک از بنی امیه که میمیرند بصورت چلپاسه مسخ می شوند و نمود

که هرگاه چلپاسه را بکشی غسل بکن و در روایت معتبر منقولست که آنها که مسخ شدند زیاده از سه روز
نماندند و مردند حقتعالی بصورت آنها حیوانی چند خلق فرمود و گوشت آنها حرام کرد تا دیگران
عبرت بگیرند از دیدن اینها و مثل اعمال آنها نکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم
منقولست که حقتعالی هفت صد امت را مسخ کرد برای آنکه بعد از پیغمبران اطاعت اوصیای
ایشان نکردند پس چهار صد صنف ایشان بصحرا رفتند و سه صد صنف بدریا رفتند فصل دوم
در فضیلت تجارت کردن و طلب حلال نمودن در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه
وآله وسلم منقولست که نیکو یاوریست پرهیزگاری از معاصی خدا توانگری و از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که چیزی نیست در کسیکه نخواهد که مالی از حلال جمع کند تا آن مال
روی خود را از سوال حفظ کند و قرض خود را ادا کند و با خویشان خود احسان کند و در حدیث دیگر فرمود که استعانت
بجوئید بدنیا بر آخرت و بار بر مردم مشوید و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست
که ملعونست کسی که بار عیال خود را بر مردم بیندازد و در حدیث حسن منقولست که شخصی از
حضرت صادق علیه السلام پرسید که ما طلب دنیا می‌کنیم و دوست میداریم که مال دنیا بیابیم
فرمود که برای چه میخواهی آنرا گفت برای آنکه خرج خود و عیال خود بکنم و صله رحم بکنم و تصدق و حج
و عمره بکنم فرمود که مال را برای اینها کسب کردن طلب دنیا نیست طلب آخرتست و در حدیث
دیگر فرمود که توانگری که ترا از ظلم منع نماید بهتر است از پریشانی که ترا بر گناه بدارد و در حدیث
معتبر منقولست که شخصی از علمای اهل سنت بحضرت امام محمد باقر علیه السلام رسید در روز
بسیار گرمی و دید که آنحضرت بر دو غلام تکیه کرده براه میروند گفت که شما مرد پیر هستید از
بزرگان اهل قریش مناسب نیست که در اینوقت از برای طلب دنیا بیرون آئید اگر مرگ
در این حال برسد چه خواهید کرد حضرت فرمود که اگر مرگ در اینحال برسد در وقتی رسیده
خواهد بود که مشغول طاعت خداوند عالمیانم و کاری میکنم که خود را و عیال خود را بی نیاز گردانم از
سوال کردن از تو و از دیگران من از آن میترسم که مرگ برسد در هنگامی که در معصیت خدا باشم گفت
راست گفتی میخواستم ترا پند گویم تو مرا پند گفتی و در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
منقولست که حقتعالی خطاب نمود بحضرت داود علیه السلام که نیکو بنده بودی اگر از بیت

المال نمیخوردی و بدست خود کسب میکردی چون این خطاب بحضرت داود رسید چهل روز گریست
پس حقتعالی به آهن وحی فرمود که نرم شو برای بندهٔ من داود و پس در دست آنحضرت نرم شد
مانند موم پس هر روز یک زره بدست خود میساخت و بهزار درم میفروخت تا آنکه سیصد و
شصت زره ساخت و از بیت المال مستغنی شد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق
علیه السلام احوال عمرو بن مسلم را پرسید گفتند ترک تجارت کرده است حضرت سه مرتبه
فرمود که عمل شیطان است مگر نمیدانی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم تجارت
فرمود حق تعالی مدح میفرماید جماعتی را که مردانی چند اند که غافل نمیگرداند ایشان را تجارت و نفروختن
از یاد خدا ایشان جماعتی بودند که تجارت میکردند و چون وقت نماز میشد مشغول نماز می شدند
و این بهتر است از کسیکه تجارت نکند و نماز را در وقت خود بکند و در حدیث موثق منقول
است که بآنحضرت عرض کردند که شخصی هست میگوید که در خانه می نشینم و نماز میکنم و روزه میدارم
و عبادت پروردگار خود میکنم و روزی من البته برای من میرسد حضرت فرمود که این مرد یکی از
سه کس است که دعای ایشان مستجاب نیست و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت
عرض کرد که میخواهم دعا کنید که خدا مرا روزی دهد با راحت فرمود که تا طلب روزی نکنی چنانچه خدا
ترا امر کرده است من دعا نمیکنم از برای تو و در حدیث معتبر دیگر منقولست که آنحضرت احوال شخصی را
پرسیدند شخصی گفت که او پریشان شده است حضرت پرسیدند که بچه کار مشغول است گفت که
در خانه نشسته است و عبادت الهی میکند فرمود که معاشش بچه نحو میگذرد گفت که بعضی از
برادران مؤمن به احوال او میرسند حضرت فرمود که آن کسیکه روزی او را میدهد عبادتش
بهتر است از عبادت او و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست کسی که
طلب دنیا کند برای آنکه از مردم سوال نکند و روزی عیال خود را فراخ گرداند و بهمسایگان خود
احسان کند در روز قیامت روی او مانند ماه شب چهارده باشد و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم منقول است که عبادت هفتاد جزو است و بهترین آنها طلب حلال است
و در روایت معتبر منقول است که چون در دکان خود را گشودی و متاع خود را پهن کردی آنچه بر تو
بود کردی دیگر بر خدا توکل کن و در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم

منقولست که در حجة الوداع فرمود بدرستیکه جبرئیل علیه السلام در دل من دمید که هیچ
صاحب جانی نمیرد مگر آنکه روزی مقدر خود را تمام بخورد پس از خدا بترسید و مبالغه در طلب
روزی مکنید و دیر رسیدن روزی ندارد شما را برائی آنکه طلب چیزی از روزی را بمعصیت
خدا بکنید زیرا که حق تعالی روزی را در میان خلق حلال قسمت کرده است و حرام قسمت نکرده است
پس کسیکه از معصیت خدا بپرهیزد و صبر کند روزی او از حلال میرسد و هر که پرده دری کند
و تعجیل نماید و از حرام بگیرد از روزی حلال او بهمان مقدار کم شود و در قیامت حساب او خواهند
کرد بر آن روزی حرام و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که اگر بنده در سوراخی
باشد خدا روزی او را میرساند پس مبالغه در طلب روزی مکنید و در احادیث معتبره از آن
حضرت منقول است که خدا روزی مومنان را از جائی چند مقرر فرموده است که گمان نداشته
باشند برائی آنکه چون نمیدانند که روزی ایشان از کجا می آید دعا بسیار میکنند و در احادیث
دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که تجارت کردن عقل را زیاده میکند و ترک
تجارت کردن عقل را کم میکند و حضرت امام موسی علیه السلام بتاجری فرمود که بامداد برو
بسوی چیزیکه موجب عزت تست یعنی بازار و در احادیث دیگر منقولست که بامداد بطلب
روزی بروید و تحقیق این مطلب با احادیث دیگر در کتاب عین الحیات مذکور است فصل دهم
در بیان آداب تجارت از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که بر منبر میفرمود
که ای گروه سوداگران اول یاد گیرید مسائل تجارت را بعد از آن مشغول تجارت شوید والله
که ربا درین امت خفی تر است از جای پای مورچه بر روی سنگ سخت و قسم دروغ مخورید بدرستیکه
تاجر فاجر است و فاجر در جهنم است مگر کسیکه حق بگیرد و حق بدهد و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم منقولست که هر که خرید و فروش کند از پنج چیز اجتناب کند از سود خوردن
و قسم خوردن و عیب متاع را پوشانیدن و مدح کردن چیزی که فروشد و مذمت کردن چیزی
که بخرد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امیر المومنین علیه السلام هر روز بامداد دره را
بر دوش میگذاشتند و در بازارهائی کوفه میگشتند و میفرمودند که چون مشغول خرید و فروش
می شوید اول خیر خود را از خدا بطلبید و خرید و فروش را بسهولت بکنید و کار را تنگ

بگیرید تا برکت بیابید و نزدیکی و مهربانی کنید با مشتریها و بردباری را زینت خود گردانید
و از قسم خوردن و دروغ گفتن کناره گیرید و ستم بر مردم مکنید و با مظلومان انصاف از خود
دهید و نزدیک ربا و سود مروید و کیل و وزن را تمام بدهید و ترازو دزدی مکنید و در حدیث
دیگر فرمود که منشینید در بازار مگر کسیکه مسائل خرید و فروش میداند و هر که با نادانی تجارت کند
در ربا خوردن فرو میرود و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که
در بامداد و پسین که ببازار رود چون پا در بازار گذارد و بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ خَیْرِهَا وَ
خَیْرِ اَهْلِهَا حق تعالی باو ملکی موکل گرداند که او را و متاعش را محافظت نماید تا بخانه برگردد پس
باو میگوید که امروز امان یافتی از شر این بازار و اهل این بازار امروز روزی تو شد خیر این بازار
و اهل این بازار بامر خدا پس چون در دکان بنشیند بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ
لَا شَرِیْكَ لَهٗ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ
رِزْقًا حَلَالًا طَیِّبًا وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ اَنْ اَظْلِمَ اَوْ اُظْلَمَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ صَفْقَةٍ خَاسِرَةٍ
وَیَمِیْنٍ كَاذِبَةٍ چون این دعا بخواند ملکی که باو موکل است میگوید که بشارت باد ترا که امروز
درین بازار کسی از تو بهره اش فراوان تر نیست تعجیل کردی در جمع آوردن ثوابها و محو کردی
از خود گناهان را و بزودی می آید بسوی تو آنچه خدا روزی تو گردانیده است حلال طیب مبارک
و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون داخل بازار شوی
این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ خَیْرِهَا وَخَیْرِ اَهْلِهَا وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَ
شَرِّ اَهْلِهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ اَنْ اَظْلِمَ اَوْ اُظْلَمَ وَاَبْغِیَ اَوْ یُبْغٰی عَلَیَّ وَاَعْتَدِیَ
اَوْ یُعْتَدٰی عَلَیَّ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ اِبْلِیْسَ وَجُنُوْدِهٖ وَشَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ
وَالْعَجَمِ وَحَسْبِیَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ و در حدیث
صحیح دیگر منقولست از آنحضرت که هر که داخل بازاری یا مسجدی بشود و یکمرتبه بگوید اَشْهَدُ
اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْكَ لَهٗ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ كَبِیْرًا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَثِیْرًا وَسُبْحَانَ
اللّٰهِ بُكْرَةً وَّاَصِیْلًا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ
برابر است با یک حج مقبول و در حدیث معتبر دیگر منقولست که هر که در بازار بگوید اَشْهَدُ

أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ حق تعالی
هزار هزار حسنه برای او بنویسد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که هر که داخل بازار شود و نظر کند بشیرین و ترش و تلخ آن بگوید أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ
لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ وَأَسْتَجِيرُ بِكَ
مِنَ الظُّلْمِ وَالْمَغْرَمِ وَالْمَأْثَمِ و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که داخل بازار شود بگوید أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً
عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الظُّلْمِ وَالْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ حق تعالی ببخشد آنچه در آن
بازار هست از سخن گو و غیر سخن گو ثواب برای او بنویسد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که یاد خدا در بازار بسیار بکنید در وقتی که مردم مشغول دنیا باشند که کفاره
گناهان شما باشد و باعث زیادتی حسنات شما شود و شما را از غافلان ننویسند و چون خواهید
احتیاج خود را از بازار بخرید در وقت داخل شدن بازار بگوئید أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا
اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَفْقَةٍ خَاسِرَةٍ وَيَمِينٍ فَاجِرَةٍ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ بَوَارِ الْأَيِّمِ
و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که در وقت داخل
شدن بازار بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ
الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
بعدد آنچه خدا خلق کرده است تا قیامت باو ثواب کرامت فرماید و در حدیث صحیح از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که چون خواهی متاعی یا غیر آن بخری سه مرتبه الله اکبر بگو پس سه مرتبه
این دعا بخوان اللّٰهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُهُ أَلْتَمِسُ فِيهِ مِنْ خَيْرِكَ فَاجْعَلْ لِي فِيهِ خَيْراً اللّٰهُمَّ
إِنِّي اشْتَرَيْتُهُ أَلْتَمِسُ فِيهِ مِنْ فَضْلِكَ فَاجْعَلْ لِي فِيهِ فَضْلاً اللّٰهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُهُ أَلْتَمِسُ
فِيهِ مِنْ رِزْقِكَ فَاجْعَلْ لِي فِيهِ رِزْقاً و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام رضا
علیه السلام بر روی متاعی که میخریدند مینوشتند بَرَكَةٌ لَنَا و محتمل است که مراد نوشتن بانگشت
باشد و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون خواهی که چیزی بخری

سه مرتبه این دعا بخوان یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ یَا دَائِمُ یَا رَؤُفُ یَا رَحِیْمُ اَسْئَلُکَ بِعِزَّتِکَ وَقُدْرَتِکَ
وَمَا اَحَاطَ بِهٖ عِلْمُکَ اَنْ تَقْسِمَ لِیْ مِنْ تِجَارَتِی الْیَوْمَ اَعْظَمَهَا رِزْقًا وَاَوْسَعَهَا فَضْلًا وَخَیْرَهَا
عَاقِبَةً فَاِنَّهٗ لَاخَیْرَ فِیْمَا لَاعَاقِبَةَ لَهٗ و فرمود که چون حیوانی یا بنده خواهی بخری بگو اَللّٰهُمَّ قَدِّرْ
لِیْ اَطْوَلَهَا حَیٰوةً وَاَکْثَرَهَا مَنْفَعَةً وَخَیْرَهَا عَاقِبَةً و در حدیث حسن از آنحضرت منقول
است که چون خواهی که چارپائی بخری سه مرتبه این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ اِنْ کَانَتْ عَظِیْمَةَ
الْبَرَکَةِ فَاضِلَةَ الْمَنْفَعَةِ مَیْمُوْنَةَ النَّاصِیَةِ فَیَسِّرْ لِیْ شِرَاءَهَا وَاِنْ کَانَتْ غَیْرَ ذٰلِکَ فَاصْرِفْنِیْ
عَنْهَا اِلَی الَّذِیْ هُوَ خَیْرٌ لِیْ مِنْهَا فَاِنَّکَ تَعْلَمُ وَلَا اَعْلَمُ وَتَقْدِرُ وَلَا اَقْدِرُ وَاَنْتَ عَلَّامُ
الْغُیُوْبِ و در روایت دیگر منقول است که چون خواهی پی کاری بروی و آفتاب اندکی بلند
شده باشد که سرخی شعاعش بر طرف شده باشد دو رکعت نماز بکن در رکعت اول بعد از حمد
قل هو الله احد و در رکعت دوم قل یا ایها الکافرون بخوان پس چون سلام بگوئی این دعا
بخوان اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ غَدَوْتُ اَلْتَمِسُ مِنْ فَضْلِکَ کَمَا اَمَرْتَنِیْ فَارْزُقْنِیْ مِنْ فَضْلِکَ رِزْقًا
وَاسِعًا حَلَالًا طَیِّبًا وَاَعْطِنِیْ فِیْمَا رَزَقْتَنِی الْعَافِیَةَ غَدَوْتُ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَقُوَّتِهٖ غَدَوْتُ
بِغَیْرِ حَوْلٍ مِنِّیْ وَلَا قُوَّةٍ وَلٰکِنْ بِحَوْلِکَ وَقُوَّتِکَ وَاَبْرَءُ اِلَیْکَ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ
اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بَرَکَةَ هٰذَا الْیَوْمِ فَبَارِکْ لِیْ فِیْ جَمِیْعِ اُمُوْرِیْ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ
وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ و در فقه الرضا مذکور است که چون خواهی
که متاعی را ببندی و نگاهداری آیة الکرسی بخوان و بنویس و در میان متاع بگذار و این دعا
را نیز بنویس وَجَعَلْنَا مِنْ بَیْنِ اَیْدِیْهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَاَغْشَیْنَاهُمْ فَهُمْ
لَا یُبْصِرُوْنَ لَاضَیْعَةَ عَلٰی مَا حَفِظَهُ اللّٰهُ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ چون چنین کنی آن متاع از هر بلائی محفوظ بماند
و فرمود که اگر مالت تلف شود این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ
وَابْنُ اَمَتِکَ وَفِیْ قَبْضَتِکَ نَاصِیَتِیْ بِیَدِکَ تَحْکُمُ فِیَّ مَا تَشَاءُ وَتَفْعَلُ مَا تُرِیْدُ اَللّٰهُمَّ
فَلَکَ الْحَمْدُ عَلٰی حُسْنِ قَضَائِکَ وَبَلَائِکَ اَللّٰهُمَّ هُوَ مَالُکَ وَرِزْقُکَ وَاَنَا عَبْدُکَ
خَوَّلْتَنِیْ حِیْنَ رَزَقْتَنِیْ اَللّٰهُمَّ فَاَلْهِمْنِیْ شُکْرَکَ فِیْهِ وَالصَّبْرَ عَلَیْهِ حِیْنَ اَصَبْتَ وَاَخَذْتَ

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَعْطَیْتَ وَاَنْتَ اَصَبْتَ اَللّٰهُمَّ لَا تُحْرِمْنِیْ ثَوَابَهٗ وَلَا تُمِتْنِیْ مِنْ خَلْقِهٖ فِیْ دُنْیَایَ وَاٰخِرَتِیْ اِنَّکَ عَلٰی ذٰلِکَ قَدِیْرٌ اَللّٰهُمَّ اَنَا لَکَ وَبِکَ وَاِلَیْکَ وَمِنْکَ لَا اَمْلِکُ لِنَفْسِیْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که بدترین بقعهای زمین بازارهاست و آنجا میدان شیطانست بر میرود بامداد علم خود را در بازارها می زند و کرسی خود را میگذارد و بر آن می نشیند و فرزندان خود را پهن میکند که یکی را فریب میدهند که ترازو را کم میکشد و دیگری کیل را کم میکند و دیگری گز میدزند و دیگری در راس المال دروغ میگوید پس میگوید بفرزندان خود که بر شما باد بجماعتی که پدر ایشان مرده است یعنی حضرت آدم علیه السلام و پدر شما زنده است پس با اول کسیکه داخل بازار می شود شیطان داخل می شود و با آخر کسیکه بیرون میرود بیرون میرود و بهترین بقعهای زمین نزد خدا مسجدهاست و محبوبترین مردم نزد خدا کسی است که زودتر بمسجد رود و دیرتر بیرون آید و در حدیث دیگر فرمود که دشمن ترین مردم نزد خدا کسی است که زودتر ببازار رود و دیرتر بیرون آید و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مخر چیزی از مردمی که کار بر ایشان بسته شده است که سودا با ایشان برکت نمیدارد و در حدیث دیگر فرمود که با کردان مخالطه مکنید که ایشان گروهی اند از جنیان که حقتعالی پرده از ایشان برداشته است و در احادیث معتبره وارد شده است که معامله مکنید با جماعتی که مرضهای مسری دارند مانند پیسی و خوره و در احادیث دیگر فرمود که با نوکیسه سودا مکنید و با کسی سودا کنید که در زیر نعمت نشو و نما یافته باشد و در حدیث دیگر فرمود که با مردم دون که از دشنام دادن و شنیدن پروا ندارند سودا مکنید و در حدیث دیگر فرمود که از ما نیست کسیکه فریب دهد مومنی را و فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از آب داخل شیر کردن و در حدیث حسن منقولست که حضرت امام موسی علیه السلام بهشام فرمود که در تاریکی و در زیر سقف متاع مفروش که متاع خوبش و بدش نمینماید و آن غش است و غش کردن حلال نیست و فرمود که کسیکه نخرد مگر بقسم و نفروشد مگر بقسم حقتعالی در قیامت نظر رحمت بسوی او نفرماید و از حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که تنها قسم هم مخورید که اگر

متاع را روا میکنند اما گرفتنش را میبرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست
که کسیکه میفروشد و میخرد روزی می یابد و کسیکه نگاه میدارد برای آنکه گران شود ملعونست
و فرمود که قافله که متاع آورد کسی آنرا در بیرون شهر استقبال نکند بگذارید که داخل شهر شوند
و شهریها وکیل نشوند در خرید و فروخت برای بادیه نشینان خدا تعالی بعضی از مسلمانانرا
بسبب بعضی دیگر روزی میدهد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام
باسحاق بن عمار فرمود که فرزند خود را صرافی مده که صراف از ربا سالم نمیماند و بکفن فروشی
مده که کفن فروش آرزوی مرگ مردم میکند و بسیار مردن مردم او را خوش می آید و بجو و
گندم فروشی مده که سالم نمیماند از جمع کردن و نگاهداشتن برای گرانی و بسلاخی مده که رحم
از دلش برطرف میکند کسی که سنگین دل است از خدا دور است و ببرده فروشی مده که
بدترین مردم کسی است که مردم را فروشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول
است که فرمود که بخاله خود غلامی بخشیدم و نهی کردم او را از آنکه بقصابی یا بحجامت کردن
یا زرگری کردن بدهد و در احادیث دیگر منقولست که اگر مزد حجامت را اول شرط نکند
و آنچه بعد از حجامت بدهند قبول کند باکی نیست و در بعضی از اخبار مذمت جولاهی وارد شده
است و در حدیث دیگر منقول است که شخصی از حضرت صادق علیه السلام پرسید از
تعلیم کردن اطفال فرمود که مزد بران بگیر گفت که کتابهای شعر و رساله ها و مانند آن
میخوانند اول شرط مزد خود با ایشان بکنم فرمود که بلی اما بشرطیکه اطفال نزد تو برابر باشند
و بعضی را بر بعضی زیادتی ندهی و در حدیث دیگر منقولست که بآن حضرت عرض کردند که
سنیان میگویند که کسب معلم حرام است فرمود که دروغ میگویند این دشمنان خدا میخواهند
که اطفال مردم قرآن یاد نگیرند اگر کسی دیت فرزند خود را بمعلم بدهد برو حلال است و بهتر آن
است که اول شرط نکند و آنچه بدهند بگیرد و در احادیث معتبره وارد شده است که چون قرآنرا فروشید
کاغذ و جلد را بفروشید و قصد فروختن نوشته مکنید و در حدیث صحیح از حضرت امام
موسی علیه السلام منقولست که باکی نیست در مزد گرفتن برای نوشتن قرآن و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که تمام شب بیدار باشد بر لب

کسب کردن و بهرهٔ دیدهٔ خود را از خواب منع کردن آن بعضی حرام است و اکثر علما حمل
بر کراهت شدید کرده‌اند و در چند حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که هر که خود را بعنوان نوکری
بمردم باجاره بدهد روزی را بر خود حرام کرده است و خود را از روزی بخشیده محروم گردانیده است

فصل یازدهم در فضیلت زراعت کردن و درخت کشتن از علی بن ابی حمزه منقولست
که حضرت امام موسی علیه السلام را دیدم که در زمین خود کار میکردند و پاهای آنحضرت در عرق
فرو رفته بود گفتم فدایت شوم خدمتگاران کجا رفته‌اند که شما خود این کار میکنید فرمود که بتحقیق
در زمین کار کرده است کسیکه بهتر از من و پدر من بود پرسیدم که کیست فرمود که حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله و تمام پدران من در
زمین بدست خود کار کرده‌اند و این کار پیغمبران و اوصیای ایشان و صالحان ایشان است
و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حقتعالی برای پیغمبران
شغل زراعت کردن اختیار کرده است که از آمدن باران کراهت نداشته باشند و در حدیث
دیگر فرمود که حقتعالی روزی پیغمبرانرا در زراعت و شیر دوشیدن حیوانات قرار داده است
تا از قطره از باران آسمان کراهت نداشته باشند و در حدیث دیگر فرمود که زراعت کنید
و درخت بنشانید والله که مردم کاری از این حلال‌تر و پاکیزه‌تر نمیکنند والله که زراعت
خواهید کرد و درخت خواهید کشت بعد از بیرون آمدن دجال هم و در حدیث معتبر از حضرت
امام زین العابدین علیه السلام منقولست که بهترین اعمال زراعت است که از آن نیکوکار و بدکار
میخورند اما نیکوکار آنچه میخورد برای او استغفار میکند و اما بدکار آنچه میخورد او را لعنت
میکنند و حیوانات و مرغان نیز از آن میخورند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کیمیای
بزرگ زراعت کردن است و در حدیث دیگر فرمود که زراعت کنندگان گنجهای مردم‌اند
میکارند در زمین نیکوی پاکیزه که خدا بیرون میآورد و جایگاه ایشان در قیامت از سایر مردم
نیکوتر است و منزلت ایشان از دیگران نزدیکتر است و ایشانرا در آنروز مبارکین میخوانند
و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت بر جماعتی گذشتند که شغلی میکردند فرمودند که زراعت
کنید که حقتعالی بسیار میرویاند زراعت را چنانچه بباران میروید و در احادیث معتبر منقولست

که آنحضرت بر جماعتی گذشتند که شخم میکردند فرمود که زراعت کنید که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام با بیل در زمین کار میکردند و مزرعها آبادان میکردند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله هسته خرما را به آب دهان مبارک خود تر میکردند و در زمین فرو میبردند و در ساعت سبز میشد و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام هزار غلام از کد یمین خود خریدند و آزاد کردند و در حدیث موثق منقولست که شخصی رسید بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام و دید که زیاده از سی من شاه با هسته خرما بار کرده اند و میبرند پرسید که اینها چیست فرمود که صد هزار درخت خرما ان شاء الله تعالی پس آنها را در باغستان خود کشتند یکی از آنها خطا نشد و در حدیث معتبر از ابی عمرو منقولست که گفت دیدم حضرت صادق علیه السلام جامه گنده پوشیده بودند و بیلی بدست داشتند و در باغ خود کار میکردند و عرق از پشت مبارکش میریخت گفتم فدایت شوم بده بمن بکنم فرمود که دوست میدارم که آدمی آزار بکشد از آفتاب برای طلب معیشت و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که شش خصلت است که مؤمن بآنها منتفع میشود بعد از مردن فرزند صالحی که برای او استغفار کند و مصحفی که ازو بماند و تلاوت کنند و چاهی که بکند و درختی که بکارد و تصدق آبی که جاری کند و سنت نیکی که در میان مردم بگذارد که بعد از مردم بآن عمل کنند و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که هیچ چیز آدمی بعد از مرگ خود نمیگذارد که براو دشوارتر باشد از زر راوی گفت چه کند فرمود که باغ و خانه بخرد و در حدیث دیگر فرمود که در توریت نوشته است که هر که زمین یا آب بفروشد و بعوض آن زمین یا آب دیگر نخرد قیمتش باطل شود و منتفع نگردد از آن **فصل دوازدهم** در آداب زراعت کردن و درخت کشتن بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون حضرت آدم علیه السلام بزمین آمد محتاج بخوردن و آشامیدن شد پس جبرئیل علیه السلام بسوی او آمد و جبرئیل علیه السلام گفت که زراعت بکن آدم علیه السلام گفت دعائی مرا تعلیم کن جبرئیل گفت که بگو اَللّٰهُمَّ اکْفِنِی مَؤُنَةَ الدُّنْیَا وَ کُلَّ هَوْلٍ دُوْنَ الْجَنَّةِ وَ الْبِسْنِی الْعَافِیَةَ حَتّٰی تُهَنِّئَنِی الْمَعِیْشَةُ و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون خواهی زراعت کنی یک کف از تخم بگیر و رو بقبله بایست و بگو سه مرتبه اَفَرَأَیْتُمْ مَا تَحْرُثُوْنَ

ءَاَنْتُمْ تَزْرَعُوْنَهٗ اَمْ نَحْنُ الزّٰرِعُوْنَ پس بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَبًّا مُبَارَكًا وَارْزُقْنَا فِيْهِ السَّلَامَةَ پس اندازه که در کف داری بپاش و در روایت دیگر منقول است که چون دانه را بپاشی بگو اَللّٰهُمَّ قَدْ بَذَرْتُ وَاَنْتَ الزَّارِعُ فَاجْعَلْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا و در حدیث دیگر فرمود که در وقت درخت نشانیدن و دانه پاشیدن بر هر درختی و دانه بخوان که سُبْحَانَ الْبَاعِثِ الْوَارِثِ که انشاء الله خطا نمیکند و در روایت دیگر فرمود که در وقت درخت کشتن و زراعت کردن این آیه را بخوان وَمَثَلُ كَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِيْ اُكُلَهَا كُلَّ حِيْنٍ بِاِذْنِ رَبِّهَا و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که یک قبضه از تخم بگیر و رو بقبله بایست و بگو سه مرتبه ءَاَنْتُمْ تَزْرَعُوْنَهٗ اَمْ نَحْنُ الزّٰرِعُوْنَ پس بگو اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَرْثًا مُبَارَكًا وَارْزُقْنَا فِيْهِ السَّلَامَةَ وَالتَّمَامَةَ وَاجْعَلْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَلَا تَحْرِمْنِيْ خَيْرَ مَا اَبْتَغِيْ وَلَا تَفْتِنِّيْ بِمَا مَنَعْتَنِيْ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّيِّبِيْنَ پس آن قبضه را بپاش و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که خواهد که درخت خرما خوب بار بردارد و خرمایش نیکو شود ماهیهائی کوچک خشک را بگیرد و نیم کوب کند و در هر شگوفه اندکی بپاشد و باقیش را در کیسهٔ پاکیزه کند و در میان درخت خرما جا دهد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که درخت سدر را مبرید که عذاب بر شما نازل میشود و در روایت دیگر فرمود که بریدن درخت خرما مکروه است پرسیدند درختهای دیگر را بریدن چونست فرمود که باکی نیست پرسیدند که درخت سدر را بریدن چونست فرمود که درخت سدری که در بادیه باشد بریدن خوب نیست زیرا که در آنجا کم است اما در شهر باکی نیست و از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند که چون است بریدن درخت سدر فرمود که پدرم درخت سدر را برید و بجائی آن درخت انگور کشت و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که باکی نیست عذرهٔ آدمی را در مزرعها بریزند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که حضرت سلیمان علیه السلام بشهری گذشتند در میوه های ایشان کرم بسیار بود و درین باب بآن حضرت شکایت کردند فرمود که شما چون درخت می کارید اول خاک میریزید و بعد از آن آب میریزید بآن سبب کرم در میوه ها بهم میرسد بعد ازین اول آب بریزید و بعد از آن خاک بریزید چنین

گردند کرم در میوہ ہای ایشان برطرف شد و از حضرت صادق علیہ السلام منقولست کہ ہر کہ درخت سدر را آب بدہد چنان است کہ مومنی را در وقت تشنگی آب دادہ باشد و فرمود کہ حقتعالی ہیچ درختی را خلق نکردہ است مگر آنکہ میوہ داشت کہ میتوانست خورد و چون مردم از برائی خدا بفرزند قائل شدند میوہ نصف درختان برطرف شد پس چون با خدا شریک قرار دادند درختان خار بہم رسانیدند باب چہاردہم در آداب سفر فصل اول در بیان ایام و ساعات نیک و بد از برائی سفر از حضرت صادق علیہ السلام منقولست کہ در حکمت آل داؤد نوشتہ است کہ نباید کسی سفر کند مگر از برائی سہ چیز سفری کہ توشۂ آخرت در آن حاصل شود یا سفری کہ باعث مرمت امور معاش گردد یا سفری کہ از برائی سیر و لذتی باشد کہ حرام نباشد و در حدیث دیگر فرمود کہ سفر کنید تا بدنہائی شما صحیح شود و جہاد کنید تا غنیمت دنیا و آخرت بیابید و حج کنید تا مالدار و بی نیاز شوید و در حدیث دیگر فرمود کہ سفر قطعہ ایست از عذاب چون کار شما در سفر ساختہ شود زود بہ اہل خود برگردید و در حدیث صحیح منقول است کہ محمد بن مسلم از حضرت صادق علیہ السلام پرسید کہ بزمینی میروم کہ در آنجا غیر از برف و یخ چیزی نیست فرمود کہ چون مضطر است تیمم کند و دیگر بچنین زمینی نرود کہ دینش در آنجا ہلاک شود و در حدیث صحیح منقول است کہ شخصی بخدمت حضرت امام موسی علیہ السلام آمد و گفت میخواہم بسفر روم برائی من دعا کنید فرمود کہ در چہ روز میروی گفت در روز دوشنبہ از برای برکت آن روز زیرا کہ حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم در روز دوشنبہ متولد شدہ است حضرت فرمود کہ دروغ میگویند حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم در روز جمعہ متولد شدند ہیچ روزی شوم تر از روز دوشنبہ نیست حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم در آنروز وفات کردند و وحی از آسمان از ما منقطع شد و در آنروز حق ما را غصب کردند میخواہی کہ خبر دہم ترا روز لاتی کہ بر تو سہل و آسانی کہ خدا نرم کرد در آن روز آہن را برائی حضرت داؤد گفت بلی فرمود کہ آنروز سہ شنبہ است و بسند معتبر از حضرت صادق علیہ السلام منقول است کہ ہر کہ ارادۂ سفری داشتہ باشد باید کہ در روز سہ شنبہ سفر کند کہ اگر سنگی از کوہی بگردد در روز سہ شنبہ البتہ آنرا خدا بجائی خود برگرداند و ہر گاہ کہ کارہا بر او دشوار شود در روز سہ شنبہ

طلب کند که آنروزی است که آهن برائی حضرت داؤد علیه السلام نرم شده است و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم در روز پنجشنبه بسفر میرفتند و میفرمودند که روز پنجشنبه را خدا و رسول و ملائکه دوست میدارند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مکروه است سفر کردن وسعی در حوائج کردن در بامداد روز جمعه از برائی آنکه مبادا از نماز باز ماند اما بعد از نماز از برائی تبرک خوبست و در حدیث دیگر فرمود که باکی نیست سفر کردن در شب جمعه و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که در چهارشنبه آخر ماه سفر کند برد اجماعتی که بفال بد میدانند از هر بلائی نگاهداشته شود و حاجتش را خدا بر آورد و در بعضی از روایات وارد شده است که سفر مکن در روز سوم ماه و روز چهارم و روز پنجم و روز سیزدهم و روز شانزدهم و روز بستم و روز بیست و یکم و روز بیست و چهارم و روز بیست و پنجم و روز بیست و ششم و در روایت دیگر منقول است که روز چهارم و بیست و یکم برائی سفر خوبست و در روایت دیگر منقولست که هشتم ماه و بیست و سوم ماه برائی سفر خوب نیست واگر روزهائی ماه یا روزهای هفته معارض شود رعایت کردن روزهای هفته اولی است زیرا که احادیث معتبره در ایام هفته بیشتر است و در روایت معتبر دیگر منقول است که هر که سفر کند یا زن بخواهد و ماه در عقرب باشد عاقبت نیکو نه بیند **فصل دوم** در دفع نحوستهائی سفر بتصدق و دعا در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تصدق کن و در هر روز که خواهی برو بسفر و در حدیث صحیح دیگر منقول است که از آنحضرت پرسیدند که آیا کراهت دارد سفر کردن در روزی از روزها مثل چهارشنبه و غیر آن فرمود که افتتاح سفر خود بتصدق بکن و در هر وقت که خواهی بدر رو و در حدیث صحیح دیگر منقولست که ابن ابی عمیر گفت که من در علم نجوم نظر میکردم و طالع را می شناختم و در خاطرم میخلید در بعضی ساعات بعضی از کارها اختیار کردن درین باب بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام شکایت کردم فرمود که هرگاه در دل تو چیزی بهمند تصدق کن بر اول مسکینی که می بینی و برو که حقتعالی ضرر آنرا از تو دفع میکند و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در اول روز تصدق بکند حقتعالی نحوست آنروز را از او دفع میکند و در حدیث دیگر منقولست که چون حضرت امام زین العابدین علیه السلام بعضی از زمینهای

خود میخواستند بروند میخریدند سلامتی خود را از خدا بانچه میسر می‌شد از تصدق و این تصدق را در
وقتی میدادند که پا در رکاب میگذاشتند و چون خدا آنحضرت را بسلامت برمیگردانید شکر و
حمد الهی میکردند و تصدق میکردند بانچه میسر میشد و در حدیث حسن منقولست که عبدالملک بخدمت
حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که من مبتلا بعلم نجوم شده‌ام و گاهی میخواهم پی کاری بروم
و بطالع نظر میکنم می‌بینم که در طالع شری هست می‌نشینم و ترک رفتن میکنم و اگر در طالع نیکی می‌بینم
میروم حضرت فرمود که آن حاجت برآورده میشود تا حکم بنجوم میکنی گفت بلی فرمود که کتابهای
نجومت را بسوزان و سید ابن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است که چون خواهی که متوجه
سفر شوی در وقتی چند که سفر کردن دران اوقات کراهت دارد پیش از متوجه شدن سوره حمد
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی و انا انزلناه فی لیلة القدر و آخر سوره آل
عمران إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ تا آخر سوره بخوان پس بگو اَللّٰهُمَّ بِكَ يَصُولُ الصَّائِلُ
وَبِكَ يَطُولُ الطَّائِلُ وَلَا حَوْلَ لِكُلِّ ذِي حَوْلٍ إِلَّا بِكَ وَلَا قُوَّةَ يَمْتَازُهَا ذُو قُوَّةٍ إِلَّا
مِنْكَ أَسْأَلُكَ بِصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعِتْرَتِهِ وَسُلَالَتِهِ
عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَاكْفِنِي شَرَّ هٰذَا الْيَوْمِ وَضَرَرَهُ وَارْزُقْنِي خَيْرَهُ
وَيُمْنَهُ وَبَرَكَاتِهِ وَاقْضِ لِي فِي مُتَصَرَّفَاتِي بِحُسْنِ الْعَاقِبَةِ وَبُلُوغِ الْمَحَبَّةِ وَالظَّفَرِ بِالْأُمْنِيَّةِ
وَكِفَايَةِ الطَّاغِيَةِ الْمُغْوِيَةِ وَكُلِّ ذِي قُدْرَةٍ لِي عَلَىٰ أَذِيَّةٍ حَتّٰى أَكُونَ فِي جُنَّةٍ وَعِصْمَةٍ
مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَنِقْمَةٍ وَأَبْدِلْنِي فِيهِ مِنَ الْمَخَاوِفِ أَمْنًا وَمِنَ الْعَوَائِقِ فِيهِ يُسْرًا حَتّٰى لَا
يَصُدَّنِي صَادٌّ عَنِ الْمُرَادِ وَلَا يَحُلَّ بِي طَارِقٌ مِنْ أَذَى الْعِبَادِ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
وَالْأُمُورُ إِلَيْكَ تَصِيرُ يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ و در حدیث صحیح از
حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که هفت چیز هست که اگر در برابر مسافر بهم رسد شوم برای
او شوم است کلاغی که فریاد کند از جانب راست او و سگی که دم را علم کرده باشد و گرگی که
بر دم خود نشسته باشد و برروی او فریاد کند پس سه مرتبه بلند شود و پست شود و آهوی که از جانب
راست او بیاید و بجانب چپ او برود و جغدی که فریاد کند و زن پیر سفید مویی که روبروی او
بیاید و ماده الاغی که گوشش را بریده باشند پس کسیکه از دیدن اینها ترسی در خاطرش بباید بگوید

اعتصمت بك یا رب من شر ما اجد فی نفسی فاعصمنی من ذلك چون این بگوید
ضرری باو نرسد و در روایتی منقولست که چون پیش از سفر تصدق کند در وقت تصدق این
دعا بخواند اللهم انی اشتریت بهذه الصدقة سلامتی وسلامة سفری وما معی
فسلمنی وسلم ما معی وبلغنی وبلغ ما معی ببلاغك الحسن الجمیل و بعد از تصدق
بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب
السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن ورب العرش
العظیم وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد
وآله الطیبین الطاهرین اللهم کن لی جارا من کل جبار عنید ومن کل
شیطان مرید بسم الله دخلت وبسم الله خرجت اللهم انی اقدم بین یدی
نسیانی وعجلتی بسم الله وما شاء الله فی سفری هذا ذکرته ام نسیته
اللهم انت المستعان علی الامور کلها وانت الصاحب فی السفر والخلیفة
فی الاهل اللهم هون علینا سفرنا واطولنا الارض وسیرنا فیها بطاعتك
وطاعة رسولك اللهم اصلح لنا ظهرنا وبارك لنا فیما رزقتنا وقنا عذاب
النار اللهم انا نعوذ بك من وعثاء السفر وکآبة المنقلب وسوء المنظر
فی الاهل والمال والولد اللهم انت عضدی وناصری اللهم اقطع
عنی بعده ومشقته واصحبنی فیه واخلفنی فی اهلی بخیر ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم **فصل سیوم** در آداب غسل و نماز و دعا در وقت بیرون رفتن
سید ابن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است که چون کسی اراده سفر نماید سنت است که غسل کند پیش
از بیرون رفتن و در وقت غسل بگوید بسم الله وبالله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم وعلی ملة رسول الله صلی الله علیه وآله والصادقین عن الله صلوات
الله علیهم اجمعین اللهم طهر قلبی واشرح به صدری ونور به قبری
اللهم اجعله لی نورا وطهورا وحرزا وشفاء من کل داء وآفة و
عاهة وسوء مما اخاف واحذر وطهر قلبی وجوارحی وعظامی و

دَمِی وَشَعْرِی وَبَشَرِی وَمُخِّی وَعَصَبِی وَمَا اَقَلَّتِ الْاَرْضُ مِنِّی اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِی
شَاهِدًا اَلْیَوْمَ حَاجَتِی وَفَقْرِی وَفَاقَتِی اِلَیْكَ یَا رَبَّ الْعَالَمِیْنَ اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ
و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست کہ ہیچ خلیفہ آدمی در اہلش
نیگذارد بہتر از انکہ در وقت بیرون رفتن دو رکعت نماز بگذارد وپس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی
اَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِی وَاَهْلِی وَمَالِی وَذُرِّیَّتِی وَدُنْیَایَ وَاٰخِرَتِی وَاَمَانَتِی وَخَاتِمَةَ عَمَلِی
وابن طاؤس علیہ الرحمہ گفتہ است کہ در رکعت اول قل ہو اللہ احد ودر رکعت دوم انا انزلناہ
فی لیلۃ القدر بخواند ودر حدیث معتبر منقولست کہ چون حضرت امام محمد باقر علیہ السلام ارادہ
سفری میکردند عیال خود را در حجرہ جمع میکردند واین دعا میخواندند اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْتَوْدِعُكَ الْغَدَاةَ
نَفْسِی وَمَالِی وَاَهْلِی وَوُلْدِی وَالشَّاهِدَ مِنَّا وَالْغَائِبَ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنَا وَاحْفَظْ عَلَیْنَا
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِی جِوَارِكَ اَللّٰهُمَّ لَا تَسْلُبْنَا نِعْمَتَكَ وَلَا تُغَیِّرْ مَا بِنَا مِنْ عَافِیَتِكَ وَ
فَضْلِكَ وسید ابن طاؤس علیہ الرحمہ روایت نمودہ کہ بعد از نماز این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ
اِنِّی اَسْتَوْدِعُكَ الْیَوْمَ نَفْسِی وَاَهْلِی وَمَالِی وَوُلْدِی وَمَنْ كَانَ مِنِّی بِسَبِیْلٍ اَلشَّاهِدَ
مِنْهُمْ وَالْغَائِبَ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنَا بِحِفْظِ الْاِیْمَانِ وَاحْفَظْ عَلَیْنَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِی رَحْمَتِكَ
وَلَا تَسْلُبْنَا فَضْلَكَ اِنَّا اِلَیْكَ رَاغِبُوْنَ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَكَآبَةِ
الْمُنْقَلَبِ وَسُوْءِ الْمَنْظَرِ فِی الْاَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوُلْدِ فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَتَوَجَّهُ
اِلَیْكَ هٰذَا التَّوَجُّهَ طَلَبًا لِمَرْضَاتِكَ وَتَقَرُّبًا اِلَیْكَ اَللّٰهُمَّ فَبَلِّغْنِی مَا اُؤَمِّلُهُ وَاَرْجُوْهُ
فِیْكَ وَفِی اَوْلِیَائِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ واگر خواہی این دعا ہم بخوان اَللّٰهُمَّ خَرَجْتُ
فِی وَجْهِی هٰذَا بِلَا ثِقَةٍ مِنِّی لِغَیْرِكَ وَلَا رَجَاءٍ یَأْوِی بِی اِلَّا اِلَیْكَ وَلَا قُوَّةٍ اَتَّكِلُ
عَلَیْهَا وَلَا حِیْلَةٍ اَلْجَأُ اِلَیْهَا اِلَّا طَلَبَ رِضَاكَ وَابْتِغَاءَ رَحْمَتِكَ وَتَعَرُّضًا لِثَوَابِكَ وَسُكُوْنًا
اِلَی حُسْنِ عَائِدَتِكَ وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِمَا سَبَقَ لِی فِی عِلْمِكَ فِی وَجْهِی مِمَّا اُحِبُّ وَاَكْرَهُ
اَللّٰهُمَّ فَاصْرِفْ عَنِّی مَقَادِیْرَ كُلِّ بَلَاءٍ وَمَقْضِیَّ كُلِّ لَاْوَاءٍ وَابْسُطْ عَلَیَّ كَنَفًا مِنْ
رَحْمَتِكَ وَلُطْفًا مِنْ عَفْوِكَ وَسَعَةً مِنْ رِزْقِكَ وَتَمَامًا مِنْ نِعْمَتِكَ وَجِمَاعًا مِنْ مُعَافَاتِكَ
وَوَفِّقْ لِی فِیْهِ یَا رَبِّ جَمِیْعَ قَضَائِكَ عَلٰی مُوَافَقَةِ هَوَایَ وَحَقِیْقَةِ اَمَلِی وَادْفَعْ عَنِّی

أحذر وما لا أحذر على نفسي مما أنت أعلم به مني واجعل ذلك خيراً لي ولآخرتي
ودنياي مع ما أسئلك أن تخلفني فيمن خلفت ورائي من ولدي وأهلي ومالي
وإخواني وجميع حزانتي بأفضل ما تخلف فيه غائباً من المؤمنين في تحصين كل عورة
وحفظ كل مضيعة وتمام كل نعمة ودفاع كل سيئة وكفاية كل محذور وصرف كل مكروه
وكمال ما يجمع لي به الرضا والسرور في الدنيا والآخرة ثم ارزقني ذكرك وشكرك
وطاعتك وعبادتك حتى ترضى وبعد الرضا اللهم إني أستودعك اليوم ديني
ونفسي ومالي وأهلي وذريتي وجميع إخواني اللهم احفظ الشاهد منا والغائب اللهم
احفظنا واحفظ علينا اللهم اجعلنا في جوارك ولا تسلبنا نعمتك ولا تغير ما بنا
من نعمة وعافية وفضل و در حدیث معتبر منقولست که چون حضرت صادق علیه السلام
اراده سفر میکردند این دعا میخواندند اللهم خل سبيلنا وأحسن تسييرنا وأعظم عافيتنا
و در روایت دیگر منقول است که چون حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم اراده سفر
مینمودند این دعا میخواندند و در وقتیکه بر میخواستند که متوجه شوند اللهم بك انتشرت
وإليك توجهت وبك اعتصمت أنت ثقتي ورجائي اللهم اكفني ما أهمني وما
لا أهتم له وما أنت أعلم به مني اللهم زودني التقوى واغفر لي ووجهني إلى الخير
حيث ما توجهت و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست
که هرکه اراده سفری نماید و در خانه خود بایستد رو بجانبی که اراده دارد که متوجه شود پس سوره
حمد از پیش رو بجانب راست و جانب چپ بخواند و آیة الکرسی را نیز از پیش رو و جانب
راست و از جانب چپ بخواند پس بگوید اللهم احفظني واحفظ ما معي وسلمني و
سلم ما معي وبلغني وبلغ ما معي ببلاغك الحسن الجميل حق تعالی حفظ کند او را و آنچه با او
است و بسلامت دارد او را و آنچه با اوست و سید بن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است
که چون بر در خانه بایستد تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخواند و سوره حمد و آیة الکرسی را
بنحوی که گذشت بخواند پس بگوید اللهم إليك وجهت وجهي وعليك خلفت أهلي ومالي
وما خولتني وقد وثقت بك فلا تخيبني يا من لا يخيب من أراده ولا يضيع من

حفظه اللهم صل علی محمد و آل محمد واحفظنی فیما غبت عنه ولا تکلنی الی نفسی
یا ارحم الراحمین اللهم بلغنی ما توجهت له وسبب لی المراد وسخر لی عبادک
وبلادک وارزقنی زیارة نبیک وولیک امیر المؤمنین والائمة من ولده وجمیع
اهل بیته علیه وعلیهم السلام ومدنی منک بالمعونة فی جمیع احوالی ولا تکلنی
الی نفسی ولا الی غیری فاکل واعطب وزودنی التقوی واغفر لی فی الاخرة و
الاولی اللهم اجعلنی اوجه من توجه الیک و این دعا را نیز بخواند بسم الله وبالله
وتوکلت علی الله واستعنت بالله والجات ظهری الی الله وفوضت امری الی الله
ربی امنت بکتابک الذی انزلت ونبیک الذی ارسلت لانه لا یاتی بالخیر الا
انت ولا یصرف السوء الا انت عز جارک وجل ثناؤک وتقدست اسماؤک و
عظمت الاؤک ولا اله غیرک بدرستیکه در روایتی وارد شده است که هر که صبح از خانه بیرون
آید و این دعا بخواند بلائی باو نرسد تا شام که بخانه برگردد و هر که در شام بخواند و از خانه بیرون رود بلائی
باو نرسد تا صبح که بخانه برگردد و در روایت دیگر وارد شده است که چون حضرت صادق علیه السلام
بسفری میرفتند این دعا میخواندند اللهم احفظنی واحفظ ما معی وبلغنی وبلغ ما
معی ببلاغک الحسن بالله استفتح وبالله استنجح وبمحمد صلی الله علیه و آله اتوجه
اللهم سهل لی کل حزونة وذلل لی کل صعوبة واعطنی من الخیر کله اکثر مما ارجو
واصرف عنی من الشر اکثر مما احذر فی عافیة یا ارحم الراحمین و این دعا نیز میخواند
اسئل الله الذی بیده ما دق وجل وبیده اقوات الملائکة ان یهب لنا فی
سفرنا امنا وایمانا وسلامة واسلاما وفقها وتوفیقا وبرکة وهدی وشکرا و
عافیة ومغفرة وعزما لا نغادر به ذنبا و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله
منقولست که چون کسی بسفری بیرون رود بگوید اللهم انت الصاحب فی السفر والحامل
علی الظهر والخلیفة فی الاهل والمال والولد پس باید که این دعاها که از برای خانه بیرون
آمدن و سوار شدن در فصلهای سابق گذشت بخواند پس چون سوار شود بگوید الحمد لله الذی
هدانا للاسلام ومن علینا بمحمد و آله سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین

وَاِنَّا اِلٰی رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُوْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْحَامِلُ عَلَی الظَّهْرِ وَالْمُسْتَعَانُ عَلَی الْاَمْرِ اَللّٰهُمَّ بَلِّغْنَا بَلَاغًا نَبْلُغُ بِهٖ اِلٰی خَیْرٍ بَلَاغًا نَبْلُغُ بِهٖ اِلٰی رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ اَللّٰهُمَّ لَا ضَیْرَ اِلَّا ضَیْرُكَ وَلَا خَیْرَ اِلَّا خَیْرُكَ وَلَا حَافِظَ غَیْرُكَ

فصل چهارم در سائر آداب بیرون رفتن و بیان چیزی چند که باید با خود بردن در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که هر که بسفری رود و با خود بردارد عصائی از چوب بادام تلخ و این آیات را بخواند حقتعالی او را ایمن گرداند از هر سبع درنده و هر دزدی و هر صاحب زهری تا باهل خود برگردد و با او هفتاد و هفت ملک باشند که از برائی او استغفار کنند تا برگردد و عصا را بگذارد و این است آیات وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْیَنَ قَالَ عَسٰی رَبِّیْ اَنْ یَّهْدِیَنِیْ سَوَاءَ السَّبِیْلِ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْیَنَ وَجَدَ عَلَیْهِ اُمَّةً مِّنَ النَّاسِ یَسْقُوْنَ وَوَجَدَ مِنْ دُوْنِهِمُ امْرَاَتَیْنِ تَذُوْدَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِیْ حَتّٰی یُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَاَبُوْنَا شَیْخٌ كَبِیْرٌ فَسَقٰی لَهُمَا ثُمَّ تَوَلّٰی اِلَی الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ اِنِّیْ لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَیَّ مِنْ خَیْرٍ فَقِیْرٌ فَجَاءَتْهُ اِحْدٰهُمَا تَمْشِیْ عَلَی اسْتِحْیَاءٍ قَالَتْ اِنَّ اَبِیْ یَدْعُوْكَ لِیَجْزِیَكَ اَجْرَ مَا سَقَیْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهٗ وَقَصَّ عَلَیْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِیْنَ قَالَتْ اِحْدٰهُمَا یٰۤاَبَتِ اسْتَاْجِرْهُ اِنَّ خَیْرَ مَنِ اسْتَاْجَرْتَ الْقَوِیُّ الْاَمِیْنُ قَالَ اِنِّیْۤ اُرِیْدُ اَنْ اُنْكِحَكَ اِحْدَی ابْنَتَیَّ هٰتَیْنِ عَلٰۤی اَنْ تَاْجُرَنِیْ ثَمٰنِیَ حِجَجٍ فَاِنْ اَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَاۤ اُرِیْدُ اَنْ اَشُقَّ عَلَیْكَ سَتَجِدُنِیْۤ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ مِنَ الصّٰلِحِیْنَ قَالَ ذٰلِكَ بَیْنِیْ وَبَیْنَكَ اَیَّمَا الْاَجَلَیْنِ قَضَیْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَیَّ وَاللّٰهُ عَلٰی مَا نَقُوْلُ وَكِیْلٌ و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست که هر که خواهد که زمین در زیر پای او پیچیده شود با خود عصائی درخت بادام تلخ بردارد و در حدیث دیگر فرمود که حضرت آدم علیه السلام مرض شدیدی بهم رسانید و او را وحشتی عارض شد جبرئیل فرمود که چوبی از درخت بادام تلخ جدا کن بسینه خود بچسبان چنین کرد حقتعالی او وحشت را از او دفع کرد و بدان که از جمله چیزهائی که باید در سفر با خود داشته باشد تسبیح تربت حضرت امام حسین علیه السلام است چنانچه منقول است که چون حضرت صادق علیه السلام بعراق تشریف آوردند مردم

سلیمۃ المتقین

نزد آنحضرت گرد آمدند و پرسیدند که میدانیم که تربت حضرت امام حسین علیه السلام شفائی هر درد است آیا باعث ایمنی از خوف و بیم میشود فرمود که هرگاه کسی خواهد که او را از بیمی امان بخشد تسبیح از تربت آنحضرت گیرد و سه مرتبه این دعا بخواند اَصْبَحْتُ اللّٰهُمَّ مُعْتَصِمًا بِذِمَامِكَ وَجِوَارِكَ الْمَنِيعِ الَّذِي لَا يُطَاوَلُ وَلَا يُحَاوَلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ طَارِقٍ وَغَاشِمٍ مِنْ سَائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَمَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَالنَّاطِقِ فِي جُنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِبَاسٍ سَابِغَةٍ حَصِينَةٍ وَهِيَ وِلَاءُ اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مُحْتَجِزًا مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي اِلَى اَذِيَّةٍ بِجِدَارٍ حَصِينٍ الْاِخْلَاصِ فِي الْاِعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ وَالتَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ جَمِيعًا مُوقِنًا اَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَمِنْهُمْ وَفِيهِمْ وَلَهُمْ اُوَالِي مَنْ وَالَوْا وَاُعَادِي مَنْ عَادَوْا وَاُجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا فَاَعِذْنِي اللّٰهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا اَتَّقِيهِ يَا عَظِيمُ حَجَزْتُ الْاَعَادِيَ عَنِّي بِبَدِيعِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ اِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَاَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ پس تسبیح را ببوسد و بر هر دو چشم بگذارد و بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ وَبِحَقِّ صَاحِبِهَا وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَبِحَقِّ اَبِيهِ وَبِحَقِّ اُمِّهِ وَبِحَقِّ اَخِيهِ وَبِحَقِّ وُلْدِهِ الطَّاهِرِينَ اجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَاَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ اگر در صبح چنین کند در امان خدا باشد تا شام و در روایت دیگر منقولست که هر که از پادشاهی یا غیر او ترسد و چون از خانه بیرون آید چنین کند حرز باشد برائی او از شر ایشان و در فصول خواتیم گذشت انگشترها که مناسب است که در سفر با خود داشته باشد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ضامنم برائی کسیکه عمامه بر سر بسته از خانه بیرون آید آنکه سالم باهل خود برگردد و در روایت معتبر دیگر از حضرت موسی علیه السلام منقولست که من ضامنم برائی کسیکه ارادهٔ سفری داشته باشد و عمامه بر سر به بندد و سر عمامه را در زیر حنک به بندد آنکه او را دزد و غرق شدن و سوختن ضرر نخورد و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که هر که روز شنبه از خانه بیرون رود و عمامه سفیدی بر سر داشته باشد که تحت الحنک داشته باشد و اگر برود و با

کوهی که آنرا از جا بکند هر آینه بعمل آید و در حدیث معتبر منقول است که حضرت لقمان با پسر خود
گفت که ای فرزند چون بسفر روی شمشیر و کمان و اسپ و موزه و عمامه و ریسمانهائی که خرد
میشود و مشک آب و سوزن و خیاط با خود بردار و از دواها آنچه تو و اصحاب تو بآن محتاج
باشند بردار و در حدیث دیگر منقولست که چون حضرت رسول بسفر میرفتند شیشه روغن
و سرمه دان و مقراض و آئینه و مسواک و شانه و سوزن و ریسمان و چیزیکه بآن کفش را پینه
کنند و تسمه‌های نعل را بر میداشتند و از جمله تعویذهائی که در سفر مناسب است تعویذی
است که مرویست که در دستهٔ شمشیر حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله وسلم تعبیه
شده بود و آن این تعویذ است بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ اَسْئَلُكَ
يَا مَالِكَ الْمُلُوْكِ الْاَوَّلُ الْقَدِيْمُ الْاَبَدِيُّ الَّذِيْ لَا يَزُوْلُ وَلَا يَحُوْلُ اَنْتَ اللهُ الْعَظِيْمُ
الْكَافِيْ لِكُلِّ شَيْءٍ الْمُحِيْطُ بِكُلِّ شَيْءٍ اَللّٰهُمَّ اكْفِنِيْ بِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ
الصَّمَدِ الَّذِيْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهٗ كُفُوًا اَحَدٌ وَاحْجُبْ شَرَّ وَدْهِمْ وَشُرُوْرَ
الْاَعْدَاۤءِ كُلِّهِمْ وَسُيُوْفِهِمْ وَبَاْسِهِمْ وَاللهُ مِنْ وَّرَاۤئِهِمْ مُحِيْطٌ اَللّٰهُمَّ احْجُبْ عَنِّيْ شَرَّ
مَنْ اَرَادَنِيْ بِسُوْۤءٍ بِحِجَابِكَ الَّذِي احْتَجَبْتَ بِهٖ فَلَمْ يَنْظُرْ اِلَيْكَ اَحَدٌ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ
وَالْاِنْسِ وَمِنْ شَرِّ سِلَاحِهِمْ وَمِنَ الْحَدِيْدِ وَمِنْ كُلِّ مَا يُخَوِّفُ وَيُحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ
شِدَّةٍ وَبَلِيَّةٍ وَمِنْ شَرِّ مَا اَنْتَ بِهٖ اَعْلَمُ وَعَلَيْهِ اَقْدَرُ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ وَصَلَّى اللهُ
عَلٰى نَبِيِّهٖ مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ وَسَلَّمَ تَسْلِيْمًا عوذه که در میان عمامه گذارند اَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ اِنَّكَ مِنَ
الْاٰمِنِيْنَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ لَا تَخَفْ اِنَّكَ اَنْتَ الْاَعْلٰى لَا تَخَافَا اِنَّنِيْ
مَعَكُمَا اَسْمَعُ وَاَرٰى لَا تَخَافُ دَرَكًا وَّلَا تَخْشٰى الَّذِيْ اَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوْعٍ وَّاٰمَنَهُمْ مِنْ
خَوْفٍ فَسَيَكْفِيْكَهُمُ اللهُ وَهُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ فَاللهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَّهُوَ اَرْحَمُ
الرّٰحِمِيْنَ اُدْخُلُوْا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَاِذَا دَخَلْتُمُوْهُ فَاِنَّكُمْ غَالِبُوْنَ وَعَلَى اللهِ فَتَوَكَّلُوْا
اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ عوذه که بر چهار پائی سواری بندند اَللّٰهُمَّ احْفَظْ عَلَيَّ مَا لَوْ حَفِظَهٗ
غَيْرُكَ لَضَاعَ وَاسْتُرْ عَلَيَّ مَا لَوْ سَتَرَهٗ غَيْرُكَ لَشَاعَ وَاحْمِلْ عَنِّيْ مَا لَوْ حَمَلَهٗ غَيْرُكَ لَكَاعَ
وَاجْعَلْ عَلٰى جِلَادٍ عَلَيْكَ تَوَقّٰى بِهٖ كُلَّ مَنْ رَامَنِيْ بِنَوْءٍ اَوْ نَصَبَ لِيْ مَكْرًا اَوْ هَيَّاَ لِيْ

مَکْرُوْهًا حَتّٰی یَعُوْدَ وَهُوَ غَیْرُ ظَافِرٍ بِیْ وَلَا قَادِرٍ عَلَیَّ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِیْ کَمَا حَفِظْتَ بِهٖ کِتَابَکَ الْمُنْزَلَ عَلٰی قَلْبِ نَبِیِّکَ الْمُرْسَلِ اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ قُلْتَ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّکْرَ وَاِنَّا لَهٗ لَحَافِظُوْنَ و از حضرت صادق علیہ السلام منقولست کہ ہر کہ سورۂ عبس را در کاغذ سفیدی بنویسد و بہمراہ کہ رود با خود نگاہدارد در آن راہ بغیر از نیکی نبیند واز مفاسد آنراہ محفوظ بماند فصل پنجم در آداب توشہ برداشتن در سفر و آداب سفرہ کردن آن از حضرت صادق علیہ السلام منقولست کہ چون بسفر روید سفرہ با خود بردارید و طعامہای نفیس دران سفر بگذارید واز حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست کہ از شرف آدمی آنست کہ توشۂ خود را نیکو گرداند ہر گاہ بسفری رود و در حدیث دیگر منقولست کہ حضرت امام زین العابدین علیہ السلام چون بسفر حج یا عمرہ میرفتند از بہترین توشہا برمیداشتند مانند لوز و شکر و قاووت ترش و شیرین واز حضرت صادق علیہ السلام منقولست کہ نان و بریان توشۂ خود بردار کہ باعث برکت میشود و در حدیث دیگر منقولست کہ حضرت امام موسی علیہ السلام نظر کردند بسفرۂ کہ دران حلقہا از برنج بود فرمود کہ این حلقہا را بکنید و حلقہای آہن بگذارید تا جانوران داخل سفرہ نشوند و در حدیث دیگر منقولست کہ حضرت صادق علیہ السلام از بعضی از اصحاب خود پرسیدند کہ بزیارت قبر حضرت امام حسین علیہ السلام میروید گفت بلی فرمودند کہ سفرہ با خود برمیدارید گفت بلی فرمودند کہ اگر بزیارت قبر پدران یا مادران خود بروید چنین نخواہید کرد گفت پس چہ چیز بخوریم فرمود کہ نان با شیر یا ماست و در حدیث دیگر فرمود شنیدہ ام کہ جمعی ہستند کہ چون بزیارت قبر حضرت امام حسین صلوات اللہ علیہ میروند با خود سفرہ برمیدارند کہ در میان آن بزغالہ بریان و حلوا ہاست و اگر بزیارت قبر دوستان خود بروند چنین نمیکنند واز حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست کہ بہترین خرج کردنہا نزد خدا میانہ روئی است و نزد خدا اسراف را دشمن میدارد مگر در راہ حج یا عمرہ و در حدیث حسن منقول است کہ صفوان از حضرت صادق علیہ السلام پرسید کہ من اہل خود را با خود بحج می برم خرجی خود را و رکر خود بہ بندم حضرت فرمود کہ بلی پدرم میگفت کہ از قوت مسافر آنست کہ نفقۂ خود را احتیاط کند و در حدیث دیگر منقولست کہ دیگری بآنحضرت عرض

کرد که درهمی که صورتها در آنها نقش کرده اند با خود دارم و آنها را در همیان میکنم و بر کمر می بندم در حالت احرام فرمود که باکی نیست خرجی تست و اعتماد تو بعد از خدا بر آنست **فصل ششم** در رفیق با خود بردن در سفر و آداب معاشرت ایشان در احادیث معتبر بسیار وارد شده است که کسیکه تنها بسفر رود ملعون است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام وصیت نمود که یا علی هرگز تنها بسفر مرو که شیطان با یک کس است و از دو تا دورتر است یا علی شخصی که تنها بسفر رود گمراه است و دو کس که میروند دو گمراه اند و سه کس که میروند مسافرانند و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد حضرت پرسیدند که در راه که مصاحب تو بود گفت تنها بودم فرمود که اگر من پیشتر ترا میدیدم ترا نیکو تادیب میکردم که چگونه باید بسفر رفت پس فرمود که یک کس شیطانست و دو تا دو شیطانند و سه نفر مصاحبانند و چهار نفر رفیقانند و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست که هر که تنها بسفر رود و بگوید ماشاء الله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم آنس وحشتی و اعنی علی وحدتی و اد غیبتی و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که اول رفیق بهم رسان پس بسفر برو فرمود که دو کس باهم رفیق نمیشوند مگر آنکه محبوب ترین ایشان نزد خدا و آنکه ثوابش بیشتر است آنست که مدارا با رفیقش بیشتر کند و در حدیث دیگر فرمود که بهترین رفیقان و مصاحبان نزد خدا چهار نفر اند و هیچ گروهی زیاده از هفت کس نمیشوند مگر آنکه صداهای ایشان بسیار میباشد پس ازین احادیث معلوم شد که اقل رفیقان سه اند و اکثر ایشان هفت و آنکه زیاده از هفت خوب نیست در رفیقان که هم توشه و هم سفر و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که سنت است که رفیقان هم توشه اول خرجهای خود را ابتدا آورند و بر روی یکدیگر بگذارند که این بیشتر باعث خوشنودی خاطر و نیکی اخلاق ایشان میشود و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که مصاحبت مکن در سفر با کسیکه فضیلت ترا نمیداند آن قدر که تو فضیلت او بر خود میدانی و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مصاحبت و رفاقت مکن با کسی که تو باو زینت یابی و مصاحبت مکن با کسی که او بتو زینت یابد یعنی تو کسب علم و کمالات از او توانی نمود

و در حدیث دیگر از شهاب منقولست که گفت بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که شما میدانید حال توانگری مرا واحسانی که با برادران خود میکنم پس با جماعتی از ایشان رفیق می شوم در راه مکه و بر ایشان توسعه میکنم و بسیار خرج میکنم فرمود که ای شهاب چنین مکن اگر تو دست بخرج کردن بگشائی و ایشان هم بگشایند بایشان ضرر میرسد و پریشان می شوند و اگر تعب کشند و ایشان نکنند باعث مذلت ایشانست پس رفاقت با جماعتی کن که مثل تو باشند در توانگری و دارائی و در روایت دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که اگر مصاحبت یکنی با مثل و مانند خود مصاحبت و رفاقت بکن و باکسی رفیق مشو که خرج بیشتر کشد که این موجب خواری مؤمن است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق مسافر بر رفیقان آنست که چون بیمار شود سه روز برای او توقف کنند و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند که جماعتی با یکدیگر رفیق می شوند و در میان ایشان مالدار و پریشان هست آیا آن مالدار خرج آنها را میتواند کشید فرمود که اگر آنها بطیب خاطر راضی باشند باکی نیست و در روایت دیگر منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که شخصی رفیق می شود با جماعتی مالدار و از آنها مالش کمتر است و آنها خرج خود را بیرون می آورند و او مثل آنها نمیتواند خرج کردن فرمود که من دوست نمیدارم که خود را ذلیل کند با کسی رفیق شود که مثل او باشد و در احادیث معتبره منقولست که از ما نیست کسی که با مصاحبانش نیکو مصاحبت نکند و با رفیقانش نیکو رفاقت نکند و با کسی که نمک خورد و حق نمک رعایت نکند فصل ششم در بیان سائر آداب سفر در حدیث منقولست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت لقمان بپسر خود در النصیحت فرمود که چون سفر کنی با گروهی مشوره با ایشان بسیار بکن در کارهای خود و کارهای ایشان و برروی ایشان تبسم بسیار بکن و در توشه خود صاحب کرم باش در میان ایشان و چون ترا بضیافت بطلبند قبول کن و اگر از تو مدد طلبند یاری ایشان بکن و بسه چیز بر ایشان غلبه کن بسیاری خاموشی و بسیاری نماز و سخاوت و جوانمردی در هر چه با خود داری از چهار پا و مال و توشه و اگر گواهی از تو طلبند یا بر امر حقی خواهش کنند ترا گواه کنند اطاعت بکن و چون با تو مشوره کنند تا توانی سعی کن که رائی نیکو برای ایشان

اختیار کنی و زود عزم مکن و رای خود را با ایشان مگو تا تامل کنی و فکر کنی و جواب ایشان
مگو در مشورهٔ ایشان تا آنکه در آن فکر کنی و برخیزی و بنشینی و بخوابی و چیزی بخوری و نماز کنی
و در اثنای این احوال فکر خود و حکمت خود را در مشورهٔ ایشان بکار فرمائی زیرا که هر که خیر
خواهی خود را برای کسیکه با او مشوره کند خالص نگرداند حقتعالی رای و عقل او را از او سلب
می کند و امانت را از او بر میدارد و هرگاه بینی که رفیقان تو پیاده میروند با ایشان پیاده برو
و هرگاه بینی که کاری میکنند با ایشان بکن و اگر تصدق کنند یا قرضی دهند تو نیز با ایشان
بده و بشنو سخن کسی را که از تو بزرگتر باشد و هرگاه رفیقان کاری بتو فرمایند یا چیزی از تو
سوال کنند بگو بلی و نه مگو که نه گفتن موجب عجز و ملامت است و چون راه را گم کنید و
حیران بمانید فرود آئید و اگر در راه مقصود شک کنید بایستید و با یکدیگر مشوره کنید
و مصلحت به بینید و اگر یک کس را به بینید خبر راه از او مپرسید و مصلحت از او مبینید که یک
شخص در بیابان آدمی را بشک می اندازد که شاید جاسوس دزدان باشد یا شیطان باشد
که خواهد شما را حیران کند و از دو شخص نیز حذر کنید مگر آنکه چیزی چند از علامتها و قرینها
ببینید که من نمی بینم زیرا که عاقل بدیدهٔ خود که نظر میکند بسوی چیزی آنچه حق است
از آن می شناسد و حاضر چیزی چند می بیند که غائب نمی بیند ای فرزند چون وقت
نماز در آید از برای امری او را تاخیر مینداز و نماز را بجا آور و ازو راحت بیاب که نماز فرضی است
هر چند بیشتر ادا میکنی سبکبار میشوی و نماز را با جماعت بکن هر چند بر سر نیزه باشی و بر روی
چهارپا خواب مکن که زود باعث زخم پشت آن می شود و این از کردار دانایان نیست مگر
آنکه در میان کجاوه باشی که ممکنت باشد که بخوابی برای سستی مفاصل و چون نزدیک شوی
بمنزل از چهارپائی خود فرود آئی که آن چهارپا یاور تست ابتدا کن بعلف دادن آن پیش
از آنکه خود چیزی بخوری و چون خواهید که فرود آئید پس اختیار کنید از بقعهای زمین
مکانی را که خوشرنگ تر و خاکش نرم تر و پر گیاه تر باشد و چون فرود آئی پیش از آنکه بنشینی
دو رکعت نماز بکن و چون خواهی بقضای حاجت بروی بسیار دور برو پس چون خواهی که
بار کنی دو رکعت نماز بکن پس آن زمین را وداع کن و سلام بر آن زمین و اهل آن زمین بکن که

هر بقعه از زمین را اهلی چند از ملائکه هست و اگر توانی مخور هیچ طعامی را مگر آنکه قدری از آن
تصدق کنی و بر تو باد بخواندن قرآن مادام که سوار باشی و بر تو باد بتسبیح و یاد خدا کردن تا مشغول
کاری باشی و بر تو باد بدعا کردن در وقتیکه تنها و بیکار باشی و زنهار که در اول شب راه مرو
بلکه در اول شب فرود آی و در نصف آخر شب راه رو و زنهار که در راه رفتن صدا بلند مکن
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که مروت و مردمی در حضر خواندن
قرآن است و همنشینی با علما کردن و تفکر در فقه و علوم کردن و محافظت بر نمازهای جماعت
کردن و اما مروت سفر پس توشه خود را صرف کردن و مخالفت رفیقان نکردن و خدا را در
هر بلندی و پستی فرود آمدن و ایستادن و نشستن بسیار یاد کردن است و در روایت دیگر
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مروت سفر توشه بسیار برداشتن است و پاکیزه
گردانیدن توشه است و عطا کردن آن بجمعی که رفیق تو اند و آنکه بعد از مفارقت از رفیقان
رازهای ایشان را که بر آنها مطلع شده بپوشانی و مزاح و خوش طبعی بسیار بکنی در چیزی که
خدا بخشم نیاورد و در حدیث دیگر فرمود که از مروت نیست که نقل کند آدمی چیزی چند را
که در سفر دیده است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که توشه مسافر
حدی خواندن است و خواندن شعری چند که در آن دشنامی و باطلی نباشد و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که چون با جماعتی رفیق شوی بگو اینجا فرود آئید یا آنجا فرود میائید
که در میان ایشان کسی هست که این کار را نکند اگر تو با ایشان بگذاری و در احادیث معتبره
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که اعانت کند مومن مسافری را
حقتعالی از و هفتاد و سه شدت را از شدتهای دنیا بر دارد و او را امان دهد از غم و اندوه و
هفتاد شدت و غم در آخرت از و بردارد در وقتیکه از شدت اهوال قیامت نفسهای مردم
گرفته باشد فصل هشتم در آداب راه رفتن و فرود آمدن در احادیث معتبره از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که چون از پیاده رفتن مانده شوید استعانت
جوئید به تند رفتن که ماندگی را برطرف میکند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که کمر را محکم به بندید و بر روی شکم نه بندید
تا آنکه پیاده رفتن بر شما آسان شود و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست

که در طرف بامداد و پسین راه روید و در روایت معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
منقولست که بر شما باد براه رفتن در شب که زمین در شب پیچیده می‌شود و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که زمین در آخر شب پیچیده میشود و فرموده که چون حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه و آله سفر میکردند در آخر شب حرکت میکردند و از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله وسلم منقولست که چون در شب بروید و آئید بر سر راه فرود میائید و در شکم رودخانها
فرود میائید که محل درندگان و مار است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که در میان رودخانه فرود میائید که مبادا سیلابی بیاید و بشما ضرر برساند و در حدیث
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که حقتعالی مدارا کردن را دوست
میدارد و یاری میکند بر آن پس چون بر حیوانات لاغر سوار باشید و در منزلها فرود آئید پس اگر
زمین خشک باشد و گیاه نداشته باشد تند بروید و اگر پر گیاه باشد منزل بمنزل فرود آئید و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که اگر در زمین خشک بی گیاه سفر کنید تند بروید و اگر در زمین
پر آب و علف روید بتانی و مدارا بروید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست
که چون راه غلط کنید بجانب راست میل کنید و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه و آله منقولست که هر که در سفر راه گم کند فریاد کند که یا صالح اَغِثْنِی بدرستیکه از برادران
مؤمن شما از جنیان شخصی هست که صالح نام دارد و از برای خدا در صحراها میگردد و چون
صدای شما را می‌شنود جواب میگوید و راه بنمائی میکند و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقولست که چون راه گم کنی فریاد کن یا صالح یا ابا صالح ارشدونا الی الطریق
رحمکم الله راوی حدیث گفت که ما در سفری راه گم کردیم شخصی گفتیم که از ما دور شده
فریاد کرد باین نحو که مذکور شد پس برگشت و گفت که صدائی آهسته شنیدم که گفت راه
از جانب راست است اندکی مسافتی که رفتیم راه را یافتیم و از عمر بن یزید که از ثقات
اصحاب ائمه است روایت کرده اند که گفت ما در یک جماعتی در سفر مکه معظمه راه گم کردیم سه روز
ماندیم و راه را طلب میکردیم نیافتیم پس چون روز سوم شد آبی که برداشته بودیم آخر شد پس جامه‌های
احرام پوشیدیم بعنوان کفن و حنوط کردیم و در آن حال شخصی از رفیقان ما برخاست فریاد

آورد که یا صالح یا ابا الحسن پس کسی از دور جواب گفت پرسیدیم که کیستی خدا ترا رحم کند گفت من از آن گروه هم از جن که بحضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم ایمان آوردند و کسی بغیر از من از ایشان نمانده است و کار من این است که گم شده را براه میرسانم ما همه جا از پی صدای او رفتیم تا براه رسیدیم فصل نهم در بیان دعاها که در راه و در منازل باید خواند در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم در سفر بسر شیب میرفتند سبحان الله می گفتند و چون بسر بالا میرفتند الله اکبر می گفتند و در حدیث صحیح دیگر فرمود که چون در سفری باشی بگو اللهم اجعل مسیری عبرا و صمتی تفکرا و کلامی ذکرا و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که هر که برود خانه پائین برود پس بگوید لا اله الا الله و الله اکبر پر کند آن رودخانه را از برای او از حسنات و در حدیث دیگر فرمود که هر که لا اله الا الله و الله اکبر بگوید در بلندیها آنچه در پیش روی او است تا منتهای زمین همه لا اله الا الله و الله اکبر بگویند و در حدیث معتبر دیگر منقول است که دو کس آمدند بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم و گفتند ما میخواهیم برای تجارت بشام برویم چیزی تعلیم فرما که در راه بخوانیم فرمود که چون در منزل فرود آئید و نماز خفتن بجا آورید بعد از نماز پهلو را بر رخت خواب بگذارید و تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها بخوانید پس آیة الکرسی بخوانید چون چنین کنید تا صبح محفوظ میمانید چون ایشان روانه شدند جمعی از دزدان در عقب ایشان رفتند چون فرود آمدند و نماز خفتن کردند خوابیدند و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام و آیة الکرسی را خواندند پس دزدان غلام خود را فرستادند که از ایشان خبر بگیرد چون نزد ایشان آمد دو دیوار دید و از ایشان اثری نیافت چون بدزدان خبر داد ایشان نیز آمدند و همین حال را مشاهده کردند چون صبح شد نزد ایشان آمدند و پرسیدند که شما دیشب کجا بسر بردید گفتند در همین موضع گفتند ما آمدیم بغیر از دو دیوار چیزی ندیدیم شما قصه خود را نقل کنید ایشان گفتند که ما در وقت خوابیدن بتعلیم حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام و آیة الکرسی خواندیم دزدان گفتند که بروید که دزدی بر شما دست نخواهد

یافت و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که هر که در منزلی فرود آید که از درندگان ترسد این دعا
بخواند اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد بیده الخیر
وهو علی کل شیء قدیر اللهم انی اعوذ بک من شر کل سبع چون این دعا بخواند ایمن گردد
از شر درندگان تا از آن منزل بار کند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که کسیکه خواهد که داخل شود بموضعی که خوفی داشته باشد این آیت را بخواند رب ادخلنی
مدخل صدق واخرجنی مخرج صدق واجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا
پس چون ببیند آن شخص یا آن چیزی که از و بیم دارد آیت الکرسی بخواند و در حدیث دیگر
فرمود که هرگاه در سفری یا بیابانی باشی و از جنیان یا غیر ایشان ترسی دست راست خود را بر سر
بگذار و بآواز بلند بگو افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض
طوعا وکرها والیه ترجعون و در روایت دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی چون در منزل فرود آئی بگو
اللهم انزلنی منزلا مبارکا وانت خیر المنزلین که نیکی منزل ترا روزی شود و شر آن
از تو دفع شود و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم بحضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که چون اراده داخل شدن شهری یا دهی داشته باشی چون نظرت
بآن افتد بگو اللهم انی اسئلک خیرها واعوذ بک من شرها اللهم اطعمنا من
جناها واعذنا من وباها وحببنا الی اهلها وحبب صالحی اهلها الینا و در روایت دیگر
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون بر شهری مشرف شوی و نظرت بران بیفتد
بگو اللهم رب السموات السبع وما اظلت ورب الارضین السبع وما اقلت ورب
الریاح وما ذرت ورب الشیاطین وما اضلت اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد
اسئلک من خیر هذه القریة وما فیها واعوذ بک من شرها وشر ما فیها و در حدیث
دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شیاطین در میان محملها و کجاوه ها در می آیند و
شتران را رم میدهند پس از برای دفع ایشان آیة الکرسی بخوانید و از حضرت امام موسی علیه السلام
منقول است که هر که در سفری باشد و از دزدان یا درندگان ترسد بر یال اسپش بنویسد

لاتخاف درکا و لاتخشی تا ضرر آنها باذن الٰہی از و برطرف شود راوی گفت کہ من بسفر حج رفتم
در میان بیابان جمعی از عربان آمدند و قافلہ را زدند و من میان ایشان بودم این آیہ را بر یال اسپ
نوشتم پس بحق آن خداوندی کہ حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ را برسالت فرستادہ و
حضرت امیر المومنین علیہ السلام را بامامت مشرف گردانیدہ است کہ حق تعالی ایشان را
از من کور گردانید و ضرری از ایشان بمن نرسید و در روایت دیگر مرویست کہ چون حضرت
رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بسفرے میرفتند و شب می شد این دعا می خواندند
یَا اَرْضُ رَبِّیْ وَرَبُّكِ اللّٰهُ وَاَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّكِ وَمِنْ شَرِّ مَا فِيْكِ وَسُوْءِ مَا يَدِبُّ
عَلَيْكِ وَاَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنْ اَسَدٍ وَاَسْوَدَ وَمِنْ شَرِّ الْحَيَّةِ وَالْعَقْرَبِ وَمِنْ شَرِّ سَاكِنِ الْبَلَدِ
وَمِنْ وَالِدٍ وَمَا وَلَدَ اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوٰتِ السَّبْعِ وَمَا اَظْلَلْنَ وَرَبَّ الْاَرَضِيْنَ السَّبْعِ
وَمَا اَقْلَلْنَ وَرَبَّ الرِّيَاحِ وَمَا ذَرَيْنَ وَرَبَّ الشَّيَاطِيْنِ وَمَا اَضْلَلْنَ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْئَلُكَ خَيْرَ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَخَيْرَ هٰذَا الْيَوْمِ وَخَيْرَ هٰذَا الشَّهْرِ
وَخَيْرَ هٰذِهِ السَّنَةِ وَخَيْرَ هٰذَا الْبَلَدِ وَاَهْلِهٖ وَخَيْرَ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ وَاَهْلِهَا وَخَيْرَ
مَا فِيْهَا وَاَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيْهَا وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّيْ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا
اِنَّ رَبِّيْ عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ و سید ابن طاؤس علیہ الرحمہ روایت کردہ است کہ ہرگاہ
کسی بتلی یا بلندی بالارود بگوید اَللّٰهُ اَكْبَرُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ
اَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الشَّرَفُ عَلٰى كُلِّ شَرَفٍ و در ادعیہ نیز منقول است
کہ ہر کہ در راہ از دشمنان و دزدان ترسد این دعا بخواند يَا اٰخِذًا بِنَوَاصِيْ خَلْقِهٖ وَالسَّابِقَ بِهَا
اِلٰى قُدْرَتِهٖ وَالْمُنْفِذَ فِيْهَا حُكْمَهٗ وَخَالِقَهَا وَجَاعِلَ قَضَائِهٖ لَهَا غَالِبًا اِنِّيْ مَكِيْدٌ
لِضَعْفِيْ وَلِقُوَّتِكَ عَلٰى مَنْ كَادَنِيْ تَعَرَّضْتُ فَاِنْ حُلْتَ بَيْنِيْ وَبَيْنَهُمْ فَذٰلِكَ مَا اَرْجُوْ
وَاِنْ اَسْلَمْتَنِيْ اِلَيْهِمْ غَيَّرُوْا مَا بِيْ نِعْمَتَكَ يَا خَيْرَ الْمُنْعِمِيْنَ لَا تَجْعَلْ اَحَدًا مُغَيِّرَ نِعْمَتِكَ
الَّتِيْ اَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ سِوَاكَ وَلَا تُغَيِّرْهَا اَنْتَ رَبِّيْ وَقَدْ تَرٰى الَّذِيْ نَزَلَ بِيْ فَحُلْ
بَيْنِيْ وَبَيْنَ شَرِّهِمْ بِحَقِّ مَا بِهٖ تَسْتَجِيْبُ الدُّعَاءَ يَا اَللّٰهُ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ و از برای
دفع دشمنان از حضرت امیر المومنین علیہ السلام منقولست این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ

اَعُوذُ بِكَ اَنْ اُضَامَ فِي سُلْطَانِكَ اللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ اَنْ اَضِلَّ فِي هُدَاكَ اللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ اَنْ اَفْتَقِرَ فِي غِنَاكَ اللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ اَنْ اَضِيعَ فِي سَلَامَتِكَ اللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ اَنْ اُغْلَبَ وَالْاَمْرُ لَكَ

و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون غولان بشما برخورند در راه اذان نماز گوئید و سید ابن طاؤس علیه الرحمه روایت کرده است که چون در منزل فرود آئید بگوئید اَللّٰهُمَّ اَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَاَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ پس دو رکعت نماز بگذارد و بسوره حمد و هر سوره که خواهد از سورهای کوچک پس بگوید اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا خَيْرَ هٰذِهِ الْبُقْعَةِ وَاَعِذْنَا مِنْ شَرِّهَا اَللّٰهُمَّ اَطْعِمْنَا مِنْ جَنَاهَا وَاَعِذْنَا مِنْ وَبَاهَا وَحَبِّبْ صَالِحِي اَهْلِهَا اِلَيْنَا پس بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَنَّ عَلِيًّا اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ اَئِمَّةٌ اَتَوَلَّاهُمْ وَاَتَبَرَّءُ مِنْ اَعْدَائِهِمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ خَيْرَ هٰذِهِ الْبُقْعَةِ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ اَوَّلَ دُخُولِنَا هٰذَا صَلَاحًا وَاَوْسَطَهُ فَلَاحًا وَاٰخِرَهُ نَجَاحًا و گفته است که هرگاه در منزل خود از جانوران زمین ترسی اینده دعا بخوان که از جمله دعاهای سر است يَا ذَارِئَ مَنْ فِي الْاَرْضِ كُلِّهَا بِعِلْمِكَ بِمَا يَكُونُ مِمَّا ذَرَاْتَ لَكَ السُّلْطَانُ عَلٰى كُلِّ مَنْ دُونَكَ اِنِّي اَعُوذُ بِقُدْرَتِكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ وَمِنَ الضُّرِّ فِي بَدَنِي مِنْ سَبُعٍ اَوْ هَامَّةٍ اَوْ عَارِضٍ مِنْ سَائِرِ الدَّوَابِّ يَا خَالِقَهَا بِفِطْرَتِهِ اِدْرَاْهَا عَنِّي وَاحْجُزْهَا وَلَا تُسَلِّطْهَا عَلَيَّ وَعَافِنِي مِنْ شَرِّهَا وَبَاْسِهَا يَا اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ احْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَاَجِرْنِي بِسِتْرِكَ الْوَاقِي فِي مَخَاوِفِي يَا رَحِيمُ

و شیخ طبرسی رحمه الله ذکر کرده است که چون خواهی بار کنی دو رکعت نماز بگذار و از خدا بطلب حفظ و حمایت الٰهی را و آنموضع و اهل آنموضع را وداع کن که هر موضع را اهلی از ملائکه هست پس بگو اَلسَّلَامُ عَلٰى مَلَائِكَةِ اللّٰهِ الْحَافِظِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلٰى عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِينَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

فصل دهم در آداب سفر دریا و گذشتن از پلها و جسرها

در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله علیهما منقولست که مکروه است بدریا سوار شدن از برائی تجارت و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که نیکو طلب روزی نکرده است کسیکه بدریا سوار شود برائی تجارت و در حدیث صحیح از حضرت

امام محمد باقر علیه السلام منقولست که کسیکه بکشتی سوار می شود برای تجارت دین خود را در
معرض تلف درآورده است و در اخبار معتبره وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و
آله وسلم نهی فرموده از سوار شدن دریا در وقت تلاطم و هیجان آن و در حدیث حسن از
حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چون بکشتی سوار شوی بگو بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرٖیهَا
وَمُرْسٰیهَا اِنَّ رَبِّیْ لَغَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ و چون دریا بموج آید بر جانب چپ تکیه کن و بدست راست
بسوی موج اشاره کن و بگو قَرِّیْ بِقَرَارِ اللّٰهِ وَاسْکُنِیْ بِسَکِیْنَةِ اللّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ و در بعضی از روایات وارد شده است که در وقت اضطراب
و تلاطم دریا بگوید بِسْمِ اللّٰهِ اُسْکُنْ بِسَکِیْنَةِ اللّٰهِ وَقِرَّ بِوَقَارِ اللّٰهِ وَاهْدَاْ بِاِذْنِ اللّٰهِ
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ راوی گفت که من مکرر بکشتی سوار شدم و در وقت تلاطم
امواج دریا آنچه حضرت فرموده بودند خواندم پس در ساعت ساکن شد چنانچه گویا هرگز نبوده
است و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که هر که از غرق شدن
ترسد بگوید بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرٖیهَا وَمُرْسٰیهَا اِنَّ رَبِّیْ لَغَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ بِسْمِ اللّٰهِ الْمَلِکِ الْحَقِّ
وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖ وَالْاَرْضُ جَمِیْعًا قَبْضَتُهٗ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ وَالسَّمٰوٰتُ مَطْوِیّٰتٌ
بِیَمِیْنِهٖ سُبْحٰنَهٗ وَتَعٰالٰی عَمَّا یُشْرِکُوْنَ و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که چون از غرق
شدن ترسد بگوید اللّٰهُ الَّذِیْ نَزَّلَ الْکِتٰبَ بِالْحَقِّ وَهُوَ یَتَوَلَّی الصّٰلِحِیْنَ وَمَا قَدَرُوا
اللّٰهَ تا آخر آیه و در روایت دیگر منقول است که چون خواهد بکشتی سوار شود صد مرتبه الله اکبر
بگوید و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و صد مرتبه بر ظالمان آل محمد لعنت کند
باین نحو که اَللّٰهُمَّ الْعَنْ مَنْ ظَلَمَ اٰلَ مُحَمَّدٍ پس بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَالصَّلٰوةُ
عَلٰی رَسُوْلِ اللّٰهِ وَعَلَی الصَّادِقِیْنَ مِنْ اٰلِهٖ اَللّٰهُمَّ اَحْسِنْ مَسِیْرَنَا وَعَظِّمْ اُجُوْرَنَا
اَللّٰهُمَّ بِکَ انْتَشَرْنَا وَاِلَیْکَ تَوَجَّهْنَا وَبِکَ اٰمَنَّا وَبِحَبْلِکَ اعْتَصَمْنَا وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْنَا
اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتُنَا وَرَجَاؤُنَا وَنَاصِرُنَا وَلَا تُحِلَّ بِنَا مَا لَا تُحِبُّ اَللّٰهُمَّ بِکَ نَحُلُّ وَبِکَ
نَسِیْرُ اَللّٰهُمَّ خَلِّ سَبِیْلَنَا وَاَعْظِمْ عَافِیَتَنَا اَنْتَ الْخَلِیْفَةُ فِی الْاَهْلِ وَالْمَالِ وَاَنْتَ
الْحَامِلُ فِی الْمَاءِ وَعَلَی الظَّهْرِ وَقَالَ ارْکَبُوْا فِیْهَا بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرٖیهَا وَمُرْسٰیهَا

إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ وَمَا قَدَرُوا اللهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
وَالسَّمٰوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ اللّٰهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَفَدَ
إِلَيْهِ الرِّجَالُ وَشُدَّتْ إِلَيْهِ الرِّحَالُ فَأَنْتَ سَيِّدِي أَكْرَمُ مَزُورٍ وَأَكْرَمُ مَقْصُودٍ وَقَدْ
جَعَلْتَ لِكُلِّ زَائِرٍ كَرَامَةً وَلِكُلِّ وَافِدٍ تُحْفَةً فَأَسْئَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيَّايَ فَكَاكَ
رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَاشْكُرْ سَعْيِي وَارْحَمْ مَسِيرِي مِنْ أَهْلِي بِغَيْرِ مَنٍّ مِنِّي عَلَيْكَ بَلْ
لَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ إِذْ جَعَلْتَ لِي سَبِيلاً إِلَىٰ زِيَارَتِهِ وَلِيِّكَ وَعَرَّفْتَنِي فَضْلَهُ وَحَفِظْتَنِي
فِي لَيْلِي وَنَهَارِي حَتَّىٰ بَلَّغْتَنِي هٰذَا الْمَكَانَ وَقَدْ رَجَوْتُكَ فَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي وَأَمَّلْتُكَ
فَلَا تُخَيِّبْ أَمَلِي وَاجْعَلْ مَسِيرِي هٰذَا كَفَّارَةً لِذُنُوبِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

سید ابن طاؤس رحمہ اللہ گفتہ است کہ اگر مطلبش از کشتی نشستن غیر از زیارت باشد
عبارات را تغییر بدہد بنحوی کہ مناسب مقصود او باشد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر
صادق علیہ السلام منقولست کہ بر بلندی ہر جسری و پلی شیطانی ہست چون بآنجا برسید
بسم اللہ بگوئید تا از شما دور شود و در حدیث دیگر منقول است کہ چون قدم خود را بر جسری
یا بر پلی بگذاری بگو بِسْمِ اللهِ اَللّٰهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ فصل یازدہم
در آداب متابعت و استقبال مسافر و آداب برگشتن او و در حدیث صحیح از حضرت صادق
علیہ السلام منقولست کہ چون حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم مومنی را وداع میکردند
میفرمودند رَحِمَكُمُ اللهُ وَزَوَّدَكُمُ التَّقْوَىٰ وَوَجَّهَكُمْ إِلَىٰ كُلِّ خَيْرٍ وَقَضَىٰ لَكُمْ كُلَّ
حَاجَةٍ وَسَلَّمَ لَكُمْ دِينَكُمْ وَدُنْيَاكُمْ وَرَدَّكُمْ سَالِمِينَ یعنی خدا شما را رحمت کند و پرہیزکاری را
توشہ شما گرداند و شما را بسوئی ہر خیری متوجہ گرداند و جمیع حاجات شما را برآورد و دین و دنیای
شما را سالم دارد و شما را بسلامت برگرداند بسوی جمعی کہ ایشان بسلامت باشند و در حدیث
معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیہ السلام منقولست کہ چون حضرت رسول صلی اللہ علیہ و
آلہ وسلم مسافری را وداع میکردند دست او را میگرفتند و میگفتند أَحْسَنَ اللهُ
لَكَ الصَّحَابَةَ وَأَكْمَلَ لَكَ الْمَعُونَةَ وَسَهَّلَ لَكَ الْحُزُونَةَ وَقَرَّبَ لَكَ الْبُعْدَ وَكَفَاكَ
الْمُهِمَّ وَحَفِظَ لَكَ دِينَكَ وَأَمَانَتَكَ وَخَوَاتِيمَ عَمَلِكَ وَوَجَّهَكَ لِكُلِّ خَيْرٍ

عَلَیْكَ بِتَقْوَی اللّٰهِ وَاَسْتَوْدِعُكَ اللّٰهَ سِرْ عَلٰی بَرَكَةِ اللّٰهِ و در روایت دیگر منقول است که در این وقت می‌فرمود که اَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ دِیْنَكَ وَاَمَانَتَكَ وَخَوَاتِیْمَ عَمَلِكَ وَ وَجَّهَكَ لِلْخَیْرِ حَیْثُ مَا تَوَجَّهْتَ وَزَوَّدَكَ التَّقْوٰی وَغَفَرَ لَكَ الذُّنُوْبَ و در روایت دیگر منقولست که جمعی از اصحاب بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفتند که آنحضرت را وداع کنند فرمود که اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا مَا اَذْنَبْنَا وَهَا نَحْنُ مُذْنِبُوْنَ وَثَبِّتْنَا وَاِیَّاهُمْ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِی الْاٰخِرَةِ وَالدُّنْیَا وَعَافِنَا وَاِیَّاهُمْ مِنْ شَرِّ مَا قَضَیْتَ فِیْ عِبَادِكَ وَ بِلَادِكَ فِیْ سَنَتِنَا هٰذِهِ الْمُسْتَقْبِلَةِ وَعَجِّلْ نَصْرَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَوَلِیِّهِمْ وَاَخْزِ عَدُوَّهُمْ عَاجِلًا و در حدیث معتبر منقول است که مسافر را سنت است که چون از سفر برگردد برادران مؤمن خود را الضیافت طلبد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون کسی از سفر آید برای اهل خود تحفه بیاورد اگرچه سنگی باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم میفرمود بکسیکه از مکه می‌آمد قَبِلَ اللّٰهُ مِنْكَ وَاَخْلَفَ عَلَیْكَ نَفَقَتَكَ وَغَفَرَ ذَنْبَكَ و در حدیث دیگر منقول است که هرکه دست در گردن حاجی بکند در وقتیکه از سفر راه برسد چنانست که حجر الاسود را بوسیده است و در روایت دیگر منقول است که چون کسی از سفر برگردد سزاوار آنست که مشغول کاری نشود تا غسل کند و دو رکعت کند و سجده رود و صد مرتبه شکر الهی بگوید و چون جعفر طیار از حبشه آمد حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم او را بسینه خود چسپانید و میان دو چشمش را بوسید و اصحاب حضرت رسول چون بیکدیگر میرسیدند مصافحه میکردند و چون یکی از ایشان از سفر می‌آمد دیگران دست در گردن او میکردند و در احادیث معتبره وارد شده است که مشایعت و استقبال مؤمنان مستحب است و از برای مشایعت و استقبال مؤمنان نماز را قصر میتوان کرد و روزهٔ ماه مبارک رمضان را میتوان خورد فصل دوازدهم در آداب اسپ تاختن و تیر انداختن در احادیث معتبره وارد شده است که مسابقت و گرو بندی جائز نیست مگر در اسپ و استر و الاغ و شتر و فیل و در تیراندازی و در احادیث معتبره وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم اسپ را بگرو تاختند و گرو را بر چند اوقیه نقره بستند

که مهر او قیمته تخمیناً بیست و یک مثقال نقره باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
منقولست که سواری کنید و تیراندازی کردن را دوست ترمیدارم از سواری کردن و فرمود
که هر لهو و بازی که مؤمن کند باطل است مگر در سه چیز در تادیب و تعلیم اسب کردن و تیر انداختن
و با زن خود بازی کردن که اینها حق است و بدرستیکه یک تیر که در راه خدا بیندازد حق تعالی
سه کس را می آمرزد آنکسیکه آن تیر را ساخته است و آنکسیکه آن تیر را بجهاد کننده بخشیده
است و آن کسی که آن تیر را بجهاد انداخته است و در حدیث معتبر منقول است که ملائکه میگریزند
در هنگام گرو بندی و لعنت می کنند کسی را که این کار میکند مگر در شتر و فیل دوانی
یا اسب و استر و الاغ دوانی و تیراندازی یا شمشیر و نیزه بازی و بدانکه گرو دوانیدن در اسب
و استر و الاغ و شتر و فیل جائز است و گرو بستن بر کبوتر پرانی که کدام یک دورتر بروند
یا بر کشتی راندن که دو کشتی را بر روی آب بدوانند یا آنکه دو کس گرو به بندند که بدوند که کدام
یک پیشتر بروند یا در کشتی گرفتن که کدام یک دیگری را بر زمین بزند یا در برداشتن
چیزهای گران جائز نیست اما بی آنکه گرو به بندند خلاف است و جائز بودن اینها قوی تر است
خصوصاً در کشتی گرفتن که بعضی از احادیث دلالت بر جواز میکند چنانچه در حدیث معتبر منقول
است که شبی حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم بخانه حضرت فاطمه علیها السلام آمدند و
حضرت امام حسن و حضرت امام حسین صلوات الله علیهما با آنحضرت بودند پس حضرت رسول صلی الله
علیه و آله وسلم با آن دو نور دیده خود قسمت نمودند که برخیزید و با یکدیگر کشتی بگیرید پس
ایشان مشغول کشتی گرفتن شدند و حضرت فاطمه علیها السلام پی کاری بیرون رفتند
چون برگشتند شنیدند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم میفرمایند که ای حسن بگیر حسین را
و بر زمین انداز حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند که ای پدر عجب است که بزرگتر را ترغیب
می نمائی که کوچک را بر زمین بیفکند حضرت فرمود که ای دختر اینک جبرئیل میگوید که ای
حسین حسن را بر زمین انداز من در برابر او چنین میگویم و در فقه الرضا منقول است که
زنهار چوگان بازی مکن که در آنحال شیاطین با تو می تازند و فرشتگان از تو نفرت
میکنند و اگر کسی در آنحال چهارپایش بسر در آید و او بمیرد بجهنم میرود و بدانکه در گرو بستن

مطلقاً شرط است که آن مالی را که قرار می‌کنند برای کسی قرار کنند که پیشی گیرد پس اگر
از برائی آنکسی قرار کنند که پس مانده است جائز نیست و هم چنین اگر از برائی کسی قرار کنند
که با ایشان در عمل شریک نباشد جائز نیست چنانچه متعارف است که دو کس با یکدیگر
گرو می‌بندند و دو کس تیر می‌اندازند یا اسپ می‌تازند و اگر امام از بیت المال مسلمانان
قرار کند که هر که بیشتر ببرد یا بیشتر بزند این قدر میدهم جائز است و هم چنین اگر کسی
مالی بدر آورد و بگوید که این مال از کسی است که بیشتر ببرد ازین دو کس میتازند جائز
است و هم چنین جائز است که آن دو کس که اسپ میتازند هر یک مالی بدر آورند و بگویند
که این هر دو مال از آنست که بیشتر برد و مشروط است گرو دوانیدن موافق مشهور میان
علما بچند شرط اول آنکه تعیین کنند ابتدا و انتهائی مسافتی را که در آن میتازند که اسپ
هر یک که درین مسافت پیشی گیرد او برده است دوم آنکه مالی را که گرو بر آن مال میبندند
مقدار و جنس آن معلوم باشد که چند است و از چه جنس است نقره است یا طلا یا غیر آن
سیوم آنکه حیوانی را که بر آن هر یک سوار میشوند معین کنند بدیدن و بعضی را اعتقاد آنست
که اگر تعیین آن باوصاف بکنند جائز است چهارم آنکه هر یک از اینها محتمل باشد
بحسب عادت که بر دیگری پیشی گیرد پس اگر حیوان بسیار کم رو لاغری را بتازند با حیوان
بسیار تندروی که معلوم باشد بعادت که بر آن پیشی نمیتواند گرفت جائز نیست پنجم
آنکه دو حیوان که می‌تازند از یک جنس باشند که هر دو اسپ باشند یا استر پس اگر اسپ را با
استر یا الاغ یا شتر یا فیل بتازند جائز نیست که درین شرط خلاف است و نزد فقیر
ثابت نیست ششم آنکه هر دو را یک مرتبه بتازند پس اگر شرط کنند که یکی زودتر از دیگری
بتازد جائز نیست مشهور میان علماء هفتم آنکه سوار شوند و بدوانند اگر اسپها را بی
آنکه سوار شوند بدوانند جائز نیست برین گرو بستن هشتم آنکه مسافتی تعیین کنند
که پیش از رسیدن بمنتهای آن مسافت آن چهارپایان مانده نشوند نهم آنکه آنها که با هم
میتازند مردان باشند نه زنان دهم آنکه هر دو در وقت تاختن برابر یکدیگر ایستاده
باشند و درین شرط خلاف است و اظهر آنست که اگر یکی پیشتر از دیگری ایستاده باشد

جائز است و ده اسپ را که با یکدیگر بتازند در میان عرب هر یک نامی دارد آنکه از همه پیشتر
رود آنرا مجلّی میگویند و آنکه از او پس مانده است و بر دیگران پیشی گرفته است آنرا مصلّی
میگویند و بعد از انرا تالی میگویند و بعد از انرا بارع میگویند و بعد از انرا مرتاح میگویند و
بعد از انرا حظی میگویند و بعد از انرا عاطف میگویند و بعد از انرا مؤمّل میگویند و بعد از انرا
لطیم میگویند و دهم را سکّیت میگویند که از همه پس مانده است و از برای همه جائز است چیزی
قرار دهند بغیر از آخر پس اگر این ده اسپ همه بیک بار بآخر میدان برسند از برای هیچیک
چیزی نخواهد بود و بدانکه گرو بر شمشیر و نیزه و تیر جائز است و در تیر انداختن چند چیز شرط است بحسب
مشهور میان علما اوّل آنکه تعیین کند که چند تیر که بزند برده است دوّم آنکه تعیین کند که
این چند تیر را در میان چند تیر بزند سوّم آنکه تعیین کند که بچه نحو بخورد بنشانه یکی از انها که بعد از
این بیان خواهم کرد چهارم آنکه تعیین کند که از نشانه چه مقدار دور باشند پنجم آنکه تعیین کند
بزرگی نشانه را و موضع آنرا از اماج یا نه ششم آنکه کمان هر دو تیر هر دو یک جنس باشد و درین
شرط خلاف کرده اند و اقوی آنست که شرط نیست امّا اتفاقی است که در کار نیست که کمان و تیر
معیّنی اشتراط کنند بلکه بعضی گفته اند که اگر شرط تعیین کنند باطل است هفتم آنکه یا بمبادره
باشد یا بمحاطه و مبادره آنست که شرط کنند که هر که در عرض بیست تیر پنج تیر را مثلا پیشتر بزند
برده است پس اگر هر یک ده تیر انداخته باشند و یکی از ده تا پنج را زد بر نشانه و دیگری چهار تا را زد
آنکه پنج زد برده است و اگر هر یک پنج تیر زدند هیچ یک از دیگری نبرده است و محاطه آنست که شرط
کنند که در عرض بیست تیر مثلا آنچه زده اند از کم هم بدر روند اگر یکی پنج تیر مثلا بیشتر از
دیگری زده باشد او برده است پس اگر هر یک بیست تیر بیندازند یکی پانزده تیر را بر نشانه
زده باشد و یکی ده تیر را زده باشد آنکه پانزده زده است برده است و اگر یکی چهارده تیر را زد و
دیگری ده تیر هیچیک نبرده اند و احوط آنست که در اوّل یکی از این دو صورت تعیین کنند
تا بی خلاف صحیح باشد و باید دانست که زدن نشانه چند قسم میباشد اوّل حابی یعنی در اوّل
بر زمین خورد و از زمین بجهد و بر نشانه خورد دوّم حاصر یعنی بر یکی از دو جانب نشانه متّصل
باشد سوّم خارق که نشانه را زخم کند و در آن فرو نرود چهارم خاسق که نشانه را سوراخ کند

و بسیار شود و ششم مارق که بر نشانه بخورد و از طرف دیگر بدر رود و هشتم خارم که پهلوی نشانه را بزند و در میان نشانه فرو نرود پس باید که در اول شرط کنند که بکدام نحو که بزند برده است و اگر شرط کنند که اگر بر پهلوی نشان بزند برده باشد و او بر میان نشانه بزند باز برده است و اگر شرط کنند که بر نشانه فرو رود و چنان بزند که از جانب دیگر بدر رود برده است و هم چنین هرکه پست تر شرط کنند و نیکو تر بزند برده است و اگر نیکو تر شرط کند و پست تر بزند نبرده است و باید دانست که در تیر اندازی که گرو دوانی محلل میباشد یعنی کسیکه با ایشان شریک میشود که اگر ببرد حصه بگیرد و اگر ببازد چیزی ندهد و بهتر آنست که اگر هر دو مال بیرون آورند برای گرو بندی چنین کسیرا باخود شریک کنند و احوط آنست که در اول صیغه بگویند که یکی از آنها این عقد را با این شرطها که مذکور شد بلفظ در آورد و دیگری قبول کند و سنت آنست که در هنگام تیر انداختن و اسپ تاختن غرض ایشان محض لهو نباشد بلکه مطلب ایشان ورزش جهاد در راه خدا و تقویت دین و ایمان و حمایت شیعیان از شر مخالفان بوده باشد تا ثواب عظیم بیابند و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسالت پناه صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم اصحاب خود فرموده اند که اسپ تاخته اند و آنچه بران گرو بسته اند از مال خود میدادند و در روایت دیگر منقولست که برصد و پنجاه و چهار مثقال نقره گرو بستند و چون از جنگ تبوک برگشتند با اسامه بن زید شتر گرو دوانیدند و جناب مقدس نبوی صلوات اللہ علیہ وآلہ وسلم از لعب و بازی منتزه و مبرا بودند بلکه از برائی تقویت دین اسلام و تحریص مردم بر جهاد فی سبیل اللہ بود تا کافران بر مسلمانان و مخالفان بر شیعیان مستولی نشوند و جان و مال و عرض مردم از شر اشرار محفوظ باشد و جهادی که در زمان غیبت امام علیہ السلام میباشد آن است که دفع ضرر کافران و مخالفان از شیعیان بکنند و اگر جمعی از مخالفان با کافران بر سر گروهی از شیعیان بیایند بر آنجماعت واجب است که جهاد بکنند در دفع آنها و اگر کشته شوند شهیدند اگر آنها عاجز باشند بر جمیع مومنان واجب است که مدد ایشان بکنند و در دفع آن کافران بکوشند و در احادیث معتبره وارد شده است که کسیکه برائی دفع از عرض خود یا مال خود کشته شود شهید است و در حدیث معتبر از حضرت رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ

منقول است که تمام خیرات در شمشیر و زیر سایهٔ شمشیر است و شمشیر اہل حق کلید بہشت است و شمشیر اہل باطل کلید جہنم است و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که بہشت را دری است که آنرا در گاه جہاد کنندگان میگویند آنها که در راه خدا جہاد کرده اند بسوی آن در میروند می بینند که برائی ایشان گشوده اند و ملائکه ایشانرا مرحبا میگویند و فرمود که حقتعالی ست را عزیز گردانیده است بسم اسپان ایشان و سنان نیزه های ایشان و فرمود که جبرئیل مرا خبر داد که هر که از امت تو در راه خدا جہاد کند و یک قطرهٔ بارانی یا درد سری باو برسد ثواب شہادت در نامهٔ عملش نوشته شود و در حدیث معتبر منقول است که لشکر معاویه علیه اللعنة والعذاب الشدید در زمان حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه وآله بر انبار که محلی است در حوالی کوفه غارت کردند آنحضرت خطبه خواندند که بعضی از فقرات خطبه ترجمه می شود بدرستیکه جہاد کردن از برائی خدا دریست از درہائی بہشت که حقتعالی برائی مخصوصان دوستانش گشوده است و نعمتی است که برائی ایشان ذخیره گردانیده است و جہاد زره حفظ نمایندهٔ خدا و سپر محکم الٰہی است پس هر که ترک کند جہاد را با قدرت بران حقتعالی بر دجامهٔ ذلت و خواری بپوشاند و بلا او فرا گیرد و خشنودی از و دوری کند و در دیدها حقیر و بیمقدار شود و در راه اندیشه بر دلش بسته شود و مغلوب حق گردد با او بانصاف و عدالت سلوک نکنند بدرستیکه من شما را اکثر خوانده ام بجهاد طلب گرده شب و روز آشکار و پنہان و گفتم که با ایشان جہاد کنید پیش از آنکه ایشان بجنگ شما آیند قبول نکرده اید والله که گروهی که در میان دیار و مملکت ایشان با ایشان جنگ کنید البته ایشان ذلیل و خوار و بیمقدار می شوند در نظر ہا پس سستی ورزیدید بیکدیگر حواله کردید تا آنکه غارتها بر شما آوردند و وطنہائی شما را مالک شدند اینک سردار معویه لشکرش به انبار آمده و حسان کشته و سرحدهائی لشکری شما را گرفتند و شنیده ام که شخصی از ایشان بخانه زن مسلمانی یا کافری که جزیه میدهد می آمد و دست برنج و خلخال و زراین و را میکنده هست و او چاره بجز تضرع و عجز کردن وَاِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُوْنَ گفتن نداشته است پس برگشته اند آن طاغیان با مال فراوان و هیچیک از ایشان جراحتی برنداشته و خونی از ایشان بر زمین نریخته است پس اگر مرد مسلمانی بعد از چنین مصیبتی بمیرد از حزن و تاسف محل ملامت نخواهد بود بلکه نزد من

پسندیده خواهد بود پس بسی تعجب دارم که دلهارا میمیراند و غمها را جمع میکند از جمعیت آن جماعت بر دین باطل خود و پراکندگی شما از دین حق خود پس بدا حال شما و اندوه همیشه از برای شما که نشانۀ تیر دشمنان گردیده اید بر شما غارت می آورند و شما بر ایشان غارت نمی برید و بجنگ شما می آیند و شما بجنگ ایشان نمیروید و این قسم نافرمانی خدا می کنند و شما راضی نمی شوید اگر در تابستان میگویم بجنگ بروید میگوئید که عین شدت گرماست مارا مهلت ده تا گرما کم شود و اگر در زمستان میگویم که بروید میگوئید عین شدت سرماست مارا مهلت ده تا سرما بر طرف شود هرگاه شما از سرما میگریزید از شمشیر بیشتر خواهید گریخت ای مردنمایان چند که مثل عقلهای طفلان و زنان دارید کاش شمارا هرگز ندیده بودم و شمارا نمی شناختم دلم را پر از چرک و سینه ام را پر از خشم گردانیده اید بسکه نافرمانی کردید رائی مرا ضایع کردید قریش میگویند که پسر ابوطالب شجاع است اما علم جنگ را نمیداند که از من داناتر هست بجنگ و که از من بیشتر جنگ کرده است هنوز بیست سال نداشتم که شروع بجهاد کردم و اکنون از شصت سال گذشتم اما کسی را که فرمان نبرند چه رائی بکار برد و در حدیث دیگر فرمود که حقتعالی جهاد را واجب ساخته و عظیم شمرده و آنرا موجب نصرت و یاری گردانیده و الله که دین و دنیا باصلاح نمی اید مگر بجهاد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که جهاد کننده را بالاش برساند چنان است که بنده آزاد کرده باشد و در ثواب جهاد شریک باشد و در حدیث دیگر فرمود که جهاد کنید که باعث عزت و بزرگواری فرزندان شما می شود

خاتمہ در بیان بعضی از آداب متفرقه و فوائد نافعه

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بسیار هست که بعضی شیعیان ما در افتتاح بعضی از کارها فراموش می کنند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم را پس حقتعالی ایشان را امتحان میفرماید ببلائی تا متنبه شوند و بیاد آورند شکر الهی را و ثنائی او را و حقتعالی بسبب آن بلا محو می نماید از ایشان منقصت آن تقصیر را که از ایشان صادر شده است پس باید که آدمی در ابتدائی هر کاری افتتاح نماید بگفتن بسم الله و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون حقتعالی حضرت آدم را نهی فرمود از خوردن میوۀ درخت بهشت گفت بلی پروردگارا و نگفت انشاء الله تعالی پس از آن درخت خورد و از بهشت بیرون آمد پس

حقتعالی فرموده پیغمبرش را که وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ
وَاذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ یعنی فرموده یعنی مگو چیزی را که این را میکنم فردا مگر آنکه معلق بمشیت الهی
گردانی که بگوئی مگر آنکه خدا خواهد که بکنم و یاد کن پروردگار خود را هرگاه که فراموش کنی یاد را یعنی هرگاه
که گفتن انشاء الله را فراموش کنی در هر وقت که بخاطرت بیاید بگو اگرچه بعد از یک سال باشد
و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی بن جعفر صلوات الله علیهما منقولست که نه چیز است که
گردن آنها مورث غلبهٔ فراموشی است خوردن سیب ترش و گشنیز سبز و پنیر و نیم خوردهٔ موش و بول
کردن در آب ایستاده و خواندن نوشته قبرها و راه رفتن در میان دو زن و شپش را زنده انداختن
و حجامت کردن در گودی پشت گردن و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که
سه چیز است که حافظه را زیاده میکند مسواک کردن و روزه داشتن و قرآن خواندن و در حدیث
معتبر منقولست که روزی آنحضرت غمگین شدند فرمودند که نمیدانم بچه سبب غمگین شده‌ام بر عتبه
ننشستم و میان گله گوسفندان نگذشتم و زیر جامه را ایستاده نپوشیدم و دست و رو را
بدامن جامه پاک نکردم و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ده چیز است که اندوه را
برطرف میکند راه رفتن و سوار شدن و سر در آب فرو بردن و بسبزه نظر کردن و خوردن
و آشامیدن و جماع کردن و مسواک کردن و سر شستن باخطمی و نظر بر روی زن و قبول کردن
و با مردان سخن گفتن و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که چند چیز است
که باعث پریشانی می شوند و چند چیز است که باعث توانگری میشوند اما آنها که باعث پریشانی
و فقر می شوند تار عنکبوت را در خانه گذاشتن و در حمام بول کردن و در حالت جنابت چیزی
خوردن و با چوب گز خلال کردن و ایستاده شانه کردن و خاکروبه را در خانه گذاشتن و قسم
دروغ خوردن و زنا کردن و اظهار حرص کردن و خواب کردن در میان نماز شام و خفتن و
خواب کردن بعد از صبح پیش از طلوع آفتاب و دروغ بسیار گفتن و غنا و خوانندگی شنیدن
و مردی را که در شب سوال کند چیزی ندادن و خرج را زیاده از اندازه کردن و با خویشان
بدی کردن اما آنها که موجب توانگری و زیادتی مال می شوند نماز پیشین و پسین را و نماز شام و
خفتن را با یکدیگر کردن و بعد از نماز صبح و بعد از نماز عصر تعقیب خواندن و با خویشان نیکی

واحسان کردن وساحت خانه را جاروب کردن ومال خود را با برادران مؤمن قسمت کردن
وبامداد بطلب روزی رفتن واستغفار بسیار کردن وخیانت در مال مردم نکردن وسخن حق
ودرست گفتن وآنچه مؤذن در اذان گوید از پی او گفتن ودر بیت الخلا سخن نگفتن وحرص
وطلب دنیا نداشتن وشکر کسیکه نعمتی برانکسی داشته باشد کردن واز قسم دروغ اجتناب
کردن وپیش از طعام دست شستن وریزها که در سفره ریزد خوردن وهر که هر روز سی مرتبه
سبحان الله بگوید حقتعالی هفتاد نوع بلا را از او دور گرداند که کمتر آنها پریشانی باشد ودر حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در مدح ما اهلبیت صلوات الله علیهم
اجمعین یک بیتی از شعر بگوید حق تعالی برائی او خانه در بهشت بنا کند ودر حدیث دیگر فرمود
که هر که در مدح ما بیتی از شعر بگوید مؤید بروح القدس گردد ودر حدیث دیگر از حضرت امام
رضا علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که یک بیت شعر در مدح ما اهل بیت بگوید حق تعالے
برائی او در بهشت شهری بنا کند بزرگتر از هفت برابر دنیا وچون در آن شهر در آید هر ملک
مقرب وهر پیغمبر مرسلی بدیدن او بیایند ودر حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله
وسلم منقولست که شکم کسی که پر از چرک وریم باشد بهتر است از آنکه پر از شعر باشد ودر حدیث
معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نهی فرمود از چیزی خوردن در حال
جنابت وفرمود که مورث پریشانی است ونهی فرمود از گرفتن ناخن بدندان واز مسواک
کردن در حمام واز آب بینی انداختن در مساجد واز خوردن نیم خورده موش فرمود که مسجدها
را راه مکنید که از دری در آئید واز در دیگر بدر روید مگر آنکه دو رکعت نماز بگذارید ونهی کرد
از آنکه بول کنند در زیر درخت میوه دار یا در میان راه ونهی فرمود از آنکه بدست چپ یا بر
پهلو تکیه کرده چیزی بخورند ونهی فرمود از گچ مالیدن قبرها ونماز کردن در قبرستان و
فرمود که هر که در فضائی غسل کند با خبر باشد که عورتش گشوده نشود ونهی فرمود از آب
خوردن از پیش دسته کوزه که در آنجا چرک جمع می شود ونهی فرمود از بول کردن در آب
ایستاده که باعث برطرف شدن عقل مے شود ونهی فرمود از آنکه کسی با یک پای نعل
راه رود ویا ایستاده نعل بپوشد ونهی فرمود از آنکه کسی بول کند وفرجش محاذی آفتاب

یا بمهتاب باشد و نهی فرمود که چون داخل بیت الخلا شوید اجتناب کنید از نشستن رو بقبله
و پشت بقبله و نهی فرمود از گریه بلند و نوحه بلند کردن در مصیبت و نهی فرمود از رفتن زنان
از پی جنازه و نهی فرمود از انکه محو کنند چیزی از قرآن را با آب دهان یا آنکه چیزی از قرآن را
با آب دهان بنویسند و نهی فرمود از خواب دروغ بستن و فرمود که هر که چنین کند حقتعالی
او را تکلیف میکند که بر جو گره بزند و او نتواند کرد و باین سبب معذب باشد و نهی فرمود از ساختن
صورتها و فرمود که هر که صورتی بسازد حقتعالی او را در قیامت تکلیف کند که جان در آن صورتها
بدمد و نتواند و نهی فرمود از انکه حیوانی را بآتش بسوزانند و نهی فرمود از دشنام دادن خروس
زیرا که از برای نماز بیدار میکند و نهی فرمود از انکه مؤمنی خواهد که چیزی بفروشد و یا بخرد
و دیگری بیاید و بگوید که من متاع بهتر دارم از من بخر یا من این متاع را بیشتر میخرم و نهی
فرمود از بسیار سخن گفتن در وقت جماع و فرمود که از این میباشد لال بودن فرزند و فرمود
که خاکروبه را شب در خانه مگذارید و روز بیرون برید که شیطان در ان جا میکند و نهی
فرمود از انکه در شب کسی بخوابد با دست آلوده بطعام پس اگر چنین کند و شیطان او را دیوانه
کند ملامت نکند مگر خود را و نهی فرمود از انکه کسی استنجا کند بسرگین و استخوان و نهی فرمود
از انکه زن بی رخصت شوهر از خانه بیرون رود پس اگر برود لعنت کنند او را ملائکه آسمانها
و هر که برو گذرد از جنیان و آدمیان تا بخانه برگردد و نهی فرمود از انکه زن برای غیر شوهر
خود زینت کند پس اگر بکند بر خدا لازم است که او را بآتش بسوزاند و نهی فرمود از انکه زن
نزد غیر شوهر خود و محرمانش زیاده از پنج کلمه ضروری سخن بگوید و نهی فرمود از انکه زنی
در پهلوی زن دیگر بخوابد و جامه در میان ایشان حائل نباشد و نهی فرمود از انکه زنی
با زن دیگر نقل کند انچه در خلوت میان او و شوهرش گذشته باشد و نهی فرمود از انکه کسی
با زن خود رو بقبله جماع کند و نهی کرد از انکه در میان راه با زن خود جماع کند پس اگر چنین کند
خدا و ملائکه و همه مردمان برو لعنت کنند و نهی فرمود از انکه بروند بنزد جماعتی که خبرها از آینده
میگویند مانند منجمان و کاهنان و رمالان و صوفیان کذاب هر که بنزد ایشان رود و تصدیق
کند ایشانرا پس او بیزار شده است از چیزهائی که بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم

نازل شده است و نهی فرموده از بازی کردن نرد و شطرنج و طبل و طنبور و عود
و نهی فرموده از غیبت کردن و گوش دادن آن و از سخن چینی و گوش دادن آن و فرمود
که سخن چین داخل بهشت نمی شود و نهی فرموده از رفتن بضیافت فاسقان و نهی فرموده از
قسم دروغ خوردن و فرمود که اهل خانه را از خانه بدر می اندازد و فرمود که هر که قسم دروغی بخورد
برای آنکه مال مسلمانی را ببرد خدا در قیامت با او غضب باشد مگر آنکه توبه کند و مال آن شخص را
پس دهد و نهی فرموده از نشستن بر سر خوانی که در آن شراب خورند و نهی فرموده از آنکه کسی زن
خود را بحمام فرستد یعنی در جائی که احتیاج بحمام نباشد و نهی فرموده از داخل شدن بحمام بی
لنگ و نهی فرموده از طپانچه بر رو زدن در وقت مصیبت و نهی فرموده از سخنی گفتن
که آدمی را از یاد خدا غافل گرداند و نهی فرموده از آشامیدن از ظرف طلا و نقره و نهی فرموده
از پوشیدن حریر و دیبا و ابریشم مردان اما زنان را باکی نیست و نهی فرموده از فروختن خرما در
درخت پیش از آنکه سرخ یا زرد شود و نهی فرموده از آنکه رطب را در درخت بخرما بفروشند
و انگور را در درخت بمویز بفروشند و نهی فرموده از فروختن آلت نرد یا شطرنج و نهی فرموده
از خریدن و خورانیدن شراب و فرمود که حقتعالی لعنت کرده است شراب را و آنرا که درخت انگور را
بقصد شراب بکارد و آنکه انگور را برای شراب می فشارد و آنکه میخورد و آنکه ساقی می شود
و آنکه میفروشد و آنکه میخرد و آنکه قیمتش را میخورد و آنکه برمیدارد و آنکه از برای او میبرند
و جمله ملعونند و فرمود که هر که شراب بخورد تا چهل روز نمازش مقبول نیست و اگر بمیرد و در
شکمش چیزی از شراب باشد بر خدا لازم است که بخوراند باو از آنچه از فرج زناکاران از
چرک و ریم بیرون آمده و سالها در دیگهای جهنم جوشیده است پس چون بخورد بگدازد گوشتها
و امعا و پوست ایشان و نهی فرموده از خوردن سود و از شهادت ناحق دادن و از نوشتن
کاغذ سود و لعنت کرده است خدا گیرنده سود و دهنده سود و نویسنده سود و گواه سود
را و نهی فرموده از مصافحه کردن با کافران اهل ذمه و نهی کرد از خواندن شعر در مسجد و برای
گم شده فریاد کردن در مسجد و نهی فرموده از آنکه در مسجد شمشیر برهنه کنند و از آنکه چیزی بر روی
چارپایان بزنند و نهی فرموده از آنکه کسی بعورت مسلمانی نظر کند و فرمود که هر که دست بر عورت

نماز کند هفتاد هزار ملک او را لعنت کنند و نهی فرمود از آنکه زنی بعورت زنی نظر کند
و نهی فرمود از آنکه بول کنند در حمام یا در آب یا در موضع سجده و نهی فرمود از نماز کردن در قبرستان
و در میان راه و در آسیا و در رودخانه و در جائی که آنجا شتران را می بندند و بر بام کعبه
معظمه و نهی فرمود از شستن کسی غسل را و از داغ کردن بر روی چهارپایان و نهی فرمود از
آنکه کسی بغیر از خدا قسم بخورد و فرمود که هر که بغیر از خدا قسم بخورد از رحمت خدا بری شده است و نهی
فرمود از قسم خوردن بسوره قرآن و فرمود که هر که بسوره قرآن قسم یاد کند بهر آیه یک کفاره بر او لازم
است خواه او را آن قسم راست باشد خواه دروغ و علما حمل بر استحباب کرده اند و نهی فرمود از آنکه کسی قسم بخورد بحیات
تو یا بجان فلان و نهی فرمود از آنکه کسی جنب در مسجد بنشیند و نهی فرمود از برهنه شدن در
شب و در روز و نهی فرمود از حجامت کردن در روز چهارشنبه و روز جمعه و نهی فرمود
از سخن گفتن در روز جمعه در هنگامی که پیش نماز خطبه خواند پس اگر چنین کند او را ثواب
جمعه کامل نیست و نهی فرمود از انگشتری برنج و آهن در انگشت کردن و نهی فرمود از آنکه
صورت حیوانی در نگین نقش کنند و نهی فرمود از نماز نافله کردن نزد برآمدن آفتاب و فرو رفتن
آفتاب و در نزدیک زوال و نهی فرمود از روزه گرفتن در عید رمضان و عید قربان و سه روز
بعد از عید قربان در منی و یوم الشک بقصد ماه رمضان و نهی فرمود از آنکه بر روی چهارپایان
دهن بآب گذارند و بیاشامند و فرمود که با دستهای خود آب بردارید و بیاشامید که بهترین ظرفهای
شما است و نهی فرمود از آب دهن انداختن در چاهی که آب از آن بخورند و نهی فرمود از آنکه
مزدوری را بکار فرمایند پیش از آنکه مزدش را اقرار دهند و نهی فرمود از آنکه دو کس از یکدیگر
آزردگی و دوری کنند و اگر تا سه روز باشند یا زیاده از سه روز ترک نکنند که هر که چنین کند به آتش جهنم
اولی است و نهی فرمود از آنکه طلا را بطلا و نقره را بنقره بفروشند با زیادتی بلکه میباید
برابر یکدیگر بفروشند و نهی فرمود از مدح کردن مردم در برابر ایشان و فرمود که خاک
بپاشید بر روی مدح کنندگان و فرمود که هر که مزد مزدوری را ظلم کند باو نماید حق تعالی
ثواب اعمالش را حبط کند و بوی بهشت را بر او حرام گرداند و فرمود که هر که قرآن را یاد گیرد
و از روی دلی آنرا فراموش کند در قیامت دستهایش بر گردنش بسته باشد و …

هر آیت ماری بر و مسلط گرداند مگر آنکه خدا او را بیامرزد و فرمود که هر که قرآن را بیاموزد پس بعد
از آن حرامی بخورد و یا محبت دنیا و زینت دنیا را بر عمل کردن بقرآن اختیار کند مستوجب
غضب الهی گردد مگر آنکه توبه کند و اگر بی توبه بمیرد قرآن با او خصمی کند و هر که زنا کند با زن مسلمانی
یا زن ترسائی یا جهودی یا گبری خواه آزاد باشد آن زن خواه بنده و بی توبه بمیرد حقتعالی در قبرش
سیصد در از جهنم بگشاید که از آنها مار و عقرب و اژدها بقبرش از جهنم در آیند و او در آتش بسوزد
تا روز قیامت پس چون از قبرش مبعوث شود مردم از گند او متاذی شوند و همه کس او را
باین عمل قبیح بشناسند تا بجهنم برود و فرمود که هر که در خانهٔ مومنی نظر کند که بر امر مستور او
مطلع شود خدا او را محشور گرداند با منافقانی که عیبهای مسلمانان را تفحص میکردند و از دنیا بیرون
نرود تا آنکه خدا او را رسوا کند مگر آنکه توبه کند و فرمود که هر که راضی نباشد بآنچه خدا روزی او
گردانیده است و شکایت کند و از برای خدا صبر بر تنگی روزی نکند هیچ حسنه از و بالا
نرود و در قیامت خدا از و در خشم باشد مگر آنکه توبه کند و فرمود که هر که ظلم کند بر زنی که مهر او را
ضایع کند نزد خدا زناکار است و حقتعالی در قیامت باو خطاب فرماید که ای بندهٔ من کنیز خود را بعقد تو
آوردم بر مهری و پیمانی و تو وفا بپیمان من نکردی و بر کنیز من ستم کردی پس از حسنات او
او بگیرند و در عوض آن مهر بآن زن بدهند و اگر حسنهٔ او تمام شود او را امر کنند که بجهنم برند
و نهی فرمود از پوشیدن گواهی و فرمود که هر کس که گواهی نزد او باشد و بپوشاند حقتعالی در قیامت
در حضور خلائق گوشت بدن او را بخورد او دهد و فرمود که پیوسته جبرئیل مرا وصیت میکرد در
حق همسایگان که من گمان کردم که میراثی برای او قرار خواهد داد و مرا وصیت میکرد در
باب غلامان و کنیزان که من گمان کردم که حدی مقرر خواهد کرد که چون آنقدر خدمت کنند
آزاد شوند و وصیت میکرد مرا بمسواک تا آنکه گمان کردم که واجب خواهد کرد و وصیت
میکرد مرا بنماز شب تا آنکه گمان کردم که نیکان امت من در هیچ شب نخواهند خوابید و
فرمود که هر که سبک شمارد مسلمان فقیری را پس حقتعالی را سبک شمرده است و حقتعالی
او را در قیامت سبک شمارد مگر آنکه توبه کند و هر که مسلمان محتاجی را گرامی دارد در قیامت
خدا از و خشنود باشد و هر که گناهی و خواهش حرامی او را پیش آید و از ترس خدا آنرا ترک نماید

حقتعالی جهنم بر او حرام گرداند و او را از ترس بزرگ قیامت ایمن گرداند و دو بهشت که در
قرآن او را وعده فرموده باو عطا فرماید و هر که در میان دنیا و آخرت متردد شود پس دنیا را
بر آخرت اختیار کند در قیامت او را حسنه نباشد که بسبب آن از جهنم نجات یابد و هر که آخرت
را اختیار کند بر دنیا خدا از و خشنود گردد و گناهانش را بیامرزد و هر که چشمش را پر کند از نظر
کردن بسوی کسیکه بر او حرام باشد دیدن او حقتعالی دیدهٔ او را در قیامت از آتش پر کند مگر
آنکه توبه کند. و هر که مصافحه کند با زنی که بر او حرام باشد خدا از و خشمناک گردد و هر که زنی را
بحرام در بر گیرد او را با شیطانی در یک زنجیر آتش ببندند و هر دو را بجهنم اندازند و هر که
فریب دهد مسلمانی را در خرید و فروش از ما نیست و در قیامت با یهودان محشور شود و فرمود
که هر زنی که شوهر خود را بزبان آزار دهد حقتعالی هیچ حسنه از و قبول نفرماید تا او را از خود
راضی گرداند هر چند روزها بروزه باشد و شبها بنماز ایستد و بنده ها آزاد کند و مردان اسپان
سوار کرده بجهاد فرستد و هم چنین است حال مرد اگر بر زن خود ستم کند و هر که خشمی از
کسی فرو خورد که تواند از و انتقام بکشد حقتعالی باو ثواب شهیدی کرامت فرماید و نهی
فرمود از خیانت کردن در اموال مردم و فرمود که هر که خیانت کند امانتی را در دنیا و باهلش
پس ندهد تا مرگ او را دریابد بر غیر ملت من مرده باشد و حقتعالی در قیامت از و در خشم
باشد و هر که شهادت ناحقی بر احدی از مردم بدهد حقتعالی او را بزبانش در آویزد
در درک اسفل جهنم با منافقان و هر که مال خیانتی بخرد دانسته چنان است که خود خیانت
کرده باشد و هر که حق برادر مؤمنی را حبس کند حقتعالی برکت روزی را بر او حرام گرداند
مگر آنکه توبه کند و هر که گناهی را از کسی بشنود و آنرا فاش کند چنانست که خود کرده باشد
و هر که برادر مسلمانش باو محتاج شود در قرضی و قادر باشد و ندهد حقتعالی بوی بهشت را
بر او حرام گرداند و هر که صبر کند از برای خدا بر کج خلقی زن خود حقتعالی ثواب شکر کنندگان
باو کرامت فرماید و هر زنی که سازگاری و مدارا با شوهر خود نکند و او را بدارد بر چیزی چند
که بر آنها قادر نباشد حقتعالی هیچ حسنه از او قبول نفرماید و در قیامت از و در خشم باشد
و هر که گرامی دارد برادر مسلمان خود را چنانست که خدا را گرامی داشته است و نهی فرمود

از آنکه کسی پیش نمازی گروهی کند که ایشان با او راضی باشند و هر که پیشنمازی گروهی برضای
ایشان کند در وقت مناسب حاضر شود و نماز را نیکو بجا آورد مثل ثواب همه آن گروه داشته باشد
بی آنکه از ثواب آنها کم شود و هر که برود بنزد یکی از خویشان خود بدیدن او یا برای آنکه مالی از برای
او ببرد حقتعالی ثواب صد شهید او را کرامت فرماید و هر گامی چهل هزار حسنه از برای او
نوشته شود و چهل هزار گناه از او محو شود و چهل هزار درجه برای او بلند شود و چنان باشد که صد
سال از برای خدا عبادت کرده باشد و هر که از برای کوری حاجتی از حوائج دنیای او بر آورد
و از برای او در آن حاجت راه برود تا آنحاجت او برآورده شود حقتعالی بیزاری از نفاق و بیزاری
از آتش جهنم باو عطا فرماید و هفتاد حاجت از حاجتهای دنیای او را بر آورد و پیوسته در
رحمت الهی باشد تا برگردد و هر که یک شب و یکروز بیماری باشد و بعیادت کنندگان خود شکایت
نکند حقتعالی او را با حضرت ابراهیم خلیل الله مبعوث گرداند تا آنکه بر صراط بگذرد مانند برق
لامع و هر که سعی نماید از برای بیماری در حاجتی خواه برآورده شود و خواه نشود از گناهان بیرون
آید مانند روزی که از مادر متولد شده بود پس شخصی از انصار عرض کرد که اگر آن بیمار از اهل
خانه او باشد آیا ثوابش بیشتر هست فرمود که بلی و فرمود که هر که از مؤمنی شدتی و غمی از غمهای
دنیا بردارد حقتعالی هفتاد و دو غم از غمهای آخرت را از او بردارد و هفتاد و دو بلا از بلاهای
دنیا را از او دفع کند که آسان ترین آنها درد شکم باشد و فرمود که هر که شخصی از او حقی طلبد و قادر
بر ادای آن باشد و تأخیر کند هر روز گناه عشاری بر او نوشته شود و هر که احسانی بر برادر مؤمن خود
بکند و بر او منت گذارد حقتعالی عملش را حبط کند و او را ثواب ندهد و حقتعالی میفرماید که
من بهشت را حرام کرده ام بر منت نهنده و بر بخیل و سخن چین و هر که تصدق کند بوزن
هر درهمی برای او مثل کوه احد باشد از نعیم بهشت و هر که تصدق را ببرد برای محتاجی مثل ثواب
آنکس داشته باشد که آن تصدق را داده است بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود و هر که از ترس
خدا آب از دیده های او جاری شود بهر قطره که از دیده او بیرون آید حقتعالی قصری در بهشت
باو عطا فرماید که مزین باشد بمروارید و سائر جواهر و در آن قصر باشد آنچه چشمی ندیده و گوشی
نشنیده و بر خاطری خطور نکرده باشد و هر که بسوی مسجد برود برای نماز جماعت بهر گامی

که بردارد و هفتاد هزار حسنه از برای او نوشته شود و هفتاد هزار درجه برای او بلند شود و اگر بر این حال
مرگ او را برسد حقتعالی هفتاد هزار ملک باو موکل گرداند که در قبر او را عبادت کنند و مونس
او باشند در تنهائی و از برای او طلب آمرزش کنند تا مبعوث شود و هر که اذان بگوید از برای خدا
حقتعالی باو ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق کرامت فرماید و بشفاعت
او چهل هزار گناهکار داخل بهشت شوند بدرستیکه چون مومن مؤذن اشهد ان لا اله
الا الله میگوید بر وی هفتاد هزار ملک صلوات میفرستند و از برای او استغفار میکنند و در
قیامت در سایه عرش الهی باشد تا حقتعالی از حساب خلایق فارغ شود و ثواب گفتن اشهد
ان محمدا رسول الله ثواب چهل هزار ملک باشد و اگر در نماز جماعت محافظت نماید بر صف
اول و تکبیر اول و آزار مسلمانی نکند حقتعالی مثل ثواب مؤذن در دنیا و آخرت او را کرامت
فرماید و فرمود که هیچ بدی را حقیر مشمارید هر چند در نظر شما کوچک نماید و هیچ کار نیک را بزرگ
مشمارید هر چند در نظر شما بزرگ نماید بدرستیکه گناه کبیره نمیماند با استغفار و گناه صغیره نمیباشد با اصرار بلکه چون
بر گناه صغیره اصرار کردی و توبه نکردی کبیره می شود و در حدیث دیگر منقولست که نهی فرمود
از کشتن مارهائی که در خانهها میباشند و نهی فرمود از آنکه کسی گوش بدهد بسخن جماعتی که نخواهند
که او سخن ایشانرا بشنود و اگر چنین کند در قیامت در گوشش سرب خواهند ریخت و نهی فرمود
از خندیدن در قبرستانها و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه کس اند که
حقتعالی در قیامت نظر رحمت بسوی ایشان نمیکند و اعمال ایشانرا قبول نمیفرماید و
بعذاب دردناک ایشانرا معذب میگرداند مردی که دیوث باشد و کسی که فحش گوید و شنود
و پروا نکند و کسی که چیزی نداشته باشد و از مردم سؤال کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که بهشت حرام است بر هر فحش گوینده کم حیائی که پروا نکند از آنچه خود گوید و از آنچه باو گویند
چنین کسی اگر تفتیش کنی از حال او یا ولد الزنا است یا شیطان در نطفه او شریک شده است
و در حدیث معتبر دیگر فرمود که بوی بهشت از پانصد ساله راه میرسد و عاق پدر و مادر و دیوث
آنرا نمیشنود پرسیدند که دیوث کیست فرمود کسیکه زنش زنا کند و او داند و تغافل کند و در
حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که زنانی که با یکدیگر مساحقه میکنند

در قیامت ایشان را می آورند و جامه‌هائی از آتش در تنهای ایشان و زیر جامه‌ها از آتش بر ایشان
می‌پوشانند و عمودی از آتش در شکم ایشان می‌کشند و در جهنم می‌اندازند ایشان را اول کسیکه این
عمل کرد قوم لوط بودند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که کافرند بخدای
عظیم ده کس از امت من کشنده مردم بناحق و جادوگر و دیوث و کسی که در دبر زن حرام جماع
کند و کسیکه با حیوانی جماع کند و کسیکه با محرمان خود جماع کند مانند مادر و خواهر و کسیکه سعی در
فتنه و فساد کند و کسی که حربه بکافران فروشد و کسیکه زکوة مال خود ندهد و کسیکه توانائی
رفتن حج داشته باشد و بر او واجب شده نرود و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است
که هر که مست شود از شراب و بعد از آن تا چهل روز بمیرد نزد خدا مانند بت پرست است و در حدیث
دیگر منقولست که هر که در خانه او طنبور یا عود یا چیزی دیگر از آلتهائی ساز و نرد و شطرنج چهل روز
بماند مستوجب غضب الهی گردد و اگر در این چهل روز بمیرد فاجر و فاسق مرده باشد و جای او جهنم
باشد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که کبوتر در خوانندگی که می‌کنند نفرین میکنند
بر آنها که ساز با میزنند و کنیزان خوانندگان نگاه میدارند و نی و عود میزنند و در حدیث معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که چهل روز در خانه او طنبور بنوازند حقتعالی بر او مسلط
میگرداند شیطانی را که او را قفندر میگویند پس هیچ عضوی از اعضای او نماند مگر آنکه آن شیطان
بر آن می‌نشیند پس چون چنین شود حیا از او برطرف شود و پروا نکند از آنچه گوید یا شنود و غیرت از او
زایل شود تا آنکه اگر داند که با زنش زنا می‌کنند غیرت نورزد و از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند
از تفسیر این آیه کریمه فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ که ترجمه لفظش
اینست که اجتناب کنید از رجس که آن بتهاست و اجتناب کنید از گفتار باطل فرمودند که
آن بتها شطرنج است و گفتار باطل غنا و خوانندگی است و نرد بدتر از شطرنج است و اما شطرنج
پس نگاه داشتن آن کفر است و بازی کردن آن شرک است و یاد دادنش بکسی کفر است اما گناه
کبیره ترک کننده است و سلام کردن بر کسی که بازی کند گناه است و کسیکه دست در
میان آن گرداند چنان است که دست در میان گوشت خوک گرداند و کسیکه نظر کند
بسوی آن چنانست که گویا نظر کرده است بفرج مادر خود پس در اینجا التفات بر وعد لازم است

وکسی که نرد بازی کند بقمار مثل کسی است که گوشت خوک خورده وکسیکه بی قمار و گرو بندی
بازی کند چنانست که دست درمیان گوشت وخون خوک گذاشته باشد وجائز نیست انگشتری
بازی وتخته که بر روی آن نگینها میچینند وبازی میکنند اینها وامثال آن تمام قمار است حتی
بازی گردان اطفال بگردکان وزنهار صبح مزن که شیطان با او میرود وملائکه از تو بگریزند واز
حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هرکه با پسری لواطه کند حدش آنست که او را باتش
بسوزانند یا دیواری بر روی او بیفکنند یا شمشیری باو بزنند که کشته شود وخواهر و مادر آن پسر حرام
می شوند ودر روز قیامت او را محل باشند ودر کنار جهنم تا حقتعالی از حساب خلایق
فارغ شود پس او را در آتش اندازد پس در هر طبقه از طبقهای جهنم او را عذاب کنند تا باخر طبقات
جهنم برسد ولواطه بدتر از زنا است زیرا که امتی را حقتعالی بزنا هلاک نکرد وبلواطه شهری چند را
هلاک کرد واز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که لواطه آنست که در غیر دبر با پسری
عمل کند اما اگر در دبر فرو برد پس آن کفر است بخدا واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم
منقولست که هرکه مصر باشد بر وطی پسران نمیرد تا که مبتلا شود باآنکه مردم را تکلیف کند که
با او این عمل قبیح بکنند واز حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حقتعالی میفرماید که بعزت
وجلالم قسم میخورم که بر استبرق وحریر بهشت نمی‌نشینند کسی که در دبر او وطی کنند ودر حدیث
موثق منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد وگفت مرا موعظه بگو فرمود
اگر حقتعالی متکفل روزی مردم شده است پس غم خوردن تو برای چیست واگر روزی از جانب
خدا قسمت شده است پس حرص از برای چیست واگر حساب قیامت حق است پس جمع کردن
مال از برای چیست واگر آنچه در راه خدا میدهی خدا عوض میدهد پس بخل ورزیدن از برای چیست
واگر عقوبت خدا جهنم است پس نافرمانی خدا از برای چیست واگر مرگ برحق است پس شادی از
برای چیست واگر همه چیز بر خدا عرض میشود پس مکر از برای چیست واگر همه کس را بر صراط باید گذشت
پس عجب وخودستائی از برای چیست واگر همه چیز بقضا وقدر الهی است پس اندوه برای چیست
واگر دنیا فانی است پس دل بدنیا بستن برای چیست ودر حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله
علیه وآله وسلم منقولست که عابدترین مردم کسی است که آنچه بر او واجب گردیده است بجا آورد وسخی‌ترین

مردم کسی است که زکوة مال خود را بدهد و زاهدترین مردم کسی است که آنچه خدا حرام کرده است
ترک نماید و پرهیزگارترین مردم کسی است که در همه جا حق بگوید خواه برای او نفع باشد
و خواه برای او ضرر داشته باشد و عادلترین مردم کسی است که برای مردم بپسندد آنچه برای
خود پسندد و از برای مردم نخواهد آنچه از برای خود نخواهد و زیرکترین مردم کسی است که یاد مرگ بیشتر کند
و محسودترین مردم کسی است که بزیر خاک رفته باشد و از عذاب الهی ایمن شده باشد و امید ثواب خدا داشته باشد
و غافلترین مردم کسی است که از گردیدنهای دنیا از حالی بحالی پند نگیرد و صاحب قدرترین مردم کسی است
که دنیا از نزد او قدر نباشد و داناترین مردم کسی است که علم مردم را با علم خود جمع کند و شجاع ترین مردم
کسی است که بر خواهشهای نفس خود غالب باشد و گرانی ترین مردم کسی است که علمش فراوان باشد و کم بهاترین
مردم کسی است که علمش کمتر باشد و کم لذت ترین مردم کسی است که رشک بمردم برد و کم راحت ترین مردم
کسی است که بخیل است و بخیل ترین مردم کسی است که بخل ورزد در چیزیکه خدا بر او واجب گردانیده است و اولی
بحق مردم کسی است که عمل بحق بیشتر کند و بیحرمت ترین مردم کسی است که فاسق است و بیوفاترین مردم پادشاه
است و کم دوست ترین مردم پادشاه است و فقیرترین مردم صاحب طمع است و بی نیازترین مردم
کسی است که اسیر حرص نباشد و کسی ایمانش بیشتر است که خلقش نیکوتر باشد و گرامی ترین مردم
پرهیزگارترین ایشان است و کسی که قدرش عظیم است که چیزهائی که باو فائده نداشته باشد
متعرض نشود و پرهیزگارترین مردم کسی است که مجادله و منازعه نکند هر چند حق باو باشد
و بیمروت ترین مردم کسی است که دروغگو است و شقی ترین مردم پادشاهانند و دشمن ترین
مردم نزد خدا و خلق متکبرانند و کسیکه در طاعت الهی سعی بیشتر کرده است که ترک گناهان
کرده باشد و داناترین مردم کسی است که از جاهلان بگریزد و سعادتمندترین مردم کسی است که
به نیکان خلطه نماید و عاقلترین مردم کسی است که با مردم مدارا بیشتر کند و سزاوارترین مردم بتهمت
کسی است که با اهل تهمت همنشینی کند و طاغی ترین مردم کسی است که بکشد کسی را که قصد کشتن او
نداشته باشد و بزند کسی را که او را نزند و سزاوارترین مردم بعفو کردن کسی است که قدرت بعقوبت
بیشتر داشته باشد و سزاوارترین بگناهکاری کسی است که در حضور مردم سفاهت کند و در [illegible]
غائبانه غیبت کند و ذلیل ترین مردم کسی است که مردم خوار کند و دوراندیش مردم کسی است

که مردم را خوار کند و دور اندیش ترین مردم کسی است که خشم خود را بیشتر فرو خورد و شایسته ترین مردم کسی است که برای مردم شایسته تر باشد و بهترین مردم کسی ست که مردم از و منتفع شوند ؛

خاتمة الطبع

لله الحمد و المنة که درین زمان میمنت اقتران و اوان برکت و سعادت نشان بفضل و توفیق ایزد منان و خالق سبحان نقش بند کن فکان و تائید حضرت سرور و سردار عالمیان و دستگیر اوصیاء برحق و جانشینان مطلق آن فخر انبیاء و سید مرسلان صلی الله علیه و آله و سلم کتاب مستطاب هدایت انتساب جامع محاسن اخلاق و محامد آداب که همه اش مستنبط و مستفاد از اخبار و احادیث ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین و مسمی و نام نهاده است بحلیة المتقین تصنیف عالم ربانی محدث عدیم النظیر و فقیه لاثانی حضرت خاتم المحدثین امام المتالهین جناب آخوند ملا محمد باقر بن ملا محمد تقی المجلسی الاصفهانی طاب الله ثراهما و جعل الجنة مثواهما در مطبع فیض منبع معروف و مشهور نزدیک و دور مطبع جناب منشی نولکشور لازال بالفرح و السرور در اوائل ماه ذی الحجه سنه ۱۳۱۲ هجری نبوی مطابق ماه اکتوبر سنه ۱۸۹۴ عیسوی زیور اختتام و حلیه انطباع پوشیده حمائل گلوی مؤمنان و تعویذ بازوی متقیان گردید فلله الحمد علی ذلک تعالی شانه و تبارک

غلطنامه حلیة المتقین

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۶	۵	اظہر	اظہر	۴۳	۱۷	خودبا	خودرا
۷	۱۸	وررودرہمہ	واردودرہمہ	۴۶	۱۸	خوردوه	خورنده
۹	۲۳	بررسس	بپروشس	۴۷	۷	مجبرلیست	مجبرلیست
۱۰	۳	درا	دوا	۵	۲۲	لحمد	ولحمد
۱۶	۴	وَلاتنزِعْ	وَلاتنزع	۵۱	۲	الآن	اآن آن
۲۰	۱۰	جدث	جدت	〃	۱۳	علی نبینا	علی نبینا وعلیه
۲۱	۱۱	لاتذرنی	لاتذرنی				السلام
〃	۱۶	ہرگاه	سیرگاه	〃	۱۸	ابدشس	ازبدنش
۲۴	۱۱	خزیَ وشعیَ	خزیٌ وشقیٌ	۵۶	۶	باب نیان	بازبیان
〃	۱۶	الله	اللهُ	۵۸	۳	ازحضرت	حضرت
〃	۲۱	الملکُ	الملکُ	۵۹	۴	باہیش	باہیش
۲۹	۸	گوبر	گوید	۹۵	۷	واگربعدازظهر	واگربعدازظهر بمیرد
〃	۱۸	رضیه	رضیه			بمیرد حقیقه ندارد	حقیقه دارد
۳۰	۱	ولبابة	والمهابة	۹۶	۴	بکنید	بکشید
〃	۲۰	صلی الله صلی	صلی الله	۱۰۶	۲۱	وحضرت	حضرت
		الله علیه واله	علیه واله	۱۰۸	۱۱	زینی بالتقی	زینی بالتقی
۳۲	۱۰	وسن	وحسن	۱۱۱	۲۲	امام موسی رضا	امام موسی
۳۷	۶	برای بهشت	برای اہل بہشت	۱۱۳	۲۲	ازوگرفتن	ازگرفتن
۴۲	۱۹	میافزاید	می افزاید	۱۱۶	۶	رندانها	دندانها

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۳۶	۱۳	لهسب	که شب
رر	۲۳	وورحدیث	وحدیث
۱۴۳	۱۲	سحر	سحره
۱۴۷	۴	ساخت	ساعت
۱۵۵	۱۳	یاسیر	یاسر
۱۵۹	۸	ایمنی داشته	ایمنی قد داشته
۱۵۷	۲۱	الخَبث	الخَبیث
۱۶۱	۶	عبور کردن	عشور گرفتن
۱۶۲	۲۰	پس از بعد	پس بعد
۱۶۳	۱۶	کسی از سر	کسی از سفر
۱۶۴	۲۱	مغیثه	مغیثه
۱۷۱	۱۶	حبز	سبز
۱۷۶	۹	لی کتاب	فی کتاب
رر	۱۴	وداوای	وداوی
۱۸۲	۱۷	بالله ایستجد شاه	[illegible]
۱۸۳	۱	بامرد	[illegible]
رر	۱۶	رسول الله	رسول رسول الله
۱۸۷	۲۲	یکفی	یکفی
۱۸۸	۴	شافی	الشافی
رر	۹	فبالکادر	آفبالکاسر
۱۹۲	۶	برودشس	بردورشس

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۹۳	۲۰	جراح	حراج
۱۹۵	۶	بخوردوداشتنا	بخورد داشتنا
۱۹۶	۷	ذُلل قلل	قلل قلل را
رر	۱۱	ویقنع	ویجنع
۲۰۰	۷	ومن شر	من شر
۲۰۲	۴	والنهار	النهار
۲۰۵	۸	اشرح	اشراح
۲۰۷	۱۷	والامر	والامر
۲۱۱	۲	تضمنت	تفمنت
۲۱۸	۲۰	از حق	حق
۲۲۰	۸	جهد	وجهد
۲۲۱	۱۰	که کسیکه	که کسی
۲۲۵	۱۱	به اخوان	با حوال
رر	۲۳	میباشد	نمی باشد
۲۲۹	۳	بروارزد	بروارزدو
۲۳۳	۲	کشند	نکشند
۲۴۴	۲	امام	همام
۲۴۷	۱۳	داود	دارو
۲۴۹	۳	ثواب جن وانس	مثل ثواب جن وانس
رر	۱۶	بعاز	بعد از
۲۵۱	۵	رکپشند	رها کشند
رر	۲۳	اهل آنرا	اهل [illegible] انرا

صفحه	سطر	غلط	صحیح				
۲۵۴	۴ و ۵	مجریها ومرسیها	مُجرٖیهَا ومُرسٖیهَا	۲۵۹	۳	تا فے	تا لے
″	۸	بوقایر	بوقادر	″	۴	موتل	موتل
″	۱۲	مجریها	مُجرٖیهَا	″	۲۲	حاضر	خاضر
″	۲۱	وَلا تحمل	لَا تُحمِلُ	۲۶۲	۷	از سرما	از سرما دگرا
۲۵۵	۲	وَخِذ	وَفذ	۲۶۳	۱۰	بر عتبه	بر عتبه یادر
″	۱۵	موسنے را	مؤمنے را	۲۷۲	۱۹	ونرد بدتر	ونرد بدتر
″	۱۷	سالمین	سالمین	″	۲۳	نادرخود	نادرخود
			الی سالمین			پسر را ایجالت	
″	۲۲	واساك	وَکفاكَ			برو حد لازم است	
″	۲۳	لکلّ خسیر	لِکُلِّ خَیر				
۲۵۶	۱۹	مشهور	موافق مشهور				